

مقاله‌ها

بگزیده مقالات کتاب‌های



學問



برگزیده مقالات کتاب های فروع مسجد شماره ۱-۷، جلد دوم

تهیه و تنظیم: مرکز رسیدگی به امور مساجد

انتشار: چاپ دوم، پاییز ۱۳۹۷

مدیر هنری: محسن هادی

نشانی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان دانشگاه جنوبی.

نیش کوچه عطارد، پلاک ۵.

کد پستی: ۱۳۱۶۷۱۳۴۹۹

تلفن: ۶۶۴۹۷۰۲۷

www.masjed.ir



« فهرست

۱۵	افصل یک: مسجد و خانواده
۱۷	بازشناسی ظرفیت‌ها و کارکردهای مسجد در حوزه خانواده
۵۵	نقش امام‌جماعت و متولیان فرهنگی مسجد در جذب خانواده‌ها
۸۷	مسجد و خانواده
۱۲۱	شاخصه‌های خانواده‌اهل مسجد
۱۴۹	کودک و مسجد
۲۰۹	بررسی تفصیلی حضور زنان در مسجد
۲۳۵	حضور بانوان در مسجد و نماز جماعت بر اساس آموزه‌های دینی
۲۹۳	بررسی احکام فقهی حضور زنان در مسجد
۳۲۱	گستره وظایف زن در خانواده
۳۴۷	افصل دو: مسجد و جوانان
۳۴۹	نقش مسجد در شکل‌گیری هویت اجتماعی نوجوانان و جوانان
۳۷۳	نقش مساجد در تربیت دینی جوانان
۳۸۹	عوامل و موانع جذب مردم، به‌ویژه نوجوان و جوانان به مساجد
۴۲۱	مسجد و مشارکت جوانان در آن
۴۵۷	افصل سه: مدیریت مسجد
۴۵۹	مدیریت مسجد: مبانی، مبادی و ضرورت‌ها
۵۴۹	تدوین الگوی مدیریت اثربخش مسجد
۶۱۱	مسجد، محلی برای برنامه‌ریزی شهری در چشم‌انداز ۱۴۰۴
۶۲۷	مسجد مجازی، بایسته چشم‌انداز بیست‌ساله ایران اسلامی
۶۵۷	ویژگی‌های مدیریت فرهنگی در مساجد
۶۸۵	نقش مسجد در مدیریت توسعه محله‌ای
۷۰۹	علل کارآمدی و موفقیت مدیریت مساجد در کشور سنگاپور (از دیدگاه خردوکلان)



« دیباچه

بسمه تعالی

در طلیعه چهل سالگی انقلاب شکوهمند اسلامی و بعد از چهار دهه تلاش و مجاهدت در عرصه های اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی، فکر و کلام رسا و راسخ امام راحل به گوش می رسد که: «مسجد محلی است که از آن باید امور اداره شود. این مساجد بود که این پیروزی را برای ملت ما درست کرد. این مراکز حساسی است که ملت باید به آن توجه داشته باشند. اینطور نباشد که خیال کنند که حالا دیگر ما پیروز شدیم، دیگر مسجد می خواهیم چه کنیم. پیروزی ما برای اداره مسجد است.»^۱

در تمام این سال ها، فعالیت های شایان توجهی در بسیاری از نهادها و سازمان های متولی در حوزه مسجد صورت گرفته است. اما دانش تخصصی مدیریت مسجد و تدوین نظریات و تجربیات مرتبط با آن، در این دوره، امری مغفول و فراموش شده بود که در آستانه چهل سالگی انقلاب اسلامی و عطف به فرمایش امام عزیز علیه السلام که پیروزی ما برای اداره مسجد است، بر آن شدیم، داشته های

^۱: ۵۹/۴/۲۰

خود را در مرکز رسیدگی به امور مساجد که به تعبیر مقام معظم رهبری، به عنوان «مرکز و مرجع مقبول، آگاه و نافذالکلمه ای در امر مساجد»^۱ محسوب می‌شود، در حوزه‌های مطالعاتی، برنامه‌ای و عملیاتی تجمیع و تدوین نموده و به محضر صاحب نظران، دست اندرکاران و کارگزاران عرصه مسجد تقدیم نماییم. امید است ضمن مطالعه و بهره‌مندی از این مجموعه، با ارائه نظرات و پیشنهادات خود، در تکمیل هر چه بهتر و کیفی محصولات در حوزه مدیریت مسجد، سهیم باشید. فراموش نکنیم «چنانچه مساجد کیفیت شایسته خود را بیابد، هزینه‌های مادی و معنوی بسیاری از دوش جامعه، مردم و مسئولان برداشته خواهد شد»^۲.

مرکز رسیدگی به امور مساجد

^۱ : ابلاغیه‌ی رهبر معظم انقلاب به آیت الله مهدوی کنی برای تاسیس مرکز

^۲ : رهبر معظم انقلاب ۱۳۹۰/۷/۱۹

فروغ مسجد

پڙيڊه مقالات ڪتاب هاڻي فروغ مسجد شمارو ۱۵-۷،

جلد دو

« مقدمه

نگاه تمدنی مقام معظم رهبری در طول دو دهه گذشته نشان از اهمیت این موضوع در منظومه فکری ایشان دارد. چنانچه معظم له در نظر و عمل تأکید فراوانی بر جهت‌گیری تمام فعالیت‌های دولت و ملت، به سمت دستیابی به تمدن نوین اسلامی داشته و دارند. چنانچه می‌فرمایند: «آرمان نظام جمهوری اسلامی را می‌شود در جمله کوتاه ایجاد تمدن اسلامی خلاصه کرد.» (۹۲/۶/۱۴) پیشرفت‌های علمی که در طول چند دهه اخیر در فضای علمی و صنعتی کشور به دست آمده و تبدیل شدن ایران به قطب اول اقتصادی منطقه خاورمیانه به طور واضح گویای این مطلب است که به فرموده معظم له بعد سخت‌افزاری تمدن حاصل شده است. (۹۱/۷/۲۳) و نشان دهنده جهت‌گیری دقیق و درست مسئولان کشور به سمت این بعد از تمدن می‌باشد. چنانچه با مشاهده تاریخ نیز می‌بینیم که بعد سخت‌افزاری یعنی پیشرفت‌های علمی در تمدن اسلامی و کل جهان بسیار چشم‌گیر بوده و یکی از پایه‌های اساسی آن تمدن درخشان در فرهنگ اسلامی بوده است.

لیکن این همه، آن آرمان بلند نیست، چنانچه رهبری عظیم الشان می‌فرمایند:

«اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد که همان سبک زندگی است که عرض کردیم. این بخش حقیقی و اصلی تمدن است...» (۹۱/۷/۲۳)

توجه به بعد فرهنگی تمدن یا بعد نرم‌افزاری آن طبق فرموده ایشان مهم‌تر از بخش سخت‌افزار است و در صورت دستیابی به آن، تمدن حقیقی تشکیل می‌شود. اما مع الأسف این مهم هنوز محقق نشده است. به طور واضح‌تر پیشرفت‌های علمی اصلاً قابل قیاس با پیشرفت‌های فرهنگی نیست که نشان از ضعف و عدم توجه مسئولان و نهادهای متولی به مقوله فرهنگ و سبک زندگی است.

در سبک زندگی اسلامی (به عنوان پایه و اساس و نرم افزار تمدن اسلامی) مسجد، محور و هسته فعالیت‌های فردی و اجتماعی است و به شهادت تاریخ، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین[†] تمام شوؤن مدیریت جامعه از جمله فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، سیاسی و ... را در مسجد سامان می‌دادند. امروز نیز در مسیر نیل به قله رفیع تمدن نوین اسلامی، مهم‌ترین تکیه‌گاه و نقطه عزیمت، مسجد است و آن هم نه هر مسجدی. بلکه این مسجد طراز اسلامی است که می‌تواند از عهده این رسالت خطیر برآید و پرچمدار ترویج و تبیین سبک زندگی اسلامی و چراغ راه حرکت به سمت تمدن والا و بی‌بدیل مورد نظر رهبری عظیم الشان باشد.

«خانه خدا و خانه مردم، خلوت انس با خدا و جلوت حشر با مردم، کانون ذکر و معراج معنوی و عرصه علم و جهاد و تدبیر دنیوی، جایگاه عبادت و پایگاه سیاست، دوگانه‌های به هم پیوسته‌ای است که تصویر مسجد اسلامی و فاصله آن با عبادتگاه‌های رایج ادیان را نمایان می‌سازد.

در مسجد اسلامی، شور و بهجت عبادت خالص با نشاط زندگی پاک و خردمندانه و سالم درهم می‌آمیزد و فرد و جامعه را به طراز اسلامی آن نزدیک می‌کند، مسجد مظهر آمیختگی دنیا و آخرت و پیوستگی فرد و جامعه در دیدگاه و اندیشه مکتب اسلام است ... تا این وظیفه به تمام و کمال گزارده نشود، هیچ یک از

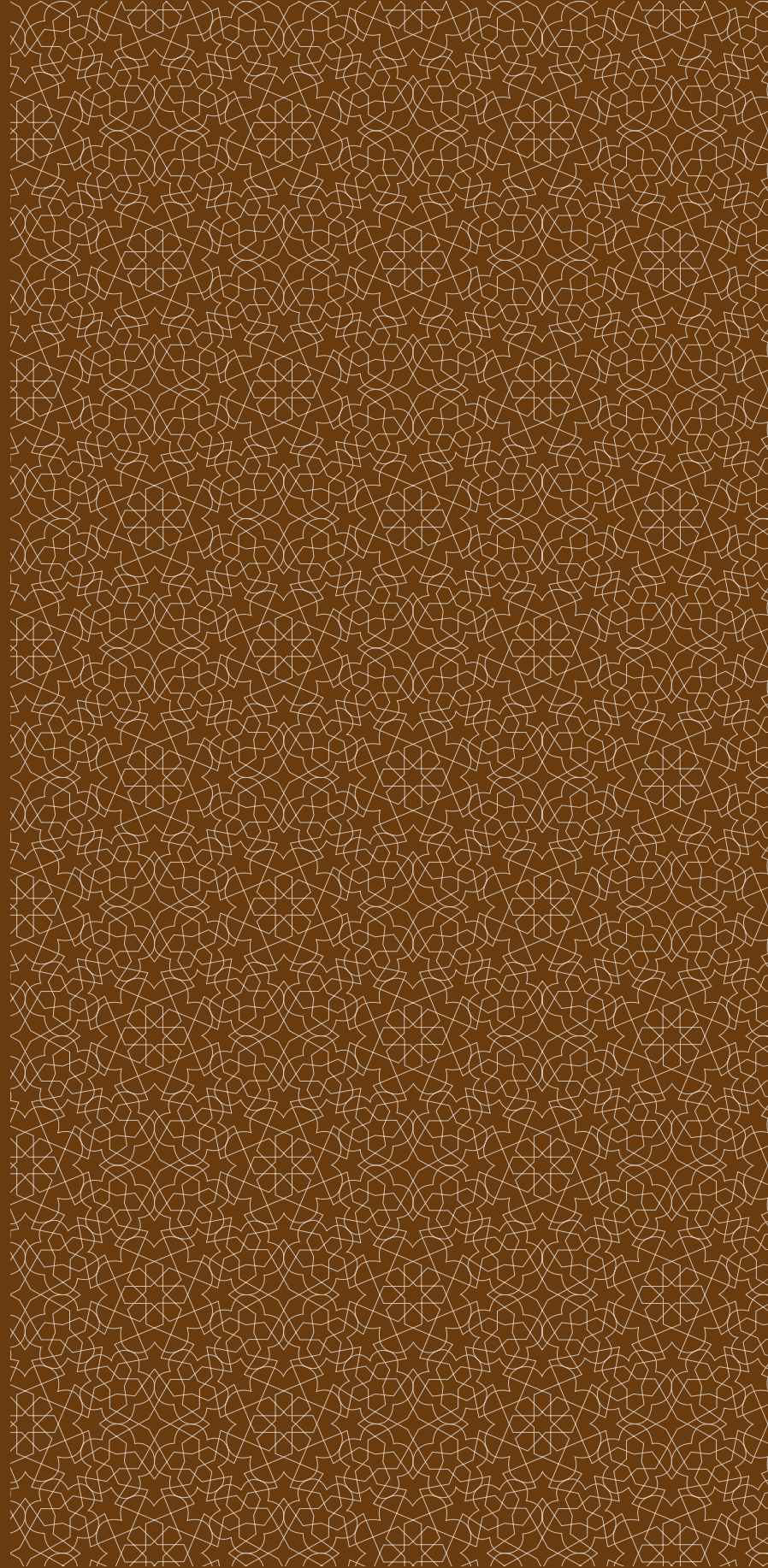
ما نباید و نمی‌توانیم خطری را که از کمبود مسجد یا ضعف و نارسایی مساجد، جامعه و جوانان و خانواده‌ها و نسل‌های آینده را تهدید می‌کند، غافل بمانیم و خود را از برکات عظیمی که مسجد طراز اسلامی به کشور و نظام و مردم هدیه می‌کند، محروم سازیم.» (پیام مقام معظم رهبری به اجلاس سراسری نماز، مهر ۱۳۸۹).

مرکز رسیدگی به امور مساجد، تبیین ملاک‌ها و شاخصه‌ها و همچنین تحقق مساجد طراز اسلامی را به عنوان یکی از راهبردهای ویژه خود در دستور کار قرار داده و برآن است تا بسترها و زمینه‌های مناسب برای رقم خوردن این اتفاق مبارک را فراهم نماید.

مجموعه مقالات حاضر که در قالب کتاب سال مرکز و با عنوان فروغ مسجد تدوین گردیده‌اند، گزیده‌ای است از بهترین مقالات گردآوری شده در کتاب‌های فروغ مسجد (از شماره ۱ تا ۷) و تلاشی است در جهت تبیین نقش و جایگاه مسجد در بعد نرم‌افزاری تمدن‌نویین اسلامی. امید است در نظر فرهیختگان ارجمند به ویژه ائمه محترم جمعه و جماعات مقبول افتد.

لازم است از زحمات خالصانه نویسندگان گرانقدر و همکاران عزیز در دفتر مطالعات و پژوهش‌ها نهایت تقدیر و تشکر را داشته باشیم. مشتاقانه در انتظار راهنمایی‌ها و پیشنهادات سازنده شما سروران گرامی هستیم.

فصل یک:
مسجد و خانواده



بازشناسی ظرفیت‌ها و کارکردهای مسجد در حوزه خانواده

عباسعلی شاملی، ش. یوسفی

چکیده

مقاله حاضر در صدد تبیین بازشناسی ظرفیت‌ها و کارکردهای مسجد در حوزه خانواده است. نویسنده تلاش کرده تا ابتدا کارکردهای مسجد از منظر قرآن و سیره نورانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام را بازشناسی کند و سپس نقش سازنده و جهت‌دهنده آن را در تحکیم نظام خانواده مورد بررسی قرار دهد. نگارنده بر این باور است که آموزه‌های دینی، پیوند جدی و عمیق خانه و مسجد را از جمله پیش‌نیازهای تعالی و ارتقای دین‌باوری و التزام عملی شهروندان هر جامعه اسلامی و پرورش بهینه مسلمانان می‌داند. در فرهنگ اسلام، مسجد همانند خانه دوّم و پناهگاهی است که هر مسلمان بخش عمده‌ای از زندگی خود را در آن می‌گذراند. از جنبه‌های دیگری که در این نوشتار به آن پرداخته شد، نقش‌هایی است که مسجد در تحکیم خانواده ایفا می‌کند و اقدام‌هایی که خانواده‌ها، در راستای کشاندن اعضای خود به خانه دوّم، باید انجام دهند.

واژگان کلیدی:

مسجد، خانه، خانواده، الگوی تربیت و آموزش در مسجد، کارکردهای مسجد و خانواده نمونه، تعامل مسجد و خانواده.

« درآمد

اگر در مقام روان‌شناسی مسلمان و کارشناس تعلیم و تربیت اسلامی به مسئله نقش مسجد در تحکیم خانواده بپردازیم، در آن صورت برای بازکردن دریچه پژوهش در این باره و هموار کردن راه پژوهش‌های برتر و کامل‌تر در باب نقش مسجدها در ارتقای زندگی خانوادگی مسلمانان ایران و دیگر کشورهای اسلامی، گامی کوچک برداشته‌ایم. این امید باعث شد تا من و همسرم، سرکار خانم یوسفی، مقاله‌ای در این باره بنویسیم. در نتیجه، کار را با جست‌وجوی منبع‌ها و داده‌های مفید شروع کردیم. نخست، سراغ منبع‌های اینترنتی رفتیم و به مقاله جالبی برخوردیم که درست عنوان مقاله ما را دنبال می‌کرد، مقاله‌ای از کشور سنگاپور با عنوان «راهنمایی برای دستیابی به مسجدی که بتواند دوست مهربانی برای خانواده باشد»^۱.

¹ "Guide on becoming a family-friendly mosque", Ms Dayang Istiaisyah, Executive, Mosque Programmes Strategic Unit.

« مفهوم‌شناسی مسجد

واژه مسجد از باب «سجد، يسجد»، مصدر میمی یا اسم زمان و مکان است و بر وزن مشرق و مغرب و به معنای سجده گاه است.^۱ در قرآن کریم و تمدن اسلامی، مسجد به مکانی گفته می‌شود که عبادتگاه مؤمنان است. از آن روی، به عبادتگاه مسلمانان مسجد می‌گویند که سر به سجده نهادن، نمود اوج فروتنی و کرنش در برابر خداوند است. در روایات اسلامی، همه زمین، مسجد و سجده گاه انسان است. رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَ طَهْرًا»^۲، زمین برای من سجده گاه، پاک و پاک‌کننده قرار داده شد. قاضی عیاض گفته است: «مسجد بودن کلّ زمین از خصایص امت مسلمان است».^۳ در برخی دیگر از روایت‌ها، مسجد خانه دوم مسلمانان و تثبیت‌کننده فرهنگ جمع‌گرایی و پرهیز از خودمحوری بیان شده است.^۴ واژه‌ها، ضمیرها و فعل‌های به کار رفته در سوره حمد نیز که در نمازهای روزانه تکرار می‌شود، به‌طور ضمنی، پنهان و غیرمستقیم، مسلمانان را به جمع‌گرایی و پرستش جمعی فرامی‌خواند.

نخستین مسجد در اسلام

مسجد قبا، نخستین مسجد جهان اسلام است که بیرون شهر مدینه قرار دارد. نخستین سنگ‌های این مسجد را حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پس از مهاجرت از مکه به مدینه بنا گذاشتند. قبا، نام قریه‌ای در نزدیکی مدینه بود. پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این مسجد را در سال اول هجری و به پیشنهاد عمار یاسر یا به تقاضای ساکنان محلّ، در قبا بنا کردند.^۵ خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَّطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُتَّطَهِّرِينَ؛ همانا، مسجدی که از اولین روز براساس تقوا بنا شده، سزاوارتر است که در آن نماز بگزارند. در آن، کسانی هستند که دوست دارند پاکیزگی جویند.

۱. لسان‌العرب، واژه مسجد، برگرفته از لوح فشرده جامع الاحادیث، نور ۲، قم، مرکز کامپیوتری علوم اسلامی.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۱۱.

۳. اعلام المساجد باحکام المساجد، ص ۲۷.

۴. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۴.

۵. مسجد قبا در ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد.

خداوند کسانی را که خواهان پاکیزگی هستند، دوست میدارد»^۱.

مسجد در قرآن

کلمه مسجد، حدود ۲۸ بار در قرآن کریم ذکر شده است؛ ۲۲ بار به صورت مفرد (مسجد)، و ۶ بار به صورت جمع (مساجد).^۲ برای ما مسلمانان، مهم ترین معیار در ارزش گذاری مسجدها، توصیف ها و شاخص گذاری های قرآن کریم است. شاید از خود بپرسیم که چگونه مسجد به مسجدهای قرآنی و مورد قبول خدای متعال تبدیل می شود؟ یکی از پاسخ ها این است که بنیان گذاران، اداره کنندگان، خدمتگزاران و نمازگزاران مسجد - در یک کلام «اهل مسجد» - نقش مهمی در شایستگی و صلاح مسجد دارند. اگر به تاریخ بنای نخستین مسجد نگاهی داشته باشیم، می فهمیم که بنای این مسجد در مقطعی از زمان رسالت پیامبر خدا ﷺ شکل گرفت که ایشان با مشرکان مبارزه می کردند و در راستای تداوم این مبارزه تاریخی و در بدو ورود به مدینه، جهت استمرار بخشی به مبارزه با مشرکان، این مکان مقدس را بنا نهادند. بنابراین، ساختار و شالوده مسجد در دوران مبارزاتی پیامبر اسلام ﷺ شکل گرفت و به مرکزی برای جهاد علیه کفار تبدیل شد.

قرآن کریم در چند آیه، ما را به این مطلب رهنمون می کند. خداوند متعال به شدت مشرکان و غیرمؤمنان را از دخالت در امور مسجد برحذر می دارد و می فرماید: «مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ بِالْكَفْرِ»^۳، مشرکانی که (با گفتار و کردار) به کفر خویش گواهی می دهند، حق دخالت در امور مسجدها را ندارند. خداوند متعال، عمارت و اداره مسجد را فقط در اختیار مؤمنانی قرار می دهد که شرایطی ویژه داشته باشند و می فرماید: «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ

^۱. توبه، آیه ۱۰۸.

^۲. سایت کتابخانه طهور، مقاله «مسجد»، مریم میرنژاد. (گفتنی است که این محقق در مقاله خود از ابوالقاسم رزاقی، «مسجد پایگاه توحید و تقوی»، ص ۱۲ و ۱۳ و نیز بهاءالدین خرمشاهی، «دانش نامه قرآن و قرآن» کمک گرفته است.)

^۳. توبه، آیه ۱۷.

إِلَّا لِلَّهِ؛ مسجدهای خدا را فقط کسانی آباد می کنند که به خدا و روز بازپسین
ایمان آورده باشند و نماز بخوانند و زکات بدهند و جز از خدا نترسند»^۱.

۱ . توبه، آیه ۱۸.

« فرهنگ اسلامی و آداب حضور در مسجد

تأکید قرآن بر وجود شرط هایی خاص برای آبادکنندگان مسجد، دو جنبه فردی و اجتماعی دارد. اهمیت شرط ها از نظر فردی این است که آبادکردن مسجد بدون ویژگی هایی که بیان شد، عملی بی روح و پیکری بی جان است که در بارگاه ربوبی بی ارزش و بی ثمر است. اهمیت شرط ها از نظر اجتماعی نیز این است که مسجد نقش های مهم اجتماعی دارد و آبادکنندگان آن باید انسان های صالح و برگزیده ای باشند تا مسجد نقش حیاتی خویش را درست ایفا کند. به دیگر سخن، باید بیشتر به افرادی اهمیت بدهیم که اهل مسجد و پاسداران و حافظان آن هستند، نه به ساخت مسجد. قرآن کریم در آیه ۱۱۴ سوره بقره، کسانی را ستمکار می داند که از نزدیک شدن و وارد شدن مردم به مسجدهای خدا و از استفاده آنها از این مکان مقدس جلوگیری می کنند. خداوند می فرماید: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» و کیست ستمکارتر از آنکه مردم را از ذکر نام خدا در مسجدها منع کند و در خرابی آن اهتمام و کوشش ورزد، چنین گروهی را نشاید که در مسجدهای مسلمانان در آیند، جز آنکه ترسناک و بیمناک باشند، نصیب این گروه در دنیا ذلت و خواری است و در آخرت عذابی بسیار سخت»^۱.

قرآن کریم برای رفتن به مسجد نیز آدابی بیان کرده است؛ از جمله در آیه ۳۱ سوره اعراف: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِي»؛ ای فرزندان آدم زیورهای خود را در مقام عبادت به خود برگیرید و از نعمت های خدا بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که خدا مسرفان را دوست ندارد». بی شک مراد از زینت، فقط آراستگی ظاهری نیست، بلکه آراسته شدن به فضائل معنوی است؛ مانند اخلاص، یاد خدا و حقیقت بندگی. قلب انسان باید مسجدی، آراسته به طهارت و پاکی و به دور از شرک، ریا و اعتقادهای نادرست باشد.

۱. بقره، آیه ۱۱۴.

مسجد، پایگاهی برای عبادت و پرستش است و به دلیل اهمیت و فضیلتش، خداوند مسجد را از آن خویش می‌داند. خداوند در آیه ۱۸ سوره جنّ می‌فرماید: «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا؛ و مسجدها مخصوص خدا است؛ پس نباید احدی را همراه با خدا پرستش کنید».

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در وصایای خود به ابوذر غفاری فرموده است: «يَا أَبَا ذَرٍّ! الْكَلِمَةُ الطَّيِّبَةُ صَدَقَةٌ وَ كُلُّ خَطْوَةٍ تَخْطُوهَا إِلَى الصَّلَاةِ صَدَقَةٌ. يَا أَبَا ذَرٍّ! مَنْ أَجَابَ دَاعِيَ اللَّهِ وَ أَحْسَنَ عِمَارَةَ مَسَاجِدِ اللَّهِ كَانَ ثَوَابُهُ مِنَ اللَّهِ الْجَنَّةَ. فَقُلْتُ: يَا أَبَا ذَرٍّ! أَنْتَ وَ أُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ، كَيْفَ يُعْمَرُ مَسَاجِدُ اللَّهِ؟ قَالَ: لَا يُزْفَعُ فِيهَا الْأَصْوَاتُ وَ لَا يُخَاضُ فِيهَا بِالْبَاطِلِ وَ لَا يُشْتَرَى فِيهَا وَ لَا يُبَاعُ فَاتْرُكِ اللَّغْوَ مَا دُمْتَ فِيهَا؛ فَإِنَّ لَمْ تَفْعَلْ، فَلَا تَلُومَنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا نَفْسَكَ؛ ای ابوذر! سخن نیکو، نوعی صدقه است و هر قدمی که برای رفتن به نماز برمی داری، صدقه است. ای ابوذر! کسی که دعوت الهی را بپذیرد و مسجدهای خدا را نیکو و آباد نگه دارد، ثواب و پاداشش بهشت است. ابوذر پرسید: ای رسول خدا! چگونه مسجدها آباد می‌شود؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: آباد کردن مسجد به این است که در آنجا صداها بلند نشود، گفت و گوهای باطل و بیهوده نشود، از خرید و فروش خودداری شود و از سخنان بیهوده پرهیز شود و اگر این امر را رعایت نکردی، در روز قیامت کسی جز خودت را ملامت و سرزنش نکن».^۱

حضرت علی علیه السلام در این باره فرموده اند: «يَأْتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ نَاسٌ يَأْتُونَ الْمَسَاجِدَ فَيَقْعُدُونَ فِيهَا حَلَقًا ذَكَرَهُمُ الدُّنْيَا وَ حُبُّ الدُّنْيَا لَا تُجَالِسُوهُمْ فَلَيْسَ لِلَّهِ فِيهِمْ حَاجَةٌ؛ در آخر زمان مردمی می‌آیند که در مسجدها حضور پیدا می‌کنند و جلسه تشکیل می‌دهند؛ اما از دنیا و دوستی آن سخن می‌گویند، شما با چنین افرادی هم نشینی نکنید؛ زیرا خداوند کاری به آنها ندارد».^۲

۱. مکارم الاخلاق، ص ۴۶۷.

۲. مجموعه ورام، ج ۱، ص ۶۹.

« مسجد تقوی و مسجد ضرار

از نظر قرآن هر مسجدی ارزش و قداست ندارد؛ برای مثال خداوند در آیه ۱۰۷ سوره توبه به مسجد ضرار اشاره می کند. دوازده منافق حسود به سرکردگی ابوعامر مسجدی مقابل مسجد قبا بنا می کنند؛ با انگیزه ضرر رساندن. آنها به بهانه اینکه بیماران و پیرمردان توانایی حضور در مسجد قبا را ندارند، مسجدی در مدینه می سازند که به مسجد ضرار معروف شد. قرآن درباره مسجد قبا سخن گفته است؛ اما با اشاره و نه با تصریح. خداوند در آیه ۱۰۸ سوره توبه می فرماید: «لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَّمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ؛ تو ای رسول ما! هرگز در مسجد آنها (مسجد ضرار) قدم مگذار؛ همانا، سزاوارتر است در مسجد (قبا) اقامه نماز کنی که بنیانش بر پایه تقوای محکم بنا گردیده است؛ در این مسجد، مردان پاکی هستند که مشتاق تهذیب نفوس خودند و خدا مردان پاک مهذب را دوست می دارد».

بیشتر مفسران عقیده دارند که مراد از مسجد، در این آیه، مسجد قبا است و خداوند در ادامه آیه به خصوصیت های مسجد قبا اشاره می کند که در واقع بیانگر علت قداست آن است. قرآن کریم در آیه ۱۰۹ سوره توبه به زیبایی و رسایی، تفاوت مسجد قبا و ضرار را بیان می کند: «أَفَمَنْ أُسِّسَ بُنْيَانُهُ عَلَىٰ تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أُسِّسَ بُنْيَانُهُ عَلَىٰ شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ؛ آیا کسی که بنیاد [کار] خود را بر پایه تقوا و خشنودی خدا نهاده، بهتر است یا کسی که بنای خود را بر لب پرتگاهی مشرف به سقوط پی ریزی کرده است، و با آن در آتش دوزخ فرومی افتد؛ خدا، گروه بیدادگران را هدایت نمی کند». بنابراین، مسجد باید بر اساس تقوا و رضایت الهی بنا شود. بر اساس قرآن کریم، آنچه قابلیت عروج به درگاه الهی را دارد، تقوا و صاحبان آن است؛ یعنی انسان های تقوایی، نه ظاهر عملشان.^۱

۱. جایگاه مسجد در قرآن و روایات، سایت مؤسسه فرهنگی جام طهور.

« کارکردهای مسجد در طول تاریخ^۱ »

مسجد، قدمتی به اندازه خلقت آدم (علیه السلام) و تاریخچه ای به درازای تاریخ انسان های نخستین دارد؛ زیرا عبادت و مسجد همواره با انسان بوده است. در مکتب قرآنی، نخستین خانه پرستش به دست آدم (علیه السلام) ساخته شد. کعبه، نزد همه مذهب های الهی، حتی مشرکان و بت پرستان، محترم و عظیم بوده است. قرآن کریم می فرماید: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ؛ نخستین خانه ای که برای (پرستش) مردم قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکه است و پر برکت و مایه هدایت جهانیان است»^۲.

الف) کارکردهای تربیتی مسجد

مسجد و تربیت عبادی

عبادت و راز و نیاز با خداوند، نیاز واقعی و فطری هر انسان است و مکمل یا حتی مقوم شخصیت او، گرچه عبادت در هر مکانی این نیاز روحی را به طور نسبی تأمین می کند، ولی این نیاز در مسجد و عبادت گاه بهتر و کامل تر تأمین می شود. بر این اساس، انسان بنا به فطرت خویش معبد و مسجد را دوست دارد و بدان عشق می ورزد؛ تاریخ نیز به درستی این سخن گواهی می دهد. پژوهش های تاریخی نشان می دهد که معبد با انسان همراه و همزاد بوده است. از همین رو، معصومان (علیهم السلام) مسجد را آشیانه و پناهگاه مؤمن برشمرده اند؛ پناهگاهی که انسان در آن از دغدغه و اضطراب فاصله می گیرد و به آرامش می رسد. در فرهنگ اسلام، نام مسجد یادآور بندگی در پیشگاه خداوند متعال است. مسجد، یعنی جایگاه سجده و سجده، اوج عبادت و بندگی انسان در برابر خداست؛ همان طور که امام سجاد (علیه السلام) فرموده اند: «السُّجُودُ مُنْتَهَى الْعِبَادَةِ مِنْ بَنَى آدَمَ»^۳. در حقیقت، با اینکه در آیین پاک محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم)، همه خاک زمین مسجد است^۴.

۱. در بخش توصیف و تبیین کارکردهای مسجد از مقاله «مسجد نمونه» جناب آقای رحیم نوبهار بهره برده ایم.

۲. آل عمران، آیه ۹۶.

۳. الدعوات (سلوه الحزین)، ص ۳۳.

۴. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۱۱.

ولی برترین و اصیل ترین محفل برای عبادت و تقرب جستن به خداوند متعال، مسجد است. از این رو، در قرآن کریم بر جنبه های عبادی مسجد بیش از هر بُعد دیگر آن تأکید شده است. مسجد، جایگاه عبادت و پرستش خالصانه خداوند است: «وَ أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا».^۱

بر پایه حدیثی قدسی از پیامبر گرامی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، خداوند مسجد را زیارتگاه خویش بر شمرده است. ایشان می فرمایند: «أَلَا طُوبَى لِعَبْدٍ تَوَضَّأَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي؛ خوشا به حال بنده ای که در خانه خویش وضو بگیرد، آنگاه مرا در خانه ام زیارت کند».^۲ این زیارت، انس و قرب در سایه عبادت خالصانه مؤمنان در مسجد فراهم می آید. انوار تابناک این پرسش پاک و بی آرایش برای عرش نشینان، پرتوافکنی می کند؛ آن سان که ستارگان آسمان برای ما خاک نشینان نورافشانی می کنند: «إِنَّ بَيْتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسْجِدُ تُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ النُّجُومُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ».^۳ حضور در مسجد و عبادت در خانه خدا، افزون بر توفیقی بزرگ و کمالی ارزشمند، توفیق هایی روحی دیگری نیز در پی دارد؛ از جمله: رحمت خاص خداوند، آمرزش الهی، بهشت برین و همنشینی و همدمی با فرشتگان الهی.

مسجد و تربیت اخلاقی

مسجد، مکانی است برای تمرین خلق و خوی پسندیده انسانی؛ محلی مناسب برای عملی کردن ارزش های والای اخلاقی و رفتاری در بعد های گوناگون زندگی و همچنین پس از خودسازی فردی و اجتماعی، سکویی پروازی است به ملکوت؛ زیرا خداوند می فرماید: «فِيهِ رَجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَّطَهَّرُوا».^۴ در مسجدی که بر اساس تقوا و پارسایی تأسیس شده باشد، مردم دوست دارند پاکیزه باشند و خداوند نیز پاکیزگان را دوست دارد. با اینکه گناه های دینی و اخلاقی در همه

۱. جن، آیه ۱۸.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۸۱؛ المحاسن، ج ۱، ص ۴۷.

۳. برگرفته از مقاله رحیم نوبهار، «مسجد نمونه»، ص ۱۰.

۴. توبه، آیه ۱۰۸.

جا نکوهیده و زشت است، اما در مسجد زشتی دوچندان می یابد؛ پس مؤمن، باید تلاش بیشتری کند تا در مسجد به گناه آلوده نشود، سخنان ظالمانه بر زبان نیاورد، به آبروی دیگران تجاوز نکند، غیبت نکند، سخنان لغو و بی فایده را کنار نهد و از گفت و گوهایی که بوی دنیاپرستی می دهد، پرهیز کند.

در حقیقت، تلاش برای انجام ندادن این کارها خود تمرینی برای انجام دادن کارهای خیر و دوری از بدی هاست. همان گونه که حاجی با احرام بستن، دوری از دنیا و گناه را تمرین می کند، نمازگزار با گفتن تکبیر، در آزمون بریدن از خلق و پیوستن به خالق شرکت می کند. اثرهای سازنده و تربیتی حضور در مسجد، به تدریج به دیگر اعمال مؤمن سرایت می کند؛ زیرا حضور در مسجد، حضور در خانه خداست و به طور طبیعی کسی که با خانه خدا انس دارد، تلاش می کند در خارج از مسجد نیز عملکردی متناسب و همگون با حضور در مسجد داشته باشد. نقش تربیتی حضور در مسجد، زمانی مؤثرتر خواهد بود که مؤمن به یاد آورد در مسجد باید علاوه بر زینت های مادی، آراستگی های معنوی نیز داشته باشد؛ همچون صدق، صفا و خلوص. او باید فرمان «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»^۱ را با عمل پاسخ گوید؛ در غیر این صورت، پروردگار او را به خانه خود راه نمی دهد و اولیای بزرگ خدا نیز دست رد به سینه اش خواهند زد.

مسجد و تربیت اجتماعی

از جنبه های دیگر تربیتی مسجد، نقش مؤثر آن در پیوند دلدادگان خود با انسان های صالح و برگزیده است. از دید آگاهان مسائل تربیتی، نقش دوست خوب در سعادت انسان بسیار ممتاز است. مسجد میان مؤمنان و نخبگان و صالحان جامعه، پیوند ایجاد می کند و با این کار بستری مناسب برای پرورش و تربیت روحی آنها فراهم می کند. کسی که با خوبان در ارتباط باشد، دست کم از سر حیا از برادران دینی خود، راه انحراف را در پیش نمی گیرد؛ حتی اگر به درجه ای از تکامل نرسیده باشد که به سبب ترس از خداوند به گناه دست نزند.

۱. اعراف، آیه ۳۱.

مسجد با فراخوانی پیوسته مسلمانان به جمع روح جمع گرای، انعطاف و نظم پذیری را در آنان تقویت می کند و درون گرایی افراطی و بیگانگی از جمع را از آنان می زداید. اگر خانواده های مسلمان در مسجد به هم پیوند بخورند، بستر مناسبی برای همیاری های جمعی آنان فراهم می شود.

مسجد و کارکردهای روان شناختی

مسجد می تواند گرد ملال و اندوه را از چهره و جان مسلمان بزدايد و «افسردگی» وی را برطرف کند. مسجد، نشاط را به فرد مسلمان هدیه می کند که نشانه سلامت و تکامل روحی است. خانواده های مسجدی، در تعامل های خود، مشکلات و سختی های زندگی را در جمع دیگر خانواده ها بیان می کنند و تخلیه عاطفی می شوند و همچنین حس پذیرفتگی در جمع، آنها را از احساس تنهایی، زمین گیر شدن و واماندگی نجات می دهد. حتی اگر خانواده ها نتوانند برای یکدیگر گره ای بکشایند، احساس همدردی و صفایی که در جمع یکدیگر پیدا می کنند، انگیزه تلاش دوباره و مبارزه با مشکلات را در آنها تقویت می کند .

مسجد به طور معمول جایگاه طرح مشکلات و نارسایی های اجتماعی است. به طور طبیعی، حضور در چنین مکانی، روح تعهد و دردمندی را در فرد می دمد. پرورش این خوی پسندیده، در اشخاص نوعی مبارزه با روح بی تعهدی و بی تفاوتی است؛ روحیه ای که هرگاه در افراد جامعه - به ویژه نسل جوان - پیدا شود، آسیب های اساسی بر پیکر آن اجتماع وارد خواهد شد. یکی از زمینه هایی که فرهنگ مسئولیت و همیاری را در مسلمانان رواج می دهد، حضور خانوادگی در مسجد است. در مسجد نیازها، کاستی ها، چالش ها، فرصت ها و تهدیدها برجسته و توصیف می شود و خانواده ها می توانند برای یکدیگر پشتیبان باشند.

« ب) کارکردهای آموزشی مسجد

از همان آغاز گسترش اسلام، خط و کتابت در مسجد آموزش داده می شد و این امر موجب بروز اشکال در فعالیت های عبادی نمی شد. شاید بتوان گفت که کارکردهای آموزشی و فرهنگی مسجد، پس از کارکردهای تربیتی و به ویژه تربیت عبادی، سرآمد دیگر کارکردهای مسجد است. آموزش های اسلامی، با دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نخستین مربی و معلم مسلمانان، از مسجد آغاز شد که در واقع پایگاه تعلیماتی مسلمانان بود. مسجد که در عصر نبوت و دوره خلفای راشدین بنای بسیار ساده ای داشت، مجمع نومسلمانانی شد که برای آشنایی با آموزه های اسلامی و حل و فصل مسائل جدید، در آن رفت و آمد می کردند. اقامه نماز، استماع سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله در باب آیه های قرآن کریم، تبلیغ دین و ابلاغ احکام شرع، اعلان جنگ و جهاد و صلح، آموزش مهارت های زندگی، تقسیم غنایم جنگی، ارسال نامه ها، تشییع جنازه و مسائلی از این قبیل، در مسجد انجام می شد که بیشتر آنها با هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه آغاز شد. در واقع، «مسجد» کهن ترین دانشگاه اسلامی و اساسی ترین پایگاه تعلیم در تاریخ اسلام است.

مسجد نخستین مرکز آموزشی و مدرسه دینی

به گواهی مورخان، محققان و حتی خاورشناسان، بنای مسجد قبا و مسجد النبی در واقع پی ریزی مدرسه اسلامی بزرگی بوده است. مسلمانان و شهروندان کشورهای اسلامی، از آغاز اسلام تا چند قرن پس از آن، با پدیده ای به نام مدرسه آشنا نبودند. از این رو، محققان و مورخان پذیرفته اند که پیش از پیدایش مدرسه، مسجد نخستین و یگانه مرکز مهم آموزشی، فرهنگی در کشورهای اسلامی بوده است. هرچند برخی محققان از جایگاه های آموزشی دیگری نیز نام برده اند؛ مانند مکتب های خانگی، دارالقرآء ها و دارالحکمه ها.

شاید خوانندگان عزیز از این موضوع تعجب کنند که روزگاری میان فقیهان بحث بوده است که آیا با وجود مسجد تأسیس مدرسه جایز است یا نه! گرچه طرح

این مسئله، در فضای کنونی، برای ما شگفت‌انگیز است؛ ولی در دورانی که مسجد، یگانه پایگاه آموزشی بوده است و ناگاه سخن از مدرسه به میان آمده است. البته فقیهان شیعه و سنی، هیچ‌گاه احداث مدرسه را منع نکرده‌اند؛ آنان همواره گسترش مدرسه‌ها را تأیید می‌کردند و برخی از آنان نیز مدرسه‌های مهمی بنا کردند. غرض فقط تأکید بر این واقعیت بود که روزگاری مسجد یگانه پایگاه مهم آموزشی در کشورهای اسلامی بوده است.

محتوا و سبک آموزش در نخستین مسجدها

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در مسجد خویش آیه‌های قرآنی، احکام و معارف دینی و حتی مسائل تاریخی را آموزش می‌داد. مطلب‌هایی که در این جلسه‌ها ارائه می‌شد، با توان فکری شنوندگان متناسب بود. فاصله زمانی این جلسه‌ها باعث خستگی و ملال شنوندگان نمی‌شد. عبدالله بن مسعود که از چهره‌های علمی در روزگار پیامبر صلی الله علیه و آله به شمار می‌آید، می‌گوید: کان رسول الله یتخولنا بالموعظه فی الأیام کراهه السامه علینا؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن رو که مبادا ما (شنوندگان) خسته و ملول شویم، فقط در برخی از روزها ما را موعظه می‌فرمودند.^۱

شواهد نشان می‌دهد که این جلسه‌ها پس از برخی نمازها بیشتر برگزار می‌شد؛ مانند نماز صبح و شام که شمار بیشتری از مردم در مسجد حضور می‌یافتند و شور و نشاط فراوانی در حفظ و ثبت سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله میان شنوندگان وجود داشت. افرادی که به دلیلی توفیق حضور در این جلسه‌ها را نمی‌یافتند، به دیگران سفارش می‌کردند تا گفته‌های ایشان را کلمه به کلمه ثبت و حفظ کنند و در فرصت مناسب برای آنان بازگو کنند.

علاوه بر جلسه‌های رسمی سخنرانی، جلسه‌های آموزشی و پرسش و پاسخ نیز در مسجد پیامبر تشکیل می‌شد. در این جلسه‌ها فقط یک نفر سخن نمی‌گفت، بلکه همه با هم گفت و گو می‌کردند. حضرت صلی الله علیه و آله بیشتر وقت‌ها، پس از نماز صبح تا طلوع آفتاب، در مسجد می‌ماند. بخشی از این وقت صرف

^۱ . رواه البخاری فی کتاب العلم، باب: ما کان النبی صلی الله علیه و آله یتخولهم بالموعظه و العلم.

پاسخگویی به پرسش های دینی و حتی تعبیر خواب مسلمانان می شد. پیامبر خدا ﷺ برای تازه مسلمانان نیز - که به طبع به آموزش هایی ویژه نیاز داشتند - جلسه هایی جداگانه تشکیل می دادند. گاه در حضور آن حضرت مسابقه شعر و سخنرانی برپا می شد و پیامبر خدا ﷺ جایزه برگزیدگان را به آنان اهدا می کردند.

در غیاب آن حضرت و هنگامی که در جبهه های جنگ حضور می یافتند، فعالیت های آموزشی تعطیل نمی شد؛ بلکه کسانی چون عبدالله بن امّ مکتوم و عبدالله بن رواحه، اداره امور مسجد را بر عهده می گرفتند. جلسه های آموزشی نیز در نبود آن حضرت ادامه می یافت؛ زیرا استاد و مدرّس کلاس های آموزشی مسجد النبی فقط پیامبر اسلام ﷺ نبود. بلکه افراد دیگر نیز که صلاحیت علمی داشتند، جلسه ها را اداره می کردند.

عبدالله بن رواحه که چهره ای علمی بود، جلسه های توحید، معاد و مسائل اعتقادی را اداره می کرد. پیامبر اکرم ﷺ گاه مانند شنونده و تماشاگر، گفت و شنوهای علمی را نظاره و هدایت می کرد. آن حضرت درباره چنین مجالس می فرمود: «کم نشستن در چنین مجالسی را بر نشستن در جلسه های دعا و نیایش - که در گوشه دیگر مسجد برپا بود - ترجیح می دهم؛ زیرا من برای آموزش و تعلیم مردم به پیامبری مبعوث شده ام»^۱.

امیر مؤمنان، علی (علیه السلام) نیز در حالی که یک پله پایین تر از جایگاه پیامبر اکرم ﷺ می نشست، گاه برای مردم سخن می گفت. پیامبر اکرم ﷺ کوشش می کرد تا دامنه این تلاش ها به دیگر مسجدها نیز کشیده شود. بر پایه شواهد تاریخی، مسجد قبا نیز نشاط علمی و فعالیت های فرهنگی داشته است. به دلیل موقعیت خاص سیاسی، حضور علمی امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) در مسجد النبی، بیشتر از دیگر امامان بود. شاگردان آن دو امام بزرگوار نیز جلسه های علمی داشتند؛ همچون ابان بن تغلب، مُعاذبن مسلم، حمران بن اعین و زراره بن اعین. همه اینها به ما می فهماند که مسجد برای همیشه جایگاه

^۱ التراتیب الادراية، عبدالحی الکتانی، ج ۲، ص ۲۲۰-۲۲۱.

آموزش و فراگیری معارف اسلامی است.

گفتنی است که میان همه بحث‌ها و علوم دینی، پرداختن به علوم قرآنی در مسجد اهمیتی ویژه دارد؛ زیرا قرآن و مسجد، پیوندی خاص با یکدیگر دارند. پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این باره فرموده است: «إِنَّمَا نُصِبَتِ الْمَسَاجِدُ لِلْقُرْآنِ؛ مسجدها را برای (خواندن و فهمیدن) قرآن بنا کرده‌اند».^۱ و «مَنْ أَحَبَّ الْقُرْآنَ، فَلِيَحِبَّ الْمَسَاجِدَ؛ کسی که قرآن را دوست می‌دارد، مساجد را نیز باید دوست بدارد».^۲

پیوند مسجد و کتابخانه

مطالعه تاریخ مسجد، نشان می‌دهد که مسجد و کتابخانه همواره همراه بوده‌اند. از همان آغاز که قرآن به صورت مکتوب درآمد، مسلمانان قرآن‌های دست‌نویس را به مسجد اهدا یا وقف می‌کردند. با افزایش شمار کتاب‌ها، کتابخانه‌های مساجد نیز رشدی فزاینده یافت. بعدها کتابخانه‌ها از مسجدها جدا شدند و نهادهای اسلامی مستقلی به وجود آوردند. کتابخانه‌ها نقش بزرگی در شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی داشتند.

^۱ . الکافی، ج ۳، ص ۳۶۹.

^۲ . مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۵.

« ج) کارکردهای سیاسی و اجتماعی مسجد

مسجد، بستری برای تجربه مردم‌سالاری دینی

یکی از ویژگی های مسجد این است که برخلاف دیگر معبدها و مرکزهای دینی، با مسائل سیاسی و اجتماعی جامعه ارتباط دارد و نهادی مؤثر است. مسجد، کانون رایزنی و مشورت است؛ مشورت و مراجعه به آرای عمومی در مسائل اجتماعی نیز نقش به‌سزایی در تکامل جامعه دارد. تبادل آرا در مسائل اجتماعی، رشد و شکوفایی به ارمغان می‌آورد. مسجد در جایگاه اصیل خویش، محلّ رایزنی های سیاسی - اجتماعی است. خداوند متعال به پیامبر خویش فرمان داده بود تا در کارهای مهمّ با مردم مشورت کند و مسجد پایگاهی برای عمل به این دستور بود. از این رو، نویسندگانی که مسجد را «مجلس شورای مسلمانان» نام نهاده‌اند، سخنی گزاف نگفته‌اند.

رسم مسلمانان در زمان پیامبر اسلام ﷺ این بود که هرگاه حادثه‌ای مهمّ رخ می‌داد، جارچی ندا می‌کرد: «الصلاه جامعه»؛ یعنی برای نماز در مسجد جمع شوید. شواهد گویایی نشان می‌دهد که مسلمانان، حتی برای مشورت درباره مسائل نظامی، در مسجد جمع می‌شدند؛ در نتیجه می‌توان گفت: مسجدی که نمازگزاران آن با مسائل مهمّ اجتماعی - سیاسی رابطه فعال دارند و در آنجا پیرامون مسائل مهمّ جامعه رایزنی و تبادل آرا می‌کنند، به مسجد نمونه نزدیک تر است. گفت و گو پیرامون مشکلات اجتماعی و چاره‌اندیشی برای رفع آنها، هنگامی به نتیجه می‌رسد که اقدام‌های عملی نیز در پی داشته باشد. مسجد، پایگاه عمومی مسلمانان و محلّ حضور قشرها و خانواده‌های گوناگون است. از این رو، مسجد جایگاه مناسبی برای تعاون اجتماعی مسلمانان و مشارکت آنان در راستای رفع نارسایی های اجتماعی و خانوادگی است.

امام رضا (علیه السلام) در گفتاری نورانی، یکی از فایده‌های سازنده نماز جماعت را - که به طور معمول در مسجد برپا می‌شود - همیاری مسلمانان بر «بِرّ و تقوا» برشمرده است.^۱ این سخن، باب علمی است که صدها باب علم دیگر را برای

۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۲، باب ۱ از ابواب صلاه الجماعه، روایت ۹.

انسان می‌گشاید. کارهایی مانند جمع‌آوری کمک برای نیازمندان، پرداخت وام، اعطای خدمات درمانی، اقدام‌هایی برای تسهیل ازدواج جوانان، کارگاه‌های مهارت‌خانواده، برنامه‌ریزی برای عیادت بیماران و اموری از این دست همگی از مصداق‌های تعاون بر «برّ و تقوا» است. در سایه برنامه‌ریزی صحیح، به ویژه در مسائل خانواده، می‌توان کارهای خیر را به خوبی در مسجد انجام داد. البته پرداختن بدین امور باید به گونه‌ای باشد که به شأن، آبرو، کرامت، عزّت و حدود الهی جداسازی زنان و مردان آسیبی وارد نکند.

« د) کارکرد ارزشی مسجد

مسجد در جایگاه اصیل خود، بستری برای ارزش آفرینی و ارزش گذاری است و توجه مسلمانان را به ارزش های فراموش شده جلب می کند. در مسجد، تفاوت نیازمند و ثروتمند، رئیس و زیردست، فرمانده و سرباز، امتیازهای مادی و ظاهری کنار گذاشته می شود و همه دوش به دوش هم در یک صف نماز می خوانند. در مسجد، فقط ارزش های حقیقی برجسته می شود و محترم است؛ همچون تقوا و جهاد. بر پایه فقه اسلامی، شایسته است کسانی در صف اول نماز جماعت بایستند، که فضیلت هایی چون علم، تقوا، ایثار و جهاد داشته باشند. این امر خود نوعی ارزش گذاری و ترویج ارزش های اصیل است. خانواده ها، به ویژه دختران و پسران، با دیدن این صحنه ها و تجربه برخوردهای ارزشی، به طور مستقیم و غیرمستقیم با آموزه های ارزشی اسلام آشنا می شوند و به آن خو می گیرند.

در مسجد پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله گاه شخصی یافت می شد که نه تنها از جهاد و ایثار بویی نبرده بود، بلکه از راه های گوناگون، نفاق و دودستگی را در جامعه ترویج می داد و با پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله رودررو می شد؛ با این حال باز انتظار جایگاهی والا در مسجد داشت. مسلمانان این افراد را از مسجد طرد می کردند؛ زیرا با الهام از رهنمودهای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، آموخته بودند که مکان های حساس مسجد از آن مسلمانان مؤمن، متعهد و ایثارگر است. آری؛ مسجد، خانه دفاع از ارزش ها و مسجدیان نگاهبانان ارزش های اسلامی هستند. مختصر اینکه یکی از شاخص های مسجد نمونه، میزان نقشی است که در احیا و تثبیت ارزش های اسلامی و پاسداری از آنها ایفا می کند.

« مسجد و خانواده »

چنانچه در بندهای قبلی گفتیم، در آیه ها و روایت ها برای مسجد کارکردهای گوناگونی بیان شده است. به فراخور اهمیت و جایگاهی که جنبه های گوناگون زندگی آدمی در فرهنگ اسلام دارد، مسجد سرمایه گذاری آموزشی و تربیتی متناسبی فراهم می آورد. خانواده، قداست و منزلت خاصی در دین اسلام دارد؛ تا آنجا که بنا و نهادی را قابل مقایسه با آن نمی داند. تعبیرهایی که در قرآن و روایت ها درباره خانواده به کار رفته است، به خوبی این ادعا را ثابت می کند. خدای سبحان در آیه ۲۱ سوره نساء، ازدواج را «میثاق غلیظ» یا پیمان محکم می نامد که موجب تشکیل خانواده می شود. در آیه ۷۲ سوره نحل، خانواده را «نعمت الهی» می نامد. همچنین رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله خانواده را محبوب ترین و عزیزترین بنا نزد خدای سبحان توصیف می کند و می فرماید: «مَا بُنِيَ فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءً أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَأَعَزُّ مِنَ التَّرْوِيجِ»^۱.

بنا به باور مسجدشناسان و کارشناسان تعلیم و تربیت خانواده، مسجد جایگاه مناسبی برای ارائه آموزش های بهینه سازی خانواده است؛ زیرا گوهر اصلی خانواده اسلامی از عشق زن و شوهر به یکدیگر مایه می گیرد و خداوند می فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» از جمله نشانه های خداوند این است که از جنس خود شما همسرانی برایتان آفرید که در کنارشان بیارامید و میانتان مهر و رحمت قرار داد.^۲ بی تردید، این عشق زمینی از عشق به پروردگار جدا نیست. پیوند آسمان و زمین، در چارچوب خانواده، جلوه های معیشتی دیگری هم دارد. برای مثال، تلاش نان آور خانواده برای اداره خانواده و تدارک نیازهای اعضای آن در فرهنگ اسلامی، جهاد در راه خدا است: «الكَادُّ لِعَالِيهِه كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛ تلاش گر و نان آور خانواده همانند جهادگر در جبهه نبرد است.^۳ از این رو، هرگاه فردی برای خانه و خانواده اش تلاش کند و بخواهد

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۲؛ بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۲.

۲. روم، آیه ۲۱.

۳. شرح اصول الکافی (صدر)، ج ۱، ص ۴۳۳-۴۰۰.

رفاه و خوشی را برای آنها به ارمغان آورد، به فرموده پیامبر اسلام ﷺ در راستای عبادت و بندگی خدا گام برداشته است. به نظر نگانده، برای فهم نقش مسجد در تحکیم نظام خانواده، بهتر است نخست دریابیم که خانواده چه کارکردهایی دارد و پس از آن کاوش کنیم که مسجد تا چه اندازه می تواند در تسهیل و هموارسازی این کارکردها مؤثر باشد.

کارشناسان امور خانواده بر این باورند که خانواده به طور معمول سه کارکرد اساسی دارد:

۱. ارضای نیازهای جنسی، عاطفی و روان شناختی زن و شوهر؛
۲. تداوم نسل انسانی در قالب زاد و ولدها؛
۳. پرورش روح هم گرایی و هموارسازی مهارت جامعه پذیری و اجتماعی شدن فرزندان.

آموزه های اجتماعی اسلام که به طور معمول در فضای مسجد و به مسجدیان داده می شود، مسلمانان را برای ایفای نقش بهتر در سه کارکردی که گفته شد، به ویژه مهارت جامعه پذیری و اجتماعی سازی، آماده می کند. زن و شوهر در حریم خانواده به بهترین شکل نیازهای عاطفی و جنسی یکدیگر را برآورده می کنند و این نهاد عامل مهمی در حفظ سلامت اخلاقی افراد و جوامع است. حمایت روانی زن و مرد از یکدیگر که ناشی از برقراری پیوندهای عاشقانه است، بیش از هر رابطه انسانی دیگر مهم بوده است. در اسلام، ازدواج قراردادی است که به صورت طبیعی و با کمترین هزینه، نسل انسان را تداوم می بخشد. خدای متعال در آیه ۷۲ سوره نحل می فرماید: «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَ حَفَدَةً...؛ خداوند از جنس شما همسرانی برایتان قرار داد و از این همسران برایتان فرزندان و نوادگانی قرار داد...». پیام ضمنی دیگر این آیه شریفه، پیدایش و تداوم نسل آدمی در پرتوی ازدواج است. پرورش اجتماعی فرزندان نیز که با عواطف مثبت والدین و در چارچوب خانواده به بهترین شکل صورت می گیرد، از مهم ترین کارکردهای خانواده است. البته روابط عاشقانه و مناسب (اخلاقی و قانونی) میان اعضای خانواده، شرط

اساسی ایفای این سه کارکرد است. بی تردید، اگر این روابط کاهش یابد یا خشنودکننده نباشد، کارکردهای خانواده تضعیف خواهد شد.^۱

در فرهنگ اجتماعی اسلام، حضور زنان و مردان مسلمان در صحنه‌هایی تشویق شده است که برای خیر جامعه اسلامی باشد؛ برای مثال و به ویژه در مسجد. فلسفه چنین ترغیبی این است که برای هر دو قشر، برکت‌های گوناگونی به بار می‌آورد. به علاوه، در اسلام وظیفه و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی با عنصر جنسیت مرزبندی نمی‌شود. دین اسلام، از آن جهت که بشر را با دید جمعی می‌نگرد، زن و مرد جامعه را موظف می‌داند؛ چنان که قرآن کریم مؤمنان راستین را چنین معرفی می‌کند: «أَتَمَّا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ...؛ مؤمنان راستین کسانی هستند که هم از نظر عقیده به خدا و پیامبرش معتقدند و هم از نظر درک مسائل اجتماعی و هوش جمعی جامعه را خوب می‌شناسند و همواره در مسائل جمعی حضور دارند و منزوی نیستند».^۲ امر جامع، همان مسائل جمعی نظام است؛ برای مثال نماز جمعه، تظاهرات علیه طاغوت و استکبار، حضور در انتخابات، تأیید رهبری و مسئولان اسلامی، امر به معروف عمومی و نهی از منکر جمعی و صدها نمونه دیگر از این دست است. این نموداری از وظیفه جمعی افراد جامعه است که قرآن ترسیم می‌کند و در این بخش میان زن و مرد تفاوتی وجود ندارد.^۳ همان گونه که گفتیم، مسجد از زمان پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله یکی از بسترهای مهم برای کارهای اجتماعی و رشد و ارتقای فردی بوده است و آیات قرآن، ایفای این نقش را هم بر دوش زنان و هم بر عهده مردان می‌گذارد.

۱. راه‌های تحکیم خانواده در فرآیند جهانی‌شدن، فصلنامه حوراء، شماره ۱۹.

۲. نور، آیه ۶۲.

۳. مسجد، زنان و آداب حضور، ماهنامه پیام زن، شماره ۷۷، مرداد ۷۷، برگرفته از شبکه اطلاع‌رسانی امام صادق علیه السلام.

« برکت‌های برآمده از حضور زنان در مسجد

برپایه مفاد برخی از روایت‌ها، هنگامی که زن وارد مسجد می‌شود، درست مانند مرد آرامش می‌یابد و در این مورد تفاوتی میان زن و مرد نیست. همه ما می‌دانیم که از نظر فرهنگی، مسجد بهترین مرکز برای فراگیری مسائل و آموزه‌های دینی است. مسجد، روح نماز را زنده می‌کند، میان مؤمنان الفت و محبت پدید می‌آورد و آنها را به هم نزدیک می‌کند. مسجد، بهترین جایی است که همه افراد جامعه - از هر جنس، با هر سن و سطح سواد - می‌توانند مسائل مذهبی را فراگیرند. بی‌تردید، همه زنان به مدرسه نمی‌روند و از طرفی تجربه ثابت کرده است که زنان به سخنرانی‌های رادیو و تلویزیون چندان اهمیت نمی‌دهند یا کم‌اهمیت می‌دهند؛ پس باید در جایی با وظیفه‌های دینی خود آشنا شوند. حضور در مسجد، زن را آماده می‌کند تا به روایت‌ها گوش دهد و آداب و سنن دینی را بیاموزد.

از نظر اجتماعی و سیاسی نیز امروز حضور زنان در اجتماع و امور فرهنگی، مشتی به دهان یاهو گویان و منحرفان از اسلام است؛ منحرفانی که شعار آزادی و تساوی حقوق زن و مرد سر می‌دهند و اسلام را متهم می‌کنند به تحقیر زن. تشویق زنان به حضور در اجتماع‌ها، مسجدها و نمازهای جمعه، نشان می‌دهد که اسلام با آزادی آنها مخالف نیست؛ بلکه مهم این است که حریم‌ها حفظ شود. البته این بدان معنا نیست که اسلام زن را شبیه مرد می‌داند. اگرچه زنان و مردان در طبیعت و جنسیت با هم فرق دارند؛ اما در انسانیت مساوی‌اند و ارزش زن از مرد کمتر نیست.

نه تنها امروز حضور زن در صحنه سیاسی مؤثر است، بلکه در صدر اسلام نیز چنین بوده است. داستان سوده، دختر عمار بن اسک همدانی، و زن‌های دیگری که در کتاب‌ها نقل شده است، بر درستی این سخن گواهی می‌دهد. قرآن کریم، همچنین یادآوری می‌کند که سه زن، حضرت موسی را از کشته شدن نجات دادند و او را پرورش دادند: مادر موسی، خواهر موسی و زن فرعون. این سه زن با وضعیت سیاسی زمان خود مبارزه کردند تا حضرت موسی پرورش

یافت. زنان نیز مانند مردان در تلاش و کوشش هستند. خداوند می فرماید: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ». این خطاب به انسانیت است. سرانجام انسان به لقاء الله می رسد؛ حال یا لقاء جلال یا لقاء جمال؛ بی تردید زن و مرد در این راه همتای یکدیگرند.^۲

^۱ .انشقاق، آیه ۶.

^۲ . حضور زن در مسجد، پایگاه اینترنتی حوزه. Hawzah.net.

« جدایی جنسیتی در مسجدها

در حدیثی از پیامبر اسلام ﷺ، چنین نقل شده است: کنیزان خدا را از مسجدها باز ندارید؛ در حالی که خانه هایشان برایشان بهتر است.^۱ ایشان به زنان اجازه رفتن به مسجد می دادند و زنان آن حضرت نیز برای نمازها به مسجد می رفتند؛ با این حال ایشان دستور دادند محلّ زنان از مردان جدا باشد و ورودی زنان نیز از در مردان مجزاً باشد. همچنین، پیامبر اسلام ﷺ دستور دادند تا پس از نماز، نخست زن ها و بعد مردها بیرون بروند^۲ و زنان در صف های عقب نماز جماعت بنشینند.^۳ عمر، زنان را از حضور در مسجدها منع کرد؛^۴ اما در دوره خلافت عثمان و امام علی (علیه السلام) زنان دوباره اجازه حضور در مسجدها را پیدا کردند. با گسترش قلمرو خلافت اسلامی، از ورود زنان به مسجدها جلوگیری شد. امام غزالی در احیاء العلوم نوشته است: درست آن است که فقط زالان را به مسجد راه بدهند.^۵ در دوره های جدید، زنان اجازه حضور در مسجد را دارند؛ هرچند بخش مردان و زنان با پرده ای از هم جدا می شود یا بخش زنان در قسمت بالایی قرار دارد. با این حال، در برخی از مسجدهای کشورهای اسلامی، از جمله مالزی و عربستان، هنوز زنان حق ورود ندارند.^۶

بر پایه برخی از روایت ها و احکام فقهی، نقش چشمگیری به حضور زنان داده اند و در برخی روایت ها نیز از حضور آنان نهی شده است و مسجد زنان را خانه آنان دانسته اند. باید توجه داشته باشیم که این روایت ها نمی خواهد رفت و آمد زنان را منع کند؛ بلکه همان گونه که بسیاری از فقیهان فرموده اند، مقصود این روایت ها تأکید بر لزوم مرزبندی میان زنان و مردان در روابط اجتماعی و رعایت حجاب و پاکدامنی آنان است. بی تردید، زنان بخش عظیمی از جامعه را تشکیل می دهند؛ حضور آنان در مسجد، فرصت مناسبی است برای بهره گیری

۱. صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۳-۲۳.

۲. سنن ابوداود، ج ۱، ص ۱۰۹، حدیث ۲۱۲۳۴.

۳. همان، ج ۲، ص ۶۵۸، حدیث ۱۸۴۲.

۴. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۴۶-۷۳.

۵. موطأ، ابن مالک، ص ۳۴۹.

۶. احیاء العلوم، ج ۲، ص ۱۶۲.

۷. جدایی جنسیتی در مساجد، ویکی پدیا، دانشنامه آزاد.

معنوی از این جایگاه مقدّس، آشنایی با معارف اسلامی و ارتقای دینی و معنوی شخصیت شان. برخی از زنان فقط با حضور در مسجد می توانند راه کمال را بیاموزند و به ارتقاء معنوی برسند.

« مسجد و آغاز شکل‌گیری خانواده (عقدنکاح)

از جمله کارکردهای مهم مسجد، در راستای تحکیم خانواده، تشویق مسلمانان به همسرگزینی، ازدواج، پیشنهاد همسر مناسب، فرخوانی برای مراسم ازدواج، خواندن خطبه و صیغه عقد است. داستان خطبه خوانی و اجرای عقد نکاح حضرت علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و نیز فراخوانی مراسم ازدواج ایشان، شنیدنی است.^۱ علی علیه السلام می‌فرماید که رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: ای علی! برای اهل خود طعام بافضیلتی تدارک ببین؛ گوشت و نان از سوی ما و خرما و روغن از سوی تو تهیه شود؛ سپس فرمود: ای علی! برو و هر که را خواستی دعوت کن. من به مسجد آمدم و آنجا مملوّ از صحابه بود؛ اما شرم کردم گروهی را دعوت کنم و جمعی را واگذارم. از این رو، ندا دادم: مردم! به ولیمه فاطمه علیها السلام بشتابید و مردم پذیرفتند. من از کثرت مردم و کمبود طعام شرم کردم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله متوجه ماجرا شد و فرمود: علی جان! من برای برکت یافتن ولیمه تو دعا می‌کنم.^۲

۱. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۲۹ و ۱۳۰.

۲. همان، ج ۳، ص ۹۴.

« مسجد و تداوم خانواده (تنظیم رابطه‌ها، برطرف کردن اختلاف‌ها) »

در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مسجد حامی خانواده های مسلمان بود؛ به ویژه خانواده های رزمندگان و ایثارگران. ایشان گاه با اصحاب خود، بعد از خارج شدن از مسجد، نزد خانواده های شهیدان، جانبازان و بیماران می رفت. اگر مهاجر یا انصاری به مسجد نمی آمد، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله سراغش را می گرفت و اگر نیامدنش به مسجد طول می کشید، با اصحاب به دیدن او و خانواده اش می رفتند. از جمله منش های آموزنده پیامبر سلام صلی الله علیه و آله این بود که میان اصحاب خود از آنان دلجویی می کرد و آنان را در حل مشکلات همراهی می کرد. اصحاب - هم مهاجران و هم انصار - گاهی از قوت و ضعف همسران و فرزندان خود در مسجد نکته هایی در میان می گذاشتند و پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله به تناسب آنها، در آموزش و تربیت اصحاب می کوشیدند؛ برای نمونه، مردی به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: «یا رسول الله! من همسری دارم که هرگاه وارد خانه می شوم، به استقبالم می آید و چون می خواهم از منزل بیرون روم، مرا بدرقه می کند. هرگاه مرا اندوهگین ببیند، می گوید: چه چیز تو را اندوهگین کرده؟ اگر برای مخارج زندگی ناراحتی، مطمئن باش که دیگری (خداوند) عهده دار آن است و اگر برای آخرت [و گرفتاری های قبر و قیامت] غصه می خوری، خداوند اندوهت را زیاد کند (و باید چنین باشی). رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند روی زمین کارگزاری دارد و این زن یکی از آنهاست. او نصف پاداش شهید را دارد».^۲

^۱ . بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۱۱۶.

^۲ . تحکیم بنیان خانواده از منظر اهل بیت، رونامه اطلاعات، بانک مقالات فارسی.

« تربیت خانوادگی و میل به حضور جوانان و نوجوانان در مسجد

برخی از راهکارهای تقویت ارتباط جوانان با مسجدها:^۱ هر جا سخن از مسائل تربیتی است، اولین و مهم‌ترین پایگاهی که باید بدان توجه کرد، خانواده است؛ زیرا منش، شخصیت و بسیاری از رفتارهای ما در خانواده شکل می‌گیرد. نقش خانواده در تربیت کودک آن چنان چشمگیر و مهم است که گروهی از روانشناسان معتقدند، شخصیت کودکان در پنج سال اول زندگی شکل می‌گیرد و همه مشکلات رفتاری و شخصیتی آنان نیز به این دوره برمی‌گردد.

یکی از جنبه‌های مهم یادگیری، یادگیری مشاهده‌ای است. بنا به این نظریه، ما انسان‌ها با دیدن رفتار دیگران یاد می‌گیریم که چگونه عمل کنیم. فرزندانمان نیز با دیدن رفتارهای ما یاد می‌گیرند کارهای خاصی انجام دهند. بنابراین، به گفته «ژان پیاژه»، تقلید رفتار والدین در دوران پیش عملیاتی (۷-۲ سالگی) در محیط خانه، به وضوح دیده می‌شود.^۲ برای مثال، دختر با انداختن چادر بر سر، نماز خواندن مادر را تقلید می‌کند. بنابراین، والدین با تشویق مناسب می‌توانند نوعی نگرش مثبت به مسجد و نماز در ذهن کودک ایجاد کنند؛ برای مثال لبخند مادر و گفتن جمله‌های شیرین به کودک، به نوعی مبین تأیید این حرکت است. بنا به نظریه برخی روانشناسان رفتارگرا، تشویق و تقویت در تثبیت و شکل‌گیری رفتار، بسیار مؤثر است. مسئله مهم دیگر در تربیت انسان، الگوپذیری است و ما انسان‌ها به الگو نیازمندیم. در خانواده، پدر و مادر می‌توانند بهترین الگوی فرزندان باشند و اگر چنین شود، در شکل‌گیری رفتار آنها بسیار مؤثر خواهد بود. کودکانی که شاهد حرکت سپندگونه والدین هنگام نماز هستند، به طور قطع به این نکته توجه بیشتری خواهند داشت. البته هر چه رابطه عاطفی بهتری با فرزندان داشته باشیم، آنها بیشتر تأثیر می‌گیرند. هر چند پند و نصیحت هم اثرهایی دارد؛ اما رفتار الگویی، مؤثرتر است. شاید بر همین اساس گفته‌اند که صدای عمل، بلندتر است.

۱. روزنامه کیهان (www.kayhannews.ir)، ۲۳ آذر ۱۳۸۸.

۲. مراحل تحول روانی از دید پیاژه، سایت. باشگاه اندیشه، ۱۴ خرداد ۱۳۸۷، به نقل از: <http://www.motarjem-mm.blogfa.com>

از کارهای مثبتی که والدین می‌توانند انجام دهند، بردن فرزندان به نماز جماعت و سایر مراسم‌های مذهبی است. چنین کاری، مزیت‌های بسیاری دارد؛ از جمله گرایش مثبت به مسجد و مناسک دینی، تقویت اعتماد به نفس و عزت نفس و همچنین ارتقای ارتباط‌های اجتماعی. البته شایسته است که حضور فرزندان در مسجدها و مراسم‌های مذهبی با بار عاطفی مثبت همراه باشد و خاطره‌های خوشایندی در ذهن آنان ثبت کند.

در این بین، توجه به فضای مسجد نیز در ترغیب جوانان به نماز بسیار مؤثر است و جا دارد به نکته‌هایی مهم در این باره توجه کنیم:

۱. از آنجا که گرایش به زیبایی و پاکیزگی در ذات انسان است، با تمیز نگه داشتن و آراستن فضای درونی و برونی مسجد، می‌توان کودکان و جوانان را به مسجد جلب کرد.

۲. امام جماعت مسجد، نقشی مهم در ترغیب جوانان به سوی مسجد و مراسم‌های معنوی دارد. روحانی مسجد، ضمن توجه به آراستگی و پاکیزگی ظاهر خویش، باید با روان‌شناسی نوجوان و جوان آشنا باشد تا بتواند ارتباط بهتر و مؤثرتری با آنان برقرار کند. روحانی‌ای که نیاز جوان و نوجوان را به خوبی بشناسد، بهتر می‌تواند او را در دوره‌های بحرانی و پرتلاطم راهنمایی کند؛ بنابراین، او برای مشورت بهتر به روحانی اعتماد می‌کند.

۳. برنامه‌های مسجد در مناسبت‌های مختلف باید برانگیزاننده باشد؛ زیرا فضای نورانی مسجد، نقش مهمی در جذب جوانان دارد. بنابراین، استفاده از افراد هنرمند، خوش سلیقه و جوان‌پسند برای آذین‌محراب مسجد بسیار مهم است. همچنین، بهتر است در مراسم معنوی، از فکر و سلیقه جوانان و حتی از خود آنان برای آراستن فضای درونی و برونی مسجد استفاده شود.

جوان دنبال حقیقت است و اگر موقعیت را به خوبی فراهم کنیم، دل آماده آنها پذیرا خواهد بود. در غیر این صورت، هم در برابر از دست رفتن این سرمایه‌های عظیم پاسخگو هستیم و هم دشمن با برنامه‌های هدفمند و حساب شده در تباہ کردن و جذب آنان از ما پیشی می‌گیرد. چنانچه می‌دانیم، ایجاد هر

رفتاری نیاز به زمینه دارد؛ ارتباط جوانان با مسجد نیز از این قاعده مستثنا نیست. همچون بسیاری رفتارهای دیگر، زیرساخت های چنین رفتاری باید در خانواده پی ریزی شود و والدین با الگو بودن و تقویت گرایش به سمت مسجد و نماز، این رفتار را در فرزندان نهادینه کنند. به فضای ظاهری و روانی مسجد نیز باید توجه کرد تا جوانان گرایش بیشتری به مسجد و نماز جماعت پیدا کنند. از نگاه نگانده، در جامعه اسلامی، خانواده های محلّه، زیرمجموعه مسجد همان محلّه هستند. منش مسلمانان و دین مداران، در طول تاریخ، این بوده است که بانیان حکومتی و مردمی در همه شهرها و روستاها و به فراخور تراکم جمعیت، مسجد می ساختند. این مسجدها نه تنها محلّ عبادت، اعتکاف، نمازهای جمعه و جماعت بود، بلکه مرکزی برای یادگیری، مشورت، مشاوره گیری و دادگاه خانواده بود. از زمان های گذشته، افراد ضعیف و کسانی که مشکل های شخصی و اجتماعی داشتند، به مسجد مراجعه می کردند. در سیره حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می بینیم که مؤمنان برای رفع نیازشان به حضرت روی می آوردند و آن حضرت نیز با بذل مساعدت های لازم، نیاز آنان را تا حدّ امکان برطرف می کردند. به این ترتیب، مسجد محلّ ارتباط مستقیم رهبر و مردم بود.^۱

۱. بینش اسلامی و پدیده های جغرافیایی، ص ۴۲.

« خانواده مسجد

از نگاه نگارنده، خانواده مسجد، همان خانواده هایی هستند که در مسجد رفت و آمد دارند و با هم در ارتباط معنوی و عاطفی قرار می گیرند. این خانواده ها، همانند خانواده های فامیل، یار، همراه و همدرد هم هستند و یکدیگر را در سختی های زندگی همراهی می کنند. مسجد، در جایگاه پایگاه معنوی و دینی می تواند خانواده ها را در چارچوب دین و ایمان به هم نزدیک کند و ثبات و امنیت را برایشان به ارمغان آورد. خانواده مسجد، همچنین شامل خانواده هایی می شود که از سوی مسجدیان محل، مورد تفقد و سرکشی قرار می گیرند و به برکت مؤمنان مسجد، گرد اندوه و پریشانی از چهره شان برداشته می شود. داستان اصحاب صفّه، الگوی جالبی است برای کمک و همراهی آبرومندانه نیازمندان محل. اصحاب صفّه، کسانی بودند که در زمان پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم، در محلّ خاصی از مسجد النبی و در پناه مسلمانان، زندگی می کردند. در مسجد النبی، صفّه یا ایوانچه ای ساخته شده بود که مهاجران بی سرپناه در آنجا زندگی می کردند و به «اصحاب صفّه» معروف شدند. پیش از آنکه مکان قبله از بیت المقدّس به کعبه تغییر کند، محراب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در شمال مسجد بود. پس از دستور، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای تغییر قبله، آن قسمت را مسقف کردند و مکانی شد برای استراحت و سکونت مسلمانان مهاجر و بی پناه که در توسعه مسجد در سال هفتم هجری داخل مسجد قرار گرفت. آنچه امروز به صفّه معروف است، روزگاری «دکه الاغوات»^۱ و جایگاه خواجه های حرم بوده است که وظیفه حراست و خدمت گزاری حرم را داشتند.^۲

خانواده مسجد، همچنین می تواند الگوی تازه ای از همگرایی و پیوند چند مسجد در شهر یا استان باشد. مسجدهایی که با برنامه ریزی میان مسجدی و با

۱. اغوات، اغوات و اغوات جمع کلمه آغا و آغا است که به خادم خواجه حرمین می گفته اند. کلمه آغا از ریشه مغولی به معنای بانو، خانم و شاهزاده خانم. در زبان فارسی، آغا به معنای خاتون، بی بی، و بانوی حرم و کلمه ای احترام آمیز برای خادمان خواجه بوده است. واژه آغا در اواخر دوران ممالیک چرکسی (حک: ۷۸۴-۹۲۲ق.) و نیز پس از قدرت گرفتن ترکان عثمانی، برای اشاره به شخص خواجه به کار می رفت. آغا در حجاز خادمان خواجه حرمین شریفین را «اغوات» گفتند که پیشتر به طواشیه به معنای اخته مشهور بودند. (ر.ک: المعجم الوسیط، ج ۲، ص ۵۷۰؛ تاج العروس، ج ۱۷، ص ۲۴۸، «خصوص»). در سده یازدهم، اغوات برای خادمان خواجه حرم به کار رفت و آغا بر شیخ حرم نبوی اطلاق گشت.

۲. آشنایی با مسجد النبی مدینه، پایگاه اینترنتی همشهری.

همیاری یکدیگر، طرح های امدادسانی و هدایت کلان انجام می دهند. این الگو چند مسجد را در طرح و برنامه ای مبارک به هم پیوند می زند. از نگاه نویسنده، مهندسی فرهنگی و دینی در سطح کشور یا در سطح استان ها، نیازمند راه اندازی طرح خانواده های مسجد است.

« نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با امان نظر در مطالب یادشده، نتیجه می‌گیریم که، برای بهینه‌سازی رابطه مسجد و خانواده، بهتر است نخست کارکردهای مسجد و خانواده بهنجار و نمونه در فرهنگ اسلامی بازشناسی، برجسته، تبیین و فرهنگ‌سازی شود. سپس، راهکارهای تعامل بهینه این دو خانه خصوصی و عمومی ردیابی و کشف شود. از این رهگذر می‌توانیم از نعمت بزرگ حضور مسلمانان در مسجد برای تحکیم خانواده و بهینه‌سازی رابطه میان اعضای آن به نفع ارتقای معنوی و اجتماعی سبک زندگی اسلامی بهره بگیریم. به گمان ما، نقش مسجد و برکت‌های الهی آن، در تحکیم نظام خانواده، نعمت ناشناخته و گم شده‌ای است و شناخت آن می‌تواند جامعه‌های اسلامی را در بستر رشد و تکاپوی معنوی و الهی قرار دهد. دستاورد روشن ما از این پژوهش این است که تحکیم خانواده، از راه مسجد، در گرو شناسایی و جدی گرفتن دو طرح مهم و جالب: «مسجد خانواده» و «خانواده مسجد» است. طرح مسجد خانواده، به این معنا است که اگر هر خانواده اسلامی در پی یک مسجد، خانواده باشد و همانند پزشک خانواده خود را زیر چتر حمایت مسجد قرار دهد، خانواده‌ها از ثبات، صفا و رفاه بیشتری بهرمنند خواهند شد. خانواده مسجد هم به معنای پیوند زدن خانواده‌های مسجدی - پشتیبانی‌کننده و پشتیبانی‌شونده - و مسجدهای محل است؛ همان‌طور که در این نوشتار توضیح دادیم. تعامل مسجد نمونه و خانواده بهنجار اسلامی پیش‌نیازها و ابزارهای ویژه‌ای دارد که برخی از آنها را بیان می‌کنیم:

- اطمینان از داشتن امام جماعتی که دانش، تقوا، تعهد، دلسوزی، روزآمدبودن، سلامت و آراستگی بدنی و ظاهری داشته باشد.
- حضور شورای علمی و هیئت امنای مسجد که ترکیبی از مسجدیان کارآزموده، باتجربه، جوان و کارآمد است.
- حضور اتاق فکر خانواده در مسجدها^۱ که درباره موضوع‌ها و محورهای زندگی خانواده و چالش‌های پیش‌رو گفتمان می‌کنند.

1. Family thinking thanks.

- حضور کمیته های علمی و تخصصی درون هر مسجد، به ویژه کمیته مشاوره و مهارت زندگی.
- راه اندازی صندوق مهر خانواده برای کمک رسانی های مالی و اعطای قرض الحسنه برای کمک به زندگی، ازدواج، بیماری، ایجاد شغل، تحصیل و مانند آن.
- کمیته آموزش و پرورش مسجد برای برنامه ریزی موضوع های گوناگون، به ویژه تربیت دینی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و جنسی.
- تأسیس شورای حکمیت و دادگاه خانواده مسجد برای رویارویی با چالش ها و اختلاف های خانوادگی، متشکل از ریش سفیدان و معتمدان محلّ.
- راه اندازی درمانگاه ها، کلینیک های تخصصی و بیمارستان های عمومی و تخصصی وابسته به مسجد.
- تشکیل و راه اندازی کتابخانه های عمومی و تخصصی مسجد، نمایشگاه های کتاب و نرم افزار ها.
- تأسیس سالن و زمین ورزش مسجد و تشکیل تیم های ورزشی، به ویژه برای جوانان و نوجوانان.
- تأسیس استخر شنای مسجد برای برادران و خواهران.
- تأسیس کمیته اردوهای تفریحی، زیارتی، علمی و بین المللی مسجد.
- تشکیل کمیته هنر؛ مانند سینما، تئاتر، موسیقی، آواز، خطاطی، طراحی، نقاشی و ترویج هنرهای اصیل اسلامی.
- ترویج و تشویق رابطه خوشه ای و شبکه ای مسجدها برای تبادل اطلاعات و تجربه ها (طرح خانواده مسجد).
- طراحی و برنامه ریزی برای نشست های سالانه امامان جمعه و جماعت؛ با هدف آسیب شناسی خانواده های مسجدی و برنامه ریزی برای دوره ها و کارگاه های آموزشی مهارت زندگی خانواده ها.
- برنامه ریزی برای جمعه بازارهای هدایت شده که بتواند کالاها و وسایل

مورد نیاز خانواده های مسجدی و زیرمجموعه وابسته به مسجد را با کیفیت خوب و قیمت مناسب عرضه کند.

این راهکارها، برخی از روش های روشن، تجربه شده و مؤثری است که می تواند نقش مسجدها را در تحکیم نظام خانواده ها و نقش خانواده ها را در رونق بخشیدن به مسجدها ارتقا بخشد. دستیابی به این راهکارها، در گرو مهندسی فرهنگی رابطه مسجد و خانواده است. دفتر نظارت بر مسجدها با برنامه ریزی و طراحی های خرد و کلان خود می تواند امامان جماعت، کارگزاران و هیئت های انما را در راستای رسیدن به مسجد نمونه یاری دهد. این مهم در گرو داشتن طرح توسعه و ارتقای سالیانه و چند سالانه است و همچنین نیازمند برگزاری نشست ها و راه اندازی دوره های آموزشی و کارگاه های مهارت آموزی برای مدیران و کارگزاران مسجد است.

« منابع و مأخذ

- « سجستانی، ابی داوود سلیمان بن اشعث، سنن ابی داوود، بیروت، دارالجلیل، بیتا.
- « شیخ حرّ عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه إلی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- « زرکشی، محمد بن عبدالله، اعلام المساجد باحکام المساجد، قاهره، ۱۴۱۰ هـ.ق.
- « شیخ صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، من لایحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ هـ.ق.
- « غزالی، ابوحامد محمد، احیاء علوم الدین، عمان، دارالفکر، چاپ دوم، ۱۴۱۲ هـ.ق.
- « رواندی، قطب الدین، الدعوات، قم، نشر مدرسه امام مهدی علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۰۷ هـ.ق.
- « کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق و تعلیق: علی اکبر غفاری، بیروت، دارالأضواء، ۱۴۰۵ هـ.ق.
- « ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ هـ.ق.
- « مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ هـ.ق.
- « نوری، حاج میرزا حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۹۰ هـ.ق.
- « مکارم شیرازی، ناصر، قرآن مجید با ترجمه فارسی، قم، دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، ۱۳۷۶ هـ.ش.
- « مالک بن انس، موطأ، دارالکتب العربی، بیروت، بیتا.
- « قشیری النیشابوری، ابی الحسن مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، بیروت، دارالجلیل، ۱۴۲۶ هـ.ق.
- « اشتری، ورام بن ابی فراس بن ابوالحسین، نزهه النواظر و تنبیه الخواطر (مجموعه ورام)، تهران، چاپخانه حیدری.
- « کتانی، عبدالحی سید محمد (متوفی ۱۳۸۲ هـ.ق)، نظام الحکومه النبویه المسمی التراتیب الاداریه، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۳۴۶ - ۱۳۴۹ هـ.ق.

منابع انگلیسی

» - 1 Guide on becoming a family-friendly mosque". This article could be ordered by writing to Ms Dayang Istiaisyah, Executive, Mosque Programmes Strategic Unit, dayang@muis.gov.sg.

نشریات و سایتها

- « فصلنامه حوراء، شماره ۱۹، سالاری فر، محمد رضا، «راههای تحکیم خانواده در فرآیند جهانی شدن».
- « ماهنامه پیام زن، شماره ۷۷، تقدسی نیا، خسرو، «مسجد، زنان و آداب حضور»، مرداد ۱۳۷۷ هـ.ش، برگرفته از شبکه اطلاع رسانی امام صادق علیه السلام.
- « فرید، یدالله، بینش اسلامی و پدیدههای جغرافیایی، تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۵، زمستان ۱۳۶۸ هـ.ش، ص ۲۷۰-۲۶۹.
- « روزنامه اطلاعات، تحکیم بنیان خانواده از منظر اهل بیت، بانک مقالات فارسی.
- « روزنامه کیهان، موسوی، سید کاظم، (۲۳)، www.kayhannews.ir آذر ۱۳۸۸ هـ.ش.
- « پایگاه اینترنتی حوزه نت، Hawzah.net: صادق پور، قاسم، «حضور زن در مسجد».
- « مجتبی زاده، محمد، «مراحل تحوّل روانی از دید پیاژه»، سایت باشگاه اندیشه، ۱۴ خرداد

- ۱۳۸۷، به نقل از <http://www.motarjem-mm.blogfa.com>
- « مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از فضلا، کتاب الکترونیکی تفسیر نمونه، ج ۱، برگرفته از سایت لهوف، محبان حضرت مهدی علیه السلام».
- « سایت مؤسسه فرهنگی جام طهور، میرنژاد، مریم، «جایگاه مسجد در قرآن و روایات».
- « سایت اندیشه قم، نوبهار، رحیم، «ویژگی های مسجد نمونه».
- « پایگاه اینترنتی باقرالعلوم علیه السلام: www.pajoohe.com: آشنایی با مسجد النبی صلی الله علیه و آله».
- « ویکی پدیا، دانشنامه آزاد، جدایی جنسیتی در مساجد.
- « ویکی پدیا، دانشنامه آزاد، مسجد قبا.
- « سایت تبیان، مسجد در قرآن.

نقش امام جماعت و متولیان فرهنگی مسجد در جذب خانواده‌ها

حسین اسلامپور کریمی

چکیده

خانواده به عنوان کوچک ترین نهاد اجتماعی در مهندسی فرهنگی اهمیت ویژه ای دارد. با برنامه های فرهنگی و دینی خانواده گرایانه و بهره گیری از مساجد می توان ضمن اشاعه آموزه های اسلامی، جامعه ای با تربیت دینی و سبک زندگی اسلامی ایجاد نمود. این نوشتار، «نقش امام جماعت و متولیان فرهنگی مساجد در جذب خانواده ها»، (اعم از کودکان، نوجوانان، جوانان، کهنسالان و بانوان) را بیان می نماید. این پژوهش با رویکردی سیستمی و روش کتابخانه ای و با مطالعه منابع فارسی، لاتین و عربی (شیعی و سنی) و با فیش برداری، تلخیص و دسته بندی مطالب تنظیم گردیده. مطالب در سه بخش کلی: نقش امام جماعت، نقش متولیان فرهنگی و نقش تلفیقی امام جماعت و متولیان فرهنگی در جذب خانواده ها و با توجه به گروه های سنی اعضای خانواده ساختاردهی شده است و راهکارهای عملیاتی را ارائه نموده. نتایج نشان میدهد که امام مساجد و متولیان فرهنگی مساجد باید با برنامه های چند بُعدی برای همه گروه های سنی اعضای خانواده و با تدوین یک برنامه جامع راهبردی، به مهندسی و مدیریت فرهنگی پردازند. بر اساس نتایج، اگر امام جماعت مساجد و متولیان فرهنگی با نگرش سیستمی، اقتضایی و با در نظر گرفتن نیازهای چندوجهی خانواده ها شامل نیازهای عبادی، تربیتی، اجتماعی، آموزشی و اقتصادی، برنامه های فرهنگی را در مساجد اجرا کنند، خانواده ها به حضور در مساجد بیشتر جذب خواهند شد.

واژگان کلیدی:

مسجد، خانواده، امام جماعت (امام مساجد)، متولیان فرهنگی، تربیت دینی، دین درمانی، خانواده درمانی.

« (۱) کلیات بحث

۱-۱) مقدمه

خانواده، نظامی اجتماعی و اساس شکل‌گیری جامعه بزرگ تر است. در خانواده زیربنای تربیتی و شخصیتی فرد شکل می‌گیرد. خانواده دارای اعضای است که با وظایف و مسئولیت‌شان مشخص می‌شوند. می‌دانیم که یکی از ارکان اساسی ادیان توحیدی، به ویژه اسلام، عبادت و بندگی است. جوهر و جان این عبادت و نیایش، حضور قلب و توجه به خداوند است. برای فراهم شدن عبادتی این چنین، به شرایط و عوامل متعددی، از جمله مکان عبادت نیاز است. اسلام با در نظر گرفتن مکانی به نام مسجد، در حقیقت جایگاه مناسبی را برای ارتباط با خداوند پیش بینی کرد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَ أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا؛ مساجد از آن خداست، پس باید کسی جز او را نخوانید. بنابراین، برای تربیت دینی جامعه باید خانواده‌ها را به مسجد ترغیب نمود».^۲

۲-۱) بیان مسئله

با پویاتر شدن جوامع و پیشرفت تکنولوژی و جهانی شدن، آسیب‌های رفتاری جدیدی گریبان‌گیر افراد و خانواده‌ها شده است و دشمنان اسلامی که در پی شبیخون فرهنگی هستند بیشتر خانواده و بنیان خانواده را برای دست‌یابی به اهداف شوم خود برگزیده‌اند. در چنین شرایطی نیاز به دین و معنویت و تأکید بر سبک زندگی مذهبی بیش از پیش احساس می‌شود. از طرف دیگر تجربه ثابت کرده است که مسجد بهترین مرکز اشاعه آموزه‌های دینی هستند. بر این اساس اکنون این سؤال مطرح است که چگونه می‌توان خانواده‌ها را به مسجد جذب نمود؟

^۱. چهل حدیث، ج ۲۷.

^۲. جن، آیه ۸.

۱-۳) ضرورت بحث

تحقیقات ثابت کرده است که بسیاری از ناملایمات رفتاری و اخلاقی با دین درمانی، درمان می شود یا بهبود می یابند. افسردگی، استرس، اضطراب، تمایل به رفتارهای پرخطر جنسی، احساس پوچی، وسواس فکری، ناامیدی، میل به خودکشی، بیماری های روانی، اختلالات رفتاری، فشار خون، برخی از اختلالات متابولیکی، ناکارآمدی اجتماعی و ... نمونه هایی از مشکلات رفتاری هستند که با کمک ذکر، دعا، زیارت و سایر برنامه های فرهنگی مسجدی بهبود یا درمان می شوند. بنابراین، مطالعه موضوعات مربوط به جذب خانواده ها به مسجد برای پیشگیری و درمان برخی آسیب ها و ناملایمات رفتاری و اخلاقی ضروری به نظر می رسد.

۱-۴) سؤالات تحقیق

بر اساس مطالب بیان شده، این تحقیق در پی پاسخ به سؤالات زیر است:

نقش امام جماعت مسجد (امام مسجد) برای جذب خانواده ها چیست؟ (اصلی)

نقش متولیان فرهنگی مسجد برای جذب خانواده ها چیست؟ (اصلی)

نقش امام جماعت و متولیان فرهنگی در جذب اعضای مختلف خانواده شامل بانوان، کودکان، نوجوانان و جوانان به مساجد چیست؟ (فرعی)

۱-۵) جنبه نوآوری بحث

در خصوص جذب افراد و خانواده ها به مساجد تحقیقات متعددی انجام گرفته است. هر کدام از پژوهش ها به یک گروه سنی خاص مثلاً نوجوانان یا جوانان پرداخته است. در این تحقیق برای پاسخ به سؤالات پژوهشی مطرح شده فوق، با یک نوآوری جدید از نگرش سیستمی و کل نگر استفاده گردید که در ادامه بحث تشریح می شود. نگارنده با در نظر گرفتن همه اعضای خانواده به عنوان

۱. خدارحیمی، سیامک، جعفری، سیدغلامرضا، نقش مذهب بر بهداشت روانی، روان درمانی و روان شناسی بالینی، فصلنامه اصول بهداشت روانی، ش ۴، صص ۱۸۵-۱۹۵؛ پناهی علی احمد، نقش نماز در آرامش روان، فصلنامه علمی تخصصی روان شناسی در تعامل دین، ش ۱، صص ۲۱-۲۵.

یک کلیت واحد، نقش های امام جماعت و متولیان فرهنگی در جذب همه
اعضای خانواده را بیان نموده است.

« ۲) مفاهیم و مبانی نظری پژوهش

۲-۱) نگرش سیستمی در جذب خانواده

روشن است که مجموعه ای به نام خانواده غالباً دارای اعضای مانند: پدر، مادر و فرزندان است. این سه عضو مشخص، در یکی از گروه های سنی کودک و نوجوان و جوان و میانسال یا کهنسال و بر اساس تفکیک جنسیتی قابل دسته بندی هستند. بنابراین، هر خانواده و حتی شبه خانواده^۱ شامل عناصری است که در یک یا چند گروه سنی مذکور قرار دارند. هرگونه فعالیت تربیتی و فرهنگی باید با این رویکرد جامع و نگرش سیستمی^۲ انجام گیرد. «بر اساس این رویکرد، همه اعضای خانواده به عنوان اجزای تشکیل دهنده یک سیستم یکپارچه در نظر گرفته می شود و همه عوامل محیطی اعم از فرهنگی و اجتماعی و مذهبی و... در رابطه با آنها مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد تا اهداف برنامه های فرهنگی با محوریت مسجد، محقق شود».^۳ در واقع همه اعضای تشکیل دهنده خانواده همانند اجزای یک سیستم به هم پیوسته هستند و بر هم تأثیر متقابل و هم افزایی^۴ داشته، به نحوی که تغییر رفتاری و تربیتی یک عضو بر دیگران اثر دارد. بر همین اساس، امام جماعت و متولیان فرهنگی مساجد باید یک دیدگاه کل گرا و سیستمی داشته باشند. در واقع آنها باید برای تک تک عضو یک خانواده طرح و برنامه های فرهنگی و تربیتی داشته باشند. متولیان فرهنگی باید با تصمیمات چند بُعدی، همه گروه های سنی خانواده را تحت الشعاع فعالیت های فرهنگی خود قرار دهند تا نهاد خانواده، نهادی مسجیدی تربیت شود.

۲-۲) خانواده چیست؟

خانواده،^۵ یک واحد زیستی (بیولوژیکی) است که تشکیل آن مبتنی بر پیوند زناشویی است و براساس آن افراد دارای رابطه سببی یا نسبی بوده و با یکدیگر

۱. حیدریان، حمیرا، آشنایی با وظایف دفتر شبه خانواده، همه چیز برای نزدیکی بیشتر به خانواده، پیام زن، ش ۱۷۴، ص ۲۷.

۲. Systematic attitude

۳. دنیل جرج جی (Gouger, j. Danie)، روبرت دلبیو ناپ (Robert W. Knap)، تکنیک تحلیل سیستمی، ص ۳۹.

۴. Synergy.

۵. Family.

خویشاوند هستند. خانواده، نخستین نهاد اجتماعی است. افراد در خانواده به دنیا می آیند و در خانواده نیز می میرند. خانواده شالوده حیات اجتماعی محسوب گردیده و گذشته از وظیفه تکثیر نسل و کودک پروری، برای بقای نوع بشر وظایف متعدّد دیگری، از قبیل تولید اقتصادی و فرهنگ پذیر کردن افراد را نیز بر عهده دارد. بنابراین، خانواده یک عامل واسطه ای است که قبل از ارتباط مستقیم فرد با گروه ها، سازمان ها و جامعه، نقش مهمّی در انتقال هنجارهای اجتماعی به فرد ایفا می نماید.

۲-۳) چیستی تربیت و اهمیّت تربیت دینی در خانواده

تربیت، در لغت به معنای رشد و پاکیزه کردن است. تربیت از ماده «ربو» یا «ربب» در لغت، به معنای افزودن، رشد و نمو کردن، نشو و نما کردن است. واژه تربیت، بیشتر در خصوص کودکان به کار می رود که به معنی پرورش و هدایت است و اخلاق و رفتار فرزندان را تا به مرحله بلوغ و شکوفایی استعدادها در برمی گیرد. در زبان فارسی، واژه «تربیت» به معنای پروردن، ادب و اخلاق را به کسی آموختن و پروردن کودک تا هنگام بالغ شدن به کار رفته است. اصطلاح «تعلیم و تربیت» نیز به معنای آموزش و پرورش آمده است. تربیت در اصطلاح، عبارت است از هرگونه فعالیتی که معلمان، والدین یا هر شخص به منظور اثرگذاری بر شناخت، نگرش، اخلاق و رفتار فردی دیگر بر اساس اهداف از پیش معین انجام می دهند. در مفهوم اصطلاحی برخی معتقدند که تربیت عبارت است از تبدیل کردن قوّه ها به فعلیّت و استخراج نیروها و استعدادهای درونی انسان که سبب شکوفایی و پرورده ساختن است.^۳ تربیت، عبارت است از پرورش دادن، یعنی استعدادهای درونی موجود را به بالفعل درآوردن. این پرورش دادن ها فقط در مورد موجودات زنده صادق است.^۴

۱. حسن، مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، صص ۳۴-۳۶.

۲. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، ج ۱۴، ص ۲، ص ۲۹۵.

۳. رشیدی پور، مجید، آشنایی با تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۸ تا ۱۲.

۴. مطهری (ره)، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، صص ۵۶-۵۷.

«تربیت دینی»، عبارت است از مجموعه اعمال عمدی و هدفدار، به منظور آموزش گزاره های معتبر یک دین به افراد دیگر، به نحوی که آن افراد در عمل و نظر به آن آموزه ها، متعهد گردند.

خانواده یک نهاد چند وجهی یا چندبُعدی^۱ است و روابط در آن از پیچیدگی های ویژه ای برخوردار است که در مطالعات خانواده باید مدنظر قرار گیرد. این بدان معنا است که افراد خانواده تأثیر متقابلی بر رفتار یکدیگر دارند و جدا کردن یا عدم توجه به این تأثیرات، باعث کاهش اعتبار^۲ یا بی اعتباری نتایج مطالعات می شود. شخصیت فرزندان از همان دوره کودکی و خردسالی، در خانواده تکوین می یابد. ابزارها و شیوه های گوناگونی در جهت تربیت فرزند یا هر فرد در دوران کودکی از نظر شخصیت پدر و مادر و اطرافیان، شیر مادر، حلال یا حرام بودن لقمه و... در علوم تربیتی و متون دینی وجود دارد. از آنجایی که موضوع دین، رفتارهای اختیاری و ارادی افراد بشر است؛ «هدف از تربیت دینی، ایجاد، تقویت و پرورش روح تقوا و هدایت پذیری است».^۳ بنابراین، خانواده بهترین جا برای ایجاد تربیت دینی افراد است.

۲-۴) متولّی مسجد و شرایط

«متولّی» در کتب لغت به معنی دوست دارنده، کارپذیرنده، کسی که کاری به خود گیرد و به کار کسی اقدام نماید و امری را به عهده گیرد، است. در برخی موارد به معنی، ارشد، اکبر، اعلم، اتقی و اورع اولاد یا اعلم علمای محل و یا پیش نماز مسجد جامع و نظایر آن نیز استفاده می شود. در فقه اسلامی متولّی کسی است که بر حسب صفات و مشخصاتی که واقف در وقف نامه ذکر کرده است و در هر عصر و زمانی به اداره امور وقف موافق نظر واقف می پردازد.^۴ با این وجود، امروز متولّیان مساجد از برنامه ریزان و تصمیم گیرندگان همه فعالیت

^۱ - Multidimensional.

^۲ - Behavior.

^۳ - Validity.

^۴ . پور علی فرد، محمد مهدی، نکته‌های درباره روش تربیت دینی نسل جوان و نوجوان، ج ۱، ص ۱۹.

^۵ . دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، ج ۲۸، ص سریال ۱۵۷۹، ذیل واژه متولّی.

های فرهنگی مساجد هم محسوب می شوند و انجام امور تولیت مسجد، بخش کوچکی از وظایف آنها محسوب می شود. خصوصیات متولیان مساجد در آیات متعدّد قرآن کریم بیان شده است که ذکر همه آیات در این مقال نمی گنجد؛ اما مهم ترین آنها ایمان به خدا و قیامت، اقامه کنندگان نماز و... است.^۱ در راستای همین کارکرد تربیتی، امروز متولیان فرهنگی کشور به مقوله خانواده و مسجد تأکید می نمایند.^۲

۲-۵) امام جماعت کیست؟

امام در لغت به معنای پیشواست. امام آن کسی است که از او پیروی می کنند و به وی اقتدا می شود، خواه انسان باشد یا کتاب یا غیر آن. حق باشد یا باطل.^۳ جماعت به معنای گروهی است که گرد هم آمده اند. امام جماعت در اصطلاح فردی است که در بین گروهی که می خواهند نماز اقامه کنند، جلوتر از همه بایستد و دیگران به او اقتدا کنند. شرایطی که باید در امام جماعت وجود داشته باشد در منابع فقهی مطرح شده است که بحث در مورد جزئیات آنها در این مقال نمی گنجد.^۴

۲-۶) امام جماعت یا امام مساجد؟^۵

عنوان «امام جماعت مسجد» در میان جامعه مسلمانان از گذشته‌های دور تاکنون بسیار مورد استفاده قرار گرفته و به کارگیری این واژه در ادبیات ما مرسوم و معمول است. اگر چه استفاده از این واژه از نظر حقوقی و عرفی عاری از اشکال اساسی و مبنایی است؛ ولی با توجه به مفهوم محدودی که از این ترکیب به ذهن متبادر می شود، وظایف و مسئولیت اندکی برای آن متصور می شود. امام

۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۷، صص ۳۱۳ تا ۳۱۹؛ طبرسی الفضل ابن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، صص ۳۸ و ۴۱.

۲. آقایی، حمید، گفتگوی خبری با خبرنگار شبستان، قابل دسترس در: <http://www.shabestan.ir>.

۳. قریشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ذیل واژه «امام».

۴. طباطبائی، حکیم سید محسن، مستمسک عروه الوثقی، ج ۷، صص ۳۱۶-۳۲۸.

۵. این بخش با کمی تلخیص و تغییر از منبع زیر گرفته شده است: موظف‌رستمی، محمدعلی، امام مسجد یا امام جماعت مسجد، قابل دسترس در آدرس: <http://www.ido.ir>.

از نظر لغوی به معنای پیشوا، پیش‌نماز، خلیفه، فرمانده سپاه، راهنمای مسافران است. مفهوم «امام مسجد»، بالاتر از امام جماعت است، وقتی می‌گوییم امام، هم نماز جماعت را شامل می‌شود و هم امام جمعه را؛ چون در مسجد هم نماز جماعت خوانده می‌شود و هم نماز جمعه.

در پیشنهاد واژه امام مسجد در این بحث منظور از امام، امام معصوم نیست؛ بلکه شخصی با تحصیلات عالی دینی است که آشنایی کافی و وافی در حوزه‌های فقهی و احکام و مسائل شریعت اسلامی دارد. وی شرایط و الزامات ذکر شده در منابع دینی را برای امامت مسجد (در عصر غیبت امام زمان علیه السلام) و در حاکمیت ولی امر حاضر مسلمین) داراست. نگارنده با در نظر گرفتن وظایف گسترده امام جماعت و فعالیت‌های متنوع مساجد امروزی و گسترده شدن فعالیت‌های فرهنگی مساجد بر این باور است که به جای واژه «امام جماعت»، بهتر است از «امام مسجد» استفاده شود.

۲-۷) روان‌شناسی دین و روان‌شناسی دینی^۲

«روان‌شناسی دین» یا روان‌شناسی مذهب از شاخه‌های تحقیقات علمی است که به بررسی دین می‌پردازد. کار اصلی روان‌شناسی دین، تعریف و توضیح جامعه‌شناسانه، روان‌شناسانه از پدیده‌های دینی است.^۳ در دهه‌های اخیر اواخر قرن ۲۰، نگاه‌های جدی‌تری به دین شده و پژوهش‌های زیادی در این زمینه انجام شده است؛ یعنی نگاه‌ها بیشتر در صدد بررسی بی‌طرفانه‌ای نسبت به مسائل دین بوده است.^۴

در روان‌شناسی دین، روان‌شناسی به منزله مبنایی برای ارائه تفسیر از پدیده‌های دینی در نظر گرفته می‌شود. مثلاً یک پدیده دینی مثل عزاداری، هم تبیین روان‌شناختی دارد و هم تبیین جامعه‌شناختی و تبیین‌های دیگر؛ اما در این

^۱ . psychology of religion.

^۲ . religious psychology.

^۳ . بر گرفته از سایت ویکی‌پدیا به آدرس: <http://fa.wikipedia.org>

^۴ . آذربایجانی، مسعود، نشریه معارف، ش ۶۶، ص ۶.

گستره، این پدیده را فقط از دید روان‌شناختی تبیین می‌کنیم. در مقابل، در «روان‌شناسی دینی» که شاخه‌ای از علم دینی است، باورهای مذهبی به منزله اصل و منبع قرار می‌گیرند و روان‌شناسی در چارچوب آن باورها جستجو می‌شود.^۱ امام مساجد باید با شناخت اصول روان‌شناسی دین، همه ابعاد دین اسلام را با کمک علوم جدید بشناسد و سیاق‌های نوین دین‌درمانی را ایجاد نماید.

۲-۸) دین‌درمانی چیست؟

دین‌درمانی یا مذهب‌درمانی، به شیوه‌هایی از روان‌شناسی گفته می‌شود که با ابزار دین و مذهب به درمان و بهبود آسیب‌های رفتاری در فرد یا گروه یا جامعه می‌پردازد. دین‌درمانی با دقت نظر به روان‌شناسی دین و روان‌شناسی دینی انجام می‌شود و مشکلات و آسیب‌های رفتاری یا نگرشی افراد را درمان می‌کند. یا از بروز آسیب‌های کرداری و اخلاقی و اختلالات رفتاری پیشگیری می‌کند. دین‌درمانی ماهیت بین‌رشته‌ای دارد و علاوه بر تخصص در روان‌شناسی، ورود به این گستره منوط به کسب دانش در الهیات، متافیزیک، اخلاق و اسطوره‌شناسی و... است.^۲

^۱ . قربانی، نیما، روان‌شناسی دین، قیسات، ش ۸، ص ۲۴.

^۲ Religion therapy.

^۳ . قربانی، نیما، همان مشخصات، ص ۲۵.

« ۳) نقش‌های اختصاصی امام مسجد در جذب خانواده‌ها به مساجد

یکی از ارکان اصلی هر مسجد که از متولیان فرهنگی اثرگذار مساجد محسوب می‌شود، امام جماعت است که در آموزه‌های اسلامی دارای منزلتی ارزشمند می‌باشد. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ وَعَدَّ أَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ ثَلَاثَةَ نَفَرٍ بَعِيرٍ حَسَابٍ وَ يَشْفَعُ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ فِي ثَمَانِينَ أَلْفًا الْمُؤَدَّنُ وَ الْإِمَامُ وَ رَجُلٌ يَتَوَضَّأُ ثُمَّ يَدْخُلُ الْمَسْجِدَ فَيُصَلِّي فِي الْجَمَاعَةِ؛ خداوند وعده داده است که سه نفر را بدون حساب وارد بهشت نماید و هر یک از آنها شفاعت هشتاد هزار را بنماید؛ مؤذن، امام جماعت و کسی که وضو بگیرد و وارد مسجد شود و در جماعت نماز بخواند».^۱ یکی از عواملی که در مبحث جذب خانواده‌ها به مساجد باید مدنظر قرار گیرد ویژگی‌های فردی و توانمندی‌های امام مسجد است. در خصوص امام مسجد موفق تحقیقات زیادی صورت گرفته است. همه ویژگی‌ها و خصوصیات فردی امام مسجد در جذب گروه‌های مختلف سنی اعضای خانواده اثرگذار است. بنابراین، متولیان باید در انتخاب امام مسجد به این ویژگی‌های فردی امام جماعت توجه ویژه نمایند؛ چرا که مسجیدی در جذب خانواده‌ها موفق است که امام جماعتی توانمند و با ویژگی‌های کارآمد و مهارت‌های به روز داشته باشد. در ادامه برخی از نقش‌های امام جماعت در جذب خانواده‌ها به مساجد اشاره می‌شود.

۲-۳) ارتباط منظم و مستمر امام جماعت مسجد با نمازگزاران

روحانی مسجد یا امام مسجد باید از احوال نمازگزاران مطلع باشد (از بیمار شدن یا صاحب فرزند شدن و ازواج کردن نمازگزاران و ...). تعامل اجتماعی امام مسجد با نمازگزاران باید به طور مستمر و منظم برقرار باشد و این زنجیره ارتباط اجتماعی و عاطفی سست یا قطع نشود. امام مسجد باید در متن جامعه و در وقایع شاد یا غم‌انگیز زندگی فردی و اجتماعی نمازگزاران حضور پر رنگ داشته

۱. مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۴۴۹.

۲. فرجی، محمد مهدی، ویژگی‌های امام جماعت موفق، مبلغان، ش ۱۱۸، صص ۳۲-۴۳.

باشد. این برنامه همان برخوردی است که در صدر اسلام از طرف رسول گرامی اسلام ﷺ و حضرت علی (علیه السلام) صورت می گرفت. وقتی یکی از نمازگزاران یک یا دو جلسه نماز را غیبت می کرد، بلافاصله آن بزرگواران احوال او را جویا می شدند. اگر شخص مورد نظر در بستر بیماری افتاده بود، به عیادت وی می رفتند. در صورتی که دچار گرفتاری بود، سعی می کردند با مشارکت سایر مؤمنان و نمازگزاران، به رفع گرفتاری او اقدام نمایند و در صورت بیماری، برای بهبودی او دعا کنند.^۱

۳-۳) سرکشی امام مسجد از خانواده‌های شهدا و جانبازان

همه فعالیت های امام مسجد باید با محوریت خانواده صورت گیرد تا جذب خانواده ها به مساجد تسهیل شود. سرکشی امام مسجد از خانواده های شهدا و جانبازان یکی از فعالیت هایی است که امام مسجد می تواند انجام دهد. در برخی مساجد این برنامه با اعلام قبلی و با حضور نمازگزاران مسجد انجام می پذیرد که آثار مثبت بسیاری را به همراه داشته است. چنین برنامه مستمر و هفتگی می تواند به گونه ای تنظیم شود که این سرکشی هر شش ماه یا سالی یکبار تکرار شود. توجه به خانواده های شهدا و جانبازان را می توان در سیره رسول خدا ﷺ مشاهده نمود؛ روزی آن حضرت همراه با گروهی از اصحاب بعد از نماز، از مسجد حرکت کردند و به دیدار خانواده «سعد بن ربیع» که از شهدای جنگ احد بود، رفتند و اعضای خانواده را مورد محبت و رحمت خویش قرار دادند.^۲

پیامبر ﷺ پس از شهادت جعفر بن ابی طالب در جنگ موته، به خانه او رفت و با حضور خویش موجب تسلی دل خاندان او گردید.^۳ امام جمعه و جماعت باید از پیامبر اسلام ﷺ تأسی بجویند. نمازگزارانی که به دلایل مختلف، خود یا خانواده آنها مورد محبت امام مسجد و نمازگزاران قرار می گیرند، این تفقد را از برکت معنوی و اجتماعی مسجد تلقی می کنند. این عمل آثار مثبت بسیاری

۱. رضایی، علی، جایگاه مساجد در فرهنگ اسلامی، ص ۲۷۴.

۲. رفیع الدین اسحاق ابن محمد همدانی، سیرت رسول الله، صص ۳۲۱-۳۴۵.

۳. بلادری، احمد بن یحیی، جمل من انساب الاشراف، ج ۲، ص ۲۹۸.

را به همراه خواهد داشت که مهم‌ترین آن ترغیب نمودن خانواده به حضور در مساجد است.

۳-۴) ارائه مشاوره روان‌شناسی با نگرش مذهبی

اهمیت معنویت و رشد معنوی در انسان‌ها، در چند دهه قبل به صورتی فزاینده توجه روانشناسان و متخصصان بهداشت روانی و اخلاقی را به خود جلب نموده است. فلسفه امانیستی و علم پوزیتیویستی غرب در قرون اخیر مانند دو لبه یک قیچی و با روش‌های گوناگون سعی نمودند تا گفتمان الهی و معنوی را از صفحه روزگار و از زندگی بشریت حذف نمایند. در حالی که در قرن ۲۱ ضمن اظهار عجز از این خواسته، به دین و معنویت عروج کردند. بر اساس تحقیقات انجام شده امروز از عامل معنویت و مذهب و دین در ارائه مشاوره‌های رفتاری توسط اندیشمندان رشته روان‌شناسی مشاوره استفاده می‌شود.^۱

دین کامل اسلام برای همه ابعاد و شئون زندگی بشر دستورات مؤثری ارائه کرده است. برخی از این دستورات باید توسط متخصصان دینی از منابع مربوط استخراج و تشریح شوند. از طرفی عصر کنونی، با توسعه همه‌جانبه تکنولوژی‌های ارتباط جمعی، عصر انفجار اطلاعات نامگذاری شده است و مفاهیمی چون دهکده جهانی و جهانی شدن مطرح است. این موضوع آسیب‌های اجتماعی و اخلاقی نوپدید و مشکلات رفتاری و اعتقادی جدیدی را به وجود آورده است.^۲ تحقیقات انجام شده حتی در کشورهایی که دین رسمی آنها اسلام نیست، نشان داد که گرایش نوجوانان و جوانان و نونهالان به مذهب و انجام فعالیت‌های مرتبط با دین یا انجام تشریفات مذهبی به صورت کلی در کاهش سلامت رفتاری آنها مؤثر است. بر اساس این تحقیقات رفتار با ریسک بالا (مانند رفتار پرخطر جنسی و مصرف مواد مخدر و...) در جوانانی که به کلیسا و معابد و

۱. تایفانی نیکلس (Tiffany Nickles)، نقش مذهب و معنویت در مشاوره، ۲۰۱۱، ص ۳.

۲. برای مطالعه بیشتر ر ک: مجموعه مقالات همایش منطقه‌ای آسیب‌های اجتماعی نوپدید، دفتر تحقیقات نیروی انتظامی مازندران، ص ۳-۵۵۴.

خصوصاً مساجد گرایش دارند، بسیار کمتر است.^۱ روان شناسی دینی یا همان روان شناسی مذهب و روان شناسی دینی از مباحث جدیدی است که باید در راستای فعالیت های فرهنگی مساجد به آن توجه شود و اساس مشاوره های مذهبی قرار گیرد.

^۱ ر ک به: والس (Wallace) و فورمن (Forman)، نقش مذهب و دین در افزایش سلامتی و کاهش رفتارهای پر خطر نوجوانان آمریکایی. ۱۹۹۸، صص ۷۲۱-۷۴۱.

« ۴) نقش‌های اختصاصی متولیان فرهنگی مساجد در جذب خانواده‌ها به مساجد

۴-۱) توجه به حضور زنان در مساجد، به عنوان عامل جذب خانواده‌ها

برخلاف شبیه عدم نیاز به حضور زنان در مساجد که در گذشته وجود داشت، امروز حضور زنان در مساجد به عنوان عاملی برای جذب خانواده‌ها به مساجد از دیدگاه متولیان و برنامه ریزان فرهنگی مساجد بیشتر گذشته است. در گذشته به خاطر فرهنگ ناروا و کج فهمی‌های به وجود آمده، همیشه زنان از حقوقی کمتر از مردان برخوردار بودند. این طرز تفکر در دوران پیش از اسلام با شرمساری یا خشم پدران از تولد فرزند دختر نمود پیدا می‌کرد. آقرآن در این مورد می‌فرماید: «وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ»^۳؛ هر چند احادیثی مانند خَيْرَ مَسَاجِدِ نِسَائِكُمُ الْبُيُوتُ^۴؛ و «صَلَاةَ الْمَرْثَةِ فِي مَخْدَعِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي بَيْتِهَا وَ صَلَاتِهَا فِي بَيْتِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي الدَّارِ»^۵؛ به منع حضور زن در مساجد اشاره دارد؛ ولی این احادیث مربوط به دوره ای است که برای بانوان ناامنی یا موانعی وجود داشته باشد یا ناظر به زمانی است که شوهران به زنان خود اجازه حضور در مسجد را ندهند. البته در خصوص بررسی سندیت و تفسیر جنبه‌های این روایات مباحث مطوّلی لازم است که در این مقال نمی‌گنجد.^۶

آموزه‌های اسلامی، به زنان اجازه داده تا با حفظ حریم و عفت و پاکدامنی در اجتماع حضور یابند و برای رشد و ترقی خود و جامعه گام بردارند.^۷ حضور زنان در مساجد برای انجام فرایض دینی مصداق تعظیم و بزرگداشت مساجد است، ولی شرط حضور در مسجد رعایت عفت، حجاب و شئون اسلامیست. در مستندات

۱. بسیاری از کشورها هنوز این حقوق اجتماعی را برای زنان قائل نیستند. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: سایت <http://fa.wikipedia.org> و همچنین، عظیم‌زاده فائزه، مطالعه تطبیقی حقوق زنان از منظر اسلام و غرب، قابل دسترس در آدرس: <http://www.women.gov.ir>.

۲. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۲۷۲.

۳. نحل، آیه ۵۸.

۴. تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۵۲-۲۵۳؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۵۸.

۵. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۷.

۶. برای مطالعه تفصیلی در این خصوص ر ک به: حضور سبز زنان در خانه‌های خدا، مبلغان، ش ۴۰، صص ۱۴۶-۱۵۶.

۷. برای مطالعه بیشتر در مورد آداب حضور زنان در اجتماع ر ک: نور، آیه ۳۰-۳۱؛ احزاب، آیات ۵۹ و ۵۳.

متعدد قرآنی و روایی تأکیدات متعددی در مورد لزوم و اهمیت حضور زنان در مساجد و در سخنرانی یا مجالس وعظ پیامبر ﷺ یا در جلسات اختصاصی برای زنان شده است.^۱

بر اساس مطالب بیان شده، زنان در آفرینش و سرشت با مرد یکسانند و در رشد و کمال معنوی و رسیدن به قلّه های بلند تقوا و فضیلت و کسب ارزش های والای الهی و انسانی نیز دارای استعداد های سرشاری هستند. زنان به دلیل اینکه دارای نقش های متعدد مادری، همسر داری، مربی گری، تربیت و پرورش فرزندان و نیز نقش عاطفی در خانواده می باشند، حضورشان در مساجد می تواند باعث جذب خانواده ها شود. از این رو، متولیان فرهنگی باید همه موانع حضور بانوان در مساجد را به نحو مقتضی برطرف سازند. در ادامه بحث به برخی از نقش های متولیان فرهنگی در مساجد اشاره می شود.

۴-۲) رعایت عدالت در مدیریت فضای فیزیکی مساجد

یکی از راه هایی که در جذب خانواده ها به مساجد مؤثر است، مدیریت بهینه فضای مساجد برای حضور بیشتر بانوان است. متولیان و مؤسسان برخی از مساجد، فضا و امکانات بیشتری را به آقایان اختصاص می دهند و در این خصوص عدالت را رعایت نمی کنند. این امر باعث می شود که مسجد جنبه مردانه داشته باشد و این نکته که مسجد متعلق به همه اعضای خانواده است، از اذهان دور بماند. متولیان مساجد باید با توجه به روند افزایش جمعیت محل مورد نظر و با در نظر گرفتن یک چشم انداز بلندمدت، فضای فیزیکی مساجد را تقسیم و تسهیم کنند.

جهت حضور بانوان در مساجد، ایجاد محیطی امن و بدون استرس، چه در مسیر مسجد و چه در داخل مسجد مهم است. مسیرهای تردد و مکان های مربوط به زنان نباید در انظار عمومی و در معرض دید مردان باشد. اگر فضای مربوط به

^۱ صحیح بخاری، ج ۱، کتاب الصلاة، باب ۷۵، شماره ۹۶، ص ۲۶۲؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۷۶؛ ر ک به: المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه موسوی محمد باقر، ج ۱۶، صص ۵۰۹ و ۵۱۰ و ۵۱۷.

خانم‌ها کوچک‌تر از مکانی است که برای آقایان مهیا شده است؛ با استفاده از ابزار و پارتیشن‌هایی که قابلیت باز و بسته شدن دارند می‌توان در مواقع لزوم این فضا را تغییر داد و مدیریت نمود. هم‌چنین، بانیان و وقف‌کنندگان مساجد باید توجه داشته باشند که در فضای مسجد مکانی را برای بانوان دارای عذر شرعی احداث نمایند تا ضمن حضور در کنار مسجد بتوانند از سخنرانی‌ها و دیگر برنامه‌های مسجد بهره‌مند شوند.

پیامبر ﷺ به زنان اجازه شرکت در مساجد را می‌دادند و زنان حضرت نیز در نمازها به مسجد می‌رفتند؛ آن بزرگوار دستور دادند که محل زنان از محل مردان جدا باشد و ورودی زنان از ورودی مردان مجزا باشد. هم‌چنین، حضرت دستور دادند که پس از نماز، نخست زن‌ها و بعد مردها بیرون بروند.^۱ بر این اساس بهتر است همه بخش‌های مردان و زنان عموماً با پرده‌ای از هم جدا شود، یا بخش زنان در قسمت بالایی یا زیرزمین ساختمان مساجد قرار گیرد.

۴-۳) حضور هیئت امنای زن در تشکیلات اجرایی مسجد

امروز با گسترده‌تر شدن دامنه فعالیت فرهنگی و تربیتی مساجد مسئولیت‌های این تشکل مذهبی مضاعف شده است. در برخی از مساجد همه اعضای تشکیل دهنده هیئت امنای و متولیان را آقایان تشکیل می‌دهند و فاقد عضو خانم در تشکیلات خود هستند. بسیار روشن است بر حسب اقتضائات خاص جسمی یا فکری و نگرشی زنان، نیازها و خواسته‌های آنها از برنامه‌های فرهنگی مساجد نسبت به مردان متفاوت است. بر این اساس، باید یک یا چند نفر از بانوان در تشکیلات مسجد و هیئت امنای یا مجموعه متولیان حضور داشته باشند تا با شرکت آنها در جلسات برنامه‌ریزی فرهنگی، متولیان جوانب امور مربوط به زنان را مدنظر داشته باشند. اگر زنان توانمند و دارای مهارت‌های مدیریتی و اجرایی مناسب در تشکیلات هیئت امنای مساجد حضور داشته باشند خواسته

۱. ر. ک: محمد بن عبدالله زركشي، اعلام المساجد باحكام المساجد، ج ۲، ص ۹۳؛ سنن ابوداؤد، ج ۱، ص ۱۰۹، ح ۱۲۳۴؛ و نیز همین منبع، ج ۲، ص ۶۵۸، ح ۱۸۴۲.

ها و موارد مربوط به زنان بهتر و دقیق تر رعایت می شود و شرکت بانوان در مساجد به عنوان مهم ترین اعضای خانواده بیشتر خواهد شد.

« ۵ نقش‌های تلفیقی امام‌مسجد و متولیان فرهنگی در جذب خانواده‌ها

۵-۱. داشتن تفکر چند بعدی در مخاطب‌شناسی فرهنگی

متولیان فرهنگی و امام مسجد باید در تنظیم برنامه های فرهنگی به گستردگی و تنوع سنتی و شخصیتی مخاطبان یا مستمعین^۱ توجه داشته باشند. تهیه و تنظیم و اجرای یک برنامه خاص برای افراد موجب جلب همان گروه خاص به مسجد می شود. اگر متولیان فرهنگی در تدارک برنامه های فرهنگی دارای نگرش تک بعدی باشند، نمی توان شاهد حضور گسترده خانواده ها به مساجد بود. متولیان باید در انتخاب سخنرانان دقت نمایند. سخنرانان باید در هر خطابه موضوعات و مباحث خود را از زوایای مختلف تحقیق و بررسی کنند و آن را برای همه گروه های سنتی و همه اعضای خانواده ارائه نمایند. در واقع نباید مخاطب شناسی کنند، بلکه باید مخاطبان شناسی نمایند و به همه گروه های مخاطبان توجه کنند. سخنرانی هایی که فقط تک منظوره هستند و مثلاً فقط در مورد جوانان است یا فقط به مقوله زنان مرتبط می باشد، بالطبع فقط همان گروه مستمعین را جذب خواهد نمود. از این رو، در انجام برنامه های فرهنگی توجه به موضوعات و برنامه ها یا فعالیت های چند بعدی و چند گروهی بسیار مؤثرتر است و در جذب خانواده ها به مساجد تأثیر زیادی دارد.

۵-۲. توجه به حضور نوجوانان و جوانان به مسجد

یکی از اعضای تشکیل دهنده خانواده، جوانان و نوجوانان هستند. آنها به عنوان یکی از عناصر پرتوان و پیرانرژی نهاد خانواده باید در برنامه ریزی های جذب خانواده به مسجد لحاظ شوند. امروز بیرون آوردن جوانان از محیط بسته خانه و جذب آنها به بطن جریانات اجتماعی و دینی برای فعالین فرهنگی از مهم ترین کارها به شمار می رود تا شاهد جوانان خواب آلود و چشم دوخته به صفحه مانیتور رایانه و تلویزیون نباشیم. جوانان و نوجوانان به عنوان آینده سازان جامعه اسلامی از بزرگ ترین سرمایه های این کشور به شمار می روند و تلاش در جهت

^۱ Audiences

توسعه آگاهی های دینی آنان از اهمیت به سزایی برخوردار است. اگر میزان معرفت جوانان به آموزه های دینی و انوار زلال معارف دین از رشدونمو مطلوبی برخوردار باشد، شخصیت دینی آنان به گونه ای شایسته شکل خواهد گرفت و هنگام ورود به جامعه اسلامی تاثیر به سزایی در آن پدید خواهند آورد. «نوجوانی دوره شکل گیری هویت و جوانی زمان تثبیت آن است. در دوره نوجوانی و کودکی خانواده بیشترین تأثیر را در شکل گیری هویت به عهده دارد. در دوره جوانی محیط زندگی اجتماعی و خود جوان نقش اساسی را در تثبیت هویت ایفا می کنند»^۱.

امام خمینی ره فرمودند: «مساجد باید مجتمع بشود از جوان ها، اگر ما بفهمیم که این اجتماعات چه فوایدی دارد و اگر بفهمیم که اجتماعاتی که اسلام برای ما دستور داده و فراهم کرده است، چه مسائل سیاسی و چه رفتاری هایی را حل می کند، این طور بی حال نبودیم که مساجدمان مرکز بشود برای چند پیرزن و پیرمرد.» به نظر می آید دستگاه های متولی فرهنگ باید رویکردی جدی به مسجد داشته باشند و جایگاه مسجد در برنامه های ما مشخص شود.^۲ یکی از اشکالات عملکرد تعداد اندکی از امامان جماعت و متولیان فرهنگی، احترام وافر به کهنسالان و پیرمردان نمازگزار و توجه کمتر به نوجوانان و جوانان است. آنها در این احترام کردن چه بسا از نوجوانان و جوانان نمازگزار غافل می شوند. هر فردی با بررسی صفوف نمازهای جماعت برخی مساجد متوجه می شود که غالباً صف اول را پیرمردهایی تشکیل می دهند که زودتر از نوجوانان و جوانان در مسجد حضور یافته اند. به نظر می رسد که یکی از مصادیق توجه و احترام به نوجوان و جوانان برای استمرار حضور آنها در مساجد، آگاه کردن آنان از ثواب حضور در صف اول نماز جماعت است. این کار در تشویق و ترغیب آنها به حضور فعال در مساجد و افزایش اعتماد به نفس آنها بسیار مؤثر است.

۱. ر.ک: لطف آبادی، حسین، روان شناسی رشد ۲، صص ۲۱۴-۲۱۵.

۲. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۳۲۵.

۵-۳. توجه به حضور کهنسالان و سالمندان در مساجد

سالخوردگان در فرهنگ اسلام جایگاه ویژه‌ای دارند و حفظ حرمت و احترام آن‌ها لازم و واجب است. وجود یک باب تحت عنوان «احترام به سالخوردگان» در اصول کافی، بیانگر منزلت آنان است. جامعه دینی ما حضور کهنسالان در مجامع و جلسات و خانه‌ها را مغتنم و موجب برکت می‌داند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُوقِّرْ كَبِيرَنَا وَيَرْحَمْ صَغِيرَنَا؛ کسانی که حرمت سالخوردگان را رعایت نمی‌کنند و به کوچک‌ترها نگاه ترحم و محبت نمی‌اندازند، از ما نیستند».^۱

کهنسالان و سالمندان هم مانند دیگران باید قادر باشند آزادانه و بدون خطر در مساجد تردد کنند و از کلیه حقوق اجتماعی خود برخوردار شوند. مهندسی و طراحی ساختمان مساجد باید با در نظر گرفتن همه مخاطبان انجام شود. تهیه فضایی مناسب برای سالمندان مثل کوتاه کردن پله‌ها، سرویس‌های بهداشتی مناسب، تهیه وسایل و تجهیزات مورد نیاز جهت تسهیل در انجام عبادات مثل صندلی‌های اقامه نماز در کنار حفظ کرامت و منزلت آنان می‌تواند برای حضور سالمندان در مساجد مؤثر باشد. مهندسانی که در طراحی و احداث مساجد نقش دارند باید از حیث فنی به قوانین مناسب سازی آدقت نظر داشته باشند. حضور کهنسالان و سالمندان در برنامه‌های مذهبی مساجد به عنوان الگویی عملی برای نوجوان و جوانان حائز اهمیت است و موجب ترغیب سایرین به حضور در مساجد می‌شود.

۵-۴. توجه به حضور خردسالان و تاثیر آن در حضور مادران و خانواده‌ها در مساجد

یکی از مهم‌ترین عواملی که مانع حضور مادران در مساجد است، به همراه داشتن کودکان و خردسالانی است که وابستگی زیادی به مادران خود دارند.

۱. بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۱۳۸؛ اصول کافی، ج ۳، ص ۲۴۰، روایت ۲؛ حسینی سیدحمید، منتخب میزان الحکمه، ص ۳۱۰.

۲. برجیان، منصور، جغتایی بهزاد، مناسب‌سازی در اماکن عمومی و تجاری، صص ۱۴ تا ۲۰۰.

۳. قانون جامع حمایت از حقوق معلولان، قابل اجرا برای تمامی دستگاه‌های دولتی و خصوصی؛ قابل دسترس در سایت جامعه معلولین ایران به آدرس: <http://iransdp.com>.

به عبارت دیگر، منع حضور خردسالان در مساجد به هر دلیلی که باشد، عدم حضور مادران را به همراه دارد. در تعالیم اسلامی به اهمیت حضور کودکان و فرزندان در فضای معنوی مساجد اشاره شده تا آن جا که برخی از روایات مربوط به سیره رسول خدا ﷺ و سیره عملی ائمه علیهم السلام به حضور کودکان در مسجد حین اقامه نماز و در صفوف نماز جماعت مربوط می شود.^۱ امام صادق علیه السلام فرمودند: «کان رسول الله ﷺ یسمع صوت الصبی و هو یبکی و هو فی الصلاه فیخفف الصلاه ان تعبر امه؛ رسول خدا ﷺ هنگام خواندن نماز جماعت، صدای گریه طفلی را شنید که مادرش او را با خود به مسجد آورده بود. آن حضرت نماز را کوتاه کرد تا مبادا نگرانی در مادرش پیدا شود».^۲

چه بسا مادرانی که به خاطر مشکلات ناشی از به همراه داشتن کودکان، در مساجد حضور نمی یابند. متولیان مساجد باید در خصوص رفع این عامل، تصمیمات لازم را اتخاذ نمایند. یکی از این راه حل ها، تأسیس «مسجدمهد» در کنار مساجد است. مسجدمهد، مهد کودکی است که هدف از راه اندازی آن در کنار مساجد، نگهداری و آموزش مذهبی و قرآنی خردسالان و فراهم کردن فضایی معنوی، برای کودکان است. مسجدمهد در کنار مساجد و با تأکید بر مسئله احیای مساجد و با در نظر گرفتن مساجد به عنوان مهد تربیت و آموزش مسائل اعتقادی و اجتماعی تأسیس می شوند.^۳

پیامبر صلی الله علیه و آله در مسجدالنبی محلی برای حضور بچه ها به نام «روضه الطفalan»، یعنی باغ بچه ها قرار دادند. بهتر است امروز نیز ما به تبعیت از آن حضرت با تأسیس مسجدمهد برای کودکان اقدام نماییم. این کار در افزایش نمازگزاران در سطوح سنی بالاتر نیز مؤثر خواهد بود؛ یعنی کودکی که راغب به مسجد می شود به طور طبیعی پدر، مادر، برادر و خواهرش را با شیوه های کودکانه خود وادار می کند که در وقت نماز و سایر برنامه های فرهنگی در مسجد حضور

۱. برای مطالعه تفصیلی در مورد حضور کودکان در مسجد رک به: رستگار مرتضی (محقق)، ۱۱۰ سؤال پیرامون مسجد، صص ۲۰۸-۲۰۹؛ برای مطالعه احادیثی مربوط به حضور کودکان در مسجد رک: طباطبایی بروجردی حسین، جامع

الحادیث الشیعه، ج ۶، ص ۴۵۹؛ شریف قرشی باقر، زندگانی حسن بن علی، ج ۱، ص ۶۸.

۲. وسایل الشیعه، ج ۵، ص ۴۷۰؛ رک: هیشمی نور الدین، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۲، ص ۷۴.

۳. پایگاه خبری تحلیلی پارسینه، خبر ۲۰۱۰۶، قابل دسترس در سایت: www.parsine.com.

داشته باشند.^۱

۵-۵. تأسیس کانون‌های فرهنگی چند منظوره

تشکیل کانون‌های فرهنگی با بخش‌های زیرشاخه‌ای برای همه گروه‌های سنی و اعضای خانواده یکی از موارد مؤثر در جذب خانواده‌ها به مسجد است. مقام معظم رهبری در این خصوص در سفر اخیر خود به استان خراسان شمالی فرمودند: «من سفارش می‌کنم که کانون‌های فرهنگی - هنری مساجد را فراموش نکنید... فکر کنید، مطالعه کنید و سخنی که متناسب با نیاز آن جوانی است که آنجا حضور پیدا می‌کند، فراهم کنید... خودتان را مجهز کنید، به سلاح معرفت و استدلال مسلح کنید، بعد به این کانون‌های فرهنگی - هنری بروید و پذیرای جوان‌ها باشید...»^۲

بیشتر کانون‌های مساجد، فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی منسجمی برای همه گروه‌های اعضای خانواده ندارند. بنابراین، متولیان مساجد باید برای جذب خانواده‌ها کانون‌هایی در مساجد تشکیل دهند که با تفکیک و شاخه‌بندی آنها بتوان برای همه اعضای خانواده‌ها طرح و برنامه‌های فرهنگی انتخاب و اجرا نمود. در واقع باید در مورد تأسیس کانون فرهنگی دختران جوان، پسران جوان، زنان و مردان میان‌سالان و حتی کودکان تصمیمات جدی گرفته شود یا کانون‌های قبلی را با مدیریت فرهنگی صحیح گسترش داد.

۵-۶. توجه جامع به کارکردهای آموزشی مساجد

یکی از انتقادات وارد بر عملکرد برخی از امامان مساجد و متولیان این است که آنها بعد از آموزش مساجد را کمتر مدنظر قرار می‌دهند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «كُلُّ جُلُوسٍ فِي الْمَسْجِدِ لَعْوٍ إِلَّا ثَلَاثَةٌ؛ قَرَأَتُهُ مُصَلٍّ، أَوْ ذَكَرَ اللَّهَ، أَوْ سَأَلَ عَن عِلْمٍ؛ هر نشستنی در مسجد بیهوده است، مگر این که برای سه کار باشد؛

۱. خبرنامه مشرق نیوز، خبر ۶۹۴۲۷، قابل دسترس در آدرس: www.mashreghnews.ir

۲. بیانات مقام معظم رهبری (مدظله) در خراسان شمالی، مهر ۱۳۹۱، قابل دسترس در: www.leader.ir

خواندن قرآن، ذکر خدا، اندوختن دانش»^۱ در سال های آغاز بعثت، پیامبر ﷺ، یاران خویش را در مسجدالحرام گرد می آوردند و واجبات و محرمات الهی را به آنان آموزش می دادند. آپس از هجرت در بیشتر اوقات بعد از نماز صبح و عشا به سخنرانی و گفت و گوهای علمی می پرداختند.^۲ این جلسات با حضور مردان و زنان مسلمان برپا می شد.^۳ تفسیر قرآن و سخن گفتن پیرامون معانی آیات آن، بخش در خور توجهی از سخنرانی های پیامبر ﷺ را تشکیل می داد. علاوه بر جلسه های سخنرانی پیامبر ﷺ، کلاس های آموزشی گوناگونی نیز در مسجد تشکیل می شد.^۴ با این توضیحات، اهمیت جنبه های آموزشی مسجد معلوم می شود.

از منظر روایات اسلامی، تشکیل جلسه های علمی در مسجد، نسبت به برگزاری جلسه های دعا، جایگاه والاتری دارد و پاداش آن، ثواب عمره کامل یا حج کامل و جهاد در راه خدا است^۵ که رحمت خدا آنان را فرامی گیرد.^۶ در این میان، طرح مباحث دینی در مسجد، فضیلت بیشتری دارد. پس از پیامبر ﷺ، ائمه معصومین (علیهم السلام) نیز برای حفظ جنبه های آموزشی مسجد، تلاش های ارزنده ای انجام دادند. مسجد، ابزارها و موقعیت هایی را در اختیار دارد که به کمک آن می توان به آموزش و افزایش شناخت دینی نمازگزاران پرداخت. مسجد مکانی است که مسلمانان برای برپایی فرائض الهی و مجالس مذهبی در آن حاضر می شوند و این فرصت مناسبی است تا معارف و احکام دین منتشر شود. البته نقش امام مسجد در این میان بسیار اهمیت دارد.

پیش از پیدایش مدرسه، مساجد یگانه مرکز مهم آموزشی - فرهنگی در جهان اسلام بوده است. پس از آن نیز، مدرسه در دامن مسجد بنا می شد. از همین

۱. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۸۶؛ وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۸۶.

۲. احتجاج، صص ۲۸-۳۹.

۳. عبدالحی کتانی، سید محمد، التراتیب الاداریه، ج ۲، ص ۲۳۳.

۴. صحیح بخاری، ج ۱، کتاب الصلاه، باب ۷۵، شماره ۹۶.

۵. التراتیب الاداریه، ص ۲۲۲.

۶. منیه المرید، ص ۱۰۶.

۷. زرکشی، محمّد بن عبدالله، اعلام المساجد باحکام المساجد، ص ۳۲۸.

۸. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۳، روایت ۲۰.

رو، در بیشتر کتاب هایی که درباره مسجد به نگارش در می آمد، از مدرسه بسیار سخن گفته می شد که سبب آن ارتباط نزدیک مسجد و مدرسه است.^۱ بنابراین، امامان مساجد و همه متولیان فرهنگی و هیئت امنای مساجد باید به کارکرد آموزشی مسجد در همه ابعادش توجه نمایند تا از پتانسیل موجود در مساجد و جمععاتی که برای برنامه های مذهبی مقطعی یا دائمی ایجاد می شود به بهترین صورت استفاده کنند. این امر خود زمینه ای برای گسترده تر شدن حضور همه افراد و خانواده ها در مساجد می گردد.

۵-۶-۱. جلسات آموزش احکام و مسایل شرعی برای بانوان

زنان به عنوان نیمی از پیکر جامعه انسانی، همانند مردان مطرح هستند و نمی توان از نقش سازنده آنان چشم پوشید. در راستای آموزش بانوان در مسجد باید تصمیمات جدی اتخاذ گردد. بانوان به خاطر نقش های مؤثر و متنوع در خانواده مانند نقش همسری و شوهرداری، نقش مادری، نقش تربیت فرزند، نقش عاطفی و... الزاماً با بسیاری از فعالیت های گسترده زندگی روزمره ارتباط تنگاتنگ دارند. وظایف خاص و نقش های با اهمیت، نیاز توسعه یافته بانوان به احکام و دستورات فقهی را روشن می سازد. هم چنان که بخش اعظم توضیح المسایل ها و رساله های عملیه را احکام خاص مربوط به بانوان تشکیل داده است و مسایل شرعی پیچیده ای در این مباحث وجود دارد. بعضی فقها و مراجع در این خصوص گفته اند: اگر راهی برای یادگرفتن مسائل اسلامی جز از طریق رفتن به مسجد وجود ندارد واجب است بانوان به مسجد بروند.^۲

در روایات مربوط به سیره نبوی در خصوص اختصاص زمانی برای زنان نقل شده است که گاهی زنان به آن حضرت می گفتند: «لَقَدْ غَلَبْنَا عَلَيْكَ الرَّجَالَ فَاجْعَلْ لَنَا يَوْمًا وَقَدْ فَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ ذَلِكَ؛ (ای رسول خدا) شما را مردان احاطه کرده اند. روزی را هم برای ما اختصاص بدهید و رسول خدا چنین کرد».^۳ بنابراین،

۱. برای مطالعه بیشتر ر. ک: تاریخ احمد شبلی، ص ۸۹ به بعد.

۲. مکارم شیرازی آیت ا...، ناصر، رساله توضیح المسائل، صص ۱۵۹-۱۶۰، م ۸۱۷.

۳. ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۱، ص ۱۹۵.

مسئولیت بانوان در خانواده و بیرون خانواده و نیز نقش ها و وظایف اقتضایی آنها ایجاب می کند که راه و رسم زندگی طبق شئون اسلامی را در قالب برنامه های منسجم و مستمر فرهنگی مساجد آموزش ببینند و فرا گیرند. متولیان فرهنگی مساجد با عنایت به موضوع فوق بهتر می توانند در جذب حداکثری بانوان در مساجد تصمیم گیری نمایند.

۵-۶-۲. برگزاری جلسات و کارگاه های آموزش خانواده

امروز، دشمنان دین اسلام دریافتند که آنچه آنها را در اجرای اهداف شوم تهاجم فرهنگی و شبیه خون فرهنگی موفق خواهد کرد، تخریب بنیان خانواده هاست. در چنین شرایطی امامان مساجد و مبلغان و متولیان فرهنگی مساجد باید به آموزش خانواده بر حسب موازین اسلامی و ایجاد و توسعه خانواده اسلامی با تأکید بر سبک زندگی اسلامی اهتمام ورزند. کارگاه ها و کلاس های آموزشی برای جوانان در شرف تشکیل خانواده و ازدواج یا تشریح اصول اخلاق در خانه برای همه اعضای خانواده و استفاده از آموزه های اسلامی در تحکیم بنیان خانواده ها، یکی از فعالیت های مهم فرهنگی تربیتی است که در جذب خانواده به مساجد و کاهش آسیب های اجتماعی بسیار مؤثر است. بسیاری از تحقیقات علمی و میدانی بیانگر این مطلب هستند که برخی از آسیب های رفتاری را می توان با تکنیک «خانواده درمانی» درمان نمود یا اثرات آن را کاهش داد. روانشناسانی که به خانواده درمانی و «ازدواج درمانی» اعتقاد دارند از عامل مهمی چون معنویت، مذهب، دین و برنامه های فرهنگی و مسجدی برای اهداف درمانی و بالینی خود استفاده می کنند.^۴

۱. البته تعداد اندکی از مساجد به این مقوله توجه دارند. ر. ک: سلیمان پور ابراهیم، گفتگو با خبرنگار مهر، ۱۳۹۲، قابل دسترس در آدرس: <http://www.mehrnnews.com>.

۲. family therapy

۳. marriage therapy

۴. ر. ک: آیوی (Ivey)، کورینک (Korinek)، میلر (Miller)، معنویت در ازدواج درمانی و خانواده درمانی و توسعه مقیاس اندازه گیری آن، صص ۷۱-۸۲ و همچنین ببینید: هیوج (HAUG)، ابعاد معنویت در خانواده درمانی، ۱۹۹۸، صص ۱۸۱-۱۹۴.

۵-۷. ایجاد صندوق قرض الحسنه مساجد و توجه به اقتصاد خانواده

مهم ترین علت ایجاد صندوق های قرض الحسنه، انگیزه مذهبی و دینی است. قرض الحسنه به عنوان یک سنت حسنه در گذشته به صورت عقد بین فرد قرض دهنده و قرض گیرنده انجام می شد و این امر با ارزش، سال های متمادی بین مسلمانان جهان به عنوان نوعی عبادت تلقی و به قصد پاداش اخروی انجام می شد. جلوه های زیبای قرض الحسنه در قرآن کریم بسیار است. آنجا که می فرماید:

«مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ؛ کیست آن کس که به خدا وامی نیکو بدهد تا نتیجه اش را برای وی دوچندانگر داند و او را پاداشی خوش باشد؟»^۱

در سال ۱۳۴۸ اولین صندوق قرض الحسنه در یکی از مساجد جنوب تهران به نام «صندوق ذخیره جاوید» تشکیل شد. این صندوق با هدف کمک به محرومان و نیازمندان و مبارزه با معاملات ربوی و رباخواری، ابتدا کمک های بلاعوض پرداخت می کرد و بعد از مدتی به پرداخت قرض الحسنه مبادرت ورزید. بعد از آن، صندوق های متعددی در مساجد دیگر یا خارج مساجد در تهران و سایر شهرها تأسیس شدند و گسترش یافتند.

در فرهنگ اسلامی، قرض دادن و برطرف کردن نیازهای مؤمنان، کار پسندیده ای به شمار می آید. متولیان فرهنگی مسجد می توانند با تشکیل صندوق قرض الحسنه، کارآیی اقتصادی مساجد را حفظ نمایند. در واقع دست گیری افراد نیازمند در بحران های اقتصادی با ارجحیت بُعد خانوادگی آن بحران ها، مهم ترین تأثیر این صندوق هاست. با پند و اندرز مبلغان دینی در مسجد و امام مسجد در مورد این موضوع، خیزش ملی و جریان های فقرزدایی در سطح جامعه افزایش می یابد. این موضوع بسیاری از خانواده ها را به حضور فعال در مساجد ترغیب می کند.

۱. حدید، آیه ۱۱؛ ر.ک: حدید، آیه ۱۸؛ بقره، آیه ۲۴۵؛ مائده، قسمتی از آیه ۱۲؛ تغابن، فرازی از آیه ۱۷؛ مزمل، بخشی از آیه ۲۰.

« ۶ نتیجه‌گیری

با تحلیل کلی مطالب مطرح شده، می‌توان گفت همه متولیان فرهنگی مساجد اعم از امام مسجد، متولیان فرهنگی و مسئولین اجرایی و تصمیم‌گیرندگان مساجد باید با برنامه‌های چند بعدی برای همه گروه‌های سنی اعضای خانواده جاذبه معنوی لازم را فراهم نمایند. آنها باید با برنامه ریزی تک بعدی یا جزئی و تلفیق برنامه‌ها و تولید و مدیریت یک برنامه جامع راهبردی، به مهندسی فرهنگی و مدیریت فرهنگی بپردازند. چشم‌اندازی که امام جماعت و متولیان فرهنگی مساجد را در این هدف گراندقدر یاری می‌رساند، دارا بودن نگرش سیستمی - اقتضایی در رابطه با همه اعضای خانواده شامل: پدران، مادران، نوجوانان، جوانان و کودکان در هر جنسیت است. در واقع امام مسجد و متولیان فرهنگی باید به نیازهای چند وجهی خانواده‌ها که شامل نیازهای عبادی، تربیتی، اجتماعی، آموزشی و اقتصادی است، توجه نمایند و در تمام برنامه‌های فرهنگی آنها را لحاظ نمایند. بدین ترتیب خانواده‌ها، حضور در مساجد و فعالیت‌های مسجدی را بخشی از زندگی خانوادگی خود دانسته و به صورت گروهی و تلفیقی و بیش از پیش در مساجد حضور می‌یابند.

« منابع و مأخذ

الف) فارسی

- « قرآن کریم، ترجمه: فولادوند محمد مهدی، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹ هـ.ش.
- « موسوی الخمينی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، سیدروح الله، چهل حدیث (اربعین حدیث)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۶۸ هـ.ش.
- « _____ صحیفه نور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، ۱۳۸۵ هـ.ش.
- « آذربایجانی، مسعود، معارف، روان‌شناسی دین. ش ۶۶، خرداد ۱۳۸۸ هـ.ش.
- « (قسمت اول)، قابل دسترس در پایگاه اطلاع رسانی حوزه به آدرس: www.hawzah.net.
- « برجیان، منصور، جغتایی، بهزاد، مناسب سازی در اماکن عمومی و تجاری، انتشارات فنون معاصر، چاپ اول، ۱۳۸۵ هـ.ش.
- « شیخ صدوق، ابن بابویه قمی ابوجعفر محمد بن علی (مشهور به شیخ صدوق)، من لایحضره الفقیه، ترجمه و شرح:
- « غفاری، محمدجواد، غفاری، علی اکبر، بلاغی، صدرالدین، تهران، نشر صدوق، ۱۳۶۷ هـ.ش.
- « پناهی، علی احمد، نقش نماز در آرامش روان، فصل نامه روان‌شناسی در تعامل دین، س ۱، ش ۱، بهار ۱۳۸۷ هـ.ش.
- « پورعلی فرد، محمد مهدی، نکته‌ای درباره روش تربیت دینی نسل جوان و نوجوان، شاکر، چاپ اول، ۱۳۷۶ هـ.ش.
- « مکارم شیرازی جمعی از فضلا و نویسندگان، تفسیر نمونه، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۶۸ هـ.ش.
- « حسینی، سیدحمید، منتخب میزان الحکمه با ترجمه فارسی، با همکاری سید محمد کاظم طباطبایی، مرکز تحقیقات دارالحدیث، ۱۳۸۸ هـ.ش.
- « حیدریان، حمیرا، آشنایی با وظایف دفتر شبیه خانواده همه چیز برای نزدیکی بیشتر به خانواده، ماهنامه پیام زن، شماره ۱۷۴، شهریور ۱۳۸۵ هـ.ش، قابل دسترس در: <http://www.hawzah.net>.
- « خداریمیی، سیامک، جعفری، سید غلامرضا، نقش مذهب بر بهداشت روانی، روان درمانی و روان‌شناسی بالینی، فصلنامه اصول بهداشت روانی، ش ۴، سال اول، زمستان ۱۳۷۸ هـ.ش.
- « دفتر تحقیقات کاربردی معاونت اجتماعی نیروی انتظامی مازندران، مجموعه مقالات همایش منطقه‌ای آسیب‌های نوپدید، چاپ اول، خرداد ۱۳۹۰ هـ.ش.
- « دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، با همکاری گروهی از نویسندگان، دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷ هـ.ش.
- « رستگار، مرتضی، ۱۱۰ سؤال پیرامون مسجد، دفتر مطالعات و تحقیقات مرکز رسیدگی به امور مساجد، انتشارات مؤسسه فرهنگی ثقلین، مرداد ۱۳۸۴ هـ.ش.
- « رشیدی پور، مجید، آشنایی با تعلیم و تربیت اسلامی، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، آذر ۱۳۸۲ هـ.ش.
- « رضایی، علی، جایگاه مساجد در فرهنگ اسلامی، مؤسسه فرهنگی ثقلین قم، چاپ اول، خرداد ۱۳۸۲ هـ.ش.
- « شبلی، احمد، تاریخ آموزش در اسلام، ترجمه: ساکت، محمدحسین، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۳ هـ.ش، پیوست ۲ (نقدی بر کتاب تاریخ آموزش در اسلام) از مصطفی جواد.
- « طباطبایی بروجردی، حسین (متوفی ۱۳۴۰)، جامع الحدیث شیعیه، قم، ۱۳۶۹ هـ.ش.

« طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیرالمیزان (۲۳ جلدی)، ترجمه موسوی همدانی، سید محمد باقر، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، چاپ چهارم، ۱۳۷۰ هـ.ش.

« طباطبایی، محمدحسین، تفسیرالمیزان، ترجمه موسوی، محمدباقر، دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)، قم، ۱۳۷۴ هـ.ش.

« طبرسی، فضل ابن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه، تحقیق و تصحیح: جمعی از مترجمان و نویسندگان، تهران، نشر فراهانی، ۱۳۵۱ هـ.ش.

« عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه، مطالعه تطبیقی حقوق زنان از منظر اسلام و غرب، دانشگاه امام صادق (علیه السلام) مرکز امور زنان و خانواده، معاونت آموزش و پژوهش، ۱۳۸۶ هـ.ش، قابل دسترس در آدرس:

« <http://www.women.gov.ir>

« فرجی، محمد مهدی، ویژگی‌های امام جماعت موفق، مبلغان، شماره ۱۸، ۱ مرداد ۱۳۸۸ هـ.ش.

« قربانی، نیما، روان‌شناسی دین: یک روی آورد علمی چند تباری، قیسات، ش ۸، ۱۳۷۷ هـ.ش.

« قرشی، باقر شریف، زندگانی حسن بن علی (علیه السلام)، ترجمه فخرالدین حجازی، تهران، انتشارات بعثت، چاپ ۲، ۱۳۵۳ هـ.ش.

« لطف آبادی، حسین، روان‌شناسی رشد ۲، سمت، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰ هـ.ش.

« مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، صدرا (با کسب اجازه از شورای نظارت بر نشر آثار استاد شهید)، چاپ بیست و سوم، بهار ۱۳۷۳ هـ.ش.

« مکارم شیرازی، ناصر، رساله توضیح المسائل، انتشارات امام علی ابن ابیطالب (علیه السلام) چاپ سی و یکم، ۱۳۸۹ هـ.ش.

« مؤسسه مسجد، حضور سبز زنان در خانه‌های خدا، نشریه مبلغان، شماره ۴۰، فروردین ۱۳۸۲ هـ.ش.

« همدانی رفیع الدین، اسحاق بن محمد (قاضی ابرقوه، ۶۲۳-۵۸۳)، سیرت رسول الله (به روایت عبدالملک ابن هشام)، ترجمه فارسی و ویرایش متن: مدرس صادقی، جعفر، نشر مرکز، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۳ هـ.ش.

ب) عربی

« طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن (متوفی ۴۶۰)، تهذیب الاحکام، مصصح: موسوی خراسانی، سیدحسن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ هـ.ق.

« شیخ حرّ عاملی، محمدحسن (متوفی ۱۱۰۴ هـ.ق)، وسایل الشیعه، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۶۷ هـ.ش.

« سجستانی الازدی، ابی داود سلیمان بن الاشعث (۲۷۵-۲۰۲ هـ.ق)، سنن ابی داود، دارالحدیث، قاهره، ۱۹۹۹ م برابر با ۱۳۷۸ هـ.ش.

« ابن حجر عسقلانی، ابوالفضل شهاب‌الدین احمد بن علی بن محمد، فتح الباری فی شرح البخاری، بیروت، المكتبة العصریه، صیدا، ۱۳۸۹ هـ.ش.

« بخاری، محمد اسماعیل، صحیح بخاری، تحقیق: قایم الشّماعی الرّفاعی، دارالقلم، بیروت، (نه جلد در چهار مجلد)، کتاب الصلاه، باب ۷۵، ۱۴۰۷ هـ.ق.

« زرکشی، محمّد بن عبدالله بن بهادر (۷۹۴-۷۴۵ هـ.ق)، اعلام المساجد باحکام المساجد، وزارت

- الاقواف، قاهره، تحقيق ابوالوفاء مصطفی المراغی، ۱۴۲۰هـ.ق.
- « طباطبائی حکیم، سید محسن، مستمسک عروه الوثقی، قم، دارالتفسیر، چاپ اول، ۱۴۱۶ هـ.ق.
- « طبرسی، احمد بن علی بن ابوطالب، الاحتجاج، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ هـ.ق.
- « شهید ثانی عاملی شامی، زین العابدین بن علی بن احمد (۹۶۵-۹۱۱ هـ.ق)، منیه المرید فی ادب المفید والمستفید، به تحقیق مختاری، رضا، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۹ هـ.ق برابر با ۱۳۶۸ هـ.ش.
- « کتانی، عبدالحی سید محمد (متوفی ۱۳۸۲ هـ.ق)، نظام الحکومه النبویه المسمی التراتیب الاداریه، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۳۴۶ - ۱۳۴۹ هـ.ق.
- « قریشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۴۱۲ هـ.ق.
- « کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، انتشارات ولیعصر، سال ۱۳۷۵ هـ.ش.
- « مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، انتشارات اسلامی، سال ۱۳۶۲ هـ.ش.
- « مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۴ هـ.ش.
- « نوری، حاج میرزا حسین (محدث نوری ۱۳۲۰ هـ.ق)، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ هـ.ق.
- « هیثمی، نورالدین، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، بیروت، دار لکتب العلمیه، ۱۴۰۸ هـ.ق.

ج) وب سایتها و منابع الکترونیکی

- « آقای، حمید، نشست خبری با خبرنگار شبستان، ۱۳۹۲، قابل دسترس در: www.shabestan.ir.
- « پایگاه خبری تحلیلی پارسینه، خبر ۲۰۱۰۶، اردیبهشت ۱۳۸۹ هـ.ش، قابل دسترس در سایت: www.parsine.com.
- « پوراابراهیم، سلیمان، متن گفتگوی انجام شده با خبرنگار مهر، رشت، ۱۳۹۲ هـ.ش، قابل دسترس در آدرس: <http://www.mehnews.com>.
- « جامعه معلولین ایران، قانون جامع حمایت از حقوق معلولان و آیین نامه های اجرایی مصوب؛ قابل دسترس در آدرس: <http://iransdp.com>.
- « حسینی خامنه ای، سیدعلی، متن بیانات معظم له در دیدار علما و روحانیون استان خراسان شمالی در ۱۹ مهرماه ۱۳۹۱ هـ.ش، www.leader.ir.
- « خبرنامه مشرق نیوز، خبر ۶۹۴۲۷، مهر ۱۳۹۰ هـ.ش، قابل دسترس در آدرس: ww.mashregnews.ir.
- « دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ناشر چاپی: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، نشر دیجیتال: مرکز
- « تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ج ۲۸، ص ۱۵۷۹، ۱۳۴۲-۱۳۴۱، نسخه pdf، به آدرس: www.ghaemiyeh.com.
- « سازمان بهزیستی کل کشور به آدرس: <http://behzisti.ir/services>.
- « موظف رستمی، محمدعلی، امام مسجد یا امام جماعت مسجد، خرداد ۱۳۹۲ هـ.ش، سازمان تبلیغات اسلامی، قابل دسترس در آدرس: <http://www.ido.ir>.
- « ویکی پدیا به آدرس: <http://fa.wikipedia.org>.

د) منابع انگلیسی

- » Gouger, j. Daniel and Robert W. Knap (1974), system analysis technique, New York, John Wiley and sons, p:39.
- » Haug, I. E. (1998). Including a spiritual dimension in family therapy: Ethical considerations. Contemporary Family Therapy, 20, 181-194.
- » John M. Wallace Jr, Tyrone A. Forman, (1998), Religion's Role in Promoting Health and Reducing Risk Among American Youth, Health Education & Behavior Vol. 25 (6), pp: 721-741, (December).
- » Marianne McInnes Miller, Alan Korinek, David C. Ivey, (2004) , Spirituality in MFT Training: Development of the Spiritual Issues in Super Vision Scale. Contemporary Family Therapy 26(1), March, Human Sciences Press, Inc. pp: 71-82.
- » Tiffany Nickles, (2011) , the Role Of Religion and Spirituality in counseling, A Senior Project for the Bachelor of Science Degree in Psychology, (Faculty Advisor: Basil Fiorito) California Polytecnic State University, San Luis Obispo Spring Quarter, p 3.

مسجد و خانواده

سید تقی واردی

چکیده

نگارنده، از منظر جامعه‌شناسی و با استفاده از آیات و روایات، به بررسی رابطه خانواده با مسجد پرداخته. انواع تعامل مسجد و خانواده و رابطه کمی و کیفی را مورد توجه قرار داده است؛ سپس از آثار و فواید حضور خانواده در مسجد، لزوماً استفاده مفید و مشروع از مسجد و ممنوعیت استفاده‌های ابزاری از مسجد را مطرح و وظایف خانواده در برابر مسجد را برشمرده و در ذیل هر عنوان، نکات مفید و سازنده‌ای را نیز مطرح ساخته است.

کلیدواژه‌ها:

مسجد، خانواده، تعامل مسجد و خانواده، رابطه کمی، رابطه کیفی، حضور در مسجد.

« اشاره

از زمانی که مشیت و اراده خداوند متعال بر این قرار گرفت که انسان به زمین هبوط و با تشکیل خانواده در این کره خاکی زیست نماید، نیاز بشر به جایی که محلّ عبادت و راز و نیاز با خدا باشد، محسوس بود و بدین جهت انسان‌های موجود آن عصر با پدیده عبادگاه، آشنایی و رابطه ویژه‌ای داشتند و به مرور زمان، عبادت و پرستش خداوند سبحان در جایی به نام عبادتگاه یا مسجد، در زندگی انسان‌ها نهادینه شده است.

در تمام ادیان و مذاهب الهی، عبادتگاه‌ها جایگاه ویژه‌ای در نزد پیروان داشتند و از اعتبار و قداست خاصی برخوردار بودند.

هم اینک نیز پیروان ادیان و مذاهب موجود در دنیا، هر یک دارای عبادتگاه ویژه‌ای هستند و با مراجعه به آن، اعمال عبادی خویش را انجام می‌دهند.

زرتشتیان در آتشکده‌ها، یهودیان در کنش‌ها، بوداییان و هندوها در معبد‌ها، مسیحیان در کلیساها، و راهبان در دیرها و مسلمانان در مسجدها عبادت‌های خویش را بجا می‌آورند و برای چنین مکان‌هایی اعتبار و قداست ویژه‌ای قائل‌اند. در میان پیروان ادیان الهی، مسلمانان اهمیتی خاص برای عبادتگاه خود قائل‌اند؛ به طوری که در هر شبانه روز، پنج و یا حداقل سه بار به آن مراجعه می‌کنند و نمازها و عباداتشان را در آنجا انجام می‌دهند و در حقیقت، بخشی از عمر خود را در مساجد سپری می‌کنند و آن را خانه دوم خود می‌دانند.

در میان مسلمانان، خانواده به عنوان رکن رکن و زیرساخت اصلی و اساسی جامعه، در برقراری ارتباط معنوی و الهی مسلمانان با مسجد، نقشی مهم و منحصر به فرد بر عهده دارد. این نقش خانواده، در هر عصر و نسلی مانع دوری و افتراق با مساجد گردیده است. در این نوشتار، موضوع «مسجد و خانواده» را از منظر جامعه‌شناسی و با استفاده از آیات و روایات معصومین (علیهم‌السلام) مورد بررسی قرار می‌دهیم، و آن را در بخش‌های ذیل پی می‌گیریم:

۱. رابطه خانواده با مسجد؛

۲. تعامل مسجد و خانواده؛

۳. آثار و فواید حضور خانواده در مسجد؛

۴. وظایف خانواده در برابر مسجد؛

۵. استفاده‌های مفید و مشروع از مسجد؛

۶. استفاده‌های ابزاری و ممنوع از مسجد.

امید است که این گونه نوشته‌ها و تلاش‌ها در اقبال، و رویکرد خانواده‌ها، به‌ویژه جوانان و نوجوانان میهن عزیز ما و سراسر جوامع اسلامی به مسجد، تأثیر به‌سزایی داشته باشد و آنان را از راه‌های انحرافی و فسادانگیز رهایی بخشد و رضایت خداوند سبحان و خرسندی صاحب الامر، حضرت حجت بن الحسن علیه السلام را در پی داشته باشد.

« رابطه خانواده با مسجد

رابطه خانواده با مسجد، از چند جهت شایان بحث و بررسی است. اما در اینجا تنها به بررسی رابطه کمی و کیفی می‌پردازیم.

۱- رابطه کمی

۱- ۱) رابطه موقت و محدود: بدین گونه که انسان به وقت نیاز و یا در ایام خاص، مانند ماه مبارک رمضان به مسجد روی می‌آورد و پس از رفع نیاز و یا پایان ایام خاص، رابطه خود را با مسجد کم و یا حتی ترک می‌کند.

این رابطه، خالی از فایده و ارزش نیست، ولی مورد توصیه و سفارش الهی نیست و حتی مورد انتقاد و سرزنش قرار گرفته است؛ زیرا به این معناست که انسان هرگاه به مصیبت و گرفتاری مبتلا شود، به خدا رو آورد و هنگامی که گرفتاری‌اش برطرف گردد، بار دیگر خدا را فراموش می‌کند. از این رفتار و کردار نکوهیده در چند جای قرآن کریم، از جمله در این آیه شریفه انتقاد شده است:

«فَإِذَا رَكَبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ؛ هرگاه سوار کشتی شوند، خدا را از روی اخلاص و پاکی می‌خوانند و همین که به خشکی رسند او از کشتی پیاده گردند، شرک می‌ورزند!»^۱

بی‌تردید، هر کس به چنین روش و شیوه‌ای در استفاده و بهره‌مندی از مسجد روی آورد، مورد نکوهش و سرزنش الهی قرار می‌گیرد و بدین جهت باید در حد امکان از آن پرهیز کرد.

۲- ۱) رابطه دایم و غیرمحدود: رابطه نیک و پسندیده خانواده‌ها با مساجد، آن است که حد و حصاری نداشته و دایم و همیشگی باشد و در حقیقت، مسجد خانه‌ای دیگر برای آنان باشد.

در قرآن کریم آمده است:

«وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ؛ توجه شما در هر

^۱. عنکبوت، آیه ۶۵.

مسجدی به او باشد و او را بخوانید؛ در حالی که دین(خود) را برای او خالص می‌گردانید»^۱.

این توصیه الهی، بیانگر این معناست که انسان همیشه باید به خدا توجه داشته باشد و از روی اخلاص و نیت پاک، او را بخواند و برای این امر در عبادت گاه و به ویژه در مسجد، تأکید بیشتری شده است و این امر نشان دهنده لزوم حضور شایسته و بایسته مسلمانان در مساجد است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در روایتی فرمود: «مَنْ كَانَ الْقُرْآنُ دَرِبَتَهُ، وَالْمَسْجِدُ بَيْتَهُ، بَنَى اللَّهُ تَعَالَى لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ، وَدَرَجَةٌ دُونَ الدَّرَجَةِ الْوَسْطَى؛ هر کس که قرآن همدم او و مسجد خانه وی باشد، خداوند متعال خانه‌ای در بهشت برای او بنا و درجه‌ای پایین‌تر از درجه وسطی به وی عطا می‌کند»^۲.

۲- رابطه کیفی

۱- ۲) رابطه فیزیکی و ظاهری: گاهی اوقات، انسان به مسجد می‌رود و حضور فیزیکی و جسمی در آن پیدا می‌کند، ولی روحش در قید و بند چیزهای دیگر است و فکر و خیال او در عرصه‌های دیگر و خارج از حوزه معنویت و عبادت قرار گرفته است. چنین انسانی، رابطه بی‌حاصل و بی‌ارزش با مسجد برقرار کرده و از کسب ثواب و ارزش‌های معنوی و روحی محروم مانده است. محروم‌تر از او کسی است که در مسجد به کارهای غیرعبادی و حتی گناه آلود بپردازد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی فرمود:

«الْجُلُوسُ فِي الْمَسْجِدِ أَنْتَظَرَ الصَّلَاةِ عِبَادَةٌ مَا لَمْ يُحَدِّثْ. قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا يُحَدِّثُ؟ قَالَ صلی الله علیه و آله: الْأَعْتِيَابُ

نشستن در مسجد به انتظار نماز، عبادت است مادامی که حدیثی از او سر نزند.

پرسیده شد: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! به چه چیزی مُحَدِّث می‌شود؟ فرمود:

«به غیبت کردن»^۳.

۱. اعراف، آیه ۲۹.

۲. بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۰۲؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۷.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۳۵۷.

آری؛ غیبت از دیگران و سخن گفتن از کسی که در جمع آنان نیست و پرداختن به شایعات و پر و بال دادن به آنها و یا فرو رفتن در امور دنیوی و فارغ شدن از عبادت و پرستش الهی، منافات با روح عبادت و طاعت الهی دارد و انسان را به مقصود و مقصد نمی‌رساند.

در روایات اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) آمده است: «يَأْتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ نَاسٌ مِنْ أُمَّتِي يَأْتُونَ الْمَسَاجِدَ يَفْعُدُونَ فِيهَا حَلَقًا ذَكَرَهُمُ الدُّنْيَا وَ حُبَّ الدُّنْيَا لَا تُجَالِسُوهُمْ فَلَيْسَ لِلَّهِ بِهِمْ حَاجَةٌ؛ در روزگار آخر الزمان، مردمی وارد مسجد می‌شوند و حلقه‌ای برای خویش تشکیل می‌دهند و درباره دنیا و دوستی (مظاهر) دنیا به گفت‌وگو می‌پردازند (و از عبادت و نیایش غافل می‌مانند)؛ با چنین کسانی هم‌نشینی نکنید؛ زیرا خدا را (رغبت) و حاجتی به آنان نیست».^۱

۲ - ۲) رابطه معنوی و باطنی: رابطه خانواده با مسجد، باید مفید و ثمربخش باشد و این رابطه، در صورتی برقرار می‌گردد که انسان با همه وجود خود در مسجد حضور پیدا کند و روح و روان خویش را با عطر معنویت و عبادت مسجد، معطر گرداند و علاوه بر حضور فیزیکی و جسمی، حضور معنوی و باطنی داشته باشد و اندیشه و توجهات او تنها به خدا و خداشناسی و خداستایی مشغول باشد و خود را از هر فکر و خیال دنیوی برهاند.

امام زین العابدین (علیه السلام) درباره حضور معنوی در مسجد فرمود: «وَالْمَسَاجِدُ بِيُوتُ اللَّهُ، فَمَنْ سَعَى إِلَيْهَا، فَقَدْ سَعَى إِلَى اللَّهِ وَ قَصِدَ إِلَيْهِ وَ الْمَصْلَى مَا دَامَ فِي صَلَاتِهِ فَهُوَ وَاقِفٌ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؛ مساجد، خانه‌های خداست. پس هر کسی که به سوی آنها بشتابد، به سوی خدا شتافته و او را قصد کرده است و شخص نمازگزار، مادامی که در حال نماز است، در نزد پروردگار متعال قرار گرفته است».^۲

۱. بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۴۵۴.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۹۹.

از این حدیث شریف، چنین استفاده میشود: انسانی که در مسجد، در حال نماز است و همه توجهات او تنها به سوی خداست و او را از روی اخلاص و ایمان، عبادت و پرستش می‌کند، چنین کسی توفیق لقای الهی یافته و به مقام والا و بزرگی نایل شده است.

« تعامل مسجد و خانواده

خانواده، نهادی است اجتماعی و مسجد، مکانی است مقدّس برای عباد مسلمانان، این دو پدیده، ارتباط تنگاتنگی با هم دارند و از یکدیگر متأثر و بهره‌مندند. معمولاً هرگاه در ارتباط مسجد و خانواده کاوش می‌شود، رابطه یک سویه خانواده با مسجد بررسی می‌شود، در حالی که می‌توان ارتباط بین این دو نهاد مهم را دو جانبه در نظر گرفت و تعامل آن دو و یا تأثیر هر یک در دیگری را مورد بحث و بررسی قرار داد.

در اینجا به نمونه‌هایی از تعامل مسجد و خانواده اشاره می‌کنیم:

۱. وقف زمین برای مسجد:

از موارد مفید و مهم تعامل خانواده با مسجد، اقدام این نهاد اجتماعی در وقف کردن زمین ملکی برای احداث مسجد است.

مسلمانان به پیروی از پیشوایان و امامان معصوم (علیهم‌السلام) از صدر اسلام تاکنون در این زمینه پیشتازند. از آثار و برکات این سنت حسنه آنان در وقف زمین‌های خود برای مسجد است، که شاهد شکوفایی این همه مسجد در سراسر جهان هستیم. بدین لحاظ، خانواده‌هایی که توانایی مالی ساختن مسجد و یا فرصت و قدرت اداره کردن آن را ندارند، ولی زمینی دارند که برای ساخت مسجد کفایت می‌کند، می‌توانند آن را برای احداث مسجد وقف کنند، تا زمینه‌ای برای دیگر مسلمانان فراهم گردد و آنان برای ساختن آن اقدام کنند.

وقف که معنی و مفهوم آن عبارت است از متوقف ساختن مالکیت خصوصی و شخصی و اقدام به عمومی کردن منافع آن در راه خدا برای استفاده دائمی مردم و دارای احکام فقهی و شرعی ویژه‌ای است که در کتابهای فقهی علما و رساله‌های عملیه مراجع تقلید بیان شده است و درباره آن، سفارش و توصیه‌های فراوانی شده است. از جمله این که در خبر صحیح از امام جعفر صادق (علیه‌السلام) روایت شده است:

«لَيْسَ يَتَّبِعُ الرَّجُلَ بَعْدَ مَوْتِهِ مِنَ الْأَجْرِ إِلَّا ثَلَاثُ خِصَالٍ: صَدَقَهُ أَجْرَاهَا فِي حَيَاتِهِ

فَهِيَ تَجْرِي بَعْدَ مَوْتِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ صَدَقَهُ مَوْفُوقَهُ لَا تُورَثُ أَوْ سُنَّهٗ هُدًى سَنَّهَا
فَكَانَ يَعْمَلُ بِهَا وَ عَمِلَ مِنْ بَعْدِهِ غَيْرُهُ أَوْ وَلَدٌ صَالِحٌ يَسْتَعْفِرُ لَهُ؛ پس از مرگ،
چیزی جز سه خصلت به عنوان پاداش به دنبال شخص نیست:

۱. کار خیری که در حیاتش آن را بنیان نهاده باشد و پس از وفات او به همان
حال باقی بماند؛

۲. سنت و شیوه هدایت‌گری که در حیاتش نهاده باشد و پس از وفات وی نیز
به آن عمل گردد؛

۳. فرزند صالح و شایسته‌ای از خود به جا گذاشته باشد که پس از وفات برای
او دعا و طلب مغفرت نماید.^۱ بی‌تردید، آگاهی خانواده‌ها از این گونه احادیث،
موجب رغبت بیشتر آنان به وقف کردن زمین‌های ملکی برای احداث مسجد
می‌گردد. به ویژه اگر بدانند که در نزد خداوند متعال از چه جایگاه و منزلتی
برخوردار می‌گردند.

امام جعفر صادق (علیه السلام) در روایتی فرمود:

«مَا مِنْ مَسْجِدٍ بُنِيَ إِلَّا عَلَى قَبْرِ نَبِيِّ أَوْ وَصِيِّ نَبِيِّ قُتِلَ فَأَصَابَ تِلْكَ الْبُقْعَةَ رَشَّةٌ
مِنْ دَمِهِ فَأَحَبَّ اللَّهُ أَنْ يُذَكَرَ فِيهَا فَأَدْ فِيهَا؛ هیچ مسجدی بنا نمی‌گردد، مگر
این که بر روی قبر پیامبر یا وصی پیامبری که به شهادت رسیده باشد، قرار
گیرد. پس به این مکان، قطره‌ای از خون وی اصابت کرده است و خداوند سبحان
دوست دارد که در این مکان، ذکر و نیایش وی انجام گیرد».^۲ بنابراین، می‌توان
به وضوح ملاحظه کرد که پدیده وقف، چه جایگاه مهمی در احداث مساجد دارد
و خانواده‌های متدین و مؤمن چه نقش آفرینی‌هایی می‌توانند در این راه داشته
باشند.

۲. ساخت و ساز مسجد:

خانواده‌های مسلمان و متدین در ساخت و مرمت مسجد، نقشی مهم برعهده

۱. الکافی، ج ۷، ص ۵۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۷۴.

۲. الکافی، ج ۳، ص ۳۷۰، ح ۵۲۶۳؛ بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۴۶۳.

دارند. آنها با اختصاص بخش‌هایی از مایحتاج زندگی خویش برای ساخت و یا مرمت مسجد، در این امر خداپسندانه سهم می‌گردند و از این راه، ایمان و هدایت خویش را به منصفه ظهور می‌رسانند. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

«مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ؛ مشرکان را لیاقت آن نباشد که مساجد خدا را آباد کنند، همان‌هایی که به کفر خود گواهی دهند»^۱.

این آیه شریفه، نشان می‌دهد که مرمت مساجد و یا ساخت و ساز آن، توفیقی است از جانب خدا که نصیب کافران و مشرکان و بی‌دینان نمی‌شود، بلکه این توفیق الهی تنها سزاوار مؤمنان و خانواده‌های متدین و خداجو است که به جز خدا، به چیزی دیگر نمی‌اندیشند.

خداوند سبحان در این آیه می‌فرماید: «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُتَدِينِ؛ همانا، آنانی که ایمان به خدا و آخرت دارند و نماز بر پا می‌دارند و زکات می‌پردازند و به غیر از خدا از کسی نمی‌ترسند، مساجد خدا را آباد می‌کنند. پس امید است این گروه از مؤمنان، جزو هدایت‌شدگان قرار گیرند»^۲.

پیامبر گرامی اسلام، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم نیز درباره فضیلت ساخت مسجد فرمود:

«مَنْ بَنَىٰ مَسْجِدًا فِي الدُّنْيَا أَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ شِبْرٍ مِنْهُ أَوْ قَالَ بِكُلِّ ذِرَاعٍ مِنْهُ مَسِيرَةَ أَرْبَعِينَ أَلْفَ عَامٍ مَدِينَهُ مِنْ ذَهَبٍ وَفِضَّةٍ وَدُرٍّ وَيَاقُوتٍ وَزُمُرٍ وَزَبْرُجَدٍ وَلَوْلُؤٍ...؛ هر کسی در دنیا مسجدی بنا نماید، خداوند متعال به مقدار هر و جب آن او به نقلی فرمود: به مقدار هر ذراع آن [به اندازه پیمودن چهل هزار سال، شهری به وی عطا می‌کند که همه آن از طلا، نقره، مروارید، یاقوت، زمرد، زبرجد و لؤلؤ باشد»^۳. آن حضرت در روایت دیگر فرمود: «مَنْ إِبْتَنَىٰ لِلَّهِ مَسْجِدًا وَ لَوْ مِثْلَ

۱. توبه، آیه ۱۷.

۲. توبه، آیه ۱۸.

۳. وسائل الشیعه ج ۵ ص ۲۰۵؛ ثواب الاعمال، ج ۱، ص ۱۵۰.

مَفْخَصَ قَطَاهُ، بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتاً فِي الْجَنَّةِ؛ کسی که برای خداوند مسجدی بسازد، اگر چه به مانند آشیانه پرنده‌ای باشد، خداوند متعال خانه‌ای برای او در بهشت بنا خواهد نمود»^۱.

درباره ساخت مسجد و یا مرمت و بازسازی آن، آیات و روایات فراوانی وجود دارد، که همه آنها مسلمانان متعهد و خانواده‌های دینمدار را تشویق و توصیه به این امر خداپسندانه می‌نمایند و با ایجاد اراده و عزم جدی در وجدان مسلمانان، آنان را در همه شهرها و روستاها و ادار به ساخت چنین پایگاه و مکانی مقدس می‌نمایند و از این راه جلوه‌ای زیبا و بی‌بدیل از یکتاپرستی و خداگرایی در جوامع بشری به وجود می‌آورند.

اما در این زمینه، توجه به این نکته برای سازندگان مساجد ضروری است که، مسجد را باید طوری ساخت که از لحاظ مهندسی از استحکام و مقاومت در برابر بلایای طبیعی برخوردار و از نظر فضا، از هوا و نور کافی بهره‌مند و دارای امکانات فرهنگی و تسهیلات روز باشد و در محدوده طرح‌های شهرداری و زیباسازی شهری قرار نگیرد و از جنبه معماری نیز معیارهای اسلامی و ذوق و هنر دینی در آن محسوس و رو به قبله باشد.

۳. اداره مسجد و تصدّی امور آن:

علاوه بر ساخت و ساز مسجد جدید و مرمت مسجدهای قدیمی و فرسوده، نقش خانواده‌ها در اداره مسجد و تصدّی امور آن نیز می‌تواند بسیار برجسته و چشمگیر باشد؛ زیرا مسجد به خودی خود نمی‌تواند در اصلاح اخلاق و بازسازی روحی و روانی انسان تأثیرگذار باشد؛ بلکه این متولّیان و متصدّیان امور آن هستند که از طریق مسجد و با بهره‌مندی از فضای مقدّس و ملکوتی آن، نقش مسجد را در جامعه برجسته می‌نمایند.

متصدّیان مساجد برای شادابی و طراوت این مکان مقدّس و جذّابیت آن برای اقشار گوناگون مردم، به ویژه جوانان، وظایف ذیل را برعهده دارند:

۱. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۵۰.

۱-۳. نظافت و پاکیزگی مسجد:

مسجد نیز مانند سایر بناها و ساختمان‌ها، نیاز به مراقبت و نظافت دارد. چون رفت و آمد مردم در آن همیشگی و نامحدود است، باید نظافت و پاکیزگی آن نیز همیشگی و دائمی باشد. براین اساس، متصدیان آن، از ادای چنین وظیفه مهمی احساس خستگی نکنند و خود را کنار نکشند؛ به ویژه در اوقاتی که حضور مردم در آن بیشتر و چشمگیرتر است؛ مانند روزهای جمعه و هنگام برپایی نماز جمعه و یا عیدها و هنگام برگزاری جشن‌های دینی و مذهبی و یا مراسم عزاداری و سوگواری و یا برای جلسات وعظ و خطابه.

در حدیثی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

«مَنْ كَنَسَ الْمَسْجِدَ يَوْمَ الْخَمِيسِ وَ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ، فَأَخْرَجَ مِنْهُ مِنَ التُّرَابِ مَا يُدْرِكُ فِي الْعَيْنِ، غَفَرَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ؛ کسی که در روز پنج‌شنبه و شب جمعه، مسجد را نظیف و خاک و خاکروبه‌ای را که به چشم می‌آید، بیرون بریزد، خداوند سبحان گناهانش را می‌آمرزد»^۱.

خانواده‌های متدین و محترم باید توجه داشته باشند که فضای بیرونی، حیاط و دیوارهای مسجد، فضای درونی، درها و پنجره‌ها، پرده‌ها، فرش‌ها، سجاده‌ها و هر چیزی که در مسجد استفاده می‌شود، باید از آنها مراقبت به عمل آید و در صورتی که نیاز به نظافت دارند، اقدام به نظافت و پاکیزه کردن آن نمایند.

۲-۳. روشن نگه داشتن مسجد:

مسجد باید همیشه برای عبادت‌کنندگان مهیا و درهای آن باز و چراغهایش روشن باشد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در این باره فرمودند:

«مَنْ أَسْرَجَ فِي مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ سَرَاجًا لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ وَ حَمَلَةُ الْعَرْشِ يَسْتَعْفِرُونَ لَهُ مَا دَامَ فِي الْمَسْجِدِ ضَوْءٌ مِنْ ذَلِكَ السَّرَاجِ؛ کسی که در مسجدی از مسجدهای خدا چراغی بیفروزاند، مادامی که مسجد از نور آن روشن است،

^۱ من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۲۳؛ التهذیب، ج ۳، ص ۲۵۴.

فرشتگان و حاملان عرش پیوسته برای او طلب مغفرت می‌کنند». ^۱ بی‌تردید مقصود رسول خدا ﷺ در روشن کردن مسجد، برپا داشتن آن برای عبادت است، که در آن عصر نمونه برجسته آن روشن نگه داشتن مسجد بود. ولی امروز، نیازهای دیگری نیز به آن افزوده می‌شود؛ مانند وسایل سرمازا و گرمازا، تلفن، آب، کتابخانه، و حتی رایانه و خطوط اینترنتی؛ متصدیان مساجد باید به این گونه قضایا نیز توجه کافی داشته باشند.

۳-۳. جلوگیری از حضور برخی اقشار:

مسجد خانه دوم همه مسلمانان و مؤمنان است و ورود همگان در آن آزاد و بلامانع است، ولی در ورود برخی از اقشار، از جمله مجانین و دیوانگان و همچنین کودکان خردسال و غیرممیز که نمی‌توانند نظافت و حرمت مسجد را نگهدارند، باید تأمل گردد.

در روایتی از پیامبر اسلام ﷺ آمده است: «جَنِبُوا مَسَاجِدَکُمْ صِبْيَانُکُمْ وَ مَجَانِینُکُمْ؛ مساجد خود را از کودکان خردسال و دیوانه‌هایتان دور نگه دارید». ^۲ همچنین مردان و زنانی که نیاز به غسل جنابت دارند و یا زنانی که در ایام عادت ماهانه به سر می‌برند، حضورشان در مسجد جایز نیست؛ مگر این که از دری وارد و بی‌درنگ از در دیگر خارج شوند. ^۳

۱. التهذیب، ج ۳، ص ۲۶۱؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۴۱.

۲. التهذیب، ج ۳، ص ۲۵۴.

۳. ر. ک: به رساله عملیه مراجع تقلید، بخش احکام جنابت.

« آثار و فواید حضور در مسجد »

در تعامل مسجد و خانواده، مواردی را که بازگو کننده نقش خانواده در ایجاد و اداره مسجد و طراوت و شادابی آن بود، برشمردیم؛ اکنون نقش متقابل مسجد در ایجاد تغییر و تحول در اخلاقیات و روحیات انسان را مورد بررسی قرار می‌دهیم: اصولاً برای حضور خانواده‌ها و افراد مؤمن در مساجد، آثار و فواید فراوانی وجود دارد که تنها به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. تهذیب نفس:

انسان‌ها در رهایی از بند شیطان و رسیدن به کمال و درجات عالی انسانی، نیاز مبرم به زدودن گناه و آلودگی‌های روحی و روانی از جسم و جان خود دارند. مسجد می‌تواند بهترین جایگاه تفکر و بازگشت به خویشتن باشد و انسان‌ها را به مقصودشان برساند. نقش مسجد در این امر مهم، بسیار کارساز و برجسته است و در حقیقت، خانواده‌ها مدیون مساجدند؛ زیرا دین و مذهب خود را در مساجد می‌شناسند و در این اماکن مقدّس با پروردگار خویش راز و نیاز و روح و روان خویش را از آلودگی‌ها تصفیه و تزکیه می‌نمایند و با استغفار و توبه، راه تقرب الی الله را می‌پیمایند.

۲. ایمنی از بلاها و گرفتاری‌ها:

با توجه به این که معمولاً بانیان مسجد، در ساخت و ساز آن، نهایت دقت را به عمل می‌آورند و استحکام آن را مدّ نظر قرار می‌دهند و بنایی محکم‌ترو مستحکم‌تر از بناهای دیگر خویش می‌سازند، معمولاً ساختمان‌های مساجد پناهگاه و مأمن مؤمنان و مسلمانان در ایام سختی‌ها و گرفتاری‌ها است. همچنین از لحاظ اجتماعی، هرگاه مسلمانان با فشارهای حکومت یا با مخالفان عقیدتی و یا افراد ناباب روبه‌رو می‌شوند، مساجد را بهترین پناهگاه و محل آسایش خویش می‌یابند.

رسول گرامی صلی الله علیه و آله در حدیثی فرمودند:

«إِذَا نَزَلَتِ الْعَاهَاتُ وَالْأَفَاتُ، عُوْفَى أَهْلُ الْمَسَاجِدِ؛ هَنَگَمَى كَه مَشْکَلَاتٍ وَ بَلَاهَا (برای اهل زمین) نازل میشود، اهل مساجد درامانند». نمونه عینی مصداق این حدیث شریف را در زمان خودمان (یعنی در اواخر سال ۱۳۸۳) در «سونامی» جنوب شرق آسیا، به ویژه در کشور مسلمان‌نشین اندونزی ملاحظه کردیم. از طریق رسانه‌های جمعی دیدیم و شنیدیم که بر اثر زلزله شدید و طوفان سهمگین دریا، بسیاری از شهرها و روستاها با خاک یکسان شد و بیش از دویست هزار نفر کشته و بیش از آن زخمی شدند و میلیون‌ها نفر خسارت دیدند و بلازده شدند، اما با شگفتی تمام، همگان دیدند که تنها ساختمان‌هایی که باقی ماندند و در این حادثه عظیم صدمه ندیدند و همچنان سرپا بودند و پناهگاه سیل زدگان و آوارگان قرار گرفتند، همین مساجد بودند.

۳. کسب رضایت پروردگار:

حضور خانواده‌ها در مسجد، موجب رضایت پروردگار سبحان از آنان می‌گردد و بر درجه قرب ایشان می‌افزاید.

امیر مؤمنان، امام علی بن ابی طالب (علیه السلام) فرمود:

«الْجُلُوسَةُ فِي الْجَامِعِ خَيْرٌ لِي مِنَ الْجُلُوسَةِ فِي الْجَنَّةِ، لِأَنَّ الْجَنَّةَ فِيهَا رِضَى نَفْسِي وَ الْجَامِعَ فِيهِ رِضَى رَبِّي؛ نشستن در مسجد برای من بهتر از نشستن در بهشت است. زیرا نشستن در بهشت مایه خشنودی نفس انسان است، ولی نشستن در مسجد، موجب خرسندی خدای سبحان».^۱

۴. گشایش امور:

با حضور انسان در مسجد و راز و نیاز با پروردگار متعال و دل سپردن به وی از روی اخلاص و نیت پاک، بسیاری از معضلات و مشکلات وی، راه حل پیدا می‌کند و اندکی بعد، خود به خود همه مشکلات و گرفتاری‌ها رفع می‌گردد و گشایش

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۲۲۶.

۲. فلاح المسائل، ص ۹۰.

و راحتی در امور پدید می آید.

امام صادق علیه السلام در این باره فرمودند:

«مَنْ مَشَى إِلَى الْمَسْجِدِ لَمْ يَضَعْ رِجْلًا عَلَى رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا سَبَّحَتْ لَهُ الْأَرْضُ إِلَى الْأَرْضَيْنِ السَّابِعَةِ؛ هر کس به سوی مسجدی حرکت کند، بر هیچ تر و خشکی گام نمی نهد، مگر این که از این زمین تا زمین هفتم، راهها بر روی او گشوده گردد»^۱.

۵. افزایش حسنات و کاهش سیئات:

رفتن به مسجد و بهره‌مندی از فضای عبادی و عرفانی آن، موجب افزایش حسنات و پاداش اخروی و کاهش سیئات و یا محو کلی آن می‌گردد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ، فَلَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ خَطَايَا حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَ مِجَى عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ وَ رُفِعَ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ؛ هر کس به جانب مسجدی از مسجدهای خدا برود، برای هر گامی که برمی‌دارد تا آن هنگامی که به خانه‌اش برگردد، ده حسنه برای او ثبت، و ده سیئه و گناه از او محو، و ده درجه بر جایگاه وی نزد خداوند افزوده می‌شود»^۲.

۶. رسیدن به فواید هشت گانه:

اصبغ بن نباته، که از یاران و اصحاب نزدیک امام علی علیه السلام بود، از آن حضرت روایت کرد:

«مَنْ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ؛ أَخَا مُسْتَفَاداً فِي اللَّهِ، أَوْ عِلْماً مُسْتَطَرِّفاً أَوْ آيَةً مُحَكَّمَةً أَوْ يَسْمَعُ كَلِمَةً تُدَلُّ عَلَى هُدًى، أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً، أَوْ كَلِمَةً تَرُدُّهُ عَنِ رَدَى، أَوْ يَتْرُكُ ذَنْبًا خَشِيئَةً أَوْ حَيَاءً؛ هر که در مسجدی رفت و آمد داشته باشد، به یکی از این فواید هشت گانه نایل خواهد شد:

۱. التهذيب، ج ۳، ص ۲۵۵.

۲. ثواب الاعمال، ص ۳۴۳.

۱. برادر دینی که او را در راه کسب رضای خداوند یاری کند؛
 ۲. دانشی که راه‌گشا باشد؛
 ۳. نشانه و آیه‌ای که استوار باشد؛
 ۴. شنیدن سخنی که او را به راه راست هدایت‌گر باشد؛
 ۵. شنیدن کلامی که او را از تباهی و فساد بازدارد؛
 ۶. دستیابی به سنت و شیوه‌ای که پیروی شده باشد؛
 ۷. رسیدن به رحمتی که منتظر آن بوده است؛
 ۸. گناهی را از روی خوف و خشیت الهی و یا از روی شرم و حیا ترک کند.^۱
۷. آگاهی از احوال یکدیگر: از جمله مشکلات مهمّ جامعه اسلامی، بی‌خبری و ناآگاهی مسلمانان از وضعیت و گرفتاری‌های دیگران است که از این راه، صدمات و خسارات‌های فراوانی به آنان وارد می‌گردد. آنانی که از قدرت و یا ثروت سهمی دارند و به اصطلاح گلیم خویش را از آب بیرون می‌کشند، تنها به خود و خانواده خویش می‌پردازند و همه راحتی و آسایش را برای خود طلب می‌نمایند. بدون اینکه دیگر مؤمنان و مسلمانان را در نظر داشته و در فکر و اندیشه برطرف کردن مشکلات و گرفتاری‌های آنان باشند.
- پیامبر عظیم‌الشان اسلام ﷺ این مسئله را آن قدر مهم و خطیر دانست و به مسلمانان در خصوص آن هشدار داد که گویا مسلمانی را به آن منوط و مشروط نمود.
- آن حضرت در حدیثی فرمودند:
- «مَنْ أَصْبَحَ، لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنَ الْإِسْلَامِ فِي شَيْءٍ، وَ مَنْ شَهِدَ رَجُلًا يُنَادِي «يَا لَلْمُسْلِمِينَ!» فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ؛ کسی که صبح کند در حالی که اهمّتی به امر مسلمانان نداشته باشد، از اسلام بهره‌ای نبرده و کسی که آگاه شود بر مردی که ندای دادخواهی از مسلمانان سر می‌دهد، پس او فریادرسی نکند، از مسلمانان نخواهد بود».^۲

۱. فلاح السائل، ص ۹۰.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۱۶۴.

بدست آوردن دنیا هنر نیست

کسی را گر توانی دل بدست آر

به هر حال، حضور خانواده‌ها در مساجد و ملاقات با یکدیگر، در این مکان مقدّس، می‌تواند این نقیصه را برطرف کند و آنان را از وضعیّت یکدیگر آگاه و زمینه اقدام عملی افراد صاحب ثروت و یا صاحب قدرت، برای رفع گرفتاری‌های بیچارگان و مستمندان را فراهم کند.

« وظایف خانواده در برابر مسجد

برای برخورداری از مساجدی با طراوت و نمازگزاران بسیار و مفید برای جامعه که موجب سرافرازی و سربلندی مسلمانان و مکانی مقدّس برای تصفیه روح و روان آدمی و اصلاح و ارتقای اخلاق و کمالات انسانی، مواردی در مبحث «تعامل مسجد و خانواده» بیان شد؛ اینک مواردی به عنوان وظایف خانواده در برابر مسجد ذکر می‌گردد:

۱- ادای حق مسجد:

مسجد، به عنوان پدیده‌ای مقدّس و برخاسته از درون اسلام، بر عهده همه مسلمانان، به‌ویژه خانواده‌های متدین و مذهبی، حق بزرگی دارد و ادای حق آن بر همگان لازم و واجب است. حق مسجد آن است که برای آن اهمّیت قائل شویم و توجّه خاصی به آن کنیم و در آن همیشه رفت و آمد داشته باشیم و با حضور در آن، نمازهای خود را بجا آوریم و خدای سبحان را تسبیح و تقدیس نماییم. امام صادق (علیه السلام) در روایتی فرمودند:

«ثَلَاثَةٌ يَشْكُونَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: مَسْجِدٌ خَرَابٌ لَا يُصَلَّى فِيهِ أَهْلُهُ وَعَالِمٌ بَيْنَ جُهَالٍ وَمُضْحَفٌ مُعَلَّقٌ قَدْ وَقَعَ عَلَيْهِ الْغُبَارُ لَا يُقْرَأُ أَحَدًا؛ سه چیز در نزد پروردگار متعال [در روز قیامت] شکایت می‌کنند:

۱. مسجدی که خراب شده باشد و مردم در آن نماز نخوانند؛
۲. عالم و دانشمندی که در میان جاهلان و نادانان قرار گرفته باشد؛
۳. قرآنی که معطل مانده و گرد و غبار بر آن نشسته باشد و کسی آن را تلاوت نکند».^۱

در این حدیث شریف، از استقبال نکردن مسلمانان به حضور در مسجد و نخواندن نماز و به جا نیآوردن سایر عبادات در آن و در حقیقت به ادا نکردن حق آن، اعتراض شده است. ولی باید توجّه داشت که در میان مسلمانان گاهی مساجدی مجلل و باشکوه ساخته می‌شود، اما استفاده بهینه عبادی از آن به عمل نمی‌آید.

۱. الکافی، ج ۲، ص ۶۱۳.

این گونه مساجد که در مناطق ثروتمندنشین بیشتر به چشم می خورد، از نظر آبادی و عمران، خراب نیستند و حتی حضور مردم در آن چشم گیر است، ولی از لحاظ معنوی، بی پایه و خراباند. امام علی بن ابی طالب علیه السلام فرمودند:

«أَتَى عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقَى فِيهِمْ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ، وَمِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ، مَسَاجِدُهُمْ يَوْمئِذٍ غَامِرَةٌ مِنَ الْبِنَاءِ، خَرَابٌ مِنَ الْهُدَى، سُكَّانُهَا وَعَمَارُهَا شَرُّ أَهْلِ الْأَرْضِ؛ رُوزْگَارِی بَر مَرْدَمِ خَوَآهْدِ آمَدِ کِهْ اَزْ قُرْآنِ جِزْ نِشَانِی وَ اَزْ اِسْلَامِ جِزْ نَامِی بَاقِی نِخَوَآهْدِ مَآنَدِ. مَسْجِدِهَاِی آَنَآنِ دَرِ آَنِ رُوزْگَارِ اَزْ نِظَرِ سَاخْتِمَانِ آَبَادِ، اَمَّا اَزْ نِظَرِ هِدَايَتِ وِیْرَانِ اِسْتِ. مَسْجِدِنِشِیْنَانِ وَ سَازَنْدِگَانِ آَنِ بِنَاهَاِی شِکُوْهَمَنْدِ، بَدْتَرِیْنِ مَرْدَمِ زَمِیْنِ اَنْدِ»^۱.

با این بیان روشن می شود که ادای حق مسجد، به این است که مسلمانان با صفای قلب و مهربانی با یکدیگر و با اجتناب از هرگونه حقد و کینه توزی و دشمنی علیه سایر مؤمنان و مسلمانان، تنها برای رضای خداوند متعال و عبادت و پرستش وی در مساجد حضور چشم گیر داشته باشند و با نفس های گرم و معنوی خویش به آن شادابی بخشند.

۲- پرهیز از امور غیر عبادی:

مسجد، برای عبادت و بندگی خداوند سبحان است. اگر سخنرانی های مذهبی، مراسم دعا و مرثیه خوانی، قضاوت و داوری و چیزهایی از این قبیل در آن انجام گرفته و یا می گیرد، باید همه آنها در راستای عبادت و دعوت به معنویت باشد. اما پرداختن به امور دنیوی و کارهایی که با روح عبادت و معنویت منافات داشته باشد، در درون مسجد ممنوع و غیرمجاز است. در منابع روایی آمده است:

«يَأْتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ نَاسٌ يَأْتُونَ الْمَسَاجِدَ فَيَقْعُدُونَ فِيهَا حَلَقًا، ذَكَرَهُمُ الدُّنْيَا وَ حُبَّ الدُّنْيَا، لَا تُجَالِسُوهُمْ فَلَيْسَ لِلَّهِ فِيهِمْ حَاجَةٌ؛ دَرِ دُورِ آخِرِ الزَّمَانِ، مَرْدَمِ پِیْدَا مِی شُونَدِ کِهْ دَرِ مَسَاجِدِ حُضُورِ پِیْدَا مِی کُنَنْدِ وَ حَلَقِهْ اِی دَرِ آَنِ تَشْکِیْلِ مِی دِهَنْدِ

^۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۶۹.

که گفت و گوی آنان دنیوی و دوستی دنیاست. [شما] با آنان هم‌نشینی نکنید، زیرا خدا را (به آنان رغبت و) به آنان حاجت نیست»^۱.
 همچنین مسجد را نباید به محلی برای خرید و فروش کالا و یا محلی برای انعقاد پیمان‌های تجاری و بازرگانی و یا نوشتن قولنامه‌ها و چیزهایی از این قبیل، تبدیل کرد. امام جعفر صادق (علیه السلام) در این باره فرمودند:
 «جَنَّبُوا مَسَاجِدَکُمُ الْبَيْعَ وَ الشَّرَاءَ؛ مَسَاجِدَ خُودَکُمْ رَازَ خُرَیْدٍ وَ فُرُوشَ (کالا و اجناس) دُور نَگَهِ دَارِیْدَ»^۲.

۳- آراستگی ظاهر و جسمی:

علاوه بر آمادگی روحی و معنوی، از لحاظ ظاهری و جسمی نیز باید هنگام رفتن به مسجد، مرتب و پاکیزه و آراسته بود. امام جعفر صادق (علیه السلام) در روایتی فرمودند:
 «إِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا اسْتَقْبَلَهُ مَوْلِي لَهُ فِي لَيْلِهِ بَارِدَةٍ وَعَلَيْهِ جُبَّةٌ وَمُطْرَفٌ خَزٌّ وَعَمَامَةٌ خَزٌّ وَهُوَ مُتَغَلِّفٌ بِالْغَالِيَةِ؛ فَقَالَ لَهُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ فِي مِثْلِ هَذِهِ السَّاعَةِ عَلَى هَذِهِ الْهَيْئَةِ إِلَى أَيْنَ؟ قَالَ: فَقَالَ: إِلَى مَسْجِدِ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَحْطَبُ الْحُورِ الْعَيْنِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ يَكِي از غلامان امام زین العابدین (علیه السلام) در شبی سرد، آن بزرگوار دید که: لباس خَز، روپوش «پالتو» خَز و عمامه خَز «گرانبهائی» پوشیده و خود را به عطرهای خوش بو، معطر کرده و از هر جهت خود را آماده و مهیا نموده است.

از حضرت پرسید: فدایت شوم، در این وقت شب با این هیأت و شکوه، به کجا تشریف می‌برید؟ امام سجاد (علیه السلام) چنین پاسخ داد: به مسجد جَدِّم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌روم تا از خدای عَزَّ وَجَلَّ، حورالعین را خواستگاری کنم»^۳. بنابراین، پوشیدن لباس نظیف و تمیز، خوشبو کردن لباس و بدن و اصلاح سر و صورت، از جمله وظایف خانواده‌ها هنگام رفتن به مسجد است. همچنین باید از چیزهایی که کراهت و نفرت دیگران را در پی دارد، مانند خوردنی‌هایی که بوی بد تولید

۱. تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۶۹.

۲. الکافی، ج ۳، ص ۲۵۴.

۳. الکافی، ج ۶، ص ۵۱۷.

می‌کنند و یا استعمال دخانیات، مانند سیگار و یا پوشیدن لباس‌های زننده و امثال آن، پرهیز کرد. محمد بن مسلم گفت: از امام باقر علیه السلام پرسیدم که خوردن سیر چه حکمی دارد؟ فرمود:

«همانا، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به لحاظ بوی آن، از خوردن این خوراکی ناخوشایند نهی می‌نمود. پس (بعد از خوردن آن) به مساجد ما نزدیک نشوید. اما اگر کسی آن را تناول کند و وارد مسجد نشود، اشکالی ندارد»^۱.

۴- برطرف کردن آلودگی‌ها:

خانواده‌ها باید توجه داشته باشند که در و دیوار و فرش‌ها و فضای درونی و بیرونی مسجد به هیچ وجهی به ناپاکی و نجاست آلوده نگردد و اگر چنین اتفاقی به وقوع پیوندد و جایی از مسجد و یا چیزی از آن آلوده گردد، بی‌درنگ باید رفع آلودگی شود. پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیثی فرمودند:

«جَنَّبُوا مَسَاجِدَکُمْ النَّجَاسَهِ؛ ناپاکی‌ها و نجاست‌ها را از مسجدهای خود دور کنید»^۲.

ابو بن کعب روایت کرد: پیامبر صلی الله علیه و آله بر دیوار مسجد، آب دهانی دید که بر آن چسبیده بود، آن حضرت با پارچه‌ای آن را پاک و تمیز کرد و آن پارچه را به بیرون انداخت و جای آن قسمت را با عطر (و یا زعفران و یا ورس ابوت‌ای شبیه زعفران) خوش بو نمود.^۳ بنابراین، هر چیزی که مسجد را به نجاست آلوده می‌کند و یا آن را نجس نمی‌کند، ولی طبع آدمی از آنها اکراه داشته و برای مردم ناخوشایند باشد، باید از آن مکان مقدس دور گردد.

۵ - آرامش صوتی:

مسجد، جای عبادت و تفکر و اندیشیدن درباره خود و خداوند است. از اینرو باید از آرامش خاصی بهره‌مند باشد. بر این اساس، بر مؤمنانی که وارد مسجد می‌شوند،

۱. همان: ص ۳۷۴.

۲. تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۹۱.

۳. تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۲۴.

لازم است در خواندن نماز، قرآن و دعا و مناجات، صدای خویش را بلند نکنند و اعمال خود را در حدّی که مزاحمتی برای دیگران نداشته باشد، به طور آهسته انجام دهند.

پیامبر خدا ﷺ در وصایای خود به ابوذر غفاری فرمودند:

«يا أَبَاذَرٍّ! مَنْ أَجَابَ دَاعِيَ اللَّهِ وَأَحْسَنَ عِمَارَةَ مَسَاجِدِ اللَّهِ كَانَ ثَوَابُهُ مِنَ اللَّهِ الْجَنَّةَ. فَقُلْتُ: كَيْفَ يُعَمَّرُ مَسَاجِدُ اللَّهِ؟ قَالَ ﷺ: لَا تَرْفَعُ فِيهَا الْأَصْوَاتَ، وَلَا يُخَاضُ فِيهَا بِالْبَاطِلِ، وَلَا يُشْتَرَى فِيهَا، وَلَا يُبَاعُ، وَاتْرُكِ اللَّغْوَ مَا دُمْتَ فِيهَا؛ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَلَا تَلُومَنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا نَفْسَكَ؛ رَسُولُ خَدَا ﷺ فرمود: ای اباذره! کسی که ندای خداوند را پاسخ دهد و به آبادی و اصلاح مساجد همت گمارد، خداوند پاداش او را بهشت قرار می دهد.

ابوذر گوید، عرض کردم: چگونه شخصی می تواند به عمران و اصلاح مساجد بپردازد؟ حضرت فرمودند: اصلاح و عمران مساجد این است که صدا را در آن بلند نکنی و به امور باطل و لهو و لعب نپردازی و خرید و فروش را در مساجد کنار بگذاری؛ تا مادامی که در مسجد به سر میبری، از کار لغو و بیهوده پرهیزی و اگر چنین نکردی، در روز قیامت، جز خودت، کسی را ملامت نکن.^۱

البته باید توجه داشت که منظور از آلودگی صوتی در مساجد، گفت و گوهای بی حاصل و یا بحث‌ها و مجادله‌های باطل است که با روح عبادت، تفکر و اندیشیدن درباره خدا و قیامت، منافات دارد و مزاحمتی برای عبادت کنندگان به وجود می آورد. اما مباحثه‌های علمی و مذهبی، سخنرانی‌ها و خطابه‌های اخلاقی و برگزاری مراسم عمومی که موجب مزاحمت سایر عبادت کنندگان و همسایگان مسجد نباشد، حتی با صدای بلند، منعی در انجام دادن آنها نیست؛ زیرا این گونه اعمال در راستای تبلیغ دین و معنویت است و اجر و پاداش اخروی نیز دارد.

پیامبر خدا ﷺ، امامان معصوم (علیهم السلام) و اسلاف صالح ما شیعیان از این شیوه تبلیغ بسیار استفاده و مردم را ارشاد و به صراط مستقیم هدایت می کردند.

۱. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۸۵.

« استفاده‌های مفید و مشروع از مسجد

خانواده‌ها می‌توانند بیشترین فواید و فیوضات معنوی را از مساجد کسب کنند و در این مکان مقدّس، روح و روان خود را از سرچشمه زلال و پاک عبودیت و عرفان، سیراب نمایند. در اینجا مناسب است، به برخی از فیوضات و بهره‌وری‌های معنوی خانواده‌ها از مسجد اشاره کنیم:

۱- برپایی نماز:

مسجد، مکانی مقدّس برای عبادت و کسب معنویت است. بهتر است مسلمانان همه نمازها، اعم از واجب و مستحب را در این مکان بجا آورند و به این مسئله توجّه داشته باشند که پاداش فراوانی برای خواندن نماز در مسجد وجود دارد که در سایر اماکن بدان مقدار نیست. حتی در مساجد مخالفان و طایفه‌های اسلامی غیرشیعی نیز می‌توان حضور یافت و در آنها نماز خواند؛ زیرا در این باره نیز پیشوایان معصوم علیهم‌السلام سفارش کرده‌اند.^۱

۲- نماز جماعت:

خواندن نماز جماعت، فضیلت و پاداش بی‌شماری دارد و سفارش‌های بسیاری در دین مقدّس اسلام در برپایی نماز جماعت و حضور مؤمنان در آن شده است. مسلماً برپایی نماز جماعت، در مسجد و حضور در آن، ثواب و پاداش بیشتری خواهد داشت؛ بنابراین خانواده‌های متدین تلاش کنند نمازهای یومیّه خود را در مساجد به جماعت برگزار کنند و از نماز خواندن به صورت فرادا خودداری نمایند.

۳- طلب حاجت:

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: پدرم امام باقر علیه‌السلام هرگاه می‌خواست حاجتی را از خداوند متعال درخواست نماید، به هنگام ظهر، مقداری صدقه می‌داد و سپس

^۱ . بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۸۵.

خود را خوش بو می نمود و عازم مسجد می گردید و در آنجا هر چه می خواست از خداوند متعال در خواست می کرد.^۱

۴- ذکر خدا:

تسبیح و ذکر خداوند سبحان، از جمله اعمالی است که در خصوص انجام دادن آن در مساجد سفارش شده است. چنان که امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «مَنْ خَيْرُ أَهْلِ الْمَسْجِدِ فَقَالَ أَكْثَرُهُمْ لِلَّهِ ذِكْرًا وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أُعْطِيَ لِسَانًا ذَاكِرًا فَقَدْ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَقَالَ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَلَا تَمُنُّنَّ تَسْتَكْثِرُنَّ قَالَ لَا تَسْتَكْثِرُنَّ مَا عَمِلْتُمْ مِنْ خَيْرٍ لِلَّهِ»^۲؛ مردی به محضر رسول خدا ﷺ رسید و عرض کرد: چه کسی از اهل مسجد، بهتر از دیگران است؟ پیامبر ﷺ فرمود: هر که زبانی گویا به ذکر خدا به او داده شده است، خیر دنیا و آخرت به او داده شده، و درباره گفتار خدای تعالی: «وَمَنْتَ مِنْهُ» که فزونی جوئی، فرمود: یعنی، آنچه کار خیر برای خدا کردی، آن را بیش بشمار.»^۳

۵- وعظ و خطابه:

برگزاری مراسم سخنرانی مذهبی و دینی در راستای ارشاد مسلمانان و آشنایی با احکام دین اسلام و مکتب حیات بخش اهل بیت (علیهم السلام)، از فیوضات گران سنگ مساجد برای خانواده‌ها به شمار می آید و لازم است در اجرای آنها دقت کافی و به نحو مطلوب استفاده شود. در این راستا مبلغان دینی و روحانیون معظم می توانند بیشترین بهره‌برداری معنوی را از این فرصت‌ها بکنند.

۶- تلاوت قرآن کریم:

تلاوت قرآن کریم، در هر جایی ممکن و مفید است، ولی بهترین و مقدس‌ترین جای آن، مسجد است که خانواده‌های متدین از این فضای منور و روحانی،

۱. الکافی، ج ۳، ص ۴۷۷.

۲. مدثر، آیه ۶.

۳. الکافی، ج ۳، ص ۴۷۸.

استفاده کامل و قرآن را به صورت فردی و یا به صورت جمعی تلاوت و در معانی آن تدبّر کنند. استادان قرائت قرآن نیز تلاش کنند، در آموزش روخوانی و قرائت آن، خانواده‌ها به ویژه نوجوانان و جوانان را یاری دهند و قلوب پاکشان را با کلام خدا آشنا کنند. همچنین روحانیون معظم و مفسران قرآن کریم برای توضیح و تفسیر آیات، از مساجد و فضای روحانی و عرفانی آن استفاده کنند.

۷- اعتکاف در مساجد:

یکی از سنت‌های رسول خدا ﷺ در میان مسلمانان، اعتکاف آن حضرت در مسجد است. اعتکاف، از جمله اعمال عبادی است که با حضور در مسجد و باقی ماندن در آن به مدت سه شبانه روز و گرفتن روزه در هر سه روز و خارج نشدن از مسجد، مگر در مواقع ضروری محقق می‌شود. معتکف در این مدت فرصتی به دست می‌آورد تا با تفکر و تدبّر در رفتار و کردار خویش، در صدد ترمیم نارسایی‌های اخلاقی و کرداری خویش برآید و با عبادت و راز و نیاز، روح و روان خود را صفا بخشد.

پیامبر خدا ﷺ در ماه مبارک رمضان، به ویژه در دهه سوم آن، در مسجد معتکف می‌شد.^۱ این سنت، در میان امامان معصوم (علیهم‌السلام) و مسلمانان نیز تداوم یافت و هم اکنون نیز در ایران اسلامی و برخی از مناطق شیعه‌نشین جهان، در روزهای سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم رجب هر سال، متدینان و عبادت پیشه‌گان به مساجد می‌روند و به مدت سه شبانه روز معتکف می‌شوند. شایان توجه است که حضور جوانان، به ویژه دختران و پسران دانشجو در این مراسم عبادی چشم‌گیر است.

۱. الکافی، ج ۴، ص ۱۷۵.

« استفاده‌های نامشروع و غیرمجاز از مسجد

در استفاده از مساجد باید توجه داشت که هر کار ممکن را نمی‌توان در مسجد انجام داد، و در واقع انجام دادن برخی از کارها در مسجد ممنوع است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- استفاده اِبراری از مسجد:

نظر به استقبال عمومی مسلمانان از مسجد و توجه ویژه آنان به این مکان مقدّس، ممکن است عده‌ای بخواهند از آن و از فضای معنوی آن در راستای اهداف شخصی، حزبی و جناحی خود بهره‌برداری کنند و خانواده‌های متدیّن را به ضلالت و انحراف بکشانند، یا این که وارد مساجد شوند و پس از دیدن آداب و رسوم مسلمانان، آنان را به سخریه و استهزا بگیرند. متولیان امور مساجد و عموم مسلمانان و نمازگزاران باید جلو چنین استفاده‌های نامشروع را بگیرند و محلی برای اظهار وجود بدخواهان و مخالفان باقی نگذارند و مسجد مقدّس را تبدیل به مسجدی همچون مسجد ضرار نمایند. نمونه‌های فراوانی داریم که رسول خدا ﷺ و یا ائمه اطهار (علیهم‌السلام) با این گونه افراد که قصد سوء استفاده‌های مذهبی و سیاسی داشتند، برخورد می‌کردند و عکسالعمل‌های لازم را نشان می‌دادند.^۱

۲- انجام دادن کارهای صنفی و صنعتی در مساجد:

در مساجد نباید کارهای صنفی و صنعتی و امثال آن انجام داد، زیرا از این گونه اعمال در مسجد نهی شده است. در روایات آمده است که پیامبر ﷺ از آماده کردن شمشیر و تیز کردن آن در مسجد جلوگیری می‌نمود و می‌فرمود: «أَنَّمَا بَنِي لِعَيْرٍ ذَلِكُ؛ مسجد برای کارهای دیگری بنا شده است».^۲

۱. سیره النبی صلی الله علیه و آله، ابن هشام، ج ۲، ص ۳۷۰؛ الکافی، ج ۱، ص ۳۹۳.

۲. الکافی، ج ۳، ص ۳۶۹.

۳- وجود تصاویر و نقش و نگار در مسجد:

کارهای هنری و زیباسازی مساجد، منافاتی با روح معنوی و عرفانی آن ندارد؛ اما از حک کردن نقش و نگار جانداران بر در و دیوار مسجدها و کشیدن عکس انسان و حیوان، همچنین قرار دادن تصاویر، در مقابل نمازگزاران، باید پرهیز کرد. در حقیقت نباید مساجد را به موزه‌ای از تصاویر و عکس‌های گوناگون تبدیل کرد؛ زیرا امکان دارد نظر نمازگزاران و عبادت‌کنندگان به آنها جلب شود و از توجه آنان به اعمال عبادی کاسته شود. عمرو بن جمیع گفت: از امام جعفر صادق (علیه السلام) درباره مساجدی که دارای تصاویر هستند، پرسیدم، آن حضرت فرمود: «أَكْرَهُ ذَلِكَ، وَلَكِنْ لَا يَضُرُّكُمْ ذَلِكَ الْيَوْمَ؛ وَلَوْ قَدْ قَامَ الْعَدْلُ لَرَأَيْتُمْ كَيْفَ يُصْنَعُ فِي ذَلِكَ؛ چنين چیزی کراهت دارد، ولی امروزه ضرری به شما نمی‌رساند. اگر امام عادل قیام کند، هر آینه می‌بینید که با این تصاویر چه خواهد کرد».^۱

۴- انداختن سنگ و زباله در مسجد:

بی‌احترامی به مساجد با انداختن و یا ریختن سنگ و کلوخ و یا گذاشتن زباله و آشغال در آنها، همچنین گذاشتن وسایل شخصی و خانوادگی، مانند آلات و ابزار کشاورزی، دامداری و ماشین‌های سواری و امثال ذلک، در شأن و خانواده‌های محترم و معتقد نیست. متأسفانه مشاهده می‌شود که در برخی از مساجد چنین بی‌احترامی‌هایی انجام می‌شود. به ویژه در مسجدهایی که نمازگزاران کمی دارد و همچنین مساجدی که تنها در ماه مبارک رمضان گشوده می‌شوند و از آنها تنها در این ماه استفاده می‌شود و در بقیه ایام، خالی و بدون نمازگزار است. همچنین در سطح برخی از روستاها و قریه‌های دور افتاده چنین رفتار و کردار نکوهیده مشاهده می‌گردد که این امر گناهی است که عقوبت آن دامن‌گیر عاملان خواهد شد. از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) روایت شده است: که آن حضرت، مردی را دید که سنگریزه به داخل مسجد پرتاب می‌کند. حضرت به وی فرمود: «مَا زَأَلْتَ تَلْعُنُ حَتَّى وَقَعَتْ؛ از زمانی که سنگریزه را انداختی تا مادامی که در

۱. الکافی، ج ۳، ص ۳۶۹؛ التهذیب، ج ۳، ص ۲۵۹.

آنجا باقی است، آن سنگریزه تو را لعنت می کند»^۱.

۵- راه قرار دادن مساجد:

برخی از افراد، مسجد را برای عبور و مرور خود انتخاب می کنند و بدون اینکه نمازی در آن بخوانند، تنها برای نزدیک کردن راه خود، از دری وارد و از در دیگر خارج می شوند؛ این کاری ناپسند است و خانواده های محترم باید به آن توجه داشته باشند. رسول خدا ﷺ در حدیثی فرمودند:

«لَا تَجْعَلُوا الْمَسَاجِدَ طُرُقاً حَتَّى تُصَلُّوا فِيهَا رَكَعَتَيْنِ؛ مساجد را راه عبور خود قرار ندهید، مگر این که دو رکعت نماز در آن بخوانید»^۲.

در پایان این نوشتار، از خداوند متعال مسئلت می کنم که همه اقشار جامعه، از جمله خانواده های متدین و مؤمن، خصوصاً جوانان، با مسجد و فواید و فضایل معنوی آن هر چه بیشتر آشنا شوند و بر تقوا و ایمان آنان افزوده شود، تا با آمادگی همه مسلمانان عالم، زمینه ظهور سرور و مولایمان حضرت حجه بن الحسن العسکری علیه السلام فراهم گردد.

^۱ . التهذیب، ج ۳، ص ۲۶۲.

^۲ . وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۹۳.

« نتیجه سخن

نهاد خانواده از جمله عمومی‌ترین نهادهای اجتماعی است که به طور معمول در تمام جامعه‌ها وجود دارد و مهم‌ترین تکیه گاه و محور زندگی اجتماعی است. صاحب نظران روان‌شناسی و علوم تربیتی، یکی از مهم‌ترین نهادهای مؤثر در تربیت و رفتار آدمی را سازمان خانواده می‌دانند؛ زیرا محیط خانواده اولین و بادوام‌ترین عامل در تکوین شخصیت کودکان و نوجوانان و زمینه ساز رشد جسمانی، اخلاقی، عقلانی و عاطفی آنان است.

خانواده و مسجد، مکانی است مقدّس برای عبادت مسلمانان. این دو پدیده، ارتباط تنگاتنگی با هم دارند و از یکدیگر متأثر و بهره مندمی باشند. موضوع «مسجد و خانواده» از موضوعات مهم در زمان حاضر است. رابطه نیک و پسندیده خانواده‌ها با مساجد، آن است که حدّ و حصاری نداشته و دایم و همیشگی باشد و در حقیقت، مسجد خانه دومی برای آنان باشد.

کاوش در ارتباط مسجد و خانواده، را دو جانبه باید در نظر گرفت و تعامل آن دو و یا تأثیر هر یک در دیگری را در معرض بحث و بررسی گذاشت.

نمونه‌هایی از تعامل مسجد و خانواده به شرح ذیل است: وقف زمین برای مسجد؛ ساخت و ساز مسجد؛ اداره مسجد و تصدّی امور آن.

حضور خانواده‌ها و افراد مؤمن در مساجد، آثار و فواید فراوانی وجود دارد: یکی از فوائد حضور در مسجد، تهذیب نفس است. انسان‌ها در رهایی از بند شیطان و رسیدن به کمال و درجات عالی انسانی نیاز مبرم به زدودن گناه و آلودگی‌های روحی و روانی از جسم و جان خود دارند و در این راه مسجد می‌تواند بهترین جایگاه تفکر و بازگشت به خویشتن باشد و انسان‌ها را به مقصودشان برساند. نقش مسجد در این امر مهمّ بسیار کارساز و برجسته است و در حقیقت، خانواده‌ها مدیون مساجدند.

ایمنی از بلاها و گرفتاری‌ها، از دیگر فواید حضور در مسجد است. معمولاً ساختمان‌های مساجد پناهگاه و مأمن مؤمنان و مسلمانان در ایام سختی‌ها و گرفتاری‌ها است. افزون بر آن از لحاظ اجتماعی هرگاه مسلمانان با فشارهای

حکومت یا با مخالفان عقیدتی و یا افراد ناباب روبه رو می‌شوند، مساجد را بهترین پناهگاه و آسایشگاه خویش می‌یابند.

حضور خانواده‌ها در مسجد، موجب رضایت پروردگار سبحان از آنان می‌گردد و بر درجه قرب ایشان می‌افزاید.

حضور انسان در مسجد و راز و نیاز با پروردگار متعال و دل سپردن به وی از روی اخلاص و نیت پاک، بسیاری از معضلات و مشکلات وی، راه حل پیدا می‌کند و اندکی بعد، خود به خود همه مشکلات و گرفتاری‌ها رفع می‌گردد و گشایش و راحتی در امور پدید می‌آید.

رفتن به مسجد و بهره‌مندی از فضای عبادی و عرفانی آن، موجب افزایش حسنات و پاداش اخروی و کاهش سیئات و یا محو کلی آن می‌گردد.

براساس روایات اسلامی، کسی که به مسجد رفت و آمد می‌کند، یکی از منافع هشتگانه نصیب او می‌شود: برادری مفید و باارزش در راه خدا، یا علم و دانش نو، یا دلیل و برهان محکم [برای تثبیت عقاید]، یا کلماتی که موجب هدایت شود [می‌شنود]، یا رحمت مورد انتظاری [شامل حال او میشود]، یا مواعظی که او را از فساد و گناه بازدارد، [می‌شنود]، یا به خاطر ترس یا حیا و آبروی خود، گناهی را ترک می‌کند.

همچنین حضور خانواده‌ها در مساجد و ملاقات با یکدیگر، در این مکان مقدّس، می‌تواند آنان را از وضعیت یکدیگر آگاه و زمینه اقدام عملی افراد صاحب ثروت و یا صاحب قدرت، برای رفع گرفتاری‌های بیچارگان و مستمندان را فراهم کند. خانواده در برابر مسجد وظایف مهمی دارد. مسجد، به عنوان پدیده‌ای مقدّس و برخاسته از درون اسلام، بر عهده همه مسلمانان، به‌ویژه خانواده‌های متدین و مذهبی، حق بزرگی دارد و ادای حق آن بر همگان لازم و واجب است. حق مسجد آن است که برای آن اهمّیت قائل شویم و توجه خاصی به آن کنیم و در آن همیشه رفت و آمد داشته باشیم و با حضور در آن، نمازهای خود را بجا آوریم و خدای سبحان را تسبیح و تقدیس نماییم.

پرهیز از امور غیرعبادی، در مسجد از جمله وظایف خانواده اهل مسجد است.

پرداختن به امور دنیوی و کارهایی که با روح عبادت و معنویت منافات داشته باشد، در مسجد ممنوع است.

علاوه بر آمادگی روحی و معنوی، از لحاظ ظاهری و جسمی نیز باید هنگام رفتن به مسجد، مرتب و پاکیزه و آراسته بود.

خانواده‌ها باید توجه داشته باشند که در و دیوار و فرش‌ها و فضای درونی و بیرونی مسجد به هیچ وجهی به ناپاکی و نجاست آلوده نگردد و اگر چنین اتفاقی به وقوع پیوندد و جایی از مسجد و یا چیزی از آن آلوده گردد، بی‌درنگ باید رفع آلودگی شود.

مسجد، جای عبادت و تفکر و اندیشیدن درباره خود و خداوند است. از این رو باید از آرامش خاصی بهره‌مند باشد. بر مؤمنانی که وارد مسجد می‌شوند، لازم است در خواندن نماز، قرآن و دعا و مناجات، صدای خویش را بلند نکنند و اعمال خود را در حدی که مزاحمتی برای دیگران نداشته باشد، انجام دهند.

به هر حال، خانواده‌ها می‌توانند بیشترین فواید و فیوضات معنوی را از مساجد کسب کنند و در این مکان مقدّس، روح و روان خود را از سرچشمه زلال و پاک عبودیت و عرفان، سیراب نمایند.

« منابع و مأخذ

- « قرآن کریم.
- « نهج البلاغه.
- « مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ هـ.ق.
- « کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران، علمیه اسلامی، بی تا.
- « نوری، حاج میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۸ هـ.ق.
- « شیخ حرّ عاملی، محمد حسن، وسائل الشیعه، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ هـ.ق.
- « شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، قم، انتشارات اسلامی و ابسته به جامعه مدرسین، چاپ سوم، ۱۴۱۳ هـ.ق.
- « ——— ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم، نشر رضی، چاپ دوم، ۱۳۶۳ هـ.ش
- « طوسی (شیخ الطایفه)، ابوجعفر محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ هـ.ش.
- « حلّی، علامه حسن بین یوسف، التذکره الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول، (جدید).
- « تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، مصر، دارالمعارف، ۱۳۸۵ هـ.ق.
- « سید ابن طاوس، فلاح السائل و نجاح المسائل، قم، بوستان کتاب، چاپ اول.
- « ابن عساکر، ابوالقاسم بن عبدالله شافعی، تاریخ مدینه و دمشق، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۵ هـ.ق.
- « ابن هشام معارفی، ابومحمد عبدالملک بن هشام بن هشام، السیره النبویه، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت، دارالمعرفه، [بیتاً].
- « ورامبن ابی فراس، مسعود بن عیسی، تنبیه الخواطر و نزّهه النواظر المعروف بمجموعه ورام، ترجمه محمد رضا عطایی، مشهد، انتشارات بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ سوم، ۱۳۸۴ هـ.ش.

شاخصه‌های خانواده اهل مسجد

محمدحسین مردانی نوکنده

چکیده

مقاله حاضر در صدد تبیین نقش و تأثیر مثبت مسجد در زندگی فردی و اجتماعی است. در این راستا با استناد به آیات و روایات و کتاب‌های معتبر، شاخصه‌های خانواده اهل مسجد را مورد تحلیل و بررسی قرار داده و در آن با توجه به شاخصه‌ها و نمونه‌های کاربردی به دنبال پاسخ این سؤال است که چگونه می‌توانیم خانواده‌ای ایده‌آل، متعادل و اهل مسجد داشته باشیم. نویسنده در پایان این مقاله خانواده امام علی (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام) را به عنوان الگویی کامل برای همه جهانیان، به خصوص خانواده‌های اهل مسجد، معرفی کرده است.

کلیدواژه‌ها:

خانواده، مسجد، اهل مسجد، شاخصه‌های خانواده مسجدی، الگو، زندگی حضرت امام علی (علیه السلام) و حضرت فاطمه (علیها السلام).

« اشاره

نهاد خانواده به مطالعه، تعمیق و عبرت آموزی دائمی نیاز دارد؛ زیرا چند بعدی است و راز و رمزهای فراوانی دارد. اینکه بر بقای خانواده تأکید فراوان می شود و بسیاری از سعادت ها و شقاوت ها از درون خانواده ریشه می گیرد، همه دلیل بر ظرافت، اهمیت و پیچیدگی این نهاد مهم انسان ساز است. برنامه ریزان، به ویژه آنانی که در نهادهای فرهنگی، تربیتی فعالیت می کنند، نباید به این مهم بی اعتنا باشند و از بررسی مسائل خانواده و ارائه راه حل برای مشکلات و معضلات آن غافل بمانند. خداوند، در قرآن کریم، خانواده را با نام «آیه» معرفی می کند و آرامش قلب آدمی را در گرو داشتن خانواده سالم و باایمان می داند؛ همین معرفی الهی بهترین نشانه بر اهمیت فراوان این نهاد است. آیه الهی بودن نکات حکیمانه زیادی در خود مستتر دارد. هر چه نشانه خدا شود، به منزله این است که صفات الهی در او بروز و ظهور پیدا کرده است و آن قدر قابلیت دارد که هم می توان راه خدا و مسیر بندگی را در آن آموخت و هم با آن بسیاری از حقایق را باور کرد. اگر خانواده های اهل ایمان و مسجد به این نکته توجه کنند که رابطه مرد و زن در خانواده جلوه ای از جلوه های الهی است و قاعده مندی های درونی آن باید با الهام از صفات الهی استنباط شود، زمینه های سعادت مندی در آن خانواده شکل می گیرد.

خانواده اهل مسجد و نماز باید تلاش کند نشانه هایی از عدل الهی، علم الهی، قدرت الهی، قداست الهی و سایر صفات را در خود پرورش دهد و مودت را به مثابه اکسیر عظیم خانواده سالم و متعادل رعایت کند؛ همچنین با پیوند عاطفه و عقلانیت، در پرتوی عنایات الهی، سعادت واقعی را رقم بزند. عشق و علاقه به زندگی مستقل، ارضای غرایز از جمله غریزه عاطفه و آرام زیستن در کنار همسر انگیزه تشکیل خانواده است. قرآن کریم نیز به این مسئله اشاره کرده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا؛ و نشانه های خداوندی این است که از جنس خودتان برایتان همسرانی آفرید تا در کنارشان

آرام گیرید»^۱.

در هر خانواده، فرزندان متولد می شوند که باید تربیت شوند؛ البته در فرایندی الهی و معنوی؛ زیرا فرزند باید محصول چنین روندی باشد تا براساس فطرتش به سوی مقصد سیر نماید. تربیت در عالم انسانیت، مانند عشق به زیبایی در عالم هنر است. تربیت کودک را نمی آفریند، بلکه او را در راه انسان شدن شکوفا می کند. انسان شدن نتیجه منطقی تربیت درست است. در واقع، تربیت پاسخی معقول و رضایت بخش به معنای هستی کودک است. در خانواده اهل مسجد، تربیت راز و رمزهایی دارد که دانایی، توانایی و به کاربردن اصولی را می طلبد. تربیت، شور و عشق می طلبد و والدینی در این امر موفق اند که عملاً درست زندگی کنند و الگوی مناسب داشته باشند.

اما چگونه می توانیم خانواده ای ایده آل، متعادل و اهل مسجد داشته باشیم؟ این سؤالی است که می کوشیم، در این مقاله، با شاخصه ها و نمونه های کاربردی به آن پاسخ دهیم و با تمسک به این شاخصه ها و معیارها قدمی در تعادل بهتر خانواده خویش برداریم.

^۱. روم، آیه ۲۱.

« اهمیت و نقش مسجد

پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند: «لَا يَرْجِعُ صَاحِبُ الْمَسْجِدِ بِأَقْلٍ مِنْ إِحْدَى ثَلَاثٍ: إِمَّا دُعَاءٍ يَدْعُو بِهِ يُدْخِلُهُ اللَّهُ بِهِ الْجَنَّةَ، وَإِمَّا دُعَاءٍ يَدْعُو بِهِ لِيُصْرِفَ اللَّهُ بِهِ عَنْهُ بَلَاءَ الدُّنْيَا، وَإِمَّا أَخِ يَسْتَفِيدُهُ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ مَلَاظِمَ مَسْجِدٍ، حَدَّ أَقْلٍ بَا يَكِي از اين سه به خانه اش برمی‌گردد: دعایی که به درگاه خدا می‌کند و خداوند او را با آن دعا به بهشت می‌برد. یا دعایی می‌کند که به سبب آن خداوند بلای دنیا را از او برمی‌گرداند؛ یا برادری که در راه خدای عز و جل از وجودش بهره‌مند می‌شود».^۱

در فرهنگ دینی، نام مسجد یادآور بندگی و کرنش در پیشگاه خداوند متعال است. مسجد به معنای جایگاه سجده و سجده اوج عبادت و بندگی انسان در برابر خداست. بنابراین، در قرآن کریم بر جنبه‌های عبادی مسجد، بیش از هر بعد دیگری، تکیه شده است. مسجد، جایگاه عبادت و پرستش خالصانه خداوند است: «وَ أَنْ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»^۲، و مساجد ویژه خداست پس هیچ کس را با خدا بخوانید.

مسجد، جایگاه زمزمه و نجوای صادقانه با معبود است: «وَ أَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ ادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ؛ به دادگری فرمان داده است و (اینکه) در هر مسجدی روی خود را مستقیم (به سوی قبله) کنید و در حالی که دین خود را برای او خالص گردانیده‌اید وی را بخوانید».^۳

مسجد، پایگاه عروج انسان از خاک به افلاک است: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى؛ منزه است آن [خدایی] که بنده‌اش را شبانگاهی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی - که پیرامون آن را برکت داده‌ایم - سیر داد».^۴

یکی از نقش‌های اساسی مسجد، فراهم کردن زمینه عبادت جمعی و خالصانه

۱ . بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۷۵.

۲ . سوره یجن، آیه‌ی ۱۸.

۳ . سوره یاعراف، آیه‌ی ۲۹.

۴ . سوره یاسرا، آیه‌ی ۱.

است تا مؤمنان در آنجا با پرداختن به نماز، ذکر و دعا، زنگار غفلت از دل و جان بشویند و با خداوند متعال انس گیرند. ابعاد تربیتی مسجد با ابعاد عبادی آن مرتبط است؛ زیرا عبادت پرورش دهنده روح و روان آدمی است و پاسخ به آن، پاسخ به نیازی طبیعی است. کسی که به نیازهای جسمی و روانی خود به طور منطقی پاسخ می‌گوید، شخصیتی متعادل پیدا می‌کند. عبادت و راز و نیاز با خداوند نیاز واقعی و فطری هر انسان و مکمل (بلکه مقوم) شخصیت اوست. البته، عبادت در هر مکانی این نیاز روحی را به طور نسبی تأمین می‌کند؛ ولی این نیاز در مسجد و عبادتگاه بهتر و کامل‌تر تأمین می‌شود. برای این اساس، باید گفت انسان به طور فطری، معبد و مسجد را دوست دارد و به آن عشق می‌ورزد. مسجد با ایجاد آشنایی و پیوند میان مؤمنان، نخبگان و صالحان جامعه، بستری مناسب برای آموزش، تربیت، پرورش و کمال آنها فراهم می‌کند. در مکتب تربیت اسلامی و بسیاری مکاتب دیگر، «انزواطلبی» و «جمع‌گریزی»، بیماری روحی شناخته می‌شود. مسجد با فراخوانی پیوسته مسلمانان به جمع و روح جمع‌گرایی، انعطاف و نظم‌پذیری را در آنان تقویت می‌کند. افزون بر آنچه گذشت، مسجد معمولاً جایگاه طرح مشکلات و مباحث اجتماعی است و به طور طبیعی با حضور در چنین مکانی، روح تعهد و دردمندی در فرد ایجاد می‌شود. مسجد، پایگاه عمومی مسلمانان و محل حضور قشرهای گوناگون است. از این رو، مسجد جایگاه مناسبی برای تعاون اجتماعی مسلمانان و مشارکت آنان در رفع نارسایی‌های اجتماعی به شمار می‌رود. مسجد، در جایگاه اصیل خود، الگوی ارزش‌گذاری است و ارزش‌های فراموش شده در آن مطرح می‌شود.

« مسجد، صفا بخش روح و جان »

همه روزه، با پخش صوت قرآن و اذان، فضای شهر آکنده از یاد خدا می شود. هنگامی که صدای ملکوتی قرآن و اذان سراسر شهر را فرا می گیرد، رایحه معطر «کلام الهی»، چشمان خفته را از خواب غفلت بیدار می کند؛ فکر و روح را به ملکوت می برد و همه وجود انسان خدایی می شود. با بانگ اذان در سحرگاه، بوی عطر دل انگیز یار در همه جا می پیچد و رنگ خدا در تاریکی سحر تجلی بیشتری پیدا می کند و آنگاه انسان حس می کند تنها نیست و کسی با اوست که برایش محبت و عشق را فارغ از همه افت و خیزهای دنیا زمزمه می کند. برخی مردم، در طی روز با شنیدن اذان به مسجد می روند و ضمن ادای فریضه نماز و حضور در این مکان مقدّس، غم ها و شادی های خود را با یکدیگر تقسیم می کنند و با تجدید بیعت روزانه، مشکلات خود را به فراموشی می سپارند. مسجد، از دیرباز نقشی مهم در زندگانی همه ایرانیان ایفا کرده است؛ زیرا حفظ، تعلیم و تفسیر قرآن کریم، که سرآغاز آموزش و پرورش اسلامی است، در مساجد صورت می گرفته است. نقش مسجد فقط به ادای نماز یا عبادت، محدود نبوده است؛ بلکه از آن به مثابه مرکز آموزش و پرورش نیز استفاده می شده است و این کار اکنون نیز در بسیاری از مساجد انجام می شود. از زمان ظهور اسلام، مسجد «نماد اسلام» بوده است و پیامبر صلی الله علیه و آله با سوق دادن عمده مراکز عمومی و حکومتی به مساجد، در واقع مسجد را کانون نظام سیاسی جهان اسلام قرار داد. حکومت اسلامی در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله برای اداره جامعه اسلامی، همواره سعی خود را برای رتق و فتق امور به مساجد معطوف می کرد و مسجد در آن زمان تنها یک مکان برای ادای فرائض دینی نبود، بلکه به گونه ای، عمارت حکومتی نیز بود. بسیاری از تصمیم گیری های مهم سیاسی و اجتماعی در مسجد صورت می گرفت و حتی طرح بسیاری از عملیات های نظامی در مساجد پیاده می شد. به تدریج، نزد غیرمسلمانان جهان، مسجد به یکی از مهم ترین مراکز و نمادهای اسلام تبدیل شد؛ به گونه ای که موجودیت حکومت اسلامی نیز با آن شناخته می شد. به همین علت، در سراسر سرزمین های فتح شده، به محض استقرار

حکومت اسلامی، خلفای اسلامی مسجدی می ساختند و آن را پایگاه اجتماع مسلمانان قرار می دادند.

مسجد، پایگاه وحدت امت اسلامی و محلّ تقربّ به درگاه الهی است و جایگاهی ویژه نزد مسلمانان دارد.

مسجد، مهم ترین پایگاه برای شکل گیری انقلاب اسلامی در ایران بوده است و نقشی اساسی در پیروزی و شکل گیری انقلاب اسلامی داشته است. مسجد می تواند بهترین پایگاه برای وحدت و هماهنگی مسلمانان، مبارزه با هوای نفس و مبارزه با استکبار و استبداد باشد. این فضای فرهنگی، پایگاه عبادت است و می تواند بهترین نقش را در از بین بردن مسائل ضدّ فرهنگی ایفا کند.

مسجد، مکانی است که مسلمانان را متحد می کند و می توان موضوعات مختلف، به ویژه مشکلات مردم را در آن مطرح و حل کرد.

مسجد، محلّی است که انسان را از گناه و معصیت بازمی دارد و او را به خداوند نزدیک تر می کند.

« شاخصه‌های خانواده‌اهل مسجد

۱. محبت و صمیمیت

خانواده اهل مسجد، خانواده‌ای سرشار از محبت، صمیمیت و مهربانی است و از حیث عاطفی و آرامش روحی روانی اسوه و الگویی برای سایر خانواده‌ها است. کودک می‌خواهد پدر و مادر بیش از حد او را دوست بدانند و به او اظهار علاقه کنند. فرزند چندان توجهی ندارد که خانواده‌اش در کاخ زندگی می‌کند یا در کوخ، یا لباس و خوراکش خیلی اعلاست یا نه؛ اما به این موضوع کاملاً توجه دارد که آیا دوستش دارند یا نه. این احساس درونی را چیزی جز محبت و نوازش خانواده ارضا نمی‌کند.

اخلاق و شخصیت آینده فرزندان در همین اظهار محبت‌ها شکل می‌گیرد. همین آغوش گرم مادر اهل نماز و نیایش و نوازش‌های مخلصانه پدر اهل مسجد است که روح بشردوستی و علاقه به هم‌نوع را در فرزند می‌دمد و برای اظهار همدردی و کمک به دیگران آماده‌اش می‌کند؛ همچنین او را از گوشه‌گیری و انزوا نجات می‌دهد. به واسطه محبت خانواده اهل مسجداست که فرزند احساس شخصیت می‌کند و خود را لایق دوستی می‌داند.

همین استعداد عاطفی در انسان، همراه با تضعیف خودخواهی و سوق دادن به سوی دیگران، سبب رشد بسیاری از فضایل در او می‌شود. این فضایل که در مسجد پایه‌ریزی و نهادینه می‌شود، همه کمالات را شامل می‌شود؛ از قبیل محبت، دوستی، فداکاری، گذشت، بخشش، همکاری، دلسوزی و به طور کلی تقدّم غیر بر خود. در همه این موارد، انسان برخلاف اقتضای خودخواه بودنش از دایره تنگ «خود» قدم فراتر می‌گذارد و گامی به سوی غیر برمی‌دارد. انسان با مقدّم داشتن دیگری بر خود و در دل گرفتن مهر و علاقه‌او، از فردیت خویش خارج می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «أَلَا وَ إِنَّ وُدَّ لِمُؤْمِنٍ، مِنْ أَعْظَمِ سَبَبِ الْإِيْمَانِ؛ آگاه باشید که مودّت و دوستی مؤمن از بزرگ‌ترین عوامل ایمان است.»^۱ همچنین در جایی دیگر فرموده‌اند: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا تَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ

۱. بحار الانوار، ۷۴ / ۲۸۱.

حَتَّى تُؤْمِنُوا وَلَا تُؤْمِنُوا حَتَّى تَحَابُّوا؛ سوگند به آن که جانم به دست اوست، وارد بهشت نمی شوید، مگر اینکه ایمان بیاورید و ایمان نمی آورید، مگر اینکه یکدیگر را دوست بدارید»^۱.

۲. پرورش شخصیت و اعتماد به نفس

روانشناسان می گویند تربیت کننده باید شخصیت کودک را پرورش دهد و اعتماد به نفس را به او تلقین کند؛ همچنین او را بزرگوار و با شخصیت بار بیاورد. خانواده هایی که به فرزندان احترام نمی گذارند، آنها را کوچک می کنند و شخصیت شان را خرد می کنند، به طور طبیعی آنها را فرزندان ترسو و بی شخصیت بار می آورند که خود را زبون و بی ارزش می پندارند. هنگامی که این فرزندان بزرگ شوند، خود را کوچک تر از آن می دانند که به کارهای بزرگ دست بزنند. چنین افرادی در اجتماع، منشأ هیچ اثری واقع نخواهند شد و به آسانی زیر بار ذلت خواهند رفت. اما اگر فردی در خانواده اهل مسجد رشد کند، خودش را بزرگ و با شخصیت می بیند؛ بنابراین به کارهای پست تن نمی دهد و زیر بار خواری و ذلت نمی رود. برای پرورش شخصیت انسانی کودک باید صفات خوب او را یادآوری کرد و او را در حضور خودش و دیگران توصیف و از او تعریف کرد و بزرگی نفس را به او تلقین کرد که بهترین شیوه آن در خانواده های مسجدی و اهل نماز دیده می شود.

همچنین، خانواده اهل مسجد کودک خود را دوست دارد؛ زیرا محبت داشتن اساس عزت است. از سویی، اعتماد به نفس، انسان را در شناخت و انتخاب هدف عالی رهنمون می کند. برای توفیق در کارها هیچ چیز به اندازه اعتقاد و ایمان به توانستن مؤثر نیست. اگر از اجرای کاری بترسید و فکر کنید که قادر نیستید آن را انجام دهید، امکان ندارد آن کار را به نحو مطلوب انجام دهید. ترس، نیروی محرکه ماشین را، که باید بازده مطلوب و کافی داشته باشد، از کار می اندازد و نقش ترمز را ایفا می کند. در مقابل، اعتماد و ایمان به توانستن

^۱ . کنز العمال ۴۶۷/۳؛ آداب تعلیم و تعلم در اسلام، شهید ثانی، صفحه ۴۵۸.

و خواستن، شتاب چنین ماشینی را افزایش می دهد و بر کارایی آن می افزاید.

۳. تربیت دینی

در خانواده اهل مسجد، اساس تربیت متکی بر «تربیت دینی» است. خانواده خداپرست از آنجا که جهان مادی را با همه نعمت ها و موهبت هایش همواره در حدّ «وسیله» می نگرد و سعادت و نیک بختی خویش را هرگز در گرو عوامل مادی نمی داند، نه تنها ناملایمات و ناکامی ها روحیه اش را تضعیف نمی کند، بلکه همین مشکلات و ناملایمات در حکم وسیله ای هستند که مانع آرامش روحی آنان می شود و جلوی هرگونه سستی حاصل از خو گرفتن به زندگی بی دغدغه را می گیرد.

جهان سرد ماشینی و بی روحی که در بینش مادی وجود دارد، برای خانواده با ایمان به جهانی زنده، هوشیار، آگاه و سرشار از روح و معنا تبدیل می شود که به زندگی روح، معنی و هدف می بخشد. در سایه تربیت دینی و مکتب مسجد، مجموعه جهان و به خصوص زندگی انسان، که از علم و حکمت مطلق خداوند سرچشمه گرفته است، تقدّس می یابد و ارزشمند می شود. تجربه تاریخی نشان می دهد که هر جا ایمان واقعی تجلّی پیدا کند، عالی ترین جلوه های انسانی را با خود به همراه می آورد. «ایمان به خدا» نه تنها به زندگی معنا می بخشد و آدمی را از «پوچی و بیهودگی» و «تنهایی و غربت» رها می کند، بلکه به زندگی روح و صفا می بخشد و شوق و حرکت می آفریند.

۴. خلاقیت

خلاقیت و ابتکار عمل، ثمره شایسته خانواده های اهل مسجد و عبادت است؛ زیرا در چنین خانواده ای بستر رشد همه استعدادها فراهم است. لازمه خلاقیت، داشتن نگرش مثبت به فکر نو و کارهای نو است. به طور کلی، ویژگی های تفکر خلاق را، که در خانواده اهل مسجد بروز می کند، می توان این گونه بیان کرد:

۱. جرئت و شهامت اظهار نظر؛
۲. حقیقت جویی و در نظر گرفتن واقعیات؛
۳. اجتناب از سطحی نگری؛
۴. نگاهی غیرمرسوم به اشیا و پدیده ها؛
۵. داشتن انگیزه و دانش وسیع؛
۶. داشتن طرز تکفر انتقادی؛
۷. داشتن پشتکار و انضباط؛
۸. افق های دید وسیع؛
۹. تلاش اجتهادی.

۵. نظم، انضباط و وقت شناسی

از جمله شاخص های مهم اعضای خانواده اهل مسجد و نماز، رعایت نظم، انضباط و وقت شناسی است. همچنان که انضباط و وقت شناسی از ارکان زندگانی نمازگزار است. هر یک از افراد خانواده مسجیدی باید برای رعایت حال دیگر اعضا، کارهای خود را منظم کنند و در وقت مخصوص انجام دهند. در خانواده ای که نظم حاکم است، آرامش و صفا و صمیمیت برقرار است و همه افراد بدون نگرانی، ناراحتی و ایجاد مزاحمت برای دیگران کارهای خود را انجام می دهند. حضرت علی علیه السلام به دو فرزند عزیزش، امام حسن و امام حسین علیهم السلام، می فرماید: «أَوْصِيكُمْ وَ جَمِيعَ وَ لَدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِكُمْ؛ شما و همه فرزندانم و خاندانم و هر کس را که نامه ام به او می رسد، به تقوای الهی و نظم در امور سفارش می کنم»^۱.

از جمله نکات مهم و برجسته در زندگی مردان بزرگ، نظم و وقت شناسی آنان است. درباره امام خمینی ره نوشته اند: امام در عین پرمکاری و تلاش مداوم، بسیار منظم بودند. در واقع، یکی از اساسی ترین رموز موفقیت امام در زندگی، نظم ایشان بود. اطرافیان امام زندگی ایشان را به صورت ساعت خودکار درک

۱. نهج البلاغه، ص ۴۲۱.

کرده بودند و از این رو دستور کار خود را از روی کار امام منظم می کردند.

۶. پاکی و طهارت جسم و جان

خانواده های مؤمن، نمازگزار و مسجدی، سلامت جسمانی و روانی دارند؛ زیرا آلودگی هر یک از این دو، انسان را از تعادل خارج می کند و او را در مسیری ناشایست قرار می دهد. در اسلام، نظافت و طهارت به اندازه ای اهمیت دارد که یکی از هدف های دین و جزئی از ایمان شمرده شده است. در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که پاکیزگی جزو ایمان است.^۱ امام باقر علیه السلام فرمودند:

«كُنْسُ الْبُيُوتِ يَنْفِي الْفَقْرَ؛ جَارُو كَرْدن اتاق‌ها فقر را از بین می برد».^۲

همچنین، امام صادق علیه السلام فرمودند: «فِي السَّوَاكِ اثْنَا عَشْرَةَ خَصْلَةً: هُوَ مِنَ السُّنَنِهِ، وَمَطَهْرَةٌ لِلْفَمِّ، وَ مَجْلَاةٌ لِلْبَصْرِ، وَيُرْضِي الرَّحْمَنَ، وَيُبَيِّضُ السِّنَانَ، يَذْهَبُ بِالْحَقْفَرِ، وَيَشُدُّ اللَّثَّةَ، وَيُشْهِي الطَّعَامَ، وَيَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ، وَيَزِيدُ فِي الْحِفْظِ، وَ يُضَاعِفُ الْحَسَنَاتِ، وَ تَفْرَحُ بِهِ الْمَلَائِكَةُ؛ در مسواک زدن دوازده فایده وجود دارد: ۱. از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ ۲. دهان را پاکیزه می کند؛ ۳. نور چشم را زیاد می کند؛ ۴. باعث خشنودی خداوند است؛ ۵. دندان ها را سفید می کند؛ ۶. پوسیدگی آنها را از بین می برد؛ ۷. لثه را محکم می سازد؛ ۸. اشتها آور است؛ ۹. بلغم را می برد؛ ۱۰. حافظه را زیاد می کند؛ ۱۱. حسنات دو چندان می شوند؛ ۱۲. فرشتگان شاد می گردند».^۳

خانه پیامبر صلی الله علیه و آله که الگویی برای همه خانواده های اهل مسجد است، با همه سادگی همیشه پاکیزه بود. حضرت رسول صلی الله علیه و آله می فرمودند: محوطه جلوی خانه خود را جارو بزنید و تمیز کنید. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «لَا تَبِيْتُوا الْقِمَامَةَ فِي بَيْتِكُمْ فَانْهَاقَ مَقْعَدُ الشَّيْطَانِ؛ نگذارید خاکروبه و آشغال، شب در خانه شما بماند، زیرا آنجا جایگاه شیطان است».^۴

همچنین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِكْنَسُوا أَفْنِيَّتَكُمْ وَلَا تَشَبَّهُوا بِالْيَهُودِ؛ فضای

۱. بحار الانوار، ج ۶۲، کتاب طب النبی صلی الله علیه و آله، باب ۸۹، ص ۲۹۱.

۲. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۷۱، ح ۲.

۳. خصال صدوق، ص ۴۸۱.

۴. مکارم الاخلاق، ص ۴۹۰.

مقابل خانه خود را، جارو بزنید و تمیز کنید و مانند یهودیان کثیف نباشید»^۱. آن بزرگوار مردم را از نشسته رهاکردن ظرف های غذا و همچنین بدون سرپوش گذاشتن ظرف آب و غذا نهی می کردند. رسول گرامی ﷺ دستور داده بودند آب ها را مطلقاً آلوده نکنند و موقع شست و شوی بدن، داخل نهرها نشوند. پس، اگر بخواهیم الگویی برای خانواده اهل مسجد و نماز ارائه دهیم، از جمله آنها پیروی از کلام خداوند و دستورهایی پیشوایان دین است درباره پاکیزگی جسم و جان. به دیگر سخن، سلامت جسم و جان، آغاز تکامل اعضای خانواده اهل مسجد است.

۷. عدالت

خانواده اهل مسجد، عدالت را در همه مراحل زندگی و امور رعایت می کند؛ زیرا خانواده فاقد عدالت، از حالت تعادل خارج می شود و نمی تواند پرورش دهنده انسان های بزرگ در آینده باشد. سعادت مندی هر خانواده در گرو تعادل در مهر و محبت بین اعضا و فرزندان است؛ زیرا در فرزندان تمایلات و استعداد های گوناگون و حتی متناقضی وجود دارد و اگر پدر و مادر عدالت و مساوات را رعایت نکنند و فرزندی یا عضوی را بر دیگری ترجیح دهند، قطعاً دشواری هایی ایجاد می شود و چه بسا آرامش خانواده در خطر می افتد. گاهی سرچشمه کینه توزی ها و بدبینی ها را باید در همین جا پیدا کرد. بی عدالتی ها و تبعیض ها سه خطر را متوجه خانواده ها می کند:

۱. فرزند به خواهران و برادران محبوب تر از خود بدبین می شود و کینه به دل می گیرد؛

۲. در برابر والدین احساس خشم و کینه می کند؛

۳. بی اعتنائی و تبعیض شخصیت، طفل را ضعیف می کند و موجب می شود تا وی در همه مراحل زندگی احساس حقارت کند.

در خانواده نمازگزار و اهل مسجد، والدین در توزیع توجه، محبت و نگاه به

۱. مکارم الاخلاق، ص ۱۴۵.

فرزندان براساس آموزه های پیشوایان دین و با نهایت عدالت و انصاف رفتار می کنند. آنان به فرزندان خود مستقل از جنسیت، سن، زیبایی و هوش محبت می کنند و از مقایسه فرزندان خود که موجب ناراحتی و آزردهی آنان می شود، پرهیز می کنند.

۸. مشورت

از جمله شاخصه های اعضای خانواده مسجدی، توجه به اصل مشورت و همفکری در اداره زندگی خانوادگی است. پدر و مادر و فرزند باید در سامان بخشیدن به امور زندگی و تنظیم برنامه ها و تصمیم گیری ها از این امر مهم استفاده کنند. تحکم و زورگویی، امر و نهی های یک طرفه و رفتارهای تحقیرآمیز، صفا، صمیمیت، رفاقت و دوستی را از محیط خانه دور می کند.

پدران و مادرانی که در کمال صداقت، یکرنگی و احترام به شخصیت فرزندان شان با آنان در امور خانه مشورت می کنند، اسرار زندگی خود را با آنان در میان می گذارند، از راهنمایی های آنان استفاده می کنند و آمرانه با آنان سخن نمی گویند، باعث می شوند فرزندان نیز به آنان احترام بگذارند و با آنان مشورت کنند. در چنین خانواده های متعادل و مسجدی نوجوانان و جوانان احساس می کنند عضوی از خانواده هستند و به نظرات آنان توجه می شود. بنابراین، از بسیاری انحرافات ناشی از کمبودهای عاطفی و شخصیتی در امان اند. کمبودهایی، همچون احساس حقارت، کینه جویی، خشونت و گریز از خانه. مشورت های خانوادگی، رابطه اعضای خانواده را دوستانه می کند.

۹. دانشجویی و حقیقت طلبی

دانشجویی و طلب علم از شاخصه های مهم خانواده مسجدی است؛ زیرا دین اسلام علم را چراغ عقل، زینت اغنیا، جمال فقرا و بهترین هدایت می داند و هیچ گنجی را نافع تر از علم نمی داند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «الْعِلْمُ رَأْسُ الْخَيْرِ كُلِّهِ، وَالْجَهْلُ رَأْسُ لَشَرِّ كُلِّهِ؛ دانایی سرآمد همه خوبی ها و نادانی سرآمد همه بدی

هاست».^۱

والدین اهل مسجد، باید فرزندان خود را به علم و دانش تشویق کنند و فضایل، ارزش‌ها و مزایای علم و علما را به آنان تذکر دهند. آنان باید یادآور گردند که علما و دانشمندان، وارثان پیامبران اند و جایگاهی والا و درخشان دارند؛ جایگاهی که انبیا، شهدا و جانبازان راه خدا به آن غبطه می‌خورند.

خانواده‌ای که در مسجد رشد و تعالی یابد، می‌داند علم و آگاهی نخستین شرط موفقیت انسان و حتی پایه و اساس سعادت اوست. او می‌داند خوشی‌های دنیا و آخرت با علم به دست می‌آید؛ بنابراین همه تلاش خویش را در فراگیری دانش و حقیقت به کار می‌بندد. علم سبب رشد عقلانی انسان است و استعدادهای نهفته وجودی را به فضیلت می‌رساند. امام صادق (علیه السلام) در سخنی فرمودند: «كَثْرَةُ النَّظْرِ فِي الْعِلْمِ يَفْتَحُ الْعَقْلَ؛ درس خواندن و مطالعه مستمر زیاد عقل را شکوفامی‌کند».^۲

حضرت علی (علیه السلام) نیز به کمیل فرمودند: «مَا مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَ أَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ؛ هیچ حرکت و کاری پیش نخواهد رفت، جز اینکه درباره آن شناخت لازم را داشته باشی».^۳

۱۰. آزادی اندیشه

در خانواده اهل نیایش و مسجد، امکان اندیشیدن برای همگان فراهم است؛ روحیه تحقیق و تتبع نتیجه آزادی اندیشه است. در چنین خانواده‌ای، حس کنجکاوی فرزندان تحریک می‌شود و در نتیجه میل به فکر کردن، مطالعه و تحقیق افزایش پیدا می‌کند و این خود مؤثرترین فعل تربیتی است؛ زیرا فرزندان به توانمندی‌های فردی و اجتماعی خود واقف می‌شوند و به هر چیزی که در اطراف آنان می‌گذرد، با دقت و کنجکاوی می‌نگرند. در چنین خانواده اهل مسجدی، قدرت اندیشیدن و مواجهه با اندیشه‌های

۱. بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۷۵، ج ۹.

۲. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۵۹.

۳. همان، ج ۷۴، ص ۲۶۷.

دیگران بسیار تقویت می شود. تربیت، یعنی حرکت به سمت بهتر شدن، یعنی راضی و قانع نبودن به وضع موجود و اینکه انسان هنوز وظایف خود را به خوبی انجام نداده است. بنابراین، انسان با امید و اعتماد به آینده قدم هایی برای ادای مطلوب وظایف برمی دارد و لازمه این امر داشتن آزادی اندیشیدن است که زمینه و بستر آن در خانواده اهل مسجد وجود دارد. در ضمن، میان آزادی در اندیشیدن و امید به آینده رابطه ای مستقیم و معنا دار وجود دارد. به هر میزان انسان ها قدرت اندیشیدن بیشتری داشته باشند، به آینده امیدوارتر می شوند و برعکس، ناامیدی در میان کسانی پرورش می یابد که فقط به یک قرائت و نوع اندیشیدن پایبند باشند و آنچه را خود می اندیشیده اند، مطلق بدانند.

۱۱. مقاومت در برابر سختی ها

خانواده اهل مسجد، به خوبی در برابر سختی ها مقاومت می کند؛ زیرا می داند مواجهه با سختی ها مربّی، مکمل، صیقل دهنده، جلابخش و کیمیاست. دانشمندان معتقدند بزرگ ترین دشمنی ای که می توان در حق کودکان کرد، این است که پدران و مادران ناآگاه از اصول تربیتی برای مهربانی کردن به فرزندان از این روش ها استفاده کنند: نوازش های بی حساب، مانع شدن از مواجهه با سختی، نازپرورده بار آوردن آنان و امثال اینها.

استاد شهید مطهری در کتاب «بیست گفتار» به نقل از ژان ژاک روسو در کتاب «امیل یا تربیت» می گوید: «اگر جسم در آسایش بیش از اندازه باشد، روح فاسد می شود. کسی که درد و رنج را نشناسد، نه لذت شفقت را می شناسد و نه طراوت ترحم را. چنین کسی قلبش از هیچ چیز متأثر نخواهد شد و بدین سبب شایسته معاشرت نیست؛ زیرا مانند دیوی خواهد بود در میان آدمیان».^۱

۱۲. اعتدال

اساس خانواده متعادل و مسجدی، بر اعتدال بنا شده است؛ بنابراین، به افراط

۱. شهید مطهری، بیست گفتار، شاداند گرفتاری ها، ص ۱۸۳-۱۷۴.

و تفریط کشیده نمی شود. خدای متعال امت اسلامی را امتی متعادل و میانه معرفی می کند. امت میانه، یعنی امتی که همه برنامه هایش در حد اعتدال باشد و باید توجه داشت که راه و رسم اعتدال، کوتاه ترین و استوارترین راه تربیت است.

امام علی (علیه السلام) می فرماید: «عَلَيْكَ بِالْقَصْدِ فَإِنَّهُ أَعُونُ شَيْءٍ عَلَى حُسْنِ الْعَيْشِ؛ بر تو باد میانه روی؛ زیرا یاری کننده ترین چیز برای خوب زندگی کردن است»^۱. در حقیقت، سلامت فرد و جامعه در گرو تربیتی متعادل است. روان شناسی تربیتی ثابت کرده است هرگاه انسان از مسیر اعتدال خارج شود، نقطه آغاز انحراف و گمراهی وی خواهد بود. پس خانواده اهل مسجد، آن خانواده شایسته ای است که اعتدال را در همه زمینه ها رعایت و اجرا کند. اعتدال، یکی از ارکان خانواده اهل مسجد است؛ برای مثال در خانواده اهل مسجد، اسراف در مسائل اقتصادی، وجود ندارد و سختگیری بی حساب هم نیست.

۱۳. اقتصاد مناسب

اقتصاد مناسب و شایسته، ویژگی دیگر خانواده اهل مسجد است. پیشوایان معصوم (علیهم السلام)، تدبیر اقتصادی را بخشی از دین و از نشانه های مؤمن برشمرده اند. امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «مِنْ عَلَامَاتِ الْمُؤْمِنِ... مِنْ عَلَامَاتِ الْمُؤْمِنِ؛ از نشانه های مؤمن... تدبیر نیکو در معیشت (اقتصاد) است»^۲. غفلت از مال یا سوء تدبیر در خصوص آن زاینده فقر، و فقر نیز زمینه ساز کفر است. تأمین آبرومندانه و کریمانه معیشت خانواده، از ویژگی های مطلوب خانواده مسجدی و مؤمن است. همچنین، لازمه داشتن اقتصاد مناسب، کار، تلاش و فعالیت است. کار و تلاش از عوامل خوش بختی و سعادت انسان، مایه نجات او از افسردگی، موجب شادی و نشاط روان و سبب رشد و سلامت اعضاست. بخشی از درگیری های برخی از خانواده ها، سستی ها و سردی ها در روابط و بی اعتنائی به حقوق و مقام همسر

۱. غررالحکم و دررالكلم، ش ۱۴۵.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۶۶.

است. خانواده مسجدی به این مسائل وقوف کامل دارد و اقتصادی مناسب و شایسته دارد.

۱۴. ساده زیستی

با بررسی ای عاقلانه درباره زندگی های تجملاتی و تشریفاتی، به این نتیجه می رسیم: چنانچه زندگی مان با نظم و حساب و قناعتی صحیح همراه باشد، با پرهیز از چشم و هم چشمی و بی اعتنایی به حرف های بی ارزش افراد نادان، ناراحتی ها و نگرانی ها از بین می روند و به آرامش واقعی می رسیم؛ زیرا آسایش واقعی در ساده زیستی نهفته است.

امام علی (علیه السلام) می فرماید: «لَقَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَأْكُلُ عَلَى الْأَرْضِ وَيَجْلِسُ جِلْسَةَ الْعَبْدِ وَيُخَصِّفُ بِيَدِهِ نَعْلَهُ وَيَرْقَعُ بِيَدِهِ ثَوْبَهُ وَيَرْكَبُ الْحِمَارَ الْعَارِيَّ وَيُرْدِفُ خَلْفَهُ؛ هَمَانَا پیامبر خدا - که درود خدا بر او باد - بر روی زمین می نشست و غذا می خورد، و چون برده، ساده می نشست، و با دست خود کفش خود را وصله می زد، و جامه خود را با دست خود می دوخت، و بر الاغ برهنه می نشست، و دیگری را پشت سر خویش سوار می کرد»^۱.

خانواده اهل عبادت و مسجد نیز با الگوبرداری از زندگانی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و پیشوایان دین، که کامل ترین نوع زندگانی را داشتند، ساده زیست هستند؛ زیرا تجربه ثابت کرده است اگر خانواده ها از مسیر ساده زیستی خارج شوند و به عرصه رقابت و چشم و هم چشمی وارد شوند، همه نیرو و توان آنان در این زمینه هدر می رود و از تکامل حقیقی فاصله خواهند گرفت.

۱۵. تربیت عقلانی

تربیت عقلانی، یکی از شاخصه های ممتاز خانواده مسجدی است؛ زیرا در وجود انسان هیچ موهبتی به اندازه عقل و نیروی تفکر ارزش حیاتی و انسانی ندارد. اصولاً قوای خدادادی و موهبت ها هنگامی برای انسان سودمند هستند که تحت

۱. نهج البلاغه، ترجمه دشتی، ص ۳۰۱ و ۳۰۳ انتشارات پارسین / چاپ ششم / تهران ۱۳۸۳.

رهبری و اختیار کامل عقل باشند. همچنین، مواهب اکتسابی فقط از طریق به کارگیری قوای عقلانی و نیروی تفکر به دست می آیند. داشتن موهبت ایمان، معرفت، دانش و حتی موهبت های زودگذر مادی، در سایه تعقل و تفکر امکان پیدا می کند. همچنین، هر نوع تکامل و ترقی معنوی و مادی انسان مرهون به کارگیری این موهبت بزرگ و مقدّس است. از پیامبر ﷺ نقل شده است: «خداوند به بندگانش چیزی بهتر از عقل نبخشیده است؛ زیرا خوابیدن عاقل از شب بیداری جاهل و نادان بهتر است و در منزل بودن عاقل از مسافرت جاهل (به سوی حجّ و جهاد) نیکوتر است و خداوند پیامبر و رسولی را مبعوث نکرد، مگر زمانی که عقل او کامل شد و بر عقول همه امتش برتری یافت»^۱.

۱۶. تصمیم گیری و قاطعیت

در خانواده ای که اعضای آن حضوری فعال در مسجد دارند، افرادی ظاهر می شوند که انسان هایی با اراده و جدّی هستند و همیشه هنگام انجام دادن کارها اراده را حاکم می کنند، نه عادت را. اراده استوار و تصمیم قاطع است که می تواند در لحظات حسّاس زندگی، دودلی و سستی را از بین ببرد و انسان را از پیچ و خم مشکلات عبور دهد و در مخاطرات یاری کند.

با مطالعه تاریخ درخشان زندگانی کاشفان، مخترعان، سیاست مداران و متفکران بزرگ، به این حقیقت می رسیم که همه ببیشرفت ها و موفقیت های آنان، مرهون اراده قوی، عزم راسخ و پشتکار فوق العاده بوده است. آنان، و وقتی برای رسیدن به هدفی تصمیم می گرفتند، هیچ مانعی نمی توانست آنان را از تصمیم شان منصرف کند و تردید و تزلزل را جانشین آن سازد. حضرت علی (علیه السلام) نمونه کامل قاطعیت و استواری در تصمیم گیری و تسلیم ناپذیری است. ایشان در سخن پر ارجی، که نشان دهنده همّت بلندشان است، فرموده اند: «وَاللّٰهُ لَوْ تَطَاهَرَتْ الْعَرَبُ عَلٰی قِتَالِیْ لَمَا وَلِیْتُ عَنْهَا؛ سوگند به خدا اگر تمام عرب به جنگ با من

^۱ . اصول کافی، جلد ۱، صفحه ۱۴.

برخیزند، هرگز در صحنه نبرد پشت به آنان نخواهم کرد». ^۱ همچنین، هنگامی که پرچم را در جنگ حمل به دست فرزندش، محمد حنفیه، داد با این جملات به وی درس قاطعیت آموخت: «تَزُولُ الْجِبَالُ وَلَا تَزُلُّ؛ اگر کوه ها متزلزل شدند، تو تکان نخور». ^۲

۱۷. اجتماعی بودن

خانواده ای که حضوری فعال در مساجد دارد، خانواده ای جدای از اجتماع و مردم نیست. نوع زندگی انسان و نیازهای او، همانند تهیه آب، غذا، مسکن، لباس، ابزارهای زندگی و ضرورت های آن در ابعاد گوناگون فرهنگی، صنعتی، اقتصادی و امثال آن، انسان ها را به گردهمایی، تقسیم کار و تنظیم امور وادار می کند. انسان به لحاظ میل باطنی خویش با دیگران رابطه، معاشرت و همزیستی دارد. حتی اگر ترس از حیوانات، نیازهای متنوع یا عوامل دیگر وجود نداشت، باز هم انسان به زندگی اجتماعی تمایل داشت. براساس همین نکته است که انسان را مدنی بالطبع خوانده اند. در سخنان پیشوایان دین نیز به اجتماعی بودن انسان به صراحت اشاره شده است.

اسلام، خیر و سعادت خانواده متعادل را تأمین و تضمین می کند و دینی است که بسیاری از دستورهای آن در اجتماع تحقق پیدامی کند. حتی می توان گفت که مجموع برنامه های فردی آن نیز با اجتماع پیوند دارد و براساس مصالح فردی و اجتماعی تنظیم شده است. نماز جمعه، نماز جماعت، روزه، زکات، خمس، حج، جهاد، امر به معروف، نهی از منکر و ده ها نمونه دیگر، براساس مصالح فردی و اجتماعی تنظیم و مقرر گردیده اند.

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که فرموده است: «مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ قَيْدَ شِبْرِ فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ عُنُقِهِ؛ هر کس به اندازه وجبی از اجتماع دوری گزیند، بند اسلام را از گردن خود درآورده است». ^۳ بنابراین، خانواده پرورش یافته در مکتب

۱. نهج البلاغه، ص ۴۱۸.

۲. همان، ص ۵۵.

۳. محمد یعقوب کلینی، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، چ سوم، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۴۰۹، ح ۴؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۲۰۷، ح ۱۰۳۵.

مسجد، در هیچ موقعیتی خود را از جامعه جدا نمی داند؛ بلکه در جامعه فعالیت می کند و همه تلاش خورد را برای ارشاد و بازسازی جامعه به کار میگیرد.

۱۸. هدفمند بودن

از دیگر شاخصه های ممتاز خانواده اهل مسجد، هدفمند بودن است. خانواده های هدف دار که شیوه رسیدن به هدفشان را در مکتب مسجد آموخته اند، نه تنها در زندگی شکست نمی خورند، بلکه احساس می کنند قدرت، اراده و اختیار فزون تری کسب کرده اند و سعی بیشتری در راه رسیدن به تکامل می کنند. روانشناسان معتقدند انسان در لحظه هایی رشد می کند که تصمیم می گیرد هدفی را دنبال کند و چنین افرادی در امور زندگی همواره موفق اند. البته باید بدانیم که در هر حرکتی چه می خواهیم، به کجا باید برویم و از چه ابزارهایی برای رسیدن به مقصد بهره ببریم تا بتوانیم بهترین راه را برگزینیم؛ زیرا تا مقصد برایمان مشخص نباشد، انتخاب راه و رسیدن به آن مقدور نخواهد بود.

افرادی که از محیط های کوچک، با امکانات کم و زمینه های نامساعد به موفقیت های شگفت انگیز دست یافته اند، این حقیقت را به خوبی ثابت کرده اند که انتخاب هدف و ایمان به آن می تواند ایشان را به اوج کمال برساند. بسیاری از جوانان می پندارند که توفیق و خوشبختی، هدف و کیمیایی است که خارج از وجود آنان است و اگر ستاره اقبال و شانس در آسمان زندگی کسی بدرخشد، او را به موفقیت و خوشبختی خواهد رساند. این گونه افراد باور ندارند که موفقیت، زاییده اندیشه و عمل خود انسان است. انسان با ایمان، توکل به خدا و تلاش و کوشش خویش می تواند آینده خود را بسازد. از این رو، موفق ترین افراد کسانی هستند که با تأسی به تعلیمات مکتب مسجد به عمق وجود خود پی می برند و عملاً عالی ترین بهره ها را از ذخایر وجودی خویش می برند. اصول ساده موفقیت و رسیدن به هدف عبارت است از:

شکست را فراموش کنید؛ ۲. خود را بشناسید؛ ۳. فکر کنید و بر تفکر خود مسلط باشید؛ ۴. تصمیم درست و منطقی اتخاذ کنید؛ ۵. به خودتان اعتماد کنید؛ ۶. به پیروزی ایمان بیاورید و بدانید خواستن توانستن است.

۱۹. تقسیم کار

در هر خانه، کارهای گوناگونی وجود دارد، مانند کسب درآمد، خرید نیازهای زندگی، پخت و پز، نظافت و بسیاری از مسائل دیگر. طبیعی است که انجام این امور به دست یک نفر بسیار طاقت فرسا است و شاید غیرممکن باشد؛ پس باید با تقسیم کار همه نیازهای خانواده را تأمین کرد. از این رو، هر یک از اعضای خانواده مسجدی باید متناسب با شأن و منزلت، ذوق و سلیقه و هنر و توان خود، باری از زندگی را بر دوش گیرند.

حضرت علی (علیه السلام) و فاطمه زهرا (علیها السلام) پس از ازدواج، از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درخواست کردند کارهای زندگی را بین آنان قسمت کند؛ آن چنان که هر یک وظیفه خود را بداند و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «کارهای داخل خانه با فاطمه زهرا (علیها السلام) و کارهای بیرون خانه با علی (علیه السلام) باشد. فاطمه زهرا (علیها السلام) بعدها فرمود: خدا می داند که این تقسیم مرا بسیار خرسند ساخت؛ زیرا از رنج وارد شدن در اجتماع مردان معاف شدم»^۱.

۲۰. فداکاری

خانواده اهل مسجد، در صدد است با ایجاد روح جمعی و تبدیل «من» انسانی به ما شور، عشق، احساس مسئولیت، دلسوزی، فداکاری، ایثار و صمیمیت را در کالبد اجتماع بشری و یکایک افراد آن بدمد و آنان را از انحصارطلبی، انزواطلبی و گوشه گیری باز دارد؛ زیرا این امور مانع رشد و شکوفایی استعدادهای انسانی می شود. تربیت شده مکتب مسجد، در هر مقام و موقعیتی که باشد، همواره مصالح جمعی را بر خواسته های شخصی خود مقدم می دارد؛ فداکار است؛ درد اجتماع را درد خود می داند؛ در غم و شادی دیگران شریک است؛ خود را در

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۲۳.

برابر سختی‌ها و مشکلات اجتماعی مسئول می‌داند و بی‌اعتنا نیست.

« زندگی علی و فاطمه (علیهم‌السلام)، الگویی برای همگان

خانواده علی (علیه‌السلام) و فاطمه (علیها‌السلام)، الگوی خانواده‌ای اهل مسجد است. زندگانی این دو اسوه طبیعی، عادی، نشاط‌انگیز و روح‌پرور بود. این روح‌پروری به لحاظ صفا و سادگی زندگی آنان بود. آنها در خانه‌ای کوچک، گلی، ساده و بی‌پیرایه زندگی می‌کردند که فقط سایبانی برای جلوگیری از تابش خورشید داشت و سقفی برای جلوگیری از باران. در تاریخ آمده است که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) روزی وارد منزل زهرای اطهر (علیها‌السلام) شد و دید دخترش روی زمین نشسته است، با یک دست فرزندش را در آغوش گرفته است و شیر می‌دهد و با دست دیگر با آسیاب دستی گندم آرد می‌کند. اشک در چشمان رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) حلقه زد و فرمود: «دخترم تلخی‌ها و مشکلات دنیا را به یاد شیرینی و سعادت بهشت بر خود گوارا ساز». در این حال، زهرای عزیز و بردبار، بدون آنکه سخنی از تلخی‌های زندگی بر زبان آرد، با نگاهی آسمانی به سختی‌های زمینی نگریسته می‌گوید: «ای رسول خدا! خدا را سپاس می‌گویم بر نعمت‌های او و می‌ستایم به خاطر الطاف بی‌کران او!»^۱

حضرت علی (علیه‌السلام) به جنگ می‌رفت و جهاد می‌کرد و حضرت فاطمه (علیها‌السلام) شمشیر خونین ایشان را می‌شست. حضرت فاطمه (علیها‌السلام) کانون خانواده را گرم می‌کرد و می‌دانست پیروزی حضرت علی (علیه‌السلام) در عرصه‌های گوناگون، تا حدود زیادی به اعتماد او به کانون خانواده مربوط است. حضرت علی (علیه‌السلام) از جبهه برمی‌گشت و حضرت فاطمه (علیها‌السلام) با مهربانی همیشگی خود او را دلگرم و تقویت می‌کرد، زخم‌هایش را می‌بست و کوفتگی بدنش را می‌زدود. البته حضرت علی (علیه‌السلام) مردی قدرشناس بود؛ وقتی به خانه می‌آمد، حال حضرت فاطمه (علیها‌السلام) را جویا می‌شد، از تن خسته‌اش سؤال می‌کرد و او را دل‌داری می‌داد؛ زیرا این دو، دلدار هم بودند. امام خمینی (ره) در مورد شخصیت حضرت زهرا (علیها‌السلام) فرمودند: «زهرا (علیها‌السلام) از معجزات تاریخ و افتخارات عالم وجود است.» در بخش دیگر می‌گوید: «مبارک

۱. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۴۲؛ تفسیر البرهان، ج ۴، ص ۴۷۶؛ عوالم المعالم، ج ۱۱، ص ۱۳۳.

باد بر ملت عظیم الشان ایران به ویژه زنان بزرگوار «روز مبارک زن» روز شرافت عنصر تابناک که زیربنای فضیلت های انسانی و ارزش های والای خلیفه الله در جهان است»^۱.

باید توجه داشت که محیط خانواده پرورش یافته در مکتب مسجد، ضامن خوش بختی زن، ارج نهادن به ارزش های معنوی شوهر و اصالت دادن به آنها است. همه ما بارها دیده و شنیده ایم که اکثر اختلاف ها، تلخی ها، سردی ها، بی اعتمادی ها، جدایی ها و دیگر مشکلات، به دلیل نبود ارزش های معنوی و فضایل انسانی در خانواده بوده است؛ و برعکس همه شادی ها، گرمی ها، گذشت ها، پیوندها و سایر عوامل سعادت خانواده، معلول وجود آن ارزش ها بوده است.

آنان که در ازدواج، اصالت و ارزش را به مادیات و امتیازات ظاهری و غیر معنوی داده اند، هرگز در سایه ثروت، رفاه و نعمت های بسیار، روی سعادت را ندیده اند و لذت زندگی بی دغدغه و آرام را نچشیده اند. برعکس، روشن ضمیران و بلندهمتانی که به دنبال مظاهر معنوی و ارزش های مکتبی، اخلاقی و انسانی بوده اند، با وجود فقر و مشکلات، زندگی عالی، لذت بخش و ارزشمندی پیدا کرده اند. این درسی است که حضرت علی (علیه السلام) و حضرت فاطمه (علیها السلام) ما داده اند. در ادامه به نمونه هایی از رفتارها و سبک زندگی این دو بزرگوار اشاره می کنیم:

۱. حضرت علی (علیه السلام) می فرمود: «به خدا قسم بعد از ازدواج با فاطمه (علیها السلام)، تا هنگام مرگ او، هرگز کاری نکردم که فاطمه (علیها السلام) غضبناک شود و فاطمه (علیها السلام) هم هیچ گاه مرا خشمگین نکرد و از دستورهاییم سرپیچی نکرد.»^۲ این نخستین درس به زوج ها در همه تاریخ خواهد بود.

۲. حضرت فاطمه (علیها السلام) در تولید کوشا بود و در مصرف حسابگر، زیاده روی نمی کرد و هرگز از حد متوسط جامعه قدمی فراتر نمی گذاشت و زندگی اش معمولاً پایین تر از حد متوسط افراد جامعه بود.

۱. صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۶، ص ۱۹۲، تاریخ ۱۳۶۱/۰۱/۲۵ پیام به مردم.

۲. کشف الغمّه، ج ۱، ص ۳۶۳.

۳. حضرت زهرا علیها السلام مانند زنان دوران جاهلیت، آرایش و خودنمایی نمی کرد. ایشان خود را فقط برای شوهر خود می آراست.
۴. حضرت زهرا علیها السلام خطاب به حضرت علی علیه السلام می فرمود: «یا ابالحسن! انّی لأستحیی من إلهی أن أُکلفَ نفسک ما لا تقدِرُ علیه؛ ای ابالحسن! من از پروردگار خود حیا می کنم چیزی از تو درخواست کنم که در توانت نیست.»^۱ متأسفانه، بعضی ها فراموش کرده اند که توقع های زیاد، بی مورد و غیرمنطقی، نشاط روحی و روانی خانواده را از بین می برد.
۵. هنگامی که همه سنگینی زندگی بر دوش حضرت فاطمه علیها السلام بود، چون کوه در برابر همه سختی ها می ایستاد؛ پس بر ماست که همچون او، راه ایستادگی در مقابل سختی ها را بر خود هموار سازیم.
۶. مهریه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در حد بسیار معمول و مختصر بود و زندگی سعادت‌مندی داشت.
۷. حضرت علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام در شب عروسی، هر دو به عبادت خدا مشغول بودند تا شکرگزار نعمت عظمای ازدواج باشند.
۸. فاطمه زهرا علیها السلام اصالت را به کارها و مسئولیت های خانه و خانواده می داد و معتقد بود آن لحظه ای که زن در خانه خود می ماند و به امور زندگی و تربیت فرزند می پردازد، به خدا نزدیک تر است.
۹. فاطمه زهرا علیها السلام وقتی با کودکان خود بازی می کرد، به تربیت روحی و پرورش جسمی عزیزان خود می پرداخت و مفاهیم ارزشمند انسانیت، شرف، احسان، نیکی و طرفداری از حق را در قالب اشعار ادیبانه به آنان می آموخت.

۱. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۵۹.

« جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این زمانه که انسان‌ها به بی‌هویتی، سردرگمی، اضطراب و پریشانی دچار شده‌اند، گرایش جوانان، نوجوانان و خانواده‌ها به مسجد می‌تواند راهنما و هادی نسل حاضر و آینده و روشن‌کننده باشد. خانواده، اولین مرکزی است که کودکان همه چیز را در آن یاد می‌گیرند، از همه سکنت و آداب والدین تأثیر می‌پذیرند و خودآگاه و ناخودآگاه، رفتار و خلق و خوی آنان را تقلید می‌کنند. مادر و پدر بدون اینکه تعهدی داشته باشند، سرمشق و الگوی کودکان می‌شوند. اگر مادر و پدر سعی کنند سرمشق نباشند، کودکان به سرمشق‌های دیگری روی خواهند آورد؛ زیرا این نیاز فطری است.

تحقیقاتی که درباره جامعه غرب، به خصوص آمریکا، به همّت محققانی چون پروفیسور کوهن انجام شده است، نشان می‌دهد که توسعه روزافزون جرم و بزهکاری نوجوانان در آمریکا، نتیجه تحوّلی است که در خانواده‌هایشان پدید آمده است. موقعیت نیک و بد خانواده، نخستین و مهم‌ترین مدرّس و موفق‌ترین کارگاه انسان‌سازی است. بیشترین دانسته‌ها، تجارب، فرهنگ‌ها، اخلاق و اندیشه از راه خانواده به کودک سرایت می‌کند. خلاصه کلام اینکه گرایش خانواده‌ها به مسجد، راه حل بسیاری از معضلات و مشکلات فرا روی بشر است. خانواده اهل مسجد، خانواده‌ای متعادل و سالم در همه ابعاد و پرورش‌دهنده انسان‌هایی بزرگ است.

« منابع و مأخذ

- « قرآن کریم
- « نهج البلاغه
- « اُمّدی، عبدالواحد، شرح غررالحکم و دررالکلم، ترجمه: محمد علی انصاری، ناشر مؤسسه انتشاراتی امام عصر علیه السلام، چاپ ششم، ۱۳۸۷ هـ.ش.
- « ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابیطالب، بیروت، دارالأضواء، ۱۴۰۵ هـ.ق.
- « إربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّه، داراضواء بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۵ هـ.ق.
- « دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، تهران، انتشارات پارسیان، چاپ ششم، ۱۳۸۳ هـ.ش.
- « شیخ حرّ عاملی، محمدحسن، وسائل الشیعه، قم، آل البيت، ۱۴۰۹ هـ.ق.
- « شیخ صدوق، الخصال، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۰۳ هـ.ق.
- « کلینی، حمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۸ هـ.ش.
- « مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ هـ.ق.
- « مطهری، مرتضی، بیست گفتار، شدائد گرفتاریها، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۳ هـ.ش.
- « موسوی خمینی، سیدروح الله، صحیفه نور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رضی الله عنه، ۱۳۷۹ هـ.ش.

کودک و مسجد

سیدحسن خاکپور

چکیده

مقاله حاضر به تبیین اهمیت حضور کودک در مسجد و نقش مسجد در تربیت وی می پردازد. نویسنده با استناد به آیات و روایات و کتاب های معتبر فقهی و روان شناسی به ضرورت حضور کودکان در مسجد و اثبات اعتباری نبودن عبادات کودکان که نقش به سزایی در شکل گیری شخصیت آنان دارد، پرداخته است. این مقاله در سه فصل تنظیم گردیده است. در فصل اول، با استناد به آیات و روایات و فقه اسلام و نظرات فقهای اسلامی، به ضرورت حضور کودکان در مسجد پرداخته شد. در فصل دوم، مبحث تربیت کودک در آموزه های اسلام مورد بررسی قرار گرفت. فصل سوم، به کودک و مسجد از دیدگاه روان شناسی پرداخته است. نویسنده در این فصل ضمن تشریح ویژگی های دوره کودکی، به جایگاه و اهمیت مساجد، به ویژه از نگاه کودکان و نوجوانان، نقش مساجد در پاسخ گویی به نیاز های کودکان پردازش قرار داده و در ادامه به موانع جذب کودکان به مساجد اشاره کرده و جاذبه های مساجد از نگاه کودکان را بیان کرده است.

واژگان کلیدی:

کودک، مسجد، فقه اسلام، فقهای اسلامی، خانواده، مفهوم تربیت، مراحل تربیت، ویژگی های روان شناسی کودک، امنیت کودک، نقش الگو.

کودکی، دوره سرشار از عطوفت و نشاط و لبریز از شادی هاست، در این دوره ما شاهد احساسات پاک و بی آرایش کودکان هستیم. کودکان، امانت های الهی در نزد ما بزرگسالان به حساب می آیند و غنچه های باطراوت بوستان زندگی اند. ظرافت، شکنندگی و انعطاف پذیری شخصیت کودک، پیچیدگی و حساسیت تربیت آنان را آشکار می کند. در تربیت کودکان، اول باید روان شناسی خاص آنان را شناخت و سپس، با احتیاط و ظرافت هرچه تمام تر در جهت رشد و شکوفایی شخصیت آنان قدم برداشت. یکی از ابعاد بسیار مهم تربیت کودکان، تربیت مذهبی آنان است. در این دوره، کودک در مرحله احساسات و تفکر عینی قرار دارد و به همین جهت در تربیت مذهبی وی نیز باید از راه برانگیختن احساسات دینی عمل نمود و شناخت ها و تفکرات دینی را به مراحل بالاتر احاله داد.

از طرفی باید به خاطر داشت که مساجد و اماکن مذهبی به عنوان پایگاه های اجتماعی دین، نقش بسیار مؤثری را می توانند در تربیت دینی، در شکوفایی احساسات دینی و نیز در جلب هرچه بیشتر کودکان به دین ایفا نمایند. این موضوع، بیشتر به خاطر آن است که در مساجد، کودک در کنار بزرگسالان و سایر همسالان خود در جو صمیمی می توانند در بستر مراسم و مناسک مذهبی، رشدی معقول و متعادل داشته باشند و از همین مکان ها شاهد شیرین مذهب را بچشند.

در این مقاله با استفاده از آیات و روایات شریف و احکام حیات بخش شریعت اسلام ثابت می کنیم که حضور کودکان در اماکن مذهبی، مانند مسجد امری ضروری است؛ زیرا در پرتو این حضور است که به نگرش های دینی والاتری دست خواهند یافت. بر این اساس، عبادات کودکان نه تنها بی اعتبار نیست، بلکه نقش مهمی در تشکیل یافتن شخصیت آنها دارد و دین مقدس اسلام دستور بر ایجاد بستر مناسب برای رساندن کودکان به آن مرحله رشد را می دهد. در ادامه به لزوم تربیت کودک در اسلام و نقش مساجد در پاسخ گویی

به نیاز های کودکان، موانع جذب کودکان به مساجد، و جاذبه های مساجد از
نگاه کودکان می پردازیم.

« فصل اول: کودک و مسجد در آموزه‌های دینی

۱-۱- آیات

«يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ؛ ای فرزندان آدم! هنگام نماز و در هر مسجدی، آرایش و زینت مادی و معنوی خود را متناسب با آن عمل و مکان همراه خود بگیرید، و بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید؛ زیرا خدا اسراف کنندگان را دوست ندارد»^۱.

«الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا؛ مال و فرزندان، آرایش و زیور زندگی دنیا هستند؛ ولی اعمال شایسته پایدار نزد پروردگارت از جهت پاداش بهتر و از لحاظ امید داشتن به آنها نیکوتر است»^۲.

با تأمل در این آیات به نکته قابل توجهی پی می‌بریم و آن اینکه در آیه اول خداوند تبارک و تعالی به همراه داشتن زینت در موقع رفتن به مسجد دستور می‌دهد و در آیه دیگر این زینت‌ها را معرفی کرده و می‌فرماید که مال و اولاد زینت دنیوی شماست؛ پس کسانی که به مسجد می‌روند مال و اولاد خودشان را به همراه ببرند و این نتیجه مهم این دو آیه است.

۱-۲- روایات

قال رسول الله ﷺ: «جنبوا مساجدکم مجانینکم و صبیانکم؛ از مساجدتان دیوانگان و کودکان خود را دور نگه دارید...»^۳.

در مقابل این حدیث، در منابع و مآخذ دینی شاهد هستیم که پیامبر اکرم ﷺ و اصحاب کودکان خود را به مسجد می‌آوردند. نه تنها کودکان سه ساله، بلکه زنان اصحاب، با بچه‌های شیرخواره خود در نمازهای جماعت حاضر می‌شده‌اند. با مطالعه در منابع اصیل روایی و سیره نورانی پیامبر رحمت ﷺ به روشنی درمی‌یابیم که آن حضرت حتی در یک مورد بر آنان یا بر والدین آنها نهیب نزد و یا نسبت به آوردن کودکانشان به مسجد اعتراض نفرمودند، بلکه برعکس، عکس

۱. اعراف، آیه ۳۱.

۲. کهف، آیه ۴۶.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۲۳۰.

العمل هایی که حاکی از تشویق و رضایت است از جانب آن حضرت مشاهده می شود. به روایات زیر توجه فرمایید:

ابن عمر درباره پیامبر ﷺ چنین می گوید: «رایت رسول الله ﷺ علی المنبر یخطب الناس، فخرج الحسن فعثر، فسقط علی وجهه، فنزل علی المنبر یرید اخذه، فاخذه الناس فاتوا به، قال قاتل الله الشیطان؛ إن الولد فتنه و الله ما علمت انی نزلت من المنبر حتی اتیت به؛ از ابن عمر روایت شده که می گفت: رسول خدا ﷺ را دیدم که در منبر برای مردم سخنرانی می فرمود. ناگهان حسن علیه السلام در خروج از مسجد پایش لغزید و به زمین افتاد؛ حضرت سراسیمه از منبر پایین آمد؛ مردم او را گرفته به حضرت دادند. فرمود: خدا شیطان را بکشد؛ در واقع فرزند موجب آزمایش است. به خدا قسم هیچ متوجه پایین آمدن از منبر نشدم تا این که او را به من رساندند»^۱.

چه بسا که پیامبر ﷺ در حال سجده بود و حسن علیه السلام می آمد و بر پشتش می نشست و پیامبر به همان حال می ماند و سجده را طول می داد.^۲ شبی پیامبر نماز عشاء می گزارد و سجده ای بسیار طولانی به جا آورد. پس از پایان نماز علت را از حضرتش پرسیدند؛ فرمود: پسر من حسن، بر پشتم سوار بود و ناراحت بودم که پیاده اش کنم.^۳

حتی ابی قتاده انصاری روایتی نقل کرده که بیانگر نهایت توجه پیامبر ﷺ به کودکان در اثنای نماز است؛ گرچه شاید برای ما غیر منتظره بنماید و در صورت صحت روایت آن را مغایر با اصل حضور قلب در نماز تلقی کنیم. او چنین می گوید: «إن رسول الله ﷺ کان یصلی و هو حامل امامه بنت زینب بنت رسول الله ﷺ...، فاذا سجد وضعها و اذا قام حملها؛ همانا رسول خدا ﷺ در حالی که نماز می خواند، نوه اش امامه - که فرزند دخترش زینب بود- را در بغل می گرفت. هنگام سجده او را بر زمین می گذاشت و در قیام او را در آغوش می گرفت و یا به

۱. کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۸۹.

۲. زندگانی حسن بن علی علیه السلام، ج ۱، ص ۶۸.

۳. همان.

گردنش می نهاد»^۱.

همچنین، دو روایت دیگر که بر حضور شیرخوار و خردسال در مسجد دلالت می کند، جالب توجه است. صاحب «مستدرک الوسائل» از کتاب «عده الداعی» چنین نقل می کند: «صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِالنَّاسِ يَوْمًا فَخَفَّفَ فِي الرُّكْعَتَيْنِ الْآخِرَتَيْنِ فَلَمَّا انْصَرَفَ قَالَ لَهُ النَّاسُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! رَأَيْنَاكَ خَفَّفْتَ هَلْ حَدَّثَ فِي الصَّلَاةِ أَمْرٌ؟ قَالَ: وَمَا ذَاكَ؟ قَالُوا: خَفَّفْتَ فِي الرُّكْعَتَيْنِ الْآخِرَتَيْنِ. فَقَالَ: أَوْ مَا سَمِعْتُمْ صُرَاخَ الصَّبِيِّ... خَشِيتُ أَنْ يَشْتَعِلَ بِهِ خَاطِرُ أَبِيهِ؛ رَوْزَى رَسُولِ خَدَا ﷺ بِأَ مَرْدَمِ نَمَازِ مِى گَزَارْدِ كِه دُو رَكَعْتِ آخِرِ رَا سَبِكِ تَر كَرْد. پَس از اتمام نماز مردم گفتند: یا رسول الله، متوجه سبک کردن نماز شدیم؛ آیا اتفاقی در نماز روی داد؟ فرمود: چطور مگر؟ گفتند: دو رکعت آخر را سبک برگزار کردید. فرمود: آیا صدای گریه بچه را نشنیدید؟... در حدیث دیگری است که فرمود: ترسیدم فکر پدرش به آن مشغول گردد»^۲.

رسول خدا ﷺ در حدیثی دیگر می فرمایند: «إِنِّي لَأَقُومُ فِي الصَّلَاةِ وَ أَنَا أُرِيدُ أَنْ أَطْوَلَ فِيهَا فَأَسْمَعُ بُكَاءَ الصَّبِيِّ فَاتَجَوَّزُ فِي صَلَاتِي كَرَاهِيَةً أَنْ أَشُقَّ عَلَى أُمِّهِ؛ مَنْ بَه نَمَازِ مِى ايسْتَمِ وَ مِى خَوَاهِمِ تَا آن رَا طَوْلَانِى سَازَم. پَس بانگ گریه کودکی را می شنوم و چون خوش نمی دارم که بر مادر او سخت گیری کنم، نماز را سبک برگزار می کنم»^۳.

همچنین، حدیث دیگری است که ضمن دلالت بر حضور کودکان در مساجد، چگونگی شرکت آنان را در صفوف جماعت را نیز ترسیم می کند. «سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّبِيَانِ إِذَا صَفُّوا فِي الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ؛ قَالَ: لَا تُؤَخِّرُوهُمْ عَنِ الصَّلَاةِ وَ فَرَّقُوا بَيْنَهُمْ؛ جَابِرِ نَقَلَ مِى كُنْد كِه از امام باقر (علیه السلام) درباره کودکانی که در نماز واجب حضور می یابند، پرسیدم؛ حضرت فرمود: آنان را در آخر صف های نماز جماعت باهم نگذارید، بلکه در بین بزرگسالان پراکنده سازید»^۴.

۱. اللؤلؤ والمرجان، ج ۱، ص ۱۰۹.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۵۰۳؛ به نقل از عده الداعی، ص ۸۹.

۳. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۳۱۷؛ مختصر صحیح البخاری، ص ۱۰۸؛ پیامبر رحمت، ص ۲۳.

۴. اصول کافی، ترجمه سیدجواد مصطفوی، ج ۳، ص ۴۰۹.

۳-۱- جمع بندی احادیث متعارض

با توجه به احادیث و روایاتی که یادآور شدیم؛ اگر جمع بندی صحیحی به عمل نیاید، شاید این شبهه را ایجاد نماید که احادیث مشمول نوعی تناقض گویی شده اند؛ در حالی که به هیچ وجه چنین نیست، بلکه صدور احادیثی از قبیل «جنبوا مساجدکم مجانینکم و صبیانکم...»^۱ درباره کودکانی است که در نشست و برخاست خود و در شیطنت و شلوغ کاری بسان دیوانگان عمل می نمایند و در صورت حضور در مسجد، موجب آلودگی و ناپاکی و یا ایجاد بی نظمی غیرمتعارف در مسجد می شوند. البته این احتمال نیز وجود دارد که در جامعه آن روز، با توجه به شرایط و عدم امکاناتی از قبیل پوشاک مناسب کودک، حضور کودکان چه بسا موجب آلودگی مسجد و حاضران در مسجد می گردید که تطهیر آن هم با مشکلاتی همراه بود.

۴-۱- حضور کودک در مسجد از منظر فقههای اسلامی

با توجه به احکام الهی می بینیم که خداوند برای اعمالی که کودکان انجام می دهند، احترام قائل شده و عبادات آنها را باطل و بی ارزش نمی داند به جز در مورد احکام بیع که بیع کودکان را بی اعتبار دانسته و صحتی بر آن نمی داند، ولی در جاهای دیگر چنین نیست و این دلیل بر ارزش عبادی بودن عبادت های کودکان و حتی فراتر از آن دستور به همراهی با آنها را می دهد، از آن جمله عبارت اند از:

کودکان و عمره و حج

کودکان دو دسته اند: کودکان ممیز، کودکان غیر ممیز. در ادامه به توضیح هر کدام اشاره می شود:

الف) «ممیز»

ممیز کودکی است که خوب و بد را تشخیص می دهد و خودش می تواند اعمال

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۲۳۰.

را به طور صحیح انجام دهد.

کودک ممیّز خودش محرم می شود و اعمال را به جا می آورد و در مواردی که خودش نتواند انجام دهد، سرپرست وی (مثل پدر) او را در انجام اعمال یاری می دهد.

(ب) «غیر ممیّز»

غیر ممیّز کودکی است که به آن حدّ نرسیده است؛ یعنی خوب و بد را تشخیص نمی دهد و خودش نمی تواند اعمال را به طور صحیح به جا آورد.

کیفیت اعمال کودک غیر ممیّز

احرام: سرپرست وی لباس احرام بر او می پوشاند و از طرف او نیت احرام می کند .

تلبیه: اگر می تواند لبّیک ها را به طور صحیح پاسخ دهد، برایش می گوید تا او هم بگوید، وگرنه، خودش از طرف او «لبّیک ها» را می گوید.
طواف: باید او را طواف دهد، اگر کودک بتواند، باید خودش راه برود، وگرنه او را حمل کرده و طواف می دهند و... .

کودکان و اعتکاف

«اعتکاف» از ماده «عکف» در لغت به معنای اقبال و روی آوردن به چیزی و ملازمت آن بر سبیل تعظیم است. اعتکاف در شرع، التزام به توقف و درنگ در مسجد به قصد غربت است»^۱.

در یک تعریف جامع اعتکاف عبارت است از: «اقامت کردن برای حداقل سه روز در مسجد به قصد عبادت و یا مراعات شرایط لازم»^۲.

مرحوم آیت الله سید محمد کاظم یزدی در تعریف اعتکاف می فرماید: «هو اللبث فی المسجد بقصد العباده، بل لا یبعد کفایه قصد التعبّد بنفس اللبث و إن لم یضمّ

^۱ . راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ قرآن، ماده عکف.

^۲ . دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، ص ۳۵۵.

إليه قصد عباده اخري؛ اعتكاف، درنگ کردن در مسجد به منظور عبادت است؛ بلکه بعید نیست که درنگ به قصد تعبّد و بندگی بدون قصد عبادتی دیگر نیز کافی است»^۱.

در عروه سید چنین آمده است: اعتکاف صبی ممیّز صحیح است و بلوغ، شرط نیست.

در مورد مسئله «حضور کودک در مسجد» بعضی از علما بدون این که به فکر جمع بین روایات باشند، فتواء بر حرمت داده اند. چنان که برخی از علما و اهل سنت از حدیث: «جنبوا مساجدکم مجانینکم و صبیانکم»،^۲ حکم عدم جواز ورود کودک را به مسجد استنباط کرده و بدان فتوی داده اند. قابّسی از مالک نقل می کند: اگر کودک در سنین بازی و شیطنت است، من ورود او را به مسجد جایز نمی دانم.^۳ البتّه، بعضی از علما شیعه سعی در رفع مشکل نموده اند.

طبق نظر فقیه بزرگوار شهید ثانی رحمته الله: «مراد کودکانی است که به طهارت آنان اعتمادی نیست یا این که خوب و بد را تشخیص نمی دهند؛ اما کودک ممیّزی که طهارت او مورد وثوق است و خودش نیز بر نمازها مواظبت می نماید، کراهتی بر آن متوجّه نیست، بلکه سزاوار است او را به آمدن مسجد تمرین داد؛ همچنان که لازم است برای نماز تمرین و عادت داده شود»^۴. صاحب جواهر در توجیه و روایت ذکر شده، علاوه بر مطالب ذکر شده، چنین اضافه می کند: حضور کودکان در مسجد همراه با بازی های خاصّ آن دوران بوده و این با عظمت و کرامت مسجد منافات دارد و یا موجب اذیت نماز گزاران می شوند. از این رو، حکم به کراهت اولی است.

امام کاظم علیه السلام از پدران خویش، از رسول اعظم صلی الله علیه و آله نقل کرد که فرمود: «جنبوا مساجدکم مجانینکم و صبیانکم و رفع أصواتکم إلاّ بذكر الله تعالى و بیعکم و

۱. عروه الوثقی، ج ۲، ص ۲۴۶.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۲۳۰.

۳. تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۱۲۳.

۴. الروضه البهیة، ج ۱، ص ۹۶.

شرائکم و سلاحکم و جَمْرُوهَا فی کُلِّ سَبْعَةِ آیامٍ و صَعُوا المَطَاهِرَ عَلٰی اَبْوَابِهَا؛ مساجدتان را از دیوانگان، کودکان، داد زدن مگر، به یاد خدای متعال و خرید و فروش و اسلحه، دور نگه دارید و آن را هر هفته یک بار خوشبو سازید و توالی و دستشویی را در بیرون مساجد قرار دهید»^۱.

نکته شایان توجّه اینکه اکنون با امکاناتی از قبیل پوشاک مناسب و حتی مهد کودک هایی که در بعضی مساجد به وجود آمده، این مشکلات را حلّ کرده و همچنین با کم شدن تعداد فرزندان، با درک شعور بالایی که بچه های امروزی دارند، اثری از آن مشکلات گذشته نیست؛ بنابراین، چرا باید با نبودن هیچ مشکلی فرزندانمان را از چنین بهره معنوی و مدرسه خدانشناسی و جایگاه بذرافشانی، بذر محبت و انس با خدا در دل های آنان، بی بهره سازیم.

حضور کودکان در اماکن مذهبی، مانند مسجد، به ویژه در نماز جماعت، به خصوص اگر با تشویق همراه باشد، آنان را به حضور در مسجد و اقامه نماز ترغیب می کند. آیت الله شهید مطهری، در یکی از گفتارهای خود در توضیح آیه شریف «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا؛ ای پیامبر، خاندان خودت را به نماز امر کن و خودت هم بر نماز صابر باش»،^۲ می گوید: این اختصاص به پیامبر ندارد، همه ما به این امر موظف هستیم. بچه ها را از کودکی باید به نماز تمرین داد... بچه را باید در محیط مشوّق نماز خواندن برد. به تجربه ثابت شده است که اگر بچه به مسجد نرود، در جمع نباشد و نماز خواندن جمع را نبیند، به این کار تشویق نمی شود؛ زیرا حضور در جمع، مشوّق انسان است؛ آدم بزرگ هم وقتی خودش را در جمع اهل عبادت می بیند، روح عبادت بیشتری پیدا می کند؛ بچه که دیگر بیشتر تحت تأثیر است... باید با بچه های خودمان، برنامه مسجد رفتن داشته باشیم تا آنها با مساجد و معابد آشنا شوند. ما خودمان از بچگی با مساجد و معابد آشنا بودیم؛ در این اوضاع و احوال امروز، چقدر به مسجد می رویم که بچه های ما که هفت

۱. بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۳۴۹، ح ۲.

۲. طه، آیه ۱۳۲.

ساله شده اند به دبستان و بعد به دبیرستان و بعد به دانشگاه رفته اند، ولی به هیچ وجه پایشان به مساجد نرسیده است، بروند؟ خوب اینها به ناچار از مساجد فراری می شوند. حالا ممکن است بگویید، وضع مساجد خراب است، کثیف است یا به عنوان مثال یک روضه خوان می آید و حرف چنان و چنین می زند. آنها را هم وظیفه داریم که درست بکنیم، وظیفه که در یکجا تمام نمی شود؛ وضع مساجد خودمان را هم باید اصلاح بکنیم.^۱

یکی از نویسندگان بر این باور است که هر چه میزان شرکت کودک و فعالیت های او در [این] محیط ها بیشتر باشد، به نگرش های دینی و الاتری دست خواهد یافت. نکته جالب دیگر در این زمینه آن است که میزان علاقه مندی کودک به این محیط های مقدس نیز با میزان شرکت او و ارتباط و فعالیتش در این محیط ها رابطه مستقیمی دارد.^۲

البته، برای موفقیت در این کار لازم است برای کودکان، در کنار عبادت و نماز برنامه های متنوع و جذابی وجود داشته باشد؛ مانند اهدای جوایز، کارت تشویق، پخش شیرینی و شکلات در بین کودکان که زمینه جذب آنان را به عبادت فراهم می کند. از امام حسن (علیه السلام) نقل شده است که فرمودند:

نماز ظهر یا عصر را در محضر رسول خدا ﷺ خواندم؛ همین که حضرت سلام دادند به ما فرمودند: بر جایتان بمانید و آنگاه برای تقسیم ظرف حلوایی در میان نمازگزاران از جا برخاستند و به هر کدام مقداری حلوا می خوراندند تا اینکه به من رسیدند؛ من کودک بودم، آن حضرت قدری حلوا به من خوراندند؛ سپس فرمودند: باز هم بدهم؟ عرض کردم آری، آن حضرت به خاطر خردسال بودنم باز هم مقداری به من خورانیدند و بدین حال بودند تا آنکه به همگان حلوا خوراندند.^۳

دکتر شرفی نقل می کند: در وقف نامه یکی از عالمان بزرگ که حدود یک قرن پیش می زیسته، آمده است که فرمود آنچه از من به جا مانده آن را گردو بخريد

۱. گفتارهای معنوی، ص ۹۴.

۲. آموزش مفاهیم دینی همگام با روان شناسی رشد، ص ۱۲۲.

۳. شیوه ترغیب و جذب به نماز، ص ۵۹، نقل از: العیال، ج ۱، ص ۳۸۰.

و در مسجد نگه داری نمایید تا آنگاه که کودکانی همراه با والدینشان به مسجد می آیند، به آنها هدیه دهید، تا عشق و علاقه به خدا، مسجد و منبر از ابتدا در آنها جوانه زند و در بزرگسالی هم اهل مسجد و معنویت شوند.^۱

گاهی متأسفانه رفتار و برخوردهای دور از انتظار مؤمنان نسبت به کودکانی که با اشتیاق برای نماز جماعت به مسجد آمدند، موجب سرخوردگی و شاید انحراف کودک از مسیر دین و خواندن نماز شود.

شخصی می گوید: در کودکی همیشه سعی می کردم نماز خود را در مسجد بخوانم. روزی در حال نماز، متوجه شدم پیرمردی مراقب من است. نمازم که به پایان رسید، پیرمرد به من گفت: نمازت درست نیست و سپس، با سخنان نیش دار خود مرا ملامت کرد. من غرق در سکوت بودم؛ هرگاه می خواستم از او پرسیم کجای نماز من اشتباه است، اجازه نمی داد و پیوسته می گفت: نمازت درست نیست و امثال تو حق ندارند به مسجد بیایند. از آن به بعد تصمیم گرفتم دیگر به مسجد نروم و در منزل هم نماز نخوانم؛ این نخستین قدم برای ترک کامل نماز و انحرافم از طریق اسلام بود.^۲

این در حالی است که سیره معصومان (علیهم السلام) به طور کامل با این شیوه برخورد مخالف است. جابر بن عبدالله می گوید: از امام باقر (علیه السلام) در مورد حضور بچه ها در نماز جماعت پرسیدم. امام (علیه السلام) فرمودند: «بچه ها را در صف آخر در کنار هم قرار ندهید، بلکه آنان را در بین صف ها جدا جدا بنشانید (و با ایستادن بزرگ ترها در میانشان جدایی بیفکنید)».^۳

شاید یکی از علت های آن این باشد که کودکان احساس بی توجهی و بی احترامی نکنند و با این شیوه، هم احترام کودکان را حفظ کرده ایم و به آنان شخصیت داده ایم و هم انگیزه حضور آنان در مسجد و نماز جماعت بیشتر شده و در عین حال، به نماز جماعت نیز نظم خاصی بخشیده ایم. البته، مختصر برگزار کردن نماز جماعت نیز از جمله سفارش های معصومان (علیهم السلام) است که در جذب و

۱. مراحل رشد و تحول انسان، ص ۲۱۶.

۲. شیوه ترغیب و جذب به نماز، ص ۸۱.

۳. اصول کافی، ج ۳، ح ۳، ص ۴۰۹.

تشویق کودکان به نماز جماعت نقش اساسی دارد. بنابراین، چگونگی برخورد با کودکان و حتی نوجوانان و جوانان نیز باید توأم با محبت، احترام و تشویق باشد.

« فصل دوم: تربیت کودک در اسلام

۱-۲- مفهوم‌شناسی تربیت

تربیت، از نظر صرفی مصدر باب «تفعیل»، از فعل «رَبَّى» از فعل ثلاثی مجرد «ربا، یربو» است. لغویین در معانی این واژه‌ها چنین گفته‌اند: «اربی الشیء، جعله یربو» یعنی، شی را در شرایطی قرار داد که رشد و نمو کرد. «رَبَّى، تربیه و تربی الولد: غذاه و جعله یربوا»؛ یعنی به کودک غذا داد و او را رشد و نمو داد. این در مورد هر چیزی که رشد می‌کند، مانند کودک و زراعت و امثال آن صادق است. بنابراین، واژه «تربیت» در لغت، به معنای پروراندن یا پرورش دادن، یعنی به فعلیت رساندن نیروهای بالقوه است.

تربیت، عبارت است از فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل، برای به فعلیت رساندن و شکوفا نمودن استعدادهای انسان در جهت مطلوب. تربیت، در واقع هنر تغییر رفتار انسان است. تربیت، برانگیختن استعدادها و قوای گوناگون انسان و پرورش آنها که باید با تلاش و کوشش متربی نیز توأم باشد تا انسان به منتهای کمال نسبی خویش به میزان طاقت و توانایی نائل شود.

در قرآن کریم، مشتقات «تربیت» چند بار به کار رفته است از جمله:

الف) «وَوَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ؛ زمین را خشک و بی حاصل می‌بینی؛ پس هنگامی که باران فرو می‌فرستیم، تکانی می‌خورد و رشد و نمو گیاهان در آن آغاز می‌شود».^۱

ب) «وَوَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا؛ بگو خدایا! والدینم را مورد رحمت خود قرار ده، همان طور که آنان مرا در کودکی مورد لطف و رحمت خویش قرار دادند».^۲ بعضی از محققین گویند: ربّ در جمله «رَبَّيَانِي صَغِيرًا» از ماده «ربو» است، نه از ماده «ربب»؛ چون معنای تربیت، در نوع مواردی که به کار رفته عبارت است از نمو و زیادت جسمانی و پرورش مادّی و تربیت و سوق دادن به کمال و سعادت معنوی در اغلب موارد ملاحظه نشده است. البته تربیت یک

۱. لسان العرب، باب راء، ماده «ربو».

۲. حج، آیه ۵.

۳. اسراء، آیه ۲۴.

مفهوم عامی دارد که جمیع مراتب حصول نشو و نما و زیادتى را به هر کیفیتى که باشد، اعم از مادى و معنوى شامل مى‌شود.^۱

علامه طبرسى در تفسیر مجمع البیان، پس از آن که برای واژه «رب» معانى مختلفی، چون مالک، صاحب، سید، مطاع، مصلح و تربیت کننده را برمی شمرد به توضیح این واژه مى پردازد. بر اساس بیان علامه طبرسى مى توان گفت که واژه رب از مصدر تربیت اشتقاق یافته است و چه به صورت مجرد به کار برود و یا مضاعف، معنای یکسان دارد و به مفهوم سوق دادن چیزى به سمت کمال اشاره دارد. وقتى گفته مى شود فلانى کار و ساخته خود را تربیت کرد، یعنى آن را رشد داد.^۲

بنابراین، واژه «تربیت»، با توجه به ریشه آن به معنای فراهم آوردن موجبات فزونى و پرورش است. افزون بر این، تربیت به معنای تهذیب نیز استعمال شده که به معنای از بین بردن صفات ناپسند اخلاقى است. گویا در این استعمال نظر به آن بوده است که تهذیب اخلاقى مایه فزونى مقام و منزلت معنوى است و از این حیث مى توان تهذیب را تربیت دانست.

به هر حال، «تربیت، پرورش دادن است؛ یعنى استعدادهاى درونى را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت درآوردن و پروراندن. بنابراین، تربیت فقط در مورد جاندارها، یعنى گیاه و حیوان و انسان صادق است».^۳

به تعبیر روشن تر، تربیت «برانگیختن استعدادها و قوای گوناگون انسان و پرورش آنها که باید با کوشش و سعى متربى نیز توأم باشد تا به منتهای کمال نسبی خود - به میزان توانایی - نایل شود».^۴

۲-۲- اهداف تربیت

تربیت، همانند هر فعالیت ارادى انسان، هدفى را دنبال مى‌کند. هدفدارى

۱. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۴، ص ۳۶.

۲ - ر.ک: تفسیر مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۲.

۳ - تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۷۷.

۴ - اسلام و تعلیم و تربیت، ج ۲، ص ۱۰.

تعلیم و تربیت از هدفداری نظام آفرینش و نوع جهان‌بینی و انسان‌شناسی و مبانی پذیرفته شده یک مکتب تربیتی جدا نیست. همچنان که عوامل و شرایط اجتماعی و فرهنگی نیز در نوع هدفداری تربیت تأثیر فراوان دارد. به طور کلی، انسان را دو گونه و با دو هدف می‌توان ساخت: یکی بر اساس آنچه آفریدگارش خواسته و با استعدادهای ویژه و هدف مشخص، یعنی خیر و مصلحت و سعادت واقعی او تجهیز کرده که تربیت دینی بیانگر آن است. دیگری بر اساس آنچه، اندیشه‌های بشری و راهنمایان فکری و سیاست‌گذاران اجتماعی اراده کرده‌اند؛ مانند جوامع صنعتی و مادی که انسان را در جهت منافع خود همانند ابزاری به خدمت می‌گیرند.

بدون شک، نظام تعلیم و تربیت اسلامی به عنوان نظامی جامع و کامل، تمام ابعاد وجودی انسان را مورد توجه قرار داده است. در فرآیند تعلیم و تربیت اسلامی جسم و روان، باید به یک میزان پرورش یابند و هیچ یک نباید به بهای دیگری نادیده گرفته شود. بنابراین، نظام تعلیم و تربیت اسلامی با توجه به این حقیقت، جسم و جان و حیات مادی و معنوی را هم زمان مورد توجه قرار می‌دهد و به ما می‌آموزد که در پرورش جسم و جان با هدف الهی بکوشیم. از این رو، در نظام تربیت اسلامی هدف نهایی از تربیت، رسیدن فرزند به مقام اطاعت و عبودیت الهی است، هدف نهایی، تربیت انسانی است که مطیع پروردگار و تسلیم در آستان او باشد. امام علی (علیه السلام) در کلماتی گهربار پیش از تولد فرزند، هدف نهایی از تربیت را به‌طور غیرمستقیم بیان نموده و به راستی آن حضرت در سفره تربیتی خویش بدین هدف تحقق بخشیده و فرزندان خود را با توجه به آن، تربیت نموده‌اند. مرحوم ابن شهر آشوب به سند خود از آن حضرت نقل می‌کند که فرمود: «من از خداوند خویش طلب فرزندان زیبا چهره و نیکو قامت ننموده‌ام، بلکه از پروردگارم خواسته‌ام فرزندانم مطیع او باشند و از او بترسند تا وقتی با این صفات به آنها نظر افکنم، مایه چشم روشنی من باشند». بنابراین، هدف از تربیت، همان پاک تربیت کردن فرزند است؛ یعنی فرزند را به گونه ای

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۹۸.

تربیت کنیم تا بتواند فقط مطیع خدا باشد و به راه صحیح قدم گذاشته و باعث روشنی چشم پدر و مادرش در دنیا و آخرت گردد. اگر فرزند را صحیح تربیت کنیم، برای پدر و مادر نوعی باقیات الصالحات است و چراغ این باقیات هرگز خاموش نمی شود.

۳-۲- جایگاه فرزند در کانون خانواده

پی بردن به ارزش و اهمیت هر چیزی مستلزم شناخت حقیقت آن است؛ زیرا اگر انسان به ارزش واقعی چیزی پی نبرد برای حفظ و نگهداری آن اهتمام نمی ورزد. بدون تردید، بسیاری از پدران و مادران آن گونه که باید فرزندان خود را نشناخته، به امر پرورش و تربیت آنها همت نمی گمارند. امام علی (علیه السلام) در این باره می فرماید: «الناس اعداء ماجهلو؛ مردم دشمن ندانسته های خود هستند». پدران و مادرانی که اهمیت و جایگاه فرزندان خویش را نمی شناسند، نه تنها در تربیتشان سهل انگاری می کنند، بلکه آنان را دشمن خود تصور می کنند. بنابراین، ضروری می نماید که جایگاه و منزلت فرزندانمان را بشناسیم تا نسبت به وظایف خود، درباره آنان بی اعتنا نباشیم؛ بلکه گوهرشناس باشیم و به فرزندان، این گوهرهای نفیس زندگی، عشق بورزیم.^۱

قرآن کریم در برخی آیات از فرزندان با عنوان هایی همچون «نور چشم»،^۲ «زینت بخش زندگی»^۳ و «وسیله آزمایش بشر»^۴ یاد کرده است.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (علیهم السلام) نیز هر کدام تعابیر بسیار زیبایی درباره فرزند بیان کرده اند. این تعابیر گویای این هستند که فرزند از منزلت و جایگاه بالایی برخوردار است که اگر والدین این حقیقت را دریابند، با آگاهی بیشتر در تربیت و آموزش فرزندان، این میوه های زندگی، اهتمام می ورزند. پیامبر (صلی الله علیه و آله)

۱. همان، ج ۷۸، ص ۱۴.

۲. حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت، ص ۳۱.

۳. فرقان، آیه ۷۴.

۴. کهف، آیه ۴۶.

۵. انفال، آیه ۲۸؛ تغابن، آیه ۱۵.

فرزند را گلی از گل های بهشت، «أَوْلَدُ الصَّالِحِ رِيحَانَةٌ مِنْ رِيَاحِينَ الْجَنَّةِ»^۱، جگرگوشه مؤمن و موجب شفاعت و آمرزش آنها می داند؛ «أَوْلَدُ كَبِدُ الْمُؤْمِنِ إِنْ مَاتَ قَبْلَهُ وَ صَارَ شَفِيعاً لَهُ وَ إِنْ مَاتَ بَعْدَهُ يَسْتَفِرُّ لَهُ فَيَغْفِرُ اللَّهُ لَهُ»^۲.

آن حضرت در جای دیگر مهر ورزیدن به فرزندان را موجب دست یابی به درجات بهشت معرفی می کند و می فرماید: «قَبِّلُوا أَوْلَادَكُمْ، فَإِنَّ لَكُمْ، بِكُلِّ قُبْلَةٍ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ وَ مَا بَيْنَ كُلِّ دَرَجَةٍ خَمْسَ مِائَةِ عَامٍ؛ فَزَرِّدُوا خُودَكُمْ بِبُوسَةٍ؛ زِيْرًا بَرَاءً هَرِّ بُوسَةٍ أَيْ كَهْ بَهْ فَرَزْنَدَانِ مِي زَنِيْد، يَكُ دَرَجَهْ دَرِ بَهْشْتِ خَوَاهِيْدِ دَاشْتِ كَه فَاصِلَهْ هَرِّ دَرَجَهْ تَا دَرَجَهْ دِيْگَرِ بَهْ اَنْدَازَهْ پَانصْدِ سَالِ رَاهِ اسْت»^۳.

ابن عمر از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می کند: «مَنْ سَقَى وَلَدَهُ شَرْبَةَ مَاءٍ فِي صِغَرِهِ سَقَاهُ اللَّهُ سَبْعِينَ شَرْبَةَ مِنْ مَاءِ الْكُوْثَرِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ هَرِّ كَسِّ بَهْ فَرَزْنَدِ خَرْدَسَالِ خُودِ جَرَعَهْ اِيْ اَبْ بَنُوشَانْدِ، خَدَاوَنْدِ بَهْ پَدَاشِ اَنْ دَرِ رُوزِ قِيَامَتِ هَفْتَادِ جَرَعَهْ اَزِ اَبْ كُوْثَرِ بَهْ اَوْ مِيْ نُوْشَانْدِ»^۴. در جایی دیگر، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «نَظَرُ الْوَالِدِ اِلَى وَلَدِهِ حُبًّا لَهُ عِبَادَةٌ؛ نَگَاهْ كَرْدَنْ پَدَرِ وَ مَادَرِ بَهْ فَرَزْنَدِ اَزِ رُوزِ مَهْرِ وَ مَحَبَّتِ، عِبَادَتِ اسْت»^۵.

از مجموع آیات و روایات که به برخی از آنها اشاره شد، استفاده می شود که فرزند عطیه و موهبتی الهی و نعمتی است که خود منشأ نعمت های بی شمار دیگر است. وجود فرزند در خانه، فضای آن را از خیر و برکت و مهر و محبت لبریز می کند، رابطه معنوی و الهی والدین و فرزندان هر دو را از رحمت های واسعه ربوبی بهره مند می گرداند. با چنین نگرشی به فرزندان چگونه می توان نسبت به شخصیت و نیازهای آنها و تربیت و شکوفایی استعدادهایشان غفلت ورزید؟

۴-۲- نقش خانواده در تربیت کودک

کلاس اول تربیت و آموزش انسان در خانواده است و کودک دروس اولیه زندگی

۱. مکارم الخلاق، ص ۲۱۸۸؛ مستدرک الوسائل، ص ۱۱۳؛ کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج ۱۶، ص ۲۷۳.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۲.

۳. مکارم الاخلاق، ص ۲۲۰.

۴. کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج ۱۶، ص ۴۴۳.

۵. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۷۰.

۶. حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت، ص ۳۴.

را از پدر و مادر و اطرافیانش فرا می‌گیرد. از این رو، اگر زبان والدین عربی باشد، کودک به زبان عربی آشنا می‌شود و اگر فارسی باشد، به زبان فارسی و اگر ترک باشد به زبان ترکی و... اگر خانواده اهل ساز و دهل و ترانه و تصنیف باشند، کودک از همان خردسالی به طور نهادی آنها را می‌آموزد و اگر اهل نماز و دعا و عبادت باشند، از روی قانون تبعیت کوچک‌تر از بزرگ‌تر مهر را از مقابل والدین برداشته و به تقلید از آنها خم و راست می‌شود و می‌بوسد؛ اگر والدین اهل فحاشی و دشنام باشند او نیز دشنام و فحاشی می‌آموزد و اگر اهل بی‌بندوباری و هرزگی در سخن و رفتار باشند، او نیز به همان شیوه بار خواهد آمد. خلاصه چشمان درخشان کودکان شب و روز حرکات پدر و مادر و روابط آنها را می‌نگرند و گوش‌های حساس آنان، مانند یک دستگاه گیرنده قوی و مجهز مواظب حرکات و سکنت آنهاست.

به هر حال، آدمی در محیطی به نام خانه خانواده پا به عرصه وجود می‌گذارد و در آن محیط در کنار سایر افراد پرورش یافته و بزرگ می‌شود. از طرفی دیگر، ثابت شده است که هر فردی دارای ظرفیت و استعداد ذاتی است که از پدر و مادر به ارث می‌برد و تحت تأثیر و نفوذ عوامل مختلف محیطی قرار گرفته و تربیت می‌شود. به عبارت دیگر، مجموعه استعدادها و توانایی‌های ارثی و تأثیراتی تربیتی گرفته شده از محیط، شخصیت فرد را می‌سازد. در تشکیل شخصیت و تربیت انسان‌ها، خانواده بزرگ‌ترین نقش را ایفا می‌کند، بر این اساس در امر تربیت به نقش خانواده توجه بیشتری شده است.

۵-۲- اسلام و حقوق فرزند

آیات و روایاتی که ذکر شدند پدران و مادران را برآن می‌دارد که در باب پرورش و آموزش فرزند احساس وظیفه کنند؛ وظیفه‌ای سنگین و مسئولیتی بزرگ که هرگز نمی‌توان آن را نادیده گرفت و نسبت به آن کوتاهی نمود؛ زیرا تعلیم و تربیت، از جمله حقوق فرزند بر والدین است که این امر علاوه بر رشد، نیاز به شهادت دارد. درباره اهمیت تربیت و آموزش فرزندان و اقامه حقوق آنها

مسئله در حدّی است که اگر فرزندان به وظیفه خود در برابر والدین عمل نکنند، عاق والدین خواهند بود، به همان تعبیر، اگر والدین هم به وظایف مقررّه از شرع عمل نکنند، قطع رحم کرده اند و از طرف فرزندان خود عاق خواهند شد؛ زیرا پس از والدین هر فرد، نزدیک ترین ارحام به انسان، فرزندان او هستند. بر این اساس، در برخی روایات، حقّ فرزندان به عهده والدین، همانند حقّی شمرده شده است که پدر و مادر بر عهده فرزندان دارند.

در روایتی آمده است: مردی از رسول خدا ﷺ پرسید: یا رسول الله! به چه کسی نیکی کنیم؟ حضرت فرمود: «بِرِّ وَالِدَيْكَ. قَالَ: لَيْسَ لِي وَالِدَانِ. قَالَ: بَرِّ وَوَلَدِكَ كَمَا أَنَّ لِوَالِدَيْكَ عَلَيْكَ حَقًّا كَذَلِكَ لِوَلَدِكَ حَقًّا؛ به پدر و مادرت نیکی کن. گفت: پدر و مادر ندارم (از دنیا رفته اند). فرمود: به فرزندان نیکی کن؛ همان گونه که پدر و مادر بر تو حقّ دارند، همان طور فرزندان نیز دارای حقوقی هستند»^۱. به هر حال، در آموزه های دینی «عاق والدین» و «عاق فرزندان» هر دو مطرح است که بر اساس آن چنانچه ترک فرزندان در اثر ترک حقوق والدین به آثار وخیمه عقوق والدین مبتلا می شوند، همچنین والدین هم در صورت ترک حقوق فرزندان به آثار وخیمه آن مبتلا می شوند. چنان که پیامبر اکرم ﷺ در ضمن سفارش هایی به امام علی (علیه السلام) فرمود: «يَا عَلِيُّ! لَعَنَ اللَّهُ وَالِدَيْنِ حَمَلًا وَوَلَدَهُمَا عَلَى عُقُوقِهِمَا، يَا عَلِيُّ! يَلْزِمُ الْوَالِدِينَ مِنَ الْعُقُوقِ لَوْلَدِهِمَا مَا يَلْزِمُ الْوَلَدَ لَهُمَا مِنْ عُقُوقِهِمَا؛ ای علی، خدا لعنت کند پدر و مادری را که فرزندان خویش را بد تربیت کنند و موجبات عاق خود را فراهم نمایند. ای علی، همان گونه که فرزند عاق والدین می شود، والدین نیز عاق فرزند خواهند شد»^۲.

رسول اکرم ﷺ فرمودند: «مَا مِنْ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ فَأَبَوَاهُ يَهُودَانِهِ وَ يُنَصْرَانِهِ وَ يُمَجْسَانِهِ؛ هر فرزندی بر فطرت توحید و خداپرستی متولد می شود و این پدر و مادر او هستند که او را یهودی یا مسیحی و یا زردشتی سوق می دهند (و او را از راه فطرت دور می سازند).»^۳

۱. شرح رساله حقوق امام سجّاد (علیه السلام)، ج ۱، ص ۹۷.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۲۳.

۳. صحیح بخاری، جزء ۲، باب الجنائز، ص ۱۱۸.

افزون بر این، در اصل ششم اعلامیه جهانی حقوق کودک (مصوب اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بیستم نوامبر ۱۹۵۹) چنین آمده است: «کودک جهت پرورش کامل و متعالی شخصیتش نیاز به محبت و تفاهم دارد و باید تا حد امکان تحت توجه و سرپرستی والدین خود و به هر صورت در فضایی پرمحبت در امنیت اخلاقی و مادی پرورش یابد. کودک خردسال را - به جز در موارد استثنایی - نباید از مادر جدا کرد». بنابراین، هم قوانین پذیرفته شده بین المللی و هم آموزه های دینی با تأکید بیشتر، والدین را مسئول می دانند. از این رو، خانواده هایی که به سعادت فرزندان خود می اندیشند و نسبت به آینده آنها احساس مسئولیت می کنند، باید برای طفل، پیش از تولدش، بلکه پیش از انعقاد نطفه برنامه ریزی کنند^۱ و همه نیازهای کودک را برای رشد و تعالی تأمین نمایند.

۶-۲- نقش پدر در تربیت فرزند

اسلام به مسئله تربیت و آموزش فرزندان تا آن حد اهمیت داده که آن را حق مسلم فرزند بر پدر دانسته است. امام سجاد (علیه السلام) نیز در «رساله حقوق»، بدین وظیفه خطیر چنین اشاره می فرماید: «فَاعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلٌ مِّنْ يَعْلَمُ أَنَّهُ مَثَابَ عَلِيِّ الْإِحْسَانِ إِلَيْهِ، مُعَاقِبَ عَلِيِّ الْإِسَاءَةِ إِلَيْهِ؛ [به وظیفه خود] درباره فرزند خویش عمل کن چون عمل کسی که می داند اگر به فرزند خود احسان کند پاداش داده می شود و اگر بدرفتاری کرد مؤاخذه و عقاب می گردد».^۲

در جای دیگر، امام با تفصیل بیشتری می فرماید: «وَأَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ فَتَعَلَّمْ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مَضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ شَرِّهِ وَ أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيَتْهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ وَ الْمَعُونَةِ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ فِيكَ وَ فِي نَفْسِهِ فَمَثَابٌ عَلَى ذَلِكَ وَ مُعَاقِبٌ فَاعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلَ الْمُتَزَيِّنِ بِحُسْنِ أَثَرِهِ عَلَيْهِ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا الْمُعْذِرِ إِلَى رَبِّهِ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ بِحُسْنِ الْقِيَامِ عَلَيْهِ وَ الْأَخْذِ لَهُ مِنْهُ؛ و أَمَّا

۱. اسلام و حقوق کودک، ص ۱۹.

۲. همان، ص ۱۲.

۳. مکارم الاخلاق، ص ۴۲۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۶۸.

حقّ فرزند تو این است که بدانی او پاره ای از وجود توست و در نیکی و بدی خود در این دنیا به تو وابستگی دارد و تو در تربیت و ادب آموزی و خداشناسی او مسئولیت داری و باید او را در اطاعت فرمان خدا، در آنچه مربوط به تو و اوست، کمک رسانی. در احسان به او پاداش می گیری و در بدی به او کیفر می بینی. عمل تو درباره او، مانند کسی است که یقین دارد به کارهای نیکوی او در دنیا آرایش می یابد و به واسطه حسن قیام به وظایف و مسئولیت ها در پیشگاه خداوند معذور است»^۱.

پیشوای عالی قدر شیعیان امام سجّاد (علیه السلام) در این حدیث شریف به مسئولیت پدران در تربیت فرزندان تصریح فرموده است. امام (علیه السلام) پرورش های اخلاقی و ایمانی فرزند را از وظایف مسلم مذهبی آنان (پدران) دانسته و خاطر نشان نموده است که تربیت های پسندیده پدران، مانند ادای یک فریضه مذهبی موجب اجر و پاداش در پیشگاه خداوند است و پرورش های ناپسند مانند ترک واجب یا ارتکاب گناه، پدران را مستحق عقاب و کیفر الهی خواهد کرد. بنابراین، با توجه منابع روایی، به ویژه سخنان گهربار امام سجّاد (علیه السلام) در تربیت مذهبی، فرزند نقش به سزایی دارد.

پرورش مذهبی، عامل مهمی برای سعادت افراد و بازدارنده آنان از عوامل خلاف و بزهکاری است. پدر باید شوق به کمال را در نهاد فرزند قرار داده و موجبات تثبیت آن را فراهم کند. پدر از راه عرضه عقاید و افکار اسلام فرزند خود را با آداب دینی آگاه نماید و با عملکرد خود، فرزند را متدین بار آورد.

پدر در رابطه با نقش مذهبی، وظایفی دارد که عبارت اند از:

۱. ارتباط و معرفی خدا؛

۲. واداشتن فرزند به عمل.

در کانون خانواده، پدر در این زمینه مسئولیت سنگین تری را بر عهده دارد. غفلت و سهل انگاری او در مورد رفتار کودک در آینده مشکل ساز خواهد بود.

^۱. تحف العقول عن آل الرسول، ترجمه احمد جنّتی ذیل سخنان امام سجّاد (علیه السلام) رساله الحقوق، ص ۲۶۳، ح ۲۳.

اگر پدری پای بند به اصول مذهبی باشد، فرزندش نیز مقید به اصول مذهبی می شود و اگر پدری لابلالی باشد و انتظار داشته باشد که فرزندانش پای بند به اصول ارزشی و اخلاقی باشد، تحقق این انتظار امکان پذیر نیست؛ زیرا فرزندان از پدر و مادر الگوبرداری می کند.

به طور کلی، اگر خانواده اهل ساز و دهل و ترانه و تصنیف باشند، کودک از همان خردسالی به طور نهادی آنها را می آموزد و اگر اهل نماز و دعا و عبادت باشند، از روی قانون تبعیت کوچک تر از بزرگ تر مهر را از مقابل والدین برداشته و به تقلید از آنها خم و راست می شود و می بوسد؛ اگر والدین اهل فحاشی و دشنام باشند او نیز دشنام و فحاشی می آموزد و اگر اهل بی بندوباری و هرزگی در سخن و رفتار باشند، او نیز به همان شیوه بار خواهد آمد. خلاصه چشمان درخشان کودکان شب و روز حرکات پدر و مادر و روابط آنها را می نگرند و گوش های حساس آنان، مانند یک دستگاه گیرنده قوی و مجهز مواظب حرکات و سکنت آنهاست. بنابراین، وقتی الگوهایش نامناسب باشند، به طور مسلم راهش صراط مستقیم نخواهد بود؛ البته در همه موارد این چنین نیست. اگر فرزند این اراده را داشته باشد که در صراط مستقیم قدم بردارد، می توان با توکل به خدا و استقامت و اراده محکم در این راه قدم بگذارد و اهل سعادت گردد.

۷-۲- اقسام تربیت

به عقیده علما تربیت، تربیت دو نوع است:

۱- تربیت عمدی: در این نوع تربیت فرد یا افرادی شیوه خاصی از تربیت را درباره فردی اعمال می کنند؛ به عنوان مثال، وقتی مادر دست کودک خود را گرفته و به آرامی به او راه رفتن یاد می دهد، می گویند که مادر او را در امر راه رفتن تربیت کرد.

۲- تربیت غیر عمدی: به تربیتی گفته می شود که بدون طرح و نقشه قبلی انجام می گیرد. به عنوان مثال، وقتی کودک مسجد رفتن و نماز خواندن پدر و مادر را می بیند رفتار او را یاد می گیرد.

برخی از روان شناسان برای تربیت، تقسیم دیگری بیان کرده اند، این گروه تربیت را به دو دسته تربیت جنسی و تربیت مذهبی تقسیم کرده اند:

الف) تربیت جنسی: چنین به نظر می رسد که گزینه جنسی مربوط به دوران بلوغ است، اما در واقع این موضوع از خردسالی همراه با کودک بوده و کودک همواره نیازمند تربیت و هدایت است. گواه این موضوع وجود نوجوانان نابالغی است که به انحرافات جنسی گرایش پیدا کرده اند. رغبت به خودنمایی، لذت بردن از نوازش، لمس اعضای بدن و... همه از نشانه های جنسی در فرد است. البته اوج این حالت در سنّ بلوغ مشهود است؛ ولی آغاز آن در سنّ ۵-۶ سالگی است. در سنّ ۵-۶ سالگی کودک سؤالاتی را نسبت به اعضای بدن خود از پدر و مادر می پرسد و آنها نیز باید جواب قانع کننده ای به او بدهند و او را با مسائلی که برایش اتفاق می افتد، آشنا سازند. اسلام، گزینه جنسی را پلید نمی داند، بلکه آن را عاملی برای استحکام زندگی زناشویی، نعمت و موهبت الهی و بقای نسل آدمی می داند. علاوه بر این، محیط نیز در هدایت گزینه جنسی مؤثر و دارای اهمیت خاصی است.

قرآن کریم در سوره عنکبوت آیه ۴۵ می فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ». در این آیه قرآن نماز را عامل دوری از فحشا و اعمال زشت معرفی می کند. کسی که تربیت جنسی صحیحی داشته باشد، در آینده مشکل ساز نخواهد بود. در این میان محیط های سالم، اماکن مذهبی، به ویژه مساجد راه درست زیستن را به آنها می آموزد.

ب) تربیت مذهبی: کودکان عناصر پاکی و پذیرش و صمیمیت هستند؛ خوب و بد را از پدر و مادر یاد می گیرند و به هر راهی پدر و مادر دعوتشان کنند، به همان راه پا می گذارند. اگر آنان را با روحیه خداترسی پرورش دهیم، طبیعی است در آینده افرادی خیرخواه، مسالمت جو و مطیع خواهند شد و اگر آنان را رها کنیم، خام و هرزه بار می آیند.

در هر برنامه تربیتی، تنها فاعلیت کافی نیست، بلکه روح پذیرش و قابلیت نیز شرط است. انسان، به طور فطری خداجوست و به دنبال قدرتی بی نهایت است

که همه امور در دست اوست و خالق جهانی زیبا و با عظمت است. یادگیری راه خداجویی و شناخت خدا به کودک از درون خانواده شکل می‌گیرد. نیاز به پرستش و نیایش، یکی از نیازهای اساسی و عمیق در عمق روان بشر است. در بررسی تاریخی، این موضوع ثابت شده که پرستش، جزئی از وجود و کشش فطری انسان است. گاهی که میل و روح پرستش از سوی انبیا در مسیر صحیحی قرار گرفته، به خداپرستی ختم شده است و گاهی بر اثر جهل، انحراف و لجاجت موجودات و اشیا گوناگون پرستش شد اند.

طبق نص صریح دین اسلام، برای ما مسلم است که میل به پرستش، نیایش، کمال طلبی، حقیقت جویی و... در کودک، امری فطری و درونی است. این موضوع را شواهد تاریخی - پرستش بت، خورشید و گاو و ساختن بهترین مکان‌ها برای معابد- و آیات و روایات تأیید می‌کند.

خداوند تبارک و تعالی در قرآن مجید می‌فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ؛ پس روی خود را با گرایش تمام به حق به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. در آفرینش خدا تغییری نیست. این است همان دین پایدار، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند»^۱.

اگر ملاحظه می‌شود که گروهی از کودکان و نوجوانان نسبت به مسائل دینی رغبت و تمایلی از خود نشان نمی‌دهند، مربوط به عوامل محیطی است که فطرت کودک را از مسیر خودش تحریف کرده است.

متأسفانه، بعضی از والدین به دلیل حساسیت نداشتن و اهمیت ندادن به مسائل دینی و بعضی به دلیل سخت‌گیری‌ها، آموزش‌های غلط و ناآشنایی با سیره و روش معصومان عليهم‌السلام و روش‌های تربیتی به گونه‌ای با کودک رفتار می‌کنند که آنان نسبت به مسائل دینی بی‌تفاوت، کم‌رغبت و حتی متنفر می‌شوند. با کمال تأسف، باید گفت که بعضی از والدین حساسیت و دقتی را که درباره امور دنیوی - تغذیه، لباس، مسائل درسی، کلاس کنکور، معلم خصوصی و غیره -

^۱ . روم، آیه ۳۰.

فرزندانشان از خود نشان می دهند، نسبت به مسائل دینی و معنوی اظهار نمی کنند. به راستی، این گروه از والدین مصداق کلام نورانی رسول خدا ﷺ هستند که فرمودند: «أَنْتَهُ نَظَرَ إِلَى بَعْضِ الْأَطْفَالِ، فَقَالَ: وَيَلُّ لِأَطْفَالِ آخِرِ الزَّمَانِ مِنْ آبَائِهِمْ، فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ آبَائِهِمُ الْمُشْرِكِينَ؟ فَقَالَ لَا، مِنْ آبَائِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ لَا يَعْلَمُونَهُمْ شَيْئاً مِنَ الْفَرَائِضِ وَإِذَا تَعَلَّمُوا أَوْلَادَهُمْ مَنَعُوهُمْ وَرَضُوا عَنْهُمْ بَعَرَضٍ يَسِيرٍ مِنَ الدُّنْيَا فَأَنَا مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَهُمْ مِنِّي بَرَاءٌ؛ وَإِذَا بَرَّ فَرَزْنَدَانِ آخِرِ الزَّمَانِ مِنْ دَسْتِ پِدْرَانِشَان. گفته شد: ای رسول خدا ﷺ منظور شما پدران مشرک است؟ فرمودند: خیر، بلکه پدران مؤمنی که واجبات دینی را به فرزندان خود آموزش نمی دهند و اگر آنان بخواهند احکام دین را فراگیرند، از ایشان جلوگیری می کنند، (و حال آنکه) اگر کالایی به دست بیاورند، از آنان راضی و خوشحال خواهند شد. من از ایشان بیزارم و ایشان نیز از من بیزارند»^۱.

۸-۲- مراحل تربیت

روان شناسان و علمای تعلیم و تربیت، دوران عمر را به اقتضای نیازهای جسمی، روانی، عاطفی، اجتماعی و... به دوره های مختلف تقسیم کرده اند. به عبارت دیگر، انسان در طول زندگی، مراحل را از رشد می پیماید و به تناسب هر مرحله و ویژگی های آن، تربیت خاصی را می طلبد. روان شناسان، کارشناسان تعلیم و تربیت، دانشمندان علوم اجتماعی، فیزیولوژیست ها با نگرش های متفاوت به تقسیم دوران رشد و تکامل انسان از کودکی تا کهولت پرداخته اند. برخی کارشناسان تعلیم و تربیت این مراحل را بدین گونه ذکر کرده اند:

- ۱- مرحله شیرخوارگی از تولد تا ۲ سالگی؛
- ۲- مرحله دایگی یا پرستاری بین ۲ تا ۵ سالگی؛
- ۳- مرحله کودکستانی بین ۵ تا ۷ سالگی؛
- ۴- مرحله دبستانی بین ۷ تا ۱۲ سالگی (پایان کودکی)؛
- ۵- مرحله دبیرستانی (دوره اول) از ۱۲ تا ۱۵ سالگی (آغاز نوجوانی)؛

۱. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۲۵.

۶- مرحله دبیرستانی (دوره دوم) از ۱۵ تا ۱۸ سالگی؛

۷- مرحله دانشگاهی از ۱۸ تا ۲۲ سالگی (جوانی)؛

۸- مرحله بعد از تحصیل، دوران تشکیل خانواده.^۱

در متون آموزه‌های اسلامی نیز مراحل رشد و تربیت انسان در ابعاد مختلف جسمانی و روحانی و مادی و معنوی مورد توجه قرار گرفته است. قرآن کریم مراحل آفرینش انسان را از نقطه آغازین خلقت او، یعنی هنگامی که خاک به صورت گیاه درآید و به مواد غذایی و سپس خون و نطفه مبدل گردد تا هنگامی که در عالم جنین به صورت علقه و مضغه و... درآید و آماده افاضه روح شود، متذکر می‌گردد که طی این مراحل، تربیت تکوینی الهی او را همراهی می‌کند و پس از ولادت به بیان سه مرحله رشد، یعنی: «کودکی، جوانی و بزرگسالی» می‌پردازد که در اینجا پای مسئولیت تربیت انسان به میان می‌آید؛ آنجا که می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِيَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِيَتَّكِنُوا شَيْوَاهُمْ...؛ اوست خداوندی که شما را از خاک آفرید، سپس از نطفه و آنگاه از علقه تا آنکه به صورت کودکی درآورد تا به مرحله رشد برسید و رهسپار دوران پیری شوید».^۲ در مناسبتی دیگر به بیان گرایش‌های طبیعی و غریزی انسان در مراحل مختلف رشد پرداخته و می‌فرماید: «أَعْلَمُوا أَنَّهَا الْحَيَوةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ...؛ بدانید که زندگی دنیا، بازی، سرگرمی، آرایش، مفاخره و افزون طلبی در ثروت و فرزندان است».^۳ آاین موارد خصلت‌های طبیعی و غریزی انسان است که در نظام تربیت اسلامی تعدیل و هدایت می‌شوند و بدیهی است که در کنار اینها استعداد‌های متعالی و گرایش‌های معنوی است که شخصیت حقیقی انسان را تشکیل می‌دهد و به شیوه متعال و هماهنگ در تربیت اسلامی مورد توجه است. در مراحل یاد شده و برای شکل‌گیری شخصیت تکامل یافته انسان، اسلام رهنمودهای گسترده‌ای دارد که برخی از آنها عبارتند از: ازدواج مشروع و آداب آن،

۱. مناقب خوارزمی، ص ۲۷۲.

۲. غافر، آیه ۶۷.

۳. حدید، آیه ۲۰.

توصیه‌های دوران بارداری، شیرخوارگی، حضانت تا رعایت موازین دیگر پرورشی. در هریک از مراحل که هر کدام فصلی را از تربیت اسلامی تشکیل می‌دهد و در خصوص مراحل تربیت و ویژگی‌های هر یک روایات بسیاری نیز وجود دارد. از جمله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای انسان تا بیست و یک سالگی سه دوره هفت ساله قائل شده‌اند: دوره «آقایی» که کودک، فرمانروایی می‌کند؛ دوره «فرمان برداری» که نوجوان باید مطیع مربیان باشد و دوره «وزارت» که جوان، مورد مشورت قرار می‌گیرد؛ آن حضرت در این مورد می‌فرماید: «الْوَلَدُ سَبْعَ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ؛ فرزند، هفت سال «آقا»، هفت سال «فرمان بردار» و هفت سال «وزیر» (مشاور و همراه) است». ^۱ همچنین، در روایتی دیگر می‌فرماید: «الْغُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ؛ فرزند، هفت سال بازی می‌کنند؛ هفت سال خواندن و نوشتن می‌آموزند و هفت سال سوّم را به آموختن آموزه‌های دینی درباره حلال و حرام می‌گذرانند». ^۲ با دقت در ویژگی‌های این سه مرحله، ظرافت و جذابیت این سخن، مشخص می‌گردد؛ در ادامه به توضیح این سه مرحله پرداخته می‌شود:

۱. مرحله سیادت

این مرحله، از آغاز ولادت شروع می‌شود. البته نباید چنین تصوّر کرد که آغاز تربیت از همان تولّد است، بلکه هفت سال نخستین، مرحله «خودمداری» است. دورانی که کودک می‌بایست آزاد باشد رشد نماید و مسئولیتی متوجه او نگردد. از این‌رو، در روایات آمده است که هفت سال، کودک را برای بازی رها سازید و... فرآیند طبیعی رشد، هنگامی به خوبی و به دور از آسیب پیش می‌رود که فرزندان در نخستین هفت سال زندگی، از آزادی کافی برای بازی، خودشناسی و اعمال خواسته‌ها برخوردار باشند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «يُرْخَى الصَّبِيُّ سَبْعًا...؛ تا هفت سالگی بر کودک، سخت‌گیری نمی‌شود». ^۳ این روایات بر این نکته تأکید

۱. مکارم الاخلاق، ص ۲۲۲.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۵، احکام اولاد، ص ۱۹۴.

۳. همان.

دارند که مرحله قبل از ۸ سالگی، مرحله بازی است و بر پدران و مادران است که بی هیچ فشار و اجباری، کودک را در بازی کردن آزاد بگذارند؛ جز بازی‌های خطرناکی که والدین باید کودکان را از آنها اجتناب دهند.

آقایی و بزرگی در این سال‌ها، به معنای داشتن آزادی کافی برای با خود بودن و تجربه آزادانه تلخی و شیرینی‌ها است. والدین باید به فرزندان فرصت و اجازه دهند تا آن‌گونه که دوست دارند و خودشان تشخیص می‌دهند، رفتار کنند. در این مقطع سنی، شاخص‌ترین ویژگی کودکان، روح کنجکاو است. این روح و نداشتن درک روشنی از خوبی‌ها و بدی‌ها، کودکان را وادار می‌کند تا خودشان، توانایی‌ها و محیط اطرافشان را بشناسند و از این راه به شکوفایی، خودیابی و خودباوری برسند.

۲. مرحله اطاعت

در مرحله اطاعت (هفت سال دوم تا چهارده سالگی) کودکان به علت درک ناتوانایی‌های جسمی و روانی خویش در مقابل بزرگ‌ترها، به ویژه والدین خود روحیه تسلیم‌گونه و اطاعت‌پذیری دارند. علاوه بر این، دوست دارند از آنها تقلید کنند و از ابزار پیروی از دیگران احساس لذت می‌کنند. بر این اساس است که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله این مرحله از عمر را دوره اطاعت نامیده‌اند.

از ابتدای این دوره، آموزش رسمی به طور جدی نیز شروع می‌شود. در این دوران، برخلاف مرحله سیادت و کودکی، دیگر نباید او را به طور کامل آزاد گذاشت، بلکه باید تمام اوقات، وی تحت مراقبت منظم، برنامه‌ریزی شده و دقیق قرار گیرد تا مسئله آموزش و تربیت او به خوبی پیش رود.

اگر کودک در هفت سال اول در شرایط مساعدی رشد کرده باشد، برای هفت سال دوم که دوره اطاعت و فرمان‌برداری و کسب تجربیات مفید است، آمادگی کافی خواهد داشت. از این رو، در این مرحله که دوره آموزش‌های عمومی نیز است، باید او را از جهت آداب و سنن اجتماعی، زندگی فردی، نظم و انضباط، عادت‌های پسندیده، صفات و سجایای اخلاقی و فراگرفتن فنون و مهارت‌های

مختلف مورد تربیت و آموزش قرار داد؛ زیرا رشد ذهنی، بالا رفتن قدرت حافظه، ظهور استعدادها، گرایش به زندگی اجتماعی، علاقه شدید به درک مجهولات و بسیاری اوصاف دیگر که به تدریج در این مرحله بروز می‌کند، فرصت بسیار مناسبی برای ساختن شخصیت اخلاقی و انسانی کودکان است و والدین باید با فراهم کردن مقدمات و امکانات لازم نسبت به سازندگی فرزندان خود در این مرحله از هیچ کوششی دریغ نوزند. چنانچه کودکان در مرحله اطاعت تحت تربیت صحیح اسلامی قرار گیرند، به صفات اخلاقی زیر آراسته خواهند شد.

۱. انس به خدا و عادت به ذکر نام خدا در شروع کارها؛

۲. انجام عبادت هایی از قبیل نماز، روزه و...؛

۳. فراگیری قرآن و تلاوت آن؛

۴. آشنایی با احکام اسلامی از قبیل احکام طهارت، تطهیر و نظافت و انجام آنها به طرز صحیح؛

۵. رعایت ادب و احترام به بزرگ ترها و ابراز محبت به کوچکترها؛

۶. امانتداری و رازداری؛

۷. راستگویی و پرهیز از دروغ؛

۸. پرهیز از حسادت و خیانت و... .

۳. مرحله وزارت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هفت سال سوّم زندگی را مرحله (وزارت) نامیده است. بیشتر روان شناسان بر این باورند که دوران نوجوانی از یازده یا دوازده سالگی آغاز و در سال های هفده یا هیجده سالگی پایان می‌یابد، می‌توان گفت که قسمت اعظم مرحله وزارت، سنین نوجوانی را دربر گرفته و سرانجام به سنین جوانی (دوره زندگی استقلالی) منتهی می‌گردد.

مرتبّی شایسته کسی است که دوران جوانی را شناخته و از وضع عقل و عواطف و احساسات جوانان و پایه‌های تربیتی آنان آگاه باشد تا بتواند برنامه‌های خویش را به موقع به اجرا بگذارد. در این دوره، رشد جسمانی، عقلانی و عاطفی تکامل

می‌باید. ناموزونی بین احساسات و عقل، بزرگ‌ترین مشکل را برای جوانان در پی دارد. در این دوره که دوره تشخیص طلبی جوان است و به شدت میل به استقلال دارد و تمایلات در این دوره بیشتر است. وظیفه مربی است که به این تمایلات اعتدال ببخشد و غرایز آتشی را که زبانه می‌کشند و هر لحظه ممکن است دوره جوانی را طعمه حریق نماید، مهار کند و جوان را از پرتگاه ارضای نادرست غرایز نجات دهد و او را وزیر و مشاور خویش قرار دهد؛ به دلیل اینکه این مرحله، هنگام شکوفایی فکری و «خودمدیری» است. در این مرحله عواملی چون مشورت کردن و تبادل افکار می‌تواند در رشد عقلی جوان نقش مؤثر ایفا کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این مرحله را مرحله «وزارت» نامیده است و ما با نگاهی به تاریخ درمی‌یابیم که حتی در این دوره، جوانان، پست‌های حساس و مهمی نیز داشته‌اند، چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مسئولیت‌های ارشادی، آموزشی و اجرایی را به جوانان می‌داد و از نیروهای مؤمن و پرتلاش در جهت ترویج و توسعه اسلام و اداره جامعه اسلامی یاری می‌جست. «مصعب بن عمیر» را که جوانی شایسته بود جهت ترویج اسلام به مدینه فرستاد تا قرآن و تعالیم دین را به مردم بیاموزد و او از عهده این مسئولیت به خوبی برآمد. «معاذبن جبل» را برای تعلیم و تربیت مردم مکه مأمور ساخت. «اسامه‌بن زید» را که نوزده سال داشت به فرماندهی سپاه عظیم اسلام در جنگ با رومیان گماشت و همگان را به اطاعت وی مأمور ساخت. همچنین این مسئله، در انقلاب اسلامی ایران نیز به خوبی نمایان بوده و هست و همین جوانان بودند که در تمام عرصه‌های نبرد حاضر بوده و حماسه‌ها و رشادت‌ها از خود به یادگار گذاشته‌اند.

« فصل سوم: کودک و مسجد از دیدگاه روان‌شناسی

در این فصل به تعریف دوره کودکی اشاره می‌شود. آنگاه ضمن اشاره به جایگاه و اهمیت مساجد، به ویژه از نگاه کودکان و نوجوانان، به نقش مساجد در پاسخ‌گویی به نیازهای کودکان می‌پردازیم. در ادامه به موانع جذب کودکان به مساجد اشاره کرده و جاذبه‌های مساجد از نگاه کودک را بیان خواهیم کرد.

آنگاه به عنوان نتیجه گیری، تحلیلی تربیتی از نقش مساجد و اماکن مذهبی در تربیت دینی کودکان را ارائه خواهیم داد.

کودکی و ویژگی‌های آن

ویژگی اصلی دوران کودکی، رشد است. در این دوره بیش از سایر دوران مانند بزرگسالی و حتی جوانی تغییرات و تحولات اساسی در شخصیت کودک به وقوع می‌پیوندد. به همین خاطر، برای شناخت دوره کودکی و ویژگی‌های آن چاره‌ای جز شناخت رشد و تحول کودک نداریم. آگاهی در زمینه رشد کودک، از این لحاظ اهمیت دارد که کمک می‌کند تا تدابیر تربیتی شکل بگیرند؛ یعنی راه‌هایی به والدین نشان می‌دهد که اگر کودکان مشکلاتی داشته باشند، نیاز برای درمان و مشاوره تربیتی را معلوم می‌کند.

در این دوره دگرگونی‌هایی در زمینه مهارت‌های ذهنی، رفتار اجتماعی، رفتار کلامی و احساسات و رفتارهای دینی در کودک به وقوع می‌پیوندد که همگی برای مربیان و کسانی که با کودکان سر و کار دارند بسیار مهم است و باید مورد توجه خاصی قرار گیرد.

همچنین، در این دوره، تغییرات در ساختار بدنی، عصبی، رفتار و نشانه‌های ویژه شخصی برای ترتیب در کودکان ظاهر می‌شوند. در این بین برخی از ویژگی‌های عمومی در تمام کودکان به صورت یکسان مشاهده می‌شود؛ مثل کودکان سراسر جهان در دو سه ماه اول زندگی به چهره آدم‌ها لبخند می‌زنند؛ اولین کلمه را حدود ۱۲ ماهگی بر زبان می‌آورند و در ۱۳ ماهگی بدون کمک دیگران راه می‌روند.^۱ در ادامه بحث به مهم‌ترین جنبه‌ها یا ویژگی‌های رشد کودکان، به ترتیب به رشد شناختی، رشد کلامی، رشد اجتماعی و رشد اخلاقی و معنوی در کودکان اشاره می‌شود.

رشد شناختی در کودکان

یکی از ابعاد مهم رشد کودکان عبارت است از رشد فکری و شناختی آن. بیشترین

۱ - دائره‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، ص ۳۵۵.

سهم تحقیقات در زمینه روان شناسی کودک را تحقیق در زمینه تحوّل فکری و شناختی تشکیل می دهد و ژان پیاژه (jean piaget) از معروف ترین روان شناسانی است که زمینه رشد شناختی کودکان و نوجوانان را کشف کرد. دوره اول دور حسّی - حرکتی، دوره دوم دوره عملیات منطقی عینی که خود به دو نیم دوره پیش عملیاتی و عملیات عینی تقسیم می شود و دوره سوم، که دوره عملیات صوری (انتزاعی) به حساب می آید. هر یک از این دوره ها به مراحل تقسیم می شوند که ویژگی های خاصّ خود را دارد و بر پایه شناخت آن ویژگی ها است که باید با کودکان برخورد های تربیتی داشت.^۱

رشد شناختی پایه و اساس رشد در سایر جنبه ها از قبیل رشد کلامی، اخلاقی، اجتماعی، مذهبی و معنوی را تشکیل می دهد. تحقیقات نیز نشان داده است که رشد شناختی از راه فراهم آوردن ساخت ها و زمینه های لازم به سایر جنبه های رشد کمک شایانی می کند.

موریس دبس، روان شناس فرانسوی در مورد رشد شناختی (عقلی) در دوران کودکی می گوید: «در این دوره، دو نوع هوش وجود دارد؛ یکی هوش عملی (performance intelligence) یا هوش حسّی - حرکتی که از طریق یافتن راه حلّ های خاصّ که خود اختراعات کوچکی است، سازش مستقیم رفتار کودک را با اوضاع جدید ممکن می سازد. دیگری هوش کلامی (verbal intelligence) است که شامل نشانه ها، یعنی واژه هاست».^۲

به طور کلی، می توان دوره کلامی را به سه دوره تقسیم کرد. کودکی اول، کودکی دوم و کودکی سوم. کودکی اول به سال های اولیّه رشد اطلاق می شود و قسمت اعظم آن را کودک در محیط خانه و خانواده است و هنوز وارد آموزشگاه نشده است. در دوره دوم کودکی، هم زمان زندگی آموزشگاهی کودک آغاز می شود. دوره سوم مقدّمه دوره نوجوانی است؛ یعنی شامل سنین پیش از نوجوانی است.

۱. رک: روان شناسی شناختی رشد، ۱۳۸۱.

۲. مراحل تربیت، ص ۷۵.

از نظر رشد شناختی، به ویژه با در نظر گرفتن ملاک های شناختی پیاژه، دوره اول بیشتر حسی - حرکتی، دوره دوم عملیات عینی و دوره سوم کودکی شروع عملیات انتزاعی است.

رشد زبان و مهارت کلامی

رشد کلامی از مهم ترین جنبه های رشد کودکان به حساب می آید. تعداد واژگان مورد استفاده، طرز بیان جملات و نحوه ادای گفتار، سلامت و روانی بیان همگی از جنبه هایی از رشد کلامی هستند که در ضمن شاخص رشد شناختی نیز محسوب می گردند. بین رشد شناختی و کلامی وابستگی زیادی وجود دارد. این موضوع، بیشتر به خاطر آن است که رشد شناختی، رشد کلامی را باعث می شود و برعکس، رشد کلامی بر روی رشد شناختی اثر می گذارد. اغلب کودکان باهوش، کلام رشد یافته و سلیس و روانی دارند.

یکی از عوامل بسیار مؤثر در رشد کلامی کودکان، فراهم آوردن انگیزه های لازم برای رشد کلامی در کودکان است. اگر این انگیزه ها ایجاد نشوند، رشد کلامی تلف شده یا در مراحل پایین تر رشد باقی خواهد ماند. زبان در فراگیری بعضی از مفاهیم و مهارت های شناختی مؤثر است. زبان آموزی کودکان ممکن است به آنان در درک مفاهیمی که به خصوصیات فیزیکی اشیاء مربوط نیست، کمک کند. زبانی که در تعامل اجتماعی با دیگران به کار می رود، نمایانگر موقعیت اجتماعی آنان است. کودکان از طریق مشاهده نشانه هایی که در حرف زدن دیگران به کار می رود، درباره مفاهیم اجتماعی دانشی کسب می کنند؛ از جمله: سلام کردن (صبح بخیر)، مخاطب قرار دادن (اسم کوچک، آقا، دکتر)، نحوه صحبت کردن، محتوای مکالمه و عبارات امری یا سؤالی. تنوعات در این جنبه های زبان، کودک را با تمایزهای اجتماعی و مقوله های اجتماعی آشنا می کند.^۱ زبان به طور عمومی باعث افزایش کنش های شناختی، مانند تفکر، استدلال، حل مسأله و رمزگردانی می شود. البته فرآیندهای فکری - شناختی به طور کامل

۱. بلورمن ۱۹۸۱، اروین - تریپ ۱۹۷۶، رایس ۱۹۸۳.

وابسته به زبان نیستند؛ زیرا بسیاری از کودکان ناشنوا، هر چند در مهارت های زبانی دچار اشکال هستند، به خوبی از حلّ مسائل شناختی بر می آیند. میانجی های کلامی، مثل نام ها در حلّ بسیاری از تکالیف شناختی مفید است.

رشد اجتماعی

رشد اجتماعی در کودکان به طور کلی اشاره به شناخت های اجتماعی دارد؛ شناخت اجتماعی به ادراک، تفکر و استدلال درباره انسان ها و روابط انسانی اطلاق می شود. رفتارهای اجتماعی به مجموعه اعمال و حرکاتی از قبیل مهارت های اجتماعی توانایی سازگاری و به سر بردن با دیگران و نیز توانایی همدلی کردن با سایر انسان ها و به طور کلی، مجموعه رفتارهایی است که پاداش اجتماعی در پی دارد.

بسیاری از تحقیقات درباره شناخت اجتماعی کودکان از تحقیقات پیازه الهام گرفته است. بر اساس یافته های پیازه در زمینه رشد شناختی، محققان معتقدند که مراحل رشد شناخت های اجتماعی نیز مانند شناخت اجتماعی طی سطوح و مراحل مختلفی به وقوع می پیوندند.

به طور کلی می توان گفت که تفکر اجتماعی کودکان از جهات مختلفی که وابسته به هم است، رشد می کند که در موارد زیر خلاصه می شود:

الف) از سطح به عمق: یعنی از توجه به ظواهر تا در نظر گرفتن خصوصیات پایدارتر (مانند: در نظر گرفتن جذابیت دوستان تا قضاوت درباره انگیزش های شخصی)؛

ب) از ساده اندیشی تا تفکر پیچیده: یعنی از تمرکز بر یک جنبه موضوع یا مسئله تا در نظر گرفتن جنبه های مختلف به طور هم زمان؛

ج) از خشک اندیشی تا انعطاف پذیری: از توجه به خود و وضعیت فعلی تا توجه به رفاه دیگران و آینده؛

د) از تفکر عینی به تفکر انتزاعی؛

ه) از افکار پراکنده و گاهی بی ثبات تا افکار منسجم و با نظام و

سازمان یافته. ۱.

همدلی (emphaty) یکی از توانایی های اساسی کودکان در زمینه رشد شناختی است. همدلی نوع خاصی از توجه داشتن به دیدگاه دیگری است به این معنا که «کودک از طریق ادراک واکنش های عاطفی دیگران، واکنش هایی عاطفی از خود نشان می دهد که به آن همدلی گویند؛ به طور مثال، وقتی کودکی ملاحظه می کند که یکی از کودکان به خاطر اینکه گربه اش زیر ماشین رفته گریه می کند، احساس اندوه کرده، پیش خود مجسم می کند که کودکی که گربه اش را از دست داده، چه احساسی دارد.

همدلی دارای دو جزء شناختی و عاطفی است. جزء شناختی، توانایی در شناسایی و نام گذاری حالات دیگران و توانایی در حدس دیدگاه شخص دیگر است. جزء عاطفی، عبارت است از توانایی در نشان دادن پاسخ عاطفی مناسب است.^۱ بنابراین، همدلی یعنی در موقعیت های مختلف و در برخورد با اطرافیانمان بتوانیم دیدگاه ها، طرز فکر، عقاید، و حالات عاطفی آنها از جمله خشم، ترس، غم، شادی و غیره را تشخیص دهیم و به طرز مناسب و شایسته ای به آنها جواب دهیم.

گروه همسالان، دسته ها و جمعیت ها (انجمن های علمی، ادبی و دینی) و نیز شخصیت های محبوب اجتماع بیشترین نقش و اهمیت را در اجتماعی کردن کودکان و تقویت مهارت های اجتماعی آنان دارند. در این بین شاید بتوان گفت تأثیر گروه همسالان از همه بیشتر است؛ البته این نوع تأثیر در دوره کودکی سوّم که مقارن با ظهور دوره نوجوانی است، از همه مواقع بیشتر است. همسالان در این دوره جای خانواده را می گیرند و ارزش ها و معیارهای آنان را جایگزین معیارهای خانواده می کنند و به شدت تمایل پیدا می کنند که رفتارهایشان مورد تأیید دوستان و همسالان قرار گیرد. دسته ها، گروه ها و جمعیت ها با ارزش ها و معیارها و الگوهای رفتاری خاصی

۱. دیمون و هارت ۱۹۸۲، فلاول ۱۹۷۷.

۲. فش باخ، ۱۹۷۸.

که دارند، می توانند تأثیر به سزایی در رفتار کودکان و نوجوانان داشته باشند. در جوامع دینی، انجمن ها و دستجات دینی و مذهبی می توانند نقش بسیار مهمی در جهت دهی نگرش های دینی کودکان ایفا نمایند. بسیاری از جوانان و بزرگسالان که استقبال زیادی از مسائل مذهبی می نمایند، اغلب افرادی هستند که در دوره کودکی در این دستجات حضور داشته و این رفتار در آنها به نوعی نهادینه شده است.

عامل مهم دیگر در شکل گیری شخصیت اجتماعی کودکان، توجه به شخصیت محبوب و الگوی اجتماعی و دینی است. کودکان به شدت تلقین پذیر هستند و تقلید از راه مشاهده رفتار دیگران بخش اعظم رفتارهای اجتماعی آنان را شکل می دهد. شخصیت های هنری، دینی و ورزشی به طور عمده، توسط کودکان مورد همانند سازی قرار می گیرند. کودکان در همانند سازی خود رفتارها و نگرش های والدین، همسالان و شخصیت های اجتماعی را مورد توجه قرار داده و سعی می کنند همانند آنان رفتار کنند.

رشد اخلاقی و معنوی

رشد اخلاقی و معنوی کودکان یکی از جنبه های اساسی و بسیار تعیین کننده از رشد است. رشد اخلاقی به تشخیص و تمایز خیر و شرّ توسط کودک اشاره دارد و جریانی پیوسته است که در آن استانداردها و معیارهای اخلاقی «خوب» و «بد» و «درست» و «نادرست» در کودک شکل می گیرد. از مهم ترین نظریات مربوط به تبیین رشد تحول اخلاقی در نزد کودکان می توان به نظریه شش مرحله ای کلبرگ (kohlberg) اشاره کرد که با جزئیات بیشتری در همین قسمت بحث خواهد آمد.

رشد معنوی (مذهبی) بیشتر اشاره دارد به پدیده ای معنوی در کودکان که به طور معمول جوانه های آن در کودکی و به خصوص از هنگامی که کودکان درباره ریشه و اساس به وجود آمدن اشیاء امور سؤال می کنند، دیده می شود؛ اما تحقیقات مختلف نشان داده اند که بیشتر در حدود سن ۱۲ سالگی

سؤالات مذهبی و دینی به صورت اصیل در ذهن کودکان ایجاد می شود. در این سن کودک و نوجوان درباره فلسفه آفرینش، چگونگی هستی خداوند و چگونگی آفرینش انسان سؤالاتی اساسی می پرسد و بیشتر به دنبال ارضای عطش معنوی خود است.

اریکسون (Ericson) یکی از نظریه پردازان معروف رشد، اساس مذهب را بر پدیده‌ای فردی (ontogenetic) قرار می دهد و با بهره گیری از مراحل هشت گانه تحول روانی - اجتماعی، به تبیین رشد مذهبی می پردازد. اریکسون، پیدایش هویت مذهبی را یکی از عناصر اساسی پدیده هویت در نوجوانان می داند.^۱

البته، باید گفت که بین تحول اخلاقی و تحول مذهبی، نکات اشتراک زیادی وجود دارد. اخلاق و دین دو مقوله نزدیک به هم هستند و به لحاظ سنجشی که با یکدیگر دارند، هر دو ضامن و پشتوانه هم هستند. در مورد هم زمانی بروز احساسات اخلاقی و مذهبی در بین کودکان یافته ها نشان می دهند که عواطف و احساسات اخلاقی، مقارن دو سالگی در کودکان نمایان می شود و همچنین، روان شناسان کودک اظهار می دارند که کودکان از ۱/۵ سالگی شروع به بازنمایی های ذهنی در مورد اخلاقیات و استانداردها در حوزه نظافت، کنترل پرخاش گری و اطاعت از والدین می کنند. از سویی، مقارن سه سالگی، کودکان در مورد مبدأ و منتهای امور سؤال می کنند که حاکی از جوانه زدن احساس مذهبی است.

برخلاف مشابهت های موجود بین اخلاق و مذهب باید گفت که آن دو به طور کامل مثل هم نیستند و با یکدیگر در عین هم پوشی تفاوت هایی دارند. کولبرگ از سه سطح تحول اخلاقی، یعنی «اخلاق پیش عرفی» (preconventional)، «اخلاق عرفی» (conventionality) و «اخلاق پس عرفی» (post conventional morality) نام می برد که هر یک از این سطوح به دو مرحله تقسیم می شود و به طور مجموع، تئوری شش مرحله ای تحول اخلاقی را پایه گذاری می کند که در آن رشد اخلاق در کودکان ابتدا خودمحورانه و بر اساس ترس از تنبیه است. آنگاه کودک به هماهنگی با اکثریت و مورد تأیید آنان قرار گرفتن در رفتارهای اخلاقی توجه می

۱. رک: روان شناسی ژنتیک ۲، منصور و دادستان، ص ۱۲۴.

کند و در نهایت به اخلاق انتزاعی می‌رسد. پیازِه (Piaget) قبل از کولبرگ از «ناپیروی» (Anomy)، «دگر پیروی» (Heteronomy) و «خودپیروی» (Autonomy)، در تبیین رشد و تحوّل اخلاق نام برده بود؛ اما مفهوم تحوّل مذهبی و معنوی وسیع‌تر از تحوّل اخلاقی است و می‌توان گفت تحوّل اخلاقی یکی از جنبه‌های تحوّل مذهبی به شمار می‌رود.

نیازهای اساسی کودکان

کودکان دارای نیازهای گوناگون هستند که هر یک به نوبه خود بسیار مهمّ و اساسی است و بدون شک، اگر هر یک از آن نیازها برطرف نگردند، خللی در رشد شناختی، جسمانی، عاطفی و مذهبی آنان مشاهده خواهد شد.

بدیهی است که برای تربیت کودکان قبل از هر چیز باید اقدام به شناخت ویژگی‌ها و نیازهای زیستی، عاطفی، ذهنی، اجتماعی و معنوی کودکان نمود و بر اساس شناخت تقدّم و تأخّر آنها به تربیت پرداخت.

در این قسمت از مقاله به عنوان مدخلی برای ورود به تربیت دینی کودکان از منظر پایگاه مساجد، این مقدّس‌ترین نقطه عالم و از دیگاه خداوند متعال، به بررسی و طرح نیازهای کودکان می‌پردازیم، آنگاه نقش ویژه مساجد را در پاسخ‌گویی به این نیازها بررسی می‌کنیم.

شاید یکی از اساسی‌ترین دسته‌بندی از نیازهای انسان‌ها به ویژه کودکان از آن آبراهام مازلو^۱ باشد. این روان‌شناس انسان‌گرا، سلسله مراتب نیازها را به صورت یک هرم به شکل صفحه بعد مطرح می‌کند:

سلسله مراتب نیازها

از نظر این روان‌شناس، این نیازها مانند پله‌های یک نردبان به هم متّصل است و اگر نیازهای سطوح پایین برطرف نشود، فرد به فکر نیازهای سطح بالاتر نخواهد بود و برای پرورش یک انسان متعادل که بتواند نردبان ترقی را تا مرحله

^۱ Abraham maslow .

خود شکوفایی طی کند باید به تمام نیازها در سطوح مختلف پاسخ گفت. از میان نیازهای برشمرده شده ما، به ویژه نیازهای مربوط به امنیت، محبت و تعلق به عنوان نیازهای (اساسی) و اولیه در کودکان بیشترین اشاره را خواهیم داشت و در خلال آن، به نیازهای شناختی و زیبایی شناختی نیز اشاره کرده، آنگاه نقش ویژه مساجد را در پاسخ گویی به این نیازها مورد تحلیل قرار خواهیم داد.

نیاز به امنیت در کودکان و نقش مساجد در پاسخ گویی به آن

امنیت و آسایش، یکی از نعمت های بزرگ الهی است در احادیث و روایات شریف نیز داریم که دو نعمت بزرگ الهی یکی امنیت و دیگری سلامتی است. ما زلو خود می گوید اگر نیازهای فیزیولوژیک در کودک خوب ارضاء شوند، آنگاه مجموعه جدیدی از نیازها پدید می آیند که می توانیم آنها را به طور کلی، جزء نیازهای ایمنی طبقه بندی کنیم (امنیت، ثبات، وابستگی، حمایت، رهایی از ترس، از نگرانی و آشفتگی، نیاز به سازمان، نظم، قانون، محدودیت، داشتن حامی مقتدر و غیره). مشاهده اطفال و کودکان که نیازهای ایمنی در آنان بسیار ساده تر و مشهودتر است می تواند ابزار خوبی برای پی بردن به این گونه نیازها در بزرگسالان باشد. دیگر جنبه های وسیع تر تلاش برای یافتن نیاز ایمنی و ثبات در محیط زندگی را می توان در تمایل بسیار رایج به چیزهای آشنا و ناآشنا، یا به شناخته شده ها و ناشناخته ها مشاهده کرد. گرایش به داشتن دین یا فلسفه ای جهانی که جهان و مردم را به شکل کلیتی معنی دار و منسجم و رضایت بخش سازمان دهد، نیز تا حدودی به انگیزه امنیت طلبی مربوط می شود و در غیر این صورت نیاز به ایمنی به عنوان محرک اصلی و فعال ارگانیزم، تنها در موارد خیلی اضطراری، مانند جنگ، شیوع بیماری، فجایع طبیعی، رواج جنایات، از هم پاشیدگی نظام اجتماعی، روان نژندی، آسیب مغزی، از هم پاشیدگی مراجع قدرت و اوضاع به شدت نامساعد دیده می شود.

بدین ترتیب، ملاحظه می شود که ما زلو نیاز به ایمنی را یکی از نیازهای اساسی کودکان، بلکه بشر می داند که باید به صورت طبیعی و معنی دار توسط

اجتماعات انسانی برای اعضاء جامعه فراهم آید و مذهب و ایدئولوژی را یکی از اساسی ترین پدیده ها قلمداد می کند که می تواند در سایه کلیتی که به فرد می بخشد، این نیاز را ارضاء کند. بدیهی است اگر این نیاز به صورت طبیعی ارضاء نشود (در کودکان) آثار زیان بار خود را در شخصیت بزرگسالی به صورت اضطراب، نگرانی و بی ثباتی شخصیت نشان خواهد داد.

مساجد به عنوان پایگاه های اجتماعی دین، در اعطای امنیت و ایمنی به کودکان نقش مؤثری دارند. محیط مساجد و برنامه های مذهبی داخل آنها باید به گونه ای باشند که کودک بیشترین احساس امنیت را در آنجا داشته باشد و به هیچ وجه نباید موجب برانگیختن احساس ترس و اضطراب در آنان بشود. ویژگی امنیت بخشی محیط مسجد برای کودکان از راه آرامشی است که برای آنان فراهم می آورد و از این طریق علقه و انس خاص کودک را می توان تقویت کرد. در مساجد باید مکان های خاصی برای کودکان پیش بینی کرد که در آنجا کودکان با یکدیگر به سر برند و در ضمن از فضای معنوی مسجد نیز بهره گیرند. اهمیت این نکته از آن جهت است که دامنه توجه و سایر توانایی های فکری کودکان در مقایسه با بزرگسالانی که به مسجد رفت و آمد می کنند، پایین است و به همین خاطر در صورتی که توجه ویژه ای به آنان نشود، ممکن است در جمع بزرگسالان احساس اضطراب و نایمنی نمایند.

محتوای برنامه های مسجد، از قبیل مراسم سخنرانی، نماز جماعت، روضه خوانی ها، دعاها، دسته جمعی، سینه زنی ها و عزاداری های مختلف و نیز شرکت کودکان در فعالیت های فرهنگی مساجد، به تدریج باعث انس و الفت کودکان با محیط مساجد می گردند و زمینه های تخلّق کودکان به اخلاق خاص مسجد را فراهم می آورند و به نوبه خود، در احساس ایمنی، ثبات، آرامش و تعادل روحی کودک بسیار مؤثر است.

نیاز به محبت در کودکان و نقش مساجد در پاسخ گویی به آن

مازلو معتقد است اگر دو نیاز فیزیولوژیک و ایمنی، خوب ارضاء شوند، نیازهای

عشق و محبت پدیدار می شود. کودک، تشنه روابط عاطفی با مردم است و جانش، تشنه شهد شیرین محبت است. افراد بزرگسال از هیچ راهی قادر به نفوذ در عالم کودکان نیستند؛ مگر از راه عشق و محبت کردن به آنها.

محبت و دوست داشتن کودکان ضمن اینکه در آنان احساس امنیت و آرامش ایجاد می کند، زمینه ای می گردد برای شکوفایی و به ثمرنشتن سایر توانایی های بالقوه کودکان. نکته جالب توجه آن است که یکی از اساسی ترین راه پرورش دینی کودکان نیز محبت ورزی است. حتی دین را به تعبیری محبت به خدا و اهل بیت (علیهم السلام) و خوش رفتاری با دیگران دانسته اند.

محبت به کودکان و خوش رفتاری با آنان توسط الگوهای بزرگسال، به ویژه با هیئتی مذهبی و در هنگامه تعظیم و تکریم ارزش های الهی و ادای وظایف دینی، مؤثرترین و پایدارترین روش در ارضای نیازهای فطری و ایجاد نشاط روانی و احساس خوشایند و دوست داشتنی در آنها نسبت به ارزش ها و رفتارهای مذهبی است.

باید به خاطر داشت که کودکان را باید از راه تشویق و ترغیب و محبت ورزی به دین دعوت کرد. در پرورش مذهبی کودکان، منطق و استدلال و نصیحت کردن چندان اثری ندارد؛ زیرا کودکان در مرحله احساس، هیجان و تقلید قرار دارند. به ویژه، در هفت سال اول زندگی که سال های بازی و تفریح است و در روایات اسلامی به عنوان سال های سیادت کودکان نام گذاری شده است، کودک با احساسات خود زندگی می کند و هرگونه دعوت به دین و دین داری باید از دریچه احساس، یعنی به صورت بازی و تفریح باشد.

نکته دیگر این است که مهم ترین کار در تربیت دینی کودکان ایجاد احساس و نگرش مثبت آنان نسبت به دین است. در همین راستا، مساجد و متولیان برنامه های آن باید بیشترین توجه را به امر محبت و محبت ورزی به کودکان داشته باشند و با گشاده رویی و چهره ای خندان با نونهالان و کودکان برخورد کنند تا زمینه ایجاد نگرش های مثبت در رابطه با مذهب را در آنان ایجاد کنند. بدیهی است که اگر چنین اتفافی نیفتد، کودکان نسبت به دین و دین داری

نگرشی منفی پیدا می کنند و زمینه های مسجدگریزی در بزرگسالی آنان به وجود خواهد آمد.

مساجد و اماکن مذهبی ما باید طوری باشند که نیاز به محبت کودکان در آنجا بیشتر از سایر مکان ها ارضاء شود؛ به نحوی که کودک محیط مسجد، امام جماعت، خادم مسجد و... را دوست داشته باشد و بداند که آنها نیز او را دوست دارند و به او احترام می گذارند.

کودکان در شرایط ذهنی و عاطفی خاصی قرار دارند؛ به نحوی که در شرایط و موقعیت های مختلف و با توجه به چگونگی دریافت اولین تجارب شناختی، احساسی خوشایند و یا ناخوشایند نسبت به آنها پیدا می کند. در قلمرو مذهب نیز کودکان نوجوانان در اولین برخوردهای خود اگر احساس خوشایندی پیدا کنند و به ویژه اگر جلوه گاه های دین، مانند مساجد و محراب ها را به عنوان تجلی گاه های عشق و محبت ببینند و متوجه شوند که سرورانگیزترین و با نشاط ترین اوقات خود را در مساجد دارند، نگرشی مثبت نسبت به آموزه های دینی پیدا می کنند؛ ولی چنانچه در مسجد، رفتارهای ناسنجیده با کودکان صورت بگیرد، به نحوی که نیازها و ویژگی های خاص آنان را در نظر نگیرند و الگوهای رفتار مذهبی بزرگسالان بر آنان تحمیل گردد، زمینه های ایجاد نگرش های منفی و بیزاری از مذهب در آنان به وجود خواهد آمد.

نگرش مثبت و نگرش منفی که در دوران کودکی نسبت به مذهب ایجاد می گردد، محدود به این دوره نمی گردد؛ بلکه پایه های جهان بینی و اعتقادات کودک را در دوره بزرگسالی شکل می دهد و نقش مهمی در آینده کودک دارد.

به طور خلاصه، با ایجاد احساسات خوشایند در کودکان و نوجوانان، به ویژه از طریق برنامه های مذهبی و فرهنگی مساجد، این پایگاه های اصیل دین و با تعظیم و تکریم آداب و سنن مذهبی در چشم و دل کودکان، زمینه های یادگیری رفتارهای مطلوب مذهبی و همانندسازی با الگوهای رفتار دینی را در آنان می توان به وجود آورد.

نیاز به تعلّق در کودکان و نقش مساجد در پاسخ‌گویی به این نیاز
نیاز به تعلّق و وابستگی، یکی دیگر از نیازهای اساسی کودکان از نظر مازلو
است؛ یعنی کودک می‌خواهد که مطمئن باشد که جایگاه خاصی در بین گروه،
خانواده و اجتماع دارد. او هرچه بیشتر تلاش خواهد کرد تا به این هدف دست
یابد. درد تنهایی، انزوا، مطرود بودن، نداشتن دوست و نداشتن ریشه در جامعه از
نظر مازلو اموری هستند که احساس تعلّق را در کودکان به شدت برمی‌انگیزاند.
انگیزه و نیاز به تعلّق و وابستگی، ابتدا در خانواده به بهترین وجه پاسخ داده
می‌شود. کودک کم‌کم احساس می‌کند که والدین او را بی‌قیدوشرط و بی‌کم
وکاست دوست دارند و وی را عضوی از خانواده می‌دانند. همین حالت باعث
می‌شود که کودک احساس کند به یک گروه طبیعی به نام خانواده، تعلّق
دارد. دوام چنین حالتی، به ویژه در زندگی بزرگسالان بستگی به این دارد که
تجربه‌های مشابه در سایر گروه‌ها و در اجتماع برای فرد فراهم بیاید. در یک
جامعه دینی مساجد و انجمن‌های دینی، بهترین محمل برای ارضای نیاز به
تعلّق است. در مسجد و محراب، کودک و نوجوان باید هویتی دینی پیدا کند
و این احساس را داشته باشد که متعلّق به گروه، دسته و مذهب خاصی است.
ارضای این نیاز در دوره کودکی، نقش بسیار مهمی در هویت‌یابی دوره نوجوانی
و جوانی دارد. کودکی که در این زمینه ارضا شده باشد به صورت طبیعی خود
را متعلّق به مذهب و گروه دینی می‌داند و خود را رها شده و پریشان نمی‌یابد.
باید به تدریج و با در نظر گرفتن نیازهای ایمنی که پیش‌تر توضیح داده شد،
به ارضای نیاز تعلّق و وابستگی کودک اقدام کرد. مذهب و برنامه‌های مذهبی
مساجد، بهترین بسترهای ایجاد چنین نیازی در کودکان هستند.

نیازهای شناختی در کودکان و نقش مسجد در پاسخ‌گویی به آن
یکی دیگر از نیازهای اساسی در کودکان که بیشتر از حس کنجکاوی آنان
سرچشمه می‌گیرد، نیاز به دانستن و فهمیدن است که به طور کلی، تحت

عنوان نیازهای شناختی بیان می‌شوند. یکی از دلایل سؤالات متعدّد و گوناگونی که کودکان از اطرافیان می‌کنند، ناشی از این نیاز طبیعی است که آنها دوست دارند تا ذهن تشنه اطلاعات و دانستنی‌های خود را سیراب سازند. وجود نیازهای شناختی، زمینه‌های استعداد یادگیری را در کودک به وجود می‌آورد و بدیهی است که خانواده، اولّین پایگاهی است که در دادن این گونه اطلاعات و آگاهی‌ها مؤثر است.

کودکان، تشنه یادگیری هستند و نیاز به دانستن و پی بردن به راز هستی، یک نیاز خطیر در آنان است. آنان در خانه، مدرسه، مسجد و تمام اجتماع همواره در حال آموختن و ارضای نیاز به دانستن هستند؛ چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیرمستقیم، چه آگاهانه و چه ناخودآگاه، چه به صورت رسمی و چه غیررسمی.

والدین، اولیا تربیتی و دینی وظیفه دارند که همواره آماده پاسخ‌گویی به نیازهای شناختی کودکان باشند و با صبر و حوصله زیادی به پاسخ دادن به سؤالات کودکان برآیند و باید همواره به خاطر داشته باشند که به تدریج و در اثر افزایش سنّ کودکان آنان، علاوه بر احساس مذهبی نیاز به شناخت‌های مذهبی، برای معنی دار کردن احساسات دینی خود دارند.

در مساجد و حسینیه‌ها باید شرایطی را به وجود آوریم که علاوه بر اینکه کودک احساس کند بهترین و خوشایندترین اوقات خود را در آن می‌گذراند، باید محیط‌های آنجا سرشار از اطلاعات و آگاهی‌های صحیح و دینی باشند و جوابی مناسب برای ذهن کاوشگر کودک فراهم نمایند.

نیاز به زیبایی‌شناختی در کودکان و نقش مسجد در پاسخ‌گویی به آن

زیبایی‌شناختی (Aesthetic)، به توانایی شخص در احساس و ادراک زیبایی و شگفتی او از جهان خارج اطلاق می‌شود. بعد از نیازهای شناختی برای کودکان نیازهای زیبایی‌شناختی مطرح می‌گردند؛ یعنی ستایش زیبایی و مبهوت‌گشتن از مشاهده زیبایی‌ها.

زیبایی‌ها به دو حوزه اصلی تقسیم می‌شوند:
زیبایی‌های مادی، مانند اندام زیبا، چهره زیبا، منظره زیبا...؛
زیبایی‌های معنوی، مانند اخلاق و ادب زیبا.

در فرآیند تعلیم و تربیت ما، متأسفانه کمتر به این موضوع اهمیت داده می‌شود و اغلب به ابعاد شناختی تأکید می‌شود. زیبایی‌شناختی با ابعاد عاطفی و احساسی روح کودک سر و کار دارد و اگر توجه لازم به آن شود کودک را عاشق موضوع درسی یا موضوع مورد یادگیری بار می‌آورد.

این مهم در تربیت مذهبی باید بیشتر از هر جایی مورد توجه باشد؛ چون خود کودک و تمام کائنات جلوه بسیار زیبایی از خلقت خداوندی به حساب می‌آیند، پس، چه بهتر از راه شناسایی این زیبایی‌ها و افسون‌گری‌های طبیعت، کودک را با خالق متعال آشنا کرد.

معماری زیبای مساجد، درخشندگی و نورافکنی گل‌دسته‌ها، زیبایی مکانی که مساجد در آنها احداث می‌شوند، تزیین هنری و زیبایی داخل مساجد، خوشبو کردن این محیط‌ها، همگی در انگیزش حس زیبایی‌شناسی در کودکان و در نتیجه، مذهبی‌بار آوردن آنان مؤثر است.

در روایت شریفی آمده است که خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد (ان الله جمیل و یحب الجمال). پس، برای موجودی که از هر نظر زیباست و تمام جهان هم مظاهر مختلف این موجود زیباست، باید با راه‌های زیبایی‌شناسانه، یعنی با شناخت زیبایی‌ها قدم برداشت و چهره‌ای زیبا و عاشقانه از خداوند و خلقت او در نزد کودکان ایجاد کرد.

بعد از اشاره به ویژگی‌ها و نیازهای مختلف کودکان و نقشی که مساجد می‌توانند در ارضای این نیازها و پاسخ‌گویی به این ویژگی داشته باشند، حال نوبت آن است که به تحلیل نقش مساجد در تربیت دینی کودکان و نوجوانان پرداخته و طرح‌های عملی در این زمینه را بازگو نماییم.

« تحلیل نقش مساجد در تربیت دینی کودکان و نوجوانان

طبیعی است که برای به وجود آوردن فرهنگ مسجدروی و در واقع فرهنگ سازی در این زمینه، کارهای زیادی باید صورت گیرد؛ ولی یکی از مهم ترین این کارها سرمایه گذاری بر روی کودکان است که سرمایه اصلی فردای جامعه هستند. ما اگر بتوانیم مسجدروی و استقبال از برنامه های مختلف مساجد را از دوران کودکی در افراد نهادینه سازیم، می توانیم امیدوار باشیم که در این زمینه به فرهنگ سازی روی آورده ایم و اگر در برنامه های خود، جایی برای کودکان باز نکنیم، با اطمینان شکست خواهیم خورد.

کودکان، به دلیل فطرت پاک و نالوده و نیز حس کنجکاو طبیعی و حس پرستش طبیعی، آماده جهت گیری شخصیتی هستند. این والدین و بزرگسالان هستند که می توانند با فراهم کردن آبشخورهای ذهنی و عاطفی، شخصیت فرزندان خود را جهت بدهند و آنان را در رسیدن به کمال و تعادل یاری رسانند. در این بخش از مقاله تحت عنوان تحلیلی از نقش مساجد در تربیت دینی کودکان، چهار مسئله محوری را مورد بررسی قرار می دهیم که به عنوان ارائه الگویی برای جذب کودکان به مساجد نیز می تواند تلقی شود.

۱. پل ارتباطی بین مسجد و کودک (والدین)؛
۲. تأکید بر جاذبه های زیبایی شناختی مساجد؛
۳. نقش تکمیل کنندگی مساجد در مقایسه با سایر نهادهای تربیتی؛
۴. نقش الگوها و سرمشق های دینی در مساجد.

والدین پل ارتباطی بین کودک و مسجد

خانواده، به ویژه والدین، تأثیرات پایداری بر روی شخصیت کودک دارند و این، به ویژه از دو جهت مهم است؛ یکی اینکه، اولین کسانی که کودک با آنها روبه رو می شود، والدین هستند و دیگر اینکه، والدین به نحوی تا آخر عمر با فرزندان هستند و هر دو تأثیر و تأثر متقابل بر روی هم دارند. اولین الگوهای رفتاری برای کودکان، والدین هستند و رفتار آنها مورد تقلید و

همانندسازی کودکان قرار می‌گیرد و دختر از رفتار مادر و پسر از رفتار پدر بیشتر متأثر می‌شود.

به همین جهت، رفتار مسجدروی و استقبال از شعائر دینی والدین، نقش بسیار والایی در جذب کودکان آنان به مساجد دارد. پرواضح است که پدر و مادری که خود در امر مسجدروی مشکل دارند و یا اینکه مسجد در چشم و دل آنان پررنگ و پررنگ نیست، همین نگرش به فرزندان آنان نیز منتقل می‌شود. پس، از چنین فرزندانسی نباید انتظار استقبال از مسجد را داشت.

اهمیت حضور والدین به همراه فرزندان در مساجد و محراب‌ها، از این لحاظ است که این رفتار والدین باعث می‌شود که فرزندان با چنین محیط‌هایی انس و الفت بگیرند و صبغه دینی بر روح و روانشان بخورد و به تدریج به عنوان یک امر نهادینه درآید که خود در فرهنگ مسجدروی جامعه در آینده بسیار مؤثر است.

این یک واقعیت است که کودکان را باید به مساجد و مراکز دینی و جلسات موعظه و قرائت قرآن برد و به او نحوه عبادت و قرآن را آموزش داد.

ائمه بزرگوار در آموزش قرآن و واجبات دینی به ویژگی‌های سنی و شرایط کودکان توجه داشته‌اند و از امام باقر (علیه السلام) در این باره روایتی جالب نقل گردیده است که فرمودند: ما کودکانمان را از سن پنج سالگی به خواندن نماز وادار می‌کنیم؛ ولی شما از سن هفت سالگی آنها را به اقامه نماز امر کنید.^۱

معاویه بن وهب از امام صادق (علیه السلام) پرسید: در چه سنی کودک به نماز وادار می‌شود؟ حضرت فرمود: بین شش و هفت سالگی.^۲

همسر امام خمینی (ره) نقل می‌کند که امام از هفت سالگی در تربیت دینی دقت داشتند و می‌گفتند: «بچه‌ها از هفت سالگی نماز بخوانند. بچه‌ها را وادار به نماز کن تا وقتی نه ساله شدند، عادت کرده باشند.»^۳

چه بهتر که در همین سن، کودک را با خود به مساجد برد و به وی یاد داد

۱. اصول کافی، ج ۳، ص ۴۰۹.

۲. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۳.

۳. امام در سنگر نماز، ص ۱۰۴.

که در نماز جماعت شرکت کند و جلوه‌های اجتماعی انجام امر واجبی مثل نماز را نظاره گر باشد.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله از والدینی که نسبت به تربیت دینی فرزندان خود، بی‌اعتنا هستند، دوری جسته و آنان را از خود طرد می‌نمایند. این امر، اهمیت و نقش خانواده را در تربیت مذهبی نشان می‌دهد.

نکته مهم دیگر عبارت است از هماهنگی رفتاری بین پدر و مادر در تشویق کودک به انجام شعائر دینی و به ویژه رفتار جذب کودکان به مساجد. به عنوان مثال، اگر پدری اهل مسجد باشد و مادر نباشد یا برعکس، فرزند در معرض نوعی تعارض تربیتی قرار می‌گیرد.

ارتباط تنگاتنگ والدین با امام جماعت و مسئولان مساجد و برنامه ریزان آن بسیار مهم است. این امر، باعث آگاهی طرفین از برنامه‌های تربیت دینی کودکان می‌شود و از ایجاد تعارضات تربیتی جلوگیری می‌نماید. این نوع ارتباط، پیوند کودک و مسجد را محکم تر کرده و زمینه‌های استقبال از مساجد را در کودکان ایجاد می‌کند. در این حال کودک بین دو نهاد مسجد و خانواده دوری و بیگانگی احساس نمی‌کند؛ بلکه مسجد را خانه خود تلقی می‌کند. البته برادران و خواهران بزرگ تر کودک نیز در ترغیب و تشویق وی به مساجد، نقش مهمی برعهده دارند. رفتار مسجدروی آنان توسط کودک الگوبرداری و تکرار می‌گردد.

به طور کلی، باید یادآوری شد که در تربیت مذهبی کودکان موفق نخواهیم شد، مگر اینکه خانواده‌ها در این زمینه فعال گردند. در جلسات مختلف آموزشی خانواده‌ها، باید یکی از بحث‌های محوری، شیوه‌های جذب جوانان به مساجد توسط والدین باشد. هرگونه سرمایه‌گذاری بروی خانواده‌ها در این زمینه، در فرزندان آنان ثمر خواهد داد و غفلت در این زمینه، خسارات جبران ناپذیری بر روی کودکان آنان خواهد داشت.

تأکید بر جاذبه های زیبایی شناختی مساجد

برای کودکان قدرت جذب کنندگی و ارضاکندگی یک مکان و موقعیت، نقش بسیار مهمی دارد. قدرت جذب کنندگی یک مکان، بستگی به عوامل متعددی دارد که یکی از مهم ترین آنها در رابطه با ارضا نیازهاست. به عبارتی، مکانی بیشترین جذابیت را دارد که قدرت ارضای بیشتر نیازهای فرد را دارا باشد.

باتوجه به مطالب بالا و نیز با در نظر گرفتن اهمیت ابعاد زیبایی شناختی و هنری دین، مساجد بهتر است و بلکه باید به نکات زیر توجه داشته باشند.

۱. روش های زیبا در شیوه های جذب و تبلیغ به دین را در پیش بگیرند.

۲. معماری مساجد و فیزیک مناسب مساجد را از نظر دور ندارند.

۳. در مساجد، از روش های تبلیغی بدیع و تازه استفاده شود؛ روش هایی که در مسجد و سایر جاها کمتر به کار می رود.

۴. از جاذبه های هنری در فعالیت های مختلف مساجد استفاده شود؛ یعنی هنر با تمام جلوه هایش باید در فعالیت های فوق حضور داشته باشد.

از زبان زیبا و شیوایی برای تبلیغ دین باید استفاده کرد؛ به نحوی که با زبان کودکانه سنخیت داشته باشد و کودکان را جذب نماید.

به علاوه، باید در نظر داشت که بهره گیری از تظاهرات حس زیبایی شناسی در تربیت دینی کودکان، یک بعد اساسی در پرورش دینی آنان است. به طور کلی، غرض از حس زیبایی شناختی هم زیبایی های مادی است و هم معنوی. ارزش های معنوی دینی از قبیل شهادت، ایثار، عفو، شجاعت، انفاق و غیره همه زیبایی های معنوی دین را نشان می دهد که توسط مساجد باید به جوانان آموزش داده شود.

نقش تکمیل کنندگی مساجد در مقایسه با فعالیت های سایر نهادها

در نگاهی گذرا به نقش های مختلف مساجد در طول تاریخ اسلام، به روشنی مشاهده می شود که مساجد به ویژه در صدر اسلام و در زمان حیات پربرکت حضرت رسول ﷺ نقش های مختلفی به عهده داشته اند.

رسول گرامی اسلام ﷺ بعد از مهاجرت از مکه به مدینه اولین حرکت خود را بنای مسجدالنبی قرار داد و این به خاطر حساسیت و اهمیت مسجد بود. به عبارتی دیگر، از دیدگاه حضرت، دین بدون مسجد معنایی ندارد و در واقع، مسجد است که به دین جلوه اجتماعی می دهد و دین را در ارکان زندگی جاری و ساری می سازد. در مسجدالنبی به تمام امور مسلمانان رسیدگی می شد. در آنجا عبادت خدای متعال صورت می گرفت و به امور سیاسی و اجتماعی امت رسیدگی می شد، در مقابله با دشمن و جنگ، مسجد آمادگی پیدا می کرد و حتی مجروحان جنگ و سایر بیماران در مسجد معالجه می شدند.

در طول زمان و در اثر تقسیم کار تخصصی و با ظهور نهادهای تازه تأسیس، مانند مدارس و دانشگاه ها و نهادهای فرهنگی - تربیتی و بهداشتی، دیگر به تدریج مساجد از سایر فعالیت ها چشم پوشیده و فقط به وظیفه عبادی نیایشی خود پرداخته است.

امروز ما با نوعی دوآلیسم (Dualism) در ارتباط با فعالیت های مساجد روبه رو هستیم و آن این است که یک نظر می گوید که مسجد فقط باید به وظیفه عبادی خود بپردازد و سایر فعالیت ها به عهده نهادهای دیگر مانند مدارس، دانشگاه ها و... باشد و نظر مقابل، معتقد است که نباید مساجد را منحصر به وظایف عبادی کرد، بلکه مساجد می توانند در تمام اموری که در صدر اسلام به آنها می پرداختند، فعال گردد و نقش داشته باشد.

طرح دوآلیسم کارکردی مساجد و راه حل های آن در حوصله این مقاله نمی گنجد؛ اما آن چه که تحت عنوان نقش مکمل یا تکمیل کنندگی مساجد باید ذکر کرد، این است که در یک جامعه اسلامی، مطلوب آن است که فعالیت مسجد مکمل فعالیت سایر نهادها، مانند مدارس، دانشگاه ها، صدا و سیما و مطبوعات باشد؛ یعنی در طول فعالیت های فوق قرار گیرد، نه در عرض آن و این نقش تکمیل کنندگی کارکرد مساجد، به ویژه در مورد کودکان بسیار اهمیت دارد و می تواند یکی از جاذبه های حضور کودکان در مساجد باشد.

به عنوان مثال، کودکان در مدارس در معرض برنامه های مختلف تربیتی قرار

می‌گیرند و در خارج از مدرسه نیز تحت تأثیر خانواده و رادیو تلویزیون و همچنین، مطبوعات اطلاعاتی در زمینه‌های مختلف کسب می‌نمایند. در این میان، مساجد در عرض فعالیت‌های آنها نمی‌تواند کار کند، بلکه در طول آنها و در جهت تبیین و توضیح جهان بینی دینی نقش تکمیل‌کنندگی آن اطلاعات و دانش‌ها و مهارت‌ها را پیدا می‌کند؛ به صورتی که به تدریج یک معرفت منسجم و پویایی برای کودکان و نوجوانان فراهم نماید.

در این خصوص، روال کار باید به صورتی باشد که کودک و نوجوان، پاسخ بسیاری از سوال‌های دینی و غیردینی خود را که در مدارس و... نگرفته است، از مساجد دریافت کند و به تعارض شناختی خود فایق آید.

البته، نقش تکمیل‌کنندگی برنامه‌های مساجد، در صورتی عملی می‌شود که مساجد ما از حالت سنتی فعلی که منحصر به بعد عبادی است، خارج گردیده و علاوه بر ابعاد عبادی به ابعاد سیاسی فرهنگی و اجتماعی خود نیز پردازند. البته اگر عبادت در معنای حقیقی و وسیع کلمه آن چنان که در آیه مقدسه عنوان شده است «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ جنّ و انس را نیافریدیم، مگر برای عبادت خدا»،^۱ در نظر آوریم و عبادت واقعی مدنظر ما باشد، تمام شئون زندگی در آن وجود دارد؛ ولی اگر عبادت را فقط انجام یک سری امور قالبی بدانیم، متأسفانه به مقصود نمی‌رسیم.

نقش تکمیل‌کنندگی مساجد به ویژه برای کودکان در صورتی میسر می‌شود که از مربیان ویژه کودکان در مساجد استفاده شود و خطبه‌ها و سخنرانی‌های خاصی با حفظ جنبه دینی آن برای کودکان پیش‌بینی شود تا این عزیزان را با زبان خاص خودشان به دین و رعایت موازین دینی دعوت کرد.

این امر از خستگی و یکنواختی برنامه‌های مساجد در چشم کودکان می‌کاهد و فرصتی فراهم می‌آورد تا کودکان متناسب با رشد قوای فکری خود از برنامه‌های دینی بهره‌مند گردند و در نهایت، جاذبه‌های مسجد را مشاهده نمایند و از سرخوردگی در دین در امان باشند.

۱. ذاریات، آیه ۵۶.

نقش الگوها و سرمشق‌های دینی در مساجد

روش آموزش از راه سرمشق‌دهی و الگوگیری، یکی از مهم‌ترین راه‌های یادگیری کودکان و نوجوانان است که مورد توجه خاص در روان‌شناسی یادگیری و تربیتی است؛ از طرفی ارائه الگوی اسوه برای انجام رفتارهای دینی، به ویژه در دوره کودکی و نوجوانی یکی از راهبردهای اساسی پرورش دینی است.

یکی از نظریه‌های معروف که به نقش مشاهده، تقلید و الگوگیری از رفتار بزرگسالان در نزد کودکان، توجه زیادی دارد، «نظریه یادگیری اجتماعی» آلبرت بندورا (Albert Bandura) است. به نظر این روان‌شناس، یادگیری اجتماعی از راه مشاهده و تقلید، مهم‌ترین نوع یادگیری در کودکان است.

نکته مهم مربوط به این نوع یادگیری که باید در مساجد مورد تأکید باشد، ویژگی‌های مربوط به فرد سرمشق‌دهنده است. سرمشق‌دهنده باید ظاهری آراسته داشته باشد، از مشوق‌های مختلف استفاده کند و به طور کلی شخصیت مورد قبولی در نزد کودکان داشته باشد. ائمه جماعات و سایر دست‌اندرکاران امور مساجد، اگر می‌خواهند که الگوی مناسب رفتاری برای کودکان فراهم نمایند، باید دارای ویژگی‌های مثبت بالا باشند و گرنه تأثیرات مثبت کمتری بر روی مخاطبان کودک و نوجوان خود خواهند داشت.

از طرفی، روش الگوسازی یا اسوه‌سازی یکی از روش‌های تربیت دینی محسوب می‌شود. در قرآن کریم می‌خوانیم: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛ پیامبر خدا الگو و سرمشق نیکو و پسندیده‌ای برای شما است»^۱.

بدین ترتیب، دیده می‌شود که روش اسوه‌سازی به عنوان یک روش اساسی تربیتی در قرآن مجید به کار رفته است.

یکی از راه‌های تربیت درست کودک، روش‌های الگویی است که مربوط به پدر، مادر و مربیان می‌شود و کودک از رفتار و گفتار آنان درس می‌گیرد و اگر دارای رفتار مطلوب باشند، سرمشق و الگوی خوبی‌ها قرار می‌گیرند و گفتنی است که تأثیر شخصیت الگوها در رفتار کودکان و نوجوانان و تثبیت شخصیت

^۱ - احزاب، آیه ۲۱.

کودکان در آینده، پر واضح است.

«غریزه تقلید، یکی از نیرومندترین، ریشه دارترین و سودمندترین غرایز بشری است که در طبیعت انسان ها نهاده شده است و نیازی به آموزش ندارد. کودک از آغاز، یک مقلد است و تا آخر عمر، همچنان مقلد باقی خواهد ماند. گرچه با رشد عقلی از تقلید او کاسته خواهد شد. تقلید از رفتار الگوها، در زندگی کودکان خردسال، به خوبی مشاهده می شود.

غریزه پربرکت تقلید، به کودک اجازه می دهد که خود را با موقعیت های گوناگون زندگی تطبیق داده و با دیگر انسان ها، همسان و هماهنگ سازد و به نیروی این غریزه است که طرز غذا خوردن، لباس پوشیدن، حرف زدن، اظهار عواطف، عکس العمل در برابر ناملازمات، ترس و فرار از خطرها، آداب و رسوم زندگی، تعاون و همکاری، اخلاق خوب یا بد را از دوستان خود یاد گرفته و تقلید می نماید. بنابراین، تقلید غریزه سودمند طبیعی است و نمی توان جلو آن را گرفت و بلکه باید در راه تربیت افراد از آن استفاده کرد. اولیاء و مربیان کودک باید از این غریزه ارزشمند استفاده کرده و الگوهای خوب و مطلوب را در اختیارش قرار دهند تا از اخلاق و رفتار آنها درس عملی بگیرد و خود را بسازد.^۱ کودکان به خاطر ضعف درک و تشخیص از مسائل پیرامون، نیاز به سرمشق و الگو دارد و رفتار آدم های مطرح و مشهور را سرمشق خود قرار می دهد. بنابراین، مربیان باید با معرفی الگوها و سرمشق های مناسب به کودکان، بکوشند تا آنها دچار دنبالهروی از افراد نااهل نشوند. یکی از صاحب نظران امور تربیتی در این مورد چنین گفته است: «از طریق سرمشق است که روح کودک پرورش می یابد و تنها از این راه است که رفتار با ارزشی به طفل می توان یاد داد».^۲

با توجه به این روش و تأثیر آن بر روی کودکان و نوجوانان، لازم است دست اندرکاران امور فرهنگی و تربیتی مساجد به الگوها و اسوه ها و اهمیت آنان در شکل گیری شخصیت کودکان توجه داشته و سعی نمایند الگوهای مثبت و

^۱ . اسلام و تعلیم و تربیت، ص ۳۹۳.

^۲ . مرتیان بزرگ، ترجمه غلامحسین شکوهی، ص ۱۴۵.

مناسبی برای کودکان ایجاد نمایند.

الگوهای دینی که در مساجد فعالیت می کنند، عبارتند از: شخص امام جماعت که اهمیت زیادی در اسلام دارد و باید دوباره در نظام جمهوری اسلامی تبیین گردد و اهمیت آن دوباره گوشزد و دوباره احیاء شود.

از طرفی، امام جماعت مسجد نیز باید اسوه کاملی از رفتارهای مطلوب دینی باشد و از تمام جنبه های رفتاری، مراقب خود باشد تا قابلیت یک الگوی خوب را پیدا کند. بعد از شخص امام جماعت، سایر دست اندرکاران و گردانندگان مساجد و حتی خادمان مساجد نیز در معرض الگوگیری کودکان قرار می گیرند و باید مواظب جوانب مختلف رفتارهای خود باشند.

بعد از والدین و معلمان، علمای دینی و کارگزاران مساجد مورد تقلید و الگوگیری کودکان قرار می گیرند. این به عهده سرمشق دهندگان است که حساسیت سرمشق گیرندگان را در نظر گرفته و جنبه های مختلف رفتارهای خود را زیر نظر داشته باشند تا در نهایت الگوهای مطلوب رفتاری برای کودکان فراهم نمایند.

« جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کلی »

کودکی، از مهم‌ترین و پربارترین دوره‌های زندگی به حساب می‌آید. کودکان دارای فطرتی دست‌ناخورده هستند و همچون امانات پاک الهی در اختیار ما مربیان و بزرگسالان قرار دارند.

وظیفه ماست که این سرمایه‌ها و گنج‌های پنهان را دریابیم و توانایی‌های بالقوه آنان را با روش‌های مناسب به صورت بالفعل در آوریم و این غنچه‌های زندگی را در شکوفایی‌شان یاری کنیم.

مساجد، به عنوان پایگاه‌های اصلی دین، بهترین محمل برای بروز و ظهور احساسات و اعمال دینی است و کودکان پاک‌ترین و سالم‌ترین مخاطبان مساجد به شمار می‌روند که باید زمینه‌های لازم انس و الفت آنان را با مساجد از همان سال‌های اولیه زندگی فراهم کرد.

نقطه شروع فرهنگ‌سازی (فرهنگ مسجدرو) در کشور ما باید با سرمایه‌گذاری فرهنگی و فکری برای کودکان صورت گیرد تا این فرهنگ، نهادینه شده و در بزرگسالی نیز نمایان گردد.

والدین، مربیان تربیتی، ائمه‌جماعات و کارگزاران امور مساجد سرمشق‌های اساسی برای کودکان هستند. رفتار و اعمال و احساسات مثبت آنان در خصوص آموزه‌های دینی، نقش بسیار مؤثری در جلب کودکان به مساجد دارند؛ به همان صورت جنبه‌های منفی رفتار این‌الگو سبب مسجدگریزی کودکان می‌گردد.

در نظام جمهوری اسلامی ایران، باید سرمایه‌گذاری بیشتری بر روی جاذبه‌های مسجد داشت. مساجدی که جاذبه بیشتری داشته باشند، مکان‌هایی خواهند بود که به نیازهای کودکان پاسخ‌گو هستند در این صورت کودک و نوجوان گمشده خود را در مسجد و محراب می‌یابند و در نتیجه به آن روی می‌آورند. در پرورش دینی به‌طور کلی و در جذب کودکان به مساجد به صورت ویژه‌تر، باید به پرورش بعد زیبایی شناختی دین پرداخت. بدون شک، در دین ما جنبه‌های زیبایی شناختی بسیاری نهفته است که لازم است در پرورش‌های دینی

به نحو مقتضی از آن استفاده شود.

کودکان به اعمال ما توجه بسیاری دارند نه به گفتارمان؛ پس سعی کنیم به عنوان الگوهای تربیتی - والدین، مربیان، امام جماعت و... - الگوی مناسبی برای کودکان باشیم و مواظبت نماییم که بین افکار، احساسات، گفتار و اعمالمان وحدت لازمه را حفظ نموده و از تشتت رفتاری بپرهیزیم تا الگوهای روشنی برای کودکان فراهم نماییم.

به هر حال، کودک از بدو تولد تحت تربیت پدر و مادر خویش قرار می‌گیرد. بسیاری از روحیات فرهنگی - اجتماعی او با نظارت پیگیر و مداوم آنها حاصل می‌شود. این خانواده است که او را صالح یا فاسد بار می‌آورد و عامل شکل‌گیری نوع جهان‌بینی کودک، شخصیت و مسائل روحی و روانی او و محدوده تأثیرگذاری آنها می‌شود. او دین، شرافت، اعتماد به نفس، صدق و صفا، نوع دوستی، همدلی با دیگران، احترام به قانون، احساس مسئولیت و تعاون را از پدر و مادر می‌آموزد. به خاطر داشته باشیم، کودک همان گونه که از نظر جسم، آسیب‌پذیر است و در برابر کمترین و کوچک‌ترین حادثه‌ای واکنش، نشان داده و بیمار می‌شود، از نظر اخلاقی و روانی هم به همان اندازه یا بیشتر، آسیب‌پذیر است. او بسیاری از حالات و رفتارهای فردی و اجتماعی خود را از بزرگ‌ترها تقلید می‌کند و در نظم، احترام به قانون، پای‌بندی به مذهب، ادب، خشونت، بی‌بندوباری، ناسازگاری و... از اطرافیان خود شکل می‌گیرد.

اگر والدین و مربیان ما همان قدر که به شکستگی دست و پا یا ناراحتی چشم و گوش فرزند خود یا به طور کلی، کودکان اهمیت داده و سرمایه‌گذاری می‌کنند، برای تربیت روحی و اخلاقی او هم سرمایه‌گذاری می‌کردند و از دروغ‌گویی، بی‌ادبی و بی‌علاقگی او به مذهب و دیگر بیماری‌های روانی - که حاصل عملکردها و روابط ناسالم خود آنهاست - رنج می‌بردند و برای درمان آنها، به اهلش مراجعه می‌کردند، جوانان ما در سطح بالایی از اخلاق و تربیت و اهل نماز و مسجد قرار داشتند؛ زیرا تأثیرپذیری کودک از اقدامات و ارشادهای والدین و مربیان بسیار سریع است.

« منابع و مأخذ

- « قرآن کریم
- « مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ هـ.ق.
- « فاضل هندی، متقی، کنز العمال، چاپ مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۳۹۹ هـ.ق.
- « راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم، ۱۴۰۴ ق.
- « مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۳ هـ.ش.
- « حجتی، محمدباقر، اسلام و تعلیم و تربیت، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۶ ش.
- « مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.
- « ابن منظور، لسان العرب، بیروت، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ هـ.ق.
- « داغ، محمد و دیگران، تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام قرن (۱-۶ هـ.ق)، ترجمه علی اصغر کوشافر، تبریز، دانشگاه تبریز، ۱۳۶۹ هـ.ش.
- « زبیدی، احمد بن عبداللطیف، مختصر صحیح البخاری، بیروت، دارالنفائس.
- « شریف قرشی، باقر، زندگانی امام حسن بن علی (علیه السلام)، ترجمه: فخرالدین حجازی، چاپ دوم.
- « کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه: سید جواد مصطفوی، تهران، علمیه اسلامی، بی تا.
- « فقیهی، علی نقی، شیوه‌های ترغیب و جذب به نماز، تهران، مؤسسه مهر تابان، چاپ اول، ۱۳۸۴ هـ.ش.
- « شرفی، محمدرضا، مراحل رشد و تحول انسان، تهران، ارشاد اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۶۸ هـ.ش.
- « باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۸۷ هـ.ش.
- « طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، العروه الوثقی، قم، اسماعیلیان، چاپ پنجم، ۱۳۷۷ هـ.ش.
- « مطهری، مرتضی، گفتارهای معنوی، تهران، صدرا، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۳ هـ.ش.
- « شهید ثانی (الجبعی العاملی)، زین الدین بن علی، الروضه البهیة فی شرح المعه الدمشقیه، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۷۵ هـ.ش.
- « ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، چاپ مصر، ۱۳۷۲ هـ.ق.
- « ابن فهد حللی، احمد بن محمد، عده الداعی و نجاح الساعی عده الداعی، مترجم: احمد موحدی، بیروت، دارالکتب الاسلامی.
- « عبدالباقی، محمدفؤاد، اللؤلؤ و المرجان، بیروت، دارالفکر.
- « خوارزمی، موفق بن احمد، مناقب خوارزمی، مترجم: ابوالحسن حقیقی، تهران، انتشارات برهان، چاپ اول، ۱۳۷۴ هـ.ش.
- « حرّانی ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ هـ.ق.
- « بهشتی، احمد، اسلام و حقوق کودک، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۸۰ هـ.ش.
- « حرّ عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه إلی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- « بخاری، محمد اسماعیل، صحیح بخاری، تحقیق: قائم الشّماعی الرّفاعی، بیروت، دارالقلم، ۱۴۰۷ هـ.ق.
- « طبسی، محمد جواد، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ هـ.ش.
- « امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ویرایش دوم، ۱۳۸۴ هـ.ش.

- « شاتو، ژان، مربیان بزرگ، ترجمه: غلامحسین شکوهی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۵۵ هـ.ش.
- « منصور و دادستان، روان‌شناسی ژنتیک ۲، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۸۱ هـ.ش.
- « دبس، موریس، مراحل تربیت، ترجمه: علی‌محمد کاردان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ هـ.ش.
- « رابرت‌ال. سولسو، روان‌شناسی شناختی، ترجمه: فرهاد ماهر، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۸۱ هـ.ش.
- « دائره المعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰ هـ.ش.
- « فضل طبرسی، مکارم الخلاق، بیروت، دارالحوراء، ۱۴۰۸ هـ.ق.
- « نوری، حاج میرزا حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، لاحیاء التراث، ۱۴۹۰ هـ.ق.
- « پارسا، محمد، روان‌شناسی رشد کودک، ۱۳۵۶ هـ.ش.
- « افروز، غلامعلی، مبانی روان‌شناختی و رویکردهای تربیت دینی کودکان و نوجوانان، تهران، ششمین مجمع علمی جایگاه تربیت، ۱۳۷۴ هـ.ش.
- « موسوی‌الخیمینی رحمته‌الله‌علیه، سید روح‌الله، امام در سنگر نماز، تبیان آموزشی، دفتر هفتم، ستاد اقامه نماز با همکاری مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله‌علیه.
- « سادات، محمدعلی، رفتار والدین با فرزندان، تهران، اولیا و مربیان، چاپ نهم، ۱۳۸۰ هـ.ش.

بررسی تفصیلی حضور زنان در مسجد

علی اکبر گندمکار

چکیده

مقاله حاضر در صدد تبیین «بررسی تفصیلی حضور زنان در مسجد» است. نویسندگان با بررسی روایات فریقین که خانه و منزل زن را مسجد وی می‌دانند و روایاتی که مسجد را متعلق به زن و مرد دانسته و تحقیق در شواهد تاریخی فراوانی که بیانگر حضور زنان در مسجد در صدر اسلام برای نماز و غیر آن مانند اعتکاف، و نظافت مسجد، پرستاری از مجروحان جنگ و... است، به تشریح حضور زن در مسجد و سایر فعالیت‌های اجتماعی پرداخته است. مقاله در پنج مبحث تنظیم گردیده است: مبحث اول: بررسی روایات فریقین؛ مبحث دوم: شواهد تاریخی حضور زنان در مسجد در صدر اسلام برای غیر از نماز؛ مبحث سوم: بررسی فقهی حضور زن در مسجد؛ مبحث چهارم: شرایط حضور زنان در مسجد؛ مبحث پنجم: آثار حضور زنان در مسجد.

کلیدواژه‌ها:

مسجد، حضور زن در مسجد، نماز جماعت، اعتکاف، خادم مسجد، شواهد تاریخی، شرایط حضور، آثار حضور.

« مقدمه

در معیارهای ارزشی قرآن و روایات، بین زن و مرد نوعی برابری حاکم است؛ به طوری که در مقام های معنوی تفاوتی بینشان نیست و در انسانیت و ارزش ها موقعیتی یکسان دارند. تنها ملاک برتری انسان ها بر یکدیگر تقوا است. تقوا در معنای حقیقی اش^۱ امری اکتسابی است و به جنسیت ربطی ندارد، چنان که به نژاد، جغرافیا، سن، ثروت و زیبایی نیز ربطی ندارد.

اسماء بنت عمیس، یکی از نخستین زنان مهاجر در اسلام، وقتی از «حبشه» بازگشت، به دیدار همسران پیامبر ﷺ آمد و نخستین چیزی که پرسید، این بود: «آیا آیه ای درباره زنان نازل شده است؟» آنان پاسخ دادند: «خیر». اسماء، خدمت پیامبر ﷺ رسید و عرض کرد: «ای رسول خدا! جنس زن گرفتار خسران و زیان است؟» رسول خدا ﷺ فرمودند: «چرا؟» گفت: «چون در قرآن کریم فضیلتی همانند مردان برای زنان نیامده است». در همان هنگام آیه ۳۵ سوره مبارکه احزاب نازل شد که ده ارزش معنوی یکسان برای زن و مرد را مطرح کرده است.^۲ در سوره های دیگر نیز از ارزش های برابری بین زنان و مردان سخن به میان آمده است.^۳

بنابراین، زن در رسیدن به کمالات و درک مدارج عالی اخلاقی و حتی علمی هیچ تفاوتی با مرد ندارد. اسلام زن را مانند مرد دارای روح کامل انسانی و اراده و اختیار می داند؛ بنابراین، هر دو را در یک صف واحد قرار داده است و در یک مسیر هدایت می کند. قرآن کریم گاه با خطاب های: «یا ایُّهَا النَّاسُ» و «یا ایُّهَا الذِّیْنَ آمَنُوا» (بدون در نظر داشتن جنسیت)، هر دو را مخاطب قرار داده است و برنامه های تربیتی و اجتماعی را برای هر دو لازم دانسته است و گاه زنان را به صراحت در کنار مردان قرار داده است: «وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ»؛ و هر که کار شایسته کند - چه مرد باشد یا زن - در حالی که ایمان داشته باشد، در نتیجه آنان داخل

۱. حجرات، آیه ۱۳.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۳۰۸.

۳. تحریم، آیه ۵؛ نساء، آیه ۳۵.

بهشت می‌شوند و در آنجا بی حساب روزی می‌یابند».^۱

همچنین در آیه ای دیگر می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ هر کس (از مرد یا زن) کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیات [حقیقی] بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند، پاداش خواهیم داد».^۲

بدون تردید بانوان در تربیت و رشد انسانی جامعه نقش تعیین کننده و بی بدیلی دارند و زیربنای فضیلت های انسانی اند. چنان که در سخن کوتاه، اما پر بار و آسمانی امام صادق (علیه السلام) آمده است: «أَكْثَرُ الْخَيْرِ فِي النِّسَاءِ؛ بیشترین خیر و خوبی در وجود بانوان است».^۳ جلوه ای از این کلام آسمانی در سخنان امام خمینی (ره) این گونه آمده است: «زن، مربی جامعه است... سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است. زن مبدأ همه سعادت ها باید باشد»^۴؛ «عنصر تابناکی که زیربنای فضیلت های انسانی و ارزش های والای خلیفه الله در جهان است».^۵

اکنون، اگر بپذیریم بیش از نیمی از جمعیت هر جامعه را زنان تشکیل می دهند، این سؤال مطرح می شود که آیا از نظر اسلام فضایل و آثاری که برای رفت و آمد به مسجد و حضور در آن ذکر شده است، فقط مختص به مردان است یا زنان نیز می توانند از آثار و برکات خانه خداوند بهره مند شوند؟ به دیگر سخن، آیا در زمان پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) و صدر اسلام، زنان در مساجد حضور می یافتند یا خیر؟ اگر در مسجد حضور داشته اند، شیوه برخورد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) با این رفتار و حرکت اجتماعی زنان چگونه بوده است؟

در پاسخ اجمالی به این سؤال باید گفت: اسلام زنان را تا جایی که حضورشان به فساد آلوده نشود، از شرکت در اجتماع نهی نمی کند، بلکه در بعضی موارد

۱. غافر، آیه ۴۰ و با همین مضمون در سوره نساء، آیه ۱۲۴ و آل عمران، آیه ۱۹۵ و ۱۹۰ و نحل، آیه ۹۷.

۲. نحل، آیه ۹۷.

۳. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۴.

۴. صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۸۵ - ۱۲۵.

۵. همان.

شرکت آنان را واجب می‌داند؛ مانند شرکت در مراسم حجّ واجب، که بر مرد و زن به یک اندازه واجب است و حتی شوهر هم حقّ جلوگیری از همسر خود را ندارد.^۱ از دیگر مواردی که اسلام بر هر مسلمانی واجب دانسته و تفاوتی قائل نشده است، تحصیل است. از این رو، تحصیل برای زن به اندازه مرد واجب است. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در روایتی فرمودند: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ؛ طلب علم و دانش افزایی، بر هر مرد و زن مسلمانی واجب است».^۲

در جهاد ابتدایی، شرکت زنان، پیرمردان، بیماران و خردسالان لازم نیست؛ ولی در جهاد دفاعی اگر افراد به قدر کفایت به جبهه نروند، دفاع از هیچ کس ساقط نمی‌شود و بر زنان، پیرمردان، بیماران و خردسالان نیز واجب می‌شود.^۳ رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله با قید قرعه، زنانشان را با خود به سفرهای جهادی می‌بردند؛ بعضی از اصحاب نیز چنین می‌کردند.^۴ شرکت بانوان در نماز جمعه واجب نیست.^۵ همچنین زنان از تشییع جنازه منع نشده‌اند. در اخبار آمده است که وقتی زینب، دختر بزرگ رسول اکرم صلی الله علیه و آله وفات کرد، خواهرش حضرت زهرا علیها السلام مرضیه علیها السلام و زنان مسلمان آمدند و بر وی نماز خواندند.^۶

شیخ حرّ عاملی، در کتاب «وسائل الشیعه»، روایات گوناگونی در این زمینه جمع آوری کرده است که شرایط و چگونگی شرکت زنان را در مسائل اجتماعی بیان می‌کند. وی از مجموع این روایات به این نتیجه می‌رسد: «برای زنان رواست که در مجالس عزا، ادای حقوق مردم یا تشییع جنازه بیرون بروند و در این کارها شرکت کنند؛ همچنان که حضرت فاطمه علیها السلام و زنان ائمه اطهار در آنها شرکت می‌کرده‌اند».^۷

۱. الخلاف، ج ۲، ص ۴۳۱ و کتاب الحج، آداب الاحرام.

۲. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۱۴۰ و ج ۲، ص ۳۲.

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۱۷ و ۴۸۵.

۴. صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۶۵ - ۱۶۴.

۵. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۳۷، باب ۱۸.

۶. همان، ج ۲، ص ۸۱۸ - ۸۱۷، ح ۱.

۷. همان، ج ۱، ص ۳۷۶، ح ۹، باب ۱۶.

« بررسی تفصیلی حضور زنان در مسجد در عصر پیامبر اکرم ﷺ »

مطالعه روایات موجود در کتاب های حدیثی شیعه و سنی و نیز دقت در شواهد تاریخی، گویای این حقیقت است که حضور بانوان در مسجد برای برگزاری نماز جماعت، در عصر رسول خدا ﷺ از مسلمات تاریخ است؛ زیرا اسلام نه مردان و زنان را خانه نشین کرده است و نه همه قید و بندها را از ایشان گسسته است. در مقاله حاضر، برای روشن شدن ابعاد مختلف این بحث به تفصیل در این باره سخن می گوئیم.

مبحث اول: بررسی روایات فریقین

الف) خانه زن مسجد اوست

دسته ای از روایات، مسجد زن را خانه و منزل مسکونی اش دانسته اند. چنان که رسول خدا ﷺ فرموده اند: «صَلَاةُ الْمَرْأَةِ وَحَدَّهَا فِي بَيْتِهَا كَفَضْلِ صَلَاتِهَا فِي الْجَامِعِ خَمْسًا وَعِشْرِينَ دَرَجَةً؛ نماز فرادای زن در خانه اش همچون نماز جماعت ۲۵ درجه فضیلت دارد»^۱. همچنین آن حضرت ﷺ فرموده اند:

«أَنْ خَيْرَ مَسَاجِدِ النِّسَاءِ، الْبُيُوتُ وَ صَلَاةُ الْمَرْأَةِ فِي بَيْتِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي صَفَّتِهَا وَ صَلَاتِهَا فِي صَفَّتِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي صَحْنِ دَارِهَا وَ صَلَاتِهَا فِي صَحْنِ دَارِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي سَطْحِ بَيْتِهَا وَ تَكَرَّرَهُ لِلْمَرْأَةِ الصَّلَاةُ فِي سَطْحِ غَيْرِ مُحَجَّرٍ؛ بهترین مسجد زنان خانه است و نماز در خانه، برتر از نماز او در ایوان است. نماز او در ایوان، برتر از نمازش در پشت بام خانه است»^۲. آهمانند این روایات، در منابع اهل سنت نیز از پیامبر ﷺ نقل شده است.^۳ در روایات امامان شیعه نیز چنین مضمونی وجود دارد؛ چنان که امام صادق (علیه السلام) در این باره فرموده اند: «خَيْرُ مَسَاجِدِ نِسَائِكُمُ الْبُيُوتُ؛ بهترین مساجد برای زنان خانه است»^۴. ایشان همچنین فرموده اند: «صَلَاةُ الْمَرْأَةِ فِي مَحْدَعِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا

۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۳۷، ح ۶۴۳۶؛ مکارم الاخلاق، ص ۲۳۳، باب نوادر نکاح، فصل ۱۰.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۱۰۸۸.

۳. السنن الکبری، ج ۲، ص ۱۳۲ و ج ۳، ص ۱۳۱؛ سنن ابی داود، ج ۱، ص ۱۳۷، ح ۵۷۰.

۴. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۴۷، ح ۱۰۸۸؛ تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۵۳، ح ۶۹۴.

فِي بَيْتِهَا وَصَلَاتُهَا فِي بَيْتِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي الدَّارِ^۱، نماز خواندن زن در اتاقش، بلکه در اتاق عقب و اندرونی، بهتر از خانه (به معنای اعم) است. أم سلمه از قول رسول خدا ﷺ می گوید: «خَيْرُ مَسَاجِدِ النِّسَاءِ قَعْرُ بَيْوتِهِنَّ»^۲، بهترین مساجد برای زنان اتاق های عقب خانه است. بنابر روایتی، رسول خدا ﷺ به امام علی (علیه السلام) فرمودند: «يَا عَلِيُّ لَيْسَ عَلَى النِّسَاءِ جُمُعَةٌ وَلَا جَمَاعَةٌ وَلَا أَذَانٌ وَلَا إِقَامَةٌ؛ ای علی! برای زنان الزامی جهت شرکت در نماز جمعه، جماعت و گفتن اذان و اقامه نیست»^۳.

از مجموعه این روایات، با قطع نظر از روایاتی که بعداً به آنها می پردازیم، می توان این گونه استفاده کرد که برای زنان خواندن نماز در خانه بهتر از مسجد است. اما، با تأمل و تحلیل در این گونه روایات چند نکته به دست می آید:

۱. در روایات فوق معمولاً تلاش شده است تا به نحوی به مسئله عفاف بانوان اهمیت داده شود و در واقع در پی بیان این مطلب است که زن نباید در تیررس دید نامحرم نماز بخواند. پس اگر در مسجد، پرده و حائلی او را از دید نامحرم حفظ کند، ملاک حکم رعایت شده است؛ بنابراین، نماز زن با حفظ حریم و حدود الهی در مسجد افضل است، چنانکه نماز مرد هم چنین است.

۲. راوی اولین حدیث از امام صادق (علیه السلام)، «یونس بن ظبیان» است که نجاشی و شیخ طوسی، صاحب کتب رجالی، او را ضعیف شمرده اند.^۴

۳. دسته دوم و سوم روایات که بیان خواهد شد، شواهد تاریخی، سیره پیامبر اعظم ﷺ و حتی فتاوی بسیاری از فقهای اسلام بیانگر جواز حضور زن در مسجد است.

ب) روایات عام

در روایات زیادی در باب مسجد واژه هایی وجود دارد که نشان می دهد مسجد متعلق به همه مردم است و به گروهی خاص اختصاص ندارد. پیامبر اکرم ﷺ

۱. همان، ص ۳۶۱، ح ۱۱۷۸۸؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۳۶، ح ۶۴۳۱.

۲. المستدرک للنیسابوری، ج ۱، ص ۲۰۹؛ نهج الفصاحه، ص ۴۷۴.

۳. الخصال، ج ۲، ص ۵۱۱، ح ۲؛ بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۱۲۶، ح ۳.

۴. رجال نجاشی، ص ۴۴۸؛ اختیار معرفه الرجال، ص ۲۰۹.

فرموده اند: «الْمَسْجِدُ بَيْتٌ كُلُّ مُؤْمِنٍ؛ مسجد، خانه هر مؤمنی است».^۱ آن حضرت در بیانی دیگر مسجد را خانه همه متقیان و پرهیزکاران دانسته اند: «الْمَسَاجِدُ بُيُوتُ الْمُتَّقِينَ».^۲ حضرت علی (علیه السلام) در مورد همسایه مسجد فرموده اند: «لَا صَلَاةَ لِحَارِ الْمَسْجِدِ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ لَهُ عُدْرَةٌ، أَوْ بِهِ عَلَّةٌ؛ فَقِيلَ لَهُ: وَمَنْ جَارُ الْمَسْجِدِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، قَالَ: مَنْ سَمِعَ النَّدَاءَ؛ نماز همسایه مسجد در خانه، نماز کامل و تمام نیست، جز اینکه عذری داشته باشد. از امام (علیه السلام) سؤال شد: همسایه مسجد چه کسی است؟ فرمودند: کسی که صدای اذان را بشنود».^۳

روایات متعددی نیز وجود دارد که در آنها واژه «مَنْ مَشَى» و «مَنْ أَسْرَجَ» آمده است. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) فرموده اند:

«مَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ فَلَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ خَطَايَا حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ عَشْرٌ حَسَنَاتٍ وَ مِجَى عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ وَ رُفِعَ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ»^۴، کسی که به سوی مسجدی از مساجد خدا برود، برای هر گامی که برمی دارد تا به منزل برگردد ده حسنه برایش نوشته می شود و ده گناه از او برداشته و ده درجه ترفیع می یابد.

در روایتی دیگر امام صادق (علیه السلام) فرموده اند: «مَنْ مَشَى إِلَى الْمَسْجِدِ لَمْ يَضَعْ رِجْلًا عَلَى رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا سَبَّحَتْ لَهُ الْأَرْضُ إِلَى الْأَرْضِ السَّابِعَةِ؛ کسی که به سوی مسجد گام برمی دارد، بر هیچ تر و خشکی قدم نمی گذارد، مگر اینکه زمین تا طبقات هفت گانه اش برای او تسبیح می گویند».^۵ در حدیثی دیگر پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرموده اند: «أَلَا بَشِّرُ الْمَشَائِينَ فِي الظُّلُمَاتِ (فِي ظِلْمِ اللَّيْلِ) إِلَى الْمَسْجِدِ بِالنُّورِ (التَامِ) السَّاطِعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ بشارت باد کسانی را که در تاریکی شب به مساجد می روند؛ همانا در روز قیامت از نوری فروزان و درخشنده در پیشاپیش خود برخوردارند».^۶ روایات دیگری نیز هستند که به طور عام زن و مرد را به رفت و

۱. کنز العمال، ج ۷، ص ۶۵۰، ح ۲۰۷۳۶.

۲. همان، ص ۶۵۹، ح ۲۰۷۸۵؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۲.

۳. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۴۸؛ بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۸۱ و ۳۷۹.

۴. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۰۱، ح ۶۳۲۸؛ ثواب الاعمال، ص ۲۹۱.

۵. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۳، ح ۷۰۱؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۰۰.

۶. همان، ص ۲۳۹، ح ۷۲۰؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۵۷، ح ۷۸۱.

آمد به مسجد، حضور مستمر در آن و روشنایی بخشیدن به آن تشویق کرده اند.^۱

ج) روایات دال بر جواز حضور زنان در نمازهای جماعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

از مسلمات تاریخ حضور بانوان در مسجد، برای شرکت در نماز جماعت است؛ به خصوص نماز جماعت صبح و مغربین، به امامت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله.

کعبه اولین خانه ای است که برای عبادت مردم (زن و مرد) بنا شد و عبادت کنندگان را به سوی خود متوجه و جذب کرد: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بَنَاهُ مَبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ»^۲؛ در حقیقت نخستین خانه‌ای که برای [عبادت] مردم نهاده شده، همان کعبه است که در مکه است و مبارک و برای جهانیان [مایه] هدایت است. مکه معظمه و مسجدالحرام، کامل ترین مصداق مسجد است؛ تا آنجا که نماز فرادا در آن از نماز جماعت در خانه بهتر است: «الصَّلَاةُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ تَعْدِلُ مِائَةَ أَلْفِ صَلَاةٍ»^۳. در همین مسجد است که اولین نماز جماعت به امامت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و با حضور جوان مردی چون علی بن ابی طالب علیه السلام و بانویی چون حضرت خدیجه رضی الله عنها برگزار شد.^۴

ذیل آیه ۵۹ سوره مبارکه احزاب که خداوند دستور می دهد: «ای پیامبر! به همسرانت و دخترانت و زنان با ایمان بگو: جلاب های (روسری های بلند) خود را بر خویش فرو افکنند؛ این کار برای اینکه شناخته نشوند و مورد آزار و اذیت قرار نگیرند، بهتر است». از امام علیه السلام نقل شده است: «سبب نزول آیه چنین بود که چون زنان برای شرکت در نماز جماعت مغرب و عشاء به مسجد می رفتند، جوانان بر سر راه آنان می نشستند و آنان را آزار می دادند و متعرض ایشان می شدند. از این رو، پس از نزول آیه، زنان انصار با لباس سیاه و بلند و با حجاب کامل در نماز جماعت حاضر می شدند»^۵. آیه و شأن نزول آن بیانگر این نکته ظریف و حکیمانه است که اسلام در برابر حضور زنان در مجامع فرهنگی، علمی،

۱. من لایحضره الفقه، ج ۱، ص ۲۳۸، ح ۷۱۶؛ الامالی، ص ۱۳۹.

۲. آل عمران، آیه ۹۶.

۳. الکافی، ج ۴، ص ۵۲۶، ح ۶.

۴. حج، ص ۷۹ - ۸۰.

۵. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۹۶؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۳۰۷.

اقتصادی، سیاسی و پذیرش مسئولیت های اجتماعی از طرف آنان، حتی زمانی که مورد چشم چرانی و مزاحمت جوانان قرار می گیرند، با حکم خانه نشینی و ایجاد محدودیت برخورد نمی کند؛ بلکه با ارائه طرح های مصونیت آفرین، راه را برای حضور هر چه بیشتر آنان می گستراند. علاوه بر سخن فوق، شواهد تاریخی بیانگر حضور زنان در نماز جماعت رسول اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. امام علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ می فرماید: «كَانَ النَّسَاءُ يُصَلِّينَ مَعَ النَّبِيِّ ص فَكُنَّ يُؤْمِرْنَ أَنْ لَا يَرْفَعَنَّ رُؤُسَهُنَّ قَبْلَ الرَّجَالِ لِضَيْقِ الْأُزْرِ»^۱، زنان پشت سر مردان نماز جماعت را با پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بجا می آوردند و چون لباس مردان کوتاه بود، به زنان دستور داده شده بود که پیش از مردان سر از سجده بردارند.

در برخی از روایات، در منابع شیعه و سنی، آمده است: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَسْمَعُ صَوْتَ الصَّبِيِّ وَهُوَ يَبْكِي وَهُوَ فِي الصَّلَاةِ فَيُخَفِّفُ الصَّلَاةَ أَنْ تَعْبُرَ أُمَّهُ؛ پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حال نماز، چون صدای گریه طفل را در صف زنان شنیدند، نماز را کوتاه خواندند تا مادرش سراغ فرزند رود تا مبادا نگرانی در مادرش پیدا شود»^۲. همچنین نقل کرده اند که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نماز صبح را در تاریکی می خواندند و زنان مؤمن پس از نماز در همان تاریکی برمی گشتند و به دلیل تاریکی نه دیگران آنها را می شناختند و نه حتی خودشان یکدیگر را می شناختند.^۳ در روایتی دیگر می خوانیم:

زن قریشی به نام «عاتکه بن زید» پیوسته در نماز جماعت مسجدالنبی حاضر می شد، عمر از او خواستگاری کرد، او به این شرط که او را از نماز جماعت منع نکند، ازدواج با عمر را پذیرفت. عمر هم با نارضایتی این شرط را قبول کرد؛ بعد از مرگ عمر وقتی زبیر از او خواستگاری کرد، باز این شرط را مطرح نمود، زبیر هم به ناچار پذیرفت و او به نماز جماعت می رفت.^۴

در زمان عمر، زنان به امامت «سلیمان بن ابی خثیمه انصاری» در رحبه مسجد

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۹۶، ح ۱۱۷۶؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۶۱.

۲. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۴۷۰، ح ۷؛ مجمع الزوائد، ج ۲، ص ۷۴.

۳. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۲۱۱.

۴. اسدالغابه، ج ۵، ص ۱۸۵؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۴۰.

نماز جماعت می خواندند؛ همان گونه که مردان به امامت «ابی بن کعب» نماز جماعت برگزار می کردند. پس از آن، عثمان مردان و زنان را در یک جا جمع کرد؛ ولی امیرالمؤمنین (علیه السلام) در زمان خلافتش دوباره زنان و مردان را از هم جدا کرد و شخصی به نام عرفجه با زنان نماز می خواند.^۱ در برخی روایات، از شیعه و سنی آمده است که وقتی زنان برای رفتن به مسجد اجازه خواستند، آنان را منع نکنید. برای نمونه، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده اند: هرگاه زنان شما اجازه رفتن به مساجد می خواهند، آنان را از بهره و نصیبتان از مساجد محروم نکنید و مانع نشوید.^۲ همچنین آمده است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده اند: «لَا تَمْنَعُوا إِمَاءَ اللَّهِ مَسَاجِدَ اللَّهِ؛ کنیزان خدا را از رفتن به مساجد خدا منع نکنید».^۳ همچنین فرموده اند: «إِذَا اسْتَأْذَنْتَ أَحَدَكُمُ امْرَأَتَهُ إِلَى الْمَسْجِدِ فَلَا يَمْنَعُهَا؛ هرگاه همسر یکی از شما اجازه رفتن به مسجد خواست، نباید مانع وی شوید».^۴

عده ای چنین پنداشته بودند که زنان فقط هنگام روز اجازه رفتن به مسجد دارند و برای نمازهای مغرب و عشا، که با تاریکی شب همراه است، نباید به مسجد بروند؛ بنابراین جهت مبارزه با این پنداشت غلط، در بعضی روایات آمده است که هرگاه بانوان اذن حضور شب هنگام در مسجد را خواستند، اجازه بدهید. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در دو بیان جداگانه می فرماید: «لَا تَمْنَعُوا نِسَائِكُمْ مِنَ الْخُرُوجِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِاللَّيْلِ»^۵ و «إِذَا اسْتَأْذَنَ نِسَائُكُمْ بِاللَّيْلِ إِلَى الْمَسْجِدِ فَأَذِنُوا لَهُنَّ»؛ زنان خود را شب هنگام از رفتن به مساجد منع نکنید و اگر اذن خواستند اجازه دهید. وقتی در شب که خطر بیشتری برای زنان وجود دارد، می فرماید اجازه بدهید، در روز به طریق اولی باید اجازه داده شود. مفاد این روایات آن است که زنان از فضایل و آثار معنوی مسجد محروم نشوند و اگر زنان بتوانند عفاف و حجاب اسلامی و شئون زن مسلمان را رعایت کنند، فضیلت نماز خواندن در مسجد برای

۱. الطبقات الكبرى، ج ۵، ص ۲۷ - ۲۶.

۲. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۳ - ۳۲؛ صحیح بخاری، ج ۱، ص ۲۱۱ و المستدرک، ج ۱، ص ۲۰۹.

۳. سنن ابی داود، ج ۱، ص ۱۳۷، ح ۵۶۶ و ۵۶۵؛ بحارالانوار، ج ۸۷، ص ۳۵۴.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۴۶، ح ۹۵۹؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۲.

۵. کنز العمال، ج ۷، ص ۶۷۷، ح ۲۰۸۷۲؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۳.

۶. همان.

زنان همچون مردان است.

مبحث دوم: شواهد تاریخی حضور زنان در مسجد در صدر اسلام برای غیر از

نماز

۱. حضور حضرت فاطمه (علیها السلام) در مسجد

پس از وفات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، هنگامی که ابوبکر غاصبانه بر تخت حکومت نشست، حضرت زهرا (علیها السلام) به مسجد رفتند و خطبه فدکیه را بیان فرمودند.^۱

۲. خطبه حضرت زینب (علیها السلام) در مسجد اموی شام

سخنرانی حضرت زینب (علیها السلام) در مسجد اموی شام بوده است و امام زین العابدین (علیه السلام) و مردم اعتراضی برای حضور ایشان و سایر زنان در مسجد نداشتند.

۳. حضور زن در مسجد برای اعتکاف

ابی عبدالله (علیه السلام) فرموده اند: «وَقَالَ إِنَّ عَلِيًّا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ كَانَ يَقُولُ لَا أَرَى الْإِعْتِكَافَ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَوْ مَسْجِدِ الرَّسُولِ أَوْ مَسْجِدِ جَامِعٍ وَ لَا يَنْبَغِي لِلْمُعْتَكِفِ أَنْ يَخْرُجَ مِنَ الْمَسْجِدِ إِلَّا لِحَاجَةٍ لَا بُدَّ مِنْهَا ثُمَّ لَا يَجْلِسُ حَتَّى يَرْجِعَ وَالْمَرْأَةُ مِثْلُ ذَلِكَ، اِعْتِكَافُ يَأْتِي فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَوْ مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) أَوْ مَسْجِدِ جَامِعٍ هَرِّ شَهْرٍ مَنَعْقِدُ مِي شُود وَ سَزَاوَار نِيست معتكف از مسجد خارج شود؛ مگر اینکه ضرورت باشد و وقتی کارش را انجام داد، بدون اینکه بنشیند برگردد».^۲ ایشان در ادامه حدیث می فرماید: و زنان مثل مردان هستند. پس معلوم می شود زنان هم می توانند به مسجد بیایند و معتكف شوند. در روایتی آمده است: زنان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) گاه با آن حضرت در مسجد معتكف می شدند.^۳ قرآن کریم هم می فرماید: «وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ؛ با زنان هنگام

۱. ریاحین الشریعه، ج ۱، ص ۳۱۹؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۶۲.

۲. الکافی، ج ۴، ص ۱۷۶، ح ۲ و ص ۱۷۷، ح ۱.

۳. سنن ابی داود، ج ۱، ص ۵۲۳، ح ۲۴۷۶.

اعتکاف در مساجد مباشرت نکنید»^۱ بنا بر این روایت، اگر زنان بیرون از مسجد باشند، این سخن خداوند در قرآن معنا نمی دهد؛ بنابراین یا معتکفان با زنانشان معتکف بودند یا زنان در مسجد به دیدار مردان می آمدند. در روایتی آمده است: «عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ وَ أَيْ امْرَأَةٍ كَانَتْ مُعْتَكِفَةً ثُمَّ حَرَمَتْ عَلَيْهَا الصَّلَاةَ فَخَرَجَتْ مِنَ الْمَسْجِدِ فَطَهَّرَتْ فَلَيْسَ يَنْبَغِي لِرُؤُوسِهَا أَنْ يُجَامِعَهَا حَتَّى تَعُودَ إِلَى الْمَسْجِدِ وَ تَقْضِيَ اعْتِكَافَهَا؛ امام صادق (علیه السلام) فرمود: اگر زنی که در حال اعتکاف است، [به واسطه حیض] از نماز باز ماند و از مسجد بیرون رود و دوباره پاک شود، شایسته نیست همسرش با او نزدیکی کند تا اینکه زن به مسجد بیاید و اعتکاف خود را به پایان برساند»^۲.

۴. محجنه خادم مسجد

تاریخ از وجود زن مسلمان سیاه پوستی به نام محجنه (ام محجن) در عصر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) خبر می دهد که خادم و نظافت کننده مسجد پیامبر (صلی الله علیه و آله) بوده است. ابوسعید می گوید: زنی سیاه چرده، که مسجد را جارو می کرد، شبی وفات کرد. هنگامی که صبح شد، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را از مرگش با خبر کردند. ایشان فرمودند: چرا مرا از مرگ او آگاه نکردید؟ آن گاه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با اصحابش بر قبر او حاضر شدند، آن حضرت کنار قبر ایستاد و تکبیر گفت و در حالی که مردم نیز پشت سرش بودند، بر او نماز گزاردند و برای او دعا کردند.^۳ طبق برخی روایات، حضرت فرمود: اینک او را در بهشت می بینم.^۴

۵. حضور زن در مسجد برای رفع آلودگی مسجد

حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) وارد محراب امام جماعتی شد و چون محراب به آب دهان آلوده شده بود، با امام جماعت برخورد کرد. همسر امام جماعت از علت برخورد

۱. بقره، آیه ۱۸۷.

۲. تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۳۹۸، ح ۱۲۴۰؛ وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۳۶۸، ح ۲۳۸۸.

۳. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۱۹ و ۱۱۶، ج ۲، ص ۹۲.

۴. اسدالغابه، ج ۵، ص ۶۱۷.

با شوهرش با خبر شد و آب دهان را از محراب پاک کرد. حضرت فرمودند: شوهر را به علت همسرش بخشیدم.^۱ به نظر می آید این زن در مسجد بوده است که مطلع شده است یا بعد از اطلاع، به مسجد آمده است و در محراب حاضر شده است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به این حضور اعتراض نکرده اند.

۶. زن و حائض شدن در مسجد

«قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ إِذَا كَانَ الرَّجُلُ نَائِمًا فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَوْ مَسْجِدِ الرَّسُولِ فَاحْتَلَمَ فَأَصَابَتْهُ جَنَابَةٌ فَلْيَتَيَّمْ وَلَا يَمْرٌ فِي الْمَسْجِدِ إِلَّا مُتَيَّمًا حَتَّى يَخْرُجَ مِنْهُ ثُمَّ يَغْتَسِلَ وَكَذَلِكَ الْحَائِضُ إِذَا أَصَابَهَا الْحَيْضُ تَفَعَّلَ كَذَلِكَ وَلَا بَأْسَ أَنْ يَمْرًا فِي سَائِرِ الْمَسَاجِدِ وَلَا يَجْلِسَانِ فِيهَا؛ امام باقر عليه السلام فرموده اند: اگر مردی در مسجد الحرام یا مسجد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به خواب رود و جنب شود، باید تیمم کند و با تیمم از مسجد گذر کند و خارج گردد؛ سپس غسل نماید. همین طور زن، اگر در این دو مسجد حیض شود، این گونه عمل کند. اما در غیر از این دو مسجد بدون تیمم هم می تواند خارج گردد».^۲

۷. حضور فاطمه بنت اسد در مسجد

اگر زن نباید به مسجد برود، پس فاطمه بنت اسد با مسجد الحرام و خانه خدا چه کار داشت و از آن مهم تر چرا دیوار خانه خدا هم شکافته شد؟

۸. نوله بنت اسلیم در نماز جماعت مسجد بنی حارثه

ی کی از زنان مسجدی عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله «نوله بنت اسلیم» است که در روز تغییر قبله، در نماز جماعت مسجد بنی حارثه شرکت داشت و ماجرای آن روز را چنین تعریف می کند: دو رکعت از نماز ظهر یا عصر را در مسجد بنی حارثه رو به قبله بیت المقدس خوانده بودیم، که شخصی خبر آورد: رسول الله صلی الله علیه و آله به طرف بیت الله الحرام

۱. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۷۶، ح ۳۸۲۱.

۲. الکافی، ج ۳، ص ۷۳، ح ۱۴؛ تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۴۰۷، ح ۱۲۸۰.

روی کرده است؛ بلافاصله مردان به مکان زنان و زنان به مکان مردان تغییر محل دادند و چرخیدند و دو رکعت دیگر را رو به بیت الله الحرام گزاردیم.^۱

۹. سفارش پیامبر اکرم ﷺ به خروج زنان از مسجد قبل از مردان

روایت است که روزی رسول خدا ﷺ بیرون مسجد بودند و دیدند مردان و زنان با هم از مسجد بیرون می آیند، ایشان رو به زنان کردند و فرمودند: بهتر است صبر کنید ابتدا مردان بروند، سپس شما.^۲

۱۰. باب النساء

یکی از درهای مسجدها ﷺ به نام «باب النساء» است. اگر بنا بود زنان به مسجد نیایند، باب النساء مفهومی نداشت. در روایت آمده است که روزی پیامبر اکرم ﷺ به یکی از درهای مسجد اشاره کردند و فرمودند: خوب است این در را به بانوان اختصاص دهیم.^۳

۱۱. تعلیم و تعلم زنان مسلمان در مساجد

شواهد نشان می دهد که تعلم در مساجد، خاص مردان نبوده است. زنان مسلمان نیز مجاز بودند به مساجد بروند و به سخنان پیامبر اکرم ﷺ گوش دهند و گاهی از آن حضرت سؤال کنند. اگر احساس می شد زنان، به هر دلیل، سخنان پیامبر اکرم ﷺ را نشنیده اند، پیامبر اکرم ﷺ آنان را دوباره موعظه و نصیحت می کرد.^۴

۱۲. پرستاری زن از مجروحان در مسجد

در تاریخ نقل شده است که در مسجد پیامبر اکرم ﷺ جایگاهی برای معالجه بیماران و مجروحان معین شده بود و پیامبر اکرم ﷺ و یارانش در آنجا از بیماران

۱. اسدالغابه، ج ۵، ص ۵۵۷.

۲. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۵۳۳، ح ۵۲۷۲.

۳. همان.

۴. همان، ج ۱، ص ۱۲۷، ح ۵۱۷.

عیادت می کردند. واقدی می نویسد:

«در ماجرای جنگ اُحد مردم در مسجد چراغ و آتش برافروخته بودند و خستگان و مجروحان را زخم‌بندی می کردند. به دنبال زخمی شدن سعد بن معاذ، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ایشان را در خیمه «کعبه»، دختر سعد بن عتبّه در مسجد پیامبر، جای داد. این زن زخمی‌ها را معالجه می کرده و از اشیاء گمشده و پراکنده نگهداری می کرد»^۱

۱۳. همراهی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و فاطمه علیها السلام در رفتن به مسجد

نقل شده است: روزی امام علی علیه السلام وارد منزل می شود و همسرش، فاطمه علیها السلام را نمی یابد؛ از منزل خارج می شود و به سوی مسجد روانه می گردد، در مسجد نماز می خواند و سپس مقداری شن در مسجد جمع می کند و به آن تکیه می دهد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و فاطمه علیها السلام در حالی که حسنین علیهم السلام را در آغوش داشتند و دست‌ام‌کثوم را در دست گرفته بودند به مسجد می آیند. در مسجد می بینند که امام علی علیه السلام همان‌گونه که بر شن‌ها تکیه داده بود خوابش برده است. در این هنگام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پای مبارکش را روی پای مبارک امام علی علیه السلام می گذارد و مقداری فشار می دهد و می گوید: «قُمْ يَا أَبَا تُرَابٍ» (بلند شو ای ابوتراب). در این حدیث مشاهده می شود که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به مسجد تشریف برده اند، در حالی که ضرورتی هم نبوده است.^۲

مبحث سوم: بررسی فقهی حضور زن در مسجد

فقه‌های اسلام، به خصوص شیعه، باتوجه به سه دسته از روایاتی که بیان شد، و نیز آیاتی از قرآن کریم، در مورد حضور بانوان در مسجد اختلاف نظر و فتوا دارند.

عده‌ای همچون علامه حلی، آمدن زنان به مساجد را مکروه می دانند و می‌فرمایند: «يَكْرَهُ لِلنِّسَاءِ الْإِتْيَانَ إِلَى الْمَسَاجِدِ لَمَّا فِيهِ مِنَ التَّبَرُّجِ الْمُنْهَى

^۱ . تاریخ کتابخانه اهل مساجد، ص ۴۷.

^۲ . الآداب الطیبه فی الاسلام، ص ۶۹؛ المغازی، ج ۱، ص ۳۸۶ و ۱۸۰.

عنه.^۱ امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: «خَيْرُ مَسَاجِدِ نِسَائِكُمُ الْبُيُوتُ».^۲ در کتاب نهاییه الاحکام می گوید: «و هذا الحكم (رفتن به مسجد) مختص بالرجال دون النساء لانهن امرن بالإستتار...».^۳

عده کثیری از فقها گرچه حکم به کراهت حضور زن در مسجد نداده اند، ولی خواندن نماز در خانه را برای زنان برتر شمرده اند.^۴ شهید اول می فرماید: «و يستحب للنساء الاختلاف اليها كالرجال و إن كان البيت افضل و خصوصاً لذوات الهيئات».^۵ همچنین صاحب غنائم الایام می گوید: «و اما المرأة فصلاتها في البيت افضل...».^۶

این دو گروه از فقها، دلیل خود را توجّه کردن به آیات قرآن و احادیث معصومان^۷ ذکر کرده اند که مبین ممنوعیت تبرّج (آشکارشدن در برابر دیدگان مردم) زنان و دستور شرع مقدس بر اهمیت حفظ عفاف و رعایت حجاب و عدم اختلاط زنان و مردان و نیز جلوگیری از وقوع فتنه و مفساد اجتماعی و اخلاقی است.^۸ برخی دیگر از فقهای شیعه نه تنها جواز، بلکه استحباب را در حضور و نماز خواندن زن در مسجد دانسته اند. مرحوم محقق اردبیلی می گوید: «گرچه بنا بر برخی روایات، فضیلت حضور در مسجد مختص مردان است؛ ولی با توجّه به دیگر روایات و وضعی که در سند روایت یونس بن ظبیان وجود دارد، می توان گفت: «و مع ذلك لا یبعد الاستحباب اذا کنّ لا یراهنّ احد و لا یرونه مع عدم مفسده اخرى».^۹

امام خمینی (ره) نیز فرموده اند: «برای زن ها نماز خواندن در خانه، بلکه در صندوق خانه و اتاق عقب بهتر است؛ ولی اگر بتوانند کاملاً خود را از نامحرم

۱. تذکره الفقهاء، ج ۲، ص ۴۲۶.

۲. تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۳۹۸، ح ۱۲۴۰؛ وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۳۶۸، ح ۲۳۸۸.

۳. نهاییه الاحکام، ج ۱، ص ۳۵۳.

۴. جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۱۵۰ - ۱۴۹؛ الدروس، ج ۱، ص ۱۵۵؛ الشیخ لطف الله الصافی، هدایه العباد، ج ۱، ص ۱۲۰، مسئله ۷۱۲ و السید الکیایگانی قدس سره، هدایه العباد، ج ۱، ص ۱۳۹، مسئله ۷۱۲.

۵. الدروس، ج ۱، ص ۱۵۵.

۶. غنائم الایام، ج ۲، ص ۲۱۲ - ۲۱۰.

۷. تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۴۴، ح ۶۹۴ و احزاب، ۳۹ و ۵۹ و نور، آیه ۳۱.

۸. تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۹۰؛ نهاییه الاحکام، ج ۱، ص ۳۵۳؛ جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۱۵۰ - ۱۴۹؛ غنائم الایام، ج ۲، ص ۲۱۲ - ۲۱۰.

۹. مجمع الفائده، ج ۲، ص ۱۵۹؛ الدروس، ج ۱، ص ۱۵۵.

حفظ کنند، بهتر است در مسجد نماز بخوانند».^۱ حتی برخی از فقهای معاصر می‌فرمایند: «برای زن‌ها در صورتی که خود را از نامحرم به خوبی حفظ کنند، بهتر است نماز را در مسجد بخوانند. اگر راهی برای یادگرفتن مسائل اسلامی جز از طریق رفتن به مسجد وجود ندارد، واجب است به مسجد بروند».^۲ همچنین طبق کتاب‌های فقهی، یکی از مسائل شرعی بانوان این است که در حال عادت ماهیانه نمی‌توانند مسجد بروند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هم فرموده‌اند: «ان المسجد لایحل لجنب و لاحتض».^۳ اگر بنا بود زنان اصلاً مسجد نروند، چرا فرمودند: در ایام عادت نروند؟ بنابراین، مفهوم حدیث و مفهوم فتوای مراجع عظام تقلید این است که وقتی عذر شرعی ندارند، می‌توانند به مسجد بروند.^۴

در باب احکام محرمات جنب و حائض آمده است: برای این دو رفتن به مسجد الحرام و مسجد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حرام است؛ اگر چه از یک در داخل و از در دیگر خارج شوند. توقف در مساجد دیگر نیز حرام است؛ ولی اگر از یک در داخل و از در دیگر خارج شوند یا برای برداشتن چیزی بروند، مانعی ندارد.^۵

دلایل قائلان به جواز و استحباب حضور بانوان در مسجد، همان شواهد تاریخی است بر حضور این قشر از جامعه در نمازهای جماعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و نیز عموماً و اطلاقات روایاتی که بیانگر ترغیب و تشویق بر رفتن و آمدن به مسجد و بهره‌مندی از فضایل مسجد برای انسان، قطع نظر از جنسیت آن، است.^۶ علاوه بر اینکه فقهای متقدم، متأخر و نیز معاصر حضور زنان را همچون مردان در مسجد الحرام و مراسم عبادی، اجتماعی، اخلاقی و سیاسی نماز جمعه^۷ و اعتکاف و حج جایز شمرده‌اند.^۸

۱. امام خمینی رحمته الله علیه، توضیح المسائل، م ۸۹۴.

۲. مکام شیرازی، ناصر، رساله توضیح المسائل، م ۸۱۷.

۳. کنز العمال، ج ۷، ص ۶۶۸.

۴. امام خمینی رحمته الله علیه، توضیح المسائل، م ۴۵۰.

۵. همان، م ۳۵۵.

۶. مجمع الفائدة، ج ۲، ص ۱۵۹؛ کشف الغطاء، ج ۱، ص ۲۱۴.

۷. جواهر الکلام، ج ۱، ص ۲۷۰ - ۲۶۸؛ کشف اللثام، ج ۴، ص ۲۸۰ - ۲۷۹.

۸. مستند الشیعه، ج ۱۰، ص ۵۴۶؛ جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۲۸ و ۲۱۲ - ۱۸۴؛ المغنی، ج ۳، ص ۱۲۷ و ۱۲۶.

مبحث چهارم: شرایط حضور زنان در مساجد

فقه‌های اسلام اتفاق نظر دارند که حضور زنان در مساجد جایز است (جواز بالمعنی الأعم). اینک باید دید این حضور شرایطی هم دارد یا خیر. در پاسخ باید گفت: شرع مقدس، آداب و دستورهایی بیان کرده است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. استفاده نکردن از بوی خوش

یکی از آداب مسجد، زینت کردن هنگام رفتن به مسجد است. قرآن کریم می‌فرماید: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ؛ ای فرزندان آدم، هنگام رفتن به مسجد زینت خود را بگیرید».^۱ آنچه از کتاب‌های روایی و تفسیری در تفسیر کلمه «زینت» استفاده می‌شود این است که «زینت» هم شامل آراستگی ظاهری می‌شود و هم شامل آراستگی باطنی و درونی. چنان که ذکر مصادیق در روایات، از قبیل پوشیدن لباس نیکو یا شانه کردن و استعمال عطر و بوی خوش در حال نماز و در مسجد، جنبه تعیینی ندارد و اینها از مصادیق زینت هستند.^۲ در کتاب‌های فقهی هم آمده است: «يُسْتَحَبُّ التَّطَيُّبُ وَ لُبْسُ الثِّيَابِ الْفَاحِرَةِ عِنْدَ التَّوَجُّهِ إِلَى الْمَسْجِدِ؛ مستحب است به هنگام رفتن به مسجد از بوی خوش و لباس‌های نیکو استفاده شود».^۳ اما همین امر مستحب است که بر آن این قدر تأکید شده است، نباید در مورد بانوان به گونه‌ای باشد که تحریک‌کننده و با شئون و عفاف آنان مخالف باشد.

رسول خدا ﷺ فرموده‌اند: هنگامی که یکی از شما زنان قصد مسجد کرد، نباید از بوی خوش استفاده کند.^۴ ایشان همچنین فرموده‌اند: هرگاه زنی خود را خوشبو کند، سپس به سوی مسجد برود، نمازش قبول نمی‌شود تا آنکه آن بوی خوش را برطرف کند.^۵

۱. اعراف، آیه ۳۱.

۲. تفسیر المیزان، ج ۸، ص ۷۹؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۴ - ۱۳؛ اصول کافی، ج ۶، ص ۵۱۷، ج ۷ و ص ۵۱۰، ج ۷.

۳. عروه الوثقی، ج ۱، ص ۶۰۰.

۴. صحیح مسلم، ج ۷، ص ۳۳.

۵. سنن ابن‌ماجه، ج ۲، ص ۱۳۲۶، ج ۴۰۰۲.

۲. عدم اختلاط زن و مرد در مسجد

حضور زنان در مسجد آثار و ثواب بسیار دارد؛ ولی نباید زمینه ای برای اختلاط فراهم آید. در روایت آمده است که روزی رسول خدا ﷺ در بیرون مسجد بودند، دیدند مردان و زنان با هم از مسجد بیرون می آیند. حضرت به زنان فرمودند: بهتر است صبر کنید ابتدا مردان بروند، سپس شما.^۱ همچنین، روزی حضرت به یکی از درهای مسجد اشاره کردند و فرمودند: خوب است این درب را به بانوان اختصاص دهیم.^۲ بدین ترتیب در آمدن و رفتن زنان به مسجد را از مردان جدا کردند.

۳. پرهیز از سخنان بلند و بیهوده

یکی از نکاتی که افراد، چه زن و چه مرد، شایسته است در مسجد و حتی خارج از آن رعایت کنند، پرهیز از سخنان بیهوده و سخن گفتن با صدای بلند است. خداوند در قرآن کریم خطاب به زنان رسول الله ﷺ می فرماید: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا؛ ای همسران پیامبر! به گونه ای هوس انگیز سخن نگویند که بیمار دلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگویند».^۳ در واقع، خداوند در این آیه شریفه به زنان دستور می دهد در سخن گفتن، وقار و عفاف داشته باشند. رسول خدا ﷺ بلند کردن صدا در مسجد را از نشانه های نزول بلا بر امت می شمرد و می فرماید: هنگامی که پانزده خصلت در میان امت من رایج شود، بلا بر آنان نازل خواهد شد، از جمله آنها این است که «وَأَرْتَفَعَتِ الْأَصْوَاتُ فِي الْمَسَاجِدِ؛ صداها را در مسجد بلند کنند».^۴ بنابراین، بر همه، به ویژه زنان، واجب است که از صحبت کردن درباره امور دنیوی و بلند کردن صدا پرهیز کنند.

۱. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۵۳۳، ح ۵۲۷۲.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۳۷، ح ۵۱۷.

۳. احزاب، آیه ۳۲.

۴. الخصال، ج ۲، ص ۵۰۲ - ۵۰۱.

۴. اجازه شوهر

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند: «هنگامی که زنان از شما اجازه رفتن به مسجد می خواهند، آنان را از بهره و نصیبشان از مساجد محروم نکنید و اجازه دهید»^۱ به طور کلی، خروج زن از منزل، گرچه برای رفتن به مسجد باشد، نباید منافاتی با حقوق شوهرش داشته باشد؛ در غیر این صورت، نباید به مسجد یا خارج از خانه برود.^۲

۵. عدم توقف بیجا در مسیر مسجد

زنان مسلمان باید بدانند که توقف بیجا در کوچه، خیابان و مسیر مسجد شایسته نیست؛ حتی توقف بیهوده در خود مسجد نیز مذموم شمرده شده است. رسول اعظم صلی الله علیه و آله خطاب به ابوذر می فرمایند: «يَا أَبَا ذَرٍّ! كُلِّ جُلُوسٍ فِي الْمَسْجِدِ لَعْنٌ، إِلَّا ثَلَاثَةٌ: قِرَاءَةُ مُصَلٍّ، أَوْ ذَاكِرُ اللَّهِ تَعَالَى، أَوْ سَائِلٌ عَنِّ عِلْمٍ؛ أَي ابُوذَرٍّ! هَرِ نَشَسْتَنِي فِي مَسْجِدٍ لَعْنٌ وَبِيَهُودَةٍ اسْتِ، مَغْرَرٌ تَوَقَّفٌ وَنَشَسْتَنٌ سَهْ غَرُوه: أَنَانِ كِه پَس از بجا آوردن نماز مشغول قرائت قرآن یا سرگرم یاد خدا یا در حال تحصیل علم و دانش و مباحثه علمی باشند»^۳.

مبحث پنجم: آثار حضور زنان در مسجد

در متون روایی شیعه و سنی، برای رفت و آمد به مسجد، فواید و آثار فراوان دنیوی و اخروی بیان شده است. از این رو، بانوان نیز با رعایت شرایطی که در مباحث قبل ذکر شد، می توانند از همه این نتایج و آثار برخوردار باشند. افزون بر آنکه حضور بانوان در مسجد، آثار اجتماعی فراوانی نیز دارد؛ از جمله: ظاهر جامعه دینی تر و مساجد پررونق تر می شود و همچنین آنها می توانند به کمک آموزه هایی که در مسجد کسب می کنند، نسل پس از خود را نسلی ایمانی بار

۱. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۲۶، ح ۴۰۰۲.

۲. توضیح المسائل، امام خمینی ره، م ۲۴۱۲.

۳. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۸۶، ح ۸.

بیاورند و کودکانی آگاه و مقید بپرورند که در واقع مسلمانان حقیقی نسل بعد هستند. با توجه به مجموعه روایات و آیات وارده درباره مسجد، می توان گفت که اگر بانوان با رعایت شرایط، در این مکان های الهی وارد شوند، می توانند از آثار عبادی، آموزشی، تربیتی، معنوی، علمی، سیاسی و اجتماعی و به ویژه اثرات اخلاقی، روانی و تعالی بخش مسجد بهره مند گردند.

« نتیجه سخن

براساس آموزه های اصیل اسلامی، بین زن و مرد نوعی برابری حاکم است. در مقام های معنوی تفاوتی بین آنان نیست و در انسانیت و ارزش ها، موقعیتی یکسان دارند. تنها ملاک برتری انسان ها بر یکدیگر، تقوا است.

اسلام با حضور بانوان در عرصه های مختلف اجتماعی مخالف نیست و آن را منع نکرده است؛ بلکه وظیفه اصلی وی را مادری و تربیت و پرورش انسان های بزرگ و وارسته می داند؛ البته در کنار آن نیز به آنان اجازه داده تا با رعایت شئون اسلامی، برای انجام عبادات و استفاده از برنامه های فرهنگی مسجد و سائر اجتماعاتی که برای آنان مفسده ندارد، حضور یابند و برای رشد و ترقی خود و جامعه گام بردارند.

با مطالعه در تاریخ صدر اسلام، درمی یابیم که زنان با حضور در مسجد و دیگر عرصه های اجتماعی، نقش به سزایی در رشد و ترقی خود و جامعه اسلامی داشته اند و تاریخ پر بار اسلام سرشار از صحنه هایی است که زنان آفریدگار آن بودند.

به هر حال، اسلام زنان را تا جایی که حضورشان به فساد آلوده نشود، از شرکت در اجتماع نهی نمی کند؛ بلکه در بعضی موارد شرکت آنان را واجب می داند؛ مانند شرکت در مراسم حجّ واجب، که بر مرد و زن به یک اندازه واجب است و حتی شوهر هم حق جلوگیری از همسر خود را ندارد.

مطالعه روایات موجود در کتاب های حدیثی شیعه و سنی و نیز دقت در شواهد تاریخی، گویای این حقیقت است که حضور بانوان در مسجد برای برگزاری نماز جماعت و دیگر مراسم عبادی و آموزشی و...، در عصر رسول خدا ﷺ از مسلمات تاریخ است؛ زیرا اسلام نه مردان و زنان را خانه نشین کرده است و نه همه قید و بندها را از پایشان گسسته است.

با استناد به مجموع روایات وارده در این باب، می توان این گونه استفاده کرد که بانوان مجاز هستند در مسجد برای عبادت و سایر برنامه های فرهنگی حضور یابند؛ البته مشروط به این که عفاف و حجاب و شئون زن مسلمان را

رعایت کنند. در این صورت، فضیلت نماز خواندن آنان در مسجد همچون مردان است.

در متون روایی شیعه و سنی، برای رفت و آمد به مسجد، فواید و آثار فراوان دنیوی و اخروی بیان شده است. از این رو، بانوان نیز با رعایت شرایط لازم، می توانند از همه این نتایج و آثار برخوردار شوند.

« منابع وماخذ

- « قرآن کریم
- « جعفر مرتضی عاملی، الآداب الطیبه فی الاسلام، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ هـ.ش.
- « ابن اثیر، عزالدین، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- « کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ هـ.ش.
- « طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، قم، دارالثقافه، ۱۴۱۴ هـ.ق.
- « _____ اختبار معرفهالرجال، قم، آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۴ هـ.ق.
- « _____ تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ هـ.ش.
- « _____ الخلاف، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۷ هـ.ق.
- « مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ هـ.ق.
- « سباعی مکی، محمد، تاریخ کتابخانه‌های مساجد، محمدمکی السباعی، محمد عباسپور و محمدجواد مهدوی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳ هـ.ش.
- « موسوی خمینی، سیدروح الله، تحریرالوسیله، قم، انتشارات اسماعیلیان.
- « _____ رساله توضیح المسائل.
- « _____ صحیفه نور، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- « حلی، علامه حسن بن یوسف، تذکره الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ هـ.ق.
- « عیاشی، محمدبن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، تهران، انتشارات علمیه، ۱۳۸۰ هـ.ش.
- « علی بن ابراهیم قمی، تفسیرقمی، قم، مؤسسه دارالکتاب، ج ۳، ۱۴۰۴ هـ.ق.
- « مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از دانشمندان، تفسیرنمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهل و یکم، ۱۳۸۰ هـ.ش.
- « عروسی الحویزی، شیخ عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، قم، اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۲ هـ.ق.
- « شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم، انتشارات رضی، چاپ دوم، ۱۳۶۸ هـ.ش.
- « _____ خصال، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
- « _____ علل الشرایع، نجف، مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۶ هـ.ق.
- « _____ من لایحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ هـ.ق.
- « شعیری، شیخ تاج الدین محمد بن حیدر، جامع الاخبار، قم، انتشارات رضی، ۱۳۶۳ هـ.ق.
- « نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ هـ.ق.
- « قرآنتی، محسن، حج، نشر مشعر، ۱۳۷۳ هـ.ش.
- « شهید الأول، دروس الشرعیه، قم، مؤسسه نشرالاسلامی، ۱۴۱۲ هـ.ق.
- « تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، مصر، دارالمعارف، ۱۳۸۵ هـ.ق.
- « قطب الدین راوندی، الدعوات، قم، مدرسه الامام المهدی (علیه السلام)، چاپ اول، ۱۴۰۷ هـ.ق.
- « نجاشی، شیخ ابی العباس احمد بن علی، رجال النجاشی، قم، مؤسسه النشرالاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، چاپ پنجم، ۱۴۱۶ هـ.ق.
- « آیت الله العظمی مکارم شیرازی، ناصر، رساله توضیح المسائل، مدرسه الامام علی بن ابیطالب (علیه السلام)، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۳ هـ.ق.

- « ابن ماجه، محمدبن الحسين بن على البيهقي، سنن ابن ماجه، بيروت، دارالفكر.
- « المسجستاني، سليمان بن الأشعث، سنن ابي داود، بيروت، دارالفكر، ١٤٢٠ هـق.
- « بيهقي، احمد بن حسين، السنن الكبرى، بيروت، دارالفكر.
- « نوبهار، رحيم، سيماى مسجد، قم، انتشارات اعتماد، ١٣٧٣ هـق.
- « بخارى، محمد بن اسماعيل، صحيح بخارى، بيروت، دارالفكر.
- « قشيري نيشابوري، محمد بن مسلم، صحيح مسلم، بيروت، دارالفكر.
- « ابن سعد، محمد بن سعد، طبقات الكبرى، بيروت، دارصادر.
- « طباطبايى يزدي، محمد كاظم، العروهاوثقى، بيروت، مؤسسه الأعلمی، ١٤٠٩ هـق.
- « الميرزا ابوالقاسم قمى، غنائم الايام فى مسائل الحلال والحرام، مكتب الاعلام الاسلامى، ١٤١٧ هـق.
- « كاشف الغطاء، شيخ جعفر، كشف الغطاء، اصفهان، انتشارات مهدوى، چاپ سنگى.
- « فاضل هندى، محمد بن حسن، كشف اللثام، قم، مكتبه السيد المرعى، ١٤٠٥ هـق.
- « المتقى الهندي، كنز العمال فى سنن الاقوال و الافعال، بيروت، مؤسسه الرساله، ١٤٠٩ هـق.
- « هيثمى، نورالدين، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤٠٨ هـق.
- « محقق اردبيلى، مجمع الفائده و البرهان فى شرح ارشاد الاذهان، قم، انتشارات جامعه مدرسين، ١٤٠٩ هـق.
- « ورام بن ابي فراس، مسعودين عيسى، تنبيه الخواطر و نزهه النواظر المعروف بمجموعه ورام، قم، مكتبه الفقيه.
- « حاكم النيشابورى، محمدبن محمد، مستدرک الحاكم، بيروت، دارالمعرفه، ١٤٠٦ هـق.
- « نورى، ميرزا حسين، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ١٤٠٨ هـق.
- « نمازى الشاهرودى، شيخ على، مستدرک سفينه البحار، مؤسسه النشر الاسلامى لجماعه المدرسين به قم المشرفه، ١٤١٩ هـق.
- « محقق نراقى، محمد مهدى، مستند الشيعه، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، ١٤١٥ هـق.
- « الأمام احمد حنبل، مسند احمد، بيروت، دارالفكر.
- « واقدى، محمد بن عمر، المغازى، ترجمه محمود مهدوى دامغانى، دانشگاه تهران، ١٣٦١ هـش.
- « طبرسى، ابي نصر حسن بن فضل، مكارم الاخلاق، دارالكتب الاسلاميه، ١٣٧٦ هـش.
- « طباطبايى، سيد محمد حسين، الميزان فى تفسير القرآن، قم، مؤسسه النشر اسلامى.
- « عزيزى، عباس، نماز بانوان، صلاه، چاپ دوم، ١٣٨١ هـش.
- « علامه حلى، نهايه الاحكام فى معرفه الاحكام، قم، اسماعيليان، چاپ دوم، ١٤١٠ هـق.
- « پاينده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، مجموعه كلمات قصار حضرت رسول، ترجمه نشر جاويدان.
- « گلپايگانى، سيد محمدرضا، هدايه العباد، قم، انتشارات دارالقرآن الكريم، ١٤١٣ هـق.
- « صافى الكلپايگانى، شيخ لطف الله، هدايه العباد، قم، انتشارات دارالقرآن الكريم، ١٤١٦ هـق.
- « شيخ حرّ عاملى، محمدحسن، وسائل الشيعه، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ١٤٠٩ هـق.

حضور بانوان در مسجد و نماز جماعت براساس آموزه‌های دینی

عسکری اسلامپور کریمی

چکیده

یکی از مسائلی که از دیرباز در میان مسلمانان مطرح بوده و گاه چالشی فکری و اجتماعی محسوب می شده، مسئله حضور زنان در مسجد و عرصه های اجتماعی است. مقاله حاضر در صدد تبیین حضور بانوان در مسجد و نماز جماعت بر اساس آموزه های اصیل اسلامی است. نویسنده با استناد به شواهد تاریخی و آیات و روایاتی که جواز یا عدم جواز حضور زنان در مسجد را بیان می کند، به تبیین این موضوع پرداخته است.

در گفتار اول: روایات و حضور بانوان در مسجد مورد بحث قرار گرفت. به طور کلی، روایات وارده درباره حضور زنان در مسجد، بر دو دسته اند: الف) دسته ای از روایات، مسجد زن را خانه و منزل مسکونی وی دانسته اند؛ ب) دسته ای از روایات بیانگر جواز حضور بانوان در مسجد است. نویسنده با نقد و بررسی این روایات، به تبیین دیدگاه ها پرداخته است. در گفتار دوم: تبیین شواهد تاریخی؛ علاوه بر روایات، شواهد تاریخی نیز حاکی از حضور زنان در مسجد برای نماز جماعت بوده است. در گفتار سوم و چهارم: شرایط حضور بانوان در مسجد و عرصه های اجتماعی و آثار و برکات این حضور، مورد بررسی قرار گرفت.

کلیدواژه‌ها:

مسجد، بانوان، جواز حضور، عدم جواز حضور، عرصه های اجتماعی، شرایط حضور، آثار و برکات حضور.

« مقدمه

با نگرش به مجموعه تعالیم حیات بخش شریعت اسلام، درمی یابیم که زن از سرشتی انسانی، همچون مرد آفریده شده است و همان گونه که در آفرینش با مرد یکسان می باشد و سرشتی جداگانه ندارد، در رشد و کمال معنوی و رسیدن به قلّه های بلند تقوا و فضیلت و کسب ارزش های والای الهی و انسانی نیز دارای استعداد های سرشار است که حق تعالی در او به ودیعت نهاده است.

بانوان به عنوان نیمی از پیکر جامعه انسانی، همانند مردان در مشارکت عمومی، پایگاه و جایگاه مناسب دارند و نمی توان از نقش سازنده آنان چشم پوشید. اسلام، با حضور بانوان در عرصه های مختلف اجتماعی مخالف نیست و آن را منع نکرده است؛ بلکه وظیفه اصلی وی را مادری و تربیت و پرورش انسان های بزرگ و وارسته می داند؛ البته در کنار آن نیز به آنان اجازه داده تا با حفظ حریم و عفت و پاکدامنی و در پوششی محفوظ از تیر زهر آگین نگاه های هوس آلوده آلوده دلان، در اجتماع حضور یابد و برای رشد و ترقی خود و جامعه گام بردارند.

تاریخ اسلام سرشار از صحنه هایی است که زنان آفریدگار آن بودند. در این نوشتار برآنیم تا با مطالعه و بررسی آموزه های دینی و تاریخ اسلام (شواهد تاریخی)، به جواز حضور زنان در مشارکت عمومی و عرصه های مختلف اجتماع مانند، حضور در مساجد و دیگر اماکن عبادی بپردازیم؛ باشد که ابهامات موجود در این باره در پرتو آموزه های اصیل اسلامی و شواهد تاریخی از صدر اسلام، به خوبی بر همگان آشکار گردد.

« گفتار اول: روایات و حضور بانوان در مسجد

با امعان نظر در منابع اصیل روایی اسلام، درمی یابیم که روایات وارده در خصوص حضور بانوان در مسجد، بر دو قسم قابل تقسیم است:

الف) دسته ای از روایات، مسجد زن را خانه و منزل مسکونی وی دانسته است؛

ب) دسته ای از روایات، بیانگر جواز حضور بانوان در مسجد است.

اندیشمندان شیعه با توجه به این دو دسته از روایات و نیز دسته دیگری از روایات که بیانگر ترغیب و تشویق بر رفت و آمد به مسجد برای انسان - اعم از زن و مرد - است^۱، نسبت به حضور زنان در مسجد، اختلاف نظر دارند.

عده ای همچون، علامه حلی رحمته الله علیه حضور بانوان را در مساجد مکروه دانسته اند.^۲

عده کثیری از فقها گرچه حکم به کراهت نداده اند، ولی خواندن نماز در خانه را برای زن افضل شمرده اند؛ دلیل این دو دسته، برخی آیات و روایات است که در ذیل به آن می پردازیم.

برخی از فقهای عظام شیعه نه تنها جواز، بلکه استحباب را در حضور زنان در مساجد دانسته اند.

الف) بررسی و پاسخ به دلایل قائلان به افضلیت نماز برای بانوان در خانه

دین مبین اسلام به مسئله حجاب و عفاف زنان جهت حفظ شخصیت و ارزش آنها اهمیت فوق العاده ای قائل شده است.

خداوند در قرآن کریم به زنان پیامبر صلوات الله علیهم دستورهای خاصی داده است تا ارزش و احترام آنان محفوظ بماند. از جمله می فرماید: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا؛ ای زنان پیامبر! اگر تقوای پیشه کنید، مانند هیچ یک از زنان نیستید؛ پس در گفتار، نرمی نکنید تا آن که بیمار دل است، طمع کند و سخن پسندیده

^۱ - ۱- ر.ک: وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۸۷؛ من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۷؛ کترالعمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج ۸، ص ۶۵۰.

^۲ - تذکره الفقها، ج ۱، ص ۹۰.

بگویند»^۱.

همچنین در آیه ای دیگر می فرماید: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى...»^۲.

واژه «قرن» از وقر- یقر به معنای استقر است، مستقر شدن و بر جای ماندن، «سید قطب» با توجه به این معنا، نوشته است: «قرن، تعبیر لطیفی است؛ یعنی: خانه، پایگاه زن است؛ از این رو، زن به قدر نیاز و حاجت می تواند از منزل خارج شود»^۳.

در تفسیر «فرقان» نیز آمده است: قرن از قرّ یقرّ، امر آن: «اقررن» است. آیه شریفه، زنان را به قرار گرفتن در خانه امر می کند و اینکه بدون حاجت از منزل خارج نشوند.^۴

درباره معنای واژه «تبرّج» در قدیمی ترین متن لغوی، یعنی کتاب «العین» آمده است: آن گاه که زن زیبایی های گریبان و چهره را بنمایاند، گفته می شود: تبرّج کرده است.^۵

فیومی نیز جلوه گری و عرضه زیبایی ها را مفهوم تبرّج دانسته و نوشته است: «تبرّجت المرءه؛ یعنی زن، زیبایی ها و زینت هایش را در مقابل نامحرم آشکار سازد»^۶.

ناگفته نماند که طرف خطاب خداوند در آیه مزبور، همسران پیامبرند؛ ولی در مورد هریک از زنان مسلمان نیز می تواند صادق باشد. در آیه قبل، زنان پیامبر از سخن گفتن هوس انگیز و مهیج، نهی شده اند تا از طمع و آزار بیگانگان ایمن باشند. در این آیه می فرماید: در خانه هایتان بمانید و همچون زنان جاهلیت در میان جمعیت ظاهر نشوید و اندام و زیبایی و زینت خود را در معرض تماشای دیگران قرار ندهید.

۱ - احزاب، آیه ۳۲.

۲ - احزاب، آیه ۳۳.

۳ - فی ضلال القرآن، ج ۵، ص ۲۸۵۹.

۴ - الفرقان فی تفسیر القرآن، ج ۲۲، ص ۱۰۵.

۵ - کتاب العین، ج ۶، ص ۱۱۵.

۶ - مصباح المنیر، ج ۱، ص ۴۲.

این آیه شریفه، بیانگر اهمیت حجاب اسلامی و نهی از خودنمایی است که به زنان مسلمان دستور می دهد همانند زنان عصر جاهلیت نخستین، برای حضور در اجتماع، از خودنمایی و خودآرایی بپرهیزند. روشن است که مراد، محصور و محبوس نمودن زن در خانه و بریدن او با اجتماع نیست؛ زیرا مخاطبان آیه، یعنی زنان پیامبر ﷺ به شهادت تاریخ همراه آن حضرت به مسافرت رفته، در جنگ ها شرکت جسته و پیامبر ﷺ نیز منعی نفرموده است.

قرآن کریم خطاب به پیامبر ﷺ می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزُوجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛ ای پیامبر! به زنان و دختران خود و به زنان و مؤمنان بگو که چادر خود را بر خود فرو پوشند. این مناسب تر است، تا شناخته نشوند و مورد آزار قرار نگیرند»^۱.

این آیه شریفه، فلسفه پوشش زنان را با تعبیر «ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ» بیان کرده است: یعنی پوشش، نزدیک ترین راه است که زنان به ستر و عفاف شناخته شوند و ناهلان و فاسدان در مقام تعقیب آنان بر نیایند و به آنها اذیت و بی احترامی نکنند و نگاه هوس آلود و پرتمنا به آنان نداشته باشند.^۲

زینت زن اگر برای خود و محرمش حفظ شود، پاداشی ارزنده نزد خدا برای وی در نظر گرفته شده و زنان باید بکوشند تا با خویشتنداری به آن پاداش دست یابند و خدا خواسته تا ارجمند باشند و جایگاه آنان بر جا باشد. به هر صورت، این دستورات فقط برای همسران و اهلیت پیامبر ﷺ نیست. وقتی زنان پیامبر ﷺ باید در خانه بمانند تا حرمت آنان خدشه دار نشود، دیگر زنان هم چنین هستند این سفارش به خودداری از بیرون آمدن از خانه، به دلیل حفظ شئون اسلامی است.

درباره شأن نزول این آیه شریفه آمده است: «گروهی از منافقان، اوائل شب که هوا تاریک می شد در کوچه ها و معابر مزاحم زنانی که جهت اقامه نماز به

۱- احزاب، آیه ۵۹.

۲- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۱۷۷؛ التفسیر الکبیر، ج ۱۳، ص ۲۳۰.

مسجد می رفتند می شدند. خداوند این آیه شریفه را نازل فرمود و به پیامبر ﷺ دستور داد که به همسران و دختران خویش و زنان مؤمنین بگویند که بدون جلباب و روسری از خانه خارج نشوند. از این رو، پس از نزول آیه، زنان انصار با لباس سیاه و بلند و با حجاب کامل در نماز جماعت حاضر می شدند؛^۱ بنابراین، وجود عدم امنیت در جامعه و اهمیت و لزوم مصونیت زن از هرگونه تجاوز، اسلام دستور به حفظ حجاب و پوشش داده است.

همچنین قائلین به افضلیت نماز برای بانوان در خانه، به برخی از احادیث وارده از معصومان علیهم السلام که بر افضلیت نماز زنان در خانه دلالت دارد، تمسک جسته اند. دسته ای از روایات نیز زنان را از رفتن به مسجد بازداشته اند. همچنین از کتاب های روایی و فتاوی بعضی از فقهای شیعه و سنی استفاده می شود که برای زنان خواندن نماز در خانه از نماز خواندن در مسجد فضیلت بیشتر دارد. جهت اختصار به نمونه هایی از این روایات و فتاوا که مضمون همه آنها یکسان است، اشاره می کنیم:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «صَلَاةُ الْمَرْأَةِ وَحَدَا فِي بَيْتِهَا كَفَضْلِ صَلَاتِهَا فِي الْجَمْعِ خَمْسًا وَعَشْرِينَ دَرَجَةً؛ به تنهایی و در خانه نماز خواندن زن، مثل نماز در جمع است در حالی که بیست و پنج درجه فضیلت دارد».^۲

همچنین فرمودند: «إِنْ مَسَّجِدَ النِّسَاءِ الْبَيْوتُ، وَ صَلَاةُ الْمَرْأَةِ فِي بَيْتِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا وَصَفَّتْهَا وَ صَلَاتِهَا فِي صَفَّتِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي صَحْنِ دَارِهَا وَ صَلَاتِهَا فِي صَحْنِ دَارِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي سَطْحِ بَيْتِهَا؛ بهترین مسجد زنان، خانه است؛ و نماز در خانه برتر از نماز او در ایوان است؛ و نماز او در ایوان برتر از نمازش در حیاط خانه اش است؛ و نماز او در حیاط خانه، برتر از نمازش بر پشت بام خانه است».^۳

و نیز در «نهج الفصاحه» از آن حضرت چنین نقل شده است: «بهترین مسجد

^۱ - تفسیر مجمع البیان، ج ۴، ص ۳۷۰؛ تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۹۶؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۳۰۷.

^۲ - وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۳۷؛ بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۳۷۱.

^۳ - من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۱۰۸۸.

زنان، کنج خانه آنها است»^۱.

«نمازی که زن، در تاریک ترین گوشه خانه خود به جا می آورد، از همه نمازهای او نزد خدا محبوبتر است»^۲.

امام صادق (علیه السلام) در این باره فرمودند: «خَيْرُ مَسَاجِدِ نِسَائِكُمُ الْبَيْتُ؛ بهترین مساجد برای زنان شما خانه ها است»^۳.

همچنین فرمودند: «صَلَاةُ الْمَرْأَةِ فِي مَخْدِعِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي بَيْتِهَا وَ صَلَاتِهَا فِي بَيْتِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي الدَّارِ؛ نماز زن در اطاق عقبی (پستو)، برتر از نماز او در اطاق جلویی است و نماز او در اطاق نشیمن، برتر از نمازش در خانه اش است»^۴. یکی از همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله) از آن حضرت نقل می کند که فرمودند: «خَيْرُ مَسَاجِدِ النِّسَاءِ، فَعَرُّ بَيْوتِهِنَّ؛ بهترین مساجد برای زنان، اطاقهای عقب خانه های آنان است»^۵. همانند این روایات، در منابع اهل سنت نیز از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نقل شده است.^۶

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به امام علی (علیه السلام) فرمود: «يَا عَلِيُّ! لَيْسَ عَلَى النِّسَاءِ جُمُعَةٌ وَلَا أَذَانٌ وَلَا إِقَامَةٌ؛ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: ای علی! بر زنان نماز جمعه و جماعت و اذان و اقامه واجب نیست»^۷.

از نظر فقهی، در فقه شیعه و سنی در این مسئله تقریباً نظریه واحدی وجود دارد و آن این که ادله وجوب نماز جمعه به چند دسته تریخص داده است؛ یک دسته از آنها زنان هستند. نماز جمعه یک تکلیف واجب است که در زمان حضور معصوم (علیه السلام) واجب تعیینی بود. چند گروه از این حضور معاف بودند؛ بنابراین، بیان و لسان ادله، رفع کلفت و الزام است، نه ایجاد ممانعت؛ به عبارت دیگر، وجوب نماز جمعه منوط به مذکر بودن است، نه جواز آن. بر همین اساس، فتوای اکثر قریب به اتفاق فقهای عظام این است که در صورت حضور، نماز جمعه زنان

۱ - نهج الفصاحه، ص ۴۷۴، ح ۱۵۳۲.

۲ - همان، ص ۶۹۰، ح ۲۵۸۸.

۳ - وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۳۷، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۸؛ بحارالانوار، ج ۸۰، ص ۳۷۱.

۴ - وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۳۶؛ من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۹۷.

۵ - اعلام الساجد بأحكام المساجد، ص ۳۰۹.

۶ - سنن ابی داود، ج ۱، ص ۱۳۷، ج ۵۷.

۷ - بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۱۱۵.

صحیح و کفایت از نماز ظهر آنان می کند. حتی برخی از این هم فراتر رفته و فرموده اند: زنان در صورت عدم حضور، تکلیفی نسبت به نماز جمعه ندارند؛ ولی اگر در جماعت حضور پیدا کردند، بر آنها واجب می شود. مانند صاحب سرائر که می نویسد: در صورت عدم حضور، نماز جمعه جایز و گرنه واجب است.^۱

شهید اول رحمته، در «دروس الشرعیه» می گوید: «و مع الحضور، تجب».^۲ برخی از علماء، فتوای فوق را درباره باقی معذورین غیر از زنان؛ مانند بیماران، صحیح می دانند، ولی در زنان صحیح نمی دانند. چنان که محقق اردبیلی رحمته با این نظر مخالفت نمودند. وی گرچه نماز جمعه زنان را فقط مجزی دانسته، نه واجب؛ ولی برای فرق میان زنان و سایر معذورین؛ چه از نظر اجزاء و عدم اجزاء و چه از حیث وجوب و عدم وجوب، ادله وارده را تمام نمی داند، بلکه می فرماید: «لعلَّ الوَجه انَّ سقوطها للمشقه فهو رخصه آمنوطه بالعله فعلی تقدیر عدمها لایسقط... لأنَّ الساقط هو السعی والشهود... و سقوط الشهود لایستلزم سقوط الصلاه مطلقاً...» بعد می فرماید تمام ادله در مورد زنان هم جاری هستند؛ «فالفرق بینها و بین غیرها محل تأمل».^۴

امام خمینی رحمته نیز نماز جمعه برای زنان را جایز و مجزی از نماز ظهرشان می داند.^۵

به هر حال، حکم فقهی مسئله در کلمات فقهای عظام موجود است و غرض از این توضیح، ارائه گزارشی از جواز حضور زنان در نماز جمعه، سنت بودن آن در کتاب های روایی و فقهی بود. مبنی بر اینکه فتوای مشهور فقهای عظام، جواز و اجزای نماز جمعه زنان است.

همچنین در کتاب های اهل سنت نیز روایاتی که رجحان نماز در خانه را بر نماز جماعت زنان ثابت می کنند، وجود دارد؛ از جمله، روایت ذیل که ابوداود و حاکم

۱ - سلسله الینابیع الفقهیه، ج ۴، ص ۷۱۸.

۲ - همان، ج ۲۸، ۶۴۷.

۳ - البته خود ایشان در ادامه بحث احتمال هم می دهند که رفع وجوب، رخصتی نباشد، بلکه عزیمتی باشد، مثل نماز مسافر.

۴ - مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان، ج ۲، ص ۳۴۵.

۵ - تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الصلاه، فیمن تجب علیه صلاه الجمعه، ص ۲۳۷.

نقل کرده اند: «صَلَاةُ الْمَرْأَةِ فِي بَيْتِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي الْمَسْجِدِ؛ نَمَازُ زَنِّ دَرِ خَانِهْ أَشْ، اَزِ نَمَازِ دَرِ مَسْجِدِ بَرْتَرِ اسْت؛ اَلْبَتَهْ دَرِ كِتَابِ «تَحْرِيرِ الْمَرْأَةِ فِي عَصْرِ الرِّسَالَةِ» دَرِ صَحْتِ اَیْنِ رَوَايَتِ خَدَشَهْ شَدَهْ اسْت»^۱.

در کتاب های فقهی معاصر فقهای اهل سنت، مسئله خروج زنان برای اقامه جماعت، منوط به ایمنی از وقوع در فتنه، عدم ازدحام مردان در خیابان ها و بازارهای منتهی به مساجد ذکر شده است. برخی نیز برای جمع میان هر دو فضیلت؛ یعنی جماعت زنان و عدم حضور در میان مردان، نماز جماعت زنان در خانه را پیشنهاد داده اند.^۲

به نظر می رسد با وجود روایات فراوانی که در کتاب های روایی اهل سنت وجود دارد که هم ترغیب پیامبر ﷺ به شرکت زنان در جماعت را می رساند و هم سیره متشرعین عصر رسالت را بیان می کند، منع تنزیهی علمای اهل سنت از شرکت زنان در جماعت کمی عجیب می باشد.

بسیاری از فقهای عظام نیز با توجه به اهمیت حفظ حجاب، از روایات «منع خروج زنان از خانه» همین معنا (افضلیت نماز در خانه) را استنباط کرده اند. در کتاب «روضه المتقین» در شرح روایت امام صادق (علیه السلام) که فرمود: «خَيْرُ مَسَاجِدِ نِسَائِكُمُ الْبُيُوتُ»^۳ آمده است: «لَا نَهَا أَقْرَبُ إِلَيَّ عِصْمَتِهِنَّ وَ سَتْرِهِنَّ؛ نَمَازِ خَوَانِدِنِ زَنَانِ دَرِ خَانِهْ بَهْ عِصْمَتِ وَ عِفَافِ اَنَانِ نَزْدِيكَ تَرِ اسْت»^۴.

صاحب مفتاح الكرامه در جمع آوری اقوال در این باره آورده است: «هل شرعية إتيان المساجد للرجال خاصة أو لهم وللنساء؟ في نهاية الأحكام و كشف الإلتباس، هذا الحكم يعني: إتيان المساجد مختص بالرجال دون النساء لأنهن أمرة بالإستتار و في (حاشية الميسري): إنما تستحب الفريضة في المسجد في حق الرجال أما النساء فبيوتهن مطلقاً. و في مجمع البرهان خبر يونس بن ضبيان يدل على اختصاص فضيلة المسجد بالرجال كما هو المذكور في الكتب والمشهور بينهم و

^۱ - تحرير المرأة في عصر الرسالة، ج ۱۳، ص ۲۲۰.

^۲ - العك الشيخ - خالد - موسوعه فقه المرأة المسلمه من الكتاب والسنة.

^۳ . وسائل الشيعه، ج ۵، ص ۲۳۷، ح ۶۴۳۲ و ۶۴۳۴؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۳۸، ح ۷۱۸؛ بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۳۷۱، ح ۳۲.

^۴ - روضه المتقین فی شرح من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۰۷.

فی التذکره یکره للنساء الإتیان الی المساجد و فی (الدروس) للنساء الاختلاف الیهما کالرجال و إن کان البیت افضل و خصوصاً لذوات الهیئات و فی (النفلیه) صلوه المرأه فی دارها فی (الذکرى) الاقرب شرعیه اتیان المساجد للنساء و فی موضع آخر من کشف الالتباس انّ صلوه المرأه فی بیتهأ افضل من صلواتها فی المسجد و فی (اللمعه و الروضه) الافضل المسجد لغير المرأه أو مطلقاً بناءً علی اطلاق المسجد علی بیتهأ و قالوا ایضاً: و مسجد المرأه بیتهأ بمعنی انّ صلواتها فی افضل من خروجها الی المسجد أو بمعنی کون صلواتها فیة کالمسجد فی الفضیله فلاتفتقر الی طلبها بالخروج و هل هو کمسجد مطلق أو هو کما ترید الخروج الیه، فتخلف بحسبه الظاهر الثانی قلت: و من تتبع مباحث الجماعه و الأوقات و مباحث الحیض و الاستحاضه و غیرها، ظهر له انّ الاصحاح قائلون بشرعیه اتیان المساجد للنساء فینبغى التأمّل فی محل النزاع؛ آیا رفتن به مسجد فقط برای مردان مشروع است یا برای زنان نیز جایز است؟

در «نهایه الأحکام» و «کشف الإلتباس» این امر مختص مردان شمرده شده است، نه زنان؛ زیرا به زنان دستور پوشش و پنهان شدن داده شده است. در حاشیه «میسی» آمده است: خواندن نماز در مسجد برای مردان مستحب است، اما استحباب نماز در خانه برای زنان به طور مطلق ثابت است. و در «مجمع البرهان» در خبر یونس بن ضبیان آمده: فضیلت رفتن به مسجد برای مردان ثابت است، نه برای زنان.

همان طور که مشهور بین فقها هم همین است.

و علامه حلّی در «تذکره» می نویسد: رفتن زنان به مسجد مکروه است.

و در «نفلیه» آمده است: نماز زن باید در خانه اش برپا شود.

و علامه در «ذکرى» می گوید: نماز زن در خانه اش افضل از مسجد است.

و شهید اول و دوم در «لمعه» و «روضه» می گویند: بهتر این است که بگوییم مسجد برای غیر زنان است یا این حکم به طور مطلق جاری است. بنابراین که خانه برای زنان در حکم مسجد است.

و شهید اول و ثانی نیز در معنای «مسجد المرأه بیتهأ» گفته اند: یعنی نماز

خواندن زنان در خانه افضل از رفتن آنها به مسجد است یا به این معنا است که فضیلت نماز زنان در خانه مثل مسجد است و نیازی به رفتن به مسجد نیست. البته صاحب «مفتاح الکرامه» بعد از نقل اقوال می گوید: «کسی که مباحث احکام جماعت، اوقات، مباحث حیض، استحاضه و غیر آنها را تتبع کند، برایش روشن می شود که اصحاب، قائل به شرعیت رفتن زنان به مسجد هستند. بنابراین، سزاوار است در خصوص این موضوع دقت شود».^۱

شهید ثانی در «شرح لمعه» می گوید: «والأفضل المسجد لغير المرأة أو مطلقاً بناءً على إطلاق المسجد على بيئتها بالنسبة إليها... و مسجد المرأة بيئتها، بمعنى أن صلاتها فيه أفضل من خروجها إلى المسجد أو بمعنى كون صلاتها فيه كالصلاة في الفضيله فلا تفتقر إلى طلبها بالخروج؛ بهتر آن است که بگوئیم رفتن به مسجد برای غیر زنان است یا این که بگوئیم: خانه به طور مطلق «مسجد» زن است. ناگفته نماند معنای این که مسجد زن، خانه اوست، این است که نماز زن در خانه اش از رفتن او به مسجد برتر است یا به این معنا که اقامه نماز در خانه در فضیلت، مثل مسجد است و نیازی به رفتن او به مسجد نیست».^۲

در کتاب «عروه الوثقی» آمده است: «صلاة المرأة في بيئتها أفضل من صلاتها في المسجد؛ نماز زن در خانه بهتر از نماز او در مسجد است».^۳

امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ در تحریر الوسیله آورده است: «و الأفضل للنساء الصلاة في بيوتهن، و الأفضل بيت المخدوع؛ برای زن ها نماز خواندن در خانه، بلکه در صندوق خانه و اطاق عقب بهتر است».^۴

از مجموع روایات گذشته می توان این گونه استفاده کرد که خواندن نماز در خانه نسبت به مسجد برای زنان بهتر است. اما با تأملی در این گونه روایات درمی یابیم که معمولاً تلاش شده تا به نحوی به مسئله حجاب اسلامی اهمیت بدهند و به همین دلیل هم به نماز در خانه فضیلت داده اند.

۱ - مفتاح الکرامه، ج ۲، ص ۲۲۸ - ۲۲۹.

۲ - شرح اللمعه دمشقیه، ج ۱، ص ۶۳.

۳ - عروه الوثقی، ج ۱، ص ۴۲۶.

۴ - تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۵۲.

بدون هیچ تردیدی، اندام زن به ویژه اگر با آرایه ها و پیرایه هایی، آراسته گردد، هیجان انگیز و هوس آفرین است. از سوی دیگر زن، نیمی از پیکره جامعه انسانی را تشکیل می دهد و در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می تواند نقش آفرینی داشته باشد.

اسلام با طرح پوشش زن در حقیقت جواز حضور وی در عرصه های مختلف اجتماعی را رقم زده است و با دستورات حکیمانه و راه گشایی که در چگونگی منش و روش او ارائه داده، از یک سو این نیروی عظیم را از تباه شدن و در گوشه ای بی هدف و بی اثر ماندن نجات داده و از سوی دیگر جلو فسادگری و ناهنجاری های ناشی از اختلاط زن و مرد را گرفته است. بنابراین، وجود عدم امنیت در جامعه و اهمیت و لزوم مصونیت زن از هرگونه تجاوز، شریعت اسلام دستور به حفظ حجاب و پوشش داده است.

اگر زنی بتواند خود را از دید نامحرم بپوشاند و یا دیدگان خویش را از نگاه بیگانه فرو بندد، حضور او در مسجد منعی ندارد. همان طور که در زمان رسول خدا ﷺ زنان با حفظ حجاب و پوشش اسلامی به نماز جماعت در مسجد حضور پیدا می کردند. امام خمینی ره در این باره فرموده است: «اگر (زن) بتواند کاملاً خود را از نامحرم حفظ کند، بهتر است در مسجد نماز بخواند»^۱.

و همچنین حضرت آیت ا... مکارم شیرازی می فرمایند: «برای زن ها بهتر آن است که نماز را در خانه بخوانند، ولی اگر خود را از نامحرم به خوبی حفظ کنند، بهتر است در مسجد بخوانند»^۲.

و نیز از صاحب «دروس» نقل شده که فرمود: «یستحب للنساء الإختلاف إلیها کالرجال و إن کان البیت أفضل؛ رفتن به مسجد برای زن مستحب است مانند مردان، گر چه خانه بهتر است»^۳.

با توجه به مطالب یادشده، اگر کسی بگوید چون برای زن بهتر است که در خانه نماز بخواند و روایات و آیات و نیز دیدگاه های دانشمندان بزرگ اسلامی

۱- امام خمینی، رساله توضیح المسائل، مسئله ۸۹۳.

۲- آیت ا... مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، مسئله ۸۱۷.

۳- مفتاح الکرامه، ج ۲، ص ۲۲۸-۲۲۹.

هم گواه بر این است، دلیل استواری نخواهد بود؛ از این رو که، این برتری در روایات نمی تواند مانعی باشد برای ارزش نمازی که زن می تواند در مسجد به دست آورد.

اگر نماز در خانه برای زن سزاوارتر باشد، به همین اندازه نیز خواندن نماز در مسجد یا شرکت در دعاها سفارش شده و اهمیت هر کدام در جای خود محفوظ است.

و نیز به همین مقدار که کراهت رفتن زنان به مساجد در روایات اشاره شده، در برابر، روایات بسیاری هم وجود دارد که حضور بانوان در مسجد را جائز می داند.

در برخی از روایات آمده، وقتی زنان درخواست اجازه برای رفتن به مسجد کردند، منعشان نکنید. در سنن ابوداود باب «ما جاء فی خروج النساء الی المسجد» تعدادی از این روایات ذکر شده است.

رسول خدا ﷺ فرمود: «لَا تَمْنَعُوا إِمَاءَ اللَّهِ مَسَاجِدَ اللَّهِ وَلِيُخْرِجَنَّ وَهِنَّ تَفَلَّاتٍ (ای غیرمتطیبات)؛ همسرانتان را از رفتن به مساجد خدا منع نکنید. البته باید موقع بیرون رفتن بوی خوش (عطر) استعمال نکنند»^۱.

و در روایتی دیگر نیز از آن حضرت آمده است: «أَذِنُوا لِلنِّسَاءِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِاللَّيْلِ؛ هنگام شب به زنان برای رفتن به مساجد اذن دهید»^۲.

در کتاب کنز العمال نیز در باب حکم اذن زنان، از رسول خدا ﷺ آمده است: «إِذَا اسْتَأْذَنَكُمْ نِسَاؤُكُمْ بِاللَّيْلِ إِلَى الْمَسْجِدِ فَأَذِنُوا لَهُنَّ؛ شب هنگام که زنان برای رفتن به مسجد اجازه می خواهند، رخصت دهید»^۳. همچنین آن حضرت می فرماید: «إِذَا اسْتَأْذَنَكُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَلَا تَمْنَعُوهُنَّ؛ وقتی که زنان شما برای رفتن به مسجد جهت اقامه نماز اجازه می خواهند، منع نکنید»^۴. در صحیح بخاری و صحیح مسلم، نیز روایاتی از پیامبر ﷺ به همین تعبیر آمده است: «إِذَا اسْتَأْذَنَتْ

۱ - سنن ابی داود، ج ۱، ص ۱۵۵، ح ۵۶۵ و ۵۶۶ و ۵۶۷.

۲ - همان، ح ۵۶۸.

۳ - کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۷۷، ح ۲۰۸۷۲.

۴ - همان، ح ۲۰۸۷۳.

أَحَدِكُمْ إِمرَأَتُهُ إِلَى الْمَسْجِدِ فَلَا يَمْنَعُهَا؛ هرگاه همسر یکی از شما برای رفتن به مسجد اذن خواست، مانع نشوید»^۱.

همچنین آن حضرت می فرمایند: «لَا تَمْنَعُوا النِّسَاءَ حَظُوظَهُنَّ مِنَ الْمَسَاجِدِ إِذَا اسْتَأْذَنُوكُمْ؛ باز ندارید زنان را از فیض مسجد، آن هنگام که از شما اجازه می خواهند»^۲.

برخی از روایات مزبور علاوه بر تصریح در جواز خروج زنان برای اقامه جماعت در مسجد، حاکی از این است که بحث حضور زنان برای اقامه جماعت عشاء یا صبح که مستلزم خروج در تاریکی بوده، برای مردان مشکل به نظر می رسیده و حضرت با کلام فوق می خواهد که مردان رفع ممانعت نمایند. بنابراین، چنانچه زنان بتوانند حجاب اسلامی و شئون زن مسلمان و پاکدامنی خود را حفظ کنند، افضل بودن نماز در مسجد برای زنان همچون مردان است و جای هیچ گونه تردیدی نیست و طبق این روایات نباید آنان را از فضایل و آثار معنوی مسجد محروم کرد.

به هر حال سخن ما به بعضی از افرادی که دیدگاه مخالفی نسبت به حضور اجتماعی زنان دارند و آموزه های دینی و قرآن کریم را به عنوان پشتیبانی برای حبس کردن زن به چهار چوب خانه می دانند، این است: آیا به راستی آموزه های اصیل دینی و قرآنی با حضور اجتماعی زنان مخالف است و یا این مقوله نیز همچون بسیاری از موارد دیگر، نظر متحجرانه ای است که با نان دین در جوامع اسلامی و حتی جوامع غربی شیوع پیدا کرده است؟

قرآن کریم درباره حضور زنان در اجتماع، مؤمنان راستین را چنین معرفی می فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأَذَنَ لِمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ مؤمنان راستین کسانی اند که هم از نظر عقیده، به خدا و پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

۱ - صحیح بخاری، ج ۲، ص ۴۰۶، باب ۵۵۵ و ۵۵۸؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۶۱؛ السنن النسائی، ج ۲، ص ۴۲.

۲ - صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۶۱.

معتقدند و هم از نظر درک مسائل اجتماعی و هوش جمعی، جامعه را خوب می شناسند و در مسائل جمعی حضور دارند. آنها منزوی نیستند در فعالیت های اجتماعی حضور دارند»^۱.

«أمر جامع»، در این آیه شریفه همان مسائل جمعی یک نظام است. این حضور می تواند اشکال مختلفی پیدا کند، مثل حضور در مسجد برای نماز جماعت و فراگیری احکام و دستورات دینی، انتخابات، نماز جمعه، و سایر فعالیت های سیاسی و اجتماعی که در سرنوشت افراد جامعه تأثیر گذار است که این شمول هم شامل مردان می شود و هم شامل زنان. ملاحظه می کنیم اطلاق آیه شریفه به گونه ای است که این حکم برای زن و مرد (هر دو) قابل اجرا است.

روایات یادشده نیز گذشته از خلل در اسناد آنها، از جهت دلالت نیز مورد تأمل اند. خود پیامبر ﷺ، زمینه ساز حضور فعال اجتماعی زنان در تمام عرصه ها بودند؛ چنان که آن حضرت، زنان خویش را به جهاد می برد و نیز در مواردی که امر دفاع از پیامبر ﷺ حضور آنان را می طلبید؛ از آن دریغ نمی کرده اند.^۲ در سیره رفتاری پیامبر ﷺ با خانواده اش آمده است: هنگامی که می خواستند به مسافرت بروند، در میان همسران خود قرعه می زدند، هر کدام که قرعه بنام وی درمی آمد، در سفر همراه خویش می برد.^۳ بعضی از اصحاب نیز چنین می کردند.^۴

زنان پیامبر ﷺ همه از مهاجرین بودند.^۵ در هجرت به حبشه ۱۸ زن حضور داشتند^۶ که اسما بنت عمیس، ام سلمه و رقیه دختر رسول خدا از جمله آنان بودند.^۷ در میان زنان مهاجر به مدینه، فاطمه بنت اسد، مادر امیر مؤمنان (علیه السلام) نیز بود. طبق فرمایش امام صادق (علیه السلام)، وی اولین زنی بود که به سوی پیامبر ﷺ پیاده

۱ - نور، آیه ۶۲

۲ - ریاحین الشریعه، ج ۵، ص ۸۰

۳ - معجم ابی یعلی، ج ۱، ص ۹۳

۴ - صحیح بخاری، ج ۷، ص ۴۳

۵ - احزاب، آیه ۵۰

۶ - الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۲۰۷

۷ - الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۴، ص ۲۳۷

از مکه به مدینه هجرت نمود. در این هجرت، زینب دختر پیامبر ﷺ و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، همسر امیر مؤمنان علیه السلام، دختر دیگر آن حضرت نیز از جمله مهاجران فی سبیل الله به حساب می آیند.

همچنین می توان به حضور فعال زنان در بیعت، که یک امر کاملاً سیاسی و اجتماعی بود را نام برد و نکته جالب اینکه اولین بیعت پیامبر ﷺ با مسلمانان به دلیل حضور فعال بانوان به «بیعت النساء» معروف شد.

در زمان حکومت نبوی صلی الله علیه و آله و سلم زنان اجازه داشتند نمایندگان خود را به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بفرستند و بدون دخالت مردان، مطالبات خود را مطرح کنند. آنها سؤالات خود را با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در میان می گذاشتند و پاسخ ها را دریافت می کردند.

به عنوان مثال، ام سنان می گوید: ما زنان همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در نمازهای جمعه و جماعت و اعیاد مختلف شرکت می کردیم.

به هر حال، رفتن زنان به مساجد برای ادای نماز و سایر عبادات، در عصر رسالت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم امری عادی و معمول بود و این رفت و آمد فرصت مناسبی بود تا در مجالس علمی که از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و بزرگان صحابه در مساجد برپا می شد، حضور یابند. داستان آن زن که پیشنهاد عمر را درباره پایین آوردن میزان مهریه ها ردّ کرد و عمر پس از شنیدن دلیل وی، رجوع به حق کرد، مشهور است و این خود دلیلی است بر اینکه آزادی اندیشه برای مردها و زنها یکسان بوده است.^۳

تقریر و سکوت معصومان علیهم السلام در عصر بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در این خصوص نیز از وجوه حجیت چنین حضورهاست؛ چنان که در زمان امام علی علیه السلام خانواده آن حضرت، یعنی دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و نوادگان دختری وی در عرصه های مختلف سیاسی و اجتماعی حضور جدی داشتند. حضرت زهرا علیها السلام پیشتازترین مخالف سیاسی علیه نظام خلافت سقیفه بود و بارها با خلیفه اول محاجّه کرد و او را محکوم نمود.

۱ - اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۷.

۲ - بحارالانوار، ج ۱۹، ص ۳۸۰.

۳ - تاریخ دانشگاه های اسلامی، ص ۳۶۶.

خطبه ایشان در مسجد ایراد شد و زنان و مردان آن را گوش دادند. هرگز امیر مؤمنان (علیه السلام) نسبت حضور ایشان در مسجد و دیگر عرصه های اجتماعی اعتراض نداشت و یا همچون سکوت آن حضرت در مقابل تلاش سیاسی ام سلمه در دفاع از ولایت و نیز ام الفضل که در غزوات جمل و صفین کار اطلاعاتی برای حضرت انجام می دادند.

صاحب «وسائل الشیعه»، روایات گوناگونی را درباره حضور بانوان در عرصه های مختلف اجتماع گردآورده و شرایط و چگونگی شرکت آنان را در مسائل اجتماعی بیان کرده و از مجموع روایات به این نتیجه می رسد که: «برای زنان رواست که در مجالس عزا، ادای حقوق مردم، و یا تشییع جنازه از منزل بیرون روند و در این کارها شرکت کنند، همچنان که حضرت فاطمه (علیها السلام) و زنان ائمه اطهار (علیهم السلام) در آنها شرکت می کرده اند»^۱.

بنابراین، اگر احکامی محدودکننده در اسلام نسبت به زنان وجود دارد، هرگز به معنای حبس زن در خانه و نادیده گرفتن توانایی های این بخش از اجتماع در اداره جامعه و نقش آفرینی اجتماعی آنان نیست.

اینها نشان می دهد که باید از روایات حبس در خانه - که قبلاً ذکر شد - تفسیری دیگر کرد و معنای ظاهر، منظور نیست.

گذشته از دلایلی که تا کنون بدان استناد شد، روایات زیادی (روایات عام) از طریق ائمه معصومان (علیهم السلام) به ما رسیده است، مبنی بر این که مسجد متعلق به تمام مردم، اعم از زن و مرد است و اختصاص به گروهی ندارد.^۲

افزون بر اینها، حضور زنان و مردان در مسجد، زنده نگه داشتن شعائر الهی است؛ چنان که ائمه اطهار (علیهم السلام) تأکید و تشویق فوق العاده ای نسبت به رفت و آمد به مساجد و حضور مستمر در آن کرده اند؛ زیرا بزرگداشت شعائر آسمانی و گرمی داشتن آیین دینی، نشانه دینداری و پایبندی به مقدّسات آن است. این مطلبی است که شامل بسیاری از باورهای دینی می شود که از آن دسته است: مسجد

۱- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۷۶.

۲. کترالعمال، ج ۷، ص ۶۵۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۹، ۵۵۴.

و روزه داری و روزهای ویژه ای مانند عیدها و جز آن، که امام خمینی رحمته الله علیه آنها را «یوم الله» می خواندند: امام خمینی رحمته الله علیه کرامت و برتری این اماکن را این گونه بیان می نمودند: «در شرع مقدّس اسلام بسیار سفارش شده است که نماز را در مسجد بخوانند و بهتر از همه مسجدها، مسجدالحرام است و بعد از آن مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله و بعد مسجد کوفه و بعد از آن مسجد بیت المقدّس و بعد مسجد جامع هر شهر و بعد از آن مسجد محله، بعد مسجد بازار است»^۱.

مسجد که به فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله خانه خدا^۲، انوار الهی^۳، جایگاه پیامبران^۴ و نیز بوستان بهشتی شمرده شده است، بهترین مصادیق شعائر الهی است. ارج نهادن به این شعائر به فرموده قرآن کریم، نشان دهنده پرهیزکاری است: «وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ؛ و هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دلهاست»^۵. بر همین اساس در قرآن کریم از مانع شدن از یاد خدا در مسجد، تعبیر به ظلم شده است: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَى فِي خَرَابِهَا...؛ چه کسی ظالمر و ستمکارتر از آنکه از بردن نام خدا در مسجد جلوگیری کند و در خراب کردن آن سعی و کوشش کند»^۶.

در قرون اخیر، تخریب مسجد و ساختمان های توحیدی بنا شده بر قبور ائمه اطهار علیهم السلام در «بقیع» توسط وهابیان و تخریب مسجد «بابری» در هند، نمونه هایی از ظلم به مسجد بوده اند. ظلم به مسجد، هم شامل ظلم به خود مسجد و هم مؤمنان نمازگزار در آن است که جلوگیری از ورود به مسجد برای برپایی شعائر اسلامی و گفتن ذکر و یاد خدا، از مصادیق بارز ظلم به مسجد و مؤمنان است^۷. علاوه بر اینکه احترام به مسجد نشان از تقواست و بازداشتن از ذکر خدا ستمگری شمرده شده، اگر کسی به مسجد احترام هم نکند، یعنی عملی که حاکی از سبک شمردن مسجد باشد، از او صادر شود، ملعون است. امام

۱. امام خمینی، توضیح المسائل، مسئله ۸۹۳.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۶۸.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۴۷.

۴. همان، ص ۳۱۳ و ۳۵۹.

۵. حج، آیه ۳۲.

۶. بقره، آیه ۱۱۴.

۷. فرهنگ مسجد، ص ۱۸۳ - ۱۸۴.

صادق عليه السلام در این باره می فرماید: «مَلْعُونٌ، مَلْعُونٌ مَنْ لَمْ يُوقِّرِ الْمَسْجِدَ؛ مورد نفرین خداست کسی که به مسجد احترام نگذارد».^۱

به همین دلیل، فقهای عظام در فقه، قاعده ای تحت عنوان «حرمة اهانه المحرمات فی الدین» مطرح کرده اند. بر اساس این قاعده، که مفاد آن مورد اتفاق همگان است، هتک، اهانت و تحقیر آنچه در دین اسلام دارای حرمت است، جایز نیست و مسجد مسلمانان از مواردی است که رعایت احترام آن لازم شمرده شده است. همچنین برخی از علما اهانت به مسجد و هتک احترام آن را از گناهان کبیره دانسته اند؛ زیرا مکانی که شعائر الهی و از محرمات دینی محسوب می شود، احترام و حرمت آن واجب است.

در کتاب «گناهان کبیره» تحت عنوان «هتک مساجد» آمده است: هر مکانی که به وسیله مسلمانان و بعنوان مسجد بنا شود، شیعه باشد یا از سایر فرق اسلامی، رعایت حرمت آن واجب و اهانت و هتک آن، مانند خراب کردن و یا آلوده ساختن آن به نجاست، گناه کبیره است. مسجد به حضرت آفریدگار نسبت دارد. «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»^۲ و اهانت به آن اهانت به خداست. علاوه بر این، بزرگی هتک مسجد نزد هر دینداری بدیهی و ارتکازی است^۳ بر این اساس، حضور زنان در مساجد برای انجام فرایض دینی مصداق تعظیم و بزرگداشت مساجد است و محروم کردن آنان از این فیض بزرگ، یکی از اقسام هتک و بی احترامی است که خود ستمی بس بزرگ است.

ب) قائلان به جواز و استحباب حضور بانوان در مسجد

عده ای از فقهای عظام شیعه معتقدند که نه تنها حضور بانوان در مسجد مانند دیگر عرصه های اجتماعی (البته با رعایت شئون اسلامی) جایز است، بلکه امری نیکو و مستحب می باشد.^۴ حتی بعضی از فقهای معاصر می فرمایند: برای زنان در

^۱ ۵۹- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۵۴؛ جامع الاحادیث، ج ۴، ص ۴۵۲.

^۲ جن، آیه ۱۸.

^۳ ۶۰- گناهان کبیره، ج ۲، ص ۳۸۵.

^۴ ۶۱- مجمع الفائده، ج ۲، ص ۱۵۹؛ دروس الشرعیه، ج ۱، ص ۱۵۵.

صورتی که خود را از نامحرم به خوبی حفظ کنند، بهتر است نماز را در مسجد بخوانند و اگر راهی برای یادگرفتن مسائل اسلامی جز از طریق رفتن به مسجد وجود ندارد، واجب است به مسجد بروند.^۱

ادله قائلین به جواز و استحباب حضور زنان در مسجد، عمومات و اطلاقات روایاتی است که بیانگر ترغیب و تشویق بر رفتن و آمدن به مساجد و بهره‌مندی از فضائل مسجد بر انسان، قطع نظر از جنسیت است. این عده که اکثریت علما را تشکیل می‌دهند بر این مدعی خود به برخی از شواهد تاریخی نیز تمسک نمودند.

در منابع روایی اسلام، روایات زیادی وجود دارد که همگی مشعر بر این است که مساجد متعلق به تمام مردم، اعم از زن و مرد است. با اندکی دقت در روایات ذیل، به روشنی درمی‌یابیم که میان مرد و زن هیچ گونه تفاوتی وجود ندارد؛ زیرا واژه‌هایی مانند، انسان‌های با تقوا، مؤمن، متقین، اهل مسجد، منع نکردن و جز آن، اختصاص به گروهی ندارد و برای عموم مسلمانان است.

در روایتی از پیامبر ﷺ نقل شده که فرمودند: «إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ يَعْتَادُ الْمَسَاجِدَ فَأَشْهَدُوا لَهُ بِالْإِيمَانِ لِأَنَّ اللَّهَ يَقُولُ إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنِ آمَنَ بِاللَّهِ؛ هنگامی که دیدید شخصی بر رفتن و آمدن به مسجد مداومت دارد، او را مؤمن بدانید؛ زیرا مسجد خانه انسان‌های با تقوا و صالح است».^۲

و نیز در روایتی دیگر فرمودند: «الْمَسْجِدُ بَيْتٌ كُلِّ مُؤْمِنٍ؛ مسجد خانه هر مؤمنی است».^۳ آن حضرت در بیانی دیگر مسجد را خانه همه متقیان و پرهیزکاران دانسته‌اند: «إِنَّ الْمَسَاجِدَ بُيُوتُ الْمُتَّقِينَ».^۴

و نیز فرمود: «مَنْ كَانَتْ الْمَسَاجِدُ بُيُوتَهُ فَقَدْ خَتَمَ اللَّهُ لَهُ بِالرَّوْحِ وَالرَّحْمَةِ وَالْجَوَازِ عَلَى الصَّرَاطِ إِلَى الْجَنَّةِ؛ هر کس خانه اش مسجد باشد، خداوند کارش را با رحمت و شادی قرار داده، و اجازه عبور از صراط به سوی بهشت را به او خواهد

^۱ ۶۲- آیت ا... مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، مسئله ۱۱۷.

^۲ ۶۳- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۲.

^۳ ۶۴- کنز العمال، ج ۷، ص ۶۵۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۹، ۵۵۴.

^۴ همان، ص ۶۵۹، ح ۲۰۷۸۵؛ نهج الفصاحه، ص ۵۹۶، ح ۳۰۸۳.

داد».^۱

امام حسن (علیه السلام) فرمود: «أَهْلُ الْمَسْجِدِ زُورًا وَ حَقٌّ عَلَى الْمَزُورِ التَّحَفُّهُ لِزَائِرِهِ؛ اهل مسجد، زائر خدا هستند و بر صاحب خانه است که بر زائرش هدیه ای بدهد».^۲ همچنین روایات متعددی که در آنها واژه «مَنْ مَشَى» و «مَنْ أَسْرَجَ» آمده است. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «مَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ، فَلَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ خَطَايَا حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيَّ مَنْزِلِهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَ مُجِيَ عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ وَ رُفِعَ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ؛ کسی که به مسجدی از مساجد خدا برود، برای هر گامی که برمی دارد تا به منزل برگردد، ده حسنه برایش نوشته می شود و ده گناه از او برداشته و ده درجه ترفیع می یابد».^۳

و همچنین در روایتی دیگر فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) «أَلَا إِنَّ بُيُوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدُ تُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ النُّجُومُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ الْأَطْوَبَى لِمَنْ كَانَتْ الْمَسَاجِدُ بُيُوتَهُ الْأَطْوَبَى لِعَبْدٍ تَوَضَّأَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي الْأَيُّمِيِّ عَلَى الْمَزُورِ كَرَامَةِ الزَّائِرِ الْأَبْشَرِ الْمَشَائِينِ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ خدای متعال فرمود: آگاه باش که خانه های من در زمین مساجد هستند و برای اهل آسمان ها همچون ستارگان برای اهل زمین می درخشند؛ آگاه باش، خوشا بحال کسی که مساجد خانه های اوست [بیشتر وقت ها در مساجد، نمازهایش را می خواند]؛ آگاه باش، خوشا به حال بنده ای که در خانه اش وضو بگیرد، سپس مرا در خانه ام زیارت کند؛ آگاه باش، بر زیارت شده واجب است که زائرش را تکریم کند؛ آگاه باش، به کسانی که در تاریکی ها به مساجد می روند بشارت بده به نور ساطع در روز قیامت».^۴

امام صادق (علیه السلام) نیز می فرماید: «مَنْ مَشَى إِلَى الْمَسْجِدِ لَمْ يَضَعْ رِجْلَيْهِ عَلَى رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا يُسَبِّحُ لَهُ إِلَى الْأَرْضِينَ السَّابِعَةِ؛ هر کس به طرف مسجد برود، پایش را بر هیچ تر و خشکی نمی گذارد، مگر اینکه زمین تا طبقات هفت گانه

^۱ ۶۶- مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۶۵۹.

^۲ ۶۷- کلمه الامام الحسن، ص ۴۱؛ الحکم الزاهره، ص ۱۵۰.

^۳ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۰۱؛ ثواب الاعمال، ص ۲۹۱.

^۴ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۸۲؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۵۷، ح ۷۸۱.

اش برای او تسبیح می گویند»^۱.

امام علی (علیه السلام) در مورد همسایه مسجد فرموده است: «لَا صَلَاةَ لِجَارِ الْمَسْجِدِ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ لَهُ عُذْرٌ أَوْ بِهِ عَلَيْهِ، فَقِيلَ: وَمَنْ جَارُ الْمَسْجِدِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ فَقَالَ (علیه السلام): مَنْ سَمِعَ النَّدَاءَ؛ نَمَازَ هَمْسَايَةِ مَسْجِدٍ - دَرِ خَانِهِ - نَمَازَ كَامِلٍ نَيْسَتْ؛ جَزَ اَيْنَكِهِ عَذْرَى دَاشْتَهُ بَاشَد. اَزَ اَنَ حَضْرَتِ سَوْأَلِ شَدَ كِهَ هَمْسَايَةِ مَسْجِدِ چِهَ كَسَى اسْت؟ فَرَمُود: كَسَى كِهَ صَدَايِ اِذَانِ رَا بَشْنُود»^۲.

همچنین آن حضرت (علیه السلام) فرمودند: «لَيْسَ لِجَارِ الْمَسْجِدِ صَلَاةٌ إِذَا لَمْ يَشْهَدْ الْمَكْتُوبَةَ فِي الْمَسْجِدِ إِذَا كَانَ فَارِغًا صَحِيحًا؛ هَمْسَايَةِ مَسْجِدٍ اِكْرَ مَانَعَى بَرَايشَ نَبُودَه وَ سَالِمَ بَاشَد وَ دَرِ اَيْنِ حَالِ بَرَايِ نَمَازِ وَاجِبِ دَرِ مَسْجِدِ حَاضِرِ نَشُود، نَمَازِشَ مَقْبُولِ دَرِ گَاهِ اِلَهِي نَخَوَاهَد بُود»^۳.

در روایتی دیگر از آن حضرت آمده است: «...لِيَحْضُرَنَّ مَعَنَا صَلَاتَنَا جَمَاعَةً أَوْ لَتَحْوِلَنَّ عَنَّا وَ لَا يُجَاوِرُنَا وَ لَا تُجَاوِرُهُمْ؛ اِمَامِ عَلِيِّ (علیه السلام) دَرِ جَوَابِ عَدَّةِ اِي كِهَ بَهَ حَضْرَتِ گَفْتَنَد: عَدَّةِ اِي اَزَ هَمْسَايِگَانِ مَسْجِدِ دَرِ نَمَازِ جَمَاعَتِ حَاضِرِ نَمِي شُونَد، فَرَمُود: بَايَدِ دَرِ نَمَازِ جَمَاعَتِ مَاضُورِ يَابَنَد، يَا اَيْنَكِهَ اَزَ مَاضُورِي گَزِينَنَد وَ هَمْسَايَةِ مَاضُورِي نَشُونَد وَ مَاضُورِي اِنْهَاشُوم»^۴.

از این رو، روایاتی که با کلمات: «مَنْ»، «مَنْ مَشَى»، «مَنْ أَسْرَجَ» «مُتَّقِينَ»، «مُؤْمِنِينَ» و «اهل المسجد، جار المسجد» و امثال این واژه ها شروع شده، دلالت بر عموم می کند.

همچنین دیگر روایاتی که به طور عام (اعم از زن و مرد)، مورد تأکید و تشویق بسیاری به رفت و آمد به مساجد و حضور مستمر در آن و روشنایی بخشیدن به مساجد شده است.^۵

۱ - ۷۰ - من لايحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۲۳؛ بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۱۳.

۲ - ۷۱ - بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۳۷۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۶؛ دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۴۸.

۳ - وسائل الشيعه، ج ۳، ص ۴۷۹، روایت ۵. حتی رسول خدا (ص) در مقام تأکید بر این امر می فرماید: «لَا صَلَاةَ لِجَارِ الْمَسْجِدِ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ»؛ یعنی همسایه مسجد نمازش مقبول نیست، مگر در مسجد. (وسائل الشيعه، ج ۳، ص ۴۷۸، روایت ۱). این احادیث و دهها روایت دیگر همه دلالت بر این دارد که نماز خواندن همسایه مسجد بدون عذر در غیر از مسجد کراهت دارد، و سیره و فتاوی فقهای ما نیز رد طول تاریخ برگرفته از همین تأکيدها می باشد.

۴ - وسائل الشيعه، ج ۳، ص ۴۷۹.

۵ - من لايحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۲۸، ح ۷۱۶؛ امالی شیخ طوسی، ص ۱۳۹.

« گفتار دؤم: تبیین شواهد تاریخی

علاوه بر روایات، شواهد تاریخی بیانگر حضور زنان در مسجد برای نماز جماعت، به خصوص نماز صبح و عشاءین در عصر رسول خدا ﷺ، از مسلمات تاریخ اسلام است. کعبه اولین خانه ای است برای عبادت انسان ها، اعم از زن و مرد بنا شد و عبادت کنندگان را به سوی خود جذب کرد؛ چنان که قرآن کریم می فرماید:

«إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ»^۱.

مکه و مسجدالحرام، کامل ترین مصداق مسجد است تا آنجا که نماز فرادا در آن از نماز جماعت در خانه بهتر است. همین مسجد است که اولین نماز جماعت به امامت پیامبر ﷺ با حضور بزرگ مردی چون حضرت علی (علیه السلام) و بانویی مکرم چون حضرت خدیجه (علیها السلام) در آن برگزار شد.

آنچه روشن است و از سیره معاصرین عصر رسالت نیز می توان دریافت، حضور زنان در مسجد، نماز جماعت مسلمانان است. این نکته از شواهدی چند به دست می آید، که در ذیل به برخی از آنها اشاره می کنیم.

نخستین نماز جماعت به امامت پیامبر ﷺ برگزار شد که در آن جماعت ها، حضرت خدیجه (علیها السلام) همسر گرامی پیامبر ﷺ حضور داشته و مردم این جماعت ها را مشاهده می کردند.^۲

روایاتی در دست است که تصریح دارد به حضور زنان در نمازهای جماعت؛ مانند روایت ذیل که به الفاظ مختلف نقل شده است:

در صحیح بخاری از عایشه نقل شده است:

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يُصَلِّي الصُّبْحَ بَغْلَسٍ فَيَنْصَرِفُن نِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ لَا يَعْرِفْنَ مِنَ الْغُلَسِ أَوْ لَا يَعْرِفُ بَعْضُهُنَّ بَعْضًا؛ پیامبر اکرم ﷺ نماز صبح را سپیده دم می خواندند و زنان مؤمنین برمی گشتند و معلوم نمی شد که چه کسی در نماز صبح شرکت کرده و یا بعضی از آنها بعض دیگر را نمی شناختند»^۳.

همچنین در حدیث دیگر از عایشه آمده است:

۱. آل عمران، آیه ۹۶.

۲. فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۲۰۳؛ حج، ص ۷۹-۸۰.

۳. صحیح بخاری، ج ۲، ص ۴۰۸ و ۸۲۳.

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُصَلِّي الصُّبْحَ فَتَنْصَرِفُ نِسَاءً مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ مُتَلَفِّعَاتٍ بِمُرُوطِهِنَّ وَلَا يَعْرِفْنَ مِنَ الْغَلَسِ؛ زَنَانٌ مُؤْمِنٌ، نَمَازٌ صَبِيحٍ رَا بَا بِبِامْبِرٍ ﷺ بِه جَاي مِي آوَرْدَنَدِ دَر حَالِي كِه لِبَاسِي كِه تَمَام بَدَنِ أَنِهَا رَا مِي پُوشَانَد، بِه تَن دَاشْتَنَد وَ اَيْن زَنَانِ دَر تَارِيكِي بَا زَشْنَاخْتِه نَمِي شَدَنَد»^۱.

همچنین در کتاب «لَوْلُو وَ مَرَجَان» به نقل از عایشه آمده است: «كُنَّ نِسَاءً مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ يَشْهَدْنَ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَلَاةَ الْفَجْرِ مُتَلَفِّعَاتٍ بِمُرُوطِهِنَّ، ثُمَّ يَنْقَلِبْنَ إِلَى بِيوتِهِنَّ حِينَ يَقْضِيْنَ الصَّلَاةَ لَا يَعْرِفُهُنَّ أَحَدٌ مِنَ الْغَلَسِ؛ زَنَانٌ مُسْلِمَانَانِ دَر حَالِي كِه خُودشَان رَا بَا پَارْچِه پُوشَانِيْدِه بُوْدَنَد، دَر نَمَاز صَبِيحِ بَا رَسُوْل خُدَا ﷺ شَرَكْت مِي كَرْدَنَد، سَبِيْس بِه خَانِه هَاي خُود بَرْمِي گَشْتَنَد وَ بِه عِلَّتِ تَارِيكِي صَبِيح، هِيْچ كَسِ اَنِهَا نَمِي شَنَاخْت»^۲.

طبیعی است که احادیث نبوی، در شرح ثواب های زیاد نماز جماعت در مسجد، به گوش زنان رسیده باشد و آنها راغب شده باشند که از این ثواب ها بی بهره نمانند. علاقه زنان به حضور در مساجد، برای اقامه نماز جماعت و ممانعتی که از آنها به عمل می آمد، باعث گردید روایاتی از پیامبر ﷺ در این باره صادر شود؛ چنان که در منابع شیعه و سنی آمده است که هنگامی زنان برای رفتن به مسجد اجازه خواستند، آنان را منع نکنید. برای نمونه، پیامبر ﷺ فرمودند: «لَا تَمْنَعُوا النِّسَاءَ حَظُوْظَهُنَّ مِنَ الْمَسَاجِدِ إِذَا اسْتَأْذَنُوْكُمْ؛ هَر گَاهِ زَنَانِ شَمَا اِجَازَه رَفْتَن بِه مَسَاجِدِ مِي خُوهَانَد، اَنِهَا رَا اَز بِهْرِه وَ نَصِيْبشَانِ اَز مَسَاجِدِ مَحْرُومِ نَكْنِيْدِ وَ مَانَعِ نَشُويْد»^۳.

همچنین آمده است که حضرت فرمود: «لَا تَمْنَعُوا إِمَاءَ اللَّهِ مَسَاجِدَ اللَّهِ؛ كَنِيْزَانِ خُدَا رَا اَز رَفْتَن بِه مَسَاجِدِ خُدَا مَانَعِ نَكْنِيْد»^۴.

شایان ذکر است که به دنبال تأکید پیامبر ﷺ مبنی بر عدم منع زنان از حضور

۱. صحیح بخاری، ج ۲، ص ۴۰۷ و ۸۱۸؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۳۷، ح ۵۶۵ و ۵۶۶، مستدرک سفینه البحار، ج ۱، ص ۲۰۹؛ بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۳۵۴؛ شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۸۵؛ احکام النساء، ص ۱۹۲.

۲. اللؤلؤ والمرجان، ج ۱، باب ۴۰، ص ۱۳۷.

۳. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۶۱.

۴. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۳۷، ح ۵۶۵ و ۵۶۶؛ مستدرک سفینه البحار، ج ۱، ص ۲۰۹؛ بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۳۵۴؛ احکام النساء، ص ۱۹۵.

در نماز جماعت مسجد و لزوم اجازه به آنان، بعضی چنین پنداشته بودند که زنان فقط هنگام روز مجاز به رفتن به مساجدند و در نمازهای مغرب و عشاء که با تاریکی (شب) همراه است، زنان نباید برای نماز به مسجد روند؛ از این رو، جهت مبارزه با این پنداشت غلط، در برخی روایات آمده است که هرگاه زنان اذن حضور در مسجد را در شب هنگام خواستند، اجازه دهید.

و در روایتی دیگر نیز از آن حضرت آمده است: «أَذِنُوا لِلنِّسَاءِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِاللَّيْلِ؛ هنگام شب به زنان برای رفتن به مساجد اذن دهید».^۱

پیامبر ﷺ در دو بیان جداگانه می فرماید: «لَا تَمْنَعُوا نِسَائِكُمْ مِنَ الْخُرُوجِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِاللَّيْلِ»؛^۲ نیز فرمود: «إِذَا اسْتَأْذَنَكُمْ نِسَاؤُكُمْ بِاللَّيْلِ إِلَى الْمَسْجِدِ فَأَذِنُوا لَهُنَّ؛ شب هنگام که زنانتان برای رفتن به مسجد اجازه می خواهند، رخصت دهید».^۳ در شب که خوف بیشتر برای زنان است می فرماید: اجازه دهید، پس در روز اولی است که به مسجد بروند.

روایت دیگری که خود دلیل گویایی بر جواز حضور زنان در مسجد است، سیره خود پیامبر اعظم ﷺ می باشد؛ چنان که ابن عباس درباره پیامبر ﷺ و عملکرد ایشان چنین می گوید: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَمَرَ بَنَاتَهُ وَ نِسَاءَهُ أَنْ يَخْرُجْنَ فِي الْعِيدَيْنِ؛ رسول خدا ﷺ دختران و زنان خود را برای اقامه جماعت در نمازهای عیدین به خارج خانه می بردند».^۴

امام علی (علیه السلام) درباره حضور زنان در نماز جماعت مسجد، در روزهای آغازین رسالت نبوی ﷺ چنین می فرماید: «كُنَّ النِّسَاءُ يُصَلِّينَ مَعَ النَّبِيِّ ﷺ فَكُنَّ يَوْمَئِذٍ أَنْ لَا يَرْفَعَنَّ رُؤُسَهُنَّ قَبْلَ الرِّجَالِ، لِضَيْقِ الْأُزْرِ؛ زنان در عصر پیامبر ﷺ نماز را با پیامبر ﷺ به جای می آوردند. به زنان دستور داده شده بود که چون لباس مردان کوتاه بود، قبل از مردان سر از سجده برندارند».^۵

۱. همان، ح ۵۶۸.

۲. کنز العمال، ج ۷، ص ۶۷۷، ح ۲۰۸۷۲؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۳.

۳. کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۷۷، ح ۲۰۸۷۲؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۳.

۴. احکام النساء، ص ۲۰۱؛ البته در منابع شیعه و اهل سنت، روایاتی هم وجود دارد که مفادش ترجیح خروج زنان برای نماز عید است در صورتی که زن مسن باشد.

۵. همان، ج ۵، ص ۴۱۳؛ من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۹۶؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۶۱؛ مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۲، ص ۷۴.

در بعضی از روایات حضور آنان به روشنی ذکر شده است. امام صادق علیه السلام از پدر گرامی اش نقل می کند که فرمود: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَسْمَعُ صَوْتَ الصَّبِيِّ وَهُوَ يَبْكِي وَهُوَ فِي الصَّلَاةِ فَيُخَفِّفُ الصَّلَاةَ أَنْ تَعْبُرَ أُمَّهُ؛ رَسُولُ خَدَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هَنَگَامِ خَوَانَدَنِ نَمَازِ جَمَاعَتِ، صَدَايِ گَرِيهِ طَفَلِي رَا شَنِيدِ كِه مَادَرَشِ اَوْ رَا بَا خُوْدِ بِه مَسْجِدِ اَوْرَدِه بُوْد. اَنْ حَضْرَتِ نَمَازِ رَا كُوْتَاهِ كَرْدِ تَا مَبَادَا نَغْرَانِي دَر مَادَرَشِ پِيْدَا شُوْد.»^۱

در روایت دیگری آمده است: روزی رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نماز صبح را با کوتاه ترین سوره خواند. اصحاب پرسیدند، ای رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چه اتفاقی افتاده که نماز را سریع تمام کردید. حضرت در پاسخ فرمود: «إِنِّي سَمِعْتُ صَوْتَ صَبِيٍّ فِي صَفِّ النِّسَاءِ؛ مِنْ صَدَايِ طَفَلِي رَا دَر صَفِّ زَنَانِ شَنِيدِم.»^۲

در منابع اهل سنت نقل شده است: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نماز صبح را در تاریکی می خواندند و زنان مؤمن پس از نماز، در همان تاریکی به منزل برمی گشتند. به علت تاریکی، دیگران آنها را، و حتی خودشان یکدیگر را نمی شناختند.^۳ ام فضل می گوید: شنیدم که پسر سوره مرسلات را تلاوت می کند. به او گفتم: مرا به یاد پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ انداختی. این سوره آخرین سوره ای بود که از زبان مبارک پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیدیم و آن را در نماز مغرب در مسجد می خواند.^۴

در روایتی آمده است: «زنی قریشی به نام «عاتکه بن زید» پیوسته در نماز جماعت مسجدالنبی حاضر می شد، عمر بن خطاب از او خواستگاری کرد؛ وی به این شرط که او را از نماز جماعت در مسجد منع نکند، پذیرفت با عمر ازدواج کند؛ عمر نیز با نارضایتی پذیرفت؛ بعد از مرگ عمر، وقتی زبیر از او خواستگاری کرد باز همین شرط را مطرح نمود، زبیر هم به ناچار پذیرفت، و او به نماز جماعت مسجد می رفت...»^۵

همچنین در منابع اصیل اهل سنت آمده است: فاطمه بنت قیس می گوید: «... فَلَمَّا انْقَضَتْ عِدَّتِي سَمِعْتُ نِدَاءَ الْمُنَادِي مُنَادِي يُنَادِي الصَّلَاةَ جَامِعَةً فَأَنْطَلَقْتُ

۱ . وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۴۷۰؛ مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۲، ص ۷۴.

۲ . المسند الجامع، ج ۶، ص ۲۲۷.

۳ . صحیح بخاری، ج ۱، ص ۲۱۱.

۴ . تحریر المرآة فی عصر الرساله، ج ۱۳، ص ۱۸۱.

۵ . اسدالغابه، ج ۵، ص ۱۸۵؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۴۰.

فِيْمَنْ اَنْطَلَقَ مِنَ النَّاسِ قَالَتْ فَكُنْتُ فِي الصَّفِّ الْمُقَدَّمِ مِنَ النِّسَاءِ وَهُوَ يَلِي الْمُؤَخَّرُ مِنَ الرَّجَالِ؛ چون زمان عده‌ام سپری شد، صدای منادی نماز جمعه را شنیدم، و به همراه دیگر مردمان که می رفتند، روانه شدم و در صف اول صفوف زنان که به دنبال صفوف مردان بود، ایستادم»^۱.

در زمان خلیفه دوم (عمر)، زنان به امامت شخصی به نام «سلیمان بن ابی خثیمه» انصاری در رقبه مسجد، نماز جماعت می خواندند چنان که مردان به امامت ابی بن کعب نماز جماعت برگزار می کردند.

همچنین در تاریخ آمده است که: خلیفه سوم (عثمان) مردان و زنان را در نماز جماعت مسجد در یک جا جمع کرد، ولی امیرالمؤمنین (علیه السلام) در زمان خلافتش دوباره زنان را از مردان جدا کرد و شخصی به نام «عرفجه» با زنان نماز می خواند.^۲ پس، حتی در برخی از منابع اهل سنت نیز روایات و شواهدی وجود دارد که بیانگر حضور زنان در مسجد و جماعات است.

با توجه به مطالب یادشده، به خوبی درمی یابیم که حضور زنان در مسجد و جماعت ها، از نظر تاریخی امر ثابت و مسلم است.

علاوه بر روایت و شواهد تاریخی که بر جواز حضور زنان در مسجد و جماعات دلالت دارند، فقهای عظام، حضور بانوان را همچون مردان، در مسجدالحرام و مراسم عبادی و اجتماعی و اخلاقی و سیاسی همچون نماز جمعه^۳ و اعتکاف و حج^۴ جایز شمرده اند. بنابراین، دین اسلام نه تنها حضور بانوان را در مسجد و جماعات و به طور کلی در عرصه های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و عهده داری سمت های مدیریتی و حتی نظامی جایز شمرده، بلکه در برخی زمینه های یادشده، به ویژه در وضع ویژه زمان ما، شایسته و حتی بایسته دانسته است؛ البته حضور در صحنه های اجتماعی، از آنجا که همراه با برخوردها و تماس های چند سویه است، برای هر یک از زن و مرد تکلیفی را ایجاد می

۱. ر.ک: صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۲ و ۳۳؛ صحیح بخاری، ج ۱، ص ۴۳۹ و ج ۳، ص ۱۱۹.

۲. ر.ک: الطبقات الكبرى، ج ۵، ص ۲۷-۲۶.

۳. جواهر الکلام، ج ۱۱، ص ۲۶۸-۲۷۰؛ کشف اللثام، ج ۴، ص ۲۷۹-۲۸۰.

۴. مستندالشیعه، ج ۱، ص ۵۴۶؛ جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۱۸۴ و ۲۱۲ و ۲۲۰.

کند که مراعات و توجه به آن در تأمین سلامت اخلاقی جامعه و ثمربخش بودن حضور و بر کنار ماندن آن از آسیب ها و آفات، نقش بنیادی دارد؛ همچون رعایت حجاب و شئون اسلامی، چگونگی برخورد با نامحرم و نگاه به او، کیفیت سخن گفتن و تأکید بر وجود شاخصه هائی چون حیا و عفت، همه و همه ابزارهائی برای این حضور اجتماعی هستند. بنابراین، چنانچه زنان بتوانند حجاب اسلامی و شئون زن مسلمان و عفاف و پاکدامنی را رعایت کنند، می توانند با حضور در مساجد از فضائل و آثار معنوی این مکان مقدّس بهره برند و فضیلت نماز خواندن در مسجد برای آنان، همچون مردان است.

« گفتار سوّم: شروط حضور بانوان در مسجد

به طور کلی در شریعت اسلام برای حضور بانوان در عرصه های مختلف اجتماع، مانند شرکت در مساجد و جماعات، دستوراتی ارائه شده است که به مهم ترین آنها اشاره می شود:

۱. رعایت عفت، حجاب و شئون اسلامی

از روایات بسیاری که درباره وظایف و چگونگی روابط اجتماعی زنان از حضرات معصومان (علیهم السلام) صادر شده است، به خوبی استفاده می شود که یکی از مسایل مهمی که زنان در هنگام حضور در صحنه های اجتماعی باید رعایت کنند، حفظ حجاب و عفت و به طور کلی حفظ جامعه از ایجاد فساد و فحشا و منکرات است. وجوب رعایت حجاب (پوشش) در زنان، حکم ضروری دین و از امور بدیهی قرآن کریم است. چنانکه قرآن کریم می فرماید: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ...؛ به زنان با ایمان بگو: چشم های خود را (از نگاه هوس آلود) فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خویش را - جز آن مقدار که قهراً نمایان می شود - بر بیگانه آشکار ن سازند، جز برای شوهران، و گوشه های روسری خویش را بر سینه افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)...»^۱

این آیه شریفه بیانگر این است که مسلمانان، چه مرد و چه زن، باید از چشم چرانی و نگاه های هوس آلود دوری کند و شخصی پاکدامن و منزّه باشد. این آیه شریفه نه تنها زنان را به نحوه رفتارشان آشنا می کند، بلکه مردان را نیز به وظایفی که در برخورد با بانوان دارند، تنبّه می دهد.

قرآن کریم، از اهل ایمان می خواهد که برای حفظ عفت و پاکدامنی خود و جامعه، نگاه شان را مهار سازند: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ؛ به مؤمنین بگو: دیدگان

۱. نور، آیه ۳۱.

خویش را از نگاه به زنان اجنبی باز گیرند و فرج های خویش را نگهدارند؛ این برای ایشان پاکیزه تر است که خدا از کارهایی که می کنید آگاه است»^۱. در روایات اسلامی، جملاتی مشاهده می شود که بیانگر عقوبت و آثار مخرب نگاه حرام در دنیا و آخرت است.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «الْتَنْظَرَةُ بَعْدَ النَّظَرَةِ، تَزْرَعُ فِي الْقَلْبِ الشَّهْوَةَ وَ كَفَى بِهَا لِصَاحِبِهَا فِتْنَةً؛ نگاه پیاپی، بذر شهوت را در دل می افشاند و همین امر برای هلاکت بیننده اش کافی است»^۲.

نگاه حرام، قدرت تصمیم گیری صحیح و استفاده از عقل را از انسان سلب می کند، و بیشتر انحرافات جنسی و خلاف اخلاق اسلامی، از یک نگاه آغاز شده است.

ز دست دیده و دل هر دو فریاد

که هر چه دیده بیند، دل کند یاد

شایان ذکر است آنچه گذشت، ویژه نگاه مرد به زن نیست؛ بلکه نگاه معنادار (حرام) زن به مرد نیز همین آثار را در پی دارد. از اینکه می بینیم در آموزه های دینی در خصوص زنان درباره رعایت حجاب و پوشش اهتمام بیشتری شده، به این دلیل است که در زنان زمینه بیشتری برای خودنمایی وجود دارد.

پس زنان باید پوشش مناسبی داشته باشند و آرایش و زیور خود را آشکار نسازند و در صدد تحریک و جلب توجه مردان برنیایند. بنابراین، پوشش اسلامی برای زنان در همه حال امری واجب است و باید به دستور قرآن کریم و حضرات معصومان (علیهم السلام) رفتار کنند. اصولاً زیبایی انسان ها به ویژه زنان، برای خود آنان یا شوهرانشان است و اگر در رفت و آمدها به نمایش درآید، موجب خشم خدا می شود و کارهایی هم که سبب جلب توجه نامحرم می گردد پسندیده نیست. اگر نحوه راه رفتن و یا سخن گفتن، توجه دیگران را جلب نماید، سبب می شود که

۱. نور، آیه ۳۰.

۲. درباره آثار و پیامدهای نگاه حرام ر.ک: مجله پیام زن، نگاه آلوده و پیامدهای ناگوار آن، ش ۱۴۲، ص ۶۸؛ مجله پاسدار اسلام، نقش عفاف و پاکدامنی در زندگی انسان، ش ۲۷۹ و ۲۸۰ اسفند و فروردین ۱۳۸۳ و ش ۲۸۱، سال ۱۳۸۴.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۹، ابواب مقدمات النکاح، باب ۱۰۴، ح ۷.

از فضیلت هائی که برای رفتن به مسجد ذکر شده است، به گناه تبدیل شود و گاه ممکن است با بی توجهی، به جای خشنودی خداوند، خشم غضب خداوند برای او ثبت شود.

۲- عدم تعطر و تزین

در منابع اسلامی، برای حفظ حرمت مسجد، آدابی ذکر شده است که رعایت آنها مستحب و ترک آنها با جایگاه مساجد منافات دارد. یکی از آن آداب زینت کردن به هنگام رفتن به مسجد است.

خداوند متعال به عنوان یک قانون همیشگی که شامل تمام اعصار و قرون می شود، دستور می دهد: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ؛ ای فرزند آدم! زینت خود را هنگام رفتن به مسجد با خود داشته باشید»^۱.

زینت این در آیه شریفه هم شامل «زینت های جسمانی» است که عبارت از پوشیدن لباس های مرتب و پاک و تمیز، و شانه زدن موها، و به کار بردن عطر و مانند آن می شود، و هم شامل «زینت های معنوی» یعنی صفات انسانی و ملکات اخلاقی و پاکی نیت و اخلاص^۲.

طبق احادیث و کتاب های تفسیری، مقصود از زینت در آیه شریفه، پوشیدن لباس پاکیزه و فاخر، شانه زدن موی، در دست کردن انگشتر فاخر، عطر زدن و... است.^۳

در روایات رسیده، استفاده از بوی خوش از اخلاق پیامبران و سیره آنان شمرده شده و تأکید گردیده است که: مردان نباید از استعمال بوی خوش غافل باشند. صاحب کتاب «عروه الوثقی» می گوید: «يُسْتَحَبُّ التَّطَيُّبُ وَ لِبَسُ الثِّيَابِ الْفَاخِرِ عِنْدَ التَّوَجُّهِ إِلَى الْمَسْجِدِ؛ مستحب است به هنگام رفتن به مسجد از بوی خوش و لباس های تازه استفاده کند»^۴.

۱. اعراف، آیه ۳۱.

۲. برگزیده تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۰.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۴۲۶.

۴. عروه الوثقی، ج ۱، ص ۴۲۶.

در سیره پیامبر ﷺ آمده است: «پیامبر ﷺ در زندگی خویش، برای خرید عطر بیشتر از خوراک هزینه می کرد»^۱؛ آن حضرت ﷺ به پیروان خویش توصیه می فرماید: «لَا يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ أَنْ يَدَعَ الطَّيِّبَ فِي كُلِّ يَوْمٍ؛ فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَيْهِ، فَيَوْمٌ وَ يَوْمٌ لَا، فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ فَفِي كُلِّ جُمُعَةٍ وَلَا يَدَعُ؛ از شایستگی مرد آن است که در هر روز به خویش عطر بزند و اگر ممکن نیست، هر دو روز یکبار و اگر این هم ممکن نیست، پس در هر جمعه آن را ترک نکند»^۲.

در سیره امام حسن (علیه السلام) آمده است: «إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ لَيْسَ أَجُودَ ثِيَابِهِ فَقِيلَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لِمَ تَلْبَسُ أَجُودَ ثِيَابِكَ فَقَالَ (عليه السلام) إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ، فَأَتَجَمَّلُ لِرَبِّي وَ هُوَ يَقُولُ: «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ؛ فَأُحِبُّ أَنْ أَلْبَسَ أَجُودَ ثِيَابِي؛ خیمه بن ابی خیمه گفت: امام حسن (علیه السلام) هنگامی که به نماز برمی خاست، بهترین لباس هایش را می پوشید. به او گفتند: ای فرزند رسول خدا، چرا بهترین لباس هایت را می پوشی؟ فرمود: خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و من نیز خود را برای پروردگارم می آرایم، چنان که خدای تعالی می فرماید: زینت خود را به هنگام عبادت در مسجد برگیرید. بنابراین، دوست دارم که بهترین لباسم را بپوشم»^۳.

بنابر مطالب یادشده درمی یابیم که استفاده از لباس های تازه و بوی خوش و زینت دادن سر و صورت به هنگام رفتن به مسجد، یکی از مصادیق «زینت» در آیه شریفه است که امری مطلوب و نیکو شمرده شده است. اما همین امر مستحب که این قدر تأکید شده است در مورد زنان روا نیست؛ زیرا تزئین (آرایش) زنان باید برای شوهرانشان باشد و بیرون از خانه سبب تحریک دیگران می گردد که از نظر شرع مقدس ممنوع است. براین اساس، در منابع روایی اسلام تأکید شده است که حضور زنان در مسجد باید بدون استفاده از عطر و بوی خوش باشد؛ چنان که رسول خدا ﷺ می فرماید: «إِذَا شَهِدْتَ إِحْدَا كُنَّ الْمَسْجِدَ فَلَا

۱. مکارم الاخلاق، ص ۴۳؛ بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۴۸.

۲. همان؛ الکافی، ج ۶، ص ۵۱۰، ج ۴.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۲۶؛ تفسیر مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۱۲.

تَمَسَّ طَيِّباً؛ زنان هنگام حضور در مسجد، از بوی خوش استفاده نکنند»^۱.
 و در روایت دیگر نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده است: «أَيُّمَا امْرَأَةٍ تَطَيَّبَتْ، ثُمَّ خَرَجَتْ إِلَى الْمَسْجِدِ، لَمْ تُقْبَلْ لَهَا صَلَاةٌ حَتَّى تَغْتَسِلَ؛ هرگاه زنی خود را خوشبو کند، سپس به مسجد برود، نمازش قبول نمی شود، تا آنکه آن بوی خوش را از خود برطرف کند»^۲.

و همچنین آن حضرت در روایتی دیگر چنین می فرماید: «لَا تَمْنَعُوا إِمَاءَ اللَّهِ مَسَاجِدَ اللَّهِ، وَ لَا يَخْرُجَنَّ إِلَّا وَ هُنَّ تَفَلَاتُ؛ و قَالَ عَلِيٌّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ فَإِذَا خَرَجْنَا مُتَزَيِّنَاتٍ أَوْ مُتَطَيَّبَاتٍ، فَهِنَّ عَاصِيَاتٌ لِلَّهِ تَعَالَى، خَارِجَاتٌ بِخِلَافِ مَا أَمَرْنَا، فَلَا يَحِلُّ إِزْسَالُهُنَّ حِينَئِذٍ أَصْلًا؛ رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید: زنان را از مسجد منع نکنید و آنها نیز نباید باخوشبویی از خانه خارج شوند و به مسجد روند؛ همچنین امام علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ می فرماید: وقتی زنان با بوی خوش و زینت کرده بیرون روند، خداوند را نافرمانی (معصیت) می کنند؛ زیرا بر خلاف دستورات او عمل کرده اند، در این صورت جایز نیست که اجازه داده شود»^۳.

از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده که فرمود: «أَيُّمَا امْرَأَةٍ اسْتَعْطَرَتْ فَمَرَّتْ عَلَى قَوْمٍ لِيَجِدُوا مِنْ رِيحِهَا، فَهِيَ زَانِيَةٌ؛ اگر زنی خود را معطر کند و بر گروهی (مردانی) بگذرد که بوی او را دریابند، زناکار است»^۴.
 در حدیث دیگر از آن حضرت آمده است: «أَيُّ امْرَأَةٍ تَطَيَّبَتْ ثُمَّ خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا فَهِيَ تُلْعَنُ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا مَتَى مَا رَجَعَتْ؛ هرگاه زنی برای غیر شوهرش خود را معطر نماید، سپس از خانه اش بیرون رود، تا زمانی که به منزلش برمی گردد، مورد لعنت خداوند است»^۵.
 این اساس، آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره شرط خروج بانوان از منزل و حضور در مسجد می فرماید: «إِذَا شَهِدَتْ إِحْدَا كُنَّ الْمَسْجِدَ فَلَا تَمَسُّ طَيِّباً؛ هنگامی که یکی از شما (زنان) قصد مسجد کرد، نباید از بوی خوش استفاده نماید»^۶.

۱. المجموع، ج ۴، ص ۱۹۹؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۳.

۲. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۲۶، ج ۴، ص ۴۰۰۲.

۳. المحلی، ج ۴، ص ۱۹۸.

۴. نهج الفصاحه، ص ۳۴، ج ۱۷۷.

۵. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۴؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۷.

۶. المجموع، ج ۴، ص ۱۹۹؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۳.

همان گونه که عطر زدن و استعمال بوی خوش در مقابل نامحرم مفسده دارد. تزئین و آرایش نیز به لحاظ فسادانگیز بودن، به شدت منع شده است. پیامبر اسلام ﷺ در این باره فرمود: «مَثَلُ الرَّافِلَةِ فِي الزَّيْنَةِ مِنْ غَيْرِ أَهْلِهَا، كَمَثَلِ ظُلْمَةِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا نُورَ لَهَا؛ حکایت زنی که دامن کشان و آمیخته به زینت در بیرون خانه راه می رود، چون ظلمتی است در روز قیامت که از خود نور ندارد»^۱. فلسفه این امر نیز روشن است و آن این که شریعت اسلام برای عفت و پاک زیستی اهمیت فوق العاده قائل است، به هیچ وجه از بی عفتی و بدحجابی که مقدمه آلوده شدن و ارتکاب حرام و فرورفتن در محرّمات جنسی است، چشم پوشی نمی کند. بنابراین، درباره حضور زنان برای عبادت در مسجد چون در انظار مردان نامحرم قرار می گیرند و معطر بودن آنان، موجب التهاب مردان و تحریک غریزه جنسی آنان می شود، عبادتی که باید سازنده باشد و آثار مفیدی برای پاکی و پرهیزگاری داشته باشد، منشأ گناه و ارتکاب حرام می گردد. برای اینکه از چنین پیامدهای ناسالم جلوگیری شود، اسلام دستور می دهد که زنان بدون زینت و خوشبوئی به مسجد بروند.

افزون براین، ممکن است در صورت تعطر و تزئین زنان برای رفتن به مسجد، در مسیر راه مورد آزار و اذیت افراد هرزه و بی بندوبار قرار گیرند. از این رو، ضرورت ایجاب می کند که زنان خداجو حضورشان برای عبادات در بهترین مکان ها بدون زینت و خوشبوئی باشد؛ زیرا این کار به تقوا و پاک زیستی نزدیک تر و ارزنده تر است. در روایتی از رسول خدا ﷺ آمده است: «إِسْتَعِينُوا عَلَى النَّسَاءِ بِالْعَرِّ، فَإِنَّ إِحْدَاهُنَّ إِذَا كَثُرَتْ ثِيَابُهَا وَأَحْسَنْتْ زِينَتَهَا أُعْجِبَهَا الْخُرُوجُ؛ زنان را با ساده پوشی عادت و یاری دهید؛ زیرا اگر یکی از آنان با لباس تجملی و زیورهای نیکو بیرون رود، در نظر بینندگان خوش آید (باعث هیجان شهوت و فتنه می شود)»^۲.

نکته در خور توجه این که گفته شد شایسته نیست زنان از بوی خوش استفاده

^۱. نهج الفصاحه، ص ۵۶۲، ج ۲۷۲.

^۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۸۲؛ کنز العمال، ج ۱۶، ص ۳۷۲؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۲، ص ۶۹.

کنند یا خود را بیارایند، بدین منظور است که اسباب و سوسه نامحرممان و مورد ملعبه بیمار دلان قرار نگیرند؛ و گرنه اگر در مکانی تنها زنان باشند و یا مسجدی فقط برای زنان باشد و راه رفت و آمدشان ویژه زنان در نظر گرفته شده باشد، روشن است که کسی آن را ناروا نخواهد دانست و یا اگر زن در خانه تنها برای خرسندی شوهرش خود را بیاراید، نه تنها منعی ندارد، بلکه مستحب است. چنان که فقها گفته اند: «...استعمال بوی خوش، پوشیدن لباس های زیبا و اظهار زیور (برای شوهر) ظاهراً از مستحبات مؤکد است»^۱.

۳- اجازه شوهر

بر اساس اصل برائت و اباحه اعمال، در راستای آزادی و کرامت زن و برابری انسان ها، خروج زن از منزل برای حضور عرصه های اجتماعی و معاشرت وی بدون آنکه مفسده ای داشته باشد، باید عملی روا و جائز تلقی شود؛ اما با توجه به حقوق شوهر و تکالیف متقابل زن، به خصوص تمکین او در برابر استمتاع شوهر و نیز با در نظر گرفتن مصالح خانواده و مسئولیت شوهر در حفظ و صیانت زن، این حق زن با اشکالات و ابهاماتی مواجه شده است. در اینجا - با توجه به تناسب مطلب - به اختصار به تشریح آن می پردازیم.

در منابع روایی اصیل اسلامی، احادیث و روایات متعددی بر این مطلب تصریح دارد و فقهای عظام نیز بدان فتوا داده اند. به جهت اختصار، به ذکر چند روایت (به عنوان نمونه) بسنده می کنیم:

۱- علی بن جعفر فی کتابه عن أخیه قال: «سألته عن المرأه ألهأ أن تخرج بغير إذن زوجها؟ قال (عليه السلام): لا ... علی بن جعفر می گوید: از برادرم، موسی بن جعفر (عليه السلام) پرسیدم، آیا زن می تواند بدون اذن شوهر از خانه خارج شود؟ حضرت فرمود: خیر...»^۲.

۲- قال رسول الله ﷺ: «أیما إمرأه خرجت من بیتهأ بغير إذن زوجها فلا نفقه لها»

۱. حدائق الناضر، ج ۲۳، ص ۱۱۹.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۴، باب ۷۹، ص ۱۱۳، ح ۵.

حَتَّى تَرْجِعَ؛ هر زنی که بدون اجازه شوهرش از منزل خارج گردد، نفقه او بر شوهر واجب نیست تا آنکه بازگردد»^۱.

۳- «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ أَنْ تَخْرُجَ الْمَرْأَةُ مِنْ بَيْتِهَا بِغَيْرِ إِذْنِ زَوْجِهَا فَإِنْ خَرَجَتْ لَعَنَهَا كُلُّ مَلَكٍ فِي السَّمَاءِ وَ كُلُّ شَيْءٍ تَمُرُّ عَلَيْهِ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا؛ پیامبر ﷺ از بیرون رفتن زن بدون اجازه شوهر منع کرد؛ اگر چنین کند تمام فرشتگان آسمان و هر جن و انسی که بر او گذر کند او را نفرین کند تا به خانه برگردد»^۲.

۴- در روایتی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که: «زنی نزد پیامبر ﷺ رسید و عرض کرد: ای رسول خدا! حق شوهر چیست؟ حضرت فرمودند: بیش از آن است که تصوّر شود. گفت: برخی از آن را بیان فرما. حضرت ﷺ فرمود: زن نمی تواند بدون اذن شوهر روزه مستحبی بگیرد و نمی تواند بدون اذن از خانه خارج شود...»^۳

۵- در روایتی معتبر از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است که فرمود: زنی نزد پیامبر ﷺ عرض کرد: ای رسول خدا! حق شوهر بر زنش چیست؟ حضرت فرمود: اینکه از شوهر اطاعت کند و نافرمانی نکند... و بدون اذن او از خانه خارج نشود و اگر بدون رضایت شوهر از خانه بیرون رود، فرشتگان آسمان و زمین و ملائکه غضب و رحمت او را لعنت و نفرین می کنند، تا زمانی که برگردد»^۴.

در فقه پویای امامیه، نظریه مشهور فقهای عظام بر این است که زن برای خروج از منزل شوهر، لازم است رضایت شوهر را جلب نماید. فقهای عظام شوهر را محق می دانند که از بیرون رفتن زن منع کنند. جهت تبیین مطلب به کلام برخی از فقیهان اشاره می کنیم:

شیخ طوسی رحمته الله فرمود: «مرد حق دارد زن را از بیرون رفتن منع کند؛ زیرا، شوهر در تمام شبانه روز مستحق استمتاع و بهره وری از زن است؛ و چون این حق را

۱. الکافی، ج ۵، ص ۵۰۶.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۵۴، ب ۱۱۷، ح ۵.

۳. همان، ج ۱۴، باب ۷۹، ص ۱۱۲، ح ۲.

۴. همان، ج ۱۴، ص ۱۱۲-۱۱۱.

دارد، می تواند از همراهی جنازه پدر، مادر و فرزندش جلوگیری کند و...؛ زیرا اطاعت شوهر واجب است و حضور در این مراسم مباح است یا استحباب دارد، و امر واجب (امر شوهر) بر آنها مقدم است». همچنین شهید ثانی رحمته الله در «مسالك الافهام» می نویسد: «از جمله تکالیف زن در برابر شوهر این است که از منزل بدون اذن او خارج نشود؛ حتی اگر برای دیدن بیماران و حضور در مراسم فوت یکی از اقوامش باشد».^۲

مرحوم محمد باقر سبزواری^۳ و مرحوم صاحب جواهر^۴ نیز چنین عقیده ای داشته اند.

همچنین امام خمینی قدس سره در «تحریر الوسیله» فرموده است: «هر یک از زن و شوهر حقی بر دیگری دارد که باید بدان قیام کند؛ گرچه حق شوهر عظیم تر است؛ از جمله حقوق مرد آن است که زن از وی اطاعت کرده و نافرمانی ننماید، از خانه اش بدون اجازه او خارج نشود، اگرچه برای ملاقات یا عیادت پدر و بستگانش؛ حتی در مراسم عزای آنان بدون اذن شرکت نکند».^۵

آیت ا... خوئی رحمته الله نیز در این باره فرمود: «زن نمی تواند بدون اذن شوهر از خانه بیرون رود؛ در صورتی که بیرون رفتن وی با حق استمتاع شوهر منافات داشته باشد؛ البته احتیاط مستحب آن است که مطلقاً بدون اذن نرود. خروج بدون اذن، سبب نشوز است. انجام سایر کارها بدون اذن شوهر بر زن حرام نیست؛ مگر اینکه با حق استمتاع شوهر منافات داشته باشد».^۶

بعضی از حقوقدانان نیز متأثر از چنین باور غالبی، گفته اند: «از نظر فقهی، اصولاً خروج از خانه به هر منظور که باشد، باید با موافقت شوهر انجام پذیرد».^۷ به هر حال، مبانی این باور می تواند از یک سو، اعتقاد به لزوم اطاعت زن از

۱. المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۴، ص ۳۲۱.

۲. مسالك الافهام الی تنقیح الشراعی الاسلام، ج ۸، ص ۳۰۸.

۳. کفایه الاحکام، ص ۱۸۶.

۴. جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۰۶.

۵. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۰۳.

۶. منهاج الصالحین (المعاملات)، ج ۲، ص ۲۸۹.

۷. شرح قانون مدنی ایران، ص ۹۶۴؛ بررسی فقهی حقوق خانواده - نکاح و انحلال آن، ص ۳۱۶.

شوهر به صورت مطلق باشد.^۱ و از سوی دیگر می توان اساس نظریه ذکر شده را بر این ادعا قرار داد که حق کامجویی شوهر مطلق است و هیچ قید و شرطی آن را محدود نمی سازد. از این رو، زن باید برای خروج از منزل که زمینه بهره جویی مرد را از میان می برد، اجازه بگیرد.^۲ البته در اثبات این نظریه برخی به آیه ۳۳ سوره احزاب استناد کرده اند که: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى».^۳

با ملاحظه مطالب ذکر شده درمی یابیم که نظریه «منع خروج زن از منزل» بدون اذن شوهر هم از جهت ادله و هم از جهت قائل از وجاهت به ظاهر مناسبی برخوردار است؛ اما با این وجود، جمعی از فقها و اندیشمندان به مخالفت با این نظریه و رد مبانی آن اهتمام ورزیده اند و حق منع شوهر برای خروج زن را به حق کامجویی وی که حق مسلم و اصلی شوهر در زندگی خانوادگی است، مربوط دانسته اند.^۴

آیت ... خوئی رحمته الله نیز به رغم آنکه در نهایت از باب احتیاط، مطابق نظر مشهور فتوا داده است، خروج زن از منزل را از توابع حق استمتاع شوهر دانسته اند.^۵ به نظر نگارنده، با توجه به در نظر گرفتن اصل اولی و اباحه اعمال و ملاحظه نظام حقوق و تکالیف متقابل ناشی از زندگی خانوادگی زناشویی و با بررسی و امعان نظر در ادله قول مشهور، پذیرش و تأیید دیدگاه اخیر از ارجحیت ویژه ای برخوردار است.

اما درباره استناد به آیه ۳۳ سوره مبارکه احزاب، باید گفت: که این آیه شریفه در خطاب به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و اصولاً در مقام توصیه و سفارش به حفظ عفت و حجاب نازل شده است، که به زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگر زنان مؤمنه دستور می دهد که در خانه های خود بمانند و همچون جاهلیت نخستین ظاهر نشوند و خودنمایی نکنند؛ چون واژه «تبرج» که در آیه شریفه آمده، به معنای خودنمایی

۱. جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۱۴۷.

۲. همان، ج ۱۷، ص ۳۳۳.

۳. الزواج فی اسلام، ص ۲۲۶.

۴. مسائل حرجه فی فقه المرأه - حقوق الزوجه؛ تأملات اسلامیة حول المرأه، ص ۱۱۲.

۵. منهاج الصالحین، ص ۲۸۹.

و خودآرایی و نمودن زیبایی‌ها در مقابل دیگران است.^۱ پس روشن است که این آیه شریفه، به ممنوعیت خروج زن از منزل بدون اذن شوهر، هیچ ارتباطی ندارد. نکته شایان توجه درباره روایات این است که این روایات، در مقام منع خروج زنی است که از انجام وظیفه اش سر باز زده و با بی‌اعتنائی به حق مسلم شوهر (حق استمتاع)، خانه و خانواده را رها کرده است. بدین سان، روایات ذکر شده هیچ‌گونه منافاتی با بیرون رفتن متعارف و معقول بانوی خانه به گونه‌ای که با حقوق شوهر موافق باشد، ندارد؛ مؤید این تحلیل، هماهنگی میان عمل ناپسند ترک شوهر و بیرون رفتن زن از خانه، با کیفی‌ری که در روایات آمده (نفرین فرشتگان و لعن جن و انس) است که بدون تردید باید گفت: این کیفی‌ری برای زنان سازگار نیکوکاری که برای اموری چون، حضور در مسجد برای انجام عبادت و یادگیری احکام اسلامی و صلّه رحم از خانه خارج می‌شوند، پنداشتی است که با انبوه آموزه‌های دینی و اخلاقی و نظر علمای اسلام ناهماهنگ و در تضاد است. بنابراین، روایات ذکر شده هیچ‌گاه در مقام ممنوعیت بی‌قید و شرط بیرون رفتن زن از خانه شوهر نیست؛ بلکه تنها به ملاحظه حق شوهر در کامجویی از همسرش، خروج زن از منزل شوهر محدود می‌شود.

ناگفته نماند که منع خروج زن از منزل، تنها در صورت منافات با حق استمتاع شوهر، خلاصه نمی‌شود؛ بلکه معیار مهم دیگری نیز وجود دارد که کمتر مورد توجه فقهای عظام واقع شده است؛ این معیار که در مورد رفت و آمدها و معاشرت‌های زن بسیار تعیین‌کننده می‌باشد، موقعیت ریاست شوهر و مدیریت وی در خانواده است.

بر اساس ریاست شوهر و مقام سرپرستی او بر خانواده و اعضای آن که مسئولیتی برای حفظ و رعایت مصالح خانواده و پاسداری از حرمت و حیثیت آن است، این اختیار برای او وجود دارد که برای حفظ نظام خانواده و حراست از ناموس و عفت آن، معاشرت‌ها و رفت و آمدهای زن را تحت کنترل و نظارت خویش قرار داده و حتی در صورت اقتضای اوضاع و احوال محیطی و...، محدودیت‌هایی را برای وی

۱. تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۵، صص ۴۱۷ و ۴۱۸.

در نظر بگیرد؛ چنان که متفکر شهید استاد مطهری رحمته الله علیه با درک همین واقعیت، گفته است: «مصلحت خانواده ایجاب می کند که خارج شدن زن از خانه توأم با حلیت رضایت شوهر و مصلحت اندیشی باشد؛ البته مرد هم باید در حدود مصالح زندگی نظر بدهد، نه بیشتر»^۱.

بنابراین، شوهر به عنوان رئیس خانواده می تواند با تشخیص مصلحت و صلاحدید، رفت و آمد و معاشرت های همسرش، حتی رفتن او به مسجد را با محدودیت مواجه سازد؛ مثلاً در مواقعی که خوف تعرض یا اختلاط های ناشایست و معاشرت های بی بندوبار می رود و یا زمانی که شوهر بیرون رفتن زن را خطر و آسیبی برای کانون گرم خانواده می بیند، حق دارد از خروج او ممانعت نماید؛ البته در مواردی که مفسده و منع شرعی وجود نداشته باشد، محدودیت شوهر مستندی ندارد. به عنوان مثال هنگامی که زن برای استیفای حقوق قانونی خویش مانند، شرکت در انتخابات، اقامه دعوا در دادگاه و...، یا انجام فرائض دینی (انجام حج، ادای خمس و ...)، و یا عیادت و مراقبت از والدین خود از منزل خارج می شود، نیازی به موافقت شوهر ندارد و او نیز نمی تواند مانع شود.

با توجه به این مطالب، اگر زن برای رفتن به مسجد اجازه خواست و شوهر مفسده ای در این حضور وی نمی بیند، شایسته است که منع نکند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرمودند: «هنگامی که زنان از شما اجازه رفتن به مسجد می خواهند، آنان را از بهره و نصیبتان از مسجد محروم نکنید و اجازه دهید»^۲.

۴- عدم اختلاط زن و مرد در مسجد

بدون شک، یکی از عوامل شیوع فساد که دامن گیر جهان امروز، به ویژه کشورهای غربی شده است، برداشتن حائل و حریم میان زن و مرد در ادارات، کارخانه ها و دیگر اماکن و محافل عمومی است. در این برخوردها معمولاً بذر فساد و گناه افشانده می شود و روز به روز ریشه می دواند.

۱. مسئله حجاب، ص ۸۸.

۲. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۳.

قرآن کریم نیز بر این مطلب، تأکید کرده است؛ به این آیات الهی به دقت بنگریم: «...وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ...» هرگاه از ایشان (زنان پیامبر) چیزی خواستید، از پشت پرده و حائل طلب نمائید؛ این برای دل های شما و آنها، به طهارت نزدیک تر است...»^۱

صراحت آیه شریفه در عدم اختلاط زنان و مردان، قابل انکار نیست. گرچه شأن نزول این آیه شریفه، ویژه زنان پیامبر ﷺ است، اما روشن است که مورد نمی تواند شمول مفهومی آیه را محدود و به اصلاح علمی «مورد نمی تواند منحصر باشد». بنابراین، این آیه شریفه در منع اختلاط زن و مرد و حفظ زنان از محرکات شهوانی، وارد شده است.

علامه شهید مطهری رحمته الله در تفسیر آیه شریفه مزبور می نویسد: «... طبق این دستور، مرد نباید وارد جایگاه زنان شود، بلکه اگر چیزی می خواهد و مورد احتیاج اوست باید از پشت دیوار (حائل) صدا بزند...»

جمله: «ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ...»؛ این برای دل های شما و آنها، به طهارت نزدیک تر است؛ مانند جمله: «وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ...» که در آیه ۶۰ سوره نور آمده است، دلالت می کند که هر اندازه مرد و زن جانب ستر و پوشش و ترک برخورد هایی که مستلزم نظر است را رعایت نمایند، این عمل به تقوا و پاکی نزدیک تر است. چنان که گفتیم: رخصت های تسهیلی و ارفاقی که به حکم ضرورت داده شده است، نباید رجحان اخلاقی ستر و پوشش و ترک نظر را از یاد ببرد.^۳

همچنین این متفکر اسلامی درباره زیان های اختلاط در این عصر ارتباطات و دهکده جهانی می نویسد: «جامعه امروزی، زیان های اختلاط زن و مرد را به چشم خود می بیند؛ چه لزومی دارد که زنان، فعالیت های اجتماعی خویش را به اصطلاح دوشادوش مردان انجام دهند؟! آیا اگر در دو صف جداگانه انجام دهند، نقصی در فعالیت کاری آنان رخ می دهد؟ از جمله اثر بارز این دوشادوشی

۱. احزاب، آیه ۵۳.

۲. احزاب، آیه ۵۳.

۳. مسئله حجاب زن، ص ۱۵۴.

ها این است که هر دو همدوش را از کار و فعالیت مثبت بازمی دارد و هر یک را به جای توجه و دقت به کار خود، متوجه «همدوش» می کند، تا آنجا که غالباً این همدوشی ها به هم آغوشی ها منتهی می گردد.^۱

شریعت حیات بخش اسلام در عین این که به زنان، اجازه می دهد که در امور عبادی مسجد و سایر فعالیت های سیاسی و اجتماعی شرکت کنند، از اختلاط نهی فرموده است تا مبدا روزی بستر آلودگی های اخلاقی فراهم آید.

رسول خدا ﷺ فرمود: «بَاعِدُوا بَيْنَ أَنْفَاسِ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ فَإِنَّهُ إِذَا كَانَتْ الْمُعَايِنَةُ وَاللِّقَاءُ كَانَ الدَّاءُ الَّذِي لَا دَوَاءَ لَهُ؛ میان مردان و زنان نامحرم فاصله اندازید؛ زیرا، بر اثر ملاقات و اختلاط، گرفتار درد و بلایی می شوید که دوا ندارد. بر شما باد که از اختلاط با زنان اجتناب نمایید».^۲ بر همین اساس آن حضرت ﷺ در زمان رسالتش برای جلوگیری از اختلاط زن و مرد در مسجد، دستور داد که برای زنان؛ در جداگانه ای به مسجدالنبی بسازند.^۳ که هنوز هم به نام «بَابُ النِّسَاءِ» وجود دارد.

مولوی گوید:

هیچکس را با زنان محرم مدار

که مثال این دو پنبه است و شرار^۴

در روایت آمده است روزی رسول خدا ﷺ در بیرون مسجد بودند، دیدند مردان و زنان باهم از مسجد بیرون می آیند؛ حضرت خطاب به زنان فرمودند: «بهتر است صبر کنید ابتدا مردان بروند، سپس شما».^۵

همچنین درباره خروج زنان و مردان از مسجد و رفت و آمد در کوچه ها فرمود: «شب هنگام پس از اتمام نماز، ابتداء زنها و سپس مردها از مساجد خارج شوند و در مسیر کوچه و خیابان، مردان از وسط و زنان از کنار کوچه یا خیابان بروند».^۶

۱. همان، ص ۲۲۷.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۶۴؛ مرآت النساء، ص ۱۴۰.

۳. سنن ابوداود، ج ۱، ص ۱۰۹.

۴. مثنوی معنوی، دفتر پنجم، بیت ۳۸۷۲.

۵. همان، ج ۲، ص ۵۲۳.

۶. فروع کافی، ج ۵، ص ۵۱۸.

مکان عبادت، یکی از آنها است. برای نمونه، نماز در کوچه و خیابان، حتی در صورت درست بودن، نمی تواند با حضور قلب همراه باشد. اسلام با در نظر گرفتن مکانی به نام «مسجد» و قرار دادن مقرراتی ویژه برای آن، در حقیقت مکان مناسبی را برای نماز و ارتباط بندگان با خداوند پیش بینی کرده است. نام مسجد، گواه درستی این سخن است. مسجد؛ یعنی جای سجده، کرنش در پیشگاه خداوند و به دیگر سخن؛ یعنی جایگاه نماز و تقرب جستن به خداوند بزرگ؛ زیرا سجده، برترین نمونه و شکل عبادت و بندگی است.

از مساجد به عنوان خانه های خدا در زمین^۱ و نیز خانه های متقیان^۲ و مؤمنان^۳ یاد شده است. این عنوان به خوبی ماهیت عبادی مسجد را نشان می دهد؛ اینکه مسجدها، اولاً و اساساً برای ایجاد ارتباط بین بنده و معبود او و اعلام بندگی و عبودیت برای آفریدگار بنا می شوند. بر این اساس، نیز اصلی ترین اثر حضور در آن در بعد عبادی خواهد بود: «وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأْتُمْ تَعُودُونَ» [هنگام عبادت] در هر مسجدی بسوی او توجه کنید و او را بخوانید و دین [خود] را برای او خالص کنید. همچنان که در آغاز شما را آفرید، بار دیگر در رستاخیز باز می گردید»^۴.

با توجه به این آیات و روایات، یکی از آثار حضور و شرکت بانوان در مساجد، استفاده و بهره وری از اعمال عبادی در این مکان مقدس است. اگر بانوان با رعایت شرایط ذکر شده برای حضور در مسجد (حضور سالم)، در این مکان الهی وارد شوند، می توانند از اجر و پاداش عبادت کنندگان واقعی در مساجد برخوردار شوند. ولی حضور ناسالم زنان در مساجد و صحنه های دیگر اجتماعی، نه تنها ستایش نشده، بلکه مورد مذمت قرار گرفته است و آثار عبادی و روحانی ندارد. بنابراین، آیا سزاوار نیست که بانوان با رعایت شرایط ویژه، با داشتن انگیزه های الهی و اخلاص در عمل، در این جایگاه مقدس وارد شوند؟

۱. مسندک الوسایل، ج ۳، ص ۳۱۳.

۲. همان، ص ۳۵۹.

۳. کنز العمال، ج ۷، ص ۶۵۰.

۴. اعراف، آیه ۲۹.

۲- آثار علمی

تحصیل علم و دانش، یکی از جنبه های حضور زن در جامعه است و این امر به گونه ای دارای اهمیت و ارزش است که اسلام همان طور که کسب علم و دانش را بر مردان واجب می داند، زنان را نیز به همان نسبت به تحصیل علم فرمان داده و از گهواره تا گور، یعنی از آغاز تا سرانجام به این امر مهم ترغیب نموده است.

پیامبر اسلام ﷺ در این باره فرمودند: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ؛ طلب علم بر هر مسلمانی واجب است».^۱ در اینجا نمی توان گفت، چون واژه «مُسلم» مذکر است، تعبیر «كُلُّ مُسْلِمٍ» شامل زنان نمی شود؛ زیرا اولاً: در بعضی نقل هایی که در کتاب های شیعه وارد شده، واژه «مسلمه» نیز قید شده است: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ؛ تحصیل علم برای تمام مردان و زنان مسلمان واجب است».^۲ ثانیاً: این تعبیرات اطلاق دارد و مقید به رجولیت (مرد بودن)، نیست و اختصاص از آن فهمیده نمی شود. «مُسلم» یعنی: مسلمان، چه مرد باشد چه زن. در این نقل ها «مُسلم»، اسم جنس است و شامل مرد و زن می شود.

کارکرد علمی مسجد در عصر رسول خدا ﷺ و توصیه های ائمه (علیهم السلام) در این باره، ما را با یکی دیگر از آثار حضور در مسجد آشنا می سازد. پیامبر ﷺ می فرماید: «كُلُّ جُلُوسٍ فِي الْمَسْجِدِ لَعْوٍ إِلَّا ثَلَاثَةٌ: قِرَائَتُهُ مَصَلٌّ أَوْ ذَاكِرٌ لِلَّهِ تَعَالَى أَوْ مُسَائِلٌ عَن عِلْمٍ؛ هر نشستنی در مسجد بیهوده است، مگر اینکه برای سه کار باشد: خواندن قرآن، ذکر خدا، اندوختن دانش».^۳

هنگامی که بانوان در مسجد گردهم می آیند، بهترین زمانی است که می توانند از مسائل دینی و قرآن بهره مند گردند؛ زیرا یکی از اهداف بنای مسجد، برگزاری جلسات علمی و بیان احکام و مسائل اسلامی است، همان گونه که در عصر رسالت مرسوم بوده است. حضرات معصومان (علیهم السلام) در سخنان متعددی مساجد را

۱. بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۷۲.

۲. همان.

۳. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۸۶؛ وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۸۶.

پایگاه علم و دانش معرفی کرده اند. امام علی (علیه السلام) در یکی از سخنان خود «...بهره برداری از علم و دانش را یکی از نتایج و آثار رفتن به مسجد ذکر می فرماید».^۱ بعضی فقهای عظام، رفتن بانوان به مسجد برای فراگیری مسائل اسلامی را امری واجب دانسته اند و گفته اند: «اگر راهی برای یادگرفتن مسائل اسلامی، جز از طریق رفتن به مسجد وجود ندارد، واجب است (بانوان) به مسجد بروند».^۲

امروزه به برکت نظام جمهوری اسلامی و توجهات مقام معظم رهبری، مسجدها بر روی همگان گشوده است و به مناسبت های گوناگون در آنها وعظ و خطابه برپاست و علوم اسلامی تبلیغ می شود و از رویدادهای متفاوت علمی و تاریخ پرده برداشته می شود و کانون های گرمی تشکیل می گردد. بانوان می توانند با حضور خود در این مکان مقدّس بهره های فراوانی ببرند که هم پاداش تحصیل علم بر آن مترتب شود و هم ثواب حضور در مسجد.

۳- آثار اجتماعی و فرهنگی

مسجد به عنوان یک مرکز دینی برای عموم، نقش اساسی در شکل گیری اجتماعات مسلمانان دارد. از این رو به طور طبیعی مسجد می تواند کارکرد اجتماعی نیز داشته باشد. حضور زنان و مردان و تبادل اخبار و اطلاعات اجتماعی، جویا شدن از احوال یکدیگر و سایر مسلمانان، تنها بخشی از این ظرفیت بزرگی است که مساجد دارند. در این مکان ها مؤمنان فرصت می یابند با جمعی آشنا شوند که از نظر دین و عبودیت با آنان هم رنگ و توان ایجاد گروه های اجتماعی هماهنگ را دارند. بنابراین، آنان می توانند از بین اهل مسجد، دوستانی نیکوکار، از حیث دینی، برای خود بیابند که طبعاً آثار آن در ابعاد اجتماعی بروز می کند. زیرا در این پایگاه دینی و فرهنگی است که نمازگزاران مؤمن و نیکوکار در آن رفت و آمد می کنند^۳ و دوستی با آنان، در بینش انسان مؤثر است.

با ایجاد پیوند و آشنایی میان مؤمنان، نخبگان و صالحان جامعه، بستری مناسب

۱. وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۰.

۲. آیت ا... مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، مسئله ۸۱۷.

۳. تحف العقول عن آل الرسول، ص ۲۵۸.

برای پرورش و تربیت روحی انسان فراهم می آید.

کسی که با خوبان ارتباط دارد، حتی اگر به آن درجه از تکامل نرسد که به سبب خدا ترسی، مرتکب گناه نشود، به سبب حیا و شرم از برادران و خواهران دینی خود، راه انحراف را در پیش نمی گیرد. بر همین اساس، امام صادق (علیه السلام) فرمود: «لَا يَرْجِعُ صَاحِبُ الْمَسْجِدِ بِأَقْلٍ مِنْ أَحَدِي ثَلَاثِ خِصَالٍ: ... وَإِمَّا أَخَّ يَسْتَفِيدُهُ فِي اللَّهِ؛ اهل مسجد، کمتر از یکی از سه چیز از مسجد بر نمی گردد، که یکی از آنها [دوستی] است که از او در مسیر خدا استفاده می کند».^۱ بنابراین، زنان و مردان با حضور در مساجد، می توانند از یک اجتماع سالم دینی بهره مند شوند.

طبق روایتی که از امام علی (علیه السلام) نقل شد، تأثیرات رفتاری که حضور در مسجد برجای می گذارد، می تواند جوامع دینی را از فساد و گناه پاک کرده و مسلمانان را به سمت یک جامعه سالم هدایت کنند: «...أَوْ كَلِمَةً تَرُدُّهُ عَنِ رَدِي أَوْ يَتْرُكُ ذَنْبًا خَشِيَةً أَوْ حِيَاءً؛ یا کلماتی می شنود که او را از فساد و گناه باز می دارد، و یا به خاطر ترس [از خدا] یا حیا و آبرو، گناهی را ترک می کند».^۲

مسجد، پایگاهی دینی است که از فرهنگ دینی حمایت می کند و بر بالندگی آن می افزاید؛ این پایگاه الهی که مردم، اعم از زن و مرد را در شبانه روز، پنج نوبت یا حداقل سه نوبت به سوی خداوند فرامی خواند و فرهنگی را ارائه می دهد که به دور از امتیازهای ظاهری و قومی، و ویژگی های مشترک تأکید ورزیده، ارزش های اجتماعی و فرهنگی مشترک انسان ها را در قالب فطری و الهی حیات می بخشد. این سازمان دهی از روزهای آغازین عصر رسالت، در خطابه ها و گفتگوهای علمی و فرهنگی پیامبر (صلی الله علیه و آله) با مردم و سران قبایل گوناگون آغاز شد و معیارهای جدیدی برای بشریت به ارمغان آورد که مهم ترین آنها ارزش گذاری بر مبنای تقوا و پرهیزگاری است؛ به طوری که جنسیت و قومیت و ... در آن، ارزش و جایی نداشت.

رونق گرفتن مسجدها که نیمی از آن به دست بانوان صورت می گیرد، چیزی

^۱ . وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۷۷.

^۲ . همان، ج ۳، ص ۴۷۰. بر این اساس، حضور در مسجد می تواند نقش بازدارنده در ارتکاب جرایم و گناهان نیز داشته باشد).

نیست که بتوان به آسانی در مورد آن سخن گفت؛ زیرا بازتابی که این امر در میان مجامع جهان و برون مرزی دارد، بسیار فراتر و درخور توجه است. از این رو، اسلام همان گونه که به زنان دستور عفاف و حجاب می دهد، به آنان دستور شرکت در مجامع عمومی را نیز صادر کرده است.

حضور زنان در مساجد، بیانگر حضور فعال آنان در اجتماعات اسلامی و مجامع دینی و مذهبی است. آنان با حضور خود در مساجد، وحدت و همبستگی در سطح اجتماع را به ارمغان می آورند و از این کانون الهی جهت کسب دانش اجتماعی و فهم فرهنگ ناب محمدی صلی الله علیه و آله بهره های زیادی می برند.

۴- آثار سیاسی

مسجد همواره در کنار کارکرد اجتماعی و فرهنگی، کانون سیاسی در جامعه مذهبی نیز بوده است. این موضوع چه در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و چه در زمان خلفاء و ائمه اهل بیت علیهم السلام و دیگر اعصار، قابل پیگیری است و نمونه های فراوانی درباره آن می توان ذکر کرد. در این دوران، نه تنها آثار سیاسی حضور مردان در مسجد، بلکه آثار سیاسی حضور زنان در مسجد نیز مشهود است. چنان که حضرت فاطمه علیها السلام در مسجد و دفاع وی از حق ولایت امام علی علیه السلام یکی از آنها است. همچنین سخنرانی حضرت زینب علیها السلام در مسجد کوفه که از مسلمات تاریخی است. این اثر را در انقلاب اسلامی نیز می توان به خوبی مشاهده کرد.

تربیت سیاسی که در مسجد ارائه می شود، به دلیل ماهیت مذهبی آن می تواند نسلی را پدید آورد که پشتوانه جامعه دینی باشند و در برابر حوادث سیاسی، هوشیاری لازم را داشته باشند. از این رو حضور زنان در کنار مردان در مسجد ضروری است؛ زیرا اگر زنان از حضور در این مکان محروم شوند، در واقع تربیت دینی نسل ها به طور ناقص انجام خواهد شد. بانوان به دلیل تأثیر عمیق تر بر فرزندان و نقش تربیتی خود، در صورت برخورداری از تربیت سیاسی مسجد، بلوغ سیاسی را در نسل های بعدی به طور شگفت انگیزی افزایش خواهند داد. بنابراین، از صدر اسلام تاکنون، مسجد به عنوان کانون طرح مسائل سیاسی،

نقش اساسی در تربیت سیاسی مردم، اعمّ از زن و مرد داشته است؛ براین اساس، اگر زنان در این جاها (مساجد) حضور نیابند، از آگاهی از مسائل سیاسی کشور و جهان اسلام بی بهره می شوند و فرزندان که مردان و زنان آینده یک اجتماع اند از تربیت سیاسی کافی برخوردار نخواهند شد و این چنین جامعه ای شکست پذیر است.

۵- آثار روحی و اخلاقی

کانون مسجد، نورانی و الهی است. چنان که پیامبر ﷺ نیز در حدیثی به آن اشاره فرموده است: «مَا جَلَسَ قَوْمٌ فِي مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ تَعَالَى يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ [و] يَتَدَارِسُونَهُ إِلَّا تَنَزَّلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ وَ غَشِيَتْهُمْ الرَّحْمَةُ وَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ؛ قومی [با یکدیگر] در مسجدی از مساجد خداوند متعال برای تلاوت و آموختن قرآن نشینند؛ مگر آنکه آرامش بر ایشان نازل و رحمت الهی شامل حال آنها شود، و خداوند از آنها در میان کسانی که نزد او هستند یاد می کند».^۱ آن حضرت ﷺ در حدیث دیگری می فرماید: «مَنْ كَانَتْ الْمَسَاجِدُ بَيْتَهُ، ضَمِنَ اللَّهُ لَهُ بِالرُّوحِ وَالرَّاحَةِ وَالْجَوَازِ عَلَى الصَّرَاطِ؛ هر کسی که مسجدها خانه اش باشد، خداوند آسایش و آرامش و عبور از صراط را برای او ضمانت می کند. از این رو، مؤمن در مسجد، به مانند ماهی در دریا می ماند».^۲

اطمینان و آسایش حاصل از حضور در مسجد، توانایی انجام صحیح وظایف و تکالیف شرعی دیگر را نیز در پی خواهد داشت. در این باره یادآوری این نکته نیز ضروری است که به دلیل لطافت های روحی و تأثیرپذیری عاطفی شدید در بانوان، نیاز به حضور برای کسب آرامش الهی و قلبی، درباره آنان بیشتر احساس می شود.

از نظر اخلاقی نیز وضع به همین ترتیب است؛ زیرا زنان به دلیل این که بیشتر عمر و وقت خود را در خانه ها صرف خانه داری و تربیت فرزندان می کنند

۱. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۳.

۲. همان، ج ۳، ص ۵۵۴.

و بارها در مشکلات مختلف در تنگنا قرار می گیرند، بیشتر از مردان نیازمند آرامش و یافتن محلی برای کسب راحتی روانی هستند؛ البته در فضایی به نام مسجد که اساس آن بر نورانیت، عبودیت و ارتباط خالق و مخلوق است، امکان فراهم شدن آن بیشتر است. به دلیل اینکه ویژگی هایی که در جماعت است، در غیر آن نیست.

شیخ حرّ عاملی در کتاب ارزشمند «وسائل الشیعه» بابی تحت عنوان «باب استحباب الاجتماع فی الدعاء من أربعه إلی أربعین» آورده و روایاتی را در این باره مطرح نموده است. از جمله، از قول امام صادق (علیه السلام) آورده است که آن حضرت در این باره فرمود: «مَا اجْتَمَعَ أَرْبَعَةٌ رَهْطٍ قَسَطَ عَلَى أَمْرٍ وَاحِدٍ فَدَعَا لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ إِلَّا تَفَرَّقُوا عَنِ إِجَابَةِ؛ هیچ گاه چهار نفر با هم اجتماع نکرده اند که برای مطلبی به درگاه خدا دعا کنند، جز اینکه با اجابت آن دعا از هم جدا شده اند»^۱.

امام صادق (علیه السلام) در حدیثی دیگری فرمود: «كَانَ أَبِي إِذَا حَزَنَهُ أُمْرٌ جَمَعَ النِّسَاءَ وَالصَّبِيَّانَ ثُمَّ دَعَا وَآمَنُوا؛ هرگاه پیش آمدی پدرم را غمناک می کرد، زنان و کودکان را جمع می کرد، سپس دعا می نمود و آنها آمین می گفتند»^۲.

ماجرای «مباهله» که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در برابر اهل نجران که آن حضرت را تکذیب کردند، نمونه ای از همین نوع و پندی است برای مسلمانان؛ گرچه حضرت خود به تنهایی می توانست نصاری نجرانی را نفرین کند و خداوند نیز به خواسته آن حضرت پاسخ مثبت دهد؛ ولی همه فرزندانش و علی (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام) را گردآورد و تا هم اهمیت قضیه و جدی بودن رسالت خود را وانمود کند و هم این که برای دیگران درسی باشد. بنابراین، حضور زنان به همراه مردان در دعاهای پرفیض در خانه مشمول عنایت خاص و ویژه الهی قرار می گیرند و از آثار دعا بهره مند می شوند.

۱. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۴۳، ح ۸۸۵۸، باب ۳۸ از ابواب دعا.

۲. همان، ج ۴، ص ۱۱۴۳.

۶- آثار معنوی و اخروی

در منابع روایی از ثواب ها و اجرهای متعددی برای حاضران در مساجد، فراوان یاده شده است از جمله:

(الف) «إِنَّ فِي التَّوَارِهِ مَكْتُوباً: إِنَّ بُيُوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدُ فَطُوبَى لِمَنْ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي وَ حَقُّ عَلَى الْمَزُورِ أَنْ يُكْرِمَ الزَّائِرَ؛ در تورات نوشته شده است که خداوند می فرماید: مسجدها، خانه های من در زمین هستند. خوشا به حال کسی که خود را در خانه اش تمیز کند و در خانه من به زیارتم بیاید و حق زائر این است که میزبان او را محترم شمارد»^۱.

(ب) پیامبر ﷺ فرمودند: «الْمَسَاجِدُ سُوقٌ مِنْ أَسْوَاقِ الْآخِرَةِ، قِرَاهَا الْمَغْفِرَةُ وَ تَحَفَّتْهَا الْجَنَّةُ؛ مساجد بازاری از بازارهای آخرتند. آمرزش [و بخشش] از وسایل پذیرایی آنها و هدیه آنها بهشت است»^۲.

یعنی همان گونه که بازار محل خرید و فروش و مبادله کالا و متاع های دنیوی است، مسجد نیز محل کسب امور معنوی و اسبابی است که در سرای آخرت دارای کاربرد و تأثیر است. از سوی دیگر از آنجا که بیشترین اهتمام انسان مؤمن متوجه تهیه و تأمین اسبابی است که در سرای آخرت بدان نیاز دارد شوق و انس وی به بازار آخرت (مسجد) به مراتب بیش از علاقه او به بازارهای دنیاست و در جانب مقابل، آنان که دنیا و حرص و آز بر متاع آن را وجه همت خویش قرار داده اند، معمولاً با سودجویی و سودگرایی انس بیشتری دارند. از این رو می بینیم که مؤمنین در هنگام رفتن به مساجد سعی کنند بر دیگران پیشی گیرند و به هنگام خروج دیرتر از همه مسجد را ترک گویند، و بالعکس اهل دنیا پیش از همه به بازار رفته و پس از همه خارج می شوند.

(ج) همچنین پیامبر ﷺ فرمودند: «سَبْعَةٌ يُظِلُّهُمْ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا لِلَّهِ: ... رَجُلٌ قَلْبُهُ مُتَعَلِّقٌ بِالْمَسْجِدِ إِذَا حَرَجَ مِنْهُ حَتَّى يَعُودَ إِلَيْهِ؛ هفت گروه در قیامت مورد توجه خدا قرار می گیرند... [که از جمله آنهاست،] شخصی که وقتی از

^۱ . همان، ج ۳، ص ۴۸۲.

^۲ . مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۱؛ بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۴؛ الامالی، ص ۱۳۹.

مسجد خارج می شود تا زمان برگشت، توجّه اش به مسجد باشد»^۱.
(د) امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «لَا يَرْجِعُ صَاحِبُ الْمَسْجِدِ بِأَقْلٍ مِنْ إِحْدَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: إِمَّا دُعَاءٌ يَدْعُو بِهِ يُدْخِلُهُ اللَّهُ بِهِ الْجَنَّةَ وَ إِمَّا دُعَاءٌ يَدْعُو بِهِ فَيَصْرِفُ اللَّهُ عَنْهُ بِهِ بَلَاءَ الدُّنْيَا...؛ اهل مسجد به کمتر از یکی از سه ویژگی باز نمی گردد: یا دعایی می کند که خداوند به برکت آن، او را بهشت می برد، یا دعایی می کند که به سبب آن بلای دنیا را از او دور می کند و یا...»^۲.

این همه آثار بیانگر، حضور در مسجد، علاوه بر آثار دنیوی، از جنبه اخروی و کمالات معنوی نیز - به عنوان عاملی تأثیرگذار - مورد توجّه است. نقل است که شیخ الرئیس ابوعلی سینا برای ابوسعید ابوالخیر نوشت: چه لزومی دارد، مردم همه در مسجد اجتماع کنند، با اینکه خداوند از رگ گردن به انسان نزدیک تر است. هر جا که باشی اگر رابطه ات با خدا برقرار باشد، نتیجه خواهی گرفت؛ وی در پاسخ نوشت: اگر چند چراغ در یک جا روشن باشد، اگر یکی از آنها خاموش گردد، چراغ های دیگر روشن است. ولی اگر همان چراغ، هر کدام در اطاق در بسته ای باشد، اگر یکی از آنها خاموش شود، آن اطاق تاریک می گردد. انسان ها نیز این گونه اند. بعضی گنهکارند، اگر تنها باشند، شاید موفق به فیوضات و برکات نور الهی نشوند، ولی اگر در اجتماع باشند، شاید خداوند به برکت وجود بعضی دیگر افراد اجتماع، آنان را نیز مشمول فیوضات و برکاتش قرار دهد.^۳

۱. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۷۱.

۲. همان، ج ۳، ص ۴۷۷.

۳. همان، ج ۳، ص ۴۸۱.

« نتیجه سخن

حضور زنان در جامعه و تلاش و مجاهدت آنان در عرصه های مختلف اجتماعی از موضوعات و مسائل مهمی است که همواره از مباحث بنیادین بوده است. از دیدگاه تعالیم مقدس اسلام، زنان از کلیه حقوق اجتماعی بهره مند می باشند و هیچ مانع و حصارى نمی تواند راه های حضور فعال آنان در جامعه را سد نماید و این انسان خلاق را که نیمی از پیکر جامعه انسانی است، از بهره رسانی به اجتماع محروم گرداند.

آنچه مهم است، اینکه اسلام در عین این که از حضور زن در عرصه های اجتماع، مانند حضور در مسجد و... جلوگیری نکرده، چارچوب را نیز در نظر گرفته تا هم برای به بار نشستن اهداف اسلام بکوشند و هم حیثیت انسانی آنان دستخوش طمع دشمنان قرار نگیرد و پاکدامنی شان نیز حفظ شود؛ از این رو، زنان را تا جایی که حضورشان به فساد آلوده نشود، از شرکت در اجتماع نهی نمی کند، بلکه در بعضی موارد شرکت آنها را واجب می کند؛ مانند حجّ که بر مرد و زن به یک اندازه واجب است و حتی شوهر هم حق ممانعت از همسر خود ندارد. گفتار قائلین به افضلیت نماز زن در خانه نیز ناظر به اهمّیت به حجاب و پوشش زن است.

اگر زنی بتواند خود را از دید نامحرم بپوشاند و یا دیدگان خویش را از نگاه بیگانه فرو بندد، حضور او در مسجد منعی ندارد.

همان طور که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و دیگر حضرات معصومان علیهم السلام زنها با حفظ حجاب و پوشش اسلامی، در نماز جماعت مسجد حضور پیدا می کردند. امام خمینی ره در این باره فرموده است: «اگر (زنان) بتوانند کاملاً خود را از نامحرم حفظ کنند، بهتر است در مسجد نماز بخوانند»^۱.

همچنین حضرت آیت ا... مکارم شیرازی می فرمایند: «برای زنها بهتر آن است که نماز را در خانه بخوانند، ولی اگر خود را از نامحرم به خوبی حفظ کنند، بهتر است در مسجد بخوانند، و اگر راهی برای یاد گرفتن مسائل اسلامی، جز از طریق

۱. امام خمینی ره، رساله توضیح المسائل، مسئله، ۸۹۳.

رفتن به مسجد وجود ندارد، واجب است به مسجد بروند»^۱.
حضور زن در مسجد بسیار حائز اهمیت است؛ چون او مربی و پرورش دهنده نسل هاست. امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهَا در این باره می فرماید: «زن مربی جامعه است، از دامن زن انسان ها پیدا می شوند، مرحله اول مرد و زن صحیح، از دامن زن است... زن با تربیت صحیح خود، انسان درست می کند و با تربیت صحیح خود کشور را آباد می کند»^۲.

آری؛ بانوان محجبه با حضور در مساجد و اماکن مذهبی، برای انجام عبادات، کسب دانش های اجتماعی و اخلاقی و سیاسی و... و خلاصه متخلق شدن به اخلاق الهی می توانند در برابر هجمه های فرهنگی دشمنان مبارزه نمایند و در پرتو کسب این آگاهی ها از کانون مساجد و اماکن مذهبی، در ایفای نقش خانوادگی و پرورشی و تربیتی، بسیار موفق و نسلی متفکر و سیاستمدار و مؤمن و متعبد و تلاشگر به جامعه انسانی تقدیم نمایند.

افزون بر فوایدی که در این نوشتار درباره حضور بانوان در مسجد برشمردیم، در این برهه از زمان حفظ نظام جمهوری اسلامی و تحکیم پایه های اقتدار آن از مهم ترین وظایف مسلمانان است که اصولاً جنسیت بردار نیست؛ یعنی مهم ترین وظایفی است که هر کس به دلیل مسلمانی برعهده دارد؛ وظیفه ای که بر اساس قانون تراحم مصالح، بر تمام احکام فردی و اجتماعی اولویت دارد. بنابراین، در این راستا چه زنان و چه مردان، می بایست حضوری فعال داشته و نشاط سیاسی جامعه اسلامی را همواره با تقویت روح دینداری و عبادانه خود حفظ کنند.

۱. آیت ا... مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، مسئله ۸۱۷.

۲. در جستجوی راه از کلام امام، دفتر سوم، ص ۱۱۱.

« منابع و مأخذ

- « قرآن کریم
« نهج البلاغه
« شیخ حرّ عاملی، محمد حسن، وسائل الشیعه، قم، آل البيت، ۱۴۰۹ هـ.ق.
« شیخ صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، من لایحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ هـ.ق.
« متقی الہندی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تحقیق الشیخ بکری حیاتی، الشیخ صفوہ الصفا، بیروت، مؤسسہ الرسالہ، بی تا.
« حلّی، علامہ حسن بن یوسف، تذکرہ الفقہاء، قم، مؤسسہ آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۱۴ هـ.ق.
« سید قطب، فی ضلال القرآن، ترجمہ مصطفیٰ خرم دل، تهران، نشر احسان، ۱۳۷۸ هـ.ق.
« صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۸ هـ.ق.
« فراہیدی، عبدالرحمن الخلیل بن احمد، کتاب العین، طبع الثانیہ، مؤسسہ دارالہجرہ، ۱۴۰۹ هـ.ق.
« طبرسی، فضل حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفہ.
« رازی، فخرالدین محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، تحقیق عبدالرحمن محمد، مصر، قاہرہ، ۱۳۵۷ هـ.ق.
« علی بن ابراہیم قمی، تفسیر قمی، قم، مؤسسہ دارالکتاب، چاپ سوم، ۱۴۰۴ هـ.ق.
« عبد علی بن جمعه العروسی الحویزی، تفسیر نورالثقلین، قم، اسماعیلیان، چاپ چہارم، ۱۴۱۲ هـ.ق.
« مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسہ الوفاء، ۱۴۰۴ هـ.ق.
« پایندہ، ابوالقاسم، نهج الفصاحہ، مجموعہ کلمات قصار حضرت رسول اکرم ﷺ با ترجمہ فارسی، تہران، انتشارات جاویدان، چاپ اول، ۱۳۷۴ ہش
« موسوی خمینی، سیدروح اللہ، تحریر الوسیلہ، قم، اسماعیلیان.
« _____ توضیح المسائل.
« عبد الحلیم ابوشقہ، تحریر المرأہ فی عصر الرسالہ، کویت، دارالعلم، ۱۴۱۱ هـ.ق.
« العک، الشیخ، خالد، موسوعہ فقہ المرأہ المسلمہ من الکتاب والسنہ.
« مجلسی، محمدتقی، روضہ المتقین فی شرح من لایحضرہ الفقیہ.
« حسینی عاملی، سید محمدجواد، مفتاح الکرامہ، بیروت، مؤسسہ الأعلمی، ۱۴۱۶ هـ.ق.
« شہید ثانی (الجبعی العاملی)، زین الدین بن علی، الروضہ البہیہ فی شرح المعہ الدمشقیہ، قم، انتشارات داوری، چاپ اول، ۱۴۱۰ هـ.ق.
« آیت اللہ العظمی، مکارم شیرازی، ناصر، رسالہ توضیح المسائل.
« محلاتی، ذبیح اللہ، ریاحین الشریعہ، تہران، دارالکتب الإسلامیہ، ۱۳۶۴ ہش.
« ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، بیروت، دارالصادر.
« عسقلانی، ابن حجر، الاصابہ فی تمييز الصحابه، بیروت، دارالجيل.
« عبدالرحیم عنیمہ، تاریخ دانشگاه های اسلامی، ترجمہ دکتر نوراللہ کسائی.
« نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسہ آل البيت، ۱۴۰۸ هـ.ق.
« شہید اول، دروس الشریعہ، قم، مؤسسہ النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ هـ.ق.
« سید حسن شیرازی، کلمہ الامام الحسن، بیروت، دارالصادق، ۱۳۸۸ هـ.ق.
« صابر یزدی، علیرضا، الحکم الزاہرہ، ترجمہ محمدرضا انصاری، تہران، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲ ہش.
« شیخ صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم، نشر رضی، چاپ دوم، ۱۳۶۳ ہش

- « نعمان بن محمد تمیمی مغربی، دعائم الاسلام، مصر، دارالمعاف، ۱۳۸۵ هـ.ق.
- « قرائتی، محسن، حج، نشر مشعر، ۱۳۷۳ هـ.ش.
- « ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، قم، مکتبه آیه الله المرعشی، بی تا.
- « نمازی شاهرودی، شیخ علی، مستدرک سفینه البحار، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۹ هـ.ق.
- « هیثمی، نور الدین، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت، دارلکتب العلمیه، ۱۴۰۸ هـ.ق.
- « ابن اثیر، اسدالغابه، تهران، انتشارات اسماعیلیان.
- « الامام احمد حنبل، مسند احمد، بیروت، دارالفکر.
- « نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- « فاضل هندی، کشف اللثام، قم، مکتبه آیه الله مرعشی النجفی، ۱۴۰۵ هـ.ق.
- « محقق نراقی، محمد مهدی، مستند الشیعه فی احکام الشریعه، قم، مؤسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۱۵ هـ.ق.
- « النووی، محی الدین بن شرف، المجموع، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷ هـ.ق.
- « بحرانی، یوسف بن احمد، حدائق التاخره، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا.
- « طوسی، محمدبن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، تهران، مکتبه مرتضویه، ۱۳۸۸ هـ.ق.
- « شهید ثانی، مسالک الافهام الی تنقیح الشراعی الاسلام، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۶ هـ.ق.
- « سبزواری، محمدباقر، کفایه الاحکام، اصفهان، مدرسه مهدوی، بی تا.
- « موسوی خوئی، سید ابوالقاسم، منهاج الصالحین (المعاملات)، قم، نشر مדיنه العلم، چاپ بیست و هشتم، ۱۴۱۰ هـ.ق.
- « حائری (شاهباغ)، سید علی، شرح قانون مدنی ایران، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۹ هـ.ش.
- « محقق داماد، سید مصطفی، بررسی فقهی حقوق خانواده نکاح و انحلال آن، تهران، نشر علوم اسلامی، ۱۳۷۲ هـ.ش.
- « مشکینی، علی، الزواج فی اسلام، قم، نشر مؤلف، بی تا.
- « شمس الدین، محمد مهدی، مسائل حرجه فی فقه المرأه - حقوق الزوجه، بیروت، مؤسسه الدولته للدراسات و النشر، ۱۹۹۶ م.
- « فضل الله، علامه سید محمد حسین، تأملات اسلامیه حول المرأه، بیروت، دارالملاک، ۱۴۲۱ هـ.ق.
- « زبیدی، محمدبن مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، المکتبه الحیاه.
- « فتیومی، احمدبن محمد، «المصباح المنیر»، قم، دارالهجره، ۱۴۰۹ هـ.ق.
- « ابن ابی جمهور احسائی، ابو جعفر بن علی بن ابراهیم، عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینییه، قم، انتشارات سید الشهداء (علیه السلام)، ۱۴۰۵ هـ.ق.
- « طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، قم، دارالثقافه، ۱۴۱۴ هـ.ق.
- « حرّانی، ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ هـ.ق.
- « مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، تهران، انتشارات صدرا، چاپ اول، ۱۳۶۷ هـ.ش.
- « در جستجوی راه از کلام امام، دفتر سوّم، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوّم، ۱۳۶۳ هـ.ش.
- « ادھمی مصری، شیخ محمد کمال الدین، مرآت النساء.
- « بشّار عواد معروف و همکاران، المسند الجامع، بیروت، دارالجیل، چاپ اول، ۱۴۱۳ هـ.ق/ ۱۹۹۳ م.
- « ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، احکام النساء، تحقیق عبدالمجید طعمه الحلّبی، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۷ هـ.ق.
- « القزوینی، محمدبن یزید، سنن ابن ماجه، بیروت، دارالفکر.

- « سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، چاپ نهم، ۱۳۷۳ هـ.ش.
- « جریر، محمد بن جریر، تاریخ الرّسل و الملوک یا تاریخ الامم والملوک (تاریخ طبری)، مترجم ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۵۴ هـ.ش.
- « محقق اردبیلی، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان، جامعه مدرسین قم بی تا.
- « کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق و تعلیق: علی اکبر غفاری، بیروت، دارالأضواء، ۱۴۰۵ هـ.ق.
- « ابوداود سلیمان بن اشعث السجستانی، سنن ابی داود، بیروت، داراحیاء النبویه.
- « مولوی، جلال الدین بلخی، مثنوی معنوی، تهران، انتشارات پژوهش.
- « موصلی (ابویعلی)، احمد بن علی، معجم ابی یعلی، فیصل آباد، اداره العلوم الاثریّه، ۱۴۰۷ هـ.ق.
- « مروارید، علی اصغر، سلسله الینابیع الفقہیّه، بیروت، مؤسسه فقه الشّیعہ، ۱۴۱۳ هـ.ق.
- « قشیری النیشابوری، ابی الحسن مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.

بررسی احکام فقهی حضور زنان در مسجد

عسکری اسلام پور کریمی

چکیده

نوشتار حاضر در صدد بررسی احکام فقهی حضور زنان در مسجد است. نگارنده، با بررسی روایات فریقین که خانه و منزل زن را، مسجد وی می دانند و روایاتی که مسجد را متعلق به زن و مرد دانسته است و تحقیق در شواهد تاریخی فراوانی که بیانگر حضور زنان در مسجد، در صدر اسلام برای و نماز، اعتکاف، نظافت مسجد، پرستاری از مجروحان جنگ و... است، به تشریح حضور زن در مسجد و سایر فعالیت های اجتماعی پرداخته است. این نوشتار، در پنج مبحث به شرح زیر تنظیم گردیده است: بررسی روایات فریقین، شواهد تاریخی حضور زنان در مسجد در صدر اسلام برای اموری غیر از نماز، بررسی فقهی حضور زن در مسجد، شرایط حضور زنان در مساجد، آثار حضور زنان در مسجد.

واژگان کلیدی:

مسجد، حضور زن در مسجد، نماز جماعت، اعتکاف، خادم مسجد، شواهد تاریخی، شرایط حضور، آثار حضور.

با مطالعه در آموزه های اصیل اسلامی درمی یابیم که زن، از سرشتی انسانی، مانند مرد، آفریده شده است. همان گونه که زن در آفرینش، با مرد یکسان است و سرشتی جداگانه ندارد، در رشد و کمال معنوی و رسیدن به قله های بلند تقوا و فضیلت نیز استعدادهای سرشاری دارد. بانوان، نیمی از پیکر جامعه انسانی را تشکیل می دهند و مانند مردان در مشارکت عمومی، پایگاه و جایگاه مناسبی دارند و نمی توان از نقش سازنده آنان چشم پوشی کرد.

اسلام، با حضور بانوان در عرصه های مختلف اجتماعی مخالف نیست و این کار را منع نکرده است. با وجود اینکه دین مبین اسلام، وظیفه و نقش اصلی زنان را «مادری» و تربیت و پرورش انسان های بزرگ و وارسته می داند، در کنار آن نیز به آنان اجازه داده است تا با حفظ حریم عفت، پاکدامنی و در پوششی محفوظ، در اجتماع حضور یابند و برای رشد و ترقی خود و جامعه گام بردارند. با دقت نظر در تاریخ صدر اسلام، به ویژه عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درمی یابیم که زنان مؤمن، همانند مردان در مجامع عمومی مانند نماز جمعه و جماعت شرکت می کردند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از مدتی که درب ورودی و خروجی مسجدالتبی برای مردان و زنان یکی بود، دستور فرمودند تا برای زنان، درب دیگری قرار دهند که «باب النساء» نامیده شد و هنوز هم به این نام معروف است. بنابراین، سیره نبوی صلی الله علیه و آله و دلایل و شواهد تاریخی، از جمله دلایل متقنی موجود است که بر جواز حضور زنان در مجامع عمومی، مانند حضور در مسجد برای برگزاری عبادت و استفاده برنامه های فرهنگی و... تأکید دارد. سخنی که در این نوشتار، متعرض آن خواهیم شد، از این قرار است:

۱. حال که با استناد به روایات و دلایل و شواهد تاریخی، حضور زن در مسجد جایز شمرده می شود،^۱ پرسش اصلی این است که آیا برای زن، جایز است در

^۱ . برای مطالعه بیشتر و دست یابی به مبانی حضور بانوان در مسجد، ر. ک به: اسلام پور کریمی، عسکری، حضور بانوان در مسجد و نماز جماعت بر اساس آموزه های دینی؛ گندمکار، علی اکبر، بررسی تفصیلی حضور زنان در مسجد.

مسجد، متصدّی امامت جماعت گردد.

۲. فقه پویای اسلام درباره احکام حضور زنان در مسجد چه می گوید (احکام فقهی حضور زن در مسجد)؟

« فصل اول: زن و قبول مسئولیت در مسجد

الف) زن و امامت جماعت در مسجد

۱. دیدگاه فقهای شیعه

برای روشن شدن بحث، بهتر است اختلاف یا اتفاق نظر در سه مورد زیر بررسی شود:

الف) مرد می تواند امام جماعت برای مردان به تنهایی، زنان به تنهایی و مردان و زنان با هم باشد؛

ب) زن نمی تواند امامت جماعت برای مردان به تنهایی و مردان و زنان با هم باشد؛

ج) زن می تواند امام جماعت برای زنان به تنهایی باشد.

مورد اول و دوم محل اتفاق آرا و نظر عالمان و فقیهان است؛ ولی مورد سوم، محل اختلاف نظر است.

مرحوم صاحب جواهر، به هیچ وجه در مورد مسئله اول صحبت نکرده است؛ زیرا در نظر همه فقها و مطابق با سیره همه مسلمانان، امری جایز و درست است و محل اختلاف نیست. در مسئله دوم نیز ادعای نقل و تحصیل عدم خلاف کرده است و سپس از مرحوم شیخ طوسی و علامه حلی، نقل اجماعی بر آن می کند و می گوید که سایر فقها نیز در این مسئله رأی مخالفی ابراز نداشته اند. عمده اختلاف نظرها درباره امامت جماعت زن، در مورد سوم است؛ یعنی جایی که همه مأمومان، زن هستند. مشهور فقهای عظام شیعه، امامت جماعت زن برای زنان را جایز می دانند^۱ و برخی از آنان نیز ادعای اجماع کرده اند.^۲ البته، ناگفته نماند که تحصیل اجماع مشکل است؛ زیرا وجود علمای بزرگ مخالف، محرز است؛ برای مثال قدما، سید مرتضی^۳ و ابن جنید اسکافی و صاحب «مستندالشیعه»،^۴ مخالف

۱. جواهرالکلام، ج ۱۳، ص ۲۳۶.

۲. این شهرت با ملاحظه کتابهای فقهی به دست می آید. صاحب جواهر، جواز را به مشهور اصحاب نقلی و تحصیلی نسبت داده اند؛ جواهرالکلام، ج ۱۳، ص ۳۳۶؛ علامه در مختلف، ص ۱۵۴؛ شهید در بیان، ص ۲۳۱.

۳. مستندالشیعه، ج ۵، ص ۳۵. صاحب جواهر هم از ریاض المسائل چنین نقل می کند: «إن علیه عامه من تأخر».

۴. سلسله الینابیع الفقهیه، ج ۲۷، ص ۶۴۷.

۵. محقق نراقی، مستندالشیعه، ج ۵، ص ۳۷.

امامت جماعت زن برای زنان هستند.

چنان که گذشت، بسیاری از فقهای قدیم و متأخر، به جواز امامت زن برای زنان قائل هستند؛ از جمله به موارد ذیل اشاره می‌کنیم:

مرحوم صدوق، اگر چه در «المقنع»، متعرض مسئله نشده‌اند؛ ولی از بیان ایشان در «جمل العلم و العمل» که جواز امامت زنان برای مردان را نفی نمودند، استظهار می‌شود که امامت آنها (زنان)، برای زنان بلامانع است.^۱

مرحوم کلینی نیز در «الکافی»، پس از منع امامت زنان برای مردان و برخی طوایف دیگر می‌فرماید: «يجوز أن يؤمَّ كلَّ منهم بأهل طبقته».^۲

مرحوم قاضی ابن براج هم در «مهذب البارع» آورده‌اند: «لا يؤمُّ المرأة الرجال و يجوز أن تؤمَّ النساء».^۳

مرحوم شیخ طوسی نیز در «النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی» آورده است: «لابأس أن تؤمَّ المرأة بالنساء»^۴ و در «المبسوط»، فتوی به استحباب داده‌اند.^۵ صاحب شرایع دُر «شرایع الاسلام»، علامه حلّی در «تبصره»^۶ و «تلخیص المرام»^۷ و شهید اول در «دروس»^۸، شهید ثانی در «مسالك»^۹، محقق اردبیلی در «مجمع الفائده و البرهان»^{۱۰}، صاحب حدائق^{۱۱} و صاحب جواهر^{۱۲}، همگی فتوا به جواز امامت جماعت زنان برای زن در فرائض داده‌اند.

از میان علمای معاصر نیز تعداد قابل توجهی، قائل به جواز امامت زنان برای زنان در نمازهای واجب هستند؛ مانند مرحوم سید کاظم یزدی در «عروه

۱. سلسله البنایع الفقهیه، ج ۳، ص ۱۸۲.

۲. همان، ص ۲۷۴.

۳. همان، ص ۴۰۹.

۴. همان، ج ۳۰، ص ۳۲۴.

۵. همان، ج ۲۷، ص ۲۳۳.

۶. همان، ج ۴، ص ۸۲۱.

۷. همان، ج ۲۸، ص ۵۲۲.

۸. همان، ص ۵۶۷.

۹. سلسله البنایع الفقهیه، ج ۳، ص ۶۴۷.

۱۰. مسالك الافهام، ج ۱، ص ۲۶۴.

۱۱. مجمع الفائده و البرهان، ج ۲، ص ۳۴۵.

۱۲. الحدائق الناضرة، ج ۸، ص ۱۴۱ و ج ۱۱، ص ۱۸۹.

۱۳. جواهر الکلام، ج ۱۳، ص ۳۳۷.

الوثقی»،^۱ مرحوم حکیم در «مستمسک العروه الوثقی»،^۲ مرحوم خویی در «منهاج الصالحین»^۳.

آیت الله گلپایگانی، امامت زن برای زنان در نماز میت را جایز نمی دانند؛ ولی در بقیه موارد، امامت زن برای زنان را جایز می شمارند.^۴ امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ در این مسئله تأمل و اشکال دارند؛ ولی سایر بزرگان محشین عروه، حاشیه‌ای بر این مطلب ندارند. از فقهای حاضر، آیات عظام خامنه‌ای، مکارم شیرازی، صافی گلپایگانی و شیخ جواد تبریزی به جواز امامت زنان فتوی داده‌اند؛ هر چند برخی، آن را مکروه می دانند.^۵

ادّله مسئله

دلایل زیادی بر این مسئله اقامه شده است که بیشتر روایی هستند. البته، صاحب جواهر، از قول «خلاف»، «تذکره»، «غنیه»، «ارشاد جعفریه»، «معتبر» و «منتهی» ادّعی اجماع بر جواز را نقل کرده است و در بیان مستندات آن، غیر از روایات، به اصل اشتراک احکام نیز تمسک جسته‌اند. تمسک به این اصل در کنار روایات، از این نظر مفید است که در صورت مواجهه با روایاتی که ظهور در عدم جواز امامت زنان دارند، می‌توانیم به اصل مزبور مراجعه کنیم و روایاتی را ترجیح دهیم که جواز امامت زنان را ثابت می‌کنند.

در هر حال، دو دسته روایت در این مورد وجود دارد:

الف) روایاتی که امامت زنان برای زنان را تجویز می‌کنند:

اول، روایت نبوی معروف و مشهور در کتب روایی شیعه و اهل سنت است که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به «امّ‌ورقه» امر فرمودند که برای اهل خانه خود، نماز جماعت برگزار کند.^۶

۱. عروه‌الوثقی، ج ۱، ص ۷۹۸-۷۹۷.

۲. مستمسک عروه الوثقی، ج ۷، ص ۲۲-۳۲۱.

۳. منهاج‌الصالحین، ج ۱، ص ۲۱۸.

۴. توضیح‌المسائل مراجع، ج ۱، ص ۸۱۹.

۵. ر.ک به: توضیح‌المسائل مراجع، ص ۸۱۸، ۸۱۷ و ۸۳۹ و همچنین رساله عملیه آیت‌الله تبریزی.

۶. کنز‌العمال، ج ۴، ص ۲۵۷، قم ۵۳۶؛ مصباح‌الفقیه، ج ۲، ص ۶۸۰؛ اعلام‌النساء، ج ۵، ص ۲۸۴، درباره امّ‌ورقه بنت عبدالله بن حارث انصاریه آمده است: «من فواضل نساء عصرها کان رسول الله یزورها و یسمیها الشّهیده... و کانت جمعت القرآن، فأمرها

دوم، روایت از امام صادق علیه السلام است که از آن حضرت پرسیدند: «ففی صلاه المکتوبه ایوم بَعْضَهُنَّ بَعْضاً؟» حضرت پاسخ دادند: «نَعَمْ».^۱

سوم، روایت موثقه سماعه بن مهران از امام صادق علیه السلام است: «عن المرأه تؤم النساء؟ فقال: لا بأس به؛ سماعه می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره امام جماعت شدن زن برای زنان سؤال کردم؟ حضرت فرمودند: اشکالی ندارد».^۲

چهار، روایت عبدالله بن بکیر از امام صادق علیه السلام است که حضرت در پاسخ به پرسش در این مورد می فرماید: «نعم؛ تقوم وسطاً بینهنّ ولایتقدمهنّ؛ جایز است، در وسط زنان می ایستد، نه جلوتر از آنان».^۳ این روایت، مرسل است؛ ولی علاوه بر آنکه ابن بکیر از اصحاب اجماع^۴ است، روایت مزبور نیز به ادله صحیح و موثق دیگری تأیید شده است.

پنجم، روایت علی بن جعفر از امام کاظم علیه السلام: «عن المرأه تؤم النساء ما حدّ رُفِعَ صَوْتِهَا بِالْقِرَاءِ وَ التَّكْبِيرِ؟ فَقَالَ الصَّادِقُ علیه السلام قَدْرُ مَا تُسْمِعُ؛ علی بن جعفر از برادرش، امام کاظم علیه السلام، درباره اندازه بلندکردن صدای زن به هنگام امامت جماعت زنان پرسید؛ حضرت در پاسخ فرمودند: به اندازه ای که صدای او شنیده شود».^۵

ب) روایاتی که بر منع امامت جماعت زنان یا ممنوعیت حضور آنان در جماعت دلالت دارد:

از جمله، روایت نبوی که در کتاب های شیعه و اهل سنت تکرار شده است. این روایت بخشی از وصیت و سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام است: «وَأَلَيْسَ عَلَى النِّسَاءِ أَذَانٌ وَلَا إِقَامَةٌ وَلَا جُمُعَةٌ وَلَا جَمَاعَةٌ».^۶

النبي صلی الله علیه و آله أن تؤم أهل دارها فكانت تؤم أهل دارها».

۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ابواب صلاه الجماعه، باب ۲۰، ح ۲.

۲. همان، ابواب صلاه الجماعه، باب ۲۰، ح ۱۱.

۳. همان، ح ۱۰.

۴. در علم رجال، در مورد برخی از اصحاب ائمه علیهم السلام بین علماء اتفاق نظر وجود دارد، مبنی بر اینکه هر روایتی که از آنان به طریق صحیح نقل شده و راویان از اول سند تا یکی از آنان مورد اعتماد باشند، آن روایت، صحیح است و عمل به آن را لازم می شمارند. از این رو، باید حدیث اصحاب اجماع را قبول تلقی کرد؛ حتی اگر از مجهول یا ضعیف باشد. به همین اعتبار، مرسل های آنان به منزله مسندها معتبر است.

۵. وسائل الشیعه، ج ۵، ابواب صلاه الجماعه، باب ۲۰، ح ۷.

۶. مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۱۲۶.

صرف نظر از بحث سندی این روایت، تذکر این نکته ضروری است که آنچه در این روایت نفی شده است، سیاق واحدی ندارد و به طور اساسی، برخی از آنها برای مردان هم واجب نیست؛ از این رو، نفی آن از زنان نیز نفی استحباب است؛ مانند هروله، عیادت مریض، استلام حجرالأسود و مانند آن؛ در مواردی نیز چیزی نفی شده که انجام آن بر زنان حرام است؛ مانند: خروج زن از منزل بدون اذن همسر. بنابراین، گاهی حکم مزبور ترخیصی است و گاهی عزیمتی و الزامی.^۱

به هر حال، علت اینکه شرکت زن در نمازهای جمعه و جماعت ضرورتی ندارد، یکی به دلیل حفظ عفت و پاکدامنی است؛ دیگر اینکه زن، وظایفی در خانه دارد و با توجه به مأموریت تربیت فرزند و سامان بخشی به امور منزل، برخی از اعمال دینی از دوش او برداشته شده است. البته، برداشته شدن این احکام از زنان، از باب رخصت است، نه از باب عزیمت. به طور کلی، پس از بررسی، در ادامه خواهیم دید که ادله جواز، ترجیح دارند.^۲

ارزیابی ادله جواز امامت جماعت زن

مرحوم شیخ حرّ عاملی پس از نقل هر دو دسته دلیل، می‌فرمایند: روایاتی که امامت جماعت زنان را جایز می‌شمارند، صریح‌تر بوده است و دلالت گویاتری دارند. بنابراین، روایات طرف مقابل را بر این معنا بار می‌کنیم که حداکثر کراهت امامت جماعت زن را برای زنان ثابت می‌کنند.^۳ وی می‌افزاید: علامه در «منتهی» می‌گوید: «اعتقاد بر این است روایاتی که امامت زنان را جایز نمی‌دانند، منصرف به زنی هستند که احکام نماز و نماز جماعت را نمی‌شناسد» و البته تعداد آنها در آن عصر، کم نبوده است. فرمایش علامه را می‌توان با این نکته تأیید نمود که پیامبر ﷺ، از میان زنان، به «امّ ورقه» امر کرده است که برای اهل خانه‌اش نماز برپا کند و مؤذنی هم برای وی قرار داد. امّ ورقه زنی

۱. رخصت، یعنی اینکه لزومی ندارد زنان در این گونه امور شرکت کنند؛ اما اگر شرکت کردند، اشکالی ندارد؛ ولی اگر عزیمت بود، شرکت کردن آنها جایز نبود.

۲. اگر چه کسانی که اعتضاد روایات به شهرت را نمی‌پذیرند، این وجه ترجیح را قبول ندارند؛ مانند صاحب مستندالشیعه رک به: مستندالشیعه، ج ۵، ص ۳۹-۳۷.

۳. وسائل الشیعه، ج ۵، انتهای باب ۲۰، از ابواب صلاه الجماعه.

دارای کمالات علمی و عملی بوده است.

شهید اول در «ذکری» فرموده‌اند؛ جمع میان روایات این است که بگوییم روایات دسته دوم، استحباب مؤکد را نفی می‌کنند، نه مطلق استحباب را. صاحب حدائق از فاضل خراسانی نیز نقل می‌کنند که جمع میان ادله به این است که قائل شویم امامت زنان در نمازهای واجب جایز، ولی بهتر این است که ترک شود. سپس، ایشان در رفع تعارض و تنافی این دو دسته دلیل می‌فرمایند: لازم است ما این چنین جمع کنیم که بگوییم مراد از واژه «مکتوبه» که در ادله عدم جواز امامت زنان آمده است، نماز جماعت واجب است (مثل جمعه و عیدین) و مراد از نافله در ادله جواز امامت زنان، نماز جماعت مستحب است (مثل نمازهای یومیّه که اقامه به جماعت در آن مستحب است)؛ یعنی مکتوبه و نافله وصف جماعت باشد، نه نماز. بنابراین، روشن خواهد بود که ادله مانع، ناظر به امامت جماعت زنان در جمعه و عیدین هستند که «لا يجوز امامه المرأه فيه اتفاقاً، نصّاً و فتوی».^۳

این توجیه، متین به نظر می‌رسد؛ ولی ظاهر ادله آن را ثابت نمی‌کند. مکتوبه و نافله بودن ظهور در این دارند که وصف نماز باشند؛ به خصوص که در بعضی ادله، وصف به جای موصوف نشسته است: «ففی المکتوبه»؛ همان گونه که در «مستندالشیعه»، مرحوم نراقی نیز جمع فوق را خلاف ظاهر متبادر ادله دانسته‌اند.^۴

مطلب دیگری در حلّ مشکل و ترجیح ادله جواز امامت زنان این است که بگوییم: ادله عدم جواز، چون موافق قول عامّه‌اند (اهل سنت)، قابل اعتنا نیستند. این سخن، هم در «حدائق»^۵ و هم در «صلاه الجماعه»، از شیخ محمد حسین اصفهانی ذکر شده است. صاحب حدائق می‌فرماید: با توجه به آنکه عامه ادله،

۱. الحدائق الناضرة، ج ۱۱، ص ۱۸۸.

۲. همان.

۳. الحدائق الناضرة، ج ۱۱، ص ۱۸۹.

۴. مستندالشیعه، ج ۵، صلاه الجماعه، ص ۳۲.

۵. الحدائق الناضرة، ج ۱۱، ص ۱۹۱.

۶. اصفهانی شیخ محمد حسین، صلاه الجماعه، ص ۳۲.

عدم جواز را ترجیح می‌دهند، پس ادّله عدم جواز در مجامع روایی شیعه از باب تقیّه صادر شده‌اند. علامه نیز در «منتهی»، این وجه را پذیرفته‌اند.^۱ در هر حال، ادّله جواز امامت زنان، به دلیل هم‌اشتهارشان و هم‌صحت بسیاری از آنها، قابل طرد کلی نیستند و لازم است به گونه‌ای نظر هر دو دسته را جمع نمود. از این رو، غالب کسانی که قائل به منع امامت زنان هستند، در مسئله فتوای صریح نداده‌اند، بلکه احتیاط و به اشکال در مسئله اکتفا کرده‌اند.

۲- دیدگاه علمای عامّه

درباره امامت جماعت زن در فقه اهل سنت، فتوهای مختلفی وجود دارد که به اختصار به آنها اشاره می‌شود: در «الأمّ»، جواز با کراهت از ائمه چهارگانه اهل سنت نقل شده است. آشافعی، خود قائل به جواز و از احمدبن حنبل نیز قول به جواز را نقل کرده است. شعبی، نخعی و قتاده قائل به منع امامت جماعت زنان در فرائض هستند.^۲ صاحب حدائق از کسانی مانند عایشه، عطاء، ثوری، اوزاعی، اسحاق، ابی ثور و احمد (در روایت دیگر) و مالک قول به کراهت را نقل کرده است.^۳ از مطالبی که درباره «جواز امامت زن برای زنان» یاد شد، درمی‌یابیم که زن می‌تواند در مسجد و یا هر مکان دیگر، امام جماعت زنان باشد و مانعی از این نظر نیست. چنان که فتوای مشهور فقهاء نیز مؤید آن است.

ب) زن و تبلیغ در مسجد

زندگی هجده ساله حضرت زهرا علیها السلام، پر از افتخارات منحصر به فردی است که در زندگی بانوان دیگر یافت نمی‌شود. او شخصیت متمازی است که در تمام

^۱ . منتهی المطلب، ج ۱، ص ۳۶۸؛ البّته مرحوم صاحب مستند نمی‌پذیرند که قول منع موافق عامه است؛ زیرا از ائمه چهارگانه فقه اهل سنت، قول به جواز را نقل می‌کنند؛ ولی روشن است که جواز با کراهت در کلمات صاحب حدائق... آمده و ذکر شد که فقهای اهل سنت، یا منع تحریمی دارند یا تنزیهی. بنابراین، شاید ردّ صاحب مستند، به کلام محقق و علامه بحرانی وارد نباشد.

^۲ . امام شافعی، الامّ، ص ۱۶۴.

^۳ . المغنی، ج ۲، ص ۳۶.

^۴ . الحدائق التّاضره، ج ۱۱، ص ۱۹۲؛ البّته در برخی کتب، از عایشه روایاتی نقل شده مبنی بر اینکه امّ سلمه، امامت جماعت زنان را برعهده داشتند. رک به: الجامع فی فقه التّساء از شیخ عویضه، کامل محمد محمد.

میدان های علمی، اخلاقی، عبادی، اجتماعی و سیاسی جزو پیشتازان و بلکه در صدر زنان عالم خلقت بوده است. ایشان در سن پنج سالگی با فریاد کشیدن علیه مشرکان و کفار مکه به حمایت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شتافت. پیوسته، او از پدر حمایت و دفاع کرد؛ به ویژه در همان سال هایی که حضرت ختمی مرتبت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با کفار قریش به جنگ برخاسته بود.

پس از درگذشت پیامبر صلی الله علیه و آله، او نخستین پشتیبان و مدافع ولایت و رهبری امیر مؤمنان علیه السلام بود و در مدت کوتاهی که پس از پدر، زنده بود، هرگز آرام ننشست و به شیوه های گوناگون، پیام مظلومیت امام علی علیه السلام را به آیندگان منتقل کرد و در این راستا، آسیب های فراوانی نیز متحمل شد که در تاریخ ثبت و ضبط است.

حضرت زهرا علیها السلام برای دفاع از حق خویش (فدک) و دفاع از حقانیت ولایت امام علی علیه السلام به مسجد آمدند^۱ (البته با حفظ کامل حجاب) و سخنرانی مشهور خود (خطبه فدکیه) را در محاجّه با ابوبکر عنوان کردند؛ به طوری که ابوبکر مجبور شد، قباله فدک را به او برگرداند (هر چند توسط عمر پس گرفته شد). ایشان آنجا که حضور در جمع مسلمانان را به مصلحت جامعه می دید، به خطبه و خطابه می پرداخت و گاه در مسجدالنبی، زمانی در کوچه و بازار و موقعی در جمع زنان مهاجر و انصار، به نکوهش مهاجمان، غاصبان و بیعت شکنان می پرداخت.^۳ آنجا که صراحت و شفافیت در سخن را ضروری می شمرد، او دست به افشای خط نفاق و شرک می زد و در گفتار و رفتار خویش، شیوه هایی شایسته را برای پیکار با منحرفان از خط ولایت و امامت ترسیم می نمود تا امروز و فردای جامعه خود را هوشیار و بیدار سازد.

در تاریخ خونبار تشیع، در مورد حضرت زینب علیها السلام آمده است: «خطبه کوبنده

۱. شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۱۱؛ کشف الغمّه، الطبعه الثانیه، ص ۱۰۲: «روی عن الأصعب بن نباته قال: سمعت أمير المؤمنين علیه السلام يقول: والله لا تكلمن بكلام لا يتكلم به غيري إلا كذاب. ورثت نبي الرحمة و زوجتي خير نساء الأمم و أنا خير الوصيين و حيث يقتضى ذكرها علیها السلام ذكر شيء من كلامها فلا بد من ذكر فدك إذ كانت خطبتها التي تحيّر البلاغ و تعجز الفصحاء بسبب منعها من التصرف فيها و كف يدها علیها السلام عنها.

۲. ریاحین الشریعه، ج ۱، ص ۳۱۹؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۶۲.

۳. اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۳۱۷؛ ریاحین الشریعه، ج ۱، ص ۳۳۷؛ احتجاج طبرسی، ص ۱۰۶.

سفیر کربلا در مسجد اُموی، چنان اوضاع مجلس آراسته یزید و او را آشفته کرد که یزید، دچار سردرگمی شد و ترسید با افشاگری‌های دختر علی بن ابی طالب (علیه السلام) پایه‌های حکومتش دچار تزلزل شود. ترس، زمانی بیشتر شد که حضرت زینب (علیها السلام) در مسجد شام، آنگاه که امام سجاد (علیه السلام) مشغول ایراد خطبه افشاگرانه خود بود، با فریادهای رسا آن امام را یاری کرد...^۱ اشگفت آنکه همین بانوی بزرگوار، برای اینکه نامحرمی ایشان را نبیند، شبانه به زیارت قبر جدش، رسول الله (صلی الله علیه و آله) می‌رفت؛ در عین حال، وقتی که اسلام در خطر می‌افتد، همراه برادر به میدان کربلا آمد و در بازار کوفه، مسجد اُموی شام و مجلس یزید، آن گونه آتشین سخنرانی کرد.^۲ بر این اساس، زنان مسلمان می‌توانند با رعایت شئون اسلامی در مساجد یا حتی در دیگر اجتماعات، با تأسی از الگوهای رفتار دینی، در تبلیغات و ارشاد هم نوعان نقش داشته باشند؛ به ویژه در این برهه از زمان که بحران‌های فرهنگی تحمیل شده از سوی دشمنان، در صدد تهی کردن انسان‌ها، به خصوص بانوان، از معنویت و ارزش‌های اسلامی است. بانوان تحصیل کرده و آموزش دیده می‌توانند در میان افراد جامعه به خصوص زنان (با توجه به ویژگی‌های مخاطب‌شناسی و پیام‌رسانی و نیازسنجی)، پیام دین را تبلیغ کنند و مبانی اعتقادی دختران جوان و دانشجویان را مستحکم نمایند.

امام خمینی (ره) گستره فعالیت‌های تبلیغی زنان را نه تنها در همه کشور، بلکه خارج کشور هم می‌دانستند: «امروز، اینها (بانوان) می‌توانند با حفظ همه جهات اسلام، در همه جای کشور، بلکه در خارج از کشور هم تبلیغات بکنند».^۳ حضور فعال زنان در عرصه امر به معروف و نهی از منکر، نمونه‌ای از فعالیت‌های اجتماعی زنان است که فرصتی مناسب برای احیای شخصیت زنان و حراست از کرامت آنان به شمار می‌رود. وظیفه‌ای که قرآن، به صراحت به ایشان داده است.^۴

۱. منصور لاریجانی، زینب کبری (علیها السلام) فریادی به اعصار، ص ۱۸۵.

۲. ابومخنف الازدی، مقتل الحسین (علیه السلام)، ص ۲۰۵ و ۲۲۶؛ شیخ طبرسی، إعلام السوری بأعلام الهدی ج ۱، ص ۴۷۱؛ سید بن طاووس حسنی، اللهوف فی قتلی الطفوف، ص ۸۶.

۳. صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۹۹.

۴. توبه، آیه ۷۰.

ج) زن و نظافت مسجد

با توجه به جایگاه رفیع مسجد در فرهنگ اسلامی و نقش محوری آن در میان مسلمانان و اینکه در قرآن و حدیث، مسجد خانه خدا خوانده شده است، رعایت حرمت آن بر همه واجب است. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ لَمْ يُوقِّرِ الْمَسْجِدَ؛ از رحمت خدا دور است کسی که حرمت مسجد را پاس ندارد». از این رو، مساجد، احکام مخصوصی دارند که مهم ترین آنها وجوب تطهیر فوری و رعایت نظافت مسجد است. در فقه شیعی، جارو کردن و جمع کردن خاکروبه از مسجد، عملی مستحب است که پاداش فراوانی دارد. در منابع روایی شیعه و سنی، پاداش هایی برای این عمل ذکر شده است؛ مانند: ثواب آزاد کردن بنده،^۳ برخورداری از رحمت مضاعف خداوند.^۴

در این عمل بافضیلت، بانوان هم می توانند با حفظ شئون اسلامی شرکت کنند. چنان که در تاریخ آمده است: زن مسلمان سیاه پوستی به نام «مَحَجَنَه» (امم محجن)، در صدر اسلام، خادم و نظافت چی مسجد پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) بوده است. ابوسعید می گوید: شبی، زنی سیاه چرده که مسجد را جارو می کرد، از دنیا رفت. روز بعد، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را از مرگش باخبر ساختند؛ آن حضرت فرمود: چرا مرا از مرگ او آگاه نکردید؟ آنگاه آن حضرت با اصحابش بر قبر او حاضر شدند. حضرت کنار قبر ایستاد و تکبیر فرمود و در حالی که مردم نیز پشت سرش بودند بر او نماز گزارد و برای او دعا کرد.^۵ طبق برخی روایات، حضرت فرمود: اینک او را در بهشت می بینم.^۶ از این روایت، افزون بر اینکه به اهمیت نظافت مسجد و فضیلت آن پی می بریم، درمی یابیم که زنان نیز می توانند در امر نظافت و بهداشت مسجد سهیم باشند و متصدی امور نظافت خانه خدا (مسجد) گردند.

۱. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۵۴؛ جامع الاحادیث، ج ۴، ص ۴۵۲؛ سفینه البحار، ج ۱، ص ۶۰۰.

۲. جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۸۷؛ روض الجنان، ص ۲۳۵؛ مدارک الاحکام، ج ۴، ص ۳۹۷.

۳. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۳۹، ح ۶۴۳۸.

۴. همان.

۵. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۱۸؛ همچنین همین منبع، ج ۲، ص ۹۲؛ عون المعبود، ج ۲، ص ۹۱.

۶. اسدالغابه، ج ۵، ص ۶۱۷.

« فصل دوم: احکام فقهی حضور زنان در مساجد

الف) توقّف و عبور زنان حائض، نفساء، مستحاضه و جنب در مساجد

حيض و نفاس و استحاضه، حالت های ویژه ای است که خدای متعال از نظر تکوین و آفرینش، برای زنان قرار داده است. این حالت ها برای طهارت و بهداشت بیشتر آنان و آمادگی برای عهده داری وظیفه سنگین مادری و عوارض موقت پس از آن برمی گردد. به طور کلی، زنان و دخترانی را که بیشتر در هر ماه و در وقتی مخصوص، از آنان خون خارج می شود، «حائض» گویند و هر خونی را که در آغاز زایمان تاده روز از زن خارج می شود، «نفاس» و زن را در این حالت، «نفساء» می گویند.^۱ به دلیل آنکه حالت حیض و نفاس بودن، نوعی آلودگی محسوب می شود و مسجد جایگاه عبادت و متعلق به ذات خدای متعال است، توقّف زن حائض و نفساء در آن مکان شریف حرام است؛ ولی اگر مسجد، دارای دو در باشد و این افراد از یک در داخل و از در دیگری خارج شوند، اشکال ندارد؛ مگر «مسجدالحرام» و «مسجدالنبی» که حتی انجام همین امر هم حرام است. دلیل این حکم را صاحب جواهر اجماع فقهای عظام می داند.^۲

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: رفتن به مسجد برای جنب و حائض حرام است.^۳ امام باقر علیه السلام فرمود: «اگر مردی در مسجدالحرام یا مسجد پیامبر به خواب رود و جنب شود، باید تیمّم کند و با تیمّم از مسجد خارج گردد و سپس غسل کند. همین طور اگر زنی در این دو مسجد حیض شود، این گونه عمل کند؛ اما در غیر از این دو مسجد، بدون تیمّم هم می تواند خارج گردد».^۴

همچنین، بنابر مذاهب چهارگانه اهل سنت، ماندن زن حائض در مسجد، بدون ضرورت حرام است. عبور زن حائض از مسجد نزد حنفی ها و مالکی ها حرام است؛ اما نزد شافعی ها و حنبلی ها عبورش جایز است؛ در صورتی که مطمئن باشد سبب آلودگی مسجد نمی شود. حنفی ها و مالکی ها، در موارد ضروری

۱. رک: عروه الوثقی، ج ۱، ص ۳۱۵ به بعد؛ تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۴۴ به بعد و توضیح المسائل امام خمینی رحمته الله علیه، ص ۵۶، مسئله ۴۳۴ به بعد.

۲. جواهرالکلام، ج ۳، ص ۲۲۰.

۳. کنز العمال، ج ۷، ص ۶۶۸.

۴. الکافی، ج ۳، ص ۷۳، ج ۱، ص ۱۴؛ تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۴۰۷، ح ۲۸۰.

توقف زن حائض را در مسجد جایز دانسته اند؛ مثل زمانی که مکان امن دیگری برای خود نیابد یا بیرون از مسجد جنگ باشد و ترس از کشته شدن یا زخمی شدن، جود داشته باشد.

«استحاضه»، یکی از خون‌هایی است که از زن خارج می‌شود و بیشتر اوقات زردرنگ و سرد است و بدون فشار و سوزش بیرون می‌آید؛ اگر چه گاهی ممکن است این علائم را نداشته باشد.^۱ زن را در موقع دیدن این خون، «مستحاضه» می‌گویند. در هنگام دیدن این خون، زنان احکام متفاوتی دارند که تفصیل آن در رساله‌های عملیه و کتب فقهی آمده است؛ ولی درباره حضور زنان مستحاضه در مسجد، طبق فتاوی‌ای علما و فقها، باید گفت: اقوی آن است که توقف زن مستحاضه در همه مساجد و همچنین داخل شدن به مسجد الحرام و مسجدالنبی جایز است؛ اما اگر بدون غسل وارد شود، احوط آن است که از اقامه نماز خودداری کند.^۲

شخص جنب - زن یا مرد - نباید به مسجد وارد شود. در مساجدی غیر از مسجد الحرام و مسجدالنبی، اگر مسجد دو در داشته باشد، شخص جنب می‌تواند از یک در داخل گردد و از در دیگری خارج شود. در این دو مسجد شریف، اگر انسان بخواید و جنب شود باید بی‌درنگ، بدل از غسل جنابت تیمم کند و از مسجد خارج شود.^۳ مستند این حکم، از سوی فقها، این آیه شریف است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَغْتَسِلُوا...»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا این که بدانید چه می‌گویید و در حال جنابت نیز [به نماز نزدیک نشوید] تا آنگاه که غسل نکرده‌اید، به نماز نزدیک نشوید، مگر این که بدون نشستن عبور کنید.^۴ همچنین، استناد فقها در خصوص صدور حکم اخیر به روایاتی است که در زیر آیه ذکر شده، وارد شده‌اند.^۵ به علاوه، فقهای

۱. امام خمینی رحمته، رساله توضیح المسائل، ص ۵۶، مسئله ۴۳۴ به بعد

۲. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۶۰، مسئله ۸ از فصل فی الاستحاضه.

۳. مستندالشیعه، ج ۲، ص ۲۹۱؛ جواهرالکلام، ج ۳، ص ۴۹؛ تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۸.

۴. سوره نساء، آیه ۴۰.

۵. تفسیر مجمع البیان ج ۳، ص ۸۱؛ جواهرالکلام، ج ۳، ص ۴۹.

عظام، به چندین روایت دیگر نیز استناد کرده اند.^۱
به طور کلی، از موارد حرمت دخول مسجد برای افراد جنب، دو مورد استثنا شده است:

الف) اگر فرد جنب متوجه شود که مسجد به نجاست آلوده شده است، در صورتی که بتواند بدون توقف در مسجد و در حال عبور، نجاست را برطرف کند، باید بدون درنگ، به تطهیر مسجد اقدام نماید؛ ولی اگر تطهیر مسجد [بدین صورت] ممکن نباشد، جز اینکه با حالت جنابت داخل مسجد شود، [نه تنها] جایز، بلکه واجب است با همان حال جنابت به تطهیر مسجد اقدام کند.^۲
ب) اگر کسی جنب باشد؛ اما آبی که می خواهد با آن غسل کند، در مسجد باشد و آب دیگری هم در دسترس نباشد و به دست آوردن آب، جز از راه داخل شدن به مسجد ممکن نباشد، باید تیمم کند و برای برداشتن آب یا غسل، داخل مسجد شود. این تیمم تا پس از خروج از مسجد باقی است.^۳

ب) اعتکاف زن در مسجد

اعتکاف، به معنای گردهمایی مؤمنان در مسجد است. مؤمنان، چند روز از عیش و معیشت روزانه جدا می شوند و برای تقرب به خدا می کوشند. امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ در تعریف اعتکاف می گویند: «وَهُوَ اللَّبْتُ فِي الْمَسْجِدِ بِقَصْدِ التَّعَبُّدِ بِهِ وَلَا يُعْتَبَرُ فِيهِ ضَمُّ قَصْدِ عِبَادَةٍ أُخْرَى خَارِجَةً عَنْهُ وَإِنْ كَانَ هُوَ الْأَحْوِطُ؛ اعتکاف، ماندن در مسجد به نیت عبادت است و قصد عبادت دیگر، در آن معتبر نیست؛ اگر چه احتیاط مستحب نیت عبادتی دیگر در کنار اصل ماندن است».^۴
اعتکاف، عبادتی همگانی است و حتی شامل زنان و کودکان ممیز نیز می شود و آنها هم می توانند از این چشمه جوشان فیض الهی و از این فرصت استثنایی

۱. الکافی، ج ۳، ص ۵۰، ح ۴۰۳؛ همین منبع، ج ۳، ص ۷۳، ح ۱۴؛ التهذیب، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۲۵.

۲. العروه الوثقی، ج ۱، ص ۸۷-۸۸، مسئله ۱۴.

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۹، مسئله ۲.

۴. همان، ص ۳۰۴، خاتمه فی اعتکاف.

۵. ممیز، کسی که قدرت تمییز دارد؛ یعنی قدرت تشخیص خیر و شرّ و نفع و ضرر را دارد. چنین کسی را در صورتی که به سن کبر (بزرگسالی) نرسیده باشد، ممیز می نامند؛ جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، ص ۶۸۸، ش ۵۵۱۲.

بهره ببرند. از قرآن کریم استفاده می شود که وقتی حضرت مریم علیها السلام با فرشته الهی ملاقات کرد، از مردم به دور بود و در خلوت (بیت المقدس) به سر می برد. 'اعلامه طباطبایی در «المیزان»، این دوری حضرت را به اعتکاف و عبادت تفسیر می کند.^۲

روایات اسلامی نیز مؤید بر حضور زنان معتکف در مسجد است:

در سنن ابی داود چنین آمده است: زنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، گاهی همراه با آن حضرت در مسجد معتکف می شدند.^۳

در سنن بیهقی چنین آمده است: پس از وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز بعضی از زنان آن حضرت به اعتکاف در مسجد اهتمام داشتند.^۴

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «اعتکاف در مسجد الحرام یا مسجد النبی یا مسجد جامع هر شهری منعقد می شود و سزاوار نیست که معتکف از مسجد خارج شود؛ مگر اینکه ضرورت باشد، [که باید] پس از پایان کارش، بدون اینکه در جایی بنشیند، به مسجد برگردد... و اعتکاف زن، مانند مرد است».^۵

همچنین، در روایتی از حضرت امام صادق علیه السلام آمده است: «اگر زنی که در حال اعتکاف است، [به واسطه حیض] از نماز بازماند و از مسجد بیرون رود و دوباره پاک شود، شایسته نیست که همسرش با او نزدیکی کند تا اینکه به مسجد بیاید و اعتکاف خود را به پایان برساند».^۶

با توجه به مطالب یاد شده، اگر کسی بگوید که برخی از فقها «خانه» را مسجد زن می دانند،^۷ پس، اعتکاف او نیز باید در خانه باشد، در جواب می گوئیم: اول اینکه، ارتباط اعتکاف و مسجد، رابطه ای تفکیک ناپذیر است؛ زیرا از نظر مکان اعتکاف، محدودیت هایی وجود دارد و نظریه معروف آن است که این عمل

۱. «وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ اتَّخَذَتْ مِنْ اٰهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا ۗ فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا اِلَيْهَا رُوْحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا»؛ مریم، آیه ۱۶ و ۱۷.

۲. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۳۴-۳۵.

۳. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۳۳۴، کتاب الصوم، باب الاعتکاف، ش ۲۴۷۸.

۴. سنن بیهقی، ج ۴، ص ۳۱۵.

۵. الکافی، ج ۴، ص ۱۷۶، ج ۲ و ص ۱۷۷، ج ۱؛ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۴۰۸، باب ۷ از کتاب اعتکاف، ج ۲.

۶. التهذیب، ج ۱، ص ۳۹۸، ج ۱۲۴۰؛ وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۳۶۸، ج ۲۳۸۸.

۷. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۰۹.

مستحبّی باید در یکی از مساجد چهارگانه^۱ انجام گیرد و گروهی از فقها انجام آن را در مساجد جامع هر شهر و منطقه جایز دانسته اند؛ پس، اعتکاف زنان نیز باید در مسجد باشد. دوّم آنکه، این برداشت که اعتکاف زن باید در خانه باشد، مبتنی بر قیاس است که در فقه پویای شیعه جایگاهی ندارد؛ از این رو، هیچ یک از فقهای شیعه، اعتکاف زن را در خانه جایز نمی دانند.^۲

مرحوم صاحب جواهر چنین می نویسد: در عبادت اعتکاف، زنان و مردان مساوی هستند و در این مسئله، میان علمای امامیه اختلافی نیست؛ بلکه ممکن است بر این مسئله تحصیل اجماع کرد. همان گونه که صاحب حدائق^۳ در این مسئله، ادّعی اجماع کرده است؛ زیرا اصل، اشتراک زن و مرد است.^۴ بر این اساس، جنسیت در این امر دخالتی ندارد. البته، شرکت زنان شوهردار در اعتکاف، باید با رضایت و اذن شوهر باشد.

ج) اذن شوهر در خروج از منزل

بر اساس اصل برائت و اباحه اعمال و در راستای آزادی و کرامت زن و برابری انسان ها، خروج زن از منزل برای حضور در عرصه های اجتماعی و معاشرت وی، بدون آنکه مقارن با مفسده ای باشد، باید عملی روا و جایز تلقی شود؛ اما با توجّه به حقوق شوهر و تکالیف متقابل زن، به ویژه تمکین او در برابر استمتاع شوهر و نیز با در نظر گرفتن مصالح خانواده و مسئولیت شوهر در حفظ و صیانت زن، این حقّ زن با اشکالات و ابهاماتی مواجه شده است که در ادامه، به اختصار به تشریح آن می پردازیم.

در منابع روایی اصیل اسلامی، احادیث و روایات متعددی بر این مطلب تصریح دارد و فقهای عظام نیز بدان فتوا داده اند. به طور خلاصه، به ذکر چند روایت بسنده می کنیم:

۱. اعتکاف را می توان در مسجدالحرام، مسجدالنبی، مسجد کوفه و مسجد بصره انجام داد. در مسجد جامع هر شهر نیز می توان اعتکاف کرد (البته با قصد رجاء).

۲. جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۱۷۴.

۳. الحدائق الناظره، ج ۱۳، ص ۴۶۸.

۴. جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۱۷۴.

- ۱- علی بن جعفر عن اخیه قال: «وَسَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ أَلَهَا أَنْ تَخْرُجَ بِغَيْرِ إِذْنِ زَوْجِهَا، قَالَ لَا؛ از برادرم، موسی بن جعفر علیه السلام، پرسیدم: آیا زن می تواند بدون اذن شوهر از خانه خارج شود؟ حضرت علیه السلام فرمود: خیر»^۱
- ۲- عن جعفر عن ابیه قال: «أَيُّمَا امْرَأَةٍ خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا بِغَيْرِ إِذْنِ زَوْجِهَا فَلَا نَفَقَةَ لَهَا حَتَّى تَرْجِعَ؛ امام صادق علیه السلام فرمود: هر زنی که بدون اذن شوهر از خانه خارج شود، حق نفقه ندارد تا برگردد»^۲
- ۳- امام صادق علیه السلام فرمود: «زنی نزد رسول اکرم صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: ای رسول خدا! حق شوهر چیست؟ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمودند: بیش از آن است که تصور شود. گفت: برخی از آن را بیان فرما. حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: زن، نمی تواند بدون اذن شوهر روزه مستحبی بگیرد و نمی نتواند بدون اذن شوهر از خانه خارج شود...»^۳
- ۴- در روایتی معتبر از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود: «زنی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! حق شوهر بر زنش چیست؟ حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: اینکه از شوهر اطاعت کند و نافرمانی نکند... و بدون اذن او از خانه خارج نشود و اگر بدون رضایت شوهر از خانه بیرون رود، فرشتگان آسمان و زمین و ملائکه غضب و رحمت، او را لعنت و نفرین می کنند، تا زمانی که برگردد»^۴

دیدگاه فقیهان شیعه

در فقه پویای امامیه، نظریه مشهور فقهای عظام بر این است که زن، برای خروج از منزل شوهر، باید رضایت شوهر را جلب کند و شوهر، حق دارد که از بیرون رفتن زن جلوگیری کند. شیخ طوسی،^۵ شهید ثانی،^۶ مرحوم محمدباقر سبزواری^۷ و

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، باب ۷۹، ص ۱۱۳، ح ۵.

۲. همان، ص ۵۲۴، باب ۲۴، ح ۴.

۳. همان، ج ۱۴، باب ۷۹، ص ۱۱۲، ح ۲.

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۲-۱۱۱.

۵. شیخ طوسی، المبسوط، ج ۴، ص ۳۳۱.

۶. شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۸، ص ۳۰۸.

۷. سبزواری، محمدباقر، کفایه الاحکام، ص ۱۸۶.

مرحوم صاحب جواهر^۱ چنین عقیده ای داشته اند. همچنین، امام خمینی رحمته الله علیه در «تحریر الوسیله» فرموده است: «هر یک از زن و شوهر حقی بر دیگری دارد که باید بدان قیام کند؛ گر چه حق شوهر عظیم تر است؛ از جمله حقوق مرد آن است که زن از وی اطاعت کرده و نافرمانی ننماید و از خانه اش بدون اجازه او خارج نشود؛ اگر چه برای ملاقات یا عیادت پدر و بستگانش؛ حتی در مراسم عزای آنان بدون اذن شرکت نکند».^۲ بعضی از حقوقدانان نیز متأثر از چنین باور غالبی، گفته اند: «در اصل، از نظر فقهی، خروج از خانه به هر منظور که باشد، باید با موافقت شوهر انجام پذیرد».^۳

به هر حال، مبانی این باور می تواند از یک سو، اعتقاد به لزوم اطاعت زن از شوهر به صورت مطلق باشد^۴ و از سوی دیگر، می توان اساس نظریه ذکر شده را بر این ادعا قرار داد که حق کام جویی شوهر مطلق است و هیچ قید و شرطی آن را محدود نمی سازد. از این رو، زن باید برای خارج شدن از منزل که زمینه بهره جویی مرد را از میان می برد، اجازه بگیرد.^۵ برخی فقها برای اثبات این نظریه، به آیه ۳۳ سوره احزاب استناد کرده اند^۶ که چندان صحیح به نظر نمی رسد.

نکته شایان توجه درباره روایات این است که این روایات، در مقام منع خروج زنی است که از انجام وظیفه اش سر باز زده و با بی اعتنائی به حق مسلم شوهر (حق استمتاع)، خانه و خانواده را رها کرده است. بدین سان، روایات ذکر شده، هیچ گونه منافاتی با بیرون رفتن متعارف و معقول بانوی خانه، به گونه ای که با حقوق شوهر موافق باشد، ندارد. در غیر این صورت، چنین حکمی با دیگر احکام اسلامی ناسازگار می شود. برای مثال، کیفر برای زنان سازگار نیکوکاری که برای اموری، مانند حضور در مسجد، برای انجام عبادت و اعتکاف و یادگیری احکام اسلامی و صلح رحم از خانه خارج می شوند، چه توجیهی دارد و این

۱. جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۰۶.

۲. امام خمینی رحمته الله علیه، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۰۳.

۳. حائری (شاهباغ)، سیدعلی، شرح قانون مدنی ایران، ص ۹۶۴؛ سیدمصطفی محقق داماد، بررسی فقهی خانواده - نکاح

و انحلال آن، ص ۳۱۶.

۴. جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۱۴۷.

۵. همان، ج ۱۷، ص ۳۳۳.

۶. علی مشکینی، الزواج فی اسلام، ص ۲۲۶.

چنین نظری، با انبوه آموزه های دینی و اخلاقی و نظر علمای اسلام، ناهماهنگ و در تضاد است. بنابراین، روایات ذکر شده، هیچ گاه در مقام ممنوعیت بی قید و شرط بیرون رفتن زن از خانه شوهر مطرح نیست؛ بلکه تنها به ملاحظه حق شوهر، در کام جوئی از همسر است و باید در کنار دیگر حقوق و وظایف دیده شود.

ناگفته نماند که منع خروج زن از منزل، تنها در صورت منافات با حق استمتاع شوهر خلاصه نمی شود؛ بلکه معیار مهم دیگری نیز وجود دارد که کمتر مورد توجه فقهای عظام واقع شده است. این معیار که در مورد رفت و آمدها و معاشرت های زن، بسیار تعیین کننده است، موقعیت ریاست شوهر و مدیریت وی در خانواده است. بر اساس ریاست شوهر و مقام سرپرستی او بر خانواده که مسئولیتی برای حفظ و رعایت مصالح خانواده و پاسداری از حرمت و حیثیت آن است، این اختیار برای او وجود دارد که برای حفظ نظام خانواده و حراست از ناموس و عفت آن، معاشرت ها و رفت و آمدهای زن را تحت کنترل و نظارت خویش در آورد. متفکر شهید استاد مطهری، با درک همین واقعیت گفته است: «مصلحت خانواده ایجاب می کند که خارج شدن زن از خانه، توأم با حلیت رضایت شوهر و مصلحت اندیشی باشد؛ البته مرد هم باید در حدود مصالح زندگی نظر بدهد و نه بیشتر»^۱.

بنابراین، شوهر به عنوان رئیس خانواده، می تواند با تشخیص مصلحت و صلاح دید، رفت و آمد همسرش، حتی رفتن او به مسجد، را محدود کند؛ به عنوان مثال، در موقعی که خوف تعرض یا اختلاط های ناشایست و معاشرت های بی بندوبار در میان است یا زمانی که شوهر، بیرون رفتن زن را خطر و آسیبی برای کانون گرم خانواده می بیند. البته، در مواردی که مفسده و منع شرعی وجود نداشته باشد، محدودیت شوهر مستندی ندارد. به عنوان مثال، هنگامی که زن برای استیفای حقوق قانونی خویش (شرکت در انتخابات، اقامه دعوی در دادگاه و...) یا انجام فرائض دینی (انجام حج، ادای خمس و...) یا عیادت و مراقبت از

۱. شهید مطهری، مسئله حجاب، ص ۸۸.

والدین خود از منزل خارج می شود، نیازی به موافقت شوهر ندارد و او نیز نمی تواند مانع شود. با توجه به این مطالب، اگر زن برای رفتن به مسجد برای عبادت و اعتکاف و... اجازه خواست و شوهر مفسده ای در این حضور وی نمی بیند، شایسته است که وی را منع نکند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این مورد فرمودند: «هنگامی که زنان از شما اجازه رفتن به مسجد می خواهند، آنان را از بهره و نصیب شان از مسجد محروم نکنید و اجازه دهید»^۱.

۱. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۲۳.

« نتیجه سخن

با مطالعه در تاریخ صدر اسلام، درمی یابیم که زنان با حضور در مسجد و دیگر عرصه های اجتماعی، نقش به سزایی در رشد و ترقی خود و جامعه اسلامی داشته اند و تاریخ پر بار اسلام، سرشار از صحنه هایی است که توسط زنان، خلق شده است.

حضور زن در مسجد برای اهداف گوناگون، مانند: برای امام جماعت، تبلیغ، خادم و نظافتچی، حضور برای نمازها و استماع برنامه های سخنرانی و سایر مسائل فرهنگی، برای انجام اعتکاف و... قابل تصور است. با مطالعه در منابع روایی اسلام، درمی یابیم که آدله جواز امامت زنان، به دلیل اشتها آن و هم صحت بسیاری از آنها، قابل طرد کلی نیست و لازم است به گونه ای میان هر دو دسته نظریات اجماع نمود. از این رو، غالب کسانی که قائل به منع امامت زنان هستند، در مسئله، فتوای صریح نداده اند، بلکه احتیاط و به اشکال در مسئله اکتفا کرده اند. بنابراین، زن می تواند در مسجد و یا هر مکان دیگر، امام جماعت زنان باشد و مانعی در این مورد موجود نیست. چنان که فتوای مشهور فقهاء نیز مؤید آن است.

با مطالعه در سیره اهل بیت (علیهم السلام) به روشنی درمی یابیم که زنان مسلمان می توانند با رعایت شئون اسلامی در مساجد یا حتی در دیگر اجتماعات، با تأسی از الگوهای رفتار دینی در «تبلیغات و ارشاد هم نوعان» نقش داشته باشند؛ به ویژه در این برهه از زمان که بحران های فرهنگی تحمیل شده از سوی دشمنان در صدد تهی کردن انسان ها، به خصوص بانوان از معنویت و ارزش های اسلامی است. بانوان تحصیل کرده و آموزش دیده می توانند در میان افراد جامعه به خصوص زنان (با توجه به ویژگی های مخاطب شناسی و پیام رسانی و نیازسنجی)، پیام دین را تبلیغ کنند و مبانی اعتقادی دختران جوان و دانشجویان را مستحکم نمایند.

در تاریخ اسلام آمده است که زن مسلمان و سیاه پوستی به نام «مَحَجَنَه» (امّ محجن)، در صدر اسلام، خادم و نظافتچی مسجد پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) بوده است؛

بنابراین، زنان نیز می‌توانند در امر نظافت و بهداشت مسجد سهیم باشند و متصدی امور نظافت خانه خدا (مسجد) گردند.

از جمله احکام فقهی حضور زنان در مسجد، احکام حضور زنان حائض، نفساء و مستحاضه و جنب در مسجد است. بر اساس مذاهب خمس، مانند زن حائض در مسجد، بدون ضرورت حرام است. عبور زن حائض از مسجد، در نزد حنفی‌ها و مالکی‌ها حرام است؛ اما در نزد شافعی‌ها و حنبلی‌ها عبورش جایز است، در صورتی که مطمئن باشد سبب آلودگی مسجد نمی‌شود. حنفی‌ها و مالکی‌ها در موارد ضروری، توقف زن حائض را در مسجد جایز دانسته‌اند؛ مثل: آنجایی که مکان امنی برای خود نیابد، بیرون از مسجد جنگ باشد، ترس از کشته شدن یا زخمی شدن داشته باشد.

درباره حضور زنان مستحاضه در مسجد، طبق فتاوی‌ای علما و فقها، باید گفت: اقوی آن است که توقف زن مستحاضه در همه مساجد و همچنین داخل شدن به مسجدالحرام و مسجدالنبی جایز است؛ اما اگر بدون غسل وارد شود، احوط آن است که از اقامه نماز خودداری کند.

شخص جنب - زن یا مرد - نباید به مسجد وارد شود. در غیر از مسجدالحرام و مسجدالنبی، اگر مسجد دو در داشته باشد، شخص جنب می‌تواند از یک در داخل و از در دیگری خارج شود. در این دو مسجد شریف، اگر انسان بخواهد و جنب شود، باید بی‌درنگ، بدل از غسل جنابت، تیمم کند و از مسجد خارج شود.

شرط حضور زنان شوهردار برای اعتکاف در مساجد، رضایت و اذن شوهر است. شوهر، به عنوان رئیس خانواده، می‌تواند با تشخیص مصلحت و صلاحدید، رفت و آمد همسرش، حتی رفتن او به مسجد را محدود کند؛ به عنوان مثال، در موقعی که خوف تعرض یا اختلاط‌های ناشایست و معاشرت‌های بی‌بندوبار وجود دارد یا زمانی که شوهر، بیرون رفتن زن را خطر و آسیبی برای کانون گرم خانواده می‌بیند. البته، در مواردی که مفسده و منع شرعی وجود نداشته باشد، محدودیت شوهر مستندی ندارد.

بنابراین، زنان با اذن شوهر و رعایت شئونات اسلامی، میتوانند در مراسم عبادی و فرهنگی و حتی برای اعتکاف در مسجد حاضر شوند و شوهر نمی تواند، در مواردی که مفسده و منع شرعی وجود نداشته باشد، مانع حضور وی گردد و او را از بهره و نصیبش از مسجد محروم کند.

« منابع وماخذ

- « قرآن کریم
- « نهج البلاغه
- « ابن ابی الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ هـ.ق.
- « ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۳ هـ.ق.
- « بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۱ هـ.ق.
- « شیخ حر عاملی، محمد حسن، وسائل الشیعه، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی (۲۰ جلدی).
- « شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، قم، انتشارات اسلامیة وابسته به جامعه مدرسین، چاپ سوم، ۱۴۱۳ هـ.ق.
- « طباطبایی یزدی، محمد کاظم، عروها الوثقی، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۲۰ هـ.ق.
- « طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ۱۳۷۹ هـ.ق.
- « طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
- « مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الأئمه علیهم السلام، لبنان، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ هـ.ق.
- « ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، بیروت، دار الفکر.
- « نوری، حاج میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ هـ.ق.
- « شیرازی، ناصر، رساله توضیح المسائل.
- « قشیری نیشابوری، ابوالحسین مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، بیروت، دار الفکر.
- « نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، تحقیق عباس قوچانی، تهران، ناشر دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۷ هـ.ش.
- « بحرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناظره، قم، مؤسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۰۶ هـ.ق.
- « حلی (علامه)، حسن بن یوسف، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، قم، مرکز ابیات اسلامی، مرکز نشر دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۸ هـ.ق.
- « محمدی اشتهاردی، محمد، ازدواج و شیوه همسر داری از دیدگاه اسلام، تهران، انتشارات کتاب یوسف، ۱۳۷۸ هـ.ش.
- « شهید ثانی (الجبعی العاملی)، زین الدین بن علی، مسالک الافهام، قم، دارالهدی للطباعه و النشر، بیتا.
- « _____، روض الجنان فی شرح ارشاد الازهان، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۴ هـ.ق.
- « بنی هاشمی خمینی، محمد حسن، توضیح المسائل مراجع، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۷ هـ.ش.
- « حسینی سیستانی، سید علی، منهاج الصالحین، دفتر آیت ا... سیستانی، قم، ۱۴۱۷ هـ.ق.
- « طوسی (شیخ الطایفه)، ابو جعفر محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، تهران، المکتبه المرتضوی، ۱۳۸۷ هـ.ق.
- « _____، الامالی، قم، بیروت، دار الثقافة، ۱۴۱۴ هـ.ق.
- « _____، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ هـ.ش.
- « محقق نراقی، محمد مهدی، مستند الشیعه فی احکام الشریعه، قم، مؤسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۱۵ هـ.ق.
- « مقدس اردبیلی (محقق اردبیلی)، احمد بن محمد، مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الازهان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۳ هـ.ق.

- « حکیم، سید محسن، مستمسک عروه الوثقی، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ پنجم، ۱۴۱۱ هـ.ق.
- « خوئی، سید ابوالقاسم، منهاج الصالحین، قم، مدینه العلم، چاپ بیست و هشتم، ۱۴۱۰ هـ.ق.
- « فلاح زاده، محمد حسین، احکام مسجد، قم، چاپ اسوه.
- « قمی، شیخ عباس، بیت الاحزان فی ذکر احوالات سیدہ نساء العالمین فاطمه الزهراء، قم، انتشارات سید الشهداء، ۱۴۰۴ هـ.ق.
- « ——— سفینه البحار، قم، دارالاسوه، چاپ سوم، ۱۳۸۰ هـ.ش.
- « نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، قم، نشر مؤلف، چاپ دوم، ۱۳۷۶ هـ.ش.
- « کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ هـ.ش.
- « الطبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم، چاپ مؤسسه انتشارات فراهانی.
- « ابن ابی الفتح الإربلی، کشف الغمه، بیروت، دارالاضواء، الطبعة الثانیه.
- « ابن اثیر، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، قم، انتشارات اسماعیلیان.
- « موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، قم، انتشارات اسماعیلیان.
- « سجستانی، ابوداود سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، بیروت، دار احیاء النبویه.
- « فاضل هندی، علاء الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ هـ.ق.
- « بیهقی، احمد، سنن بیهقی، بیروت، دارالمعرفه.
- « حلّی، علامه حسن بن یوسف، منتهی المطلب، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۵ هـ.ق.
- « ابن قدامه، المغنی، بیروت، دارالکتب العربی.
- « خوانساری، سید احمد، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۱۰ هـ.ق.
- « محقق حلّی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- « همدانی، رضا، مصباح الفقیه، مکتبه الصدر، چاپ سنگی.
- « العظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود شرح سنن ابی داود، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ هـ.ق.
- « زرکشی، محمد بن عبدالله، اعلام الساجد بأحكام المساجد، مصر، قاهره، ۱۳۸۴ هـ.ق.
- « ابن جریر طبری، محمد بن جریر، دلائل الامامه، قم، مؤسسه البعثه، ۱۴۱۳ هـ.ق.
- « مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، تهران، انتشارات صدرا، چاپ سی و هفتم، ۱۳۷۲ هـ.ش.
- « زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، المکتبه الحیاه.

گستره وظایف زن در خانواده

عزّت السّادات میرخانی

چکیده

مقاله حاضر در صدد تبیین گستره وظایف زن در کانون خانواده است. نویسنده، وظایف الزامی و غیرالزامی زن را در خانه و خانواده تشریح کرده است. وی ابتدا به تبیین جایگاه کانون خانواده و سپس با استفاده و استناد به آیات و روایات در این زمینه، به وظایف زن در خانواده پرداخته است.

واژگان کلیدی:

زن، خانواده، الگوهای رفتاری، جهاد زن، وظایف خانواده، قانون مدنی و حسن معاشرت، آرایش زن، پیشرفت خانواده.

« مقدمه

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ؛ و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند»^۱

هبوط آدم ابوالبشر و همسرش حوا به عالم خاک و ورود این دو یار هم اندیش و مهربان از عالم افلاک، حقیقت مستوری بود که قرآن کریم با بیانی شیوا و دلنشین از آن پرده برداشت و رمز آرامش و صعود هماهنگ را برای نوع بشر، در پناه زوجیت آشکار ساخت. گرچه این فرود برای آن زوج نخستین، ناگوار و بسیار دردناک بود، اما در سایه همسری و همتایی خویش توانستند سیمای عروجی زیبا را ترسیم و برای زمینیان همدلی و تفاهم را تشریح کنند. آن گاه که هر دو با عزمی راسخ و قلبی نادم، ولی مطمئن به عنایت خالق، توبه کردند و زمزمه ندامت سردادند و زندگی دشوار زمینی را بر مبنای رجوع به حق و استمداد از او آغاز کردند، این پیام عملی را از فراسوی زمان و مکان به گوش فرزندان خویش رساندند که در سایه زوجیت و در پناه هم اندیشی و همسری می‌توان همه فراز و نشیب‌ها و پستی و بلندی‌ها زندگی زمینی را در نوردید و دیگر بار به روشنایی و نور رسید.

^۱. روم، آیه ۲۱.

« کانون خانواده

سنت زیبای ازدواج، امری فطری و طبیعی است که از روز نخستین در زندگی بشر بوده است و بر این اساس، در همه شرایع و جوامع مدنی صالح، پیروان بدان ترغیب می شوند. بر هیچ انسان خردمندی پوشیده نیست که سلامت و امنیت جوامع در گرو سلامت و امنیت خانواده است و حتی حفظ و گسترش قدرت ملی و استقلال سیاسی و اقتصادی، ریشه در استحکام بنای خانواده دارد؛ زیرا توانمندی و صلاحیت جامعه، حاصل توانایی افراد آن است و این توانایی جز در سایه صلابت و استحکام خانه و خانواده شکل نمی گیرد. امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر می فرماید: «ثُمَّ أَلْصِقْ بِذَوِي الْأَحْسَابِ وَأَهْلِ الْبُيُوتَاتِ الصَّالِحَةِ وَالسَّوَابِقِ الْحَسَنَةِ...؛ ای مالک! در امور حکومت، انسان هایی را به کار بگمار که از شرافت خانوادگی و حسب و نسب لازم برخوردار باشند و در خانه های شایسته رشد و پرورش یافته باشند؛ زیرا ریشه های کرامت و بزرگواری و فضیلت از آنجا آغاز می شود.»^۱ در کلامی دیگر، می فرماید: «إِذَا كَرَّمْ أَصْلَ الرَّجُلِ كَرَّمْ مَعِيبَهُ وَمَحْضَرَهُ؛ اگر انسان از کرامت و اصالت خانواده برخوردار باشد، دیگر به مراقب و نگهبان نیازی ندارد و در حضور و غیاب، رفتارش پسندیده و یکسان است.»^۲ این همان دغدغه انسان امروزی است که موجب نگرانی جوامع بشری شده است؛ تا آنجا که پیوسته اندیشمندان جوامع را به اعترافی تلخ درباره حکایت جدایی بشر از این اصل واداشته است. «ژوسران» دانشمند فرانسوی می گوید: «تاریخ به ما می آموزد که تواناترین ملت ها، مللی بوده اند که خانواده در آنها قوی ترین سازمان را داشته است.»^۳ اگر ریشه های مفساد و بزهکاری را ارزیابی کنیم، درمی یابیم که عمده ترین مشکلات از ناحیه انسان هایی متوجه جامعه می شود که در پناه خانواده رشد نیافته اند و کمبودهای عاطفی و اخلاقی آنان را تباه کرده است. در تحقیقی که بعد از جنگ جهانی دوم صورت گرفت، این مسئله روشن شد که کودکان بی سرپرست جنگی، همان ها که تربیت شان به مراکز دولتی و

۱. نهج البلاغه، عهدنامه مالک اشتر.

۲. غررالحکم، ص ۳۲۷.

۳. حقوق خانواده، ص ۱۵.

پرورشگاهی واگذار شد، به لحاظ عاطفی و احساسی، در مقایسه با کودکانی که در خانواده پرورش یافته اند، کمبودها و خلأهایی دارند که این کمبودها حتی بعد از یک سالگی نیز بروز و ظهور می کند.^۱

از یک سو، ثبات، اقتدار و پیوستگی و همبستگی در خانه و خانواده، اثری بسیار بزرگ بر استحکام، پویایی، اقتدار و بالندگی جامعه دارد و در صورت فقدان یا وجود خلل در آن، هیچ نهاد و سازمان مجهزی نمی تواند جای آن را بگیرد. از این رو، دولت ها باید مقدمات ازدواج مردمان را فراهم کنند تا جامعه ای آرام، امن و بالنده داشته باشند. از سوی دیگر، هرچه از عمر زندگی اجتماعی انسان می گذرد، اهمّیت و نقش خانواده روشن تر می گردد و رعایت اصول و ضوابط شرعی و پذیرش حقوق و وظایف متقابل از سوی زوجین ضرورت بیشتری می یابد. بنابراین در این نوع از قانون گذاری، محوریت حق سالاری بر پایه مصلحت و تکامل خانواده است و هرگونه فردیت، چه در قالب مردسالاری و چه در قالب زن سالاری، نفی می گردد و در واقع، ازدواج همان الفت و مؤانستی است که طبیعت انسان طالب آن است.

در این نوشتار مختصر برآنیم که بنا بر روایات و سیره ائمه علیهم السلام و نیز حکمت هر یک از اوامر و نواهی، بحثی کوتاه درباره وظایف زن در خانواده داشته و موارد نشوز وی را برشمیریم. گستردگی و وسعت روایات در این عرصه ما را بر آن داشت تا در نوع وظایف زنان تقسیماتی صورت پذیرد.

۱. حقوق خانواده، ص ۱۵.

« الف) الگوهای رفتاری

روایاتی درباره زیبایی های رفتاری زن

در این دسته از متون، به الگوهای رفتاری زنان اشاره شده و خود بر دو بخش است: نخست، معرفی بهترین زنانی که شیوه های رفتاری آنان تأیید و تحسین شده است؛ دوم، معرفی زنان بدکرداری که به دلیل نوع عملکرد و تخلف شان از وظایف، نکوهش شده اند. به هر حال، این دسته از روایات مهم ترین وظیفه زوجین را حسن سلوک و زیبایی در رفتار و معاشرت نیکو می دانند. از آنجا که در تقسیم وظایف و تدبیر امور منزل، مسئولیت آرامش و سکونت خانواده به عهده زن گذاشته شده است و کلیدهای عاطفی و روابط قلبی و روانی در دست اوست، از اینرو قانون گذار حکیم هستی، براساس طبیعت خاص زنان که مظهر مودت و رحمت حق و مظهر زیبایی خلقت است، انتظاری بزرگ از زن دارد و مسئولیت عظیمی بر دوش او نهاده است. از همین رو و برای پرهیز از تشنج آفرینی، خداوند زشت خوئی و ترش رویی مادر و همسر را بسیار مذمت می کند. در حقیقت، چون او اساس شکل گیری هویت خانواده است و حتی شخصیت اجتماعی همسر و فرزندان متأثر از فاعلیت اوست؛ بنابراین، سعادت و شقاوت خانواده به او وابسته می شود. در روایات، سعادت مندترین مرد کسی دانسته شده که همسری شایسته دارد. برخی از این روایات:

۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَا اسْتَفَادَ امْرُؤٌ مُسْلِمٌ فَاِنَّدَهُ بَعْدَ الْإِسْلَامِ، أَفْضَلَ مِنْ زَوْجِهِ مُسْلِمِهِ تَسْرَهُ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهَا وَ تَطِيعُهُ إِذَا أَمَرَهَا وَ تَحْفَظُهُ إِذَا غَابَ عَنْهَا فِي نَفْسِهَا وَ مَالِهِ، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: مرد مسلمان، پس از اسلام آوردن، هیچ استفاده ای بهتر از همسر صالحی که وقتی به او می نگرد، او را خوش حال کند و وقتی امر می کند، اطاعت کند و هنگامی که از او دور می شود، خودش و اموالش را حفظ کند، نبرده است»^۱.

۲- امام صادق علیه السلام می فرماید: «جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله، فَقَالَ: إِنَّ لِي زَوْجَةً إِذَا دَخَلْتُ تَلَقَّتْنِي وَ إِذَا خَرَجْتُ شَيَّعْتَنِي وَ إِذَا رَأَيْتَنِي مَهْمُومًا قَالَتْ لِي مَا يَهْمُكَ

^۱ . الکافی، ج ۵، ص ۳۲۷.

إِنْ كُنْتَ تَهْتَمُّ لِرِزْقِكَ فَقَدْ تَكْفَلْ لَكَ بِهِ غَيْرُكَ وَإِنْ كُنْتَ تَهْتَمُّ بِأَمْرِ آخِرَتِكَ فَرِزَاكَ اللَّهُ هَمًّا؛ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ لِلَّهِ عَمَّالًا وَهَذِهِ مِنْ عَمَالِهِ لَهَا نِصْفُ أَجْرِ الشَّهِيدِ؛ مردی نزد رسول خدا ﷺ آمد و عرضه داشت: همسری دارم که هرگاه به خانه می روم، به استقبالم می آید و هرگاه از منزل بیرون می روم، مرا بدرقه می کند. وقتی مرا اندوهگین می بیند، می گوید: چه چیز تو را اندوهناک کرده است؟ اگر برای معشیت دنیا ناراحتی که دیگری عهده دار روزی توست و اگر برای آخرت ناراحتی، خدا بر هم تو بیفزاید. پیامبر ﷺ فرمود: (ای مرد!) خداوند در زمین کارگزاری دارد و این بانو یکی از آن هاست و به اندازه نیمی از ثواب شهادت پاداش می برد»^۱.

۳- موسی بن جعفر علیه السلام: «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ؛ جهاد زن، شوهرداری نیکوی اوست»^۲.

۴- امام علی علیه السلام می فرمایند: «الْأَمْرُ أَلْفَ الصَّالِحَةِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ رَجُلٍ غَيْرِ صَالِحٍ وَ أَيَّمَا أَمْرٍ أَدَمَتْ زَوْجَهَا سَبَعَهُ أَيَّامٌ أَغْلَقَ اللَّهُ عَنْهَا سَبْعَةَ أَبْوَابِ النَّارِ وَ فَتَحَ لَهَا ثَمَانِيَةَ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ تَدْخُلُ مِنْ أَيِّهَا شَاءَتْ؛ زن صالحه از هزار مرد غیر صالح برتر است؛ هر زنی که هفت روز خدمت شوهرش کند، هفت در جهنم بر روی او بسته می شود و هشت در بهشت برایش باز می شود و از هر دری بخواهد وارد بهشت می شود»^۳.

۵- امام صادق علیه السلام فرمود: «هر بانویی که در منزل شوهر، چیزی را جهت مصلحت زندگی زناشویی، جابه جا کند، خداوند بر او نظر رحمت کند و هر کس خدا بر او نظر کند، عذابش نمی کند»^۴.

۶- امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب اصبع بن نباته درباره جهاد و وجوب آن بر مردان و نفی وجوب از زنان، فرمودند: «كَتَبَ اللَّهُ الْجِهَادَ عَلَى الرَّجَالِ وَ النَّسَاءِ فَجِهَادُ الرَّجُلِ بِذُلِّ مَالِهِ وَ نَفْسِهِ حَتَّى يُقْتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ جِهَادُ الْمَرْأَةِ أَنْ تُصْبِرَ عَلَى

۱. وسایل الشیعه، کتاب النکاح، ج ۱، ص ۲۹.

۲. همان، ص ۲۴۹۵۴.

۳. الکافی، ج ۵، ص ۳۲۷.

۴. وسایل الشیعه، کتاب النکاح، ج ۱، ص ۲۷۵۵۶.

مَا تَرَى مِنْ أَدَى زَوْجِهَا وَغَيْرِهَا؛ خداوند جهاد را هم بر مردان و هم بر زنان واجب کرده است؛ اما جهاد مرد، بخشش مال و جانش در راه خدا است تا اینکه کشته شود. جهاد زن این است که بر سختی‌هایی که از همسرش به او میرسد و بر غیرت او صبر کند.^۱ لازم به ذکر است که این گونه از روایات برای ترغیب مرد به اذیت و آزار نیست، بلکه از این جهت است که اگر در سختی‌های روزگار مرد دچار بحران خاصی شد، زن به سبب مصالح زندگی با او مدارا کند.

۷- عبدالله بن سنان از رسول خدا ﷺ نقل میکند که آن حضرت فرمودند: «بدترین زنان شما کسی است که خالی از صفات ارزشمند و زشت خو، لجوج، نافرمان باشد، زنی که در میان قومش ذلیل و در نزد خویش خود را عزیز و بزرگ می‌پندارد، درقبال شوی خویش ایفای وظیفه نکند و نسبت به او دریغ ورزد، ولی به غیر شوهر خویش نهایت خضوع و تواضع بی جا از خودنشان دهد».^۲

۸- در سخنی دیگر، شیخ صدوق در نقلی نسبتاً طولانی از رسول خدا ﷺ، اثر نامطلوب سوء رفتار را در زن و مرد دو سویه ارزیابی می‌کند. بخشی از آن روایت این گونه است: «کسی که همسری دارد، ولی او را در زندگی همراه نیست و به آنچه خدا بر او روزی کرده است مدارا و صبر ندارد و شوهر را تحت فشار قرار دهد و بر کاری وادارد که در توان او نیست، خداوند هیچ حسنه و کار نیکی را از او نمی‌پذیرد و این زن مورد غضب پروردگار خویش است، مادامی که این گونه رفتار می‌کند».^۳

حق‌مداری در تقسیم وظایف خانواده

روایات مذکور، گوشه‌ای از روایات متعدّد و فراوانی است که در نحوه تعامل رفتاری زن و مرد وارد گردیده است. در اغلب روایات، به وظایف هر دو طرف اشاره شده است و در کنار وظایف زن، مسئولیت مردان نیز برشمرده می‌شود. البته، حکمت نیز همین امر را اقتضا می‌کند؛ زیرا نمی‌توان به گونه‌ای قانون

۱. همان، ص ۱۹۹۳۶.

۲. همان، ص ۲۴۹۵۹؛ عقاب الاعمال، ص ۴۶ و ۴۸.

۳. همان، ص ۲۵۳۱۵.

گذاری کرد که از یک دسته حمایت بی اساس بشود، و از دسته دیگر کار طاقت فرسا خواسته شود. همه قوانین باید در راستای تحکیم بنیان خانواده باشد که محور پیشرفت جامعه است. تحکیم خانواده مبتنی بر این است که زن و مرد هر دو به وظایف خود عمل کنند. ارسطو می گوید: «هیچ موجودی به غایت خود نمی رسد، مگر آنکه همواره وظیفه ای را اجرا کند که برای او مقرر است و این انجام وظیفه برای هر موجودی فضیلت است».^۱ دکارت در موضوع صلاح جامعه می گوید: «صلاح کل بر صلاح جزء مقدم است و اگر کسی این حس را داشته باشد، مکارم والا از او ظاهر خواهد شد».^۲

قوانین اسلام در پی استحکام پایگاه خانواده است؛ یعنی تقویت کانونی که بنیادگذار همه سجایای ارزشی و تجلی گاه شکوه و یک پارچگی جامعه است. خانواده همان جایگاهی است که بشر از صفات شیطانی دست می کشد و صفات رحمانی ای چون مودت، رحمت، فضل، عفو، اغماض و لطف را تمرین می کند. انسان در خانواده از فردیت و خودنگری بیرون می آید و به کمال زوجیت و زیبایی صفا و همدلی می رسد.

قانون مدنی و حسن معاشرت

ماده ۱۱۰۳: «زن و شوهر، مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند».^۳ در ماده بعدی که می توان آن را متمم این ماده دانست، این گونه آمده است: «زوجین در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد به یکدیگر معاضدت نمایند».^۴ این ماده تعیین نوع و کیفیت این همکاری را با رجوع اشخاص به عرف معقول حل می نماید و به مقتضیات زمانی و مکانی در این جهت توجه می کند.

۱. آداب هم زیستی و معاشرت، ص ۱۳.

۲. همان.

۳. حقوق مدنی، ج ۱، ص ۲۱۹.

۴. همان، ص ۲۲۰.

ب) زیبایی عقیف

این دسته از روایات شامل متون متعددی می شود که از سویی، تبرج و آرایش در برابر نامحرمان را نفی و از سوی دیگر، بر نظافت، پاکیزگی، پیرایش و آرایش بانو در منزل تأکید می کند. چنین رویکردی، فوائد بسیاری دارد و آثار شگرفی در بهبود وضع خانواده می گذارد؛ از جمله:

فایده اول: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَ يُحِبُّ أَنْ يَرَى اثْرَ النِّعْمَةِ عَلَى عَبْدِهِ؛ خداوند زیبا است و زیبایی را دوست دارد و دوست دارد آثار نعمت خود را بر بنده اش ببیند»^۱.

آری؛ پروردگار بدیع و زیباآفرین، ظهور جمال و زیبایی را دوست دارد و چون زنان مظهر صفت جمال هستند، زینت برای ایشان زینده تر است. بدون تردید، زیبایی زن در خانه تأثیر زیادی در تشدید جذابیت خانه برای مرد دارد. البته، مردان نیز در قبال زیبایی و رعایت بهداشت، مسئول اند و این فکر که مرد به زینت ظاهر نیازی ندارد، فکر باطلی است که از دیدگاه اسلام کاملاً مطرود است و مخالفت با سیره نبوی صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بِئْسَ الْعَبْدُ الْقَادُورُ؛ آدم کثیف و ژولیده، بنده بد و مذمومی است»^۲. در بیان دیگر، امام رضا علیه السلام می فرماید: «لَقَدْ تَرَكَ النِّسَاءُ الْعَفَّةَ لِتَرَكَ أَزْوَاجَهُنَّ التَّهْيَةَ لَهُنَّ؛ چه بسا بی توجهی مرد به رعایت آراستگی ظاهری خود، موجب شود که زن از وادی عفت و پاکدامنی فاصله بگیرد»^۳.

فایده دوم: رعایت آراستگی و پیراستگی زن و انجام این وظیفه از سوی او، درست در راستای میل طبیعی زن به آرایش و پیرایش و خودآرایی و دلبری اوست و شریعت در صدد تعدیل و شکل بخشیدن صحیح به این تمایل طبیعی زن برآمده است. از این رو، اسلام نه تنها برخی از زینت ها را مختصّ زن قرار داده است (مثل طلا و ابریشم)؛ بلکه تدارک آلات تنظیف و تزئین زن را وظیفه مرد قرار داده است.

۱. الکافی، ج ۶، ص ۴۳۸.

۲. الکافی، ج ۶، ص ۴۳۹.

۳. مکارم الاخلاق، ص ۴۸۹.

فایده سوّم: چنین رویکردی، سبب ایجاد اعتماد بیشتر بین زن و مرد می شود؛ زیرا وقتی بیشترین حدّ آرایش و پیرایش زوجین برای یکدیگر باشد، علاوه بر ایجاد و ازدیاد عاطفه قلبی، موجب اطمینان زوجین نسبت به یکدیگر می شود. هر دو معتقد خواهند شد که تمامی ارادت و علاقه خویش را فقط در راه رضایت یکدیگر به کار می گیرند. در چنین فضایی، هرگونه سوءظن و عدم اطمینان در روابط خانواده محو می گردد و پایه های نظام خانواده براساس حسن روابط استوار می گردد.

فایده چهارم: رعایت موارد فوق، موجب امنیت اجتماعی و سلامت روان جامعه است. وقتی توجّه زن به وظایف اصلی خویش در محور خانواده نباشد، زن که مبدأ آرامش و امنیت خانواده است، جایگاه خویش را به عنصری نامطلوب می دهد که نه تنها خود از آزادی و امنیت برخوردار نیست، بلکه جامعه را به سوی ناامنی می کشاند. چنین زن منحرفی، عامل تبرّج جاهلیّت مدرن می شود. در واقع، او از اوج عزّت بندگی حقّ و کرامت انسانی به حدیذ دنیا سقوط کرده است و به نام آزادی، به اسارتی ننگین تن می دهد.

پیش بینی مورّخ معروف غربی «ویل دورانت» از سال ۲۰۰۰ و نگرانی او در مورد مسئله زنان و نابسامانی خانواده در عصر مذکور، قابل توجّه است: «اگر فرض کنیم در سال ۲۰۰۰ مسیحی هستیم و بخواهیم بدانیم بزرگ ترین حادثه ربع اوّل قرن بیستم چه بوده است، متوجّه خواهیم شد که این حادثه، جنگ یا انقلاب روسیه نبوده است؛ بلکه دگرگونی وضع زنان بوده است. تاریخ، چنین تغییر تکان دهنده ای، آن هم در این مدّت کوتاه، کمتر دیده است و خانه مقدّس که پایه نظم اجتماعی ما بوده، شیوه زناشویی که مانع شهوترانی و ناپایداری وضع انسان بود، قانون اخلاقی پیچیده ای که ما را از توحّش به تمدّن و آداب رسانده بود، همه آشکارا در این انتقال پراشویی که همه رسوم و اشکال زندگی و تفکر ما را گرفته است، گرفتار گشته اند».^۱

۱. حقوق زن در اسلام، ص ۳۷.

روایاتی درباره وظایف سازنده زن در خانواده

۱- امام صادق علیه السلام می فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره حقوق شوهر بر همسر، در پاسخ زنی که از وظایف زن سؤال می کرد، فرمود: زن وظیفه دارد با خوشبوترین عطرهایش خود را معطر کند و بهترین لباس هایش را برای شوهر بپوشد و با نیکوترین زینت هایش خود را بیاراید.^۱

۲- جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که آن حضرت در ارزیابی صفات زنان شایسته می فرماید: «بهترین زنان شما بانویی است که ... مهربان و عقیف است، در بین بستگان عزیز و در برابر شوهر پذیرش و انعطاف دارد (در برابر او گردن کشی نمی کند)، آن گاه که در کنار شوهر خویش است، خود را می آراید، اما نسبت به دیگران، خود را محفوظ می دارد (بی بند و باری نمی کند)».^۲

۳- محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل می کند: «لَا يَنْبَغِي لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُعْطِلَ نَفْسَهَا وَ لَوْ أَنْ تُعَلِّقَ فِي عُنُقِهَا قِلَادَةً وَ لَا يَنْبَغِي أَنْ تَدَعَ يَدَهَا مِنَ الْخِضَابِ وَ لَوْ أَنْ تَمْسَحَهَا مَسْحًا بِالْحَنَاءِ وَ إِنْ كَانَ مُسْتَهًّا؛ برای زن (در رسیدگی به وضع ظاهر خود) سزاوار نیست که به خود و سر و وضعش نرسد، هر چند به اینکه گردنبندی را به خود بیاویزد، و سزاوار نیست که دستش را بی رنگ رها کند هر چند به اینکه مختصر حنایی بگذارد؛ گرچه سالخورده باشد».^۳

۴- امام صادق علیه السلام فرمودند: «اگر زنی خود را برای غیر شوهرش آرایش و خوشبو کند تا وقتی که خود را از آن شستشو ندهد، خداوند هیچ نمازی را از او نمی پذیرد، همانند شخص جنب که بدون غسل نمازش مورد قبول نیست».^۴

۵- رَوَى الْأَصْبَغُ بْنُ نُبَاتَةَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: «يُظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَ اقْتِرَابِ السَّاعَةِ وَ هُوَ شَرُّ الْأُزْمَنِ نِسْوَةٌ كَاشِفَاتُ عَارِيَّاتِ مُتَبَرِّجَاتٍ مِنَ الدِّينِ دَاخِلَاتٍ فِي الْفِتَنِ مَائِلَاتٍ إِلَى الشَّهَوَاتِ مُسْرِعَاتٍ إِلَى اللَّذَاتِ مُسْتَحِلَّاتٍ

۱. وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۲، ح ۲.

۲. همان.

۳. وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۸.

۴. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۶۰.

لِلْمَحْرَمَاتِ فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتٌ؛ اصْبَغَ بِنُباته گوید: از امیر مؤمنان (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: در آخر الزمان که بدترین زمان هاست، زنانی ظاهر می شوند که این ها (عفت و حجاب) را کنار می زنند و به عریانی روی می آورند و (در منظر دیگران) با زینت و خودآرایی ظاهر می شوند. اینان از جرگه دین خارج و به سوی فتنه ها پیش می روند. تمایل آنان به سوی شهوات است و برای لذت بردن عجله دارند و می کوشند حلال ها را حرام کنند. اینان همواره در جهنم خواهند ماند»^۱.

در همه این روایات به تحکیم بنای خانواده از درون و از طریق آراستگی ظاهری و باطنی توصیه شده است. در واقع، ایجاد روابط سالم و صمیمانه و تعامل رفتاری و گفتاری ارزشمند، به عنوان وظیفه دو طرف شمرده می شود و سهم زن در این میان این است که نظر شوهرش را جلب کند و باعث مصونیت خانواده شود.

آرایش زن از دیدگاه امام خمینی (ره)

حضرت امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله در این باره می فرماید: ترک وظایف و عدم رعایت حقوق همسری از جانب زن عبارت است از:

- ۱- آماده نساختن خود برای کامیابی و عدم تمکین از سوی زن؛
- ۲- از بین نبردن آنچه مایه تنفر انزجار و مانع ایجاد رابطه زناشویی و تمتع لازم است؛
- ۳- ترک نظافت و آرایش در صورتی که همسر خواستار آن است؛
- ۴- بیرون رفتن از خانه و غیر از آن.

ایشان می فرماید: اگر زن از انجام خدمات خانه و نیازمندی هایی که در تمتعات زناشویی لحاظ نمی شود، مانند جارو زدن، خیطی، آشپزی و حتی آب دادن یا پهن کردن رختخواب، خودداری کند، نشوز محسوب نمی شود.^۲ بنابراین، عمده

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۹۱.

۲. تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، کتاب النشوز و الشقاق.

ترین وظایف زن ایجاد رابطه شایسته با شوهر از جهت رفتار و گفتار و تحبیب قلوب و تسکین روان خانواده است.

قانون مدنی در ماده ۱۱۰۸ اینچنین می گوید: «هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند، مستحقّ نفقه نخواهد بود».^۱

ج) عشق و وفاداری بانو

این دسته از روایات، شامل روایاتی است که در آنها بر وفاداری زن در برابر شوهر تأکید می شود. بی توجهی زن در قبال پیمان زناشویی، یکی از مفسد و جرایم زن محسوب می گردد و هرگونه روابط نامشروع با غیر همسر شدیداً مذمت می شود. البته این وظیفه، طرفینی است و اختصاص به زن ندارد؛ یعنی تعامل دو سویه است؛ از این رو رسول خدا ﷺ می فرماید: «نسبت به زنان مردم عقیف باشید، تا زنان شما عقیف بمانند».^۲

۱- رسول خدا ﷺ بدترین زنان و شرورترین آنان، کسی است که ارزشی در او یافت نمی شود، وجودش تهی از فضایل شده است، به آلودگی دامن می زند، لجوج و عصیانگر و طغیانگر است، قوم خویش را با اعمالش ذلیل و خوار می کند، از درون خود را بزرگ می بیند او از بیرون رفتارش موجب حقارت و پستی است، از شوهر پرهیز می کند و از غیر شوهر پروا و پاکدامنی ندارد و خود را به دیگری عرضه می دارد.^۳

۲- محمدبن مسلم از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند: خداوند با سه دسته سخن نمی گوید و ایشان را پاک نمی نماید و بر ایشان عذاب دردناکی مهیاست و یکی از آنها، زنی است که فرارش و رختخواب شوهر خویش را در اختیار مرد دیگری قرار می دهد.^۴

۳- امیرالمؤمنین (علیه السلام) پرسید: «آیا از بدترین نوع زنان خبر بدهم؟ گفتند: آری؛

۱. نکاح و انحلال آن، ص ۲۵۶.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۴، باب تحریم النظر الی النساء الاجانب.

۳. همان، کتاب النکاح، ح (۲۴۹۶۰).

۴. همان، ح (۲۵۷۰۹).

فرمود: آن زنی که با مرد دیگری در رخت خواب همسر می آمیزد او شرمگینانه تر اینکه [فرزند دیگری را به شوهر تحمیل و ملزم می دارد. اوست آن بنده ای که خدا هرگز با نظر لطف به او نمی نگرد و روز قیامت او را مورد خطاب خود قرار نمی دهد و او را نمی آمرزد»^۱.

شاید بسیاری از ما با صرف دیدن برخی از روایات پی به اهمیت تأکیداتی نبریم که شارع مقدّس بر انجام وظایف زوجین دارد؛ اما وقتی انسان به تفکر و اندیشه می نشیند و به زوایای حقوق و اخلاق در خانواده فکر می کند، در آن صورت، به دقایق و ظرایف خاصی پی می برد و حکمت ها و اسرار نوینی بر وی ظاهر می شود. برای مثال، شاید ما کراراً این آیه شریفه از قرآن کریم را خوانده ایم: «... وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا مِنَ الْقَوَاتِينِ؛ و نیز مریم دختر عمران را [مثل آورده است] همان کسی که دامن خود را پاک نگاه داشت؛ پس، از روح خود در او دمیدیم، [او] کلمات پروردگار خود و کتاب های او را تصدیق کرد و از اطاعت پیشگان بود»^۲. اما به نقش پاکدامنی این بانوی بزرگ در ظهور شخصیتی، چون حضرت عیسی (علیه السلام) توجه نکرده باشیم. این آیه شریفه، بیانگر چند واقعیت در نظام هستی است:

اول: هرآنچه مصلحان جهان از ارزش ها دارند، حاصل پاکدامنی مادرشان است؛

دوم: پاکدامنی زن، نقش جهانی و اثر بین المللی دارد؛

سوم: پاکدامنی زن، عامل جاودانگی شخصیت او در تاریخ بشریت است؛

چهارم: مقدار ارزشمندی زن، به مقدار تعبد او در مقابل حکم خدا و پاکدامنی اوست؛

پنجم: مادر دلسوز و اندیشمند به صلاح فرزندان، هرگز دست به آلودگی و مفسده نمی زند.

اینجاست که حکمت تأکید شریعت بر رعایت کامل وفاداری از سوی زوجین

۱. همان، ح (۲۵۷۱۰).

۲. تحریم، آیه ۱۱.

به یکدیگر روشن می شود و اینکه چرا الزام آنها به تعهداتشان موجب تحکیم میثاق خانواده می گردد. از این رو، قانون گذار حفظ حریم پاکدامنی را فقط به عنوان وظیفه حقوقی متقابل برای زوجین بر نمی شمارد، بلکه بی توجهی به آن را نه تنها بی اعتنایی به «حقوق الله» می شمارد، بلکه برای آن عقوبت دنیوی و اجرای حدّ قرار می دهد و در حقوق جزا برای جرم عدم وفاداری زوجین، غرامت خاصّ و سنگین وضع می کند. شارع مقدّس هرگونه آزادی جنسی و ارتباط نامشروع را برای زن و مرد شدیداً نکوهش می کند و برای ارتکاب آن توسط زن و مردی که همسر دارند، مجازاتی تا اعدام در نظر می گیرد.

در این دسته از روایات، چند نکته مورد توجه است: اول، تأکید بر تمکین «خاصّ از سوی بانو» و عرضه داشتن خود بر شوهر؛ دوم، عدم امتناع از برقراری روابط سالم زناشویی؛ سوم، منع از هرگونه برقراری ارتباط و التذاذ در محیط های اجتماعی و نگاه های هوس انگیز مسموم.

در فرهنگ اسلامی، سه عنصر کرامت زن، مصلحت خانواده و سلامت جامعه از مهم ترین اهداف فرهنگی هستند؛ از این رو این سه عنصر، حکمت بسیاری از احکام را روشن می کنند. می توان گفت، وظایف زوجین درست در راستای این اهداف شکل می گیرد. در نگرش اسلام، محیط های اجتماعی باید به گونه ای باشد که مبدأ رشد و بالندگی علمی، اقتصادی، فرهنگی و فنی باشد. از این رو، تعاملات رفتاری و گفتاری و نحوه ایجاد ارتباط باید به گونه ای باشد که تأمین کننده این اهداف و نیز قداست و حرمت حریم خانواده گردد. بنابراین، اگرچه در ظاهر محدودیت هایی از جهت کنترل در نوع نگاه، نوع سخن و نوع ارتباط است، اما در در این قوانین، حریت، آزادگی، استقلال، منزلت و شرافت نهفته است؛ از این رو، مراد از تمکین و حصول رضایت همسر، صرف قرار دادن زن تحت اعمال غریزه جنسی مرد نیست، بلکه این تمکین اولاً خشوع در مقابل حکم کردگار حکیم؛ و ثانیاً عشق و رزی بی شائبه و پایبندی به قداست خانواده است؛ و ثالثاً محکم ساختن میثاق ازدواج و کمک به انجام رسالت زن در برابر هستی است.

۱- مرحوم طبرسی در مکارم الاخلاق از رسول خدا ﷺ نقل می کند: «شایسته

نیست که زن بخوابد، مگر اینکه تمایل خود را به تمکین از شوهرش ابراز دارد؛ به این گونه که بانو با همسر خویش زیر یک پوشش باشد و خود را از لباس عفاف که در مقابل دیگران دارد، خلع کند و بخشی از بدن خود را در تماس با بدن زوج قرار دهد. پس به این صورت اگر عمل کرد، عرضه بر شوهر محقق شده است.^۱ مراد این است با تمسک به ظرافت های خاص رفتاری، شوهر را به سوی خود جلب کند.

۲- امام باقر (علیه السلام) فرمود: «خیرات حسان که خداوند در قرآن کریم از آن خبر داده است، از زنان اهل دنیا هستند و ایشان از حورالعین هم زیباترند و هیچ اشکالی ندارد که مرد به بدن بدون لباس همسر نظر نماید». ^۲ امام (علیه السلام) در روایت دیگر می فرماید: «آیا لذت مرد، غیر از این است؟»^۳

۳- محمد بن مسلم از امام باقر (علیه السلام) نقل می کند: «بانو نباید شوهر را از تمکین خاص [منع نماید، اگرچه بر مرکب سوار باشد». ^۴

۴- جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا ﷺ نقل می کند: «بدترین زنان کسی است که در خلوت، شوهرش را از بهره مندی منع می کند». ^۵

۵- امام باقر (علیه السلام) فرمود: «خَيْرُ النِّسَاءِ مَنِ الَّتِي إِذَا دَخَلَتْ مَعَ زَوْجِهَا فَخَلَعَتِ الدَّرْعَ خَلَعَتْ مَعَهُ الْحَيَاءَ وَ إِذَا لَبَسَتِ الدَّرْعَ لَبَسَتْ مَعَهُ الْحَيَاءَ؛ بهترین زنان کسی است که هرگاه با همسر خود خلوت کرد و جامه از تن درآورد، جامه حیا را نیز درآورد و هرگاه جامه اش را پوشید، جامه حیا را نیز بر تن کند». ^۶

۱. وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۲۶، ح (۲۵۳۵۵).

۲. همان، ص ۱۱۷، ح (۲۵۳۱۶).

۳. همان.

۴. همان، باب نکاح، ح (۲۵۳۰۰).

۵. همان، ح (۲۴۹۵۷).

۶. تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۳۹۹.

د) بحثی درباره تمکین و اطاعت کردن

مفهوم تمکین

تمکین در لغت یعنی، پذیرفتن، قبول کردن، دست دادن، پابرجا کردن، نیرو دادن، قدرت دادن، احترام، اطاعت کردن و توانایی.

مقصود از تمکین، تمکین در مضاجعت است، زیرا داشتن رابطه آمیزشی با زن از حقوق شوهر است و زن نمی تواند در این زمینه مانع از بهره جویی های شوهر گردد و یا عذری بیاورد، مگر در زمانی که برای او منع شرعی و یا منع پزشکی مطرح باشد. در شماری از روایات، هم مرد و بر عدم تأمین نیازهای جنسی همسر و هم زن بر عدم تأمین نیازهای جنسی شوهر، به شدت نکوهش شده اند.

آنچه از معنای تمکین به دست می آید این است که تمکین به ظاهر به معنای اطاعت شوهر است، اما در واقع به معنای بالایی و بزرگی و برتری است. وقتی ما به نوع وظیفه در تمکین و حدودی که کردگار حکیم برای آن معین کرده است توجه می کنیم، می بینیم که این همان تمکین حکم خداست که در سایه آن عزت، بزرگی و کرامت انسانی قرار دارد. این همان ارزشمندی زن در نزد پروردگار و در نزد شوهر و در نزد مردم است که از متن بسیاری از روایات هم همین معنا به دست می آید. در بسیاری از متون روایی، درباره صفات ناپسند زن این عبارت به چشم می خورد: «الذلیله فی اهلها، العزیزه مع بعلها؛ در برابر دیگران زبونی و خضوع بی جا بکار بردن و در نزد شوهر گردن کشی کردن و انعطاف نداشتن»^۱. این گونه کلمات، بیانگر این است که انقیاد صحیح زن در مقابل رسالت خویش در خانواده، عزت و بزرگی او را در همه جا به دنبال دارد. البته، تمکین و اطاعت در مقابل شوهر فقط در راستای حکم خدا بر زن لازم است، نه الزام و پذیرش هر حکمی، ولو غیر منطقی و غیر معقول یا حکمی مخالف حکم الهی.

^۱ . الکافی، ج ۵، ص ۲۲۴.

اقسام تمکین

از آیات و روایات و متون اسلامی استفاده می شود که تمکین در دو بخش عام و خاص وجود دارد و تمکین خاص همان اذن استمتاع جنسی است. از آنجا که اسلام دین اکمل است، در مقام پاسخ گویی به تمامی نیازها، تمایلات و جهت دادن به آن بهترین روش ها را ارائه داده است. اینجا هم، درباره ارتباط زوجین و همکاری و تعاون دو جنس بهترین دستورات بهداشتی، اخلاقی و روانی را عرضه داشته است.

استاد شهید مرتضی مطهری رحمته در این باره می گوید: «قانون خلقت، زن و مرد را طالب و علاقه مند به یکدیگر قرار داده است، اما نه از نوع علاقه ای که به اشیا دارند؛ علاقه ای که انسان به اشیا دارد از خودخواهی او ناشی می شود،... می خواهد آنها را فدای خود و آسایش خود کند؛ اما علاقه زوجیت به این شکل است که هریک از آنها سعادت و آسایش دیگری را می خواهد، از گذشت و فداکاری درباره دیگری لذت می برد. عجیب است که بعضی از افراد نمی توانند میان شهوت و رأفت فرق بگذارند، خیال کرده اند که آن چیزی که زوجین را به یکدیگر پیوند می دهد، منحصرأطمع و شهوت است، حس استخدام و بهره وری است...؛ این افراد گمان کرده اند که مرد به زن همیشه با آن چشم نگاه می کرده و می کند که احیاناً یک جوان عزب به یک زن هرجایی نگاه می کند، یعنی فقط شهوت است که آن دو را به یکدیگر پیوند می دهد؟! در صورتی که پیوندی بالاتر از شهوت است که پایه وحدت زوجین را تشکیل می دهد و آن همان چیزی است که قرآن کریم از آن به نام های «مودت و رحمت»^۱ یاد کرده... چقدر اشتباه است که تاریخ روابط زن و مرد را فقط از نظر حس استخدام و استثمار و برپایه اصل تنازع بقا تفسیر کنیم و چقدر مهملات در این زمینه بافته شده است»^۲.

۱. روم، آیه ۲۱.

۲. حقوق زن در اسلام، ص ۲۱۲.

تمکین عام

غیر از تمکین خاص، شارع مقدس موارد دیگری را نیز بر شمرده است که در آنها زن باید از شوهرش اطاعت کند. به این موارد تمکین عام می گویند؛ برای مثال، شوهر می تواند به دلیل مصالح خانواده، معاشرت های همسر را در رفت و آمد و خروج از منزل کنترل کند یا اینکه سکونت زن در منزلی که شوهر برای زندگی مشترک تدارک دیده است، از وظایف زن محسوب می شود؛ مگر اینکه زن اختیار تعیین را به عنوان شرط ضمن عقد برای خود قرار دهد. البته، مرد هم باید در انتخاب مسکن برای زوجه رعایت اعتدال، عرف و شأن زن را بنماید و حق ندارد خودسرانه زن را در تنگنا و عسرت روانی یا مالی قرار دهد. به عبارت دیگر، ریاست مرد هم باید براساس اعتدال و رعایت مصلحت خانواده باشد؛ یعنی مرد حق حاکمیت براساس معروف و عدالت دارد، اما حق تحکم ندارد.

موارد عدم تمکین و تخلف از وظایف (نشوز زن)

- ۱ - سوء معاشرت، مانند بی اعتنائی به همسر یا تندخویی با او و رعایت نکردن شئون همسر در رفتار؛
- ۲ - عدم معاضدت در استحکام مبانی خانواده و بی توجهی به زندگی مشترک و امور فرزندان؛
- ۳ - خروج از منزل بدون اذن زوج؛
- ۴ - امتناع از رفتن به خانه ای که زوج برای زندگی مشترک انتخاب کرده است.

روایاتی در باب تمکین

۱- سعدان بن مسلم از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند: در حدیث بیعت، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به زنان فرمود: «ای بانوان، گوش فرادهید، من در صورتی با شما بیعت می کنم که [در عرصه عقیده] شرک نورزید و دست شما به سرقت و تعرض به مال دیگران دراز نشود و زنا نکنید و فرزندان خود را نکشید و دچار بهتان و تهمت زدن به یکدیگر

نشوید و در امر شوهرداری در برابر آنچه عرف است با ایشان مخالفت نوزید»^۱. در این روایت، اطاعت از زوج به قید عرف آمده است؛ یعنی مرد حق ندارد برخلاف معاشرت به معروف و در جهت مخالف حکم خدا و رسول از همسر خویش اطاعت از چیزهایی را بخواهد که نه با عرف و سیره شایستگان همسویی دارد و نه با حکم خدا و یا اینکه موجب ضرر و ضرار یا عسر و حرج او می شود.

۲- امام باقر (علیه السلام) می فرماید: زنی به محضر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمد و از حقّ زوج به زوجه سؤال نمود، ایشان فرمودند: «اینکه زن اطاعت او را کند و با او به مخالفت و عصیانگری [و مشاجره در خانه] نپردازد؛ [چون رسالت زن ایجاد امنیت است، نه اغتشاش]. زن از مال شوهر و خانه شوهر چیزی نبخشد، مگر با مشورت و اجازه او، روزه مستحبی نگیرد، مگر با رضایت او و نسبت به شوهر دریغ نوزرد... و از خانه او بدون اجازه اش خارج نشود...»^۲.

۳- رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «زن با بهترین عطریاتی که دارد، خود را خوشبو سازد و بهترین لباس هایش را بر تن نماید و خود را در هر صبح و شام بر شوهر عرضه بدارد»^۳.

۴- امام صادق (علیه السلام) فرمود: «اگر زن، نمازهای پنجگانه یومیّه و روزه ماه رمضان را بجای آورد و حجّ بیت الله کند و وظایف خویش را در برابر همسر انجام دهد و معرفت به حقّ امامت داشته باشد، پس بهشت بر او واجب می گردد، از هر دری که بخواهد»^۴.

۵- امام صادق (علیه السلام) فرمود: «هر زنی که با زبان خویش در صدد رنجش شوهر باشد (و زخم زبان بزند)، خداوند کارهای نیکش را نمی پذیرد. مادام که زن، ظالم و اذیت کار باشد، دارای چنین سرنوشتی است. بدانید هر بانویی که همراهی و رفق و مدارا با شوهر را نداشته باشد و او را بر کارهایی وادارد که در توان و قدرت او نیست و یا بر اموری که تحمّل آن بر شوهرش ممکن نیست، خداوند

۱. وسایل الشیعه، کتاب النکاح، ح (۲۵۴۵۱).

۲. همان، ح (۲۵۳۰۰).

۳. همان، ح (۲۵۳۰۲).

۴. همان، ح (۲۵۳۰۳).

کارهای نیک او را قبول نمی‌کند و در حالی پروردگار را ملاقات می‌کند که از او خشمناک است»^۱.

آنچه از مجموعه این روایات به دست می‌آید، دقیقاً در راستای کلام خداست که می‌فرماید: «فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ»^۲. زنان با صلاحیت و مسلح به سلاح ایمان، در راستای بندگی خدا به صلاح خانواده می‌اندیشند و آن‌گاه که شوهر در خانه و در کنار آنان است، با آنان به محبت رفتار می‌کنند. اینان منشأ سکونت و آرامش اند، زیرا چشمه سار زلال عشق و عواطف انسانی از سینه‌های پر عطوفت آنان روان و سرازیر می‌گردد. آنها در غیاب شوهر از حیثیت خانواده پاسداری می‌کنند و برای تثبیت سجایای اخلاقی می‌کوشند.

۱. همان، کتاب نکاح، ح (۲۵۴۵۴).

۲. نساء، آیه‌ی ۳۴.

« زن؛ محور پیشرفت اجتماع

اگر درون پیکری سامان دهی نداشته باشد، بیرون آن قطعاً متزلزل است. امروز، به اثبات رسیده است که احساسات و عواطف، بذری است که طبیعت در سرشت بنی آدم افشانده است و این بذر به باغبانی و آبیاری نیاز دارد و رسالت این باغبانی بر دوش زن است. نقش عواطف به قدری است که می تواند نیروی عقل را با همه قدرت و نورانیتش تیره و تار کند. عقل و علم با تمام ارزش و گستردگی ای که دارد، مانند عدالت سرد و بی روح است و این عواطف است که انسان ها را سرشار از جنبش ها، هیجان ها، گرمی ها، انعطاف ها و دوستی ها می سازد و حتی عقل را بارور می کند و به علم، لباس عمل می پوشاند. اگر به دیده دقت بنگریم، حقیقت ایمان هم حبّ و عشق به خوبی ها و خوبان است، چنانچه می فرماید «وَهَلِ الْإِيمَانُ إِلَّا الْحُبُّ وَ الْبُغْضُ...؛ مگر ایمان چیزی غیر از حب و بغض است؟»^۱ اینجاست که نقش تعیین کننده و بالنده مادر و همسر در القای چنین روحیه ای در افراد خانواده روشن می گردد و فلسفه تمکین او در برابر حکم خدا در انجام وظایف همسری آن است که می خواهد دیگران را متمکن و مستغنی سازد.

زن، رسالت انسان سازی دارد و کارش در رتبه کار معلمان و مصلحان و رهبران جامعه بشری است. خانه، دانشگاه و پرورشگاه و مدرسه ای است که کلاس آن دامان پر عشق و عطوفت مادر است. حال آیا ممکن است دانشگاه بشریت را خالی از مربی آن سازیم و بگوییم خانه به حضور مادرانه نیازی ندارد؟ ازاینرو در روایات متعدّد بر اذن و ایجاد هماهنگی لازم در خروج مادر از منزل تأکید شده است؛ زیرا لازمه رسالت پدر و ایفای مسئولیتش که اداره زندگی و مدیریت است، در خانه ماندن نیست و روحیات او هم اقتضای این را ندارد. حال که مربی گری و تدبیر و تنظیم امور منزل با زن است و خلأ نبودن او و تأثیرات روانی آن کاملاً مشهود است، در غیاب شوهر، رسالتی دو چندان دارد. با این توصیف، چگونه می توان به صرف توسعه نگرش های التقاطی و فمینیستی این گونه القا کرد

۱. اصول کافی، ج ۳، باب کفر و ایمان، بخش حبّ و بغض، ص ۱۹۰، روایت ۵.

که زن برای رفت و آمدش به تبادل نظر با شوهر و اذن در خروج نیازی ندارد و آیا می توان حقایق طبیعی زندگی را نادیده گرفت و بر پایه اعتبارات غیرمستند، خانواده را به کام سقوط و انهدام سپرد؟

البته، هرگز این سخن بدان معنا نیست که ما حضور اجتماعی زن را نادیده بگیریم و او را از بهره مندی های لازم و شایسته اش منع کنیم، بلکه با حفظ سمت مادری و همسری، زن باید در رفع مشکلات علمی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی جامعه نقش خود را به شایستگی ایفا کند؛ همان گونه که در الگوهای ممتاز دینی ما این چنین بوده است. برای مثال، به ابعاد زندگی دختر رسول خدا ﷺ بنگرید که در خانه، بهترین همسر و ارزشمندترین مادر است و در عرصه علوم و خوض در آیات وحی، خطبه غزایش در مسجد مدینه نمودی از نقشی بی بدیل در عرصه فعالیت اجتماعی بیرون از خانه است.

از آنجا که زن معلّم و مربّی انسان هاست و همچنین توانمندی زیادی در عرصه های علم و اندیشه و اخلاق دارد و تأثیر به سزایی در ارتقا خانواده دارد، پیوسته به تعلیم و تربیت نیاز دارد. چنان که عمومیت آیات مربوط به تعلیم و تربیت و تعبیری چون «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ». «مبین همین معناست. همچنین، موارد زیاد دیگری وجود دارد که نشان می دهد اسلام برای ارتقای فکری و فرهنگی زن نقش زیادی قائل است. برای مثال، اسلام یکی از اقسام مهریه را تعلیم قرآن قرار می دهد؛ یا این روایت: «إِيَّاكُمْ وَ تَرْوِجُ الْحَمَقَاءَ، مُصَاحِبَتُهُمَا بَلَاءٌ وَ وَكْدَهَا ضِيَاءٌ...»؛ از ازدواج با زنی که کوتاه فکر و احمق است، پرهیزید که مصاحبت با چنین زنی بلایی بزرگ است و فرزند او هم انسان ناکارا و کودن است».^۲ برای این اساس، اکثر فقها معتقدند که زن باید (حدّ اقل) از واجبات دینی خویش و مسائل مبتلابه شرع آگاهی لازم را داشته باشد و حتی در فراگیری واجبات، اذن همسر ملاک نیست.

۱. مصباح الشریعه / ۱۳ / الباب الخامس فی العلم.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۸۳.

« نتیجه

در پایان و برای نتیجه گیری به خلاصه ای از وظایف الزامی و غیرالزامی زن اشاره می کنیم:

الف: وظایف الزامی زن

- ۱- حسن معاشرت و رفتار شایسته و موجب اطمینان شوهر؛
- ۲- تمکین خاص زن و پاسخ گویی به حق استمتاع و کامیابی او؛
- ۳- عفت و ورزی و حفظ پاکدامنی در حضور و غیاب شوهر؛
- ۴- ترک نکردن خانه و خانواده و خروج از منزل، مگر به اذن شوهر؛
- ۵- رعایت نظافت و بهداشت و پیرایش و آرایش ظاهری؛
- ۶- پذیرش محل سکونت شوهر برای زندگی مشترک، مگر اینکه به عنوان شرط ضمن عقد حق انتخاب مسکن را برای خود قرار دهد؛
- ۷- عدم بخشش از مال شوهر، مگر با رضایت او.

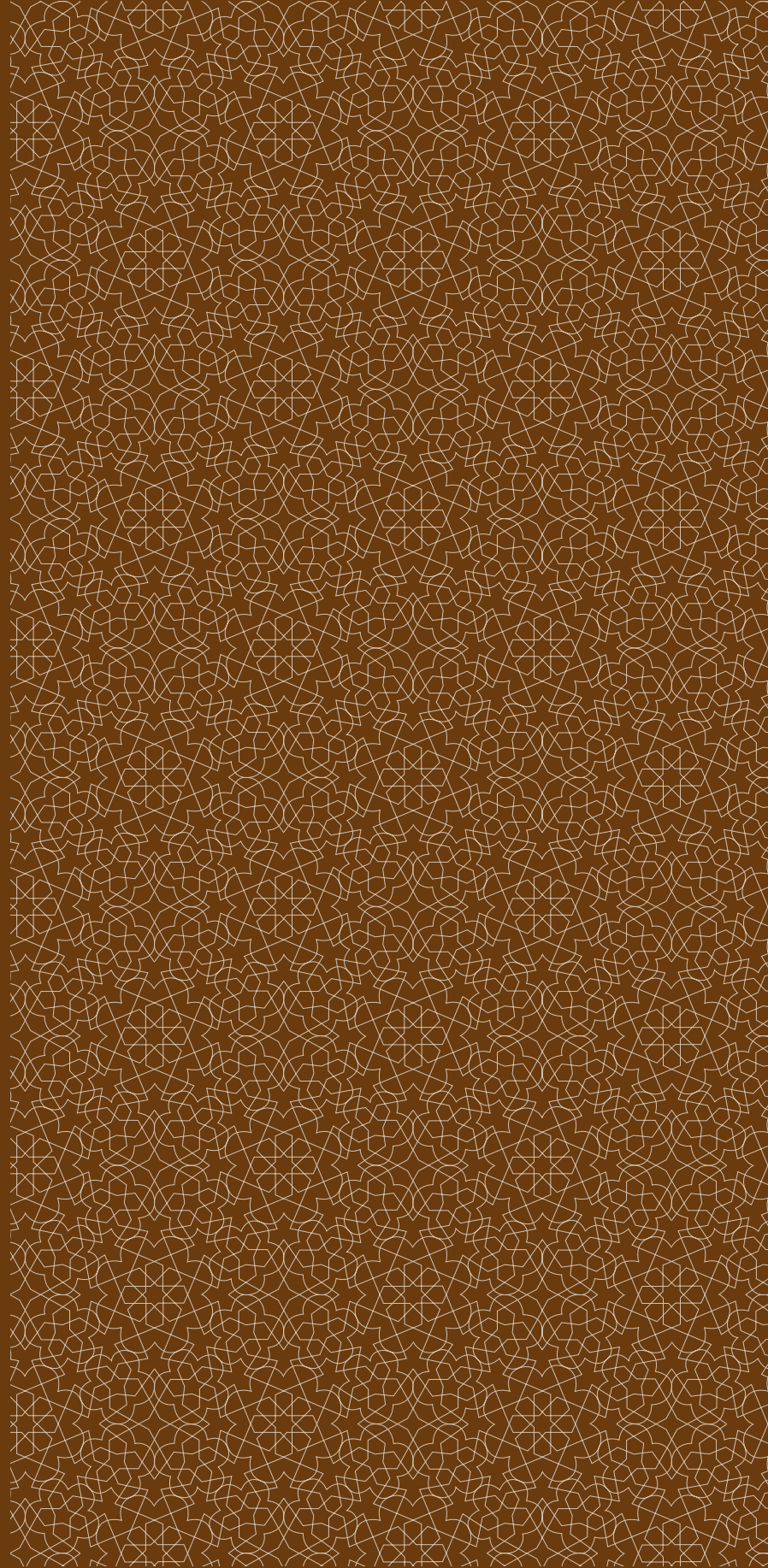
ب: وظایف غیرالزامی زن

- ۱- برای حفظ مصالح خانواده، حتی الامکان سازش نماید و خانواده را به سوی صلاح سوق دهد؛
- ۲- از آنچه موجب اذیت و آزار شوهر است، پرهیز کند؛
- ۳- در گرفتاری ها و پستی و بلندی های زندگی یاور خوبی باشد؛
- ۴- صبر و تقوا در زندگی پیشه سازد که در این عمل خیر و برکات زیادی است؛
- ۵- خوب است بانو در کنار شوهر حیا را کنار بگذارد؛
- ۶- خوب است بانو عبادات مستحبی را با اجازه شوهر بجا آورد و در تراحم عبادت و عرضه به شوهر، دومی را انتخاب نماید؛
- ۷- بر سوء اخلاق و آزار شوهر تا حد ممکن صبر و مدارا نماید؛
- ۸- برای همراهی با شوهر، کارهای داخلی خانه را در حد توان به عهده بگیرد؛
- ۹- در بالابردن سطح ارزش ها و عملی کردن آنها در خانه بکوشد.

« منابع و مأخذ

- « قرآن کریم
« نهج البلاغه
« آمدی، عبدالواحد التمیمی، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه محمدعلی انصاری، بیروت، مؤسسه الاعلامی للمطبوعات، ۱۴۰۷ هـ ق و ۱۳۳۷ هـ ش.
« صفایی، سیدحسین، و امامی، اسدالله، حقوق خانواده، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۶ هـ ش.
« شیخ حر عاملی، محمدبن حسن، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
« کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، ترجمه سیدجواد مصطفوی، تهران، علمیه اسلامی، بی تا.
« شیخ صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم، نشر رضی، چاپ دوم، ۱۳۶۳ هـ ش
« کاتوزیان، امیر ناصر، حقوق مدنی خانواده، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵ هـ ش.
« فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، بیروت، دارالحوراء، ۱۴۰۸ هـ ق.
« محقق داماد، سید مصطفی، بررسی فقهی حقوق خانواده، نکاح و انحلال آن، تهران، نشر علوم اسلامی، ۱۳۷۲ هـ ش.
« مطهری، مرتضی، حقوق زن در اسلام، تهران، انتشارات صدرا، چاپ سی و پنجم، ۱۳۸۲ هـ ش.
« موسوی خمینی، سیدروح الله، تحریر الوسیله، قم، اسماعیلیان.
« شهید ثانی، زین الدینبن علی، شرح مصباح الشریعه، مترجم و شارح، گیلانی، عبدالرزاقبن محمدهاشم، محقق و مصحح: خوانساری، آقا جمال، محمدبن حسین، تهران، انتشارات پیام حق، چاپ اول، ۱۳۷۷ هـ ش.
« نوری، حاج میرزا حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۹۰ هـ ق.

فصل دو:
مسجد و جوانان



نقش مسجد در شکل‌گیری هویت اجتماعی نوجوانان و جوانان

علی‌اکبر عبادی نیک

چکیده

مسجد، به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی، جایگاه خاصی در این حوزه دارد. دوره نوجوانی و جوانی، به لحاظ اینکه دوره خاص زندگی و دوره شکل‌گیری هویت و شخصیت فردی و اجتماعی و دوره تثبیت آن است، قابل توجه مضاعف است. در این نوشتار به نحوه اثرگذاری مسجد، در شکل‌گیری هویت اجتماعی نوجوانان و جوانان پرداخته شده است. مسجد با تقویت روابط اجتماعی سالم و با فراهم کردن رشد علمی و فرهنگی و ارائه آگاهی‌های لازم به جوانان و با بیدار کردن فطرت الهی، زمینه شکل‌گیری هویت اجتماعی سالم برای افراد، به خصوص جوانان را فراهم می‌کند.

واژگان کلیدی:

مسجد، نوجوان، جوان، هویت، هویت اجتماعی.

« اشاره

سلامتی یک جامعه در گرو سلامتی روحی و شخصیتی افراد آن جامعه است. هویت اجتماعی هر فرد، هم بیانگر چیستی و کیستی آن فرد از لحاظ اجتماعی است و هم معرّف حقیقت آن جامعه است. نهادهای اجتماعی، اثر فراوانی در شکل گیری هویت اجتماعی افراد دارند. مسجد، به عنوان یکی از مهم ترین نهادهای اجتماعی، جایگاه خاصی در این حوزه دارد. برای روشن شدن نقش مسجد در شکل گیری هویت اجتماعی نوجوانان و جوانان، ناگزیر هستیم بعد از اشاره مختصری به جایگاه اجتماعی مسجد و خصوصیات دوران نوجوانی و جوانی، به بررسی اجمالی مفهوم «هویت» و «هویت اجتماعی» و عوامل مؤثر در هویت بخشی آن و نقش مسجد در این هویت بخشی بپردازیم.

« جایگاه مسجد در جامعه اسلامی

در جامعه اسلامی، مسجد از مقدس‌ترین اماکن است که احترام خاصی در نگاه مسلمانان دارد. این جایگاه و احترام، حاصل نوع نگاه منابع اسلامی اعم از آیات و روایات و سیره معصومان علیهم‌السلام در خصوص این نهاد اجتماعی است. انتساب مسجد به خدای متعال، گویای این مطلب است. «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا».^۱

امام صادق علیه‌السلام از قول خدای متعال در تورات، مساجد را به عنوان خانه‌های خدا معرفی می‌فرماید: «مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَةِ أَنَّ بُيُوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدُ فَطُوبَى لِعَبْدٍ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي، أَلَا إِنَّ عَلَى الْمَزُورِ كَرَامَةَ الزَّائِرِ؛ در تورات نوشته شده است که همانا خانه‌های من در زمین، مسجدها هستند؛ پس، خوشا به حال بنده‌ای که در خانه خود طهارت یافته، سپس مرا در خانه من زیارت کند. آگاه باشید که بر شخص زیارت شده لازم است که زائر خود را گرامی دارد».^۲

احترام مسجد در فرهنگ اسلامی به اندازه‌ای است که حتی برای تعمیر و عمران و آباد کردن مسجد هم خدای متعال، شرایطی را برای آبادگر مسجد ذکر کرده است و راه را بر کفار و مشرکان و ناپاکان، حتی در تعمیر و آباد کردن مسجد، بسته است.^۳

«إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنِ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ؛ مساجد خدا را تنها کسانی آباد می‌کنند که به خدا و روز باز پسین ایمان آورده و نماز برپا داشته و زکات داده‌اند و جز از خدا نترسیده‌اند؛ پس، امید است که اینان از هدایت‌یافتگان باشند».^۴ مسجد در فرهنگ اسلامی، تنها محلّ عبادت و انجام مناسک دینی نبود، بلکه محلّ انجام امور مختلف اجتماعی، مثل قضاوت، آموزش، سیاست و حلّ مشکلات مردم بود. در زمان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مواقعی که نیاز به تجمع و اطلاع‌رسانی بود، کسی بین مردم ندا می‌داد: «الصّلاه جامعه» و با این ندا،

۱. جن، آیه ۱۸.

۲. وسائل‌الشیعه، ج ۱، ص ۳۸۱، ح ۱۰۰۷.

۳. همان.

۴. توبه، آیه ۱۸.

مردم در مسجد تجمّع می‌کردند.^۱ در مسجد کوفه، محلّی خاصّ برای قضاوت امیرالمؤمنین (علیه السلام) وجود داشت که امروز هم به عنوان «دکه‌القضاء» در آن مسجد شریف شناخته می‌شود.^۲

امام خمینی (ره) در این باره چنین می‌فرماید: «این مسجد الحرام و مساجد در زمان رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) مرکز جنگ‌ها و سیاست‌ها و مرکز امور اجتماعی و سیاسی بود. این‌طور نبوده است که در مسجد پیامبر (صلی الله علیه و آله) [فقط] همان مسائل عبادی نماز و روزه [مطرح] باشد؛ مسائل سیاسی‌اش بیشتر بوده است. اسلام می‌خواهد که مردم آگاهانه برای مصالح خودشان و برای مصالح مسلمانان در آنجا فعالیت کنند».^۳

بنابراین، مسجد در جامعه اسلامی، یک نهاد عبادی و اجتماعی فعال است که در مسائل مختلف اجتماعی جامعه، مانند تربیت اجتماعی انسان‌ها و هویت‌بخشی به مسلمانان، به خصوص جوانان، به طور فعال می‌تواند ایفای نقش کند. در این نوشتار، به چگونگی تأثیر مسجد در این حوزه خواهیم پرداخت.

۱. ابن‌سعد در طبقات‌الکبری می‌گوید: «پیش از تشریح اذان، مردم را با ندای «الصلاهجامعه» به مسجد و نماز جماعت فرا می‌خواندند.

۲. فیض کاشانی، الوافی، ج ۷، ص ۵۰۷.

۳. امام خمینی (ره)، صحیفه‌نور، ج ۱۸، ص ۶۷.

« اهمیت دوران نوجوانی و جوانی

بر هیچ اهل علمی پوشیده نیست که در شکل گیری شخصیت هر فرد، مقطع جوانی از جایگاه خاص و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. شاید بتوان گفت که ثبات شخصیت هر انسانی در این سنین، آغاز و به هر نحوی که شکل گیرد بیشتر به همان صورت قوام یافته و تثبیت می‌گردد. به همین دلیل در روایات بر اهمیت و برتری این مقطع سنی تأکیدات زیادی شده و نیز روان‌شناسان، این دوره را حیات مجدد انسان نامیده‌اند.

دوران نوجوانی و جوانی را می‌توان بهار عمر آدمی نامید. این دوران، از نظر تربیت و شکل گیری شخصیت، دارای اهمیت زیادی است. قرآن و روایات ائمه اطهار علیهم‌السلام اهمیت ویژه‌ای برای این دوران قائل است. لازم به ذکر است که در روایات، تفکیک خاصی بین دوران نوجوانی و جوانی صورت نگرفته است و به طور کلی از این دو مرحله با عنوان الشباب و مانند آن یاد شده است.

قرآن کریم می‌فرماید: «وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا»^۱.

در تفسیر این آیه شریف و توضیح عبارت «وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا»، امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: «لَا تَنْسَ صِحَّتَكَ وَ قُوَّتَكَ وَ فِرَاقَكَ وَ شِبَابَكَ وَ نَشَاطَكَ إِنْ تَطَلَّبَ بِهَا الْآخِرَةَ؛ فراموش نکن که از نعمت‌های سلامتی، توانمندی و فراغ‌بال و جوانی و نشاط برای به دست آوردن آخرت استفاده کنی»^۲.
آمادگی جوان برای پذیرش و یاری حق، بیش از دیگران است؛ بیشتر یاران و انصار انبیاء، اولیاء و مصلحان، جوانان بوده‌اند.

رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «فَضَلَ الشَّابَّ الْعَابِدَ الَّذِي يَعْبُدُ فِي صَبَاهِ عَلَي الشَّيْخِ الَّذِي يَعْبُدُ بَعْدَ مَا كَبُرَتْ سِنُّهُ كَفَضَلَ الْمُرْسَلِينَ عَلَي سَائِرِ النَّاسِ؛ فضیلت و برتری جوان عابد که از آغاز جوانی، خدا را عبادت کند، بر پیری که وقت در دوران پیری مشغول عبادت گردد، مانند فضیلت پیغمبران بر سایر مردم است»^۳.

۱. قصص، آیه ۷۷.

۲. شیخ صدوق، امالی، ج ۱، ص ۲۹۸.

۳. نهج الفصاحه، حدیث ۲۰۵۰.

در جای دیگر با اشاره به ارزش جوانی، می‌فرماید: «اغتنم شبابک قبل هر مک؛ جوانی تان را قبل از فرا رسیدن پیری غنیمت و قدر بدانید».^۱

حضرت رسول ﷺ خطاب به والدین و مربیان در برخورد با جوانان و نوجوانان می‌فرماید: «أوصيكم بالشبان خيراً فانهم أرقُّ افئدةً؛ إنَّ اللهَ بَعَثَنِي بِشِيراً وَ نَذِيراً، فَحَالِفِنِي الشَّبَابَ وَ خَالِفِنِي الشَّيْخُ، ثُمَّ قَرَأَ: فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ؛ شما را درباره نوجوانان به نیکی سفارش می‌کنم؛ زیرا دل‌های آنان نازک‌تر است. خداوند مرا به پیامبری برانگیخت تا مردم را به رحمت الهی بشارت دهم و از عذابش بترسانم. جوانان سخنان مرا پذیرفتند و با من پیمان بستند. آنگاه این آیه را خواندند: پس، عمر آنان به درازا کشید و دل‌هایشان سخت گردید».^۲

مردی به نام ابوجعفر أَحْوَل از دوستان امام صادق (علیه السلام) مدتی به تبلیغ مذهب تشیع و نشر تعالیم اهل بیت (علیهم السلام) اشتغال داشت. روزی به محضر امام (علیه السلام) شرفیاب شد. امام از او پرسید: مردم بصره در قبول روش اهل بیت و سرعت پذیرش آیین تشیع چگونه‌اند؟ عرض کرد: تعداد اندکی از مردم، تعالیم اهل بیت را پذیرفتند. امام فرمود: تبلیغات خود را متوجه نسل جوان و نوجوان کن و به آنان بپرداز؛ زیرا کودک و نوجوان، برای پذیرش حق و هدایت آمادگی دارند و حرف حق را زودتر می‌پذیرند.^۳

یکی از نکاتی که در ویژگی دوران نوجوانی و جوانی باید به آن توجه کرد این است که در نوجوان و جوان دو خواسته متضاد در یک زمینه وجود دارد: تقلید و ضد تقلید. او مقلد است، آن چنان که حتی می‌توان گفت تقلیدی کورکورانه دارد و از آن برای ساختن شخصیت خود، کسب محبوبیت اجتماعی، رشد کردن و معروف شدن استفاده می‌کند. می‌دانیم که جنبه تشخص طلبی در او قوی است؛ می‌خواهد به رشد و تکامل برسد؛ ولی امکان و توان آن را ندارد و تقلید برای او، مانند یک میان‌بُر برای وصول به آن است. فرد نوجوان می‌کوشد تا در

۱ . همان، حدیث ۳۷۲.

۲ . حضرت رسول ﷺ ضمن این روایت به این قسمت از قرآن کریم نیز اشاره فرمودند: حدید، بخشی از آیه ۱۶.

۳ . شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۲، ص ۱۷۶.

۴ . مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۲۲۶.

رفتار از شیوه‌ها و راه و روش دیگران استفاده کنند. در اثر تقلید، مسائل بسیاری آموخته و کسب می‌شود؛ ولی در عین حال، بسیاری از لغزش‌ها و جنایات نیز پدید می‌آیند و برخی ضوابط اخلاق و آداب و رسوم، زیر پا گذارده می‌شوند. نوجوان که به تدریج به مرحله جوانی می‌رسد، حالت تقلید او به ضد تقلید تبدیل می‌شود؛ آن چنان که کار بزرگسالان در نظرش نفرت‌انگیز می‌شوند. برای احراز شخصیت، حتی سعی دارد از تقلیدهای لازم سرپیچی کند و در راه و روش‌ها و ارزش‌ها تجدید نظر کند و در عین حال، نسبت به شخصیت‌هایی که مورد توجه خاص او باشند، به الگوبرداری تمایل دارد. آنچه از نظر تربیت مهم است، تعدیل جنبه تقلید و ضد تقلید در نوجوان و جوان است. باید کوشش کرد تا نوجوان، تقلید جاهلانه نداشته باشد و مسائل را بی‌قیدوشرط نپذیرد و نیز مسئله پیروی را مطرح کرد تا به مخالفت و ضدیت با آن نپردازد.^۱ به طور خلاصه، باید سعی کرد تا نیروی خدادادی الگوبرداری را که در شخصیت هر انسانی، به خصوص هر نوجوان و جوانی وجود دارد، کنترل و جهت‌دهی نمود. توجه به این مسئله در بحث شکل‌گیری هویت اجتماعی نوجوان و جوان بسیار حائز اهمیت است.

^۱ . قائمی، علی، شناخت، هدایت و تربیت نوجوانان و جوانان، ص ۶۷.

« هویت اجتماعی »

برای روشن شدن موضوع بحث این مقاله، باید توضیح مختصری درباره مفهوم «هویت» و «هویت اجتماعی» بیان کنیم.

«هویت» در لغت، به معنای چیستی و حقیقت شیء است و به مفهوم آنچه که نشانه و شخصیت چیزی یا کسی را معرفی کند، اشاره دارد.^۱

در فرهنگ عمید، هویت چنین تعریف شده است: هویت، یعنی حقیقت شیء یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد. آمعنای اصطلاحی این کلمه، بسیار نزدیک به همان معنای لغوی آن است. در علوم روان‌شناسی و علوم اجتماعی، «هویت» به مشخصه‌ها و ممیزات شخصی یا اجتماعی یک شخص اطلاق می‌شود.

روان‌شناسان اجتماعی در تعریف هویت گفته‌اند: هویت، مجموعه ویژگی‌هایی است که تفاوت فرد از دیگران یا شباهت او به دیگران را موجب می‌گردد که برای ساختن آن، عناصر زیادی مورد استفاده قرار می‌گیرد. هر شخص برای به وجود آمدن تصویر ذهنی از خود، بر تفسیری که از واکنش‌های دیگران درباره خود دارد، تکیه می‌کند.^۲

پاسخ به سؤال از کجا آمده‌ام و چه کاری باید بکنم و سرانجام من چیست، همان هویت یا خود است. در آموزه‌های دینی هر چند این واژه با خصوصیات مذکور طرح نشده است، ولی از عبارتها و اشارت‌های دیگر می‌توان حقیقت (هویت) و (خود) را استخراج کرد.

امام علی (علیه السلام) فرموده‌اند: «رَحِمَ اللهُ امْرَأً عَلِمَ مِنْ أَيْنَ وَ فِي أَيْنَ وَ إِلَى أَيْنَ؛ آن کس که بداند از کجا آمده و در کجاست و به کجا رهسپار خواهد شد، مشمول رحمت الهی خواهد بود».^۴ در ابیاتی از دیوان شعر منسوب به آن حضرت می‌خوانیم:

«ای انسان، آیا گمان نمی‌کنی که تو موجودی حقیر و کم‌مقدار هستی؟ حال

۱. بستانی، فؤادافرام، مهیار، رضا، فرهنگ ابجدی، ص ۹۶۷.

۲. فرهنگ عمید، ص ۱۲۶۵.

۳. مجله حدیث زندگی، ش ۱۱، ص ۷۰.

۴. فیض کاشانی، الوافی، ج ۱، ص ۱۱۶.

آنکه راز جهانی بزرگ، در کتاب روح تو مندرج است. درد تو از خود توست؛ ولی به آن آگاهی نداری و درمان تو نیز در خود توست؛ ولی آن را نمی‌بینی»^۱. هویت را می‌توان بر اساس ملاک‌های مختلفی تقسیم‌بندی کرد؛ اما در یک تقسیم‌بندی که مرتبط با این نوشته است، هویت به «هویت فردی» و «هویت اجتماعی» تقسیم می‌شود.

هویت فردی: منظور از هویت فردی، شناخت توانایی‌ها، قابلیت‌ها و ویژگی‌های رشد و تحوّل و نیازهای اساسی روان است. با این تعریف، هویت فردی با خودشناسی رابطه مستقیم دارد.

هویت اجتماعی: اگر فرد را از جنبه نقش‌ها و وظایف اجتماعی‌اش مورد مطالعه قرار داده و به طور متقابل، انتظارات جامعه از وی را بررسی کنیم، در حقیقت به درک مقوله هویت اجتماعی نزدیک شده‌ایم.^۲ بحث ما معطوف به هویت اجتماعی است تا بدانیم نهاد مسجد، در شکل‌گیری هویت اجتماعی نوجوانان و جوانان چه نقشی دارد. به همین دلیل، به توضیح بیشتری درباره هویت اجتماعی می‌پردازیم. در واقع، هویت اجتماعی رشته‌ای از معانی است که فرد در محیط یا موقعیت اجتماعی برای تعریف خود به کار می‌برد.^۳

هویت اجتماعی هر فرد، پاسخی است که وی به چپستی و کیستی خود، به عنوان فردی از یک جامعه مطرح می‌کند. البته این پاسخ فقط در گفتار نیست، بلکه مظاهر عملی و رفتاری، بهترین گواه برای نشان دادن هویت اجتماعی هر شخص است. نوع رفتار اجتماعی، نوع پوشش، نوع تفریحات، نوع گفتار، نوع رفتار سیاسی اجتماعی و... مربوط به هر فرد از مظاهر مهم بیان‌کننده هویت اجتماعی وی است.

انسان بودن، مسلمان بودن، شیعه بودن، ایرانی بودن و... هویت‌های اجتماعی هستند که هر یک باعث بروز نمودها و مظاهر خاص خود در رفتار فرد متعلق به آن اجتماع می‌شود.

۱. سبحانی‌نیا، محمد، جوان و بحران هویت، نرم‌افزار شباب، سازمان تبلیغات اسلامی.

۲. همان.

۳. اشرفی، ابوالفضل، هویت اجتماعی و پیشگیری از انحرافات اجتماعی، فصلنامه علوم اجتماعی ش ۱۱ و ۱۲، ص ۴۰.

« عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی

عوامل متعددی باعث شکل گیری یک هویت اجتماعی می‌شوند: به طور مثال، موقعیت جغرافیایی مثل ایرانی بودن فرد، یک هویت اجتماعی خاص و آثار عملی خاصی را به دنبال دارد. اعتقادات و باورهای مذهبی، مثل مسلمان بودن یا شیعه بودن، مواضع سیاسی و سبک زندگی از مؤلفه‌های مهمی است که منشأ هویت اجتماعی برای افراد است.

نکته قابل توجه این است که هویت اجتماعی صحیح، در سلامت روانی و شخصیتی فرد بسیار اثرگذار است. افرادی که از هویت اجتماعی مناسبی برخوردار هستند، به طور معمول، رفتاری معقول و متعادل و حضوری اثرگذار در جامعه خود دارند؛ اما افرادی که هویت اجتماعی خوبی ندارند، دچار انحرافات اخلاقی و رفتاری می‌گردند.

در کلمات گهربار امیرالمؤمنین (علیه السلام) این حقیقت به زیبایی بیان شده است. امام علی (علیه السلام) نشناختن قدر و منزلت و ارزش شخصیتی را مایه هلاکت افراد می‌داند: «هَلَكَ امْرُؤٌ لَمْ يَعْرِفْ قَدْرَهُ؛ مردی که قدر و منزلت خود را نشناخت، تباه گشت».^۱ همچنین، آن حضرت (علیه السلام) کرامت نفس را - که نتیجه هویت اجتماعی و هویت فردی صحیح و اسلامی است - مایه دوری افراد از آلوده شدن به پلیدی‌ها می‌داند: «مَنْ كَرَمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ، هَانَتْ عَلَيْهِ [شَهْوَتُهُ] شَهْوَاتُهُ؛ هر که خود را بزرگوار دید، شهوت‌هایش در دیده وی خوار گردید».^۲

وقتی نوجوان یا جوان از هویت اجتماعی صحیحی برخوردار نباشد، برای پُر کردن این خلأ شخصیتی، به راه‌های انحرافی و مدل‌های غلط هویتی رو می‌آورد. گرایش به گروه‌های رپ یا متال یا شیطان پرستی و... نمونه‌هایی از این مسئله هستند. همه نهادهای اجتماعی، اعم از خانواده، مدرسه، روحانیت و... در شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد جامعه، به خصوص نوجوانان و جوانان تأثیرگذار هستند. یکی از نهادهای اجتماعی، نهاد مسجد است که در شکل‌گیری هویت اجتماعی

۱. شریف الرضی، نهج البلاغه، حکمت ۱۴۹.

۲. همان، حکمت ۴۴۹.

افراد می‌تواند نقش به‌سزایی داشته باشد. ما در بخش‌های آینده به چگونگی این تأثیرگذاری خواهیم پرداخت.

« بحران هویت »

دوران نوجوانی، دوران شکل‌گیری هویت اجتماعی و دوران تثبیت هویت اجتماعی شخص است. به همین دلیل، حساسیت بحث شکل‌گیری هویت اجتماعی در این دوران بسیار زیاد است. امکان بروز مشکل در هویت اجتماعی نوجوان و جوان که از آن با عنوان «بحران هویت» یاد می‌شود، در این سنین بیشتر است. در بحران هویت، نوجوان به شدت دچار اضطراب و ناراحتی ذهنی است؛ به طوری که وی نمی‌تواند جنبه‌های مختلف شخصیت خویش را در یک خویشتن قابل قبول و هماهنگ سازمان دهد. به هنگام بحران هویت، نوجوان در بعضی از این موارد دچار تردید و شک است: اهداف بلندمدت، انتخاب شغل، الگوهای رفاقت، رفتار و تمایل جنسی، تشخیص مذهبی، نظام ارزش‌های اخلاقی، تعهد گروهی. بسیاری از افراد، هنگامی که دچار بحران هویت می‌شوند، احساس پوچی، از خودبیگانگی، تنهایی و غربت می‌کنند و قادر به انجام کارهای مهم نیستند و در انتخاب کردن سردرگم می‌مانند و یا اینکه هر روز و هر لحظه، به انتخاب جدیدی دست می‌زنند و بر انتخاب دیگران، بدون تحقیق ماهر تأیید می‌زنند. بحران هویت، پیامدهای منفی متعددی دارد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

اشتغالات بی‌هدف: شخصی که جایگاهی برای خود در جامعه نمی‌شناسد و به تعبیری، قدر و منزلت شخصی و اجتماعی خود را نیافته است، خود را به طور بی‌هدف به کارهای مختلف، از جمله کارهای بی‌ارزش یا ضد ارزش مشغول می‌کند. وقت‌گذرانی‌های طولانی در کارهای بی‌ارزش یا تفریحات ناسالم از این قبیل است.

داشتن شخصیت منفعل: از دیگر مضرات بحران هویت، منفعل شدن شخصیت فرد است. فردی که دچار بحران هویت است به طور معمول، شخصیت غیرمستقلی دارد و برای تصمیم‌گیری‌های زندگی، به خصوص امور مهم، منفعل از دیگران بوده و تابع جو است. این فرد، در انتخاب سبک زندگی، پوشش ظاهری، سبک

خانوادگی و... مرتّب دچار تقلیدهای کورکورانه است.^۱ نهادهای دخیل در شکل گیری هویت اجتماعی، مثل مسجد اگر در این دوران به خوبی نقش خود را ایفا کنند، می‌توانند مانع بروز این بحران و به تبع آن، مانع به وجود آمدن انحرافات اجتماعی در بین نوجوانان و جوانان شوند و از این طریق، کمک شایانی به سلامت اجتماع داشته باشند.

^۱ . سبحانی نیا، محمّد، جوان و بحران هویت، نرم‌افزار شباب، سازمان تبلیغات اسلامی.

« مسجد و هویت اجتماعی

مسجد، به عنوان یک نهاد عبادی و اجتماعی فعال در متن جامعه اسلامی، نقش بسیار مهمی در شکل گیری افراد جامعه، به خصوص نوجوانان و جوانان دارد که در این قسمت به تحلیل این نقش مسجد می پردازیم. برای این منظور، روایت شریفی را که به بیان اثرهای ارتباط مستمر با مسجد پرداخته است، محور بحث قرار می دهیم.

«مَنْ اِخْتَلَفَ اِلَى الْمَسَاجِدِ اَصَابَ اِخْدَى الثَّمَانِ؛ اَخَا مُسْتَفَاداً فِي اللّٰهِ، اَوْ عِلْمًا مُسْتَظَرًّا اَوْ آيَةً مُحْكَمَةً اَوْ يَسْمَعُ كَلِمَةً تَدُلُّ عَلٰى هُدٰى، اَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً، اَوْ كَلِمَةً تَرُدُّهُ عَن رَدٰى، اَوْ يَتْرَكَ ذَنْبًا خَشِيَةً اَوْ حَيَاءً؛ كَسٰى كَهٗ بِهٖ مَسْجِدَ رَفْتٍ وَاَمَدٍ مٰى كُنَد، يَكِي اَز مَنَافِعِ هَشْتِ گَانَهٗ نَصِيْبِ اَوْ مِي شُود: بَرَادَرِي مَفِيْدٍ وٗ بَارزَش دَر رَاهِ خَدَا يَا عِلْمٍ وٗ دَانَش نُو يَا دَلِيْلٍ وٗ بَرَهَانِ مُحْكَمٍ [بَرَايِ تَثْبِيْتِ عَقَايِدِ] يَا كَلِمَاتِي كَهٗ مُوجِبِ هِدَايَتِ شُود [، مِي شُنُوْد] يَا رَحْمَتِ مُورِدِ اِنْتِظَارِي شَامِلِ حَالِ اَوْ مِي شُود يَا مُوَاعِظِي كَهٗ اَوْ رَا اَز فِسَادِ وٗ گِنَاهِ بَا ز دَارْد [رَا مِي شُنُوْد] يَا بَهٗ خَاظِرِ تَرَسِ يَا حِيَا وٗ اَبْرُوِي خُوْد، گِنَاهِي رَا تَرَكِ مِي كُنَد»^۱.

در این روایت شریف، امیرالمؤمنین (علیه السلام) هشت ثمره مهم برای رفت و آمد مستمر در مسجد و به تعبیری «اهل مسجد بودن» ذکر می فرمایند که با دقت در این امور، نحوه اثرگذاری مسجد در شکل گیری هویت اجتماعی افراد، به خصوص نوجوانان و جوانان که در مرحله شکل گیری و تثبیت هویت اجتماعی هستند، به خوبی روشن می شود و ما در قالب پنج عنوان کلی به این موارد اشاره می کنیم:

(۱) مسجد و روابط اجتماعی:

انسان، موجودی اجتماعی است و به گفته حکما به طور فطری اجتماعی است. به همین دلیل، انسان، ناگزیر از داشتن روابط اجتماعی با افراد مختلف به عناوین مختلفی، چون خانواده، دوستان، همکاران، همسایگان ... است. از مهم ترین روابط اجتماعی انسان، روابط دوستی است. داشتن دوستان مناسب

۱. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۰.

باعث سلامت روحی و هویت اجتماعی مناسب انسان می‌شود؛ به خصوص در دوره نوجوانی و جوانی، افراد به شدت تحت تأثیر محیط و دوستان خود هستند. از نگاه امام علی (علیه السلام)، انسان ناتوان کسی است که در برقراری این ارتباط دوستی با دیگران ناتوان باشد. «أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اكْتِسَابِ الْأُخْوَانِ، وَأَعْجَزُ مِنْهُ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ ظَفِرَ بِهِ مِنْهُمْ؛ عاجزترین مردم کسی است که از به دست آوردن دوستان عاجز باشد و از او عاجزتر کسی است دوستانی را که به دست آورده، از دست بدهد»^۱.

نوع دوستان انسان و محیط‌های دوستی و رفاقتی افراد، در شکل‌گیری هویت اجتماعی آنها بسیار مؤثر است و معرفت و علامت خوبی برای ساخت هویت شخصی و اجتماعی افراد است. امام علی (علیه السلام) فرمودند: «فَإِنَّ الْمَرْءَ يَوْزَنُ بِخَلِيلِهِ؛ همانا، مرد به دوستش سنجیده می‌شود»^۲.

تو اول بگو با چه کس زیستی
که تا من بگویم که تو کیستی
همان قیمت آشنایان تو
بود قیمت و ارزش و جان تو

نکته مهم در مبحث دوستی، محور و ملاک مورد توجه در دوستی بین افراد است. دوستی، گاهی با محوریت مسائل مالی، سیاسی و گاهی هم با محوریت مسائل الهی و روابط دینی است. محکم‌ترین و سالم‌ترین دوستی‌ها، دوستی‌ای است که بر اساس مسائل دینی و با محوریت محبت ایمانی شکل گرفته باشد. «الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ؛ در روز قیامت دوستان، دشمن یکدیگرند، مگر متقین»^۳.

امام علی (علیه السلام) اولین اثر ارتباط با مسجد را یافتن دوستان و برادران دینی مطرح می‌فرمایند. دوستی‌ای که بر محور دین و بندگی خدای متعال شکل گیرد، پایدار خواهد بود و به دور از هر گونه دغل و انحراف است. این دوستی ایمانی،

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۸۴، ح ۲۲.

۲. غرر الحکم، ج ۱، ص ۸۹، ح ۲۰۴۸.

۳. زخرف، آیه ۶۷.

در شکل دادن به هویت اجتماعی نوجوان و جوان، قابلیت زیادی دارد و هویت اجتماعی با محوریت ملاک‌های دینی و الهی را در فرد ایجاد می‌کند.

۲) مسجد و آموزش علوم نافع:

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این روایت شریف، دوّمین و سوّمین ثمره ارتباط با مسجد را یادگیری علوم نافع و اعتقادات صحیح می‌داند. یکی از مؤلفه‌های اثرگذار در هویت اجتماعی انسان، اعتقادات دینی و آشنایی با فرهنگ صحیح زندگی و به طور کلی علم و آگاهی است. علم به تاریخ پرافتخار اسلام، علم به آموزه‌های بسیار مترقی اجتماعی دین، علم به ارزش و جایگاه هویت ملی، علم به ضوابط درست زندگی اجتماعی و... بخشی از این علوم نافع را تشکیل می‌دهند. مسجد، از ابتدای شکل گیری، به عنوان یک کانون آموزش و یک دانشگاه مطرح بوده است.

روزی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) وارد مسجد شد و با دو گروه مواجه شد. در یک قسمت، گروهی سرگرم علم‌آموزی و در قسمت دیگر، عده‌ای مشغول رازونیا با خدا بودند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «این دو نشست و گردهمایی، مشمول خیر و سعادت‌اند، زیرا گروه دوّم خدا را می‌خوانند و گروه اوّل نیز سرگرم فراگیری بینش و دانش هستند و می‌خواهند دانش و آگاهی دینی خود را از رهگذر تعلیم، به دیگران منتقل سازند؛ اما گروه اوّل بر گروه دوّم مزیت دارند. سپس، حضرت در جمع گروهی که سرگرم دانش‌اندوزی و تعلیم بودند، نشست. تشکیل جلسات تفسیر قرآن، آموزش احکام و مسائل شرعی، آموزش اعتقادات اسلامی، بیان تاریخ اسلام و ایران، دشمن‌شناسی و... آموزش‌هایی است که در مسجد، با محوریت امام‌جماعت مسجد انجام می‌شود و این آموزش‌ها تأثیر بسیار زیادی در شکل‌گیری هویت اجتماعی سالم افراد دارد. تأکید بر این مسئله به جاست که مسجد و مباحث آموزشی که مسجد در اختیار افراد قرار می‌دهد، در ترسیم سبک زندگی اسلامی - که خود از مهم‌ترین مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده هویت اجتماعی صحیح است - بسیار نقش مهمی دارد و از این طریق می‌تواند تأثیر مهمی در تحقق تمدن

۱. مجموعه آثار استاد مطهری، ج ۱۸، ص ۱۹۳.

اسلامی داشته باشد.

۳) مسجد، عامل بیداری فطرت الهی:

در این حدیث شریف، چهارمین اثر ارتباط با مسجد، قرار گرفتن در معرض رحمت الهی مطرح شده است. اگر چه این رحمت، مصادیق فراوانی دارد، اما به نظر می‌رسد، یکی از مهم‌ترین جلوه‌های این رحمت الهی، بیداری فطرت الهی انسان‌ها در اثر عبادت و معنویت باشد. استاد مطهری، یکی از عوامل بسیار اثرگذار در هویت اجتماعی و انسانی را، فطرت الهی موجود در وجود انسان‌ها می‌داند؛ همان فطرتی که خدای متعال از آن در قرآن این گونه یاد کرده است: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ؛ پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا، مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدا تغییر پذیر نیست. این، همان دین پایدار است؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند».^۱

مسجد، کانون عبادت و توجه دادن انسان به مقام عبودیت و بندگی است. افرادی که توجه بیشتری به این فطرت الهی خود دارند و از مقام انسانیت خود، آگاه هستند، در صحنه اجتماع نیز رفتاری متناسب با هویت الهی خود دارند و خود را به هر کار و رفتاری آلوده نمی‌کنند. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «مَنْ عَرَفَ قَدْرَهُ لَمْ يَضَعْ بَيْنَ النَّاسِ؛ هر کس مرتبه و ارزش خود را بشناسد، آن را میان مردم تباہ نمی‌کند».^۲

۴) مسجد و مواظب اخلاقی:

پنجمین و ششمین اثر ارتباط با مسجد، در کلام امام علی (علیه السلام) شنیدن، مواظب اخلاقی است که سبب هدایت به مسیر درست زندگی و دوری از راه‌های انحرافی

۱. روم، آیه ۳۰.

۲. تمیمی آمدی، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۲۳۳.

می‌گردد. مسائل اخلاقی هر فرد و جامعه، اثر به‌سزایی در هویت اجتماعی آن فرد یا جامعه دارد. به‌طور مثال، فردی که دچار بیماری اخلاقی، مانند تکبر و خود‌پسندی باشد، مشخصات اجتماعی او به‌گونه‌ای است که دچار انزوا و از دست دادن اطرافیان خواهد شد و در برقراری ارتباط با اطرافیان خود، دچار مشکل می‌گردد؛ اما فردی که از تواضع و دگردوستی برخوردار است، هویت اجتماعی وی به‌گونه دیگری است. فرد یا جامعه‌ای که دچار روحیه منفی خودباختگی است، هویت اجتماعی آن فرد یا اعضای آن جامعه به‌گونه‌ای است که در برابر فرهنگ‌های مهاجم، توان مقابله نخواهد داشت و ستم‌پذیر خواهد بود. بیماری جامعه و قوم فرعون از نگاه قرآن همین بوده است و قرآن می‌فرماید: «فَأَسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ»؛ پس، او قوم خود را سبک‌مغز شمرد و آنها هم وی را اطاعت نمودند، به‌راستی که آنها گروهی فاسق و نافرمان بودند»^۱.

مسجد با احیای جلسات وعظ و اخلاق، می‌تواند به‌شکل‌گیری صحیح هویت اجتماعی نوجوانان و جوانان کمک‌شایانی نماید؛ به‌خصوص با توجه به این نکته که دل‌پاک نوجوان و جوان، آمادگی بیشتری برای دریافت مواعظ اخلاقی دارد و ملکات اخلاقی در او راسخ‌تر خواهد بود.

امام علی (علیه‌السلام) فرمودند: «الْعِلْمُ مِنَ الصَّغَرِ كَالنَّفْسِ فِي الْحَجَرِ»؛ علم در کودکی، مانند حکاکی بر روی سنگ است»^۲. همچنین، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرموده‌اند: «حفظ الرجل بعد ما يكبر كالكتاب على الماء؛ یادگیری در بزرگسالی، مثل نگارش بر روی آب است»^۳.

موعظه، راه‌هدایت را به انسان می‌نمایاند و راه‌گمراهی را به انسان می‌شناساند. یکی از عوامل انحاط شخصیتی و بی‌هویتی جوانان، فقدان آگاهی و عدم تشخیص راه درست و صراط مستقیم از راه‌های گمراهی است. مسجد، بهترین مکانی است که می‌تواند راه‌هدایت و ضلالت را به جوانان نشان دهد تا دچار بحران هویت

۱. زخرف، آیه ۵۴.

۲. مجلسی، بحارالأنوار، ج ۱، ص ۲۲۴.

۳. نهج‌الفصاحه، مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، ص ۴۴۵.

یا هویت ناپسند اجتماعی نشوند.

۵) مسجد و کنترل اجتماعی:

امام علی (علیه السلام) در بخش پایانی کلام خود در فواید ارتباط با مسجد به یک حقیقت روان‌شناختی اشاره می‌کنند. افرادی که با مسجد ارتباط مستمر داشته باشند از نظر اجتماعی جایگاهی پیدا خواهند کرد که بسیاری از رفتارهای غلط یا خلاف شرع یا خلاف عرف جامعه اسلامی را دست‌کم به خاطر حیا ترک خواهند کرد و این در سلامت ظاهر جامعه اسلامی که خود از جلوه‌های هویت اجتماعی است، اثرگذار است. به عبارت دیگر، ارتباط با مسجد باعث به وجود آمدن نوعی کنترل همگانی بین مسلمانان خواهد شد. به تجربه ثابت شده است که جوان در محیطی که غریب باشد و کسی او را نشناسد، راحت‌تر به رفتارهای هنجارشکنانه می‌پردازد. یکی از آفات پذیرش دانشجو - به خصوص دختران - در شهر دیگر غیر از شهر خود، همین فراهم شدن زمینه لغزش و رفتارهای خلاف هنجار است. بنابراین، ارتباط با مسجد به خصوص در سنین جوانی، نوعی شخصیت و هویت مذهبی اجتماعی برای نوجوان و جوان به وجود می‌آورد که همین هویت، می‌تواند مانع ارتکاب رفتارهای غلط باشد. در روایتی از امام رضا (علیه السلام) نقل شده که فرمودند: «عَنْ آبَائِهِ (علیهم السلام) أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) قَالَ لَمَّا يَبْقَ مِنْ أَمْثَالِ الْأَنْبِيَاءِ إِلَّا قَوْلُ النَّاسِ إِذَا لَمْ تَسْتَحْيِ فَاصْنَعْ مَا شِئْتَ؛ از نصایح پیامبران چیزی باقی نمانده، مگر اینکه مردم می‌گویند هرگاه حیا نداری، هر چه می‌خواهی بکن». حضور در جمع مؤمنان و شناخته شدن به وسیله ایمان در بین مردم، می‌تواند روحیه شرم و حیا را در انسان ایجاد و تقویت نماید و به نوعی هویت اجتماعی ایمانی برای شخص ایجاد کند که خود در عدم توجه به انحرافات و لغزش‌ها بسیار قابل توجه است.

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۳۳.

« بایسته‌های مسجد فعال

بر اساس بحث‌های گذشته، مسجد می‌تواند نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد داشته باشد؛ اما نکته قابل توجه این است که مسجدی در ایفای این نقش موفق خواهد بود که حضور پویا و فعالی در اجتماع داشته باشد. مسجدی که تمام فعالیت آن منحصر به اقامه نماز جماعت باشد، اگرچه اثرهایی را در زمینه مسائل عبادی و اجتماعی مسلمانان خواهد داشت، اما آن نقش‌آفرینی کامل را نخواهد داشت. به همین دلیل، در پایان این مقاله، ما به ذکر چند نکته به عنوان ضرورت‌های مسجد فعال می‌پردازیم. در واقع ضروریات مسجد فعال، یعنی آنچه که برای پویایی و فعال بودن مسجد در تمام عرصه‌ها به خصوص درباره موضوع مورد بحث - یعنی شکل‌گیری هویت اجتماعی نوجوان و جوان - لازم است.

۱. فعال بودن امام جماعت:

امام جماعت، رکن اصلی مسجد در زمینه مسائل فرهنگی است. تمام فعالیت‌های تربیتی، فرهنگی و مذهبی مسجد، با محوریت امام جماعت باید صورت گیرد. اگر امام جماعت به برنامه مسجد و اقامه نماز جماعت به عنوان یک برنامه تبلیغی همه‌جانبه و اثرگذار نگاه کند و تمام سعی و تلاش خود را برای ایجاد یک فضای تربیتی به کار بندد، مسجد از یک معبد صرف به یک کانون عبادی و تربیتی و اجتماعی تبدیل می‌شود که نقش بی‌بدیلی در سطح جامعه خواهد داشت.

۲. هماهنگی بین ارکان اجرایی مسجد:

اجرای فعالیت‌های مختلف مسجد توسط افراد یا گروه‌های مختلفی انجام می‌شود که ما از آنها به عنوان ارکان اجرایی مسجد یاد می‌کنیم؛ مثل امام جماعت، هیئت امناء، بسیج مسجد و... یکی از مشکلاتی که متأسفانه در برخی مساجد مشاهده می‌شود، اختلاف بین این ارکان در تصمیم‌گیری‌های کلان و سیاست‌گذاری‌های مسجد است که آفات زیادی به همراه دارد که عبارت‌اند

از: هدر رفتن انرژی و پتانسیل مسجد و اعضای فعال در آن، بر روی زمین ماندن کارهای اساسی و وظایف اصیل مسجد، ایجاد دل زدگی و دفع نمودن دیگران از مسجد و... اگر ارکان مسجد با هماهنگی کامل با یکدیگر به انجام وظیفه بپردازند، اثرگذاری مسجد، مضاعف خواهد شد و مسجد، پویایی بالایی خواهد داشت. لازم به ذکر است که امام جماعت در ایجاد این هماهنگی بین ارکان مسجد، نقش کلیدی دارد.

۳. اندیشیدن تدابیر لازم و ایجاد فضای مناسب برای حضور حداکثری نوجوانان و جوانان در مسجد:

اگر حضور جوانان در مسجد منحصر به اقامه جماعت باشد، هرچند در شخصیت آنان اثرگذار است، اما هرچه این حضور بیشتر و البته هدفمند و باضابطه باشد، این اثرگذاری بیشتر و انس آنان با مسجد عمیق تر خواهد بود. ایجاد کتابخانه و فضای مطالعه در مسجد، فراهم کردن فضای آموزشی و فرهنگی، مثل کلاس‌های علمی، فرهنگی و مذهبی، برگزاری جلسات و مراسم مختلف در مناسبت‌های ملی و مذهبی و... از نمونه‌های این فضا سازی برای حضور حداکثری و هدفمند جوانان در مسجد است.

۴. استفاده از افراد تحصیل کرده، جوان و خوش فکر در فعالیت‌های مختلف مسجد:

حضور این گونه افراد در فعالیت‌های مسجد از قبیل عضویت در هیئت امناء، برگزاری کلاس‌ها و جلسات آموزشی فرهنگی، به عنوان امام جماعت و سخنران و حتی مؤذن و مکبر، باعث جذب بیشتر جوانان به مسجد و کارآمدتر شدن مسجد در ایفای نقش‌های خود است. از این طریق، اثرگذاری مسجد در هویت بخشی به جوانان از لحاظ اجتماعی بسیار بیشتر خواهد بود. جوانی که در مسجد، هیچ جذبه‌ای نمی‌بیند و هیچ ارتباطی با مسجد و عناصر مسجد، نه از لحاظ سنتی و نه از لحاظ علمی و فرهنگی نمی‌بیند، طبیعی است که از فضای مسجد، اثرپذیری نخواهد داشت و حضور وی در مسجد، از نظر کمی و کیفی یک حضور حداقلی

خواهد بود و هویت اجتماعی وی در محیط‌های دیگری شکل خواهد گرفت. به عبارت دیگر، سنخیت بین دو شیء، مهم‌ترین عامل پیوند و اثرپذیری است. جوان، اگر احساس سنخیت با محیط مسجد داشته باشد، پیوند عمیق و پذیرش بالایی از محیط مسجد خواهد داشت؛ اما اگر این سنخیت را نیابد، ارتباط او با مسجد، سطحی و غیرمؤثر خواهد بود.

در این بخش از نوشتار، مناسب است کلام زیبای رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، در توصیف مسجد ایده‌آل را، حُسن ختام این بخش قرار دهیم که فرمودند:

«نخستین مطلب مهم، بنای مسجد و حضور روحانی شایسته در آن است... دسترسی آسان به مسجد، نیاز ضروری مؤمنان و جوانان و نوجوانان ماست. روحانی پرهیزگار، خردمند، کارشناس و دلسوز در مسجد، مانند پزشک و پرستار در بیمارستان، روح و مایه حیات مسجد است. امامان جماعت، باید آماده‌سازی خویش برای طبابت معنوی را وظیفه حتمی خود بدانند و مراکز رسیدگی به امور مساجد و حوزه‌های علمیه در همه جا آنان را یاری دهند. مساجد، باید مدرّس تفسیر و حدیث و منبر معارف اجتماعی و سیاسی و کانون موعظه و پرورش اخلاق باشد. زمزمه محبت متولیان و مدیران و [هیئت] امنای مساجد، باید دل‌های پاک جوانان را مجذوب و مشتاق کند. حضور جوانان و روحیه‌های بسیجی باید محیط مسجد را زنده و پرنشاط و لبریز از امید سازد. میان مسجد و مراکز آموزشی در هر محلّ، همکاری و پیوند تعریف شده و شایسته‌ای برقرار گردد. چه نیکوست که دانش‌آموزان برجسته و ممتاز در هر محلّ، در مسجد و در برابر چشم مردم و از سوی امام جماعت، تشویق شوند. مسجد باید رابطه خود را با جوانانی که از دواج می‌کنند، با کسانی که به موقّیّت‌های علمی و اجتماعی و هنری و ورزشی دست می‌یابند، با صاحب‌همتانی که کمک به دیگران را وجهه همت می‌سازند، با غم‌دیدگانی که غم‌گساری می‌جویند و حتّی با نوزادانی که متولّد می‌شوند، برقرار و مستحکم کند. مسجد باید در هر منطقه و محلّ، مأمن و مایه خیر و برکت باشد»^۱.

۱. نرم افزار حدیث ولایت، مکتوبات، پیام به نوزدهمین اجلاس سراسری نماز، ص ۲۸.

« نتیجه‌گیری

مسجد به عنوان یک پایگاه عبادی و اجتماعی، اگر با توجه به معیارهایی چون فعال بودن امام جماعت، استفاده از افراد فرهیخته و جوان در ارکان مسجد و... به ایفای نقش در جامعه پردازد، با کارکردهای خاص خود می‌تواند تأثیر به‌سزایی در شکل‌گیری هویت اجتماعی نوجوانان و جوانان - که در دوران شکل‌گیری و تثبیت هویت هستند - داشته باشد و در مواقعی این نقش‌آفرینی بی‌بدیل است. کارکردهایی، مانند ایجاد محیط دوستی و ارتباطات اجتماعی، ارائه آموزش‌های دینی، فرهنگی، تاریخی و... به جوانان، باعث آگاهی آنها به هویت اجتماعی صحیح خواهد بود. همچنین، وعظ و خطابه و ایجاد محیط و روحیه اخلاقی در افراد و... در شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد دخیل هستند.

« منابع و مأخذ

- « قرآن کریم
- « شریف الرضی، محمدبن حسین، نهج البلاغه، قم، انتشارات هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ هـ.ق.
- « شیخ صدوق، ابن بابویه، محمدبن علی، من لایحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ هـ.ق.
- « _____، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم، دارالشریف الرضی، چاپ دوم، ۱۴۰۶ هـ.ق.
- « _____، الأمالی، تهران، انتشارات کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶ هـ.ش.
- « ابن سعد، محمدبن سعد بن منیع الهاشمی البصری (م ۲۳۰)، الطبقات الكبرى، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۰ هـ.ق/۱۹۹۰ م.
- « فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، اصفهان، انتشارات کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) چاپ اول، ۱۴۰۶ هـ.ق.
- « الموسوی الخمینی، سیدروح الله، صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰ هـ.ش.
- « مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ هـ.ق.
- « قائمی، علی، شناخت و تربیت نوجوانان و جوانان، تهران، انتشارات امید، ۱۳۶۳ هـ.ش.
- « بستانی، فؤاد افرام، مهیار، رضا، فرهنگ ابجدی، ۱ جلدی، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۵ هـ.ش.
- « عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات اساطیر، بهمن ۱۳۴۴ هـ.ش.
- « اشرفی، ابوالفضل، هویت اجتماعی و پیشگیری از انحرافات اجتماعی، فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۱۱ و ۱۲.
- « مطهری، مرتضی، مجموعه آثار ج ۱۸، تهران، انتشارات صدرا.
- « تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۶ هـ.ش.
- « نهج الفصاحه، مجموعه کلمات قصار حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) با ترجمه فارسی، تهران، انتشارات جاویدان، چاپ اول، ۱۳۷۴ هـ.ش.
- « سبحانی نیا، محمد، جوان و بحران هویت، نرم افزار شباب، سازمان تبلیغات اسلامی.
- « نرم افزار حدیث ولایت، مکتوبات، پیام به نوزدهمین اجلاس سراسری نماز، ۱۳۸۹ هـ.ش.
- « قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، تهران، انتشارات اسوه، چاپ اول، ۱۴۱۴ هـ.ق.
- « دو ماهنامه حدیث زندگی، صاحب امتیاز: محمد محمدی نیک (ری شهری)، سال سوم، شماره، پیاپی ۱۱، خرداد و تیر ۱۳۸۲ هـ.ش.

نقش مساجد در تربیت دینی جوانان

رامین نوظهوری و سمیه رسولی

چکیده

مسجد، به عنوان پایگاه اجتماعی اسلام، همواره کانون جذب تربیت دینی جوانان بوده است و مردم و مرتبان دینی و مذهبی به آن توجه کرده‌اند. تحولات روزافزون دنیای مدرن و تهاجم فرهنگی در عصر جهانی شدن از یک سو، تربیت دینی جوانان، به مثابه یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های عالمان تربیتی و فرهیختگان دینی مسلمان از سویی دیگر، اهمیت مسجد، را در تربیت دینی بیش از پیش روشن کرده است. نویسندگان این نوشتار، سعی نموده‌اند تا با ارائه تعریفی از تربیت دینی و بررسی نقش مسجد در اسلام، به این پرسش پاسخ گویند که مسجد، چگونه می‌تواند در ایجاد ارزش‌ها و تربیت دینی جوانان امروزی، نقش داشته باشد. نوشته حاضر، ابتدا به تبیین مفاهیمی چون مسجد، تربیت، دین و تربیت دینی پرداخته، سپس نقش و اهمیت مسجد را در اسلام و تربیت دینی جوانان امروزی، مورد بررسی قرار می‌دهد. همچنین، در پایان، به برخی از راهکارهای تئوری و عملی نیز اشاره می‌کند.

واژگان کلیدی:

مسجد، تربیت، دین، تربیت دینی.

« اشاره

تربیت دینی جوانان، همیشه یکی از موضوع‌های مورد توجه در همه جوامع بوده است؛ هر چند ممکن است در مورد ارزش‌های مورد نظر و گستره آنها و همچنین، چگونگی ارائه و انتقال آنها به نسل‌های بعدی، دیدگاه‌های متفاوتی وجود داشته باشد. در چند دهه اخیر و با توسعه فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی و جهانی شدن، اهمیت گسترش فرهنگ دینی بومی در مدارس و مساجد، مورد توجه متخصصان حوزه‌های علوم تربیتی و نخبگان دینی قرار گرفته است. شاید در مورد اهمیت تربیت دینی و پرداختن به آن در مدارس، مطالعات زیادی صورت گرفته باشد؛ اما باید گفت که پرداختن به نقش مساجد در احیای فرهنگ دینی نیز، اهمیت و ضرورت لازم را دارد. مسجد، یکی از مهم‌ترین مراکز گردهمایی مسلمانان است و در همه جوامع اسلامی به وفور یافت می‌شود. تعداد بسیار زیاد مساجد و شأن دینی آنها پتانسیل فرهنگی قابل ملاحظه‌ای در اختیار جوامع مسلمان قرار داده است که چشم پوشی از آن، لطمه‌های جبران‌ناپذیری بر پیکره جامعه وارد می‌کند. در این نوشتار، می‌کوشیم پیوند میان مسجد و تربیت دینی را بیابیم و پتانسیل‌های مسجد را در عرصه تربیت دینی بیان کنیم.

« مفهوم‌شناسی مسجد و تربیت

مسجد، واژه‌ای عربی و اسم مکان از ریشه ثلاثی مجرد «سجد» است. معنای لغوی آن، سجده گاه و عبادتگاه است و در اصطلاح به مکان معینی اطلاق می‌شود که برای اقامه نماز وقف شده باشد. در فرهنگ دینی، نام «مسجد» یادآور بندگی و کرنش در پیشگاه خداوند متعال است. مسجد، به معنی جایگاه سجده است و در مورد سجده، در روایات آمده است: «السُّجُودُ مُنْتَهَى الْعِبَادَةِ مِنْ بَنِي آدَمَ؛ سجده، اوج بندگی انسان در برابر خداست».^۱ در حقیقت، برترین و اصیل‌ترین محلّ برای عبادت و تقرب‌جستن به خداوند متعال، مسجد است. بنابراین، قرآن کریم بر جنبه‌های عبادی مسجد، بیش از هر بعد دیگری تکیه کرده است. مسجد، جایگاه عبادت و پرستش خالصانه خداوند است؛ قرآن می‌فرماید: «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا؛ و مساجد ویژه خداست؛ پس، هیچ کس را با خدا مخوانید».^۲ مسجد، جایگاه زمزمه و نجوای صادقانه با معبود است.

«قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ، وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ، بگو پروردگرم [مرا] به دادگری فرمان داده است و [اینکه] در هر مسجدی، روی خود را مستقیم [به سوی قبله] کنید و در حالی که دین خود را برای او خالص گردانیده‌اید، وی را بخوانید؛ همان گونه که شما را پدید آورد، [به سوی او] برمی‌گردید».^۳

مسجد، پایگاه عروج انسان از خاک به افلاک است. قرآن می‌فرماید: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ؛ پاک و منزّه است آن [خدایی] که بنده‌اش را یک شب، از مسجد الحرام به سوی مسجد الأقصى - که پیرامون آن را برکت داده‌ایم - سیر داد تا از نشانه‌های خود به او بنمایاند؛ چرا که او شنوا و بیناست».^۴

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۱۶۴.

۲. جن، آیه ۱۸.

۳. اعراف، آیه ۲۹.

۴. اسراء، آیه ۱.

شناخت مفهوم «تربیت دینی» به شناخت معنای دو کلمه «تربیت» و «دین» وابسته است. از این رو، لازم است به معانی این دو واژه نیز اشاره کنیم. ریشه لغوی تربیت، واژه «ربو» است که به معنای زیاد شدن و افزایش است. بنابراین، معنای لغوی واژه تربیت، رشد، نمو، برتر نهادن، زیاد کردن، پروردن، بزرگ داشتن و ارزنده ساختن و به عبارتی مهیا کردن زمینه افزایش و پرورش است. تربیت، در اصطلاح، عبارت است از فراهم آوردن زمینه‌ها و عوامل به فعلیت رسانیدن یا شکوفا کردن استعدادهای انسان در مسیر رشد و تکامل اختیاری او به سوی اهداف مطلوب.

در زبان انگلیسی، واژه Education را معادل تربیت قرار داده‌اند. امروز، Education چهار معنای عمده دارد که برخی از این معانی در زبان فارسی کاربرد نداشته‌اند؛ اما پس از شکوفایی دانش و فن ترجمه، استفاده شدند و بار معنایی جدیدی گرفتند. به گفته شکوهی، چهار معنای عمده تربیت عبارت‌اند از:

۱. تربیت به معنای مؤسسه و نهاد آموزشی؛
 ۲. تربیت به معنای محتوا و برنامه آموزشی؛
 ۳. تربیت به معنای عمل و جریانی که در حیات انسان به چشم می‌خورد؛
 ۴. تربیت به معنای محصول و نتیجه تربیت.
- تربیت، به معنای سوّم، فرآیندی پیچیده و دارای جنبه‌های گوناگون است. می‌توان گفت که تربیت به این معنا، یعنی تأثیری که نسل‌های بزرگسال بر نسل‌هایی می‌گذارند که هنوز برای زندگی اجتماعی آماده نشده‌اند.

۱. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه «تربیت».

« مفهوم دین و تربیت دینی

در آیه ۲۷ سوره روم، چنین آمده است: دین، جز قانون زندگی و راهی که انسان باید برای رسیدن به سعادت بپیماید، نیست و هدف نهایی انسان، همان رسیدن به سعادت است. واژه دین، از مفاهیمی است که همواره در میدان آراء و نظریات گوناگون صاحب نظران قرار داشته است و توافقی مشترک درباره آن وجود ندارد. حتی عده‌ای از محققان آن را تعریف‌ناپذیر می‌دانند؛ زیرا قدمت دین به درازای عمر انسان است و در شکل‌های گوناگون، از ابتدایی‌ترین صورت تا صورت متعالی و جامع، در جوامع گوناگون تبلور یافته است.

علامه طباطبائی، دین را روش یا سنت اجتماعی تعریف می‌کند. وی دین را، راه زندگی می‌داند که آدمی در دنیا به ناچار آن را می‌پیماید. آیت‌الله جوادی آملی، دین را مجموعه‌ای از عقاید، اخلاق و قوانینی می‌داند که برای اداره جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها ضروری است. برای انسان، دین موهبتی است که او را به فلسفه حیات مسلح می‌کند و نیازها و خواسته‌های بنیادی روانی، به‌ویژه نیاز به عشق و جاودانگی، را تحقق می‌بخشد. باورهای دینی، همواره طی تاریخ بشر، با او همراه بوده‌اند و در هیچ دوره‌ای، بشر بدون اعتقادهای دینی نبوده است.^۱ با توجه به تعاریف تربیت و دین، تربیت دینی عبارتست از فرآیندی دوسویه میان مربی و متربی که طی آن مربی با بهره‌گیری از مجموعه باورها، قوانین و آموزه‌های دینی می‌کوشد تا شرایطی فراهم کند که متربی، آزادانه در جهت رشد و شکوفایی استعدادهای خود گام بردارد و به سوی هدف‌های مطلوب دینی رهنمون شود و بر اساس اهداف و ارزش‌های دینی تربیت گردد. به دیگر سخن، می‌توان گفت که «تربیت دینی» فرآیندی است که از طریق اعطای بینش و التزام قلبی و عملی به فرد، هماهنگ با فطرت او و به دور از جبر و فشار، برای نیل به سعادت دنیوی و اخروی انجام می‌گیرد.

به اعتقاد برخی اندیشمندان، تربیت دینی، در فرد تغییر نگرش ایجاد می‌کند و نگرش او را به خودش، هستی، هدف نهایی و ماورای طبیعت تغییر می‌دهد و

۱. شریفی و همکاران، رابطه نگرش دینی با افسردگی، اضطراب و پرخاشگری در دانشجویان دانشگاه آزاد اهواز.

رفتارهای او را نیز جهت می‌دهد. ایشان، باور دارند که دانستن دین و آموزه‌های دینی با تربیت دینی برابر نیست؛ بلکه فقط زمانی آموزه‌های دینی، تربیت دینی نام می‌گیرند که سبب شکل‌گیری نگرش شوند و در فرد، چشم‌انداز یا بینش شناختی ایجاد کنند. به عبارت دیگر، تربیت دینی، تربیت بر اساس آموزه‌های دینی است که به دینداری ختم می‌شود و شکوفایی دینی را در بر دارد. هدف از تربیت دینی، ایجاد، تقویت و پرورش روح تقوا و هدایت‌پذیری است.^۱

^۱ . پورعلی فرد، محمدمهدی، نکته‌هایی درباره روش تربیت دینی نسل جوان و نوجوان.

« نقش و اهمیت مسجد در اسلام

مسجد، زمینه عبادت پر حضور و خالصانه را فراهم می‌کند. در مسجد، مؤمنان با پرداختن به نماز، ذکر و دعا زنگار غفلت از دل و جان می‌شویند و با خداوند متعال انس می‌گیرند. ابعاد تربیتی مسجد با ابعاد عبادی آن مرتبط است؛ زیرا عبادت، پرورش‌دهنده روح و روان آدمی است و در واقع، پاسخ به آن، پاسخ به نیازی طبیعی و مهم است. کسی که نیازهای جسمی و روانی خود را منطقی پاسخ گوید، شخصیتی متعادل می‌یابد. عبادت و راز و نیاز با خداوند، نیاز واقعی و فطری هر انسان است و شخصیت او را پرورش می‌دهد. گرچه عبادت در هر مکانی، این نیاز روحی را به طور نسبی تأمین می‌کند؛ ولی این نیاز، در مسجد و عبادتگاه، بهتر و کامل‌تر تأمین می‌شود. انسان، بنا به فطرت خویش، معبد و مسجد را دوست دارد و بدان عشق می‌ورزد. پژوهش‌های تاریخی نشان می‌دهد که معبد، با انسان همراه و همزاد بوده است. از این رو، ائمه در سخنان خویش، مسجد را آشیانه و پناهگاه مؤمن برشمرده‌اند؛^۱ پناهگاهی که انسان در آن، از دغدغه و اضطراب فاصله می‌گیرد و به آرامش و سکون دست می‌یابد.

امام صادق (علیه السلام) به مسلمانان سفارش می‌کند که هنگام رویارویی با مشکلات و اندوه‌های دنیوی، به نماز و مسجد پناه ببرند. به این دلیل، جنبه‌های عبادی مسجد را می‌توان در شمار نقش تربیتی آن نیز به حساب آورد.

مسجد، با ایجاد پیوند میان مؤمنان و نخبگان و صالحان جامعه، بستری مناسب برای پرورش و تربیت روحی و اجتماعی آنها فراهم می‌کند. در مکتب تربیتی اسلام، «انزواطلبی» و «جمع‌گریزی»، بیماری روحی تلقی می‌شود؛ در حالی که اجتماعی بودن و جمع‌گرایی - در حدّ معقول - نشانه سلامت روح و روان انسان و تعادل فکری اوست. مسجد، با فراخواندن پیوسته مسلمانان به جمع، روح جمع‌گرایی، انعطاف‌پذیری و نظم‌پذیری را در آنان تقویت می‌کند. افزون بر آنچه گذشت، مسجد، به طور معمول، جایگاه طرح مشکلات و مباحث اجتماعی است و با حضور در چنین مکانی، روح تعهد و دردمندی در فرد ایجاد می‌شود.

۱. العاملی، الحر، وسائل‌الشیعه، ج ۵، ص ۲۶۳، باب ۳۱ از ابواب بقیه الصلوات المندوبه، روایت ۳.

مسجد، کانون رایزنی و مشورت است. خداوند متعال، پیامبر خویش را فرمان داده است تا در کارهای مهم با مردم مشورت کند: «و شاورهم فی الأمر». مسجد، پایگاهی است که رسیدن به این مهم را عملی می‌سازد. بر این اساس، نویسندگانی که مسجد را «مجلس شورای مسلمانان» نام نهاده‌اند، سخنی گزاف نگفته‌اند. رسم مسلمانان در زمان پیامبر ﷺ این بود که هر گاه حادثه‌ای مهم رخ می‌داد، منادی ندا می‌داد: «الصلاة جامعة»؛ یعنی برای نماز در مسجد جمع شوید. این جمله برای مردم آن زمان، معنایی خاص داشت. مسلمانان از این ندا می‌فهمیدند که یک امر الهی مطرح است. ابن سعد در «الطبقات الکبری» به نقل از سعید بن مسیب گفته است: «پیش از تشریح اذان، مردم را با ندای «الصلاة جامعة»، به مسجد و نماز جماعت فرامی‌خواندند. پس از آن که اذان تشریح شد، با جمله مزبور، مردم را در غیر اوقات نماز، برای کارهای مهم به مسجد فرامی‌خواندند».^۲

شواهد گویایی نشان می‌دهد که مسلمانان حتی در خصوص مسائل نظامی نیز در مسجد به مشورت می‌پرداختند. مسجد، خانه‌آشنایی با دردها و مشکلات اجتماعی و چاره‌اندیشی برای رفع آنها است.

امام خمینی رحمته الله علیه در گفتاری به این نقش مسجد تأکید کرده‌اند و فرموده‌اند: «این مسجد الحرام و مساجد در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، مرکز جنگ‌ها و سیاست‌ها و مرکز امور اجتماعی و سیاسی بود. این طور نبوده است که در مسجد پیغمبر، همان مسائل عبادی نماز و روزه باشد؛ مسائل سیاسی‌اش بیشتر بود. اسلام می‌خواهد که مردم آگاهانه برای مصالح خودشان و برای مصالح مسلمین در آنجا فعالیت کنند».^۳

مسجد، پایگاه عمومی مسلمانان و محل حضور قشرهای گوناگون است. از این رو، جایگاه مناسبی برای تعاون اجتماعی مسلمانان و مشارکت آنان در رفع نارسایی‌های اجتماعی است. مسجد، در جایگاه اصیل خود، الگوی ارزش‌گذاری

۱. آل عمران، آیه ۱۵۹.

۲. ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۴۶.

۳. امام خمینی رحمته الله علیه، صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۶۷.

است؛ ارزش‌های فراموش‌شده، در مسجد مطرح می‌شود. در مسجد پیامبر ﷺ گاهی کسانی یافت می‌شدند که نه تنها از جهاد و ایثار بویی نبرده بودند، بلکه از راه‌های گوناگون، نفاق و دودستگی را در جامعه ترویج می‌دادند و به طور عملی با پیامبر ﷺ رویارویی می‌کردند؛ اما با این حال انتظار داشتند در مسجد جایگاهی والا داشته باشند.

مرحوم طبرسی در تفسیر خود می‌نویسد: عده‌ای از «مؤلفه قلوبهم»^۱ نزد پیامبر ﷺ آمدند و درخواست کردند که ایشان در بالای مجلس بنشینند و فقیران و خرجه پوشانی مانند سلمان، ابوذر، صهیب، عمار و خباب را از خود دور کنند تا خودشان کنار پیامبرشان باشند؛ زیرا حضور این افراد و همنشینی آنها با رسول خدا ﷺ مانع از شرکتشان در محضر پیامبر ﷺ و همنشینی با ایشان می‌شد. با مطرح شدن این درخواست، آیه ۲۸ سوره کهف نازل شد:

«وَ اصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تَطِعْ مَنْ اغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ وَ كَانَ امْرُهُ قُرْطًا؛ خویش را شکیبا ساز با آنان که پروردگار خود را صبحگاهان و شبانگاهان می‌خوانند و رضای او را می‌طلبند و یک لحظه از آنان چشم‌پوش که به زینت‌های دنیا مایل شوی و هرگز از آنان که دل‌هایشان را از یاد خود غافل کردیم و تابع هوای نفس شدند و به تبه‌کاری پرداختند، متابعت مکن».^۲

از دیگر جنبه‌هایی که به نقش مسجد در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی مربوط می‌شود، نقشی است که این نهاد مقدس در گسترش عدالت در ابعاد گوناگون آن و مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی ایفا می‌کند. از زمانی که پیامبر ﷺ مسجد را بنا نهادند، همواره آنان که مورد تعدی و ستم قرار می‌گرفتند، به مسجد پناه می‌بردند و داد مظلومان از ظالمان، در مسجد ستانده می‌شد. قضاوت‌های امیرالمؤمنین (علیه السلام) در «دکه القضاء» مسجد کوفه در امتداد همین نقش مسجد

۱. عبارت شریف «مؤلفه قلوبهم»، با توجه به سیره رسول خدا ﷺ و از آیه ۶۰ سوره توبه اخذ شده است. این آیه، مواردی را بر می‌شمارد که بخشی از درآمدهای دولت اسلامی، یعنی صدقات واجب (زکات) برای آنها مصرف می‌شود. یکی از آن موارد تألیف قلوب غیرمسلمین و متمایل کردن آنان به اسلام است.

۲. رک: تفسیر مجمع‌البیان، ج ۶، ص ۴۶۵.

بوده است. در بُعد عدالت اجتماعی نیز مسجد، همواره کانون مبارزه با ستم و بی‌عدالتی بوده است. در دوران انقلاب اسلامی، مردم ایران جلوه‌هایی از نقش مسجد را در بعد ستم‌ستیزی آشکارا مشاهده کردند؛ تا آنجا که می‌توان انقلاب اسلامی ایران را «فرزند مسجد» برشمرد.

از دیگر نقش‌های اجتماعی و سیاسی مسجد، کارکرد آن را در پرورش نیروهای متعهدی است که حکومت اسلامی به آنها نیاز دارد؛ زیرا مسجد، بار هدایت فکری و تربیتی نیروهای جامعه را بر دوش دارد. در سایه رفت‌وآمد به مسجد، خلق و خوی‌ها و آداب افراد تا حدّ زیادی هویدا می‌شود. این شناسایی در روابط افراد با یکدیگر سازنده و مؤثر است. حاکمیت اسلامی نیز می‌تواند از این رهگذر نیروهای متعهد و مورد نیاز خود را بشناسد. مسجد، بستر مناسبی برای تحقق امر به معروف و نهی از منکر است؛ زیرا این مکان، مرکز حضور و تجمع نیروهای برگزیده است: «لَا يَأْتِي الْمَسْجِدَ، مِنْ كُلِّ قَبِيلَةٍ إِلَّا وَافِدُهَا وَ مِنْ كُلِّ أَهْلِ بَيْتٍ إِلَّا نَجِيْبُهَا»^۱. در سایه تجمع و انسجامی که مؤمنان در مسجد می‌یابند، می‌توان بهترین گردهمایی مردمی را برای مبارزه با منکرات و مفاسد اجتماعی پی‌ریزی کرد.

مسلمانان، امتی واحد هستند که نظام اسلامی، آنها را بر اساس سوگندی مشترک گردهم آورده است. از این رو، می‌توان گفت مسجد، مرکز اسلام و خانه مسلمانان است و رسول ﷺ صاحب دعوت اسلامی و روشن‌کننده مشعل این وحدت است. او اولین کسی است که مسجد را با چهارچوبی سیاسی، اجتماعی و فکری بنا کرد و آن را مقرّ خویش قرار داد تا مردم به زیارتش مشرف شوند و درباره دین و دنیای خویش از وی سؤال کنند. پیامبر گرامی اسلام ﷺ در نخستین فرصتی که در راه دعوت به اسلام به دست آورد، مسجد را به مثابه پایگاه مهم اجتماعی و تربیتی اسلام بنا کرد و به تعلیم و تربیت مسلمانان پرداخت. پس از ورود به مدینه نیز، اولین اقدام پیامبر ﷺ ساختن مسجد مدینه بود که قرن‌هاست پایگاه مقدّس اجتماعی و تربیتی مسلمانان است.

۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۹۳.

« نقش مسجد و اهمیت آن در تربیت دینی

در دنیایی که هدف و فلسفه زندگی گم شده است و پذیرش حیات پوچ و بیهوده، زمینه ساز پیامدهای نامطلوبی شده است (که به صورت‌های گوناگون در زمینه‌های فردی و اجتماعی بروز می‌کند)، فقط دین و تربیت دینی است که عامل هدایت انسان در مسیر زندگی محسوب می‌شود. افراد بسیاری از شکاف بین نسل‌ها، دین‌گریزی جوانان، بحران هویت دینی و... سخن می‌گویند؛ اما بیان این سخنان و حساسیت‌ها و ایجاد ناامیدی کافی نیست و باید بیشتر از گذشته و جدی‌تر به تربیت دینی درست اقدام نمود. باید فضاهای مساعد برای پرورش حس دینی اقشار مختلف جامعه، به‌ویژه جوانان، را مورد تحلیل قرار داد تا زمینه مطلوب تربیت دینی فراهم شود. یکی از این فضاها، مسجد است. تربیت دینی، فقط با کمک مدرسه صورت نمی‌گیرد؛ در هر جامعه، نهادها و مؤسسه‌های مختلف دینی نیز متولی چنین امر خطیری هستند که از آن جمله می‌توان به مؤسسه‌ها و کانون‌های مذهبی و مسجد نیز اشاره کرد. نقش مسجد، میان محافل دینی برجسته است؛ زیرا در چنین مکانی، صحنه‌های حقیقی دین آشکار می‌شود و وابستگی و گرایش انسان‌ها به مرزهای عقیدتی تذکر داده می‌شود.^۱

مسجد، پایگاه تبلیغ دین و جایگاه دینداران است و همان‌طور که پیش از این نیز گفته شد، یکی از نقش‌های کلیدی مسجد، تبلیغ احکام دین و پرورش انسان‌های مسلمان و معتقد به شریعت اسلام است. شاید بی‌جهت نباشد اگر بگوییم بار عظیمی از تربیت دینی جوانان جامعه را مسجدها بر عهده دارند. تکیه بر مسجد، به دلیل نقش تاریخی این پایگاه در زمینه تعلیم و تربیت، از یک سو اهمیت دارد و از سوی دیگر، جنبه دینی و مذهبی آن نیز، که مطابق با فطرت انسان‌هاست، بسیار مهم است. پایین‌بودن هزینه‌ها، بازدهی زیاد، مقبولیت عمومی و فضای معنوی، باعث می‌شود که مسجدها مناسب‌ترین مکان برای تربیت دینی باشند. حضور فعال نخبگان فرهنگی و عالمان دینی در مسجد و

۱. جعفری‌نژاد، نقش مسجد، در تربیت دینی نسل جوان، ماهنامه مسجد، ش ۸۶.

مدیریت منطقی و کارآمدی آنها، می‌تواند نقش مساجد را در تربیت دینی جامعه برجسته و شکوفا کند؛ از این نظر، برخی از ویژگی‌های تربیت دینی که نخبگان دینی و متولیان تربیتی در مساجد باید از آنها آگاه باشند، عبارت‌اند از:

۱. **تأکید بر انگیزه‌های دینی:** نخستین گام در راه تربیت دینی، تلاش در جهت ایجاد انگیزه‌های درونی در فرد برای گرایش پیدا کردن به دین و دینداری است. برای پیشگیری از آسیب‌ها و اختلالات دینداری در جوانان، الگوی تربیت دینی باید در بطن خود با روان‌شناسی و روان‌درمانی، البته با رویکرد عرفانی، عجین شود.

۲. **تأکید بر ابعاد اخلاقی تربیت دینی:** تربیت دینی اصیل و اصولی، بدون ملاحظه جنبه‌های اخلاقی آن معیوب، عبث و حتی در بسیاری از موارد موجب گمراهی و سردرگمی جوانان جامعه می‌شود.

۳. **نقش عشق و محبت در تربیت دینی:** آنچه امروز در رویکرد حاکم بر تربیت دینی مشاهده می‌شود، تلاش برای انطباق دین، علم و عقلانیت بشری در برنامه‌های مربوط به حوزه دین است که همین نیز این نگرانی را همراه دارد که بسیاری از ابعاد و ارکان اساسی دین، از جمله بُعد زیباشناسی و عاطفی (عشق و محبت دینی)، به نفع تبیین‌ها و توجیه‌های عقلانی-منطقی، قربانی گردند.

۴. **تکیه بر تجربه‌های فردی در قلمرو تربیت دینی:** امروز بلای بزرگی دامن‌گیر تربیت دینی شده است و آن، توجه بیشتر به آموزش‌های نظری دینداری است؛ اما تجربه فردی و احساس قلبی، مهم‌تر از آموزش نظری است و باید تقویت شود.

۵. **نقش معرفتی عبادت:** برداشت معرفتی از عبادت، حکایت از آن دارد که در تربیت دینی نباید به عبادت، فقط از دریچه تکلیف و دستور نگریست. وظیفه نخبگان دینی در مؤسسه‌های دینی و مساجد این است که متریبان را از نقش معرفتی عبادت آگاه کنند.

۶. **تساهل و تسامح در تربیت دینی:** با روش تساهل و تسامح، تأثیر جدی‌تر و عمیق‌تری می‌توان بر دیگران گذاشت. بنابراین، مواجهه مداراجویانه و صلح‌طلبانه

با مخاطبان، یکی از عمده‌ترین روش‌های تربیت دینی عرفانی است. تحقق ویژگی‌های گفته‌شده، نیازمند بسترسازی و برنامه ریزی آموزشی در مساجد است. این برنامه‌ها برتری‌های تربیتی منحصر به فرد دارند. مزایای تربیتی برنامه‌ها و نشست‌های آموزشی مسجد، برای دانش‌آموزان به این شرح است:

۱. شرکت در آنها آزاد است و برای شرکت کردن اجباری در کار نیست. همه کودکان، نوجوانان و جوانان، بدون ملاحظه شغلی و تحصیلی و مالی والدین، بر اساس علاقه و رغبت در فعالیت‌های فوق‌برنامه شرکت می‌کنند و این خود، اصلی تربیتی است.

۲. چون در این نشست‌ها، افراد مختلفی با سنین متفاوت شرکت می‌کنند، اعتماد به نفس و احساس حمایت اجتماعی در جوانان بیشتر می‌شود.

۳. نموده‌های متفاوتی از گردهمایی و چینش افراد در مساجد، برای آموزش فعال می‌توان ایجاد کرد؛ از جمله حلقه‌های درس، جلسه‌های مناظره و جلسه‌های پرسش و پاسخ.

۴. مسجد می‌تواند به اجرا و برگزاری برنامه‌های مکمل آموزشی پردازد؛ از قبیل برگزاری جشن تکلیف، اقامه نمازهای جماعت، برگزاری اردو و بازدید، برگزاری مسابقه‌های فرهنگی-هنری، مانند خطاطی، طراحی، نقاشی، هنرهای دستی و... در ادامه، چند راهکار عملی را برای بهبود عملکرد مسجد و جذب بیشتر کودکان، نوجوانان و جوانان بیان می‌کنیم:

۱. زیباسازی و تقویت مساجد از نظر امکانات ظاهری، مانند رسیدگی به ساختمان مسجد، نظافت و بهبود امکانات گرمایشی و سرمایشی؛

۲. دقت در انتخاب امام جماعت و خادم مناسب برای مسجد؛

۳. تلاش امام جماعت برای رعایت حال نمازگزاران، مانند تنظیم وقت مناسب برای به جا آوردن نمازها با در نظر گرفتن موقعیت افرادی که برای نماز می‌آیند؛

۴. تشکیل و تقویت کتابخانه مناسب مسجد و برگزاری مسابقه‌های کتاب‌خوانی، قصه‌نویسی و خلاصه‌نویسی کتاب؛

۵. بیان آثار معنوی رفتارهای دینی، مانند بیان این مطلب که رفتارهای دینی، موجب دوری انسان از فساد و فحشاست و موجب سلامتی جسمی و روانی انسان‌هاست؛
۶. تشویق و تحسین کودکان و نوجوانان با اعطای جوایز متنوع؛
۷. تشکیل کمیته‌های مختلف، مانند کمیته نماز، تواشیح، سرود، دکلمه، نمایش‌نامه و کمیته پژوهش؛
۸. فراخوان مقاله با موضوع‌های متنوع، مانند خاطره‌های نماز، باورهای مذهبی و موفقیت‌ها، نماز و پرورش اخلاق نیکو، گفت‌وگو با خالق یکتا و بهداشت در دین؛
۹. تشکیل ستاد رفع مشکلات جوانان و معتمدان محلّ از اهل مسجد، برای سامان‌دهی معیشت جوانان، کاریابی، آسان‌سازی ازدواج و غیره؛
۱۰. ایجاد ارتباط عاطفی بین مدرسه و مسجد: اگر مربیان مدارس در کنار دانش‌آموزان در نماز جماعت مساجد حضور یابند و از سوی دیگر، متصدیان امور مساجد رابطه خود را با مدرسه تقویت کنند، فضای مناسبی برای حضور جوانان در مساجد ایجاد خواهد شد.^۱

^۱. جعفری نژاد، نقش مسجد در تربیت دینی نسل جوان، ماهنامه مسجد، ش ۸۶.

« نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت دوره جوانی در رشد ارزش‌ها و برهان پردازی‌های ارزش‌بنیاد مراکز مذهبی، به خصوص مساجد، نقش ارزنده‌ای در زمینه تعلیم و تربیت دینی جوانان در دنیای اسلام دارند. در این میان، نقش مساجد را نمی‌توان در تربیت دینی جوانان ایرانی نادیده گرفت؛ اما درک نقش مسجد در تربیت دینی، مستلزم شناخت متولیان از اصول و ویژگی‌های تربیت دینی است و فقط با تکیه بر کارکردهای عبادی مسجد، نمی‌توان به تربیت دینی جوانان نایل شد. در امر تربیت دینی جوانان مساجد باید متولی برپایی اجتماع‌های سیاسی، توسعه فرهنگ دینی، ایجاد برنامه‌های آموزشی و کانون گفتمان‌های ارزشی و انقلابی باشند. مسجد می‌تواند مکان مشاوره و رسیدگی به گرفتاری‌های روحی، اجتماعی و فکری نوجوانان و جوانان و پایگاه اخلاق باشد. ضمن اینکه از ظریف‌ترین نکات اخلاقی و تربیتی، یعنی تربیت عملی و الگویی، نباید غافل شد. مزیت‌های تربیتی مساجد و راهکارهای تربیتی در این نوشتار ارائه شد؛ اما ذکر این نکته خالی از لطف نیست که درک صبورانه روحیه جوانان به لحاظ عاطفی، ما را با آنها پیوند می‌دهد و امری است که در تربیت دینی آنان، به مربیان کمک شایانی خواهد کرد.

« منابع و مأخذ

- « قرآن کریم.
- « مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ هـ.ق.
- « شیخ حرّ عاملی، محمدحسن، وسائل الشّیعه، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۵ هـ.ش.
- « طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه مترجمان، تحقیق، رضا ستوده، تهران، انتشارات فراهانی، چاپ اول، ۱۳۶۰ هـ.ش.
- « طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۲ هـ.ش.
- « جوادی آملی، عبدالله، شریعت در آینه معرفت، قم، مؤسسه فرهنگی رجاء، ۱۳۷۲ هـ.ش.
- « حمیدی، منصورعلی، شناخت دانش پژوهانه بالندگی در خردسالی و نوجوانی و بزرگسالی، تهران، سوگند، ۱۳۸۷ هـ.ش.
- « پورعلی فرد، محمد مهدی، نکته‌هایی درباره روش تربیت دینی نسل جوان و نوجوان، انتشارات شاکر، ۱۳۸۲ هـ.ش.
- « شریفی، طیبه و همکاران، رابطه نگرش دینی با افسردگی، اضطراب و پرخاشگری در دانشجویان دانشگاه آزاد اهواز، مجله پژوهش‌های تربیتی و روانشناختی دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۵ هـ.ش.
- « شکوهی، غلامحسین، مبانی و اصول آموزش و پرورش، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۲ هـ.ش.
- « کار، رویکردهای تربیت دینی، نظریه‌ها و فلسفه تربیت، نیویورک، ۱۹۹۸.
- « موسوی خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، صحیفه نور، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، ۱۳۵۷ هـ.ش.
- « دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، دانشگاه تهران، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۷۷ ش.
- « جعفری‌نژاد، نقش مسجد، در تربیت دینی نسل جوان، ماهنامه مسجد، ش ۸۶، ۱۳۸۳ هـ.ش.
- « ابن سعد، محمد بن سعد، طبقات الکبری، بیروت، دارالصادر.

عوامل و موانع جذب مردم، به‌ویژه نوجوان و جوانان به مساجد

فاطمه تویسرکانی راوری

چکیده

نوشتار حاضر با ارائه گزارشی درباره پژوهش‌های میدانی انجام شده در مورد موضوع تحقیق، در داخل و خارج کشور، موانع جذب نوجوان و جوانان به مسجد را به موانع فردی، خانوادگی، اجتماعی و امور مربوط به مساجد، دسته‌بندی و در مورد هر یک توضیحاتی را مطرح کرده است. نگارنده در پایان، در مورد چگونگی هدایت نوجوانان و جوانان به سوی مسجد، برنامه‌ریزی در مساجد، تکریم نوجوانان و جوانان، مسئولیت‌سپاری و تشویق آنها مباحثی مطرح نموده و پیشنهادهایی را بیان کرده است.

واژگان کلیدی:

مسجد، نوجوانان و جوانان، موانع و راهکارهای جذب، امام جماعت، هیئت امناء، خادمان مسجد، تکریم، مسئولیت‌سپاری، تشویق.

از صدر اسلام تا امروز مساجد، جایگاه بسیار مهم برای نشر اندیشه‌های ناب اسلامی و تقویت و توسعه آیین پاک محمدی بوده‌اند. از ابتدای شروع نهضت اسلامی در سال ۱۳۴۲ هـ.ش تا زمان پیروزی انقلاب، مساجد تأثیری فراوان در جذب جوانان برای پیوستن به انقلاب داشته و در حقیقت، انقلاب اسلامی از مساجد آغاز و به جامعه کشیده شده است. در دوران جنگ تحمیلی نیز مساجد، پایگاه مهم بسیج مردم و اعزام آنان به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل برای دفاع از انقلاب، اسلام و ایران بودند؛ اما امروز مشاهدات تجربی نشان می‌دهد که حضور در مساجد در قیاس با دوران انقلاب و سال‌های ابتدایی پس از پیروزی انقلاب، کاهش یافته است. در حالی که تعداد مساجد و حتی امکانات موجود در آنها افزایشی چشم‌گیر داشته است. حال این سؤال پیش می‌آید که چرا مساجد خلوت شده است؟ چرا مردم، به خصوص نوجوانان و جوانان از سخنرانی‌ها و کتابخانه‌های مساجد و مراسم دعای آن استقبال پرشوری ندارند؟

البته نباید طرفندهای دشمن و برنامه‌ریزی آنها برای اختلاف بین مساجد و مردم و به‌ویژه نسل جوانان را از نظر دور داشت؛ چرا که آنها به روشنی دریافته‌اند که مساجد از جمله مهم‌ترین پایگاه‌های انقلاب و عاملی مهم در تقویت اندیشه‌های دینی و اسلامی است. از همین مساجد، جوانان سلحشور مؤمن و مسلمان به پا می‌خیزند و بر ضدّ زیاده‌طلبی‌ها و زورگویی‌های ظالمان و مستکبران قیام می‌کنند و حفظ انقلاب اسلامی به زنده بودن و شور و نشاط مساجد بستگی دارد؛ اما این نکته مهم نباید فراموش شود که ما نیز نتوانسته‌ایم برنامه‌های اساسی مبتنی بر روش‌های علمی و هماهنگ با خواسته‌ها و نیازهای نسل نوجوان طراح‌ی و یا شرایط تحقق آنها را فراهم کنیم. در این مقاله سعی شده است ضمن مروری بر تحقیقات انجام شده در این خصوص، عوامل و موانع جذب مردم، به‌ویژه نوجوانان و جوانان به مساجد را مطرح و پیشنهادهایی برای جذب آنان ارائه گردد.

« مروری کوتاه بر تحقیقات انجام شده

سازمان تبلیغات اسلامی در سال ۱۳۷۴ در مطالعه‌ای نظری، به بررسی علل کاهش حضور مردم در مساجد پرداخته است. مبنای نظری این مطالعه، دیدگاه کارکردگرایی است. در این تحقیق - که فاقد هرگونه بررسی تجربی است - از تغییر نیازهای مردم و نداشتن تناسب کارکردهای مسجد با نیازهای فعلی مردم به عنوان علل خلوت بودن مساجد در حال حاضر یاد شده است. همچنین، این سازمان در تحقیقی که در سال ۱۳۷۶ در تهران انجام داده است، به بررسی مسئله حضور جوانان در مسجد، وضع مساجد موجود از دیدگاه جوانان و نگرش جوانان درباره مسجد پرداخته است. این تحقیق که از نوع تحقیقات توصیفی بوده و به روش پیمایشی و با استفاده از پرسش‌نامه بر روی یک نمونه ۶۵۰ نفری، شامل جوانان ۱۵ تا ۲۵ ساله صورت گرفته است. طبق یافته‌های این تحقیق، با افزایش سن و میزان تحصیلات از میزان حضور در مساجد کاسته شده است. در مجموع، میزان رفتن والدین به مسجد بر میزان حضور جوانان تأثیری مثبت دارد و مردان، بیش از زنان در مساجد حضور می‌یابند (۶۶/۶ درصد، برابر ۶۱ درصد). در مجموع، بیش از چهل درصد پاسخ‌گویان به مسجد، نگرشی منفی دارند و به موازات افزایش سطح تحصیلات این نگرش منفی نیز افزایش می‌یابد. صدا و سیمای جمهوری اسلامی در یک نظرسنجی با عنوان «مسجد پایگاه تحقیق و نوسازی معنوی» (۱۳۷۶) به سنجش نگرش جوانان تهرانی درباره مسجد، حضور در مسجد و نارسایی‌های مسجد پرداخته است. این تحقیق که از نوع توصیفی بوده، به روش پیمایشی و با استفاده از پرسش‌نامه بر روی ۶۵۰ نفر جوان تهرانی که به عنوان افراد نمونه انتخاب شده بودند، صورت گرفته است، نتایج این تحقیق حاکی از این است که حدود بیست درصد آنها به ندرت به مسجد می‌روند و سی درصد هیچ‌گاه به مسجد نمی‌روند. همچنین، این تحقیق نشان می‌دهد که با افزایش سطح تحصیلات میزان حضور افراد در مسجد کاهش یافته است. دختران هم کمتر از پسران به مسجد می‌روند. ایوان یازبک و آدبر ثلومیس در سال ۱۹۸۳ میلادی، مطالعه‌ای درباره مساجد در آمریکا انجام داده‌اند. در این

تحقیق که گزارش آن در قالب کتابی با عنوان «گسترش ارزش‌های اسلامی در ایالات متّحده آمریکا» (۱۳۷۱) منتشر شده است، محققان مذکور، فعالیت‌های پنج مسجد از سه ناحیه آمریکا شامل نیویورک، میدوست و سواحل شرقی را مطالعه کرده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بین سن و میزان مشارکت در فعالیت‌های مسجد رابطه‌ای معنادار دیده می‌شود. بدین ترتیب که جوانان، بیشتر از افراد مسن به مسجد می‌روند و همچنین، افراد متأهل بیشتر از مجردین در مسجد حضور می‌یابند.^۱

آقای عباس کردستانی در تحقیقی که با عنوان «عوامل مؤثر بر پایین بودن میزان ارتباط جوانان با مساجد در استان کرمان»، در سال ۱۳۸۲، بر روی یک نمونه نهصد نفری از جوانان شانزده تا ۲۵ سال در ده سال شهر این استان انجام داده، به نتایج جالب توجهی رسیده است.

نتایج توصیفی حاصل از این پژوهش و نهصد پرسش‌نامه معتبر تکمیل شده، نشان می‌دهد که میانگین سنی جمعیت نمونه ۱۹/۵ سال و میانگین میزان تحصیلات ۱۱/۶ سال است. از کل جمعیت نمونه (نهصد نفر) ۱۷/۲ درصد فاقد ارتباط با مسجد هستند. ۶۹ درصد دارای ارتباط پایین (۳۶۵ بار تا ۷۳۰ بار در سال) و فقط ۳/۸ درصد در حدّ بالا (۷۳۱ بار تا ۱۰۹۵ بار در سال) ارتباط داشته‌اند. میانگین میزان حضور سالانه افراد در مسجد ۲۱۷/۶ بار است که با متوسط میزان مورد انتظار، یعنی ۷۳۰ بار در سال، فاصله‌ی فراوانی دارد و بیانگر پایین بودن میزان ارتباط جوانان جمعیت نمونه با مسجد است.

این پژوهشگر در جمع‌بندی خلاصه یافته‌های تحقیق چنین نتیجه می‌گیرد که طبق نتیجه به دست آمده، هرچه افراد نگرش موافق‌تری درباره استفاده‌ی ابزاری از مسجد داشته باشند، میزان ارتباط‌شان با مسجد بیشتر خواهد بود و گرایش دینی عرفی نیز از طریق همین متغیّر و به صورت غیرمستقیم بر میزان ارتباط با مسجد تأثیری مثبت دارد؛ اما در عوض، هرچه دین‌داری فرد جدیدتر باشد،

۱. کردستانی، عباس، عوامل مؤثر بر پایین بودن میزان ارتباط جوانان با مساجد در استان کرمان، فصلنامه پژوهشگران فرهنگ، ص ۱۳۷-۱۳۸.

میزان ارتباط وی با مسجد پایین تر خواهد بود. البته عکس این نتیجه صادق نیست؛ یعنی دین‌داری سنتی، فاقد تأثیر معنادار بر میزان ارتباط با مسجد است. میزان ارتباط با نهادهایی که ما از آنها به نام نهادهای رقیب مسجد یاد می‌کنیم، تأثیری مثبت بر میزان ارتباط فرد با مسجد دارد و در واقع، نوعی رابطه خطی میان این دو برقرار است؛ یعنی نهادهایی همچون حسینیه، نمازخانه، مهدیه و امثال آن به علت آنکه کارکردهایی مشابه مسجد دارند، در جامعه‌پذیری دینی افراد، به‌ویژه جوانان تأثیری انکارناپذیر و ماندگار دارند و همچنین، نتایج تحقیق نشان می‌دهد، هرچه افراد با این نهادها بیشتر ارتباط داشته باشند، میزان حضورشان در مسجد نیز بالاتر خواهد بود. فقدان نهادهای مشابه مسجد، فقط موجب حاضر نشدن افراد در مراسم مذهبی می‌شود؛ اما چنین نیست که اگر فردی به نهادهای مشابه مسجد نمی‌رود، به‌طور حتم به مسجد خواهد رفت. سطح تحصیلات از طریق متغیر نوع دین‌داری - دین‌داری مدرن - بر متغیر وابسته تأثیر گذار است. به این ترتیب که هرچه سطح تحصیلات فرد بالاتر باشد، دین‌داری وی مدرن‌تر خواهد بود و هرچه دین‌داری فرد مدرن‌تر باشد، میزان ارتباط وی با مسجد محدودتر خواهد بود.

این پژوهشگر همچنین در مقایسه نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات پیشین می‌گوید: نتیجه به دست آمده در خصوص تأثیر منفی سطح تحصیلات بر میزان ارتباط با مسجد با نتیجه به دست آمده در تحقیق سازمان تبلیغات اسلامی (۱۳۷۶) هم‌خوانی دارد. طبق تحقیق مذکور، با افزایش سطح تحصیلات، میزان حضور افراد در مسجد رو به کاهش می‌گذارد؛ چون سطح نیازهای آنان بالا می‌رود و مسجد نیازهای آنان را برآورده نمی‌سازد.

نتایج این پژوهش مبین آن است که جو اجتماعی - فرهنگی حاکم بر مساجد باید تغییر پیدا کند تا جوانان رغبت و انگیزه بیشتری برای حضور در این پایگاه‌های معنوی پیدا کنند.

این پژوهشگر معتقد است که تأثیر منفی دین‌داری مدرن بر میزان ارتباط با مسجد، صرف‌نظر از ماهیت فردگرایانه این نوع از دین‌داری از یک سو و محدود

بودن میزان ارتباط جوانان با مساجد از سوی دیگر مؤید این واقعیت است که جو اجتماعی - فرهنگی حاکم بر مساجد، در حال حاضر چندان جوان‌پسند و مدرن نیست و قرائت سنتی و برداشت‌های انحصارگرایانه از دین، سلطه‌ای بارز بر مساجد دارند. معنادار نبودن تأثیر دین‌داری سنتی بر حضور جوانان در مسجد، علت روشن و قاطع برای این برداشت است. البته راه برون رفت از این بن‌بست چنان‌که بسیاری تاکنون پیشنهاد کرده‌اند، تبدیل مساجد به مکان‌هایی برای تحقق فعالیت‌های عرفی جوان‌پسند از قبیل ورزش، رایانه، فیلم و... نیست، بلکه جوانان اگر خواهان بهره‌مندی از چنین خدماتی باشند، به سهولت می‌توانند نیاز خود را در بیرون از مسجد تأمین نمایند. به نظر می‌آید که جاذبه‌های مساجد برای جوانان نه از سنخ جاذبه‌های عرفی، بلکه از نوع جاذبه‌های معنوی هستند که قادرند خلأهای معنوی موجود در زندگی دنیای مدرن را به سادگی پر کنند. البته، اگر جوان این‌گونه جاذبه‌ها را در مسجد پیدا کند، دیگر به سوی مکان‌های نامطمئن نمی‌رود و از همین طریق به مسجد علاقه‌مند می‌شود.^۱ در پژوهش دیگری که در زمینه برخی عوامل جذب جوانان به مسجد و با نظرخواهی از جوانان صورت گرفته، نتایج شایان توجهی به دست آمده است. در این تحقیق عوامل مورد نظر عبارت بودند از: امام جماعت، وضعیت ظاهری مسجد، کتابخانه مسجد، طولانی نشدن نماز جماعت، هیئت امنا و کانون فرهنگی مستقر در مسجد.

نتایج به دست آمده از بین ۴۳۸ نفر از جوانان مذهبی استان کرمان، پس از تجزیه و تحلیل آماری، نشان می‌دهد که اکثر قریب به اتفاق جوانان، وضع ظاهری مسجد (نظافت، ساختمان و امکانات مورد نیاز) را مهم‌ترین عامل جذب خود به مسجد می‌دانند. طولانی نشدن نمازهای جماعت، ویژگی‌های امام جماعت، کتابخانه، کانون‌های فرهنگی و هیئت امنا به ترتیب در درجه بعدی از اهمیت قرار دارند. درجه‌بندی عوامل مزبور از این قرار است:

۱. کردستانی، عباس، عوامل مؤثر بر پایین بودن میزان ارتباط جوانان با مساجد در استان کرمان، فصلنامه پژوهشگران فرهنگ، ص ۱۲۳-۱۷۰.

۱. وضع ظاهری مسجد ۸۱/۱ درصد؛

۲. طولانی نشدن نمازهای جماعت، ۷۲/۲ درصد؛

۳. امام جماعت مسجد، ۶۹/۸ درصد؛

۴. کتابخانه مسجد، ۵۵/۶ درصد؛

۵. فعالیت کانون‌های فرهنگی مساجد، ۵۴ درصد؛

۶. هیئت امنای مسجد، ۳۶/۶ درصد.

موانع و راهکارهای جذب نوجوانان و جوانان به مساجد

با بیان پیشینه برخی تحقیقات انجام شده می‌توان مهم‌ترین موانع جذب نوجوانان و جوانان به مساجد را به شرح زیر دسته‌بندی کرد و در هر زمینه به راهکارهای مناسب توجه کرد:

الف) موانع فردی؛

ب) موانع خانوادگی؛

ج) موانع اجتماعی، شامل جامعه و محیط‌های آموزشی؛

د) موانع مربوط به مساجد.

الف) فردی

افزایش ناموزون جمعیت در دو دهه اخیر مشکلات فراوانی برای جامعه به وجود آورده است. امروز کشور ما یکی از جوان‌ترین کشورهای دنیا، شرایط خاصی دارد. از یک سو، جمعیت جوانان این کشور می‌توانند به عنوان نسلی بالنده، نقشی مهم در رشد و توسعه کشور ایفا کنند و از سوی دیگر ناتوانی در تأمین شرایط مناسب می‌تواند خسارات سنگین و جبران‌ناپذیری بر پیکره کشور وارد کند.

هرچند تاکنون در عرصه‌های گوناگون موفقیت‌های چشمگیر و ارزشمندی داشته‌ایم، اما باید این واقعیت را بپذیریم که غفلت از نسل جوان هم آسیب‌های فراوانی در ابعاد گوناگون پدید آورده است. اینکه بخش چشم‌گیری از تحصیل‌کردگان جوان ما در مقاطع گوناگون تحصیلی بیکار هستند یا نمی‌توانند

ازدواج کنند و زندگی مناسبی داشته باشند و... تا حدّی موجب سرخوردگی طبقاتی از نسل جوان شده است؛ همین امر سبب شده است که او در مواردی احساس پوچی کند و خود را فردی شکست خورده به حساب آورد و دچار یأس و ناامیدی شود.

جوانان، هرچه را که به صورت بالقوه دارا هستند، تمایل درونی دارند به صورت بالفعل، همان بشوند و استعدادهای درونی خود را شکوفا نمایند که پیامد آن، احساس رشد، بلوغ و سلامت روان خواهد بود. هرچند که ممکن است در این مرحله توفیق چندانی در خودشکوفایی نداشته باشند، اما نیاز این را در خود احساس می‌کنند که از ظرفیتهای و تواناییهای خود بهره‌برداری کامل نمایند و به کمال برسند و هر کاری را به بهترین نحو ممکن انجام دهند.

نوجوان یا جوان که سر تسلیم در برابر هیچ کس فرود نمی‌آورد و بر ضدّ همه قدرت‌ها عصیان می‌کند، در درون متوجه ضعفها و حقارت‌های خود است. عظمت، قدرت و بقا و دوام خود را در مذهب می‌بیند، فلسفه زندگی و حیات خود را در مذهب جست‌وجو می‌کند و آن را برای زندگی خویش می‌یابد. نوجوان می‌خواهد مذهب و مفاهیم مذهبی را خودش با نیروی عقل خود بررسی کند و حقایق را دریابد. بنابراین، بسیاری از شک‌های مذهبی نیز در همین مرحله برای او توصیه می‌شود که با یافتن پاسخ‌های مناسب راه تکامل خود را نیز می‌پیماید.

جوانانی که در زندگی، هدف‌های مشخصی ندارند یا هدف‌های بسیار کوچکی را دنبال می‌کنند، اغلب در تزلزل و ناامنی به سر می‌برند؛ زندگی آنها فاقد ارزش است و به طور دائم در حال افسردگی، یأس و ناامیدی هستند و احساس تنهایی و پوچی و بیچارگی به آنها دست می‌دهد.^۱

این مشکلات و کمبودها از یک سو، سبب اثرپذیری نسل جوان از تبلیغات سوء دشمنان می‌شود و بین آنها، انقلاب و روحانیت فاصله می‌اندازد. به طور طبیعی، این گروه، از مساجد به عنوان پایگاه انقلاب و روحانیت فاصله گرفته‌اند.

۱. خدایاری فرد، محمد، مسائل نوجوانان و جوانان، ص ۳۵.

از سوی دیگر، هم با توجه به نبود شناخت کافی از اسلام و احکام دین و وجود زمینه مناسب در گروهی از افراد جامعه و انقلاب اسلامی، موجب برداشت غلط آنان از دین شده و به انحراف کشیده شده‌اند. وقتی نوجوان یا جوان در محیط‌های گوناگون اجتماع در مقابل شبهات و القائات فکری مکاتب و فلسفه‌ها و افراد گوناگون قرار بگیرد و جواب منطقی و مستدل نیز نداشته باشد، برای حفظ غرورش ناگزیر خود را بیگانه با مذهب معرفی می‌کند و با این روش بر احساس حقارت خود به سبب این ناتوانی‌ها در مقابل دیگران سرپوش می‌گذارد و اندک‌اندک به نفی نمودن مذهب کشیده می‌شود.^۱

ب) موانع خانوادگی

به اعتقاد بسیاری از بزرگان تعلیم و تربیت، «خانواده» نخستین مدرسه‌ای است که انسان در آن درس می‌آموزد و به عنوان نخستین پایگاه آموزش و پرورش و از اساسی‌ترین عوامل در تشکیل شخصیت کودک است.^۲

دکتر غلامعلی افروز چنین عقیده دارد: «غالب رفتارهای انسان بر اساس یادگیری استوار است و نخستین و مهم‌ترین پایگاه یادگیری، کانون خانواده است؛ زیرا خمیرمایه شخصیت انسان در خانواده تکوین می‌یابد و نگرش‌ها، رغبت‌ها، رفتارهای خوشایند و ناخوشایند در برابر پدیده‌های گوناگون از خانه سرچشمه می‌گیرد».^۳

اگر والدین در قالب الگوهای کودک و نوجوان، نگرش مطلوب و مثبتی به مساجد داشته باشند و آموزش دینی فرزندان خود را در قالب وظیفه‌ای اساسی تلقی کنند، به طور قطع، این گونه برخورد تأثیر بسیاری در رفتار کودک و نوجوان خواهد داشت. پدر و مادری که به مسجد می‌روند و فرزندان خویش را از همان دوران کودکی در مجالس و محافل مذهبی همراهی می‌کنند، سبب تقویت احساس پرورش مذهبی در آینده‌سازان جامعه می‌شوند. این کار به صورت

۱. همان، ص ۹۰.

۲. نوایی‌نژاد، شکوه، رفتارهای بهنجار و نابهنجار، ص ۵۲.

۳. افروز، غلامعلی، روش‌های پرورش احساس مذهبی نماز در کودکان و نوجوانان، ص ۱۲.

عادت‌ی مطلوب و پسندیده در می‌آید. در صورت تحقّق سایر شرایط، می‌توان امیدوار بود که فرزندان چنین خانواده‌هایی در آینده افرادی شایسته، با روحیه مذهبی قوی و علاقه‌مند به دین بار بیایند.

استاد شهید مرتضی مطهری، در باره نقش مساجد و مجالس مذهبی در تشویق عبادی کودکان می‌گوید: «بچه را باید در محیط نماز خواندن برد. اگر در جمع نباشد، نماز خواندن جمع را نبیند، به این کار تشویق نمی‌شود؛ چون در اصل حضور در جمع، مشوّق انسان است. آدم بزرگ هم وقتی خودش را در جمع اهل عبادت می‌بیند، روح عبادت بیشتری پیدا می‌کند؛ کودک که بیشتر تحت تأثیر است. متأسّفانه کم رفتن ما به مساجد و مجالس دینی و اینکه کودکان کمتر در مجالس مذهبی شرکت می‌کنند، سبب می‌شود که اینها از ابتدا رغبت به عبادت پیدا نکنند؛ ولی این برای شما (والدین) وظیفه است... باید ما با بچه‌های خودمان برنامه مسجد رفتن داشته باشیم تا بچه‌ها با مساجد و معابد آشنا شوند. ما خودمان که از بچگی با مساجد و معابد آشنا بودیم در این اوضاع و احوال امروز چقدر به مسجد می‌رویم که بچه‌های ما که هفت‌ساله شده‌اند به دبستان و بعد به دبیرستان بعد به دانشگاه رفته‌اند، ولی به هیچ‌وجه پایشان به مساجد نرسیده است، به مسجد بروند... خوب، اینها به اجبار از مسجدها فراری می‌شوند». ^۱ بنابراین، باید این نکته مدنظر باشد که «وقتی انسان عملی را به‌طور مستمر تکرار کرد، به تدریج با آن خو می‌گیرد و حالتی در نفس به وجود می‌آید که در اصطلاح عادت نامیده می‌شود». ^۲

علاوه بر مطالب پیش، نوع برخوردی که خانواده با دین و ایمان به خدا دارند، در نگرش فرزندان مؤثر است. بسیاری از دانشمندان نیز به این موضوع اشاره داشته‌اند، ایمان یکی از ارزش‌های مهم نفسانی است که پرورش آن باید جزو برنامه مربّیان قرار گیرد.

لاک می‌گوید: «کودک از دوران طفولیت باید تصوّرات دقیق و صحیحی از

۱. مطهری، مرتضی، گفتارهای معنوی، ص ۹۹-۱۰۰.

۲. امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، ص ۸۸.

خداوند که نسبت به ما مهربان است و کلیه نیازهای ما را فراهم می‌سازد و در عین نیکی و لطف می‌باشد، داشته باشد. هرگز نباید از خدا و موجودات ناشناخته بترسد. کودک به علت اینکه خدا نسبت به او مهربان است، خدا را دوست خواهد داشت و به زودی یاد خواهد گرفت که دست نیاز به سوی او دراز کند؛ بنابراین، پرورش ایمان و استفاده از آن را باید یکی از شیوه‌های مهم تربیتی محسوب نمود که اولیا و مربیان می‌توانند از آن بهره بگیرند.^۱

همچنین، برخوردی نامناسب و تعصب‌آمیز والدین که بر اساس انس و الفت و دوستی و محبت و همچنین، استدلال منطقی نباشد و نتواند بر اطلاع و آگاهی نوجوانان و جوانان تشنه حقیقت بیفزاید، آنها را در ورطه گمراهی می‌افکند و به بیراهه‌ای می‌کشاند که نهایت آن ضلالت و گمراهی است.

ج) موانع اجتماعی

۱. جامعه

آنچه موانع مشترک جذب جوانان به مساجد، در مدرسه و اجتماع است که در خور توجه و جای تأمل و تعمق و بازنگری است، وجود دوگانگی و تناقض در گفتار و عمل است که در جامعه شاهد اعمال و رفتاری است که مغایر تعالیم اخلاقی و دینی است. از جمله عواملی که بر روی نوجوانان و جوانان تأثیری منفی دارد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱ - ۱) دوستان ناباب و معاشران ناصالح؛

۱ - ۲) آلوده بودن جوّ عمومی حاکم بر جامعه و محیط ناامن فکری و فرهنگی برای جوانان؛

۱ - ۳) کم‌رنگ شدن تدریجی معنویت در جامعه.

^۱ . امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، ص ۳۷.

۲. مدارس و محیط‌های آموزشی

کودکان و نوجوانان بخش چشم‌گیری از عمر خود را در مدارس و محیط‌های آموزشی سپری می‌کنند. مدرسه، دومین محیط تربیتی است که تأثیر بسیاری در آموزش، رشد و شخصیت کودکان دارد. اگر عوامل تربیتی در مدرسه، به شایستگی وظایف خود را انجام دهند، می‌توان به سعادت و پیشرفت جامعه در آینده امیدوار بود. از جمله کارکردهای مدرسه، تربیت مذهبی دانش‌آموزان است. برگزاری کلاس‌های دینی و فرهنگ اسلامی در طول دوران تحصیل، برگزاری نماز جماعت و آموزش‌های دینی در مدارس اگر به نحوی صحیح انجام شود، از جمله تلاش‌های ارزشمندی خواهد بود که می‌توان به اثرگذاری تربیتی آن امیدوار بود. برخلاف تأثیرات مثبتی که این اقدامات بر تقویت روحیه دینی برخی کودکان و نوجوانان داشته است، باز هم با دشواری‌های فراوانی مواجه هستیم. به تعبیر دیگر، مدارس نتوانسته‌اند به شایستگی از عهده این رسالت عظیم برآیند. گاهی اوقات در مدارس و دبیرستان‌ها که تعلیمات دینی و بینش مذهبی و قرآن را آموزش می‌دهند، به سبب تفهیم ناصحیح مطالب یا بی‌صلاحیتی معلم و یا ناتوانی در پاسخ دادن به سؤالات دانش‌آموزان، بدبینی به مذهب در آنها تقویت می‌شود و نوجوان احساس می‌کند که درس دینی را خوانده و خوب فهمیده، اما چیزی نداشته است که او را جلب و جذب نماید و به درد زندگی او بخورد، و در اصل، دین و مذهب آرام‌بخش درون نیست و روح و فکر را به تعالی نمی‌رساند و پیاده کردن آن عملی نیست و اگر هم عملی باشد داروی مخدر است و انسان‌ها را تخدیر می‌کند و از حرکت و رفتن و جریان داشتن باز می‌دارد و به سکون و رکود و پوسیدن و بلکه به عقب برمی‌گرداند. به این دلیل است که او از چنین مذهبی رویگردان است و بر ضد آن طغیان می‌کند و رسالت ریشه‌کن کردن مذهب را نیز به دوش می‌گیرد و از مسجد در قالب پایگاه دین دوری می‌کند.^۱ اگر مدارس ما در تفهیم دین و تربیت دینی، توفیق لازم را به دست آورده بودند، این تأثیر را در سطح اجتماع هم شاهد بودیم و حضور دانش‌آموزان و جوانان در

۱. خدایاری فرد، محمد، مسائل نوجوانان و جوانان، ص ۹۱.

مساجد در سطح گسترده می‌توانست گویای آن باشد؛ ولی متأسفانه واقع امر غیر از این است. ارتباط مساجد و مدارس بسیار کم‌رنگ است. اگر پیوند عمیق بین این دو نهاد آموزشی و تربیتی برقرار بود، امروز شاهد اوضاع بهتری بود.

د) عوامل مربوط به مساجد

۱. امام جماعت

امام جماعت در هر مسجد عامل مهم در پیشرفت و ترقی مسجد به شمار می‌رود و چنانچه شرایط داشته لازم باشد، تأثیری بسزا در تحولات مثبت در جوانان و در نتیجه گرایش آنان به مساجد خواهد داشت. مهم‌ترین ویژگی‌های امام جماعت عبارت‌اند از:^۱

- ثابت بودن؛
- ابتکار و خلاقیت؛
- توانایی جسمی؛
- توانایی علمی و دارا بودن دانش لازم؛
- دوستی با جوانان و نوجوانان؛
- نظم؛
- احترام و تواضع؛
- درک موقعیت سنی جوانان؛
- بیان ساده و شیوا؛
- آراستگی ظاهری؛
- (توان) تهیه امکانات مالی.

هرچند همه این ویژگی‌ها، مهم و در جذب جوانان به مسجد مؤثرند، ولی چند مورد از آن به لحاظ اهمیت بیشتر توضیح داده می‌شود:

توانایی علمی

^۱ . رضایی، علی، جایگاه مساجد در فرهنگ دینی، ص ۲۲۱-۲۲۳.

طرز طرح مسائل مذهبی به نوجوانان و جوانان بسیار اهمیت دارد. امام جماعت ضمن احاطه علمی، باید بداند چه مسائلی را در این دوره باید برای نوجوانان و جوانان بیان کند تا از دین زده نشوند و در عین حال، باید آن مسائل را با زندگی تطبیق داد. این موضوعات باید چنان دقیق عرضه شود که آنها احساس کنند امور مذهبی در خور پیاده شدن در زندگی روزمره است و حتی می‌توانند گاهی نیازهای روانی خود را نیز با کمک این امور برطرف نمایند. فقط موعظه کردن کافی نیست، بلکه باید مسائل دینی را با تجربه، علم و عمل توأم کرد.

دوستی با جوانان و نوجوانان

جوان به دوستی نیاز دارد که او را با همه افکار و تمایلات درونی و شور و عشق و حرکت درک کند و پاسخ‌گوی مجهولات و حلال مشکلات و محرم اسرار و مشاور و راهنمایش باشد. جوان به یک چنین فرد دلسوز و مهربانی نیاز دارد. وجود یک چنین یار مهربان و خیرخواه در تکمیل شخصیت و زندگی آینده او تأثیر شایانی خواهد ساخت و در مسائل مذهبی، امام جماعت می‌تواند بهترین دوست و تکیه‌گاه برای آنان باشد.

از جمله معضلات جوانان متدین آن است که دغدغه‌های فراوان معنوی دارند و اگر راهنمایی نشوند، دچار افراط و تفریط و گاهی به انحراف کشیده می‌شوند. اگر مبلغان زمانی را برای این امر اختصاص داده و اعلان کنند که افراد می‌توانند به طور مثال، یک ساعت مانده به غروب آفتاب، هر روز برای مشاوره معنوی، عبادی به صورت فردی یا گروهی بنا بر میل خود به آنها مراجعه کنند، این موضوع می‌تواند ضمن برقراری انس بیشتر با روحانی، زمینه اصلاح حرکت‌های خداجویانه مردم باشد.

برای دست یابی به نتایج مثبت، مبلغ باید ابتدا گوشه شنوا داشته و سنگ صبور باشد و بعد از شنیدن کامل سخنان و شناخت دقیق مشکل، به راهنمایی مردم با توجه به دستورات دینی بپردازد. در مواردی که مبلغ در راهنمایی خود با مشکل مواجه شد، باید به مراجعه‌کننده بگوید من درباره سؤال شما باید مطالعه

کنم و سپس پاسخ شما را بگویم.^۱

درک موقعیت سنی جوانان

در این زمینه امام جماعت باید با توجه به تمایزات فردی افراد، برنامه‌های متناسب با سن آنان داشته باشد و جلساتی در هر هفته یک بار ترتیب دهد تا با دعوت از افراد آگاه و صاحب‌نظر، به سؤالات دینی، مذهبی و اجتماعی نوجوانان در مسجد، پاسخ مناسب داده شود.

از احادیث چنین استفاده می‌شود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نه فقط با کودکان، بلکه با عموم مردم به مقدار عقل و درکشان صحبت می‌کرد و به هنگام معاشرت و سخن گفتن، خودش را در حدّ مستمع تنزل می‌داد و بدین صورت، دلشان را به دست می‌آورد. همین نکته را می‌توان از عوامل نفوذ در دیگران محسوب نمود^۲ که امام جماعت باید به آن توجه داشته باشد. در کنار همه اینها، نقش الگویی امام جماعت را نیز نباید از نظر دور داشت. در مباحث اخلاقی و روان‌شناسی، بر تأثیر الگوها تأکید شده است. همان‌طور که الگوهای ناآگاه، ناتوان، منحرف، شخص را از وادی هدایت به قعر ضلالت می‌کشانند، الگوهای خودساخته و پاک و آگاه تأثیر مطلوبی بر روی نوجوانان و جوانان داشته و آنها را به سوی سعادت رهنمون می‌شوند. برای مثال، وقتی صفت عدالت و دوری از گناه و پاکی و تعهد، باید از شرایط امام جماعت باشد، روشن است که جامعه و جمع اقتداکننده را نیز در این مسیر، حرکت می‌دهد و ملاک‌های تقدّم در کارها و مسئولیت‌ها، آنها می‌شود.^۳

۲. هیئت امنای

هیئت امنای مسجد به صورت ارکان اصلی برنامه‌ریزی در مساجد، نقشی بسیار مؤثر در ایجاد زمینه مناسب برای جذب مردم، به‌ویژه نوجوانان و جوانان دارند.

۱. نبوی، محمدحسن، فعالیت‌های فرهنگی مساجد، فصلنامه مبلغان، ص ۶ و ۷.

۲. امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، ص ۳۰.

۳. قرائتی، محسن، راز نماز برای جوانان، ص ۱۰۲.

اگر هیئت امنای سیاست‌های درست و اصولی اتخاذ کنند و در مسیر صحیح پیش بروند، می‌توانند با هماهنگی سایر عوامل، مسجد را به پایگاه مستحکم اعتقادی و فرهنگی تبدیل کنند.

هیئت امنای و مسئولان و دست‌اندرکاران باید بدانند این مکان که پایگاه امید و توجه‌بندگان خداست؛ عنوان، سمت و ریاست نمی‌پذیرد. هر آنچه هست، خدمت‌گزاری است و بر این خدمت‌گزاری باید افتخار نمود. همه مردم را باید با دید محبت‌نگریست و با آغوش باز از ایشان استقبال کرد و مشکلات آنان را با نهایت دقت و قدرت و احساس محبت انجام داد. اگر این دیدگاه بر مساجد حاکم باشد، بسیاری از مشکلات برطرف خواهد شد.

هیئت امنای باید با در نظر گرفتن همه جهات کار و دوراندیشی و برنامه‌ریزی، مساجد را به کانون‌های عبادت و بندگی و مراکز آموزش احکام الهی و معارف اسلامی و حرکت و جنبش در مسیر سعادت جامعه مبدل سازند.

خداوند در آیه ۳۴ سوره انفال می‌فرماید: «إِنْ أَوْلِيَاؤُهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ؛ کسانی حق سرپرستی مسجدالحرام را دارند که مؤحد و پرهیزگار باشند». این آیه شریف به موضوع بحث اشاره دارد؛ اگرچه این حکم درباره مسجدالحرام گفته شده است، ولی شامل همه کانون‌های دینی و مساجد و مراکز مذهبی می‌شود. «متولیان» و «متصدیان» آنان باید از پاک‌ترین و پرهیزکارترین و فعال‌ترین مردم باشند که این کانون‌ها را پاک و زنده و مرکز تعلیم و تربیت و بیداری و آگاهی قرار دهند. به عبارت دیگر، نباید افرادی ناآگاه، ناتوان و متعصب و آلوده متولی آن باشند که این مرکز را به مکان‌هایی تبدیل کنند که اندیشه‌ها را ساکت و راکد نگه دارد و موجب بیگانگی از حق و دوری نوجوانان و جوانان از اسلام گردد.

۳. خادمان مسجد

این نکته مهم را باید پذیرفت که همه عوامل و دست‌اندرکاران مساجد در جذب یا دفع جوانان مؤثرند. هر چند شاید در ظاهر به این موضوع توجهی نشود و به طور مثال، نقش خادمان مساجد نادیده گرفته شود. تجربه نشان داده است

که خادمان مساجد به طور معمول، افراد میان سال و سالخورده‌ای هستند که برخی هم در خصوص مسئولیت خود، تعصبی خاص دارند. آنان برخلاف اینکه در اجرای پاره‌ای وظایف خود، به شایستگی عمل می‌کنند، در مواردی نیز به سبب ناآگاهی از مسائل تربیتی و تغییرات و شرایط روز جامعه، فضایی را پدید آورده‌اند که موجب دلزدگی نوجوانان و جوانان شده و آنان را از رفتن به مساجد باز می‌دارند.

جالب است که حتی برخی از خادمان در مواردی، برخلاف نظر هیئت امنای و حتی امام جماعت مسجد عمل می‌کنند. یک کار پژوهشی گسترده می‌تواند صحت یا سقم این موضوع را روشن کند. به عنوان نمونه، هیئت امنای یکی از مساجد تصمیم می‌گیرند پس از احداث ساختمان اصلی یکی از مساجد، ساختمان موقت قبلی را به محل ورزشی تبدیل کنند. روشن است که با استقرار چند میز تنیس و پاره‌ای امکانات دیگر، زمینه جذب شمار چشم‌گیری از نوجوانان و جوانان پدید می‌آید و به طور معمول، این افراد دو ساعت مانده به اذان در مسجد و پس از ورزش در مراسم نماز جماعت هم شرکت می‌کردند و در سایر فعالیت‌ها هم مشارکت بیشتری داشتند.

یکی از اعضای هیئت امنای می‌گوید: «یک روز اطلاع دادند که دیگر کسی اجازه بازی در مسجد ندارد و وقتی موضوع را بررسی کردیم؛ دیدیم خادم مسجد تمام وسایل ورزشی را جمع کرده و در گوشه‌ای روی هم گذاشته است و فقط جمله‌ای که در پاسخ هیئت امنای گفته این بوده است که من حوصله سر و کله زدن با بچه‌ها را ندارم!» بنابراین، باید در انتخاب و گزینش خادمان مساجد با دقت بیشتری عمل کرد.

«خادمان باید در سنینی باشند که از شور و نشاط لازم برخوردار باشند و روحیه برخورد با تمام طبقات اجتماع را بروز دهند؛ چرا که خستگی روحی و پیری خادم بر اعصاب و روان او تأثیر می‌گذارد. از این‌رو، شایستگی لازم برای اداره مساجد را ندارد و باعث گریز نوجوانان و جوانان از مسجد می‌شود»^۱.

۱. رضایی، علی، جایگاه مساجد در فرهنگ دینی، ص ۲۴۱.

۴. یکی از موانع جذب افراد و به ویژه جوانان به مساجد، نامناسب بودن فضای فیزیکی و ظاهری مساجد و رعایت نکردن بهداشت و نظافت این مکان‌های مقدّس است. انسان به طور طبیعی، به سوی پاکیزگی و زیبایی تمایل فراوان دارند. فضای زیبا و مناسب می‌تواند در جذب افراد مؤثر واقع شود. در اسلام بر ساخت مساجدی که بیانگر عظمت و شکوه اسلام باشند، تأکید شده است و بر ارتفاع و برافراشتگی مسجد اجازه داده یا توصیه شده است؛ آنجا که می‌فرماید: «فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ»^۱.

همچنین، مسئله دیگری که به طور عملی در کلیه مساجد مراعات نشده است و وجه امتیازی در مقایسه با کلیسا و معابد ادیان دیگر است، روشنایی و دل‌بازی مسجد به طرف آسمان و طبیعت است. نور آفتاب و روشن بودن مکان، مؤید پاکیزگی است. به علاوه، طبق تشبیه مکرر قرآن که نور و ظلمت را معرّف و هم‌تراز با هدایت و ضلالت می‌آورد و روشنایی تناسب و تأثیر ذهنی در جهت بینایی و هدایت‌خواهی دارد. به علاوه، قرآن خود را کتابی روشن آشکار و بی‌ابهام و کژی معرفی می‌نماید.

بهداشت و نظافت مساجد از جمله مواردی است که باید همواره مدنظر قرار گیرد. در قرآن، علاوه بر شرایط اساسی و اصولی، به بعضی شرایط به اصطلاح فنی یا فرعی نیز اشاره شده است و مهم‌تر از همه، طهارت و پاکیزگی است. آیه ۱۲۵ سوره بقره در تأکید این مطلب می‌فرماید: «وَعَهْدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ».

مساجد ما متأسفانه مظهر خلاف آن است؛ بوی مستراح، هر عابری را که از کنار آن می‌گذرد، مشمئز می‌کند؛ بوی پا و جوراب و لباس کهنه که به استقبال واردشوندگان می‌آید، طردشان می‌نماید؛ بو و دود سیگار که بدتر از قهوه‌خانه‌ها فضای مسجد را پر می‌کند، مشکلاتی که برای وضو گرفتن و تطهیر وجود دارد و فرش‌هایی که به واسطه پشمی بودن و سنگینی، مواد چربی و کثافات را در خود نگاه می‌دارد و شست‌وشو و تعویض آن مشکل است. بنابراین، هر قدر

۱. نوره، آیه ۳۶.

ساختمان مسجد، برای نظافت و روشنائی (که عاملی برای دفع کثافات است) و تهویه دائم مساعد باشد، عمل صحیحی انجام شده است. در اسلام بر مراعات بهداشت و پاکیزگی تأکید فراوان شده است. به‌طور طبیعی، نظافت و بهداشت مسجد از اهمیتی ویژه برخوردار است. احادیث و روایات نیز بیانگر این اهمیت است.

در احادیث آمده است: «مَنْ كَسَسَ الْمَسْجِدَ يَوْمَ الْخَمِيسِ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ فَأَخْرَجَ مِنْهُ التُّرَابَ قَدْرَ مَا يُدْرَقُ فِي الْعَيْنِ، غُفِرَ لَهُ؛ هر کس در شب جمعه، مسجد را به اندازه خاکی که ممکن است در چشم برود، جارو کند، خدا گناهش را می‌آمرزد»^۱.

چگونه می‌توان نوجوانان و جوانان را به سوی مسجد هدایت کرد؟

اکنون، این سؤال پیش می‌آید که چگونه می‌توان نوجوانان و جوانان را به سوی مسجد هدایت کرد؟ با توجه به روحیات حساس این گروه، چه نکات مهمی باید مدنظر قرار گیرد؟

نوجوانان، از هر ملت و نژاد، به‌طور فطری خواهان معرفت الهی و سجایای اخلاقی هستند. این خواهش عمیق و طبیعی سبب شده است که دانشمندان روان، دوران بلوغ را سنین ماورای طبیعت بنامند و در مباحث روان‌شناسی جوان، به‌طور مستقل درباره آن گفت‌وگو کنند. تمایل فطری جوانان به مذهب آن قدر شدید است که همه روان‌شناسان می‌گویند: بین بحران تکلیف و جهش‌های مذهبی، ارتباط انکارناپذیری دیده می‌شود؛ حتی کودکانی که در خانواده‌های دور از مذهب و ایمان پرورش یافته‌اند، در دوران بلوغ علاقه بیشتری از خود به مسائل مذهبی نشان می‌دهند»^۲.

استانلی هال معتقد است که نوجوانان در حدود پانزده سالگی حداکثر احساسات دینی را دارا هستند؛ زیرا با گرایش به طرف دین و اعتقادات مذهبی، می‌خواهند تلاطم نابسامانی‌های خود را کاهش دهند»^۳.

۱. بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۳۸۵، ح ۶۱.

۲. فلسفی، محمدتقی، جوان از نظر عقل و احساسات، ص ۳۳۷.

۳. خدایاری فرد، محمد، مسائل نوجوانان و جوانان، ص ۳۴.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود مذهب، عامل آرامش دل و رضای روح است و فرد را از تشویش‌ها، اضطراب‌ها و ترس‌ها نجات می‌دهد. فردی که در درون، متوجه ضعف‌ها و حقارت‌های خود است، عظمت یا قدرت و دوام خود را در مذهب می‌بیند و فلسفه زندگی و حیات خود را در مذهب جست‌وجو می‌کند و در آن، معنایی برای زندگی خویش می‌یابد.^۱

دکتر محمد رضا شرفی چنین عقیده دارد: «در دوران بلوغ، نوجوان، توجهش به مسائل ماوراءالطبیعی بیشتر می‌شود و علاقه‌مند است که درباره آن سوی پرده طبیعت آگاهی یابد و افکارش از پوسته هستی بگذرد و آن را بشکافد و از دنیای معنویات، جهان آخرت، ایده‌آل‌های اخلاقی و زهدگرایی، با خبر شود. از نظر قلبی و احساسی نیز تمایل او به زیبایی‌های معنوی برانگیخته می‌شود و مصداق کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله واقع شود. آن حضرت روزی در سخنان خود فرمودند که جوانان قلبی فضیلت‌پذیر و دلی رقیق‌تر و حساس‌تر دارند. خداوند مرا به پیامبری برانگیخت تا مردم را به رحمت الهی بشارت دهم و از عذاب الهی بترسانم. جوانان و نوجوانان سخنان مرا پذیرفتند و با من پیمان محبت بستند؛ ولی پیران از قول دعوت‌م سرباز زدند و به مخالفت با من برخاستند. آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله به آیه‌ای از قرآن اشاره کرد و درباره مردم کهن سال که مدت زندگی آنها به درازا کشیده و دچار قساوت و سخت‌دلی شده‌اند، سخن گفته است».^۲

حال که نوجوان به واسطه تمایلات فطری خود چنین آمادگی را داراست، برنامه‌ریزان جامعه باید برای هدایت این نسل چاره‌اندیشی کنند و مساجد به عنوان پایگاه‌های معنوی، نقش خود را ایفا کنند:

یک روحانی خوش‌فکر و آگاه می‌تواند الگوی مطلوبی برای نوجوانان باشد و آنها را در مسیر دین هدایت نماید. او باید شرایط نوجوان را درک کند و به دور از هرگونه افراط و تفریط عمل کند؛ چرا که احساس مذهبی و نیایش و پرستش، مانند سایر تمایلات طبیعی باید تعدیل شود و با اندازه‌گیری صحیح اعمال

۱. خدایاری فرد، محمد، مسائل نوجوانان و جوانان، ص ۳۴.

۲. شرفی، محمدرضا، دنیای نوجوان، ص ۳۲۹.

گردد. همان‌طور که تندروری در ارضای خواهش‌های جنسی یا حبّ مال و مقام، ناپسند است، زیاده‌روی در ارضای خواهش مذهبی نیز در مکتب اسلام نامطلوب شناخته شده و اولیای گرامی اسلام، در این باره میانه‌روی را به تأکید، توصیه کرده‌اند.^۱

بنابراین، برای ارضای تمایل ایمانی نوجوانان و استفاده از احساس مذهبی آنان، دو نکته باید همواره مورد کمال توجه باشد. یکی آنکه احساس مذهبی آنان به راه درست هدایت شود و دیگر آنکه با وسایل علمی و عملی موجبات پرورش آن فراهم آید.^۲

در مجموع، به این نتیجه می‌رسیم که اگر می‌خواهیم جوانان و بزرگسالانی علاقه‌مند به حضور در مساجد داشته باشیم، باید روی نوجوانان سرمایه‌گذاری کنیم و این فرمایش رسول مکرّم اسلام ﷺ را به یاد داشته باشیم که فرموده‌اند: «به شماها درباره نوجوانان به نیکی سفارش می‌کنم که آنها دلی رقیق‌تر و قلبی فضیلت‌پذیرتر دارند».^۳

مولای متّقیان، امیرمؤمنان (علیه السلام) خطاب به فرزندش امام مجتبی (علیه السلام) فرمودند: «إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِثِ كَالأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ فَبَادَرَتْكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يُقْسَوْ قَلْبُكَ؛ دل جوان نوحاسته، مانند زمین خالی از گیاه و درخت است. هر بذری که در آن افشاندن شود، می‌پذیرد و در خود می‌پرورد. سپس فرمود: فرزند عزیز، [من در آغاز جوانیت به ادب و تربیت تو مبادرت نمودم، پیش از آنکه عمرت به درازا بکشد و دلت سخت گردد».^۴

« برنامهریزی

بدون تردید، می‌توانیم مسجد را در قالب یک سازمان به حساب آوریم که نیازمند

۱. فلسفی، محمدتقی، جوان از نظر عقل و احساسات، ص ۳۹۱-۳۹۲.

۲. فلسفی، محمدتقی، جوان از نظر عقل و احساسات، ص ۳۶۸.

۳. سفینه البحار، ج ۲، ص ۱۷۶.

۴. نهج البلاغه (صبحی صالح) ص ۳۹۳، نامه ۳۱.

برنامه‌ریزی است. «برنامه‌ریزی، اساسی‌ترین وظیفه در میان وظایف مدیریتی است. دیگر وظایف مدیریتی، یعنی سازمان‌دهی، رهبری و کنترل، هدف‌هایی را پی‌می‌گیرند که در فرآیند برنامه‌ریزی پی‌گیری شده است.»^۱ بنابراین، همه افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها باید برای فعالیت‌های خود برنامه‌ریزی کنند تا بتوانند به خواسته‌های خود جامه عمل بپوشانند و بی‌تردید، اگر بخواهیم مساجد ما در ادای وظایف خود موفق عمل کنند، باید نیاز به برنامه‌ریزی را در آنها تقویت کنیم؛ چرا که در دنیای پیچیده و در حال تحوّل امروز، بدون برنامه‌ریزی، دست‌یابی به نتایج مطلوب به‌طور تقریبی غیرممکن است. نکته اساسی که در برنامه‌ریزی مساجد باید مدنظر قرار گیرد، این است که مسجد باید برای هر گروه سنی و سلیقه و جمعیتی، برنامه‌ریزی مناسب داشته باشد.

«برای هر یک از کودکان، بزرگسالان، دانشجویان، جوانان و... باید برنامه‌ای خاص داشت. برای آنها که اهل دعا هستند، برنامه دعا، برای آنها که اهل کتاب هستند، کتابخانه و برای جوانان آنچه مناسب سلیقه جوانان است، برنامه‌ریزی شود».^۲

امام جماعت و هیئت امنای مساجد باید با در نظر گرفتن همه امکانات، ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها و محدودیت‌هایی که در مسجد وجود دارد، برنامه کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت را طراحی و با بهره‌گیری از مشورت افراد صاحب‌نظر یا دست‌اندرکاران سایر مساجدی که موفقیت‌های چشمگیری در کار خود داشته‌اند، برنامه‌های خود را در صورت ضرورت، تعدیل و اصلاح و سپس به مرحله اجرا درآورند.

موسی مرتضی‌پور در گزارشی از فعالیت‌های بخش فرهنگی مسجدالرضا تهران که در شماره سوم مجله تربیت، سال دوازدهم منتشر شده و موفقیت بسیار نیکویی در جذب نوجوانان و جوانان به سوی این پایگاه معنوی داشته است، به یک نکته جالب و مهم اشاره می‌کند که در حقیقت از رموز اصلی موفقیت این

۱. قوامی، مصمصام‌الدین، مدیریت از منظر کتاب و سنت، ص ۳۴۳.

۲. مکارم شیرازی، ناصر، کاوشی در راه‌های عملی ایجاد جاذبه برای مساجد، قم، فصلنامه مبلغان، ص ۵۱.

مسجد است. وی از قول مسئول واحد فرهنگی این مسجد می‌نویسد: «تمامی فعالیت‌های این مسجد بر اساس برنامه‌ریزی است و همه برنامه‌ها پس از بررسی توسط هیئت امنای مسجد تصویب و برای اجرا به مسئولان بخش‌های مختلف واگذار می‌شود و اعضای هیئت امنای بر روند اجرای این برنامه‌ها نظارت دارند. این مطلب، بیانگر این نکته مهم است که اگر برنامه‌های مساجد به صورت تشکیلاتی طراحی و اجرا شود، مفید واقع می‌شود و می‌توان از همه ظرفیت‌های موجود برای تحقق اهداف موردنظر استفاده کرد».

« تکریم نوجوانان و جوانان

در آیین اسلام بر تکریم نوجوانان تأکید بسیار شده است. خانواده، مدرسه، اجتماع همه و همه باید فضایی برای تکریم و احترام آنها باشد؛ به ویژه مسجد که از تقدس و موقعیتی خاص برخوردار است. ارضای نیاز به احترام و عزت نفس به احساساتی نظیر اعتماد به نفس، ارزش، قدرت، موفقیت، کفایت، شایستگی، کسب اعتبار و حیثیت و مفید و مثمر بودن در جامعه منتهی خواهد شد که البته همه اینها مبتنی بر رفتار مسئولانه نوجوان است که استحقاق احترام را داشته باشد و نه بر اساس تعریف و تمجیدهای ظاهری و بی مورد. اگر متولیان مساجد به این نکته توجه نمایند، گامی بزرگ در مسیر جذب کودکان، نوجوانان و جوانان برداشته‌اند. فضای توأم با احترام و تکریم، انسان را به سوی خود می‌کشد. حتی گاهی در مسجد خطاهایی از نوجوان سر می‌زند که باید با تذکرات صمیمانه و در خفا او را متوجه اشتباهش کرد تا به مقاومت و عناد کشیده نشود. به خصوص، درباره جوانان که حساسیت دارند و موعظه باید کوتاه و بلیغ و سنجیده و با اوضاع و شرایط فکر او مناسب باشد و همچنین، در عین نرمی و مدارا و گام به گام باشد.

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «الرَّفْقُ يُبَسِّرُ الصَّعَابَ وَ يُسَهِّلُ شَدِيدَ الْأَسْبَابِ؛ رفق، دشواری‌ها را آسان می‌کند و سبب‌های سخت را سهل می‌کند».^۱

^۱ . غررالحکم، ج ۱، ص ۸۹.

« مسئولیت‌سپاری

از دیگر عواملی که زمینه جذب افراد و جوانان را به مساجد فراهم می‌آورد، دادن مسئولیت مورد نظر به آنان است، اگر افراد احساس مشارکت کنند، برای رسیدن به اهداف مورد نظر همکاری صمیمانه‌ای خواهند داشت. برقراری بستر لازم برای مشارکت نوجوانان و جوانان در ابعاد گوناگون همراه با نظارت لازم می‌تواند نه فقط آنان را به سوی مسجد بکشاند، بلکه زمینه ارتقای شخصیت و رشد آنان را فراهم آورد و موجب بالا بردن میزان موفقیت مساجد شود. اگر نوجوانان و جوانان در تصمیم‌گیری‌ها دخیل باشند و از توان آنها، به‌ویژه به صورت گروهی بهره گرفته شود، همین امر می‌تواند زمینه تقویت روحیه اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و اعتماد به نفس آنها را افزایش دهد و در آینده در جامعه نیز مؤثر واقع شوند.

« تشویق

یکی از عوامل و ابزارهای جذب نوجوانان و جوانان در زمینه‌های گوناگون از جمله حضور در مساجد، تشویق است. همه انسان‌ها حتی بزرگ سالان، تا آخر عمر به تشویق نیاز دارند. تشویق، موجب رغبت، دلگرمی، نشاط و تحرک می‌شود و انسان را به جدیت وادار می‌کند. انسانی که مورد تشویق قرار گیرد و احساس آرامش و رضایت خاطر و اعتماد به نفس می‌کند و برای جدیت بیشتری و تحمل دشواری‌ها آماده گردد. برعکس، اگر انسان مورد نکوهش یا ناسپاسی قرار گرفت دل‌سرد و بی‌رغبت می‌شود و احساس حقارت و ضعف می‌کند؛ به گونه‌ای که توان خویش را از دست می‌دهد و نمی‌تواند حتی از استعدادهای موجود خویش نیز استفاده کند.^۱

تشویق نوجوانان و جوانان نمی‌تواند منحصر به افراد یا نهاد خاصی باشد؛ یعنی اگر فقط خانواده چنین کاری را انجام دهد، تأثیر مطلوب و کامل را نخواهد داشت؛ بلکه باید همه عواملی که به نوعی با نوجوانان و جوانان مرتبط هستند، به این نکته اساسی توجه داشته باشند. تشویق را نمی‌توان منحصر به دادن جایزه دانست، بلکه برخوردها و فضای ایجاد شده توسط دیگران نیز مشوق خوبی برای نوجوانان و جوانان است. البته لازم است در تشویق افراد به گونه‌ای عمل کرد که تأثیر مطلوب و ماندگاری داشته باشد.

استاد ابراهیم امینی در جلد دوم کتاب «اسلام و تعلیم و تربیت» درباره تشویق و برخی نکات مهم مربوط به آن چنین می‌گوید:

۱. اخلاق و رفتار نیک فرد مورد ستایش قرار گیرند نه خود او.
۲. تشویق به صورت جزئی و واقعی باشد نه به صورت کلی و بیش از حد.
۳. گاه گاهی در برابر کارهای ممتاز باشد نه به صورت دائم و برای هر کاری.
۴. در تشویق نباید دیگری را مورد انتقاد و مقایسه قرار داد.
۵. زیاده‌روی در تشویق موجب غرور و خودبزرگ‌بینی می‌شود.
۶. تشویق با ارزش کار فرد و متناسب باشد.

^۱. امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، ص ۱۲۵.

۷. پاداش در برابر فعالیت‌های او انجام شود، نه در برابر موهبت‌های ذاتی او.

۸. در تشویق نباید اغراق کرد.

اگر در مسجد مسئولیت‌هایی به نوجوانان و جوانان سپرده می‌شود، در کنار آن باید ارزش زحمات و کارهای مفیدشان را نیز درک کرده از آنان و تشکر و قدردانی کرد.

در این سنین افراد نیاز دارند که اطرافیان بیشتر رفتارهای مناسب‌شان را ببینند و مورد توجه و قدردانی قرار گیرند. در غیر این صورت، ممکن است دچار یأس و ناامیدی شوند و از ادامه فعالیت و تلاش سرباززند.

« پیشنهادها

با توجه به آنچه در این مقاله بیان شد، راه کارهایی به شرح زیر برای جذب مردم، به ویژه نوجوانان و جوانان به سوی مساجد پیشنهاد می شود:

(۱) مرکز نظارت و رسیدگی به امور مساجد کشور شرایطی برای انتخاب هیئت امنای مساجد تعیین کند تا به مرور، امکان اصلاح ساختار هیئت امنای مساجد فراهم آید.

(۲) حداقل هر سه ماه یکبار در جلسه‌ای از مردم، به ویژه نسل جوان در خصوص برنامه‌های مسجد، نظرخواهی و پیشنهادهای آنان به منظور بهبود کیفیت کار و عملکرد مسجد، مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد.

(۳) با توجه به نقش مؤثر آموزش در بالا بردن سطح آگاهی‌ها و تغییر نگرش افراد و در هر شهرستان به فراخور شرایط فرهنگی و جغرافیایی برنامه‌های آموزشی ویژه هیئت امنای و خادمان و دست‌اندرکاران مساجد به اجرا درآید.

(۴) ائمه جماعت مساجد باید نظارت بیشتری بر عملکرد دست‌اندرکاران مساجد داشته باشند و فضایی فراهم کنند که مسائل و مشکلات موجود نقد و بررسی شود و در مجموع با ایجاد شرایطی مطلوب، زمینه هماهنگی همه عوامل را فراهم آورند.

(۵) در تحقیقات انجام شده از جمله عوامل مهمی که نقشی تعیین کننده در جذب نسل جوان دارد، امام جماعت مسجد و ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری وی در برخورد با نمازگزاران است. بنابراین، دقت در انتخاب امام جماعت با ویژگی‌های خاص (خوش رفتاری با جوانان، برخورداری از تقوای کافی و مانند آن) از نکات مهمی است که مرجع اعزام کننده باید مورد نظر قرار دهد.

(۶) ارتباط بین مدارس و مساجد، تأثیر بسیار در جذب نوجوانان و جوانان به سوی این پایگاه‌های معنوی دارد. مدارس می‌توانند دانش‌آموزانی را که آمادگی علمی و مذهبی دارند، به مساجد معرفی و مساجد نیز به صورتی جذاب مانند ارسال دعوت‌نامه برای آنان، زمینه حضور آنان را در مساجد فراهم آورند. همچنین استفاده از وجود فرهنگیان و معلمان متعهد و توانمند و دلسوز

در مجموعه هیئت امنایا به عنوان مربی می‌تواند زمینه‌ساز حضور بیشتر دانش‌آموزان در مساجد باشد.

۷) اجرای برنامه‌ها و برگزاری کلاس‌های علمی، فرهنگی، هنری و ورزشی در رشته‌های گوناگون و دعوت از مربیان علاقه‌مند و با تجربه و برگزاری اردوهای سیاحتی و زیارتی با مراعات موازین شرعی در جذب نوجوانان و جوانان مؤثر است.

۸) رفع مشکلات مربوط به بهداشت و نظافت مسجد و مراعات طهارت و نظافت این مکان مقدّس به صورت مداوم از جمله پاکیزگی فرش‌ها، در و دیوار و محوطه باید رعایت گردد تا از بروز تنفّر و دوری مردم پیشگیری شود. همچنین، رسیدگی به امکانات سرمایشی و گرمایشی فضای مطبوعی برای حضور آنان فراهم می‌آورد.

۹) تأسیس کتابخانه با توجّه به نیازهای مخاطبان و علاقه‌مندان؛ وجود فضای مناسب و انتخاب کتاب‌های جذّاب و متناسب با خواست نوجوانان و جوانان از جمله راه‌های جذب کودکان و نوجوانان است.

۱۰) برگزاری جلسات پرسش و پاسخ با حضور مسئولان محلی و بر اساس یک برنامه‌ریزی منظم، امکان ارتباط بیشتر مردم با مساجد را فراهم می‌آورد.

« نتیجه سخن

مسجد، به عنوان اصلی‌ترین پایگاه اسلامی نقش مهمی در تربیت، آموزش و ایجاد نزدیکی بین اعضای خود که مسلمانان هستند، دارد؛ پایگاهی که همواره در روایات از آن به بزرگی یاد شده است. یکی از رسالت‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از دریافت وحی الهی و رسانیدن آن به مردم، ایجاد پایگاهی به نام مسجد بود تا مکانی برای عبادت و ذکر حق تعالی و تشکیل اجتماعات اسلامی و مردمی باشد. بعد از آن، مسلمانان در صفوف وحدت‌بخش نماز جماعات که در مساجد برگزار می‌شد، روح تربیت و نشاط را در جامعه به روشنی مشاهده کردند. به‌طوری که اینک بعد از گذشت قرن‌های متمادی از پیدایش اسلام، مسجد نه تنها اعتبار و ارزش خود را حفظ کرده، بلکه همواره در برهه‌های مختلف زمانی، نقش مهمی در تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی داشته است. در کشور ما به خصوص در دوران انقلاب و هشت سال دفاع مقدس، مسجد، مکانی برای بسیج نیروهای مردمی، آموزش، سازمان‌دهی و پشتیبانی نیروهای بسیجی و مردمی بوده و در این میان حضور جوانان در کنار سایر قشرهای مردم دیده می‌شود. حضور آنان در نمازهای جماعت و تشکیل حلقه‌های کمک‌های مردمی، بسیج نیروهای اعزامی به جنگ، ایجاد کلاس‌های آموزشی و... نقش مؤثرتری در رونق مساجد داشت، اما با گذشت زمان و سپری شدن آن روزهای سخت، نه تنها کارکرد مسجد در کشور تفاوت پیدا کرده، بلکه با کم‌رنگ شدن حضور جوانان در مساجد به علّت‌های مختلف، رونق روزهای گذشته را ندارد. در این نوشتار به مهم‌ترین موانع آنها اشاره شد.

نکته شایان توجه اینکه، نباید ترفندهای دشمن و برنامه‌ریزی آنها برای اختلاف بین مساجد و مردم و به‌ویژه نسل جوان را از نظر دور داشت؛ زیرا آنها به روشنی دریافته‌اند که مساجد از جمله مهم‌ترین پایگاه‌های انقلاب و عاملی مهم در تقویت اندیشه‌های دینی و اسلامی است. از مساجد، جوانان سلحشور مؤمن و مسلمان به پا می‌خیزند و بر ضدّ زیاده‌طلبی‌ها و زورگویی‌های ظالمان و مستکبران قیام می‌کنند و حفظ انقلاب اسلامی به زنده بودن و شور و نشاط

مساجد بستگی دارد. اما این نکته هم نباید فراموش شود که بعد از چند دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، هنوز نتوانسته‌ایم برنامه‌های اساسی مبتنی بر روش‌های علمی و هماهنگ با خواسته‌ها و نیازهای نسل نوجوان طراحی و یا شرایط تحقق آنها را فراهم کنیم.

« منابع و مأخذ

- « قرآن کریم
« نهج البلاغه
« آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی، غرر الحکم و درر الکلم، شرح جمال الدین محمد خوانساری، با مقدمه و تصحیح و تعلیق میرجلال الدین حسینی ارموی «محدث»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم ۱۳۶۶ ه.ش.
- « افروز، غلامعلی، روش‌های پرورش احساس مذهبی نماز در کودکان و نوجوانان، تهران، چاپ سوم، انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۱ ه.ش.
- « امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران، انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۳ ه.ش.
- « خدایاری فرد، محمد، مسائل نوجوانان و جوانان، تهران، انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۳ ه.ش.
- « رضایی، علی، جایگاه مساجد در فرهنگ دینی، قم، مؤسسه فرهنگی ثقلین، ۱۳۸۲ ه.ش.
- « شرفی، محمدرضا، دنیای نوجوان، تهران، انتشارات تربیت، ۱۳۷۰ ه.ش.
- « فلسفی، محمدتقی، جوان از نظر عقل و احساسات، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۹ ه.ش.
- « قرائتی، محسن، راز نماز برای جوانان، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ه.ش.
- « قوامی، صمصام‌الدین، مدیریت از منظر کتاب و سنت، قم، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۳ ه.ش.
- « کردستانی، عباس، عوامل مؤثر بر پایین بودن میزان ارتباط جوانان با مساجد در استان کرمان، فصل‌نامه پژوهشگران فرهنگ، سال دوم، شماره ۸، پاییز ۱۳۸۳ ه.ش.
- « مطهری، مرتضی، گفتارهای معنوی، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۶ ه.ش.
- « مرتضی‌پور، موسی، مجله تربیت، شماره ۳، سال دوازدهم.
- « مکارم شیرازی، ناصر، کاوشی در راه‌های عملی ایجاد جاذبه برای مساجد، قم، فصل‌نامه مبلغان، شماره ۱۳، ذی‌قعدة ۱۴۲۱ ه.ق.
- « نبوی، محمدحسن، فعالیت‌های فرهنگی مساجد، قم، فصل‌نامه مبلغان، شماره ۵۸، شهریور ۱۳۸۳ ه.ش.
- « نوابی‌نژاد، شکوه، رفتارهای بهنجار و نابهنجار، تهران، انجمن اولیاء و مربیان، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ه.ش.
- « شرفی، محمدرضا، دنیای نوجوان، تهران، انتشارات تربیت، ۱۳۷۰ ه.ش، ص ۳۲۹
- « مجله تربیت، وابسته به وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، سال دوازدهم، خرداد ۱۳۷۵ ه.ش، شماره ۱۰۹،
- « مرتضی‌پور، موسی، فرهنگ اصطلاحات علوم انسانی (تربیتی، روانشناسی، جامعه‌شناسی)، ص ۶۱

مسجد و مشارکت جوانان در آن

محسن محمدی

چکیده

نوشتار حاضر در صدد تبیین موانع و راهکارهای حضور جوانان در مسجد و شیوه‌های جذب آنان به مساجد است. نگارنده، در دو فصل جداگانه، مباحث مورد نظرش را ارائه داده است. وی در فصل اول، به تبیین موانع و برخی راهکارهای حضور جوانان در مسجد پرداخته است و موضوعاتی، مانند بحران هویت دینی، تهاجم فرهنگی، روحیات و خواسته‌های جوان و فضای مسجد، ناهنجاری‌ها، دین‌گریزی را بحث نموده است. نگارنده در فصل دوم، به شیوه‌های جذب جوانان به مساجد اشاره کرده و نقش عواملی، مانند امام جماعت، خانواده و دوستان، امکانات و فعالیت‌های مسجد، کلاس‌های آموزشی، بهادادن به جوانان، تبلیغات، شکل ظاهری مسجد، بیان مباحث مورد نیاز جوانان، پیش‌نیازها، تشویق، تقویت پایگاه‌های بسیج را در اثربخشی این شیوه‌ها بحث نموده است.

واژگان کلیدی:

مسجد، موانع حضور جوانان در مسجد، طرق و شیوه‌های جذب جوانان به مسجد، راهکارهای جذب جوانان به مسجد.

« مقدمه

انسان در طول دوره زندگانی خود مراحل گوناگونی را با شرایط ویژه و خاص می‌گذراند که هر کدام به نحوی در مراحل بعدی مؤثر است. در این بین، جوانی از مهم‌ترین دوران زندگی است که در سلامت یا خسارت دوران میانی و نهایی زندگی بشر تأثیر گسترده و عمیقی دارد؛ چرا که در این دوران، پایه‌ها و اصول شخصیت انسان شکل می‌گیرد.

با این بیان، اهمیت و حساسیت دین‌داری در دوره جوانی مشخص می‌شود. به خصوص که در این دوران حساس، طوفان غرائز سرکش، زمینه انحراف جوان و غفلت او از یاد خدا را فراهم می‌کند. تهاجم فرهنگی نیز که به‌طور جدی جوانان را مدنظر دارد، با تهییج غرائز، شرایطی را مهیا می‌کند که تصمیم‌گیری جهت حرکت در مسیر خیر و صلاح برای جوانان مشکل می‌شود. به عبارت دیگر، برخی موانع در دین‌داری جوانان وجود دارد که تقید آنها را به دین، به‌طور جدی دچار آسیب می‌کند. علاوه بر این، نقش جوان در آینده‌سازی یک ملت و حرکت کشور به سمت پیشرفت و توسعه بر اهمیت مشارکت جوانان در مسجد می‌افزاید.

افزون بر موانع و علل عمومی حضور، با توجه به ویژگی‌های خاص شخصیتی جوان و حساسیت و تأثیر رفتار جوانان در آینده انقلاب و کشور در این نوشتار، در فصل اول، موانع حضور جوانان در مسجد و علل آن و در فصل دوم، طرق و شیوه‌های جذب جوانان به مسجد، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

« فصل اول: موانع حضور جوانان در مسجد

مهم‌ترین موانع حضور جوانان در مسجد به شرح زیر است:

۱- بحران هویت دینی

بحران هویت از سال‌های نوجوانی آغاز می‌شود و بخشی از سال‌های اولیه جوانی را نیز در برمی‌گیرد. هویتی که نوجوان در صدد است تا به‌طور روشن با آن مواجه شود این است که او کیست؟ نقشی که باید در جامعه ایفا کند، چیست؟ آیا او برخلاف نژاد، مذهب یا زمینه‌های ملی که او را از نظر مردم، کم‌ارزش جلوه می‌دهد، احساس اعتماد به نفس دارد؟^۱

از عدم توانایی فرد در تحصیل هویت انسانی، با تعابیر مختلفی یاد شده است. برخی از صاحب‌نظران از آن با تعبیر «گم کردن خویش» یا «از خودبیگانگی» یاد می‌کنند؛ روان‌شناسان از این حالت، اغلب تحت عناوینی، چون «آشفته‌گی هویت»، «اختلال هویت» و «بحران هویت» یاد می‌کنند و در توصیف آن می‌گویند: «بحران هویت، عبارت است از عدم توانایی فرد در قبول نقشی که جامعه از او انتظار دارد».^۲ این امر سبب مشغولیت بی‌هدف، هیجانات جان‌شین ناپذیر و ایجاد شخصیت منفعل در جوان می‌شود.^۳

به اعتراف همه صاحب‌نظران، جدی‌ترین بحران در طول زندگی انسان در خلال شکل‌گیری هویت او رخ می‌دهد؛ چون شخصی که فاقد یک هویت متشکل قابل قبولی باشد، در طول زندگی با مشکلات بسیار زیادی رو به رو خواهد شد. چنین شخصی در درجه اول از حقیقت وجودی خود و استعداد و توانمندی‌هایی که دارد، آگاهی لازم ندارد و در درجه دوم، از هدف خلقت و نقشی که در نظام هستی بر عهده اوست بی‌اطلاع است، در نتیجه، از تشخیص شیوه درست ارتباط با دیگران و برخورد با پیش‌آمدها نیز پاسخ به اصلی‌ترین پرسش‌های زندگی عاجز است. در نهایت، مجموعه این امور، او را در اغلب موضع‌گیری‌ها

۱. شرفی، محمدرضا، دنیای نوجوان، ص ۵۵.

۲. گروه نویسندگان، مترجمان، دکتر احمد به پژوه و دکتر رمضان دولتی، روان‌شناسان بزرگ، ص ۶۴.

۳. شرفی، محمدرضا، جوان و بحران هویت، ص ۲۰-۲۴.

دچار سردرگمی می‌کند. طبیعی است که وقتی فرد خود را نشناخت و هدف از آفرینش جهان و انسان برای وی معلوم نگشت و با وظایفی که در جامعه بر عهده دارد، آشنا نشد، نمی‌تواند نقش مثبتی در زندگی ایفا کند. بروز چنین وضعی و تزلزل فکری اعتقادی مهم‌ترین خطری است که سعادت انسان را در طول حیات مورد تهدید قرار می‌دهد.

با توجه به گستردگی مفهوم هویت، هر فرد هویت‌های گوناگونی دارد که هویت دینی، یکی از آنها است. هر انسانی به هویت دینی نیاز دارد؛ چون گرایش به پرستش از نیازهای فطری او است؛ به این معنا که فرد، مستقل از هر گونه یادگیری، در درونش تمایل به عبادت و بندگی خدا را احساس می‌کند. تجلی چنین احساس و میلی، در اعمال و رفتار دینی، آشکار می‌شود.^۱

هویت دینی، رابطه بین آدمی و دین را تبیین می‌کند و شکل‌گیری آن، هویت، احساس تعهد و مسئولیت در قبال ارزش‌ها و باورهای آن مکتب را در پی دارد. برخی صاحب‌نظران، تعهد را به عنوان سنگ بنای هویت دینی، تلقی نموده‌اند.^۲ با توجه به آنچه هویت دینی به نسل جوان می‌دهد،^۳ اختلال و آشفتگی هویت دینی، سبب ضعف دین‌داری در بین جوانان می‌گردد؛ زیرا تعهد و مسئولیت‌پذیری فرد را در قبال گزاره‌های دینی کاهش می‌دهد و بدین ترتیب، ضمانت اجرایی احکام دینی کاهش می‌یابد.

اختلال در هویت دینی سبب می‌شود تا فرد نه بتواند ارزش‌های دینی گذشته خود را ارزیابی نماید و نه صاحب ارزش‌هایی شود که به کمک آنها بتواند آزادانه برای آینده، طرح‌ریزی کند.^۴

از دیدگاه جوان، پس از درهم ریختگی نظام ارزشی دینی، امر مثبت و خوبی در دین وجود ندارد تا انگیزه‌ای برای انجام آن داشته باشد. بنابراین، دچار

۱. ابن‌طفیل اندلسی حکیم فیلسوف و نامدار مسلمان در اثر ارزنده و کلاسیک فلسفی‌اش به نام «زنده بیدار»، این گرایش فطری را به زیبایی هر چه تمام‌تر به تصویر می‌کشد.

۲. مکاتب و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت، ص ۶۹، کارشناسان یونسکو، ص ۱۲۲.

۳. آنچه به نسل جوان هویت می‌دهد عبارت‌اند از: پاسخ به پرسش‌های بنیادین، جهت بخشیدن به زندگی، رویکرد مثبت به آینده، وحدت اعتقادی، زمینه‌سازی هویت تمدنی، مقبولیت اجتماعی، شأن و منزلت جوانی و معنا بخشیدن به جهان؛ رک: شرفی، محمدرضا، جوان و بحران هویت، ص ۹۶-۱۰۲.

۴. هورنای کارن، تضادهای درونی ما، ص ۱۳۴.

بی تفاوتی و بی مسئولیتی می‌گردد. همچنین، تخریب نظام ارزشی دینی، سبب می‌شود بسیاری از افراد که دچار بحران هویت دینی می‌شوند، به دنبال هویت منفی بگردند و هویتی برخلاف آن چه اولیای دین در نظر گرفته‌اند را برگزینند. بسیاری از رفتارهای ضد اجتماعی و ناسازگاری نوجوانان را می‌توان از این منظر تبیین نمود. مسئولیت‌گریزی، دلزدگی و بی‌تفاوتی هر کدام از آثار فقدان هویت هستند^۱ که در عرصه دینی در قالب بی‌توجهی به اوامر و نواهی الهی، بی‌علاقگی نسبت به شعائر، گزاره‌ها، اماکن، مراسم و نمادهای دینی بروز می‌کند.

با بیان این مطالب، مشخص شد که بحران هویت دینی، سبب تضعیف باورهای دینی، اختلال نظام ارزشی مذهبی و عدم تقید به احکام دینی می‌شود. مسجد از مهم‌ترین نمادها، شعائر و گزاره‌های دینی است که بحران هویت دینی جوان در مورد آن سبب پایین آمدن اعتقاد و ضعف گرایش به حضور در جمع نمازگزاران می‌گردد.

۲- تهاجم فرهنگی

صاحبان زر و زور و تزویر، برای رسیدن به اهداف خرد و کلان خود از همه اهرم‌ها بهره می‌گیرند. داده‌های تاریخی نیز نشان می‌دهد که مهاجمان قدرت طلب، بارها به کشورهای دیگر حمله نظامی کرده و جهان را به جزایر متعدّد تقسیم کرده‌اند. واژه‌های تجاوز، مستعمرات و جنایات جنگی، تقسیم بندی کره زمین و تجاوز همه‌جانبه مهاجمان را به نمایش می‌گذارند. با توجه به اینکه امروزه استراتژی حمله نظامی شکست خورده است، مهاجمان زورمدار از سیاست راهبردی دیگری به نام تهاجم فرهنگی بهره می‌جویند؛ زیرا این عنصر، مناسب‌ترین راهکار برای تحقق سلطه افزون‌خواهان در جهان است. دشمنان انقلاب و اسلام برای دست یابی به اهداف خود، تهاجمی گسترده را به فرهنگ و هویت ما برنامه ریزی و پشتیبانی می‌کنند. متأسفانه اولین قربانیان

۱. شرفی، محمدرضا، جوان و بحران هویت، ص ۲۰.

تهاجم فرهنگی، جوانان هستند؛ زیرا آنان سرمایه‌های عظیم جامعه‌اند و مانع تحقق اهداف سلطه‌جویان هستند. بر این اساس، جوانان در تهاجم فرهنگی بیشتر از دیگر گروه‌ها مورد تهاجم قرار می‌گیرند. دشمن در این مسیر می‌کوشد جوانان را از فرهنگ غنی و کهن خود، بیگانه سازد و ارزش‌های دینی را نزد آنان بی‌ارزش جلوه دهد.

در تهاجم فرهنگی، پایگاه‌های دینی همچون مسجدها مورد حمله قرار می‌گیرند. دشمن به این شیوه می‌کوشد فرهنگ ضدآرزشی غرب را در میان جوانان گسترش دهد و آنان را نسبت به مفاهیم و احکام دینی بی‌عقیده کند. تربیت دست‌آموزها، فساد اخلاقی، قرار دادن جایگزینی برای امور عبادی که با روحیات و غرایز جوانی نیز تناسب دارد که برخی از این جایگزین‌ها عبارت‌اند از: نوار و سی‌دی‌های مبتذل و برنامه‌های ماهواره‌ای، ترویج الگوهای غربی، تضعیف باورهای دینی، تخریب و ترور شخصیت‌های خودی، دور کردن مردم از هویت ملی-اسلامی و ترویج فرقه‌های ساختگی.

مسجد، پایگاهی است که در راه مبارزه با تهاجم فرهنگی بسیار مؤثر است. مسجد با بیان خطر تهاجم فرهنگی و تقویت گرایش‌های مذهبی، از تعالیم و مفاهیم دینی دفاع می‌کند و حتی با بیان فرهنگ و آموزه‌های اسلام در برابر تهاجم فرهنگی غرب می‌ایستد. بنابراین، در صورتی که در این جدال نابرابر فرهنگی، مسجد، جوانان را جذب کند، قدم بلندی در راه مبارزه با تهاجم فرهنگی برداشته شده است.

۳- ناهمگونی روحیات و خواسته‌های جوان با فضای مسجد

جوانان، روحیات و خواسته‌هایی دارند که از روحیات و ویژگی‌های جوانی آنها نشأت می‌گیرد و فضای مسجد با برخی از آنها همگون و هماهنگ نیست. جوانان روحیه‌ای پر شور و نشاط دارند؛ آنان از نظر جسمی، قوی، پر تحرک، اهل جنب‌وجوش و تلاطم هستند؛ ولی مسجد، فضای آرام و سکون است که عبادت و نیایش بدون تحرک جسمی شدید و زیاد، به آرامی در گوشه‌ای از

مسجد انجام می‌شود. به همین دلیل، جوانان در برخی مراسم‌های دینی که شور و هیجان بیشتری دارد، حضور چشم‌گیرتری دارند. به‌طور مثال، مراسم سینه‌زنی، زنجیرزنی و دسته‌های عزاداری که از این ویژگی برخوردارند، جوانان در آن حضور بیشتری دارند.

جوان، خواستار تعلق به گروه بی‌غمی، ابراز خود، جلب توجه و... است که در مسجد، زمینه مساعدی برای آنها فراهم نمی‌شود. علاوه بر شور، نشاط و هیجان، هجوم، تهوّر، افراط‌گری، احراز تفوّق، مقاومت، حاکمیت، تضادّ و تعارض با سالمندان از ویژگی‌های جوان است که با فضای مسجد چندان تناسبی ندارد. البته این به معنای تعارض و اختلاف ذاتی مسجد، با تمام روحيّات و خواسته‌های جوان نیست؛ بلکه می‌توان فضای پر شور و نشاطی را در مسجد ایجاد کرد که با روحيّات جوان سازگار باشد و بسیاری از روحيّات جوان با فضای مسجد تطابق کامل پیدا کند.

۴- ناهنجاری و ناسازگاری با اطراف

جوانان، روحيّات و دنیای عجیبی دارند که حاصل اجتماع قدرت جسمی و احساسی است که به سمت عقلانی شدن پیش می‌رود. به همین دلیل، جوان‌ها به‌طور معمول، با محیط اطراف و بزرگ‌ترها مشکلات رفتاری، عقیده‌ای و سلیقه‌ای دارند. این اختلافات گاهی سطحی و زودگذر است که در شخصیت و رفتار جوانان تأثیر زیادی ندارد؛ ولی گاهی این اختلافات به ناهنجاری و ناسازگاری جوانان منجر می‌شود^۱ و به این ترتیب، امنیت روحی و روانی لازم برای دین‌داری آنان از بین می‌رود و در این میان، مسجد نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین گزاره‌های دینی در نظام رفتاری جوان، جایگاه چندانی کسب نخواهد کرد.

۱. دفتر مشاور رئیس سازمان صدا و سیما در امور جوانان، تهران، ۱۳۷۹.

۲. عوامل ظهور ناهنجاری‌ها در نوجوانان و جوانان عبارت‌اند از: درک نکردن روحیه جوان، الگوهای نامناسب، تضاد در روش تربیتی، فاصله طبقاتی، کم‌توجهی خانواده‌ها، ناکارآمدی کانون‌های دینی، استفاده ابزاری از دین، کم‌توجهی به مشکلات، تساهل و تسامح؛ ر.ک: موخندیا، فریدون، عوامل گرایش نوجوانان و جوانان به فرهنگ بیگانه، ص ۴۸-۵۶.

۵- دین‌گریزی

دین‌گریزی، یعنی هر نوع فاصله‌گیری یا واپس‌گرائی از دین و تمام نمودهای مهمّ دینی در گرایش، بینش و کنش.

دین‌گریزی گروهی از جوانان، به‌ویژه طیفی که زاده و پرورش‌یافته دوران انقلاب هستند، از مسائل مهمّ اجتماعی و فرهنگی کشور است. این‌گرایز فقط به علّت تهاجم فرهنگی یا هوا و هوس جوانان نیست، بلکه علّت‌های گوناگونی دارد و تا زمانی که تمامی آنها به صورت واقع‌بینانه و عمیق بررسی نگردد، نسل آینده انقلاب با خطر جدّی اضمحلال عقیدتی و ارزشی رو به رو است.^۱ در این بین، نمادها، مفاهیم، اعمال و مناسک، مظاهر و اماکن دینی در معرض فراموشی و بی‌تفاوتی جوان قرار می‌گیرند. مسجد به عنوان یکی از مهم‌ترین گزاره‌های دینی، در بحران دین‌گریزی جوانان به‌طور جدّی در خطر است. پس، می‌توان به راحتی نتیجه گرفت که دین‌گریزی جوانان عامل فراگیر و عمیقی بر سر راه مشارکت آنان در مسجد است.

برای برطرف شدن این مشکل باید گروه‌ها و سازمان‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، طرحی اصولی و همه‌جانبه را برنامه‌ریزی نموده تا مهم‌ترین قشر اثرگذار جامعه در آینده انقلاب، دین‌دار بمانند؛ در این صورت یکی از مهم‌ترین و عمومی‌ترین مانع حضور جوانان در مسجد، برطرف خواهد شد.

^۱ برخی از علل دین‌گریزی جوانان عبارت‌اند از: بیان نامعقول برخی از مفاهیم دینی، عملی نشدن عدالت اجتماعی در سطح جامعه با وجود شعارهای فراوان، توجّه نکردن به نیازهای اساسی نسل جوان، مثل ازدواج، کار و مسکن، استفاده ابزاری از دین به دست برخی سیاست‌بازان برای منافع شخصی و گروهی، نبود برنامه‌ریزی درست فرهنگی برای نسل جوان، تهاجم برنامه‌ریزی شده فرهنگی دشمنان داخلی و خارجی برای انحراف نسل جوان.

« فصل دوم: طرق و شیوه‌های جذب جوانان به مسجد جذب جوانان به مسجد از طرق، شیوه و راه‌های ذیل میسر است:

۱- امام جماعت

امام جماعت، مهم‌ترین عضو مدیریتی مسجد است که می‌تواند با برنامه‌ریزی و عملکرد صحیح و دقیق، زمینه مناسبی را برای تحقق سایر عوامل حضور مردم در مسجد فراهم کند.

امام جماعت در هر مسجد، عاملی مهم در پیشرفت و ترقی مسجد به شمار می‌رود و چنانچه دارای شرایط لازم باشد، تأثیر به‌سزایی در تحولات مثبت در جوانان و در نتیجه گرایش آنان به دین و مسجد خواهد داشت.
امام جماعت برای جلب جوانان این نکات را باید رعایت کند:

۱-۱- برخورد گرم و صمیمانه با جوانان

امام جماعت باید با جوانان برخوردی محبت‌آمیز و دوستانه داشته باشد. برخوردهای عاطفی در ایجاد ارتباط با جوانان و آگاهی از نظریات آنها بسیار مؤثر است؛ این‌گونه ارتباط، زمینه مساعدی را برای جلب و تأثیر بر جوانان به وجود می‌آورد.

امام جماعت باید هم با جوانان داخل مسجد به گرمی برخورد کند تا حضور آنها در مسجد تداوم یابد و هم با جوانان بیرون از مسجد تا زمینه حضور آنان در مسجد فراهم شود.

برخورد مناسب امام جماعت با جوانان، دو مؤلفه دارد که عبارت‌اند از:

الف) احترام

امام جماعت باید به رفتار، ارزش‌ها، گفتار و نظریات جوانان احترام بگذارد. این کار در جلب جوانان بسیار مؤثر است. وقتی جوان احساس کند طرف مقابل در صدد این نیست که نظریات خودش را به او تحمیل کند و به نظریات او احترام می‌گذارد، احساس شخصیت می‌کند و از اینکه با چنین فردی آشنا شده،

خوشحال می‌گردد. البته احترام امام جماعت به جوانان به معنای پذیرفتن تامّ و تمام نظریّات آنها بدون دلیل نیست، بلکه به معنای شنیدن و تحمّل کردن آنها و تعیین راهی حساب شده و مدبّرانه جهت هدایت آنهاست. بهتر است به جوانان در حدّ امکان، فرصت داده شود تا خود را بروز دهند و نظریّات و افکارشان را مطرح نمایند، آنگاه به اصلاح آنها پرداخته شود.

ب) ایجاد ارتباط عاطفی

روابط و احترام‌های امام جماعت و جوانان نباید در چارچوبی خشک و رسمی باقی بماند؛ بلکه باید به برقراری روابط عاطفی منجر شود؛ یعنی جوان، امام جماعت را به عنوان یکی از دوستان خود بپذیرد.

امام جماعت برای اینکه سطح روابط خود با جوانان را به این حدّ برساند، باید به نکات متعدّدی توجّه داشته باشد و در امور گوناگونی، همراه جوانان باشد؛ در مشکلات به آنها کمک کند؛ موفقیت‌هایشان را به آنها تبریک بگوید؛ از غم‌ها و ناراحتی‌های آنها ابراز تأسّف و اندوه کند، هدایای کوچکی مثل عطر، تسبیح و انگشتر به عنوان یادگاری به آنها تقدیم کند؛ در صورت امکان، کمی در مسائل خصوصی آنها وارد شود، به‌طور مثال، روز تولّدشان، به آنها تبریک بگوید و سایر اقداماتی از این قبیل که با توجّه به شرایط امام جماعت و فرهنگ و روحیّات اهالی محلّ در برقراری و تداوم ارتباطی دوستانه و محبّت‌آمیز مؤثر است.

بهتر است ارتباط امام جماعت و جوانان به روابط حضوری محدود نگردد و ارتباط کتبی بین جوانان و امام جماعت نیز بسیار مفید است. در این صورت، جوانان از اینکه امام جماعت به آنها احترام گذاشته و به‌طور خصوصی، مطالبی را برای آنها بیان کرده، احساس شخصیت کرده و به امام جماعت نزدیک شده و مطالبی را که حضوری نمی‌توانند بیان کنند، به صورت کتبی با امام جماعت در میان می‌گذارند.

۲-۱- حضور در جمع جوانان

همه جوانان در مسجد حاضر نمی‌شوند و امام جماعت نیز نمی‌تواند در برخوردهای گذاری در بیرون از مسجد با همه جوان‌های محلّ، ارتباط برقرار کند؛ به همین دلیل برای برقراری ارتباط کامل با جوانان، باید در مکان‌هایی که جوانان در آن اجتماع دارند، حاضر گردد.

مدارس و دبیرستان‌ها، کتابخانه‌ها، میادین ورزشی، کافی‌نت و پارک‌ها، مکان‌هایی هستند که به‌طور معمول، جوان‌ها در آن حضور دارند. برخورد با جوانان و برقراری ارتباط با آنها در هر کدام از این مکان‌ها، ظرافت و حساسیت مخصوص به خود دارد و شیوه مناسب با آن را می‌طلبد. این اقدام امام جماعت، سبب جلب توجه جوانان شده و زمینه مناسبی را برای حضور جوانان در مسجد فراهم می‌کند.

۳-۱- برقراری جلسات ویژه جوانان

جوانان، نیازهای مخصوص به خود دارند؛ روحیات و علایق آنها با بزرگسالان متفاوت است. امام جماعت باید بعد از مخاطب‌شناسی دقیق و آگاهی از نیازها و علایق جوانان، جلساتی را ویژه آنها تشکیل دهد و مفاهیمی از دین اسلام را برایشان بیان کند که با علایق، روحیات و نیازهای آنان متناسب باشد. این موارد، موضوعات مناسبی برای گفتگو با جوانان است: «ازدواج در اسلام»، «عشق مجازی یا حقیقی»، «زیبایی»، «نیایش»، «روابط دختر و پسر»، «آثار نماز در زندگی زوج‌های جوان»، «اخلاق جنسی»، «آثار نماز»، «انحراف جنسی»، «چشم‌چرانی»، «مسائل روان‌شناسانه جوانان، مثل اعتماد به نفس و امید». البته بهتر است برای ارائه هر موضوع به نکات روان‌شناسی جوانی، روحیات جوانان و اصول جذابیت و اثرگذاری توجه شود؛ به‌طور مثال در هر موضوع عنوان زیبا و جذّابی انتخاب شود تا توجه جوانان را بیشتر جلب کند. جلسه نباید حالت سخنرانی و خطاب مستقیم داشته باشد؛ بلکه باید به صورت گفتمان برگزار گردد تا جوانان بتوانند نظر و سؤال‌های خود را بیان کنند.

مطالب در قالب مناظره، داستان، خاطره و پرسش و پاسخ بهتر قابل ارائه است. بهتر است قالب‌های گوناگونی انتخاب شود تا جلسات متنوع و جذاب گردد.

۱-۴- شناخت نیاز و روحیات جوانان

امام جماعت باید قبل از اینکه در مورد جلب جوانان به مسجد اقدام نماید، به‌طور کامل از نیازها، روحیات، ارزش‌ها، خواسته‌ها، سلايق، علايق، توانمندی‌ها، آسیب‌هایی که جوان را تهدید می‌کند و راه‌های مقابله با آن مطلع شود. در این صورت، می‌تواند فعالیت‌ها و برخوردهای خود را با جوانان به شکلی تنظیم کند که علاوه بر رفع نیازهای جوانان، آنها را به مسجد جلب کند. در غیر این صورت، امید زیادی برای موفقیت امام جماعت در جلب جوانان به مسجد وجود ندارد. شناخت موانع برقراری ارتباط عمیق و پایدار بین جوانان و امام جماعت، یکی از مهم‌ترین اقداماتی است که امام جماعت باید انجام دهد؛ چون آگاهی از این موانع، در اتخاذ راهکاری صحیح و حساب شده برای رفع موانع لازم است. امام جماعت باید از این روحیات و موانع به‌طور کامل، اطلاع داشته باشد و با توجه به تفاوت‌های فردی و فرهنگی، شیوه و برخورد مناسبی را برگزیند. برخی از این موانع عبارت‌اند از:

اختلاف بین جوانان و بزرگ‌ترها

به‌طور معمول، نظام ارزشی و رفتاری و طرز تفکر بزرگ‌ترها با جوان‌ها بسیار متفاوت است. بنابراین، روحیات و خواسته‌های جوانان با توقعات پدر و مادر و بزرگسالان تطابق ندارد و طرفین نمی‌توانند توقعات یکدیگر را برطرف کنند. این مسئله سبب ایجاد گسست ارتباطی بین جوانان و بزرگ‌ترها شده، مانع از برقراری ارتباط همه‌جانبه و پایدار بین آنها می‌گردد. به همین دلیل جوانان در بین خودشان، روابط دوستانه گسترده‌ای تشکیل می‌دهند و این روابط دوستانه، قوی‌تر و مؤثرتر است.

امام جماعت، علاوه بر موقعیت اجتماعی و صنفی خود که او را جزء بزرگسالان

قرار می‌دهد، اگر از نظر سنی نیز جوان نباشد، با مانع جدی در برقراری ارتباط عمیق و همه‌جانبه با جوانان رو به رو خواهد بود. برای رفع این مانع (اختلاف بین جوانان و بزرگ‌ترها)، برخورد شاد و پر شور و نشاط، با جوانان که از چارچوب خشک و رسمی خارج است، توصیه می‌شود؛ زیرا در جوانی سن مهم نیست، بلکه روحیه مهم است.

آزادی‌خواهی جوان و محدودیت‌آفرینی دین

جوانی دوره استقلال فکری و عملی است و جوان در محدوده مقرراتی خودش عمل می‌کند.^۱ به‌طور معمول، جوانان از اعمال قدرت و نظارت خارجی چندان خوشحال نیستند و مایلند آزاد و راحت باشند. در مقابل، جوانان دین را عاملی برای محدودیت و سلب آزادی خود می‌بینند که روحانی و امام جماعت، مبلغ، مجری و طرفدار آن است؛ بنابراین، جوانان با امام جماعت به راحتی ارتباط برقرار نمی‌کنند.

برطرف کردن این بینش که نوعی احساس درونی است، ضرورت دارد و به برخی زمینه‌های شناختی و زمان طولانی نیاز دارد. برای رفع این مانع (محدودگری دین و آزادی‌خواهی جوان) توجه به این نکته لازم است که محدودیت، احساس درونی است و حاکی از بی‌میلی و بی‌انگیزگی است. بسیاری از دین‌داران بدون اینکه احساس محدودیت کنند، به دستورات دینی عمل می‌کنند. باید مفاهیم و تعالیم دینی را به شکلی برای جوانان بیان کرد که با ارائه الگوهای مناسب و با افزایش شناخت، آگاهی و معرفت، از روی میل و رغبت، به تعالیم دین عمل کنند.

دورنگری روحانیان و نزدیک‌بینی جوانان

روحیات جوان و ساختار دین با یکدیگر تعارضی ندارند، بلکه گاه نحوه ارائه مفاهیم دینی و نوع مفاهیمی که از دین عرضه می‌شود، سبب روی‌گردانی و

۱. قائمی، علی، جوان از دیدگاه نیازها، خواسته‌ها و مصالح، ص ۴۵.

حساسیت جوان می‌گردد.

جوانان مایلند اثر دین را به‌طور ملموس در صحنه زندگی ببینند و می‌خواهند از آینده‌ای نزدیک به زمان حال مطلع شوند؛ ولی در مقابل برخی روحانیان، مفاهیمی از دین را برای جوانان بیان می‌کنند که با توجه به روحیات و خواسته‌های جوان برای آنها ملموس نیست. آنها چشم‌انداز دوری از دین و دین‌داری را برای جوانان بیان می‌کنند، ولی باید توجه داشت، جوانان با پذیرش مطالب تعبّدی، میانه خوبی ندارند و گزاره‌هایی از دین را می‌پذیرند که توجیه عقلانی قابل قبول داشته باشد.

برای رفع مانع سوّم، امام جماعت باید موضوعاتی را برای صحبت و سخنرانی برای جوانان انتخاب کند که جوانان در زندگی بیشتر با آن رو به رو هستند.

۵-۱- شرکت دادن جوانان در مدیریت مسجد

امام جماعت، یکی از مهم‌ترین عناصر مدیریتی مسجد است که از نفوذ و تأثیر قابل توجهی برخوردار است و می‌تواند فعالیت‌های مسجد را در جهت خاصی هدایت نماید.

امام جماعت باید با دوراندیشی و بدون ایجاد حساسیت، در مدیریت و جهت‌دهی به فعالیت‌های مسجد، به موقعیت و اهمیت جوانان توجه داشته باشد؛ به‌طوری که جوانان، امام جماعت را نماینده مورد اعتماد تام‌الاختیار خود بدانند.

در پایان، ذکر این نکته بسیار لازم و ضروری است که تلاش و فعالیت امام جماعت برای جلب جوانان به این معنا نیست که امام جماعت از سایر قشرهای نمازگزار غافل شود و فقط با جوانان ارتباط برقرار کند؛ به‌طوری که بزرگ سالان و پیران فکر نکنند، امام جماعت برای آنها احترام قائل نیست، بلکه در هر صورت باید تعادل را حفظ نمود.

۲- خانواده

نقش خانواده به عنوان یک واحد اجتماعی، مسئله‌ای غیرقابل تردید است. تأثیر خانواده در فرزندان از نظر فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی و عاطفی بسیار مهم و با ارزش است؛ زیرا آنان، مبانی زندگی را در آنجا فرا می‌گیرند و خوب و بد را از آنجا می‌آموزند. از این‌رو، بیشتر «بایدها» و «نبایدها» «خوبی‌ها» و «زشتی‌ها» و روحیات کودک در خانواده پایه‌گذاری می‌شود.

کلاس اول تربیت و آموزش انسان در خانواده است و کودک دروس اولیه زندگی را از پدر و مادر و اطرافیانش فرا می‌گیرد. اگر زبان والدین عربی باشد، کودک به زبان عربی آشنا می‌شود و اگر فارسی باشد، به زبان فارسی و اگر ترک باشد به زبان ترکی... اگر خانواده اهل ساز، دهل، ترانه و تصنیف باشند، کودک از همان خردسالی به‌طور نهادی آنها را می‌آموزد. اگر والدین (خانواده)، اهل مسجد و نماز و دعا و عبادت باشند، بر اساس قانون تبعیت کوچک‌تر از بزرگ‌تر، مهر را از مقابل والدین برداشته و به تقلید از آنها پرداخته، خم و راست می‌شود و می‌بوسد.

به‌طور خلاصه، چشمان درخشان کودکان شب و روز حرکات اهل خانه (پدر و مادر) و اعمال آنها را می‌نگرند و گوش‌های حساس آنان، مانند یک دستگاه گیرنده قوی و مجهز مواظب حرکات و سکناات آنهاست؛ بر این اساس، ناگفته پیداست که اگر کانون خانواده گرم و دوستانه باشد و پدر و مادر و اعضای دیگر خانواده افراد وظیفه‌شناس و اهل عبادت و مسجد باشند، به‌طور معمول، کودکانی سالم با شخصیتی مثبت و فعال در آن پا به عرصه جامعه خواهند گذاشت و گرنه افرادی بی‌بندوبار و لابلایی، بی‌نماز و بزهکار و بی‌دین و... وارد عرصه جامعه شده و چون مفسدند، فساد بار می‌آورند.

خانواده بستر شکفتن است و نقش الگویی آن در تربیت فرزندان بسیار حائز اهمیت است. الگو شدن در اخلاق و عمل و نقش اساسی آن در تربیت، دایره‌ای وسیع دارد و از کانون خانواده و تأثیر سرنوشت ساز رفتار پدر و مادر، بر فرزندان، تا معلمان و مربیان آموزش و پرورش و اساتید دانشگاه‌ها و مراکز تعلیم و تربیت و رؤسای ادارات و نهادها و عالمان دین (مانند امام جماعت مسجد) و در نهایت

مسئولان عالی رتبه نظام را شامل می‌شود.

نکته شایان توجه اینکه باید دست‌اندرکاران در امر تربیت، در عمل الگو باشند و تنها دعوت‌گر زبانی نباشند. در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «کونوا دعاه الناس بأعمالکم و لاتکونوا دعاه بألسنتکم؛ به وسیله کردار شایسته و اعمال نیک خود راهنما و راهبر مردم به سوی فضیلت‌ها شوید و تنها دعوت‌گر زبانی نباشید».^۱

آموزه‌های دینی، بزرگ‌ترین مسؤولیت خانواده (والدین) را تربیت صحیح فرزندان می‌داند. بر این اساس، در نظام تربیتی اسلام، تربیت خانوادگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است به گونه‌ای که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا...؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خودتان و خانواده‌تان را از آتش نگه دارید».^۲

همچنین در جای دیگر می‌فرماید: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا...؛ خانواده خود را به نماز فرمان ده و خود نیز در آن کار پایداری کن».^۳

بنابراین، خانواده به عنوان نخستین کانون تعلیم و تربیت نقش عمده‌ای در برقراری ارتباط جوان با مساجد دارد. بسیاری از کارهای ناپسند تا به صورت عادت در نیاید در اجتماع انجام نمی‌گیرد. امام علی (علیه السلام) یکی از روش‌های تربیتی را عادت می‌داند که از آن به عنوان طبیعت دوم یاد می‌کند و می‌فرماید: «عَوْدُ نَفْسِكَ فِعْلَ الْمَكَارِمِ وَ تَحَمُّلِ اِعْبَاءِ الْمَغَارِمِ تَشْرَفُ نَفْسِكَ وَ تَعْمُرُ آخِرَتَكَ وَ يَكْثُرُ حَامِدُوكَ؛ نفس خود را به امور نیک عادت دهید تا شرافت یابید؛ آخرت خود را آباد کنید و ستایش‌کنندگان را افزایش دهید».^۴

بر این اساس، اسلام سفارش می‌کند فرزندان را از کودکی به نماز و روزه عادت دهید تا تقلید به فرائض در بزرگسالی بر آنان دشوار نگردد.^۵

۳- دوستان

۱. بحار الأنوار، ج ۵، ص ۱۹۸، ح ۱۹.

۲. تحریم، آیه ۶.

۳. طه، آیه ۱۳۲.

۴. غرر الحکم، ج ۱، ص ۱۸۵؛ همین منبع، ج ۴، ص ۳۲۹.

۵. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۶۸.

دوستان نه تنها با هم انس می‌گیرند و با مصاحبت و همنشینی، موجبات شادمانی و نشاط یکدیگر را فراهم می‌سازند، بلکه هر دوستی به مقیاس درجه رفاقت و دوستی، در امور مادی و معنوی دوست خود نفوذ می‌نماید و هر یک، خواه ناخواه بر عقاید و اخلاق و رفتار و گفتار دیگری اثر می‌گذارند.

قرآن کریم از زبان اهل جهنم نقل می‌کند که: «يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا؛ ای کاش، فلانی را دوست صمیمی خود قرار نمی‌دادم».^۱

رسول خدا ﷺ فرمود: «المرء علی دین خلیله و قرینه؛ دین و روش هر کس طبق مذهب و آیین دوست و همنشین خود خواهد بود».^۲

در روایتی از حضرت سلیمان (علیه السلام) آمده است که فرمود: «درباره کسی به نیکی یا بدی قضاوت نکنید تا دوستانش را ببینید؛ زیرا هر کسی به وسیله امثال و اقرانش شناخته می‌شود و به صفات همنشینان و دوستانش منسوب می‌گردد».^۳ تأثیر دوست همنشین در انسان به اندازه‌ای است که حتی می‌توان از نوع دوستان یک نفر، به آسانی به خصوصیات اخلاقی وی پی‌برد.

تو اوّل بگو با کیان زیستی

پس آنکه بگویم که تو کیستی

ارتباط و همنشینی افراد با یکدیگر زمانی میسر است که اخلاق و رفتار و ویژگی‌های آنان یکسان و همسو باشد. بنابراین، اگر دو نفر از لحاظ اخلاق و رفتار متضاد باشند، هرگز مصاحب و همنشین نخواهند شد. سعدی می‌گوید: هر که با بدان بنشیند اگر طبیعت آنان در او اثر نکند، به طریقت ایشان متهم می‌گردد و اگر برای نماز خواندن به خرابات رود، به خمر خوردن منسوب شود.

رقم بر خود بنادانی کشیدی

که نادان را به صحبت برگزیدی

طلب کردم ز دانایی یکی پند

مرا فرمود: با نادان مپیوند

۱. فرقان، آیه ۲۸.

۲. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۰۷.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۲.

به تجربه ثابت شده، کسانی که با دوستان فاسدی همنشین بوده‌اند، عاقبت به انواع گناهان آلوده شده‌اند؛ زیرا آنها برای اینکه کمتر احساس گناه کنند و شریک جرم پیدا نمایند، سعی می‌کنند افراد دیگر را به سرنوشت غم‌انگیز خود گرفتار کنند. وقتی پای صحبت بسیاری از جوانان فاسد می‌نشینیم، درمی‌یابیم که عامل اصلی آلودگی خود را همنشینی با دوستان ناباب ذکر می‌کنند.

جوانی، به‌ویژه آغاز آن، زمان دوستی و دوست‌یابی است و جوان به شدت از دوستان خود تأثیر می‌پذیرد. در خارج از خانه و خانواده، دوستان بر ارزش‌ها و بینش‌های جوان تأثیر زیادی دارند. از آنجایی که روابط دوستانه جوانان، قوی‌تر و مؤثرتر از دیگر رده‌های سنی است، اهمیت گروه دوستان بیشتر می‌شود.

این ویژگی ایجاب می‌کند که والدین فرزندان خود را در انتخاب دوستان صالح یاری کنند و مهم‌تر اینکه خود برای او دوستی صمیمی باشند؛ آنها باید ضمن انجام دادن وظیفه پدری و مادری و انجام وظایف شرعی، دوستانی خوب و صمیمی برای جوانشان باشند و به گونه‌ای غیرمستقیم بر دوستان و دوست‌یابی فرزند خود نظارت کنند و ملاک‌های دوست خوب و اهمیت دوست و دوستی را برای جوانان بازگو کنند تا فرزندشان به وسیله دوستان مؤمن و مسجدی به آموزه‌های دینی از جمله مسجد علاقه مند شوند.

نکته درخور توجه این است که بسیاری از نمازگزاران که در سنین جوانی و نوجوانی قرار دارند، می‌توانند مبلغ عملی مسجد و نماز جماعت باشند و با بیان لذایذ معنوی، همسالان خود را به این امر ترغیب و تشویق کنند؛ زیرا جوانان در موقع ورود به مسجد اعمال خویش را ارزیابی می‌کنند و با دیدن همتایان خود در مسجد در تصمیم خود مصمم‌تر می‌شوند.

۴. امکانات و فعالیت‌های مسجد

گسترده‌گی فعالیت‌ها و امکانات مسجد از نقاط قوت آنهاست. روحیات و نیازهای جوانان با فضای سنتی مساجد که فقط مکانی برای برپایی نماز جماعت و مراسم‌های دینی است، تفاوت دارد. با توجه به ابزارها و شیوه‌های نوین فرهنگی،

امروز مساجد بدون امکانات و فعالیت‌های گوناگون و حساب شده، با سایر مراکز و ابزار به ظاهر فرهنگی قادر به رقابت نخواهند بود.

۴-۱- امکانات

با توجه به روحیات و فضای فرهنگی جامعه، مسجد برای جلب جوانان باید دو نوع امکانات داشته باشد: امکانات فرهنگی و امکانات ورزشی، مثل توپ و دروازه فوتبال، میز تنیس، راکد بدمینتون، فوتبال دستی، توپ و تور والیبال. اگر از طرف مسجد، مکانی برای ورزش جوانان در نظر گرفته شود یا با برنامه‌ریزی و هماهنگی هیئت امناء، جوانان مسجد امکان استفاده از امکانات ورزشی در سطح شهر را با تخفیف ویژه داشته باشند، بسیار خوب است. کانون فرهنگی، روزنامه‌ها و مجلات، کامپیوتر، کتابخانه، نوارخانه، بانک سی دی و ویدئو کلپ از امکانات فرهنگی مسجد است که با مدیریت صحیح می‌تواند برای مسجد درآمدزا نیز باشد و به توسعه امکانات فرهنگی کمک کند.

۴-۲- فعالیت‌ها

جوانان روحیات گوناگونی دارند. برخی به ورزش، برخی به هنر و برخی به نویسندگی و... علاقمند هستند. مسجد برای جلب جوانان، باید فعالیت‌های متعددی انجام دهد، تا بتواند هر گروه از جوانان را با یک شیوه خاص جلب کند. برخی از این فعالیت‌ها عبارت‌اند از:

برگزاری مسابقات

برگزاری مسابقات یکی از فعالیت‌های پردامنه و کم‌هزینه مسجد است که در صورت مدیریت صحیح درآمدزا نیز خواهد بود. به‌طور مثال، در ماه مبارک رمضان بعد از نماز جماعت و سخنرانی، در شب، مسابقات ورزشی برگزار شود. این نوع مسابقات با روحیه بیشتر جوانان سازگار است. برگزاری مسابقات خطاطی، نقاشی، نویسندگی، خاطره‌نویسی، عکاسی و طراحی

در موضوعی متناسب با مناسبت‌های مذهبی در رده‌های سنّی گوناگون مؤثر است. برخی از این مسابقات را می‌توان در سطح کلّ شهر و یا حتّی کشور برگزار نمود. حضور امام جماعت در هنگام برگزاری مسابقات یا اعلام نتایج در ایجاد و گسترش ارتباط او با جوانان مؤثر است.

همچنین، مسابقات حضوری به صورت پرسش و پاسخ در مسجد هنگام مراسم‌هایی که در مناسبت‌های مذهبی برگزار می‌شود، همراه با اهدای جوایز، قابل توجه است.

سفرهای زیارتی و سیاحتی

جوانان روحیه پرشور و بانشاطی دارند که در راه هدایت آنها باید از این روحیه استفاده نمود. مسافرت، ابزار مناسبی در این راستاست. مسافرت، علاوه بر اینکه سبب شادابی و طراوت روح و روان می‌شود، ابزار فرهنگی و تبلیغاتی مناسبی است که اگر مسئولان اردو به آن توجه کنند، بسیار مفید خواهد بود. البته در اردو و مسافرت‌های دسته‌جمعی جوانان از طرف مسجد که با حضور امام جماعت، برخی از اعضای هیئت امناء و جوانان متعهد مسجدی و سایر جوانان برگزار می‌شود، باید به نکات ذیل توجه و دقت شود:

مکان و محلّ اردو

مسئولان اردو باید مکانی را انتخاب کنند که فقط تفریحی یا فقط زیارتی نباشد، بلکه باید به هر دو جنبه توجه شود؛ به‌طور مثال مشهد مقدّس و مناطق جنگی جنوب، هم جنبه زیارتی دارد و هم جنبه سیاحتی.

زمان اردو

زمان برگزاری اردو و مدّت آن نیز در جهت‌دهی به محتوا و بار معرفتی آن مؤثر است. به‌طور مثال، برگزاری اردو در روز عرفه در مناطق جنگی جنوب، جهت برگزاری دعای عرفه مفید است؛ به‌طوری که اردو دو روز قبل از روز عرفه

آغاز و یک روز بعد تمام شود؛ یعنی اردو فقط مذهبی نباشد؛ بلکه تفریحی نیز باشد. همچنین، اردو برای زیارت مسجد مقدّس جمکران و برگزاری دعای توسّل در شب‌های چهارشنبه مؤثر است. در صورت موافقت جوانان، مسافرت برای دیدار با علما و عرفا نیز توصیه می‌شود.

نکات جانبی

گاهی ممکن است زمان و مکان اردو، همه اهداف مسئولان فرهنگی مسجد را برآورده نکند و یا اینکه به دلیل موقعیت خاصّ مسجد، نسبت به اماکن زیارتی و تفریحی، مشکلات اقتصادی، روحیات و انتظارات خاصّ جوانان، برگزاری اردو در زمان یا مکان مطلوب و ایده‌آل، ممکن نباشد. در این صورت توجه به مسائل حاشیه‌ای و ضمنی اردو، گامی بلند در راستای دستیابی به اهداف درازمدت و ارزشمند تربیت دینی است.

این مسائل، بدون اینکه سبب حساسیت جوانان حاضر در اردو شود، به‌طور غیرمستقیم، بسیاری از مفاهیم دینی را به جوانان منتقل می‌کند و فضای کلی اردو را دینی می‌نماید. به‌طور مثال، مسجد، در تابستان بعد از اتمام امتحانات، اردوی چند روزه در مناطق سرسبز شمال یا یکی از مناطق خوش‌آب‌وهوای نزدیک به شهر برگزار کند. این اردو از نظر زمان و مکان مذهبی نیست، ولی می‌توان فضای آن را دینی نمود. در این راستا توجه به نکات زیر لازم است:

۱- نام اردو بسیار مهم است و در جهت‌دهی کلی آن اثر می‌گذارد. به‌طور مثال، نام اردو «به رنگ سبز انتظار» یا «منتظران»، یا «سربازان جوان» و سایر مفاهیمی باشد که با فرهنگ مهدویت در ارتباط است.

۲- برگزاری مراسم دعا و پخش اذان، نماز جماعت، سخنرانی دینی و مسابقات کتبی و شفاهی با موضوعات احکام فقهی و مسائل عقیدتی بسیار مهم و مؤثر است.

۳- حضور امام جماعت در اردو و صحبت‌های موردی و شخصی با جوانان در

آگاهی از نظرات و بحران‌های جوانان مؤثر است. حضور سایر بزرگان مذهبی محل نیز مفید است.

۴- زمانی که جوانان در اتوبوس هستند، آوای مذهبی مثل نوار تواشیح، مدّاحی، مولودی خوانی، قرآن با صوت زیبا و مناجات‌نامه، البتّه با رعایت اعتدال پخش شود.

۵- از ابتدای اردو، به‌طور داوطلب هر کس قرائت تعدادی صلوات و چند جزء از قرآن را به نیت هدیه به محضر آقا امام زمان علیه السلام برعهده بگیرد.

۶- برای انجام کارهای اردو، گروه‌های گوناگونی تشکیل شود و هر کدام یک نام دینی داشته باشد. به‌طور مثال، گروه صداقت، جوانمردی، سلام، احسان، ایمان، توحید. همچنین، هر اتوبوس نامی با محتوای دینی داشته باشد. مثل نماز، امر به معروف و نهی از منکر، عفت و حرمت.

در یک کلام، اردو به سمتی پیش رود که علاوه بر بار معنوی و روحانی، سبب دل زدگی جوانان نشود و آنها خاطره خوبی از اردو داشته باشند.

مجله محلی

جوانان، توانایی‌ها و استعدادهای فراوانی دارند که استفاده بهینه و شکوفاسازی آن استعدادها در ایجاد اعتماد به نفس در جوانان و مبارزه با تهاجم فرهنگی بسیار مؤثر است. یکی از این امور که در پر نمودن اوقات فراغت و رشد علمی و اجتماعی جوانان بسیار مؤثر است، راه‌اندازی مجله محلی در مسجد است. این کار هر چند در ابتدا با مشکلات و نوسانات جدی رو به رو است، ولی اولین دستاورد آن، تداوم کار را تقویت می‌کند. این مجله با نویسندگی و همکاری همه اعضای مسجد، اعم از نمازگزاران، هیئت امناء، امام جماعت و جوانان محلّ، در موضوعات اجتماعی و محلی تدوین و چاپ شده و در خانه‌های محلّ توزیع می‌گردد. هر

یک از افراد، به‌ویژه جوانان با توجه به توانمندی و علاقه‌اش، قسمتی از کار را بر عهده می‌گیرد؛ البته بهتر است برخی مطالب توسط امام جماعت و هیئت امنای نوشته شود.

احکام فقهی، مسائل عقیدتی، تفسیر قرآن و روایات به صورت گذرا و جالب، شخصیت‌شناسی شخصیت‌های بزرگ دینی و ملی، مطالب مورد نیاز و علاقه جوانان با عنوان‌های جالب و متنوع مثل «پسرها نخوانند، دخترها بدانند»، مصاحبه با اعضای محلّ در رده‌های سنّی و اجتماعی مختلف، می‌تواند برخی از موضوعات مجله محلی مسجد باشد.

مهم‌ترین مشکل این طرح، مسائل اقتصادی و تأمین هزینه آن است؛ ولی این مسأله قابل حلّ است؛ زیرا از یک سو، می‌توان کمک‌های نقدی قابل توجهی را از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، امور مساجد و سازمان تبلیغات دریافت نمود و حتی می‌توان برای چاپ و نشر مجله، از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوّز دریافت کرد و از سوی دیگر، چون هیچ یک از مؤلفان، مبلغی را دریافت نمی‌کنند و با انگیزه اینکه در مجله خودشان مطلب می‌نویسند و اهل محلّ آن را می‌خوانند، پژوهش و نویسندگی می‌کنند، هزینه‌ها به حدّ اقل کاهش می‌یابد. به‌علاوه، جهت طراحي و تایپ مجله نیز به‌طور معمول، پایگاه‌های بسیج به کامپیوتر مجهّز هستند و با توجه به گستردگی مهارت‌های کامپیوتری، به خصوص تایپ، مشکل چندان‌ی وجود ندارد. گذشته از اینکه کامپیوترهای شخصی نیز فراوان است.

به‌طور خلاصه، همه اقدامات مجله باید بر اساس روحیه مشارکت و تعاون، به‌طور رایگان انجام شود؛ به این ترتیب باید از امکانات، حداکثر استفاده را نمود و هر کس را به اندازه توانایی‌اش در این امر شرکت داد. در صورتی که موارد فوق محقق نگردد، تهیّه مجله محلی مسجد با مشکلات جدّی رو به رو می‌گردد.

یکی از مهم‌ترین ابعاد مسجد، مسائل آموزشی آن است. هرچند غالب جوانان از درس و کلاس گریزان هستند، ولی برگزاری برخی کلاس‌های آموزشی مورد علاقه جوانان در جلب آنان مؤثر است.

کلاس‌های آموزشی، ورزشی و هنری، علاوه بر اینکه به امکانات زیادی احتیاج ندارد، مورد علاقه و اشتیاق جوانان است. این کلاس‌ها را می‌توان در رشته‌های خیاطی، گل‌دوزی، گل‌سازی، هنرهای دستی، خطاطی و نقاشی و طراحی، عکاسی، فیلم‌برداری و ورزش‌های رزمی برای خانم‌ها و آقایان برگزار نمود. برای افزایش سطح کمی و کیفی کلاس‌ها، هیئت امنای باید با بخش آموزش فنی و حرفه‌ای وزارت آموزش هماهنگی لازم را به عمل آورد.

برگزاری برخی کلاس‌های کمک‌درسی، آموزش زبان و کامپیوتر در مسجد و یا خارج مسجد، ولی با برنامه‌ریزی و هماهنگی مسجد نیز ممکن است.

۶- بهادان به جوانان

ستایش‌خواهی و جلب توجه، دو نوع از خواسته‌های جوانان در عرصه ذهن و عاطفه است. بنابراین، بهادان به جوانان عامل مهمی در راستای تأمین خواسته و جلب توجه آنان به مسجد است. البته این به معنای اختیارات زیاد و غیرمنطقی جوانان و یا پذیرش هر نوع نظر و سلیقه آنها نیست.

به هر حال، احترام و بهادان به شخصیت جوان و مسؤولیت‌دادن به او از شیوه‌های مهم تربیتی شمرده می‌شود. جوان، با همه مشکلات و واقعیات دوره جوانی، برای ایفای نقش و انجام مسؤولیت‌های مختلف توانایی بسیار دارد. عدم اعتماد به جوان و بی‌توجهی به توانایی‌های وی، مانع شکوفایی استعدادهاست و در نتیجه، به عدم رشد مطلوب جوان می‌انجامد. به‌طور کلی، علاوه بر مطالب فوق، دیگر مصادیق احترام و بهادان به جوانان عبارت‌اند از:

عضویت در هیئت امنای مسجد

هیئت امناء، هیئت مدیره مسجد است که همه فعالیت‌های مسجد را سمت و سو می‌دهد. بنابراین، عضویت یکی از جوانان متعهد و مؤمن مسجدی در هیئت امناء به نوعی بها دادن به جوانان است. این اقدام باید سبب ایجاد رقابت سازنده میان جوانان، برای به دست آوردن این پست باشد.

مشورت و نظرخواهی از جوانان

شایسته است بزرگ ترها، اعضای هیئت امناء و امام جماعت، برای فعالیت‌های گوناگون مسجد، نظر جوانان را جویا شوند و در صورت امکان، پیشنهادهایشان را اجرا کنند. این اقدام، سبب خودباوری و احساس شخصیت در جوانان می‌شود. آنان، از اینکه می‌بینند با آنان مشورت می‌شود و نظرهایشان در تصمیم‌گیری‌های مسجد اثر دارد، خوشحال هستند و مسجد را از خود می‌دانند. در نتیجه، پیوسته در مسجد حاضر خواهند شد.

واگذاری فعالیت‌های مسجد به جوانان

نظر به اینکه جوانان مشتاق هستند در فعالیت‌های گروهی و جمعی شرکت نمایند و در این ارتباط به آنان بها داده شود، لازم است از آنان در انجام کارهای مسجد، نظیر پی‌گیری فعالیت‌های عمرانی و فرهنگی دعوت به عمل آمده و آنان را در این ارتباط ترغیب و تشویق کنند. به عنوان مثال، پی‌گیری انجام برنامه اعتکاف در یک مسجد توسط جوانان صورت گیرد. موضوع ثبت‌نام را به آنان واگذار کرده و در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها نظرات آنان نیز خواسته شود یا آنان را برای پی‌گیری نیازهای فرهنگی مسجد به ادارات تبلیغات اسلامی و اوقاف و امور خیریه روانه سازند یا برای مثال، در یک مراسم، برنامه‌پذیرایی بر عهده جوانان باشد. در هر صورت، باید به آنها بها داده شود و همچون بزرگان از مشارکت‌های آنان در فعالیت‌های مسجد استفاده گردد. این اقدام با روحیه پرشور و نشاط جوانان تناسب دارد و سبب جلب و جذب جوانان به مسجد می‌شود.

۷- تبلیغات دینی

امروز تبلیغات در انتقال، ترویج و حتی ایجاد یک فرهنگ در جامعه، نقش مهمی دارد. با توجه به جنبه‌های روانی و احساسی تبلیغات و اثرپذیری و روحیات جوان، به نظر می‌رسد با تبلیغات هوشمندانه دینی، بتوان جوانان را در مسیر دین‌داری و مسجد ثابت قدم نگاه داشت. در این باره بیان چند نکته لازم است: الف) در فضاهای آموزشی، همچون دبیرستان‌ها و مدرسه‌ها، زمینه مناسبی برای تبلیغات دینی وجود دارد. نصب پوستره‌های رنگی و جذاب در قالب اطلاع‌رسانی، شیوه تبلیغاتی مناسب به شمار می‌آید. پخش جزوه و بروشور درباره مسجد در میان دانش‌آموزان نیز مفید به نظر می‌رسد. ب) نصب پلاکاردهای زیبا، درباره فضیلت و آثار مسجد و نماز جماعت در مکان‌های حضور جوانان، همچون میدان‌های ورزشی، قابل توجه است. ج) پخش نوار مناجات از مسجد پیش از اذان و نماز و آماده‌سازی فضا، برای برگزاری نماز نیز از راه‌های تبلیغات دینی هستند.

۸. دعوت از شخصیت‌های موجه و محبوب جوانان

انسان در مراحل گوناگون زندگی خویش به الگو نیاز دارد؛ زیرا با افزایش سن و تجربه‌های ذهنی، تقلید به صورت آگاهانه صورت می‌گیرد و در حیطه اراده قرار می‌گیرد. در این حال، فرد می‌کوشد خود را با شخص یا اشخاصی که افرادی قابل قبول هستند، همسانی کند و نگرش‌ها و ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی آن فرد یا اشخاص را برای خود سرمشق قرار دهد.^۱ یکی از خواسته‌های اجتماعی جوانان، الگوپذیری است. آنان در جامعه، خواستار کسانی است که در رفتار و گفتار برای آنان الگو باشند.^۲ هیئت‌امنا باید شخصیت‌های محبوب جوانان را در سطح شهر شناسایی کرده و آنان را به مسجد دعوت کند تا در جمع نمازگزاران حاضر شوند یا اینکه اگر شخصیت برجسته و توانایی است، مراسم سخنرانی برای او تشکیل دهند. این

۱. اسحاقی، سیدحسین، سلوک علوی، ص ۶۷-۶۸.

۲. قائمی، علی، جوان از دیدگاه نیازها، خواسته‌ها و مصالح، ص ۴۹.

کار با مشورت و همکاری خود جوانان امکان پذیر است. برای مثال، معلمان و مدیران به مسجد فراخوانده شوند. این کار باید از نظر تبلیغاتی و فرهنگی به خوبی پوشش داده شود. برای مثال، با نصب پلاکارت در مقابل در مسجد به مدیر دبیرستان خیر مقدم گفته شود.

به‌طور کلی، دعوت از هنرمندان، ورزشکاران و دیگر شخصیت‌های محبوب جوانان، برای حضور در میان نمازگزاران، حرکت مثبتی است که چگونگی آن را موقعیت جغرافیایی مسجد و سطح فرهنگی محل تعیین می‌کند.

۹. توجه به شکل ظاهری مسجد

از آنجا که طبع جوانان، پاک و آرام است، به مکان‌های پاکیزه، آرام، جذاب و دلپذیر بیشتر گرایش پیدا می‌کنند و از مکان‌هایی که از پاکیزگی لازم برخوردار نیست، دوری می‌کنند. از این رو، برای جذب آنان به مساجد باید این مکان‌ها را آراسته و پاکیزه نمود. فرش‌های مسجد باید تمیز و پاکیزه باشند. روشنایی مسجد در حد مطلوب باشد. نمازگزاران با لباس‌های پاکیزه و بوی خوش وارد مسجد شوند. مسجد از آرامش لازم برخوردار باشد. به مسائل دنیوی کمتر پرداخته شود و بیشتر مسائل اخروی مورد اهتمام قرار گیرد. مؤمنان به یکدیگر احترام گذاشته و همدیگر را به صبر، شکیبایی و خصلت‌های نیکو سفارش کنند. مسجد، همواره معطر و خوشبو و از رنگ‌آمیزی شادی برخوردار باشد. رنگ‌ها علاوه بر آثار و ابعاد عرفانی، از نظر روحی و روانی نیز بر افراد اثر داشته، سبب نشاط یا خمودگی می‌گردند.

یکی از اندیشمندان در مورد تأثیر رنگ‌ها می‌گوید: رنگ‌ها در هنر، جنبه‌ای کیمیایی دارد و آمیختن آنها، خود یک هنر، مشابه کیمیای است... هر رنگ دارای تمثیل خاص خود است... همچنین، هر یک دارای رابطه‌ای با یکی از احوال درونی انسان و روح اوست...^۱

۱. معماری مسجد، ج ۲، مجموعه مقالات دؤمین همایش بین‌المللی معماری مساجد، افق آینده، ص ۴۴۷ به نقل از تفسیرالمیزان، ج ۲، ص ۲۹۷ به نقل از ایران، پل فیروزه، حسین نصر.

تأثیر روانی رنگ به حدّی است که می‌توان به زبان ریاضی و قوانین علم فیزیک و با اندازه‌گیری میزان تشعشعات آنها تأثیر هر رنگی را سنجید. علاوه بر این تأثیر، قدرت نمادین رنگ‌ها قابل توجه است.

رنگ در، دیوار، فرش، سجاده و پارچه‌ها و پرچم‌هایی که بر دیوار نصب می‌شود، باید به رنگ‌های روشن، شفاف و شاد باشد تا سبب طراوت و شادابی محیط گردد. متأسفانه امروز در بیشتر مساجد به این عامل توجه نمی‌شود. همچنین، یکی از عواملی که سبب شور و نشاط بیشتر محیط می‌شود، نحوه برخورد مسجّدیان و نمازگزاران است. در این برخوردها باید علاوه بر رعایت احترامات اجتماعی، طراوت و سرزندگی خاصی موجود باشد و در قالب برخوردهای خشک، مقدّس‌نمایی و تعصّب‌گرا و پیرپسندانه خلاصه نگردد. به خاطر داشته باشیم که جوان با مشاهده این برخوردها در مورد حضور یا عدم حضورش در مسجد تصمیم می‌گیرد.

۱۰. بیان مباحث مورد نیاز جوانان در مسجد

جنبه آموزشی و معرفتی مسجد، یکی از مهم‌ترین جنبه‌های آن است. شبهات فکری و دینی فراوانی در ذهن جوانان نقش بسته است و آنان را به دنبال مکان‌هایی می‌کشاند که به شبهات‌شان پاسخ دهد. با راه‌اندازی گفتمان‌های دینی در مساجد و دعوت از استادان مجرب برای این منظور، جوانان حضور فعال‌تری در مساجد پیدا خواهند کرد و زمینه پاسخ به سوالات آنان فراهم خواهد شد و این امر موجب افزایش توان تحلیل آنان در مباحث اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی شده و احساس شخصیت را در آنها جدّی‌تر می‌کند؛ بدین ترتیب، حضور آنان در مساجد پررنگ خواهد شد. پس، نیاز است که در مساجد بیش از پیش جلسات گفتمان و مشاوره دینی تشکیل شود و هیئت امناء و امام جماعت با جلسه‌های ویژه‌ای برای جوانان، مطالبی را بر اساس نیازها و پیشنهادهای آنان مطرح کنند؛ به عنوان مثال، برخی از مسائل مرتبط با اقشار جوان عبارت‌اند از: مسائل بلوغ، روابط دختر و پسر، ازدواج، تحصیل، بررسی آثار تحصیل و تربیتی

نماز، نقش نماز در زندگی زوج‌های جوان و عشق مجازی یا حقیقی و...

۱۱. توجّه به پیش‌نیازها

حضور در مسجد، یک رفتار دینی است که مستلزم برخی پیش‌نیازهاست و بدون تحقق آنها، نمی‌توان انتظار داشت که جوانان در مسجد حاضر شوند. بر این اساس، گاهی اوقات مشاهده می‌شود با وجود اینکه مسجد محل از نقاط قوّت زیادی برخوردار است، ولی برخی جوانان به مسجد جلب نشده‌اند! جوانی که اوقات خود را با تماشای فیلم‌های مبتذل و سیر در اینترنت و کافی‌نت‌ها می‌گذارند، اعتقاد راسخ و حقیقی به مبدأ و معاد ندارد، اهل نماز نیست، از هر راهی کسب و کار می‌نماید، دل‌بسته دنیا و مظاهر آن است، دین‌داری را نشانه عقب‌ماندگی فکری و فرهنگی می‌داند، با موانع شناختی و رفتاری مواجه است که حضور او در مسجد تنها پس از رفع این امور میسر می‌شود.

۱۲. ترغیب و تشویق

تشویق، یکی از مهم‌ترین ابزار تربیتی است که برای برانگیختن و شکوفاسازی استعداد‌های انسان برای رسیدن به کمال، قابل بهره‌گیری است. نقش تربیتی و مثبت تشویق این است که نیروهای خفته آدمی را برمی‌انگیزاند و میل به تلاش و شادابی را فراهم می‌سازد. تشویق باید بجا، متناسب و متوازن با میزان و نوع عمل باشد و روحیات، گرایش‌ها و شخصیت فرد در نظر گرفته شود تا بیشترین تأثیر را در وی داشته باشد.^۱

تشویق، با دو خواسته جوان، هم‌خوانی کامل دارد: جوان ستایش‌خواه است و می‌خواهد جلب توجّه کند. جوان شیفته تحسین و تمجید است و به ستایش‌ها دل می‌بندد و حاضر است خود را فدای کسی کند که صلاحیت و شایستگی او را تأیید کرده یا به بیان توانایی‌هایی او پرداخته است. او برای جلب توجّه دیگران حتی به عوامل زبان‌بخشی همچون سیگار روی می‌آورد تا بتواند خود

۱. اسحاقی، سیدحسین، سلوک علوی، صص ۱۵ - ۱۱۸.

را نشان دهد.^۱

تشویق جوانی که در مسجد حاضر شده، به گونه‌ای که با شخصیت و روحیات او موافق باشد، پاسخی به خواسته‌های درونی او در زمینه ذهن و عاطفه‌اش است که دوام حضور او و آغاز حضور دیگر جوانان را نوید می‌دهد. با توجه به روحیات جوان، این تشویق نباید طوری باشد که نتیجه عکس داشته باشد؛ به عبارت دیگر، تشویق مستقیم، این توهّم را در تشویق کننده ایجاد می‌کند که جوانان در مقابل ارزش‌های مادی واکنش می‌دهند و جذب می‌شوند، در حالی که شاید این گونه نباشد؛ بنابراین، تشویق‌ها باید غیرمستقیم و تا حدّ امکان در مقابل انجام کاری باشد.

با توجه به روحیات جوانان، راه‌های زیر برای تشویق آنها در مسجد توصیه می‌شود:

معرفی جوان نمونه

مناسب است جوان نمونه در طول هفته یا ماه یا فصل یا سال برگزیده و معرفی گردد. این معرفی به شکل اعلام در تابلو اعلانات یا در ضمن برنامه‌های مسجد، در مناسبت‌های مذهبی امکان پذیر است. شایسته است قبل از اعلام، امام جماعت در مورد اهمیت جوان و جوانی در اسلام صحبت کند و از جوانی ائمه اطهار علیهم‌السلام و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یا علما و عرفا، حکایتی را نقل نماید. سپس هدیه‌ای به رسم یادبود به جوان نمونه تقدیم شود.

جایزه ویژه

برخی جوانان در مدت خاصی پا به مسجد گذاشته و در آن ثابت قدم می‌شوند. بهتر است این فرصت را غنیمت شمرده و برای تداوم حضور او جایزه ویژه‌ای را تهیه نمود. به‌طور مثال، جوانی در ماه رمضان، در مراسم نماز جماعت، سخنرانی دینی، دعا، نیایش و مراسم شب‌های قدر به‌طور منظم و فعال حضور

^۱. رک: قائمی، علی، جوانان از دیدگاه نیازها، خواسته‌ها و مصالح، ص ۴۲ و ۴۴.

داشته است! بهتر است چنین فردی در عید فطر در میان نمازگزاران نماز عید، مورد تشویق قرار گیرد و به عنوان جوان نمونه، معرفی شود.

۱۳. نظم و برنامه‌ریزی مسجد

مسجد باید منظم باشد. معلوم باشد چه ساعتی در مسجد باز و چه ساعتی بسته می‌شود تا مردم سرگردان و بلا تکلیف نباشند. متأسفانه بیشتر مساجد کشور فقط در مدت محدود نماز باز بوده و نقشی در اجتماع و حل معضلات فرهنگی و اجتماعی ندارند.

در همه برنامه‌های مسجد، باید نظم برقرار باشد. نکته شایان توجه این است که مسجد برای هر سلیقه و جمعیتی باید برنامه مناسب داشته باشد. برای کودکان، بزرگسالان، دانشجویان، جوانان و... باید برنامه خاصی داشت. برنامه دعا برای آنها که اهل دعا هستند، کتابخانه و سالن مطالعه برای آنها که اهل کتاب و مطالعه هستند و برای جوانان آنچه مناسب سلیقه جوانان است، برنامه‌ریزی شود.

۱۴- تقویت پایگاه‌های بسیج

بسیاری از جوانان از مراکزی که ماهیت دینی دارند و به قصد تغییر و تأثیر بر جوانان فعالیت می‌کنند، استقبال نمی‌کنند. جوانان از محیط‌های خشک و رسمی، با قوانین متعدد، چندان راضی نیستند و مکانی را می‌طلبند که در آن آزاد باشند. با توجه به فضا و محتوای با نشاط بسیج، به نظر می‌رسد، محیط جوان‌پسندانه بسیج، در جلب جوانان به مسجد مؤثر باشد. در بسیاری از موارد، جوانان ابتدا جذب بسیج و سپس در مسجد حاضر می‌شوند؛ از این رو، شایسته است که پایگاه‌های بسیج از جهت امکانات و موقعیت تقویت گردد تا زمینه‌های بیشتری را برای جلب و هدایت جوانان به وجود آورند.

۱۵- ایجاد تشکیلات مخصوص جوانان

مسجد برای جلب جوانان، می‌بایست اقدامات گوناگونی را در جنبه‌های مختلف انجام دهد. برای هر چه بهتر انجام شدن این اقدامات باید دفتری به نام دفتر جوانان در مسجد تشکیل شود تا اقدامات گوناگون در مورد جوانان را به‌طور منسجم، هدایت و سرپرستی نماید. مسئول این دفتر بهتر است همان جوان متعهد و مسجدی باشد که عضویت هیئت امناء را دارد.

تشکیل چنین دفتری، این احساس را در جوانان تقویت می‌کند که مسئولان مسجد، به جوانان احترام می‌گذارند و برای آنها جایگاهی در مسجد تعریف شده است.

این دفتر، برنامه‌ریزی و اجرای کلیه امور فرهنگی، آموزشی و عبادی جوانان را برعهده دارد و پاسخگوی جوانان مراجعه‌کننده خواهد بود. در تابلو اعلانات این دفتر اطلاعیه‌ها و نکاتی مربوط به ویژگی‌ها، نیازها، چالش‌ها، آسیب‌ها، مصلحت‌ها و امور مشاوره‌ای جوان قابل نصب است. تنظیم و نشر بروشور در مورد جوانان از دیگر اقدامات این دفتر است.

« نتیجه سخن

جوانان به عنوان آینده سازان جامعه اسلامی از بزرگ‌ترین سرمایه‌ها به شمار می‌روند و تلاش در جهت توسعه آگاهی‌های دینی آنان از اهمیت به سزایی برخوردار است. اگر میزان معرفت جوانان به آموزه‌های دینی و معارف دین از رشد و نمو مطلوبی بهره‌مند باشد، شخصیت دینی آنان به گونه‌ای شایسته شکل خواهند گرفت و هنگام ورود به جامعه اسلامی، تأثیر به سزایی در آن جامعه پدید خواهند آورد؛ اما اگر از تربیت دینی لازم برخوردار نباشند، زمینه اصلاح جامعه فراهم نخواهند شد. مسجد، به عنوان یکی از مکان‌های مقدّس که کانون انسان‌سازی است، می‌تواند شخصیت جوان را مطابق آموزه‌های دینی بارور سازد و روح خداجویی و عدالت‌خواهی را در اعماق وجود آنان ریشه‌دار سازد. از این رو، لازم است راهکارهای جذب جوانان و هدایت آنان به مساجد، شناسایی و مورد اهتمام قرار گیرد تا به تدریج زمینه‌های حضور فعال‌تر جوانان در مساجد فراهم شود. نکته شایان توجه این است که بر اساس آمارهای موجود پس از انقلاب، میزان رشد جمعیت جوان و نوجوان کشور «در شهرها ۱۰۹ درصد و در روستاها ۶۳ درصد» بوده است. بنابراین، اکنون جمعیت کثیر جوانان، بخش بزرگی از مخاطبان دستگاه‌های فرهنگی، مذهبی و تربیتی کشور را در برمی‌گیرد. شعار جوان‌گرایی در سال‌های اخیر در قالب مسائل مختلف بسیاری گفته شده و به دلیل عمل نشدن به آن، دلزدگی جوانان را در پی داشته است. از این رو، در این مورد باید تلاش بر این باشد که همان مباحث با همان رویکرد شکل‌نگیرد و جذب جوانان به مساجد با تمامی ابزارهای مادی و معنوی دنبال شود تا مبادا دشمن از این فرصت سوء استفاده کرده و جوانان را در چنگال خود گیرد. هم‌اکنون با گسترش وسایل ارتباط جمعی و تنوع اهرم‌های مورد استفاده غرب، این تهدید وجود دارد که جوانان ساده‌دل به راحتی جذب امیال دنیوی شوند. امروز بیرون آوردن جوانان از محیط بسته خانه و جذب آنها به بطن جریان‌های اجتماعی و دینی برای حضور در مساجد، از مهم‌ترین کارها به شمار می‌رود تا شاهد جوانان خواب‌آلود و چشم‌دوخته به صفحه مانیتور رایانه نباشیم؛ حتی

می‌توان این تهدید را به فرصت تبدیل کرد و از این وسایل علیه مقاصد غرب استفاده کرد. این مهم در صورتی عملیاتی می‌شود که مساجد و وعّاظ و ائمه جماعات و جمعه خود را به علوم روز مجهز کرده و تلاش کنند که از همین وسائل برای جذب جوانان استفاده کنند.

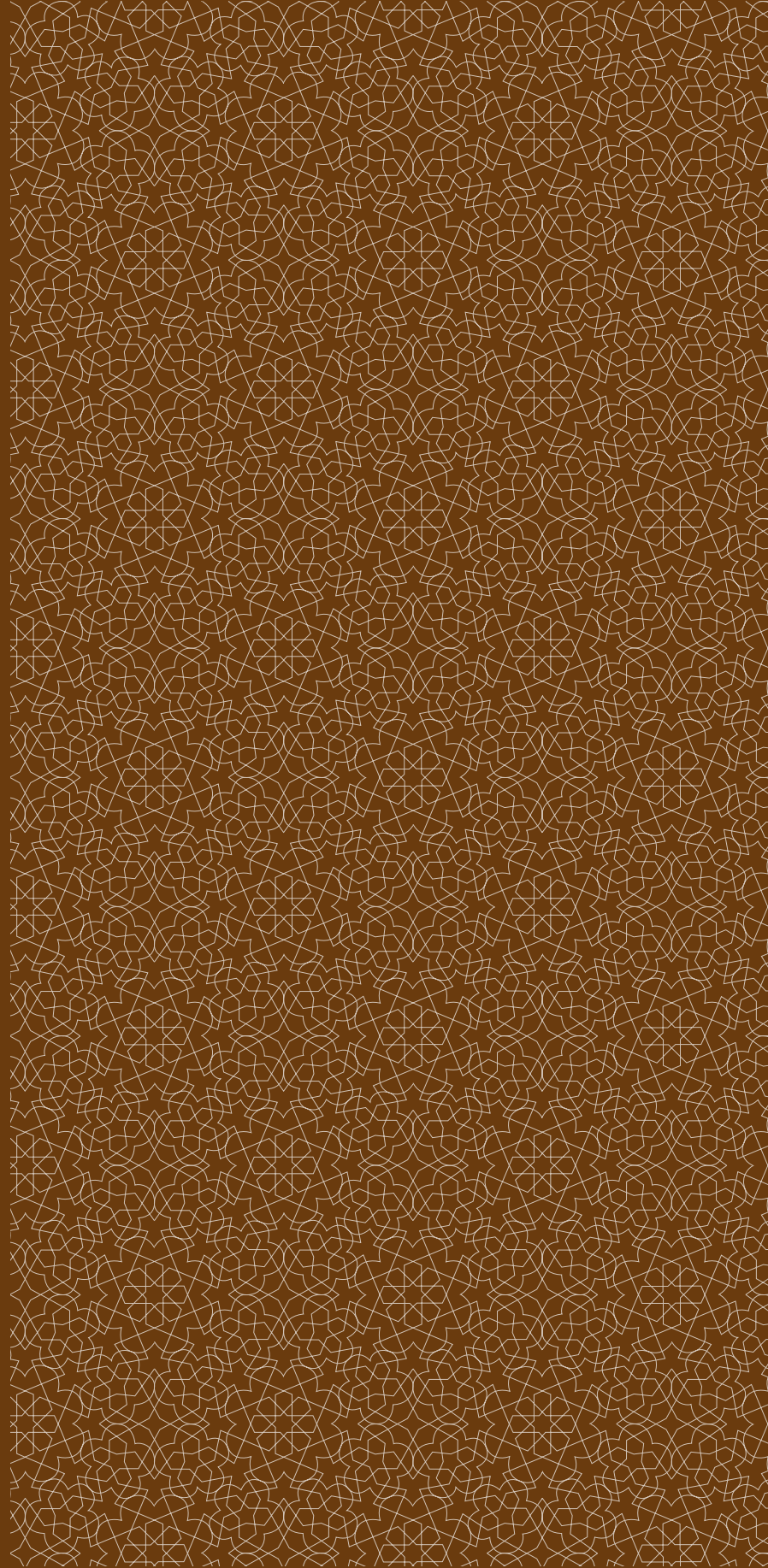
به هر تقدیر، باید گفت روح حقیقی مسجد که همه زیبایی‌ها را در خود دارد، هنوز به‌طور کامل، در معرض دید جوانان قرار نگرفته است. روش‌های جذب در ایجاد گرایش، به کار گرفته نشده و مسجد با سابقه نزدیک به ۱۵ قرن و با گذشت بیش از سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، هنوز از رونق شایسته و بایسته‌ای که در خور این مکان مقدّس باشد، برخوردار نیست.

جوان، همواره عاشق خلاقیت و نوآوری بوده و مسائل جدید او را به سرعت جذب می‌کند. اقدامات ابتکاری، به خصوص اقداماتی که در صدد رفع موانع حضور جوانان در مسجد است، می‌تواند شاه‌کلید جذب آنان به مساجد بوده و برای این مأمّن دینی، پویایی را به ارمغان آورد.

« منابع و مأخذ

- « قرآن کریم
« شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه فی تحصیل مسائل الشریعه، قم، مؤسسه آل‌البتیت (ع.ک)، ۱۴۰۹ هـ.ق.
- « آمدی، عبد الواحد، غررالحکم، تهران، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ هـ.ش.
« نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل‌البتیت (ع.ک)، ۱۴۰۸ هـ.ق.
« شرفی، محمدرضا، دنیای نوجوان، تهران، مؤسسه انتشارات تربیت.
« _____، جوان و بحران هویت، تهران، سروش، چاپ دوم، ۱۳۸۰ هـ.ش.
« گروه نویسندگان، ترجمه: دکتر احمد به‌پژوه و دکتر رمضان دولتی، روان‌شناسان بزرگ، تهران، مؤسسه انتشارات تربیت، چاپ دوم.
- « مکاتب و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت، انتشارات رشد آموزش و پرورش برای آینده، کارشناسان یونسکو، ص ۱۲۲، مرکز تحقیقات آموزشی، چاپ اول، ۱۳۷۰ هـ.ش.
« هورنای کارن، تضادهای درونی ما، ترجمه: محمدجعفر مصفا، انتشارات بهجت، چاپ پنجم، ۱۳۶۴ هـ.ش.
- « قائمی، علی، جوان از دیدگاه نیازها، خواسته‌ها و مصالح، تهران، دفتر مشاور رئیس سازمان صدا و سیما در امور جوانان، ۱۳۷۹ هـ.ش.
- « موحدنیا، فریدون، عوامل گرایش نوجوانان و جوانان به فرهنگ بیگانه، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۸۲ هـ.ش.
- « معماری مساجد، مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی معماری مساجد، تهران، افق آینده، دانشگاه هنر، چاپ اول، ۱۳۸۰ هـ.ش.
- « اسحاقی، سیدحسین، سلوک علوی، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۸۱ هـ.ش.

فصل سه:
مدیریت مسجد



مدیریت مسجد؛ مبانی، مبادی و ضرورت‌ها

سید عبدالله حسینی

چکیده

مسجد، قلب تپنده جامعه اسلامی است که در آن، هم دین و هم اجتماع مسلمانان تبلور می‌یابد. بر این اساس، شایسته است که هنگام بحث درباره مدیریت مسجد، از مدیریت ویژه سخن گفت. مبحث مدیریت مسجد، با توجه به گستردگی مساجد و کاربردی بودن آنها و نیاز مبرم به شیوه‌هایی که باعث افزایش کارایی مساجد شود، ضروری است. نگارنده برای تبیین موضوع پژوهش، در پنج فصل سخن گفته است: در فصل اول، ضرورت مدیریت مسجد و مبانی مدیریت مسجد را بررسی کرده است. در این فصل، هدف اصلی تبیین پیش‌فرض‌ها و اهمیت مدیریت مسجد بود تا با آگاهی و شناخت کافی از جوانب موضوع و اهمیت آن، به بررسی موضوع مدیریت مسجد پرداخته شود. در فصل دوم، وی به تشریح مبانی دیدگاه‌های مختلف در مدیریت مسجد پرداخت. مبنای بحث این بود که داده‌ها، تجربیات و دانش مدیریت، در مدیریت امور مسجد بیشتر در سطح نظری تطبیق کند؛ البته آنچه بیش از همه در مدیریت مسجد اهمیت دارد، کاربردی کردن این داده‌ها، تجربیات و دانش است که در حقیقت، فن مدیریت است، نه دانش مدیریت. در فصل سوم، نگارنده مبادی مدیریت مسجد را مورد بحث قرار داد و در این راستا به تبیین پیشینه و جایگاه دانش مدیریت، مفهوم مدیریت و اصول و قواعد مدیریت پرداخته است. در فصل چهارم، ارکان مدیریت مسجد بحث شد. ارکان مدیریت، در هر موضوعی می‌تواند با تفاوت‌هایی همراه باشد. در مدیریت مسجد، باید این ارکان مدیریت لحاظ گردد و از بُعد نظری تبیین و در عمل و اجرا تطبیق داده شود. در فصل آخر، نگارنده ظرافت‌های مدیریت مسجد و مباحثی مانند تفاوت مدیریت در مسجد با مدیریت در سایر بخش‌ها، ساختار مدیریت مساجد، سطوح مدیریت مسجد،

الگوهای سازمان مدیریت مساجد، الگوهای مدیریت اجرایی مساجد و شیوه
مطلوب و شرایط توفیق مدیریت مسجد را بحث نموده است.

واژگان کلیدی:

ضرورت مدیریت مسجد، مبانی مدیریت مسجد، مبادی مدیریت مسجد، ارکان
مدیریت مسجد، وظایف مدیر مسجد، اهداف غایی مسجد، اهداف عملیاتی
مدیریت مسجد، ساختار مدیریت مساجد، الگوهای سازمان مدیریت مساجد،
شیوه مطلوب مدیریت مسجد.

رشد و تکامل جوامع بشری، از یک سو باعث سرعت حرکت جامعه و از سوی دیگر، باعث گستردگی و پیچیدگی مسائل آن شده است. این دو واقعیت به نوبه خود، مسئله ضرورت تقسیم وظایف و همچنین ضرورت مدیریت مسائل جامعه را به وجود آورده است. می‌توان گفت که بین سطح توسعه یک جامعه و گستردگی و پیچیدگی مسائل آن رابطه مستقیمی وجود دارد؛ چنان که بین توسعه و پیچیدگی و ضرورت تقسیم وظایف و مدیریت رابطه مستقیمی وجود دارد. در گذشته ساختار جوامع، ساده و ابتدایی بود و به همین دلیل، در بسیاری از امور اجتماعی، نیازی به مدیریت نبود. بسیاری از امور به‌طور عادی توسط افراد انجام می‌شد. به عنوان مثال، در گذشته چیزی به عنوان شهرداری وجود نداشت و خدمات شهری متولی خاصی نداشت؛ اما در جوامع امروزی شهرداری و خدمات شهری یک امر اجتناب‌ناپذیر است. اگر چند روزی این امر مختل شود، شهرها غیرقابل سکونت می‌گردند. در بسیاری از امور اجتماعی بین جوامع قدیم و جوامع جدید چنین تفاوت‌هایی وجود دارد. در جامعه امروزی مدیریت و تولید امور در تمام جوانب زندگی جمعی فراگیر شده است. در دنیای امروزی، مدیریت در تمام جوانب زندگی اجتماعی امری اجتناب‌ناپذیر است و دانش مدیریت از دانش‌های جدیدی است که به سرعت رشد کرده و در طی حدود یک قرن با توجه به کاربردی بودن آن و تفاوت شیوه‌ها و الگوهای مدیریتی، با توجه به موضوعات مختلف زندگی اجتماعی، دارای شاخه‌های بسیاری شده و روز به روز با مطرح شدن موضوعات جدید گسترده‌تر می‌شود. شاید بتوان گفت که هر موضوعی می‌تواند دارای ضوابط و فنون و شیوه‌های خاصی برای مدیریت باشد. موضوع مسجد هم از موضوعاتی است که شایسته است درباره آن، از مدیریت ویژه سخن گفت و با توجه به گستردگی مساجد و کاربردی بودن آنها و نیاز مبرم به شیوه‌هایی که باعث کارایی بیشتر مساجد می‌شود، ضروری است که درباره مدیریت مسجد، پژوهش‌های راهبردی صورت بگیرد و نتایج آن به همراه تجربه‌های افراد موفق به عنوان اصول و قواعد مدیریت مسجد

تدوین و در اختیار امامان جماعت مساجد قرار گیرد، با توجه به این مهم،
نوشتار حاضر تلاشی در همین راستا می باشد.

« فصل اول: ضرورت و مبانی مدیریت مسجد

۱-۱) ضرورت مدیریت مسجد

هدف از بحث مدیریت در هر حوزه‌ای، تعمیم آگاهی‌ها و تجربه‌های مدیریتی است. در مدیریت مساجد که به عنوان گسترده‌ترین اماکن مذهبی مطرح هستند هدف، گسترش آگاهی‌هایی درباره بهره‌وری بهتر و بیشتر از مسجد است. دلایل فراوانی در خصوص ضرورت مدیریت مسجد در عصر حاضر وجود دارد که به برخی از این امور به صورت گذرا اشاره می‌کنیم:

۱-۲) دنیای امروز و ضرورت مدیریت مسجد

دنیای امروز از بسیاری جهات متفاوت از دنیای گذشته است. در گذشته مرزهای جغرافیایی باز و مرزهای فکری و فرهنگی بسته بود، ولی امروز برعکس است؛ از مرزهای جغرافیایی با موانع و حفاظ‌های بسیاری محافظت می‌شود، ولی مرزهای فکری و فرهنگی، بسیاری از حفاظ‌های خود را از دست داده است. در دنیای امروز، تعامل فرهنگی امری طبیعی و غیرقابل اجتناب است و در این تعامل، غلبه با فرهنگ‌ها و افکاری است که از ابزارهای توانمندی بهره می‌گیرند. دفاع فرهنگی همانند دفاع زمینی به توانایی و مدیریت نیازمند است و تا مدافعان نیرومند نباشند و به ابزارهای دفاعی کارآمد عصر مجهز نباشند، دفاع کار ساز نیست و تا مدیریت دفاعی وجود نداشته باشد باز هم دفاع کارآمد نیست. به عبارت دیگر، سیاست دفاعی گرفتن نیز کارآمد نیست و باید سیاست تهاجمی گرفت؛ چون در سیاست تهاجمی، هدف پیروزی است و در سیاست دفاعی، هدف جلوگیری از شکست است. در گذشته، جهان به اجزای مجزا از هم تقسیم شده بود که روابط بین اجزا محدود و کنترل شده بود. پدیده جهانی شدن در عصر کنونی، چهره متفاوتی از دنیای جدید ارائه کرده است. در این پدیده روابط بین جوامع و تأثیر گذاری جوامع بر یکدیگر و تأثیر پذیری آنها از همدیگر بسیار گسترده و سریع شده است.

در چنین شرایطی، برای دفاع و جلوگیری از شکست، باید تأثیر پذیری را به

حداقل رساند و برای پیروزی، باید تأثیرگذاری را به حداکثر رساند. چنین چیزی فقط در سایه مدیریت فرهنگی جامعه میسر است. در عصر حاضر جوامع اسلامی با شدیدترین تهاجمات فرهنگی مواجه است؛ به گونه‌ای که تا حدودی نوک حملات جهانی به سوی فرهنگ اسلامی نشانه رفته است. یکی از مهم‌ترین راهکارها برای مقابله با این موج جهانی، مدیریت فرهنگی و دینی جامعه است؛ به صورتی که بتواند تأثیرپذیری جوامع اسلامی را از فرهنگ بیگانه کاهش دهد. برای رسیدن به این موقعیت باید مساجد به صورت سنگر فکری، فرهنگی و تربیتی و نیز به صورت یک پایگاه مهم اجتماعی در آید، از این رو، مدیریت مسجد فراتر از نیاز، بلکه یک ضرورت است.

۳-۱) جامعه امروز و ضرورت مدیریت مسجد

در گذشته جوامع، خانواده‌محور و قوم‌محور بودند؛ اما امروز فردمحور هستند و در این فردمحوری دنباله‌رو استثمارگران هستند. شالوده فردیت، اراده و اختیار فرد است. در گذشته، بخش مهمی از تصمیم‌های افراد در زندگی شخصی به ملاحظه آداب، رسوم، سنن و میل خانواده یا جامعه بود. امروز به مدد آزادی‌های فردی به وجود آمده و از بین رفتن و یا ضعف کنترل خانواده، فامیل و نیز آداب و باورهای فرهنگی، خواست و میل خود افراد، نقش اصلی را در تصمیم‌های فردی ایفا می‌کند. هرچند چنین وضعیتی در ظاهر به اراده و اختیار افراد منتسب می‌شود، ولی واقعیت این است که در دنیای کنونی، کسانی که در رأس هرم زر و زور و تزویر قرار دارند، بیش از خود افراد از آزادی آنان بهره می‌برند و به‌طور مستقیم در تصمیم‌گیری افراد نقش آفرینی می‌کنند و از تصمیم‌ها و انتخاب‌های افراد استفاده‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی می‌برند. بنابراین، افراد و جوامع نسبت به گذشته، بسیار قابل انعطاف شده‌اند.

در دنیای کنونی اگر کسی به فکر تعیین سرنوشت خود نباشد، دیگران سرنوشت او را تعیین خواهند کرد. بنابراین، اولیای امور جامعه باید با دید عمیق و دقیق، جامعه را به سوی اهداف ملی و دینی سوق بدهند. هرچند مدیریت جامعه

به‌طور عمده در دست حاکمان و جریان‌های مسلط بر جامعه است، اما بخشی از جامعه که به مسجد و دین دلبستگی دارد، از اولیای دین، مساجد و مراکز دینی هدایت می‌شود و این هدایت و جهت‌گیری، نقش مهمی در زندگی و انتخاب‌های افراد دارد، بنابراین، مدیریت دینی جامعه از طریق مدیریت مسجد، ضرورتی است که نباید مورد غفلت واقع گردد.

۱-۴) انسان امروز و ضرورت مدیریت مسجد

هرچند بخشی از شخصیت فرد، متأثر از عوامل ارثی است، ولی بخش عمده‌ای از شخصیت او در تربیتی که دوران کودکی و نوجوانی و جوانی می‌بیند و با تجربه‌هایی که در طول زندگی کسب می‌کند، شکل می‌گیرد. همان‌طور که مواد معدنی و شیمیایی، جسم انسان را تشکیل می‌دهد، مواد تربیتی، فرهنگی، فکری و سیاسی که بر یک فرد تأثیر گذار بوده، به‌علاوه تجربیات شخصی، شخصیت او را شکل می‌دهد.

در دنیای کنونی که همه قدرتمندان، در ستیز با اسلام هستند، موج‌هایی که از این قطب‌ها بر می‌خیزد، همه در جهت بی‌خانمان کردن فکری و فرهنگی مسلمانان و دین‌داران هستند. در مقابل این امواج آنچه می‌تواند تکیه‌گاه باشد، زیرساخت‌های استواری است که بتواند در مقابل موج‌ها استقامت کند. آنچه می‌تواند جوان امروز را در مقابل مُدها نگه دارد و شخصیت ثابت و استواری برای او باشد، باورهای فکری و عقیدتی است که بتواند ملاکی برای تشخیص او و تشخیص بایدها از نبایدها باشد. چنین زیرساخت شخصیتی فقط با تربیت و بیداری مداوم می‌تواند شکل بگیرد. خانواده‌ها و مساجد، مناسب‌ترین و بهترین محور برای این مهم است. بنابراین، مدیریت مسجد به منظور شکل‌دهی شخصیت آرمانی جوانان و نوجوانان و نیز جهت‌دهی به خانواده‌ها و افکار عمومی و محیط اجتماعی، ضرورت غیرقابل انکار است.

۱-۵) مسجد و مدیریت اختیار

انسان گذشته، نسبت به انسان امروز، گزینه‌ها و میدان‌های کمتری برای انتخاب و اختیار داشت. در گذشته انسان در اموری فردی و جمعی از اختیارات محدودی برخوردار بود؛ در حالی که انسان امروز در امور فردی، از اختیارات وسیعی برخوردار است و در امور اجتماعی، هر چند اختیارات بیشتری از انسان‌های گذشته دارد، اما با محدودیت‌های بسیاری هم مواجه است. اختیار انسان‌ها در امور فردی و شخصی، همان گونه که برای او اختیاری بوده و به سود او ست، به زیان او نیز خواهد بود. به عبارت دیگر، در دنیای امروز با اینکه آزادی و اختیار انسان افزایش یافته است، این آزادی و اختیار، بسان شمشیر دو لبه‌ای است که می‌تواند به سود و یا زیان فرد به کار گرفته شود. تردیدی نیست که جوانان امروز، نسبت به گذشته از نظر اخلاقی و دینی و اجتماعی لغزش‌های بیشتری دارند. با نگاهی به آمار بالای فساد، جرم و جنایت و مشکلات اجتماعی، نظیر طلاق و بچه‌های خیابانی و فرار از خانه و... می‌توان به خوبی این واقعیت‌های تلخ را دریافت. راه‌حل منطقی این مشکل، شتافتن به کمک جوانان و یاری کردن آنان در درست اندیشیدن و به جا انتخاب کردن است تا از آزادی و حق انتخابی که دارند، چنان بهره بگیرند که به حربه‌ای بر ضدشان تبدیل نگردد و این، کاری است که با مدیریت دینی جامعه میسر است و مدیریت دینی جامعه هم باید از مسجد شروع شود. بنابراین، مدیریت مسجد می‌تواند در حل معضلات فردی و جمعی به ما کمک کند. از این رو، برای حل معضلات و مشکلات روحی و روانی و معنوی فرد، خانواده و جامعه، مدیریت مسجد، کارآمدی بسیار بالایی دارد.

۱-۶) نیازهای امروز و ضرورت مدیریت مسجد

انسان‌های گذشته نسبت به انسان‌های امروز قانع‌تر و ساده زیست‌تر بودند؛ ولی متأسفانه در عصر حاضر، یک روند تصاعدی در گسترش کمی و کیفی احتیاجات انسان به وجود آمده و هر روز بیشتر از دیروز ذهن و فکر انسان را به خود مشغول می‌کند. این افزایش نیازها پیش از اینکه امر واقعی و حقیقی باشد،

یک امر تصنعی است. در حقیقت، کسانی که امکانات تولید فراوان در اختیار دارند، برای فروش تولید خود، به نیازآفرینی، مشغول شده‌اند. این مسابقه در نیازآفرینی، تمام جوانب زندگی انسان را تحت تأثیر قرار داده است و به خصوص بر ذهن و روان افراد جوامع تأثیر بسیار منفی گذاشته است. ذهن افراد مشغول و روان افراد و جامعه خسته و گرفتار است. مساجد، می‌توانند یک فضای امن، روحانی و خالی از دغدغه‌های زندگی ایجاد کنند. در منابع دینی بر این ویژگی مسجد تأکید شده و به نظر می‌آید که یکی از اهداف مساجد و ذکر خدا این است که انسان را لحظاتی از دغدغه‌های معمولی زندگی رها کند و او را به تأمل در سرنوشت و آینده او وادار سازد. هرچند این موهبت به‌طور طبیعی در مساجد موجود است و اهل مسجد و کسانی که با مسجد مأنوس هستند، از این موهبت کم و بیش بهره‌منداند، مدیریت مسجد می‌تواند این نقش مسجد را فعال‌تر و کارآمدتر کند. اگر مدیریت مسجد منجر به ایجاد یک فضای سالم و امن برای نمازگزاران شود، هم در رونق مسجد و هم در حل معضلات جامعه بسیار کارگشا خواهد بود. به هر حال، وقتی سخن از مدیریت مسجد است، معنای این سخن، بهینه‌کردن بهره‌وری از مسجد است و یکی از بهره‌وری‌ها از مسجد، همین فرصت‌هایی است که برای گریز و رهایی از هیاهوی روزگار برای افراد حاضر در مسجد ایجاد می‌شود و اگر این فرصت‌ها به خوبی مدیریت شود، استفاده بهینه از مساجد به عمل خواهد آمد.

۷-۱) دین در دنیای جدید و ضرورت مدیریت مسجد

در گذشته، دین تا حدودی بدون رقیب بود و بر تمام جنبه‌های زندگی و فرهنگ تأثیر داشت. به عبارت دیگر، در گذشته، دین زمینه اصلی تربیتی و فرهنگی جامعه را شکل می‌داد. از این رو، افراد به‌طور طبیعی در محیط مذهبی و ایمانی رشد می‌کردند و با دین و ایمان مأنوس بودند؛ اما امروز دین در رقابت تنگاتنگ با مدعیان و رقبای جدیدی قرار دارد. به همین دلیل، بخش‌های وسیعی از جامعه، به خصوص جوانان در مقابل آموزه‌های دینی با پرسش‌ها و شبهه‌هایی

مواجه هستند؛ چون تمدن جدید در زمینه و بستر بی‌دینی شکل گرفته و در گستره جهان، چه شرقی و چه غربی غلبه با فرهنگ الحادی و بی‌دینی است. دنیای شرق یا دنیای چپ و کمونیست، از ابتدا بر مبارزه با مذهب استوار بود. هرچند این جریان و فرهنگ از آن شدت مبارزه با دین دست کشیده است، رسوبات فکری و بقایا و جریان‌های به وجود آمده بر ویرانه‌های این فرهنگ، همچنان در ضدیت با مذهب است؛ مانند تمدن غربی که بر پایه‌های الحاد و بی‌دینی و جدایی دین از اجتماع و سیاست بنا شده است. فرهنگ غربی چه اروپایی و چه آمریکایی و چه نمادهای این فرهنگ در کشورهای اسلامی که با عنوان تجدد مطرح شده، همه در تقابل و ضدیت با دین و ایمان قرار دارند. به همین دلیل، به هر اندازه که فرهنگ‌های مسلط جهانی در کشوری نفوذ کند، ضریب ایمان و دین‌داری دچار افت می‌گردد. تردیدی نیست که مدیریت دین با مدیریت مراکز اصلی دینی که مساجد است، محقق خواهد شد.

« فصل دوم: مبانی مدیریت مسجد

۱-۲) مبانی مدیریت

نوع جهان‌بینی و نگرش فکری انسان در رفتار فردی و جمعی، نقش بسیار تعیین‌کننده و جهت‌دهنده‌ای دارد. هرگونه تغییر در جهان‌بینی انسان، مسیر بسیاری از کارهای او را تغییر می‌دهد. نحوه مدیریت مسجد، به عنوان یک عمل جمعی، نسبتی مستقیم با مبانی و پیش‌فرض‌های انسان درباره نقش و جایگاه دین و مسجد در جامعه دارد؛ یعنی اینکه هر نقش و جایگاهی که یک فرد و یا یک جریان فکری بر اساس مبانی فکری خود برای مسجد در اجتماع در نظر می‌گیرد، نحوه تعامل آنها را با مسجد و مدیریت مسجد شکل می‌دهد. بنابراین، پیش از اینکه سخن از مدیریت مسجد به میان آید، باید مبانی و پیش‌فرض‌هایی که بر اساس آن باید مدیریت مسجد انجام شود، مشخص شود.

۲-۲) مبانی دیدگاه‌های مختلف در مدیریت مسجد

سه دیدگاه درباره مدیریت مسجد وجود دارد که هر کدام از این سه دیدگاه به‌طور کامل، مبانی متفاوتی دارد که در ادامه هر کدام تشریح خواهد شد.

۱. دیدگاه سکولاری

دیدگاه سکولاری که در کشورهای دارای نظام لائیک و سکولار حاکم است، دیدگاه دنیاگرایانه درباره مسجد است. دیدگاه لائیک و سکولار بر اساس جدایی دین از سیاست و اجتماع استوار است و بر این اساس، مسجد فقط مکانی برای عبادت است و نباید در امور سیاسی و اجتماعی دخالت داشته باشد. در این نظام‌ها، دولت وظیفه دارد که از فعال شدن مساجد در امور سیاسی و اجتماعی جلوگیری کند. از این رو، این دیدگاه را می‌توان مدیریت دنیایی مساجد نامید که جامعه بر اساس منافع و مصالح خود، مسیر و سیاست و برنامه‌های مساجد و معابد را تعیین می‌کند و از فعال شدن مساجد و معابد در اموری که به مذاق دنیاگرایان خوش نیاید، جلوگیری می‌شود. به‌طور کامل روشن است که این

دیدگاه از مبانی غیردینی و تا حدودی ضدّ دینی برخاسته است و سوغاتی است که از اروپا و غرب برای جهان اسلام آمده است. در این دیدگاه، دین و مسجد حق ندارند در امور اجتماعی دخالت کنند. بنابراین، سکولاریسم، سیاست تحمیلی بر ادیان و مذاهب و معابد است. این دیدگاه در اصل برای تأمین منافع و مصالح افراد غیرمعتقد به دین و یا ضدّ دین به وجود آمده است. در بسیاری از کشورهای اسلامی این دیدگاه پذیرفته شده است؛ اما چون اسلام در ذات خود یک دین اجتماعی است، این دیدگاه به طور کامل در جوامع اسلامی عملی نیست، مگر در جوامعی که الحاد فراگیر شود؛ مثل کشورهای کمونیستی سابق.

۲. دیدگاه دولتی

دیدگاه دوّم که در برخی از کشورهای که چهره اسلامی دارند، معمول است، دیدگاه منفعت‌محور دولتی است. در این دیدگاه، دولت هزینه اداره مساجد را تأمین می‌کند و مساجد، تحت کنترل وزارت اوقاف و امور خیریه و یا عنوان‌های مشابه است. در برخی از این کشورها، مثل اردن و عربستان کنترل شدیدی بر مساجد انجام می‌شود. هرچند در این کشورها از بعد نظری تفکیک دین از سیاست پذیرفته نیست، در عمل و واقعیت، دخالت مساجد در امور سیاسی ممنوع است؛ البته ممکن است در بعضی از امور اجتماعی و حتی سیاسی که منافاتی با منافع حاکمان نداشته باشد، به مساجد اجازه فعالیت هم بدهند. بنابراین، این دیدگاه بر نظریه و مبنای فکری مشخصی استوار نیست و فقط منافع و مصالح حاکمان است که مبنای عمل در مدیریت مسجد است. از این رو، مناسب است که این دیدگاه را دیدگاه دولتی در مدیریت مسجد بنامیم. در این دیدگاه مثل دیدگاه سکولاری، دین اصل نیست، با این تفاوت که در دیدگاه سکولاری، اصل عدم دخالت دین در امور اجتماعی و محدود کردن آن در اموری شخصی است، اما در دیدگاه دولتی هدف، منافع دولت و حاکمان است و دین تا جایی که منافع حاکمان را تأمین کند و یا حداقل زیانی به منافع دولت و حکومت نرساند، مورد پذیرش و اعمال است.

۳. دیدگاه مکتبی

دیدگاه سّوم دیدگاه قرآن، سّنت نبوی صلی الله علیه و آله و سیره معصومان علیهم السلام است و مبتنی بر نظریه سیاست و دولت دینی است که جامعه، دولت و سیاست باید در چهارچوب دین حرکت کند. اساس این دیدگاه بر عدم تفکیک دین از سیاست است و به همین دلیل، مناسب است که این دیدگاه را دیدگاه مکتبی بنامیم. رسول اکرم صلی الله علیه و آله بعد از هجرت به مدینه، نخستین بنایی را که تأسیس کرد، مسجد بود و تا آخر عمر، همه امور مسلمانان را از مسجد اداره می‌کرد. در این دیدگاه، مساجد به عنوان مراکز مدیریت دینی و سیاسی جامعه، ناظر بر عملکرد همه افراد جامعه و همچنین ناظر بر عملکرد حاکمان است. تمام انبیا و پیشوایان دینی کوشش‌شان بر این بوده که جامعه و سیاست باید تابع ارزش‌های دینی و اخلاقی باشد.

مدیریت مسجد بر اساس دیدگاه‌های مختلف، شکل‌ها و جهت‌های به‌طور کامل متفاوتی به خود می‌گیرد. از اوّل قرن بیستم دیدگاه سکولاری و دیدگاه دولتی در بسیاری از کشورها مساجد را به سود خویش مدیریت می‌کردند و تا توانسته‌اند مساجد را از حیات اجتماعی مردم دور نگه داشته‌اند؛ اما با بیداری اسلامی که با انقلاب اسلامی ایران به اوج خود رسید، مساجد دوباره به حیات اجتماعی بازگشته‌اند. آنچه در حال حاضر ضرورت دارد، تداوم و تعمیق نقش و حضور مسجد در حیات سیاسی و اجتماعی جوامع اسلامی است. مقصود و هدف اصلی از مدیریت مسجد این است که مسجد به جایگاه واقعی و اصلی خود در جوامع اسلامی برسد و یا حداقل به آن سو حرکت کند. در حقیقت، هدف نهایی از مدیریت مسجد، مدیریت دینی جامعه است. شاید بسیاری چنین گمان کنند که مسجد فقط جایی برای نماز خواندن است. این تصوّر است که با دیدگاه سکولاری از دین هم‌خوانی دارد و کمترین نقش را برای مساجد در نظر می‌گیرد. دیدگاه مکتبی، دیدگاهی است که اهداف و مقاصد اصلی دین و قرآن را مدنظر دارد. بر اساس دیدگاه مکتبی، مسجد در عین اینکه مکانی برای انجام اعمال دینی است، مکانی برای مدیریت جامعه نیز است. در این دیدگاه تحقق اهداف

دین در جامعه، اصل و محور مدیریت مسجد است. این دیدگاه روح قرآن و سیره پیشوایان اسلام است. سیره رسول خدا ﷺ و ائمه هدی (علیهم السلام) تبلور این دیدگاه است. امام حسین (علیه السلام) در نامه‌اش به مردم کوفه که به دست مسلم بن عقیل فرستاده شد، درباره وظیفه حکومت می گوید:

«فَلَعَمْرِي، مَا الْإِمَامُ إِلَّا الْحَاكِمُ بِالْكِتَابِ، الْقَائِمُ بِالْقِسْطِ، الدَّائِنُ بِدِينِ الْحَقِّ، الْحَابِسُ نَفْسَهُ عَلَى ذَاتِ اللَّهِ؛ بِهِ جَانِمٌ سَوْغَنْدٌ كَمَا شَائِسْتَهُ أَمَامَتٌ نَيْسْتٌ، مَكْرٌ أَنْكَهَ بِرِ اسَاسِ كِتَابِ خِذَا فِرْمَانِ بِرَانِدٍ وَ بِهَ عِدَالَتِ يَابِنِدٍ وَ بِهَ دِينِ حَقِّ مُلْتَزِمٌ يَاشِدُ وَ خُودِش رَا وَ قِفِ خِذَا وَ نِدِ كَرْدِه يَاشِدُ»^۱.

در این سخن امام حسین (علیه السلام)، چهار نکته اساسی درباره حکومت دینی مطرح شده است: نخست اینکه، فقط کسی شایسته خلافت رسول الله ﷺ یا حکومت دینی است که بر اساس کتاب خدا حکومت کند؛ دوم اینکه، به عدالت رفتار کند؛ سوم اینکه، به دین ملتزم باشد؛ چهارم اینکه، خود را در مسیر الی الله وقف کند. بنابراین، مشروعیت حکومت در گرو عمل به دین حق است.

از نظر قرآن، مسجد تنها یک مکان تعظیم و تکریم خداوند نیست که در آن همانند دیر و کلیسا فقط خدای متعال عبادت شود و در زندگی و دنیوی فردی تأثیری نداشته باشد؛ بلکه خدای متعال، مسجد را خانه‌ای برای مردم نامیده است؛ هرچند در عرف مردم، مسجد، خانه خدا خوانده می‌شود، همان‌طور که کعبه را بیت‌الله‌الحرام می‌گویند؛ چون خدای متعال، در آیات متعددی، کعبه را خانه خود، «بیتی»^۲ خوانده است. در عین حال، برخی آیات کعبه را اولین خانه‌ای معرفی می‌کند که برای مردم بنا شده است.

«إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَ هُدًى لِّلْعَالَمِينَ؛ نَخْسْتِينَ خَانِهَای كِه بَرای مَرْدَمِ (وَ نِیَایش خِذَا وَ نِدِ) قَرَار دَادِه شِد، هَمَان خَانِه‌ایِی اسْت كِه دَر سِرْزَمِين مَكَّه اسْت كِه پَر بَرَكْتِ وَ مَیَه هِدَايْتِ جِهَانِيَانِ اسْت»^۳.

دَر آيَه دِیْگَرِي آمَدِه اسْت: «إِنَّ الذِّينَ كَفَرُوا وَ يَصِدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمَسْجِدِ

۱. شیخ مفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العبد، ج ۲، ص ۳۹.

۲. بقره، آیه ۱۲۵؛ حج، آیه ۲۶.

۳. آل عمران، آیه ۹۶.

الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَكْفِ فِيهِ وَالْأَبَادِ وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظَلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ؛ کسانی که کافر شدند، و مؤمنان را از راه خدا بازداشتند و (همچنین) از مسجدالحرام که آن را برای همه مردم قرار دادیم که چه کسانی در آن زندگی می کردند و چه کسانی از نقاط دور وارد می شوند، در آن با هم برابر هستند و هر کس بخواهد در این سرزمین از راه حق منحرف گردد و به ستم دست زند، ما از عذاب دردناک به او می چشانیم»^۱.

در این آیه تعبیر «وُضِعَ» آمده است که نشان می دهد فلسفه ایجاد مسجد برای سود رساندن به مردم است و در این آیه تعبیر «جعلناه للناس»، حکایت از این دارد که هدف اصلی از بنای این خانه، برای مردم بوده است. مقصود از برای مردم بودن، برای هدایت بودن مردم است، بنابراین، هدایت مردم، هدف اصلی ساخت و بنای مسجد است. مقصود از هدایت، هدایت به سوی خدای متعال و خدایی کردن انسان ها است؛ این امر فقط در سایه عبادت و بندگی خدا میسر است. حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: «كَانَتْ الْبُيُوتُ قَبْلَهُ وَلَكِنَّهُ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِعِبَادَةِ اللَّهِ؛ قبل از کعبه نیز خانه وجود داشت، ولی کعبه، اولین خانه ای است که برای عبادت خداوند وضع شده است». بنابراین، قرآن و ادیان الهی، همه انسان ها را به عبادت خدا دعوت می کند. این هدف، یک هدف فردی نیست، بلکه یک هدف جمعی است که خطاب به همه انسان ها است و عبادت خداوند، در صورتی محقق می شود که انسان در تمام جوانب زندگی تسلیم اوامر خداوند باشد. از نظر قرآن حقیقت دین، تسلیم ذات انسان در مقابل خداوند است؛ یعنی اینکه انسان در همه رفتارهای شخصی و اجتماعی اش، خود را تابع خواست و دستور الهی بداند.

«إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أَلْتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ* فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَسْلَمْتُمْ فَإِنْ

۱. حج، آیه ۲۵.

۲. بلاغی نجفی، محمدجواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۱۳.

أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ؛ دین در نزد خدا، اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است و کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده شد، اختلافی (در آن) ایجاد نکردند، مگر بعد از آگاهی و علم و برای ظلم و ستمشان و هر کس به آیات خدا کفر ورزد، (خدا به حساب او می‌رسد)؛ زیرا خداوند، سریع الحساب است. اگر با تو به گفتگو و جدال برخیزند، بگو: من و پیروانم ذات (همه امور) خود را تسلیم خدا کرده‌ایم و به آنها که اهل کتاب هستند (یهود و نصاری) و بیسوادان (مشرکان) بگو: آیا شما هم تسلیم شده‌اید؟ اگر (در برابر فرمان و منطق حق)، تسلیم شوند، هدایت یافته‌اند و اگر سرکشی کردند، (نگران مباش! زیرا) بر تو، تنها ابلاغ (رسالت و وظیفه) است و خدا به (اعمال و عقاید) بندگان، بینا است»^۱.

۲-۳) جایگاه مسجد در جامعه اسلامی

مسجد به عنوان سمبل حضور دین در تمام عروق جامعه و نماد دینی مسلمانان و نشانه حضور خداوند در زمین است.^۲ از نظر اجتماعی مسجد قلب جامعه اسلامی است که در آن هم دین و هم اجتماع مسلمانان تبلور می‌یابد. از نظر سیاسی، «مسجد بهترین مکان برای مشارکت مسلمانان در عرصه‌های مختلف سیاسی اجتماعی و فرهنگی است».^۳ در عصر رسالت، مسجد نه تنها یک مکان عبادی، بلکه سازمانی برای اجتماع و یکپارچگی مسلمانان بود.

یکی از اندیشمندان خارجی در این باره می‌گوید: مسجد تنها یک عبادت‌گاه نبود؛ بلکه مرکزی برای حیات سیاسی، اجتماعی بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، سفیران را در مسجد به حضور می‌پذیرفت و شئون دولت را از مسجد اداره می‌کرد و برای مردم در امور سیاسی و دینی از فراز منبر پیام می‌فرستاد.^۴

یکی از محققان در این باره می‌نویسد: از همان آغاز تشکیل حکومت اسلامی در

۱. آل‌عمران آیات ۱۹-۲۰.

۲. فروغ مسجد، ج ۲، ص ۶۷، بر گرفته از سخنان دکتر حدّاد عادل.

۳. همان، ص ۶۸.

۴. ماهنامه مسجد، شماره ۱۵، ص ۴۸.

مدینه منوره، مسجد، مرکز تبلیغ و آموزش بود و توانست تا حمله مغولان به سرزمین‌های اسلامی، این نقش دو گانه خود را به خوبی حفظ کند. مسجد محلّ عبادت، وعظ، سخنرانی و بحث و تدریس بوده است، تا آنکه از تشکیل حلقه‌های درسی در مسجد جامع قاهره تا یکصد و ده مجلس درس پس از نماز عشاء، حکایت شده است.^۱

۴-۲) علل و عوامل افت جایگاه مسجد در جوامع امروزی

در جوامع اسلامی قدیم، مسجد نقش بسیار گسترده‌ای در حیات جمعی افراد یک جامعه ایفا می‌کرد و مکانی برای عبادت، اجتماع، مشورت، تحصیل، تعلیم، تربیت، ارتباط و اطلاعاتی رسانی بود. بنابراین، مسجد در زندگی دنیایی بیش از زندگی اخروی نقش داشت. در جوامع اسلامی مسجد، محور همه کارها بود. بازارها در کنار مساجد بود و مدرسه‌های جزئی از مساجد و شهر و محله در اطراف مسجد قرار داشتند و در حقیقت مسجد، محور شکل‌گیری شهر و محله بود و در تعلیم و تربیت و اجتماع، مهم‌ترین مکان به حساب می‌آمد. هیچ مکانی به اندازه مسجد، در حیات اجتماعی مسلمانان تأثیرگذار نبود. جایگاه و نقش فعلی مسجد در جوامع اسلام با نقش و جایگاه آرمانی و تاریخی مسجد فاصله بسیاری دارد. در جایگاه آرمانی، مسجد، محور همه کارهای امت است. در حالی که در حال حاضر مسجد فقط برای عبادت و نماز است. مسجد رمز جامعیت اسلام است، در حالی که این حقیقت در مساجد امروزی کمتر تحقق می‌یابد. بخش عمده این فاصله زائیده شرایط حاکم بر جهان اسلام در قرن نوزده و بیست میلادی است و به‌طور مستقیم به سلطه استعمارگران بر جوامع اسلامی مربوط می‌شود. حضور و حاکمیت استعمارگران، تعادل نهادهای حاکم بر جوامع اسلامی را به هم زد و جایگاه مشخصی برای بسیاری از نهادهای قدیم، در نظام جدید حاکم بر جوامع اسلامی تعریف نشد. چنان‌که مسجد قبل از قرن بیستم، محلّ اصلی آموزش و پرورش بود؛ در حالی که در نظام جدید هیچ جایگاه آموزشی

۱. کریمی، سعید، رسانه‌ها و راه‌های تقویت مشارکت مردم در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی، ص ۴۰.

برای مسجد تعریف نشده است.

البته برخی از این اموری که از مسجد گرفته شده، اقتضای جوامع مدرن است و نمی‌توان در جامعه مدرن این امور را به مسجد برگرداند؛ چون در جامعه مدرن، کارها تقسیم شده و هر کاری به سازمان و مدیریت خاصی نیاز دارد که انجام آن مستلزم اماکن و امکانات خاص خودش است که نمی‌توان در مسجد این مکان و امکانات را فراهم کرد. در عین حال، بسیاری از امور اجتماعی را می‌توان در مسجد انجام داد و از طرفی با توجه به نیازهای جامعه مدرن، می‌توان کارکردهای جدیدی را برای مساجد تعریف کرد. با توجه به اینکه در جامعه مدرن، یکی از معضلات مهم کمبود جا و مکان برای بسیاری از فعالیت‌ها است و با توجه به گستردگی مساجد و حضور آنها در متن اجتماع می‌توان بسیاری از اقدامات عمومی را که با شأن مسجد تنافی ندارد در مسجد انجام داد، مساجد زمینه‌های مناسب برای بسیاری از اقدامات مفیدی است که هم به مصلحت کل جامعه و هم به منفعت و مصلحت تک‌تک افراد است. مساجد از ظرفیت‌های بیش از حدی برخوردار هستند و هم از نظر فضا و امکانات و هم از نظر نیرو و همچنین از نظر مشتری، استعداد‌های نهفته بسیاری دارد. به عنوان مثال، در جمهوری اسلامی ایران حدود ۵۸۰۰۰ مسجد وجود دارد.^۱ در مصر تعداد مبلغان، اعم از شیخ و امام جماعت، به ۴۰ هزار نفر می‌رسد. اگر از این همه ظرفیت به خوبی بهره‌گیری شود، ثمرات و برکات بسیاری در بر خواهد داشت. مقصود از مدیریت مسجد این است که هم نقش مسجد را در جامعه احیا کند و هم از ظرفیت‌های مسجد برای حل مشکلات جامعه بهره بگیرد.

۱. ماهنامه مسجد، شماره ۵۳، ص ۵۰.

۲. همان، شماره ۱۹، ص ۹۱.

« فصل سوم: مبادی مدیریت مسجد

۳-۱) پیشینه و جایگاه دانش مدیریت

برای درک صحیح از مفهوم مدیریت مسجد ضروری است که اصطلاحات و مفاهیم کلیدی این موضوع به درستی توضیح داده شود. مدیریت، مسجد، و مدیریت مسجد، سه واژه است که در این نوشتار نقش محوری دارد. بنابراین، باید مفهوم این واژه‌ها و مراد از آنها را توضیح بدهیم تا تصویری روشن‌تر از مدیریت مسجد داشته باشیم. «مدیریت»، اصطلاحی است که امروز کاربرد وسیعی دارد و علاوه بر این، دانش و فنی است که شاخه‌های متعددی دارد؛ اما این دانش، عمر چندانی ندارد. دانش مدیریت، مثل بسیاری از دانش‌های امروزی، به‌طور تقریبی در پایان قرن نوزده و آغاز قرن بیستم به عنوان یک دانش جدید شکل گرفت. دانش مدیریت در آغاز، بیشتر در حوزه اقتصاد مطرح شد و شکل گرفت. در این راستا، «آدام اسمیت» از محسنات تقسیم کار سخن می‌گفت؛ اما گام اصلی را در پایه‌گذاری دانش مدیریت، «فردریک تیلور»، با نگاشتن کتابی به نام «اصول مدیریت علمی» برداشت و در عمل به عنوان پدر دانش مدیریت شناخته می‌شود.^۱ البته این، بدان معنا نیست که قبل از قرن نوزده مدیریت نبوده است و یا اینکه بشر به فکر مدیریت نبوده است، بلکه مقصود این است که مدیریت به عنوان یک دانش مدوّن شناخته شده نبود و آنچه به عنوان دانش مدیریت خوانده می‌شود، قبل از قرن بیستم نبوده است؛ اما مدیریت عملی در هر زمینه‌ای در گذشته هم بوده است.

در منابع دینی اسلامی هم مطالب بسیاری درباره تدبیر و مدیریت امور جامعه وجود دارد. نامه حضرت امیرمؤمنان (علیه السلام) به مالک اشتر، نمونه روشنی از توصیه‌هایی برای تدبیر امور و مدیریت جامعه است که علاوه بر توصیه‌هایی اخلاقی، حاوی اصول مهمی از مدیریت علمی است. به عنوان مثال، یکی از اصول مدیریت علمی، تقسیم کار است. حضرت امیر (علیه السلام) در نامه‌اش به مالک اشتر می‌فرماید: «وَاجْعَلْ لِكُلِّ اِنْسَانٍ مِنْ خَدَمِكَ عَمَلًا تَأْخُذُهُ بِهِ، فَاِنَّهُ اٰخِرَىٰ اَنْ

۱. جاسبی، عبدالله، اصول و مبانی مدیریت، ص ۱۲۸.

لَا يَتَوَكَّلُوا فِي خِدْمَتِكَ...؛ برای هریک از زیردستان و کارکنان خود کاری تعیین کن تا او را نسبت به همان کار مؤاخذه و باز پرسى کنی؛ زیرا این روش سزاوارتر است تا اینکه کارهایت را به یکدیگر وا نگذارند»^۱.

به هر حال، دانش مدیریت، مثل بسیاری از دانش‌های دیگر زائیده پیشرفت جوامع بشری است. برخی از پژوهشگران این مطلب را این‌طور تحلیل کرده‌اند که قبل از قرن نوزدهم سازمان‌های بزرگی که نیازمند تشکیلاتی برای اداره آنها باشد، وجود نداشت؛ اما با افزایش جمعیت در قرن نوزدهم و رشد آگاهی‌های اجتماعی و به وجود آمدن رقابت‌ها، زمینه شکل‌گیری دانش و فن مدیریت فراهم شد.^۲

افزون بر این در گذشته، کارها فردی و تدبیرها هم فردی بود؛ در حالی که در دنیای جدید، مدیریت یک امر سازمانی است و در اصل، بدون سازمان، مدیریت معنا ندارد. تعریف‌هایی که برای مدیریت مطرح شده است به خوبی نشان می‌دهد که مدیریت علمی در یک سازمان می‌تواند تحقق یابد.

۲-۳) تعریف مدیریت

تعاریف متعددی برای مدیریت بیان شده است. برخی از این تعاریف عبارت‌اند از: «هماهنگ کردن منابع انسانی و مادی برای نیل به هدف»^۳؛ «فن بهتر بسیج کردن و بهتر سامان دادن و بهتر کنترل کردن نیروهای انسانی و به کار بردن آنها»^۴.

یکی از نویسندگان در این‌باره می‌نویسد: «به‌طور تقریبی، به تعداد مؤلفان و نویسندگان کتب مدیریت، تعریف مدیریت وجود دارد؛ ولی یک وجه مشترک بین همه این تعاریف دیده می‌شود و آن «هنر یا علم اداره یک مجموعه، برای نیل به اهداف سازمانی است»^۵.

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲. جاسبی، عبدالله، اصول و مبانی مدیریت، ص ۱۲۸.

۳. همان.

۴. ابراهیمی، محمدحسین، مدیریت اسلامی، ص ۳۷.

۵. ابراهیمی، محمدحسین، مدیریت اسلامی، ص ۳۲.

در تعریف مدیریت هم از واژه علم و دانش و هم از واژه هنر یا فن استفاده شده است. این تعدد تعبیر هم بیانگر ماهیت مدیریت است و هم بیانگر زاویه دید کسانی که مدیریت را تعریف کرده‌اند. از آنجا که مدیریت را به عنوان علم و دانشی در نظر گرفته‌اند که قواعد و اصولی خاصی دارد، در تعریف آن از واژه دانش استفاده شده است و از طرفی، چون مدیریت در حقیقت بیانگر یک دسته مهارت‌ها و اقداماتی است که مدیر انجام می‌دهد، به آن هنر و فن هم گفته شده است.

به نظر می‌رسد که بهتر باشد این دو جنبه مدیریت را از هم جدا کنیم. به طور مسلم، تعریف دانش مدیریت به عنوان یک رشته نظری، از تعریف عمل مدیریت به عنوان یک هنر و فن متفاوت است. با توجه به اینکه دانش مدیریت، معطوف با سازمان است می‌توان گفت که: دانش مدیریت، مجموعه اصول و قواعدی است که رهبری یک سازمان و مجموعه را برای تحقق اهدافی که برای آن سازمان یا مجموعه مشخص شده است تسهیل می‌کند. مدیریت به عنوان یک هنر یا فن، در واقع همان هنر یا فن رهبری یک سازمان یا مرکز اجتماعی، برای تحقق اهداف آن سازمان یا مرکز است.

برخی از مدیریت به هنر تبدیل خیال به واقعیت تعبیر کرده‌اند. این سخن درستی است؛ اما تعبیر بهتر این است که بگوییم: «مدیریت، محقق کردن اهداف و آرمان‌های یک سازمان و یا یک مرکز اجتماعی است». به دلیل اینکه در توصیف مدیریت گفته شد که مدیریت، اداره یک مجموعه یا رهبری یک سازمان و مرکز اجتماعی است، مدیریت یک کار شخصی نیست که در تعریف آن از تبدیل خیال به واقعیت سخن گفت؛ بلکه یک عمل سازمانی برای تحقق اهداف سازمان است. از این رو، در توصیف مدیریت به جای تبدیل خیال به واقعیت، مناسب‌تر است که از محقق کردن اهداف یک مرکز و سازمان سخن گفته شود.

۱. ۱۰۱ راز مدیران موفق، ص ۴۰.

۳-۳) اصول و قواعد مدیریت

بررسی و نقد تعریف‌هایی که برای مدیریت شده ضرورتی ندارد؛ آنچه مهم است، شناخت ماهیت مدیریت است و این مهم با توجه به بررسی اصول و قواعد مدیریت امکان پذیر است که محتوای دانش مدیریت را تشکیل می‌دهد. این اصول و قواعد را می‌توان عناصر و ارکان مدیریت هم نامید؛ زیرا اساس دانش مدیریت را تشکیل می‌دهد. «تیلور» برای مدیریت علمی اصول چهارگانه‌ای را بیان کرد که عبارت‌اند از:

۱. کشف روش علمی درباره هر چیزی؛
۲. انتخاب کارکنان به روش علمی و آموزش آنها؛
۳. ایجاد کنترل و برقراری نظام تشویق و تنبیه؛
۴. همکاری و تشریک مساعی با کارکنان.

البته آنچه تیلور به عنوان اصول مدیریت علمی بیان می‌کند، فقط در مدیریت یک کارگاه و کارخانه قابل تطبیق است. زمینه کاری تیلور هم مدیریت کارخانه‌های تولیدی بوده است. بنابراین، تعریف، اهداف و عناصر مدیریت در نظر تیلور معطوف به مدیریت بنگاه‌های اقتصادی است که هدف از مدیریت در آنها، کسب سود بیشتر و نهایت بهره‌وری از انسان و ماشین است. به نظر تیلور که طراح نظریه «مدیریت علمی» است، فایده اساسی به کار بردن مدیریت علمی، بالا بردن سطح تولید است که با جلوگیری از اتلاف وقت کارکنان و صرفه‌جویی در کار ماشین و وسایل تولید، از طریق حذف عملیات زائد و هماهنگی امور مختلف تولیدی حاصل می‌شود.^۱

بعد از مدتی در مقابل نظریه «کلاسیک» تیلور، مکتب «نئوکلاسیک» یا «مکتب روابط انسانی» به وجود آمد که با استفاده از علوم انسانی، مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی سعی در کشف علت کمی بازدهی و برطرف کردن آنها از طریق انگیزش افراد و افزایش کارایی سازمان دارد.^۲ هرچند این مکتب

^۱ . مدیریت اسلامی، ص ۵۸.

^۲ . جاسبی، عبدالله، اصول و مبانی مدیریت، ص ۱۲۸.

برخلاف نظریه کلاسیک با این ادعا که کارگر، ماشین نیست به میدان آمد، اما هدف همان کسب سود بیشتر بود؛ به گفته خودشان با ملاحظه روابط انسانی و از طریق ایجاد انگیزه و انگیزش کارگر این هدف محقق می‌شد. به تدریج مدیریت دارای شاخه‌های گوناگونی شد و در تمام عرصه‌های زندگی جای پا برای خود باز کرد. تعریف و اصولی که در مکتب کلاسیک و نئوکلاسیک برای مدیریت شده، ناظر به مدیریت کارخانه‌های صنعتی است و نسبت به همه شاخه‌هایی که مدیریت درباره آن مطرح است گویایی و رسایی ندارد. از این رو، اندیشمندان دیگری عناصر اصلی مدیریت را متفاوت از نظریه تیلور مطرح کرده‌اند. به عنوان مثال، «لوتر گیولیک»، یکی دیگر از اندیشمندان مدیریت، عناصر و ارکان مدیریت را این گونه بر شمرده است:

۱. برنامه ریزی؛

۲. سازمان‌دهی؛

۳. به کار گماردن؛

۴. هدایت؛

۵. هماهنگ کردن؛

۶. گزارش کردن؛

۷. بودجه بندی.^۱

«هنری فایول»، یکی از دیگر محققان، وظایف پنج گانه‌ای برای مدیریت قائل است که عبارت‌اند از:

۱. برنامه ریزی؛

۲. سازمان‌دهی؛

۳. هدایت؛

۴. هماهنگی؛

۵. کنترل.^۲

۱. همان، ص ۱۳۰.

۲. جاسبی، عبدالله، اصول و مبانی مدیریت، ص ۱۲۸.

نویسنده دیگری به نام «برچ» در کتاب «اصول مدیریت»، عناصر مدیریت را در چهار اصل زیر خلاصه می‌کند:

۱. برنامه ریزی؛

۲. ایجاد انگیزه؛

۳. هماهنگی؛

۴. کنترل.^۱

هدف از مطرح کردن این تعاریفات، تأکید روی این نکته است که در تعاریفات و شرح عناصر تشکیل‌دهنده مدیریت، زمینه‌های مورد توجه و زاویه دید پژوهش‌گران به خوبی دیده می‌شود. به خصوص در شرح عناصر مدیریت، این مطلب به خوبی روشن است. تعاریفات که بررسی شد اغلب معطوف به مدیریت در امور صنعتی و اقتصادی است و در نتیجه، نمی‌تواند مدیریت در امور نظامی، فرهنگی، تربیتی، و زمینه‌های خدماتی، مانند توزیع و مصرف، را به خوبی توضیح دهد؛ همچنان که اصول و قواعدی که برای مدیریت مطرح شده، معطوف به مدیریت در حوزه اقتصادی است و بنابراین، می‌توان گفت که با توجه به تفاوت ماهوی مدیریت در زمینه‌های مختلف، طبیعی است که عناصر و اهداف مدیریت و حتی تعریف آن، تفاوت‌هایی داشته باشد.

در تعریف‌های فوق و نیز در بیان اصول مدیریت که ارائه شد، به دو اصل شناخت وظایف و اختیارات و همچنین هدفمند کردن کارها کمتر توجه شده است. دلیل این عدم توجه این است که در کارخانه و بنگاه‌های صنعتی، هم وظایف و اختیارات و هم هدف به‌طور کامل مشخص است؛ وظیفه و اختیارات مدیر یک کارخانه طبق قراردادها به‌طور کامل مشخص می‌شود و هدف در یک کارخانه تولید بیشتر و سود بیشتر است؛ در حالی که مدیریت در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی از نظر وظایف و اختیارات مدیران و هم از نظر مشخص بودن اهداف و اولویت‌بندی اهداف، با پیچیدگی و ابهام بسیاری مواجه است. مشخص بودن وظایف و اختیارات مدیر و آگاهی مدیر از وظایف و اختیارات و همچنین

۱. همان.

مشخص بودن اولویتهای کاری در موفقیت یک مدیر، بسیار حیاتی و مهم است و در اصل، برنامه ریزی بدون مشخص بودن هدف معنایی ندارد. تغییر در اهداف و اولویتهای بیش از هر جای دیگری خود را در برنامه‌ها نشان می‌دهد؛ همچنان که تغییر اهداف مهم‌ترین عامل تغییر در برنامه‌های مدیران است. به عنوان مثال، مدیری که هدفش جلب سود بیشتر است با مدیری که هدفش خدمت رسانی بهتر و یا جلب بیشتر آرای عمومی است، از نظر برنامه‌ها به‌طور کامل متفاوت خواهند بود. یکی از چیزهایی که در بررسی عناصر و ارکان مدیریت مورد غفلت واقع شده است، شناخت موقعیت اجتماعی موضوع مدیریت است که موضوع مطرح برای مدیریت در جامعه از چه جایگاهی برخوردار است و چه ویژگی‌هایی دارد؟

با توجه به اینکه مدیریت مسجد، زیرمجموعه مدیریت فرهنگی و تربیتی است و با توجه به اهداف مدیریت فرهنگی و تربیتی، می‌توان گفت که اصول و قواعد مدیریت در عرصه‌های فرهنگی، تربیتی و نیز اجتماعی و سیاسی از پیچیدگی و گستردگی‌های بسیاری برخوردار است و نمی‌تواند در چهار یا پنج مورد خلاصه شود، بلکه در محورهای متعددی باید اصول و قواعد مشخصی برای آن مطرح شود. مدیریت در امور فرهنگی و تربیتی، حداقل در هفت محور باید قاعده و ضابطه‌مند باشد که این هفت محور عبارت‌اند از:

۱. مشخص کردن وظایف و اختیارات مدیر؛
۲. تعریف موقعیت و جایگاه اجتماعی موضوع مدیریت؛
۳. تعیین هدف؛
۴. برنامه ریزی؛
۵. ایجاد انگیزه؛
۶. سازمان‌دهی و اجرا؛
۷. کنترل و نظارت.

به عنوان مثال، در اداره یک مؤسسه آموزشی، بیش از هر چیزی باید وظایف و اختیارات مدیر مشخص باشد؛ زیرا فلسفه شکل‌گیری دانش و فن مدیریت،

بهره‌وری بهتر از امکانات و فرصت‌های موجود است و در صورت مشخص نبودن وظایف و اختیارات، ناهماهنگی، تداخل در کارها، تکرار، عدم مسئولیت پذیری، پیش می‌آید. همچنین، در مدیریت امور فرهنگی، سیاسی و تربیتی، شناخت موقعیت و ظرفیت موضوع مدّظّر، به‌طور کامل ضروری است. به‌علاوه، تعیین هدف و اولویت گذاری آن بسیاری حیاتی است. در فصل آینده این عناصر را در موضوع مسجد به صورت تطبیقی بررسی خواهیم کرد.

۴-۳) مفهوم مسجد

الف) مسجد در لغت

مسجد از نظر لغت به معنای مطلق، مکان سجده است.^۱ در قرآن نیز مسجد به معنای مطلق، مکان عبادت خوانده شده است. چنان‌که معبدهای ادیان پیش از اسلام، مانند هیکل سلیمان که معبد اصلی در دین یهود بود، مسجد گفته شده است: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ؛ پاک و منزه است خدایی که بنده‌اش را در یک شب از مسجدالحرام به مسجدالاقصی که گرداگردش را پربرکت ساخته‌ایم، برد تا برخی از آیات خود را به او نشان دهیم که بی‌گمان او شنوا و بینا است».^۲

در هنگام بعثت رسول الله ﷺ مسجد به معنای اسلامی در بیت‌المقدس وجود نداشت. همان‌طور که به کلیسای مسیحیان مسجد گفته شده است. در قرآن کریم در داستان اصحاب کهف، از قول کسانی که بعد از مرگ دوباره اصحاب کهف، تصمیم گرفتند که محلّ اصحاب کهف را معبدی بسازند می‌فرماید: «قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا؛ آنها که بر کار آنان چیره گشتند گفتند: مسجدی بر (مدفن) آنها خواهیم ساخت».^۳

کسانی که می‌گفتند محلّ خواب (یا مرگ واقعی) اصحاب کهف را عبادت‌گاه

۱. لسان‌العرب، ج ۳، ص ۲۰۳.

۲. اِسْرَاء، آیه ۱.

۳. کهف، آیه ۲۱.

می‌سازیم، مقصودشان ساختن کلیسا بود؛ چون اصحاب کهف مسیحی بودند. در روایات هم مسجد به معنای مطلق، مکان عبادت خداوند معرفی شده است. ابوذر می‌گوید: از رسول الله ﷺ پرسیدم، کدام مسجد اولین بار ساخته شد؟ حضرت فرمود: کعبه؛ پرسیدم و بعد؟ فرمود: مسجد الاقصی. ^۱ در عهد نزول آیات قرآن به خصوص در شب معراج که قبل از هجرت به مدینه بوده است، مسجد به معنای اسلامی نبود، بلکه مسجد به معنای مکان عبادت بود. در کتاب «وسائل الشیعه» روایاتی در جواز مسجد قرار دادن کنیسه و کلیسا به عنوان مسجد نقل شده است. در روایتی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که می‌توان در کنیسه و کلیسا نماز گزارد:

«سألت أبا عبد الله (علیه السلام) عن البيع و الكنائس يصلی فیها؟ قال: نعم؛ و سألته هل يصلح بعضها مسجداً؟ فقال: نعم؛ از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم در کلیساها و کنیسه‌ها می‌شود نماز گزارد؟ فرمودند: بله؛ و پرسیدم می‌شود بخشی از آنان را مسجد قرار داد؟ فرمود: بله.» ^۲

این روایت حاکی از این است که از نظر اسلام، کنیسه و کلیسا برای عبادت خداوند بنا شده است و اگر انحرافی در اعمال عبادی اهل کتاب صورت گرفته است، باعث نمی‌شود که این مکان‌ها صلاحیت خود را برای عبادت خداوند از دست بدهند. شاید به دلیل اینکه در این آیات بر کلیسا و کنیسه، مسجد اطلاق شده، زجاج، یکی از لغت‌دانان عرب، معتقد است که هر جایی که در آن عبادت شود، مسجد است؛ چون رسول الله ﷺ فرمودند که زمین برای من مسجد و پاک‌کننده قرار داده شده است: «جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِداً وَ طَهوراً؛ زمین برای من مسجد (سجده گاه) و پاکیزه قرار داده شده است.» ^۳ فخر رازی هم در زیر این آیه می‌گوید: [نظراً] اکثر بر این است که مسجد، جاهایی است که برای نماز و یاد خدا بنا شده و شامل کنیسه‌ها و کلیساها و مساجد مسلمانان می‌

۱. بلاغی نجفی، محمدجواد، آلاء الزمن فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۱۳.

۲. وسائل الشیعه (آل البیت)، ج ۵، ص ۲۱۱.

۳. لسان العرب، ج ۳، ص ۲۰۳.

گردد. از زکشی به استناد حدیث نبوی مذکور گفته است که در دین اسلام، کل زمین مسجد است.^۲

ب) مسجد در اصطلاح فقهی

از نظر فقهی، مسجد به جایی گفته می‌شود که برای نماز گزاردن عموم مسلمانان وقف شده باشد. صاحب جواهر رحمته الله که در بین فقهای شیعه بیش از همه درباره مسجد بحث کرده است در تحقق عنوان شرعی و اصطلاحی مسجد، «وقف بر کافه مسلمانان» را شرط می‌داند؛ به صورتی که اگر وقف بر خاص باشد، مسجد نخواهد بود. ایشان در تعریف مسجد می‌گویند: «و المراد بالمسجد شرعاً المكان الموقوف علی کافه المسلمین للصلاه، فلو خص بعضاً منهم به لم یکن مسجداً؛ مراد از «مسجد شرعی» مکانی است که برای نماز عموم مسلمانان وقف شده باشد».^۳

صاحب جواهر رحمته الله، در اینکه در تحقق عنوان مسجد بر جایی، صیغه وقف لازم است یا نه، دو قول را یاد می‌کند: اول اینکه، صیغه وقف لازم است و قول دوم اینکه، صیغه وقف لازم نیست؛ زیرا در صدر اسلام، در بنای مسجد صیغه وقف جاری نمی‌کردند؛ البته اعلان به مردم برای نماز و نماز خواندن در آن، شرط تحقق مسجد است، نظر خودش این است که صیغه شرط است؛ به دلیل اینکه در باب وقف، همه فقها صیغه را لازم دانسته‌اند؛ ولی در این قول هم اظهار تردید می‌کند و می‌گوید در روایات شواهدی است که قول اول را تأیید می‌کند.^۴

امام خمینی رحمته الله هم در ساختن مسجد صیغه وقف را لازم ندانسته است و تنها ساختن به عنوان مسجد و اجازه نماز گزاردن عموم در آن و نماز گزاردن تعدادی از مردم در آن را در مسجد شدنش کافی می‌داند و می‌فرماید: «الظاهر کفایه المعاطاه فی مثل المساجد... فلو بنی بناءً بعنوان المسجدیه وأذن فی الصلاه فیه للعموم و صلّی فیه بعض الناس، کفی فی وقفه و صیرورته مسجداً».^۵

۱. امام فخر رازی، تفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، ج ۱۰، ص ۶۷۴.

۲. احکام تحیه المسجد، ص ۱۶.

۳. جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۶۹.

۴. همان، ص ۷۰.

۵. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۶۳، مسئله ۳.

علمای اهل سنت هم، مسجد را تا حدودی مشابه فقهای شیعه تعریف کرده‌اند. در کتاب «احکام تحیه المسجد»، مسجد یک مکان دائمی برای نماز گزاردن تعریف شده و در این مورد چنین آمده است: «الْمَكَانُ الَّذِي اُعِدَّ لِلصَّلَاةِ عَلَيَّ الدَّوَامِ؛ [مسجد] مکانی است که برای نماز گزاردن به‌طوری دائمی آماده شده باشد».^۱

بنابراین، از نظر فقهی جایی که بدون وقف، محلّ نماز است و یا وقف برای نماز خواندن تعدادی خاصی است، مسجد نیست. همچنان که خانقاه و حسینیه هم حکم مسجد ندارد.

موضوع بحث ما مسجد فقهی است؛ یعنی مسجدی که برای نماز همه مسلمانان بنا شده باشد. هرچند عرفاً بر مصلّاهایی که در خانه‌ها ساخته می‌شود نیز مسجد گفته‌اند و روایاتی هم در فضیلت و ثواب ساختن محلّی در خانه‌ها برای نماز وارد شده است، ولی این مکان‌ها حکم مسجد را ندارند.^۲

۵-۳) مدیریت مسجد

دو تعریف از مدیریت مسجد می‌توان ارائه داد: نخست، تعریف مدیریت مسجد به عنوان شاخه‌ای از دانش مدیریت و دّوم، مدیریت مسجد به عنوان یک فنّ و هنر. با توجّه به اینکه دانش مدیریت شاخه‌های متعدّدی دارد، می‌توان مدیریت مسجد را شاخه‌ای از علم مدیریت در نظر گرفت و آن را این‌گونه تعریف کرد: دانش مدیریت مسجد عبارت است از مجموعه اصول و قواعدی که مدیریت مسجد را برای تحقق اهدافی که برای آن در دین مشخص شده است، تسهیل می‌کند.

البته ما چنین دانش مدّونی به این نام هنوز نداریم، ولی این دلیل نمی‌شود که نداشته باشیم، دانش مدیریت امروز ده‌ها شاخه پیدا کرده است و روز به روز هم بر شاخه‌های آن افزوده می‌شود. اساس این دانش بر تفکرات، نظریه و

۱. احکام تحیه المسجد، ص ۱۶.

۲. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۷۲.

تجربه‌هایی استوار است که در هر حوزه توسط متخصصان مطرح می‌شد و با جمع‌آوری این نظریه و تجربیات و دسته‌بندی و منسجم کردن آن، یک دانش شکل می‌گیرد. دانش، چیزی فراتر از نظریه و یا داده‌های تجربه شده نیست. مساجد، به عنوان یکی از گسترده‌ترین و مهم‌ترین مراکز تأثیرگذار در زندگی فکری، فرهنگی، تربیتی و معنوی جوامع مسلمان، به‌طور قطع شایستگی دارد که دارای دانش مدیریت ویژه خود باشد. اداره کردن مسجد، چیزی نیست که نیاز به برهان و استدلال داشته باشد. البته چنین دانشی زمانی شکل می‌گیرد که مدیریت مسجد به عنوان یک رشته تحصیلی در حوزه‌ها و یا دانشگاه‌ها تأسیس شود؛ اما مدیریت مسجد به عنوان یک هنر و فن، نیازی به رشته و دانش ندارد و یک توانایی است که می‌تواند در اثر استعداد و تلاش یک شخص و یا تجربه‌آموزی از دیگران فراهم شود. مدیریت مسجد را به عنوان یک فن و هنر، می‌توان این‌گونه تعریف کرد: هنر و فن رهبری مسجد به منظور محقق کردن اهداف تشریح مسجد.

البته از آنجا که دانش مدیریت یک دانش کاربردی است، شاید تفکیک کامل آن از هنر و فن مدیریت، نه ضروری باشد و نه لازم؛ ولی به هر حال، باید برای مشخص بودن مسیر بحث این دو را از هم متمایز کرد. هدف ما بررسی و کشف و تبیین اصول و قواعد مدیریت مسجد است، بنابراین، بحث بیشتر روی دانش مدیریت مسجد است تا بررسی مدیریت مسجد به عنوان یک فن و هنر. البته این نوشته حتی در حد یک گام در مسیر شکل‌گیری دانش مدیریت مسجد هم شاید به حساب نیاید؛ ولی تلاشی در این راستا است.

۶-۳) حوزه‌های مدیریت مسجد

همان‌طور که اشاره شد، مقصود از مدیریت مسجد، مدیریت دینی جامعه از طریق مسجد است. بنابراین، مدیریت ویژه‌ای خواهد بود و با توجه به ابعاد جامعه، مدیریت مسجد هم دارای حوزه‌ها و بخش‌های متعددی می‌شود. مسجد، همچنان که محور دین است، محور جامعه هم است. در فرهنگ اسلام

مسجد، در مرکز شهر و محله و بازار احداث می‌شد که نشان‌دهنده نقش محوری مسجد است و از نظر کاربردی هم در تاریخ اسلامی به خصوص صدر اسلام، تمام امور اجتماعی و سیاسی در مسجد حل و فصل و مدیریت می‌شد و مسجد، به عنوان تنها مرکز عمومی و اجتماعی مسلمانان مطرح بود. هرچند با توجه به گستردگی و پیچیدگی جوامع امروزی چنین چیزی در عصر حاضر امکان ندارد، ولی نباید ظرفیت و استعداد مسجد در حیات اجتماعی به کلی فراموش شود. تا جایی که امکان دارد باید نقش محوری و حضور فعالانه مسجد را در تمام جوانب زندگی دوباره احیا کرد.

مدیریت مسجد شامل حوزه‌هایی است که دین در آنجا می‌تواند نقش ایفا کند. با توجه به این مبنا می‌توان شاخه‌های فرعی بسیاری برای مدیریت مسجد در نظر گرفت؛ مثل مدیریت عبادی مسجد، مدیریت سیاسی مسجد، مدیریت فرهنگی مسجد، مدیریت اجتماعی مسجد و مدیریت اقتصادی مسجد و

« فصل چهارم: ارکان مدیریت مسجد

۴-۱) شناخت وظایف و اختیارات

اولین رکن و اصل و قاعده در مدیریت، شناخت وظایف، مسئولیت‌ها و اختیارات مدیر است. مدیر باید بداند که چه چیزی از او خواسته شده و چه امکاناتی برای تحقق این خواسته در اختیار او قرار داده شده است. طبیعی است که مدیر، بدون شناخت وظایف نمی‌تواند اهداف مورد نظر را محقق کند؛ همچنان که مدیر، بدون داشتن اختیارات کافی نمی‌تواند اهداف مورد نظر را محقق کند. بدون آشنایی با وظیفه، مدیریت به هرج و مرج کشیده خواهد شد و بدون داشتن اختیارات، مدیریت با بحران مواجه خواهد شد. حال این سؤال پیش می‌آید که مدیر مسجد، چه وظایفی و اختیاراتی دارد؟

۴-۱-۱) وظایف مدیر مسجد

شاید برخی گمان کنند که وظیفه امام مسجد فقط خواندن نماز جماعت است. اگر ما وظیفه امام جماعت را فقط در خواندن نماز منحصر کنیم، سخن گفتن از مدیریت مسجد بیهوده است. چنین تفکری با دیدگاه سکولاری از دین و مسجد هماهنگ است نه با دیدگاه مکتبی. در دیدگاه مکتبی به خصوص در تفکر شیعه، وظیفه امام مسجد تداوم وظایف انبیا است. مسجد که خانه خدا و برای مردم است، متولی آن انبیا هستند و بعد از انبیا در اختیار امام مسجد است. بنابراین، همان‌طور که در بررسی جایگاه مسجد از محوریت مسجد در مدیریت دینی جامعه سخن رفت، امام مسجد هم محور مدیریت مسجد است و همان‌طور که در تعریف مدیریت گفته شد، هدف مدیر، سازمان‌دهی همه امکانات برای تحقق هدف است. بنابراین، امام مسجد هم باید همه امکانات موجود را برای تحقق اهداف دین و مسجد در جامعه رهبری کند. به بیان دیگر، دین به فرد و جامعه جهت می‌دهد و مسیر هدایت و سعادت حقیقی را نشان می‌دهد. مسجد، محور این جهت‌دهی و هدایت است و سگان این محور به دست امام مسجد است. از این رو، نقش امام مسجد چون سگاندار کشتی در دریا است که از طریق

اتفاق کنترل یا همان مسجد، کشتی جامعه را به سوی مقصد هدایت می‌کند. بر این اساس، هر کاری که رسول الله ﷺ در مسجد و برای مدیریت مسجد انجام می‌داد، امام مسجد می‌تواند و شایسته است که انجام بدهد و در اصل سنت و سیره رسول الله ﷺ باید الگوی امام مساجد باشد. در بررسی آیات و روایات و سیره پیشوایان دینی (علیهم‌السلام) چند محور را به عنوان مهم‌ترین وظایف امام مسجد می‌توان ارائه نمود که عبارت‌اند از:

۱. اقامه نماز

اولین وظیفه امام مسجد اقامه نماز، به عنوان اصلی‌ترین رکن عبادی دین اسلام است. اقامه نماز، از وظایف اصلی انبیا و به خصوص خاتم انبیا ﷺ بوده است. خدای متعال در قرآن کریم، ابلاغ آیات قرآن و اقامه نماز را دو وظیفه خاتم پیامبران ﷺ بیان کرده، می‌فرماید: «أَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ»؛ کتاب (آسمانی) را که به تو وحی شده تلاوت کن و نماز را برپا دار که نماز (انسان را) از زشتی و گناه باز می‌دارد و یاد خدا بزرگ‌تر است و خداوند آن چه را انجام دهی، می‌داند».^۱

در سوره انعام به پیامبر اکرم ﷺ دستور می‌دهد که بگوید مأمور به ابلاغ آیات قرآن و برپا کردن نماز هستم؛ آنجا که می‌فرماید: «...قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَأَمْرًا لِنُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ»؛ بگو تنها هدایت خداوند، هدایت است و دستور داده شده‌ایم که تسلیم پروردگار عالمیان باشیم».^۲

در ادامه، قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَاتَّقُوا وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ»؛ و (نیز به ما فرمان داده شده) نماز را برپا دارید و از او بپرهیزید و تنها اوست که به سویش محشور خواهید شد».^۳

قرآن کریم در توصیف مؤمنان و یاران پیامبر خاتم انبیا ﷺ اولین چیزی که مطرح

۱. عنکبوت، آیه ۴۵.

۲. انعام، آیه ۷۱.

۳. همان، آیه ۷۲.

می‌کند این است که آنان بعد از اینکه بر زمین مسلط شدند، نماز به پا می‌دارند. در همین راستا قرآن کریم می‌فرماید: «الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ؛ کسانی که هر گاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌پردازند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند»^۱.

یکی از وصایای لقمان حکیم به فرزندش اقامه نماز بوده است: «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَآمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ پسر من، نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن»^۲.

مجموعه این آیات و آیات مشابه دیگر، حاکی از این است که اقامه نماز اصلی‌ترین و محوری‌ترین برنامه مسجد است. باید توجه داشت که اقامه نماز با خواندن نماز فرق دارد. مقصود از اینکه اصلی‌ترین وظیفه امام جماعت اقامه نماز در مسجد است، چیزی فراتر از خواندن نماز در مسجد و برگزاری نماز جماعت است. در قرآن تأکید بسیاری بر روی اقامه نماز است. از آیات قرآن چنین بر می‌آید که اقامه نماز مهم‌ترین و اصلی‌ترین وظیفه انبیا بوده است. شاید برخی گمان کنند که مقصود از اقامه نماز، خواندن نماز و یا برپایی نماز جماعت است؛ این گمانی بیگانه با واقعیت است.

حضرت ابراهیم علیه السلام زمانی که اسماعیل علیه السلام را به مکه ساکن کرد، یکی از اهدافش از این کار را برپایی نماز عنوان کرده است. قرآن در این مورد می‌فرماید: «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ دُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ؛ پروردگارا من بعضی از فرزندانم را در سرزمین بی‌آب و علفی، در کنار خانه‌ای که حرم توست، ساکن ساختم تا نماز را برپا دارند»^۳.

مقصود ابراهیم علیه السلام از اقامه نماز، این نبود که اسماعیل در مکه نماز بگذارد؛ اگر مقصود نماز گزاردن بود، در کنعان هم می‌توانست این کار را انجام دهد و نیازی نبود که به سرزمین بی‌آب و علف مکه برود. همچنین، اگر مقصود فقط خواندن

۱. حج، آیه ۴۱.

۲. لقمان، آیه ۱۷.

۳. ابراهیم، آیه ۳۷.

نماز بود، با عبارت «لیصلی» بهتر بیان می‌شد. هدف حضرت ابراهیم (علیه السلام) و هدف خداوند از دستور به ابراهیم (علیه السلام) این بود که حضور اسماعیل در مکه منجر به گسترش و تداوم عبادت و یاد خداوند در جهان و در بین بشریت شود و مکه محلّ ذکر و یاد خداوند باشد. پس، مقصود از اقامه نماز، تنها خواندن نماز نیست؛ بلکه مقصود اقامه، به معنای گسترش و استمرار و پایداری نماز به عنوان عبادت خداوند در جامعه است. بر این اساس، هدف اصلی برای امام مسجد این است که نماز را به عنوان ارتباط با خداوند در جامعه زنده نگه داشته و گسترش دهد و از این طریق ارتباط انسان را با خداوند برقرار کند. نماز، مهم‌ترین راه و اصلی‌ترین شیوه ارتباط بین بنده و پروردگار است. انبیا، اولیا و امامان مساجد وظیفه دارند که این ارتباط را زنده، استوار و پایدار نگه دارند و گسترش دهند و این در صورتی محقق می‌شود که نماز به عنوان یک وظیفه از طرف بیشتر افراد جامعه اقامه شود. هر چه امام جماعت در گسترش نماز در بین افراد جامعه موفق‌تر باشد، مدیریت او موفق‌تر است. بنابراین، مدیریت مسجد، فراتر از نمازگزاردن در مسجد است و وظیفه‌اش ترویج نماز در جامعه است. ترویج نماز در جامعه به معنای، احیای ذکر خدا و استحکام ارتباط با خداوند در جامعه و پیوند مستحکم‌تر افراد با خداوند است. این، همان وظیفه‌ای است که انبیا برای آن مبعوث شده‌اند و وظیفه‌ای است که علمای دین بر دوش دارند؛ همچنان که در روایات آمده است که: «إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ؛ علماء، وارثان پیامبرانند»^۱. بنابراین، مسجد به عنوان پایگاه و سنگر دین، اصلی‌ترین جایگاه انجام این وظیفه است.

۲. جلب مشارکت

دومین وظیفه امام، جلب مشارکت و حضور مردم در مسجد است. اقامه نماز در راستای ارتباط مسجد با خداوند است و جلب مشارکت در راستای ارتباط مسجد با مردم است. مسجد حلقه اتصال انسان با خداوند است و جایی است که جامعه

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۲.

با خداوند ارتباط برقرار می‌کند. بنابراین، اقامه نماز بدون جلب مشارکت مردم در مسجد میسر نیست. شواهدی از سنت نبوی ﷺ و سیره معصومان (علیهم السلام) وجود دارد که بر اهمیت این موضوع دلالت دارد. یکی از سنت‌های و سفارش‌های رسول اکرم ﷺ مراعات حال نمازگزاران بود که نماز نباید باعث مشقت مردم شود و در نتیجه باعث دوری مردم از مسجد و نماز جماعت گردد.

در روایتی به نقل از رسول اکرم ﷺ آمده است: عن أبي مسعودٍ أنَّ رجلاً قال: وَ اللَّهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي لَأَتَأَخَّرُ عَنْ صَلَاةِ الْغَدَاةِ مِنْ أَجْلِ فَلَانٍ، مِمَّا يُطِيلُ بِنَا؟ فَمَا رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي مَوْعِظَةٍ أَشَدَّ غَضَبًا مِنْهُ يَوْمَئِذٍ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ مِنْكُمْ مُنْفِرِينَ؛ فَأَيُّكُمْ مَا صَلَّى بِالنَّاسِ فَلْيَتَجَوَّزْ، فَإِنَّ فِيهِمُ الضَّعِيفَ وَ الْكَبِيرَ وَ ذَا الْحَاجَةِ؛ از ابی مسعود نقل شده که مردی گفت: من به دلیل اینکه فلانی نماز را طول می‌دهد، نماز صبح را به تاخیر می‌اندازم. (ابی مسعود می‌گوید) رسول الله ﷺ را در هنگام هیچ موعظه‌ای از آن روز خشمگین‌تر ندیدم. سپس حضرت فرمود: بعضی از شما نفرت‌افکن هستید. هر یک از شما که با مردم نماز گزاردید، نماز را با سرعت بخوانید که در بین نمازگزاران، ناتوان و پیر و کسانی که کار دارند، هستند.^۱

امام علی (علیه السلام) نیز در عهد نامه‌اش به مالک اشتر نخعی به او چنین سفارش فرمودند: «وَ إِذَا قُمْتَ فِي صَلَاتِكَ لِلنَّاسِ، فَلَا تَكُونَنَّ مُنْفِرًا وَ لَا مُضَيِّعًا فَإِنَّ فِي النَّاسِ مَنْ بِهِ الْعِلَّةُ وَ لَهُ الْحَاجَةُ وَ قَدْ سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ حِينَ وَجَّهَنِي إِلَى الْيَمَنِ كَيْفَ أَصَلِّي بِهِمْ؟ فَقَالَ: صَلِّ بِهِمْ كَصَلَاةِ أَضْعَفِهِمْ، وَ كُنْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا؛ نماز را چنان انجام ده که نه باعث خستگی و نفرت شود و نه چیزی از آن ضایع شود؛ زیرا که در بین نمازگزاران، افراد مریض و کسانی که گرفتاری و کاری دارند وجود دارند. من هنگامی که به یمن می‌رفتم از رسول خدا ﷺ پرسیدم که چگونه با مردم نماز بخوانم؟ فرمود: با مردم هم چون نماز ناتوان‌ترین آنان نماز بگذار و نسبت به مؤمنان مهربان باش.»^۲

۱. صحیح بخاری، کتاب الأذان، باب تخفيف الإمام في القيام و إنما الركوع و السجود؛ فتح الباری، ج ۲، ص ۱۹۷.

۲. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

روایاتی وجود دارد که رسول الله ﷺ و حضرت امیر (علیه السلام) کسانی را که در نماز جماعت شرکت نمی کردند، تهدید می کردند. صاحب جواهر در بررسی این روایات می گوید که این روایات بر کراهت عدم حضور در مسجد دلالت دارد نه بر حرمت آن؛ به دلیل اینکه هیچ کس فتوا به وجوب حضور در نماز جماعت نداده است.^۱

همچنان که صاحب جواهر تصریح می کند، با وجود این روایات کسی فتوا به وجوب حضور در نماز جماعت نداده است. از عدم فتوا به وجوب فهمیده می شود که رسول الله ﷺ و حضرت علی (علیه السلام) این تهدید را عملی نکرده اند؛ چون اگر یک مورد این تهدید عملی می شد، برای فتوا به وجوب نماز در مسجد مبنا محسوب می شد. بنابراین، می توان گفت که روایاتی که بر تهدید دلالت می کنند، اگر از نظر سند معتبر باشند، فقط نوعی تهدید را بیان می کنند و نشان از اهمیت حضور در نماز جماعت است که از هر وسیله ای باید برای حضور افراد جامعه در مسجد استفاده کرد.

۲. گسترش حوزه فعالیت مسجد

سومین وظیفه امام جماعت، وسعت دادن به گستره فعالیت مسجد است. امام مسجد باید فعالیت مسجد را در تمامی حوزه های حیات فردی و اجتماعی گسترش دهد. چنان که گفته شد هدف اصلی از مدیریت مسجد، مدیریت دینی جامعه است. مدیریت جامعه در صورتی محقق خواهد شد که مسجد در تمامی حوزه هایی که دین حاوی پیام است، فعال شود. وظیفه مدیر مسجد این است که فعالیت مسجد را به تمام بخش های زندگی فردی و اجتماعی که دین در آن پیام و یا دستوراتی دارد، گسترش دهد. حکومت اسلامی که رسول الله ﷺ بنیان گذاشت بر سه پایه استوار بود: پایه نخست، مسجد بود. رسول الله ﷺ بعد از ورود به مدینه، مسجدی ساخت که به عنوان پایگاه اصلی مسلمانان بود. پایه دوم، انعقاد عقد اخوت و برادری بین مردم، یعنی انصار مدینه و مهاجران بود. پایه

۱. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۱۲۲.

سوّم، پیمان‌های چندجانبه‌ای بود که بین رسول الله ﷺ و مسلمانان با مشرکان و یهود بسته شد. در این سه پایه، مسجد اولین و مهم‌ترین آنها بود؛ اما مسجد در عصر حاضر از این جهت بسیار غریب است؛ زیرا مساجد به جز در اوقات نماز، در بقیه مدت شبانه روز بسته است. در حالی که بر طبق سنت نبوی ﷺ مسجد باید همیشه باز باشد. یکی از سنت‌های رسول الله ﷺ، نشستن در مسجد بود. روایت شده است که رسول الله ﷺ در مسجد می‌نشستند و گاهی به اصحاب خود مسائلی را تعلیم می‌دادند. گاهی منتظر می‌ماندند تا کسی از او چیزی بپرسد. همچنین، برای برقراری آشتی بین مردم، اجرای حدود و برآوردن حوائج مردم در مسجد می‌نشستند.^۱ یک جامعه دینی در عصر حاضر باید از این الگو پیروی کند. برای گسترش حوزه فعالیت مسجد، باید در دو جهت مشخص برنامه ریزی کرد:

الف) رهبری امام مسجد در فعالیت‌های اجتماعی

یکی از کارهایی که باید احیا شود این است که امام مسجد، حداقل ساعاتی از روز را در مسجد بنشیند و همانند رسول الله ﷺ در بین مردم حضور داشته باشد و به اموری که مردم به او رجوع می‌کنند، رسیدگی کند. امام علی (علیه السلام) در نامه‌ای به قثم بن عباس، فرماندار مکه چنین دستور می‌دهد: «أَمَّا بَعْدُ، فَأَقِمِ لِلنَّاسِ الْحَجَّ، وَ ذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ وَ اجْلِسْ لَهُمُ الْعَصْرَيْنِ فَأَقْتِ الْمُسْتَفْتَى، وَ عَلِّمِ الْجَاهِلَ، وَ ذَاكِرِ الْعَالِمَ؛ أَمَّا بَعْدُ، حَجَّ رَا بَرِّگَزَارِ كَن وَ مَرْدَم رَا نَسَبْت بَه آيَامِ اللَّهِ يَادَاوَرِي كَن وَ بَعْدَ از نماز ظهر و عصر با مردم بنشین و به پرسش‌های آنان پاسخ بده؛ جاهلان را آگاه کن و با عالمان به گفتگو بنشین.»^۲

هرچند در این سخن امام فقط سه نکته یعنی پاسخ به پرسش‌ها و آگاه کردن جاهلان و گفتگو با عالمان مطرح شده است؛ اما به نظر می‌رسد که مقصود آن حضرت، حصر وظیفه امام در این سه نیست، بلکه مقصود ایشان حضور امام در

۱. صحیح البخاری، ج ۱، ص ۱۲۱-۱۱۲.

۲. نهج البلاغه، نامه ۶۶.

بین جامعه و حلّ و فصل همه مشکلات مردم است.

در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که ایشان فرمودند: «مَنْ تَوَلَّى أَمْرًا مِنْ أُمُورِ النَّاسِ فَعَدَلَ وَفَتَحَ بَابَهُ وَرَفَعَ شَرَّهُ وَنَظَرَ فِي أُمُورِ النَّاسِ، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُؤْمِنَ رَوْعَتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ؛ هر کسی که کاری از امور جامعه را بر عهده بگیرد و در آن کار به عدالت رفتار کند و موانع بین خود و مردم را بردارد و در خانه‌اش را بر روی مردم بگشاید و در کار مردم بنگرد، بر خداوند شایسته است که در روز قیامت هراس او را بر طرف کند و او را به بهشت وارد کند»^۱.

امام و مدیر مسجد یکی از مهم‌ترین کارهای مردم را بر عهده گرفته است و باید در انجام این وظیفه از مردم فاصله نداشته باشد. امام و مدیر مسجد کارهای بسیاری را می‌تواند انجام بدهد؛ از جمله: حلّ و فصل مشکلات خانوادگی و منازعات به وجود آمده بین مردم، برقراری آشتی بین طرف‌ها و مشورت در تربیت دینی فرزندان و مشکلات روحی افراد، برگزاری مباحثات علمی و فرهنگی و... این امور می‌تواند با تدابیری به صورت جزئی از کاربردها و وظایف تعریف شده مساجد درآید؛ به صورتی که مردم به جای اینکه مسائل جزئی‌شان را در پاسگاه‌ها و دادگاه و با جنجال و دعوا حلّ و فصل کنند، با حضور در مساجد و در فضای آرام، سریع‌تر انجام دهند. اگر امام مسجدی بتواند فعالیت‌های خود را تا این سطح گسترش بدهد، هم در بین مردم از وجهه و جایگاه خوبی برخوردار خواهد شد و هم در مدیریت دینی جامعه توفیق بزرگی به دست خواهد آورد. چنین کسانی در واقع به سطح رهبری جامعه نایل خواهند شد.

انبیا و اوصیا، تنها امام در عبادت نبودند؛ امام در زندگی هم بودند؛ مقتدای در همه امور بودند. در قرآن کریم، زندگی انبیا و از جمله حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله آسوه حسنه برای مردم معرفی شده است. قرآن در این مورد می‌فرماید: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءٌ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۹۳.

الْعَدَاوَةُ وَالْبُغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْنِكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ؛ برای شما در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند، الگوی نیکی وجود داشت؛ در آن هنگامی که به قوم (مشرک) خود گفتند: ما از شما و آنکه غیر از خدا می پرستید، بیزاریم! ما نسبت به شما کافریم و بین ما و شما عداوت و دشمنی همیشگی آشکار شده است تا آن زمان که به خدای یگانه ایمان بیاورید»^۱

همچنین قرآن می فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ مَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ؛ (آری)، برای شما در زندگی آنها اسوه حسنه (و سرمشق نیکویی) بود، برای کسانی که امید به خدا و روز قیامت دارند؛ و هر کس سرپیچی کند (به خویشان ضرر زده است؛ زیرا) خداوند بی نیاز و شایسته ستایش است»^۲

در قرآن کریم درباره حضرت ختمی مرتبت ﷺ هم آمده است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا؛ به طور مسلم برای شما در زندگی رسول خدا الگوی نیکویی بود، برای کسانی که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می کنند»^۳

همان طور که امام جماعت و جمعه وقتی در نماز هستند و مردم در نماز به ایشان اقتدا می کنند، از نظر اجتماعی، سیاسی، اخلاقی، دینی و تربیتی هم باید چنین جایگاهی داشته باشند. اگر امام مسجد به این مقام برسد، مدیریتش بسیار تأثیرگذار خواهد بود. یکی از محققین درباره نقش رهبران فکری در شکل گیری تحولات اجتماعی می گوید: رهبران در یک تقسیم بندی، به رهبران فکری و غیر فکری تقسیم می شوند. رهبران فکری جامعه ممکن است خود را رهبر به حساب نیاورند، اما در شکل گیری تحولات اجتماعی نقش مهمی دارند.^۴ جایگاه اصلی امام مسجد، جایگاه رهبری فکری افراد است.

۱. ممتحنه، آیه ۴.

۲. همان، آیه ۶.

۳. احزاب، آیه ۲۱.

۴. کریمی، سعید، رسانه‌ها و راه‌های تقویت مشارکت مردم در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی، ص ۸۸.

ب) تأثیرگذاری مسجد در زندگی فردی و اجتماعی

جهت دوّم گسترش حوزه فعالیت مسجد، حضور مسجد در زندگی افراد جامعه است؛ یعنی اینکه بین مسجد و افراد رابطه متقابل وجود داشته باشد؛ به صورتی که فرد خود با مسجد مانوس باشد و مسجد هم در زندگی فرد تأثیر داشته باشد.

در روایات اسلامی، برای نشستن در مسجد هم آثار و برکاتی بیان شده است.

عثمان ابن مظعون که از اصحاب بسیار عابد و زاهد رسول الله ﷺ بود، می گوید: «قُلْتُ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَرَدْتُ أَنْ أَسْأَلَكَ عَنْ أَشْيَاءَ، فَقَالَ: وَ مَا هِيَ يَا عُثْمَانُ؟ قَالَ: قُلْتُ: إِنِّي أَرَدْتُ أَنْ أَتْرَهَّبَ؛ قَالَ: لَا تَفْعَلْ يَا عُثْمَانُ، فَإِنَّ تَرَهُّبَ أُمَّتِي الْقُعُودُ فِي الْمَسَاجِدِ وَ انْتِظَارُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الصَّلَاةِ؛ بِهِ رَسُولُ خُدا - که درود خدا بر او و خاندانش باد عرض کردم: ای پیامبر خدا! قصد دارم تا چیزهایی را از شما بپرسم؛ حضرت فرمود: ای عثمان! آنها چه هستند؟ عرض کردم: می خواهم به رهبانیت، رو بیاورم (و ترک دنیا کنم)؛ حضرت فرمود: ای عثمان! چنین مکن؛ زیرا رهبانیت امت من، نشستن در مسجدها و انتظار کشیدن برای نمازی در پی نماز دیگر است»^۱.

همچنین، در روایات دیگری، از نشستن در مسجد برای انتظار نماز بسیار تمجید شده است. در «وسائل الشیعه» بابی تحت عنوان «استحباب الجلوس فی المسجد و انتظار الصلاه» آورده شده است و در روایت متعددی در استحباب نشستن در مسجد تمجید شده است؛ از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که فرمودند: «ثَلَاثَةٌ نَفَرٌ مِنْ خَالِصَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: رَجُلٌ زَارَ أَخَاهُ فِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَهُوَ زَوْرُ اللَّهِ وَ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكْرِمَ زَوْرَهُ وَ يُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ، وَ رَجُلٌ دَخَلَ الْمَسْجِدَ فَصَلَّى وَ عَقَبَ انْتِظَاراً لِلصَّلَاةِ الْآخِرَى فَهُوَ ضَيْفُ اللَّهِ وَ حَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكْرِمَ ضَيْفَهُ، وَ الْحَاجُّ وَ الْمُعْتَمِرُ فَهُمَا وَفْدُ اللَّهِ وَ حَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكْرِمَ وَفْدَهُ؛ در روز قیامت سه کس از افراد خالص، در نزد خداوند هستند: اول، کسی که برادر دینی خود را فقط از روی رضای خدا دیدار کند، چنان است که گویی خدا را دیدار کرده و بر

۱. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۹۱.

خدا است که زائرش را اکرام کند و هر چه می‌خواهد به او عطا کند؛ دوّم، مردی که به مسجد در آید و نماز بگزارد و منتظر نماز دیگر باشد که او مهمان خداوند است و بر خداوند است که مهمانش را اکرام کند و سوّم، کسی که برای حجّ و عمره عازم شده، بر خدا است که مهمانش را اکرام کند».^۱

در روایت دیگری آمده است: عن الصادق، عن آبائه عليهم السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: الجُلوسُ في المسجدِ لِانتظارِ الصّلاه عِبادهٌ ما لم يُحدِث، قيل: يا رسول الله و ما يُحدِثُ؟ قال: الاغتِيابُ؛ امام صادق عليه السلام از پدراناش روایت کرد که رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: نشستن در مسجد به انتظار نماز، عبادت است، تا زمانی که ناروایی پدید نیآورد. سؤال شد: ای پیامبر خدا! چه ناروایی؟ فرمودند: غیبت کردن».^۲

البته، نشستن در مسجد کم‌ترین نقش حضور مسجد در زندگی افراد است. در مسجد می‌توان کارهای بسیاری انجام داد که در زندگی مردم نقش داشته باشد؛ مسجد می‌تواند محلّ مشورت مردم در امور فردی و اجتماعی باشد و می‌تواند محلّی برای ایجاد ارتباطات سالم باشد. مسجد می‌تواند محلّی برای گفتگوهای علمی و دینی باشد یا محلّ ارتباط مردم با مسئولان باشد و ...

۴. تعلیم و تربیت دینی

وظیفه چهارم امام جماعت، بهره‌گیری از مسجد برای تعلیم و تربیت دینی است؛ یعنی همان کاری که رسول الله صلى الله عليه وآله انجام داد. تعلیم و تربیت دینی افراد جامعه از اصلی‌ترین وظایف انبیا بوده است. خداوند متعال برای بعثت انبیا سه وظیفه بیان کرده است که عبارت‌اند از: تلاوت آیات خداوند (ابلاغ پیام خدا)، تزکیه (تربیت) و تعلیم کتاب و حکمت.

قرآن در این مورد می‌فرماید: «كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَ يُزَكِّيكُمْ وَ يُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يُعَلِّمُكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ؛ همان‌طور که رسولی از خودتان در میان شما فرستادیم تا آیات ما را بر شما بخواند و شما را

۱. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۶.

۲. بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۴۹، ح ۱۷.

پاک کند و به شما کتاب و حکمت و آن چه را نمی دانستید، یاد دهد»^۱.

اگر مسجد در این زمینه فعال شود، علاوه بر اینکه نقش تربیتی خانواده را تقویت می کند، از آسیب های احتمالی هم جلوگیری می کند. به هر حال، تنها تربیت دینی خانوادگی به هیچ وجه کافی نیست؛ چون بخش مهمی از اعمال دینی، امور اجتماعی است که در خانه، زمینه عملی کردن آنها وجود ندارد و مسجد هم آموزشگاه و هم محل تجربه خوبی برای تربیت دینی اجتماعی است. در سال های گذشته تدریس علوم دینی در مساجد انجام می شد و این بسیار پر برکت بود. در گذشته در نجف و قم و همه حوزه های دینی درس ها در مساجد برگزار می شد. بسیاری از درس های استاد شهید مطهری رحمته الله علیه و دیگر رهبران فکری انقلاب اسلامی در مساجد برگزار می شد. یکی از فواید این شیوه این بود که علاوه بر طلاب، بسیاری از علاقه مندان به درس های دینی، می توانستند بدون هیچ مانعی از این درس ها استفاده کنند. این روند در حال تضعیف است و میز و صندلی و اتاق های تنگ جای، مساجد را گرفته اند. مدرس به خصوص در علوم اسلامی خیلی راه گشا است و موجب رونق مساجد می شود و زمینه را برای شرکت همه علاقه مندان و فهم مسائل دینی فراهم می کند و از این طریق روح دین در جامعه دمیده می شود. علاوه بر این، امام جماعت مسجد می تواند درس ها و سخنرانی های منظم هفتگی برای عموم یا جوانان و یا زنان برگزار کند. البته چنین جلساتی در مسجد برگزار می گردد؛ ولی مدیر مسجد می تواند با نیازسنجی، کارآیی و کارآمدی آن را بالا ببرد. وی باید بر اساس نیازها و اولویت ها سعی کند که به کمک سخنرانی ها، هم فهم و درک عمومی تقویت شود و هم با خرافات، بدعت ها، تحریف ها و ناهنجاری های مبارزه شود. مساجد می توانند از طریق برگزاری نشست ها و گفتگو با شبهات، خرافات، بدعت ها و تحریف ها مبارزه کنند.

^۱. بقره، آیه ۱۵۱.

۵. جلب پشتیبانی از مواضع امام و امت

یکی از اصلی‌ترین وظایف امام مسجد، جلب پشتیبانی از مواضع امام و امت اسلامی است. در دوره رسول‌الله ﷺ و کُلّ تاریخ اسلام، مساجد، اصلی‌ترین مکان برای تجهیز مسلمانان به دفاع از اسلام و کیان اسلامی و مرزها در مقابل خطرات بوده است. در زمان رسول‌الله ﷺ مسجد، اصلی‌ترین مکانی بود که رسول‌الله ﷺ در آن مردم را برای جهاد و مشورت در کارها، گرد می‌آورد و این سنت تا مدت‌ها ادامه داشت و مسجد محلّ اداره و حلّ و فصل امور امت بود تا اینکه قصرها و دارالاماره‌ها جای مسجد را گرفتند؛ در عین حال، مساجد در مواقع حسّاس نقش مهمّی در پشتیبانی از مواضع حکومت ایفا می‌کرد. در حاضر با توجه به پیچیدگی‌هایی که در جوامع ایجاد شده، مسجد می‌تواند این نقش را به خوبی انجام بدهد و سنگر مهمّی برای حمایت از امام و امت اسلامی باشد.

۲-۱-۴) ضرورت آموزش امامان مساجد

با توجه به مسائلی که به عنوان وظایف مدیر مسجد مطرح شد، ضرورت آموزش امامان مساجد، چیزی نیست که نیاز به استدلال داشته باشد. لازم است امامان مساجد دوره‌های تخصصی مدیریت مساجد را آموزش ببینند. افزون بر آموزش، برای امامان مساجد باید اهداف کاربردی مشخصی را در نظر بگیرند تا معیاری برای سنجش عملکرد مدیران مساجد باشد. همچنان که لازم است یک فضای رقابتی و مسابقه‌الی‌الخیرات بین امامان مساجد برگزار شود، تا ضمن ایجاد انگیزه برای تلاش بیشتر مدیران مساجد، زمینه‌های شکوفایی مساجد نیز فراهم شود.

۳-۱-۴) قدرت و اختیارات مدیریت مسجد

قدرت و اختیارات کافی، ضرورت مدیریت است. بدون قدرت و اختیار کافی، مدیریت مفهومی ندارد. بنابراین، مدیر باید در حوزه مدیریت خود، قدرت داشته باشد؛ به صورتی که هیچ چیزی غیر از مسئولیت نتواند مانع اقدامات او شود. قدرت، ابزار عمل و مسئولیت، ابزار کنترل است و باید بین این دو توازن ایجاد

شود؛ یعنی قدرت در قبال مسئولیت و مسئولیت به اندازه قدرت باشد. افزون بر قدرت، آگاهی مدیر از حدود اختیاراتش هم ضروری است. مدیر باید سطح قدرت خود را بشناسد و بر اساس آن عمل کند.

بخشی از قدرت و اختیارات مدیر، تفویضی است که باید از مقام عالی‌تر به او تفویض شود. بخشی دیگر از قدرت و اختیارات مدیر، اکتسابی است که مدیر با تلاش خود و احراز شایستگی، می‌تواند کسب کند. برای توضیح این مطلب لازم است که با منابع قدرت مدیران آشنا شویم.

برخی برای قدرت چهار منبع معرفی کرده‌اند که به شرح زیر است:

قدرت قانونی یا توانایی ناشی از قانون که توسط مقام مافوق به کسی تفویض می‌شود و به شخص اختیارات و مسئولیت‌هایی می‌بخشد که او را در نقش رهبر قادر می‌سازد تا بر مرئوسان خود تأثیر گذاشته و به رفتارشان جهت دهد. این نوع قدرت را می‌توان قدرت اعطایی از بالا به پایین نامید.

قدرت مرجعیت: نوع دیگری از قدرت است که ناشی از قبول رهبری به وسیله دیگران به عنوان مرجع تصمیم‌گیری است. در این نوع از قدرت، مافوق وجود ندارد. مبنای قدرت، پذیرش مرجعیت و تصمیم‌گیری شخصی توسط دیگران است. این نوع قدرت را قدرتی که از پایین به بالا اعطا شده است می‌توان نامید. قدرت تخصصی: قدرت ناشی از تخصص و کاردانی مدیر است که او را بر دیگران نافذ می‌سازد. این نوع قدرت را می‌توان قدرت ناشی از ذات مدیر نامید.

قدرت پاداش و تنبیه: مدیر باید توانایی دادن پاداش مادی یا معنوی را داشته باشد تا از این طریق رفتار آنان را کنترل کند و از استعداد آنها برای تحقق اهداف سازمانی خود بهره‌گیرد.

هرچه مدیر به قدرت‌های فوق بیشتر مجهز باشد، می‌تواند بر کارکنان نفوذ بیشتری داشته باشد و در انجام وظیفه، رهبری و هدایت خود موفق‌تر باشد.^۱ در مدیریت مسجد، تمام این منابع قابل حصول است. البته در آغاز تنها قدرت قانونی در دست مدیر است؛ ولی توانایی و شایستگی مدیر مسجد می‌تواند

۱. جاسبی، عبدالله، اصول و مبانی مدیریت، ص ۱۲۴.

تمامی این منابع قدرت را برای او به ارمان آورد. مدیر مسجد با دانش مدیریت می‌تواند قدرت تخصصی را به دست آورد؛ چون دانش، تنها فضل و زیبایی نیست؛ بلکه توانایی و شایستگی محسوب می‌شود. مقصود از دانش، دانستن مسائل مرتبط به مسجد و مدیریت مسجد است، نه هر دانش دیگری. مسجد از نظر دینی، احکام و آدابی دارد و مدیر مسجد یا امام جماعت نیز از نظر دینی شرایط و احکامی دارد. به‌طور کلی، برای مدیر مسجد یا امام جماعت مسجد، داشتن آگاهی در دو زمینه ضروری است که به ترتیب اولویت عبارت‌اند از: آگاهی از احکام و آداب شرعی؛ آگاهی عمومی و اطلاعات اجتماعی.

روشن است که مسجد به عنوان پایگاه و امام جماعت به عنوان متولی امور مسجد و دین، باید در نشر آگاهی‌های دینی و تحقق آن بیشترین نقش را داشته باشند. دین اسلام، از نظر فقهی احکام و آداب بسیاری دارد که نه تنها امام جماعت مسجد باید آنها را بداند، بلکه همه مؤمنان باید به آنها آگاهی داشته باشند. در نتیجه، امام مسجد هم باید آگاهی جامع‌تر و هم پابندی بیشتری به این احکام داشته باشد و بتواند مرجع دیگران باشد. امام مسجد، با تسلط کافی بر احکام و آداب اسلامی، قدرت تخصصی بیشتری را کسب می‌کند و موقعیت و جایگاه بهتری در نزد مؤمنان خواهد یافت.

۲-۴) شناخت محیط و موقعیت اجتماعی

دومین رکن از ارکان مهم در مدیریت یک سازمان یا مرکز، آگاهی کافی و همه‌جانبه مدیر نسبت به آن سازمان، مرکز و جایگاه اجتماعی و موقعیت جغرافیایی آن است. کسی که مدیریت یک سازمان یا یک مرکز اجتماعی را به عهده می‌گیرد، باید نسبت به آن شناخت کافی داشته باشد. وی باید بداند که بنگاه، سازمان و مرکز مورد نظر چه کار مفیدی می‌تواند انجام بدهد و موقعیت او در جامعه و بُردکاری‌اش تا چه حدی است. این مسئله در مدیریت‌های فرهنگی و دینی اهمیت بیشتری دارد.

فراهم شدن این عنصر و رکن در موضوع مدیریت مسجد، مستلزم آگاهی کامل از نقش مسجد در جامعه است. مقصود از موقعیت اجتماعی، جایگاه و کارکرد مسجد در اجتماع است تا معلوم شود که مسجد در جامعه از چه جایگاه، موقعیت و اهمیتی برخوردار است. مقصود از محیط، موقعیت مکانی و جغرافیایی مسجد است. شناخت موقعیت جغرافیایی یا مکانی و استعدادها و حساسیت‌های مسجد در موقعیت مدیریت مسجد اهمیت بسیاری دارد. بنابراین، در موضوع شناخت محیط، باید به هر دو جنبه توجه شود؛ هم به موقعیت و جایگاه اجتماعی و هم به موقعیت و جایگاهی جغرافیایی.

برای مدیریت مسجد، شناخت جایگاه و موقعیت مسجد هم از نظر آرمانی و هم از نظر واقعی ضروری است؛ چون هدف از مدیریت مسجد، ارتقای موقعیت فعلی مسجد به موقعیت آرمانی است. بنابراین، باید نخست جایگاه فعلی مسجد در جامعه و جایگاه آرمانی آن مشخص شود و بعد با برنامه‌های مدیریتی، جایگاه فعلی به جایگاه آرمانی ارتقا داده شود. همچنین، اشراف کامل به موقعیت جغرافیایی مسجد لازم است؛ چون بعضی از مساجد از نظر محیطی جایگاه جهانی دارند و بعضی مساجد از موقعیت ملی و برخی از موقعیت محلی برخوردار هستند.

۱-۲-۴) اهمیت موقعیت جغرافیایی مسجد در مدیریت مسجد

مسجد با توجه به موقعیت زمانی، مکانی، جغرافیایی، تاریخی و عقیدتی دارای درجات متفاوت از اهمیت است. این مطلب در فقه به روشنی بیان شده است که ثواب نماز جماعت در مسجد جامع با مسجد محله و قبيله تفاوت دارد. در روایتی از رسول الله ﷺ نقل شده است که ثواب نماز در مسجد من، ده هزار برابر ثواب نماز در دیگر مساجد است و ثواب نماز در مسجد الحرام صد هزار برابر دیگر مساجد است.^۱

علاوه بر این، برخی مساجد از فضیلت‌های بسیاری برخوردارند؛ به طوری که سفر کردن برای انجام عبادت در آنها مورد تشویق قرار گرفته است. بر

۱. وسایل الشیعه، ج ۵، ص ۲۷۱.

اساس روایات وارد شده، سفر کردن جز به سوی چهار مسجد، جایز نیست که عبارت‌اند از: مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد الاقصی و مسجد کوفه. همچنین، روایاتی درباره ثواب نماز در مسجد قبا و مسجد غدیر و برخی مساجد دیگر وارد شده است.

در مدیریت مساجد، باید بین برنامه ریزی و نیازها و اولویتهای رابطه‌ای وجود داشته باشد که این رابطه جز از طریق شناخت محیط به دست نمی‌آید. تردیدی نیست که بین نیازها و اولویتهای یک مسجد با موقعیت جهانی و مساجدی که در سطح یک کشور یا شهر یا محله و روستا مطرح هستند، تفاوت‌های بسیاری وجود دارد. به هر حال، در مدیریت یک مسجد، شناخت محیط برای درک نیازها و اولویتهای، اهمیت اساسی دارد و باید شرایط زمانی، مکانی، موقعیت تاریخی و جغرافیایی و... را مورد توجه قرار داد. ضروری است که در مدیریت هر مسجد، نیازها و اولویتهای نمازگزاران و همسایگان مسجد مدنظر باشد؛ از نظر تشکیلاتی هم این تفاوت مطرح است. در مسجد محله همه کارها توسط مردم محله انجام می‌شود؛ ولی در مسجد جامع یا مسجد مراکز عمومی، مثل پادگان و مجتمع آموزشی یا کارخانه‌های بزرگ این گونه نیست و سامان‌دهی این مساجد نیازمند متولی و مدیریت خاص آن است و مدیر مسجد باید این شناخت را به دست آورد.

۳-۴) هدف‌شناسی

سومین رکن مدیریت، به خصوص در حوزه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، هدفمندی یک سازمان و مشخص بودن و معین بودن اهداف آن است. در تعریف هدف، اندیشمندان گفته‌اند: «هدف، عبارت است از نقطه‌ای که کوشش‌ها معطوف رسیدن به آن است».^۴ بنابراین، مدیر باید نقطه‌ای را که تلاش‌هایش

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۱.

۲. وسایل الشیعه، ج ۵، ص ۲۸۶.

۳. همان، ص ۲۸۷.

۴. مدیریت اسلامی، ص ۵۰.

معطوف رسیدن به آن است، به درستی بشناسد. به عنوان مثال، در یک بنگاه اقتصادی هدف، کسب سود بیشتر است؛ در حالی که در یک باشگاه ورزشی هدف، کسب پیروزی در میدان ورزشی است. به همین صورت، هدف‌ها در بخش‌های نظامی، سیاسی و فرهنگی به‌طور کامل با هم تفاوت دارند. مدیر مسجد باید در راستای تحقق اهدافی که برای مسجد در شرع مقدس اسلام بیان شده، فعالیت کند. بنابراین، مدیر مسجد، وقتی موفق است که اهداف بیان شده برای مسجد را محقق کند؛ در غیر این صورت این مدیریت، ناموفق است. از این رو، ضروری است که مدیر مسجد، قبل از هر چیز، اهدافی را که در شرع برای مسجد بیان شده، بشناسد و با توجه به این اهداف به مدیریت مسجد بپردازد.

افزون بر هدف‌شناسی، هدف‌گذاری هم در مدیریت بسیار اهمیت دارد. مقصود از هدف‌گذاری، اولویت‌بندی اهداف است. به هر حال، در بسیاری از مواقع، رسیدن به همه هدف‌ها ممکن یا آسان نیست؛ در چنین مواقعی، هنر مدیر این است که هدف‌ها یا درجاتی از اهداف را که تحقق آن ممکن است، مشخص کند. در بعضی مواقع رسیدن به هدف مستلزم گذراندن مراحل است و هنر مدیر این است که با درایت خودش مشخص کند که برای رسیدن به هدف، چه مراحل را باید طی کند. اهداف را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد:

اهداف غایی یا راهبردی؛

اهداف عملیاتی یا کاربردی.

مقصود از اهداف غایی یا اهداف استراتژیکی و راهبردی، اهداف کلی و نهایی است که بیانگر فلسفه وجودی موضوع مربوط به مدیریت است. به عنوان مثال، تأسیس یک کارخانه یا تشریح مسجد با چه هدفی صورت گرفته است؟ در قرآن کریم درباره مسجد آمده است: «فیه رجالٌ یحِبُّونَ أَنْ یَتَطَهَّرُوا»^۱. این آیه بر یک هدف استراتژیکی تأکید دارد که هدف بنای مسجد و فلسفه تشریح آن را بیان می‌کند. همچنین تزکیه، تقوا و ایمان اموری است که فلسفه وجودی مسجد را بیان می‌کند. این اهداف را می‌توان اهداف نهایی هم نامید.

^۱. توبه، آیه ۱۰۸.

مقصود از اهداف کاربردی، اهدافی است که در مسیر رسیدن به اهداف راهبردی قرار دارند. به عنوان مثال، برای کسب سود بیشتر که هدف نهایی تأسیس یک کارخانه است، باید تولید بیشتری داشت. سود بیشتر، یک هدف نهایی و راهبردی است و تولید بیشتر یک هدف کاربردی و واسطه رسیدن به سود بیشتر است.

۱-۳-۴) اهداف غایی مسجد

اهداف نهایی و راهبردی مدیریت مسجد، همان اهداف تشریح مسجد است؛ چون مدیریت مسجد برای تحقق اهداف تشریح مسجد مطرح شده است. البته در مدیریت مسجد، تطبیق این اهداف با مقتضیات زمان باید مورد توجه قرار گیرد. به هر حال، هر عصر و مکانی مقتضیات و شرایط خاصی دارد که باید با توجه به آن مقتضیات و شرایط، برای مدیریت مسجد و تحقق اهداف آن تلاش کرد. اهداف نهایی مسجد و مدیریت مسجد موضوعاتی است که در دین اسلام برای رسیدن به کمال توصیه شده است. دین، شریعت، عبادت، مسجد، نماز، روزه و... همه برای این است که انسان به کمال برسد و در اصل، دین برای رسیدن به کمال است. قرآن کریم ضمن استفاده از تعبیر «صَبَّغَهُ اللَّهُ» برای مقام کمال انسانی می‌فرماید: «صَبَّغَهُ اللَّهُ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صَبَّغَهُ وَ نَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ؛ رنگ خدایی [را که رنگ ایمان، توحید و اسلام است، بپذیرید] و چه رنگی از رنگ خدایی بهتر است و [بگویید] ما فقط پرستش کننده او هستیم».^۱

«صبغه الله» یعنی رنگ خدایی و مقصود از رنگ خدایی این است که انسان چنان باشد که خداوند خواسته است. رسیدن به آن مقام، نیازمند اوصافی است که باید در انسان شکل بگیرد. این اوصاف، همان اهداف نهایی مدیریت مسجد است. کمال توفیق این است که مسجد یا مدیر مسجدی بتواند، انسان‌هایی را تربیت کند که رنگ خدایی داشته باشند و چنان باشند که خداوند خواسته است. با بررسی آیات قرآن و روایات، اوصاف و ویژگی‌های زیر را می‌توان به

۱. بقره، آیه ۱۳۸.

عنوان هدف نهایی مساجد معرفی کرد:

سجود و خضوع برای خدا

سجده، اوج و قلّه عبادت و از نظر معنا، هدف عبادت است؛ یعنی ابراز تعظیم و فرمانبرداری نسبت به خدای متعال است. بنابراین، چون سجده در نماز، هم از نظر کمی (دو سجده در هر رکعت) و هم از نظر کیفی و اهمّیت، اصلی‌ترین و مهم‌ترین رکن نماز است و به عنوان سمبل عبادت خداوند مطرح است. بر این اساس، در مسجد باید کارهایی انجام شود که با فلسفه و کاربرد آن منافات نداشته باشد. به همین دلیل، در آیات و روایات کارهایی که هیچ رنگی از عبادت و یاد خدا ندارد، مثل شعر خواندن و قصّه گفتن در مسجد، نهی شده است. قرآن کریم در یک دستور کلی، یاد کردن هر چیزی غیر از خدا را در مسجد منع کرده است و می‌فرماید: «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا». با این حال، انجام کارهایی که به نوعی یاد خداوند در آن لحاظ شده است؛ مثل قرائت و تعلیم قرآن و تعلیم علوم دینی، نه تنها منع نشده، بلکه تشویق هم شده است.

گسترش و تقویت تقوا

یکی از اهداف استراتژیک مسجد، تقویت تقوا در افراد و جامعه است. بنابراین، برنامه‌های مدیریت مسجد باید به سمت و سوی گسترش و تعمیق تقوا در جامعه باشد. خدای متعال از بین موجوداتش، انسان را کرامت بخشیده و او را بر همه موجودات عالم مادی برتری داده و جهان مادی را به تسخیر او در آورده است.

قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ ما فرزندان آدم را

۱. جن، آیه ۱۸.

کرامت بخشیدیم و آنها را در خشکی و دریا، [بر مرکب‌های راهوار] سوار کردیم و از انواع نعمت‌های پاکیزه به آنان، روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم».^۱

ملاک این کرامت، عقل است و این کرامت و برتری، مربوط به دنیا است و به همه بنی آدم از نیک و بد، عطا شده است. علاوه بر این، خدای متعال کرامت و برتری دیگری نیز برای انسان قرار داده است که آن، کرامت و برتری در نزد خداوند با توجه به ملاک تقوا است.

قرآن در این مورد می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را [به صورت] تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (اینها ملاک امتیاز، نیست)؛ گرامی‌ترین شما نزد خداوند، با تقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است».^۲

قرآن کریم، نماز را وسیله‌ای برای بازداشتن افراد از زشتی و پلیدی می‌داند و می‌فرماید: «أَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ؛ کتاب (آسمانی) را که به تو وحی شده، تلاوت کن و نماز را برپا دار که نماز (انسان را) از زشتی و گناه باز می‌دارد و یاد خدا بزرگ‌تر [و برتر] است و خداوند آنچه را انجام دهید، می‌داند».^۳

مدیر مسجد باید ایجاد، گسترش و تقویت تقوا در فرد و جامعه را از مهم‌ترین وظایف خود بداند و در این راستا برنامه ریزی کند. گسترش تقوا می‌تواند یکی از ملاک‌های ارزیابی توفیق در مدیریت مسجد باشد.

تطهیر و تزکیه فرد و جامعه

چنان‌که گفته شد، هدف دین، رسیدن انسان به کمال و کرامت است. مقصود

۱. اسراء، آیه ۷۰.

۲. حجرات، آیه ۱۳.

۳. عنکبوت، آیه ۴۵.

از کمال، این است که انسان، آن چنان باشد که خدا خواسته است و به عبارت دیگر، رنگ خدایی بگیرد و در چنین حالتی، او به کرامت در نزد خداوند نایل خواهد شد؛ در واقع، اقامه نماز و تقوا برای رسیدن به همین هدف است. این هدف را می‌توان تطهیر و تزکیه نامید که یک هدف نهایی و در طول دو هدف قبلی است؛ یعنی اینکه هدف از اقامه نماز و هدف از تقوا، رسیدن به طهارت و تهذیب انسان یا همان کمال و کرامت او در نزد خداوند است. این هدف، قله‌ای است که همه تلاش‌ها باید به برای رسیدن به آن به کار گرفته شود و هدف نهایی و غایی همه ادیان الهی است.

خدای متعال در توصیف کسانی که در مسجد نبوی ﷺ حضور می‌یافتند، می‌فرماید: «فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ»؛ در آن، مردانی هستند که دوست دارند پاکیزه گردند و خداوند، پاکیزگان را دوست می‌دارد.^۱ این هدف، چنان اهمیت دارد که خداوند به حضرت محمد ﷺ و مسلمانان دستور داده است که مشرکان را به مسجد راه ندهید؛ زیرا آنها پلیدند.^۲ در مدیریت مسجد این مهم باید مورد توجه قرار گیرد که مسجد، محلی برای تطهیر افراد از آلودگی‌های معنوی و روحی باشد. همان‌طور که مسجد، محلی مقدس و مطهر است، باید بتواند تقدس و پاکی را در جامعه اشاعه دهد.

۲-۳-۴) اهداف عملیاتی مدیریت مسجد

در مطالب قبلی گفته شد که اهداف دو دسته‌اند: اهداف راهبردی و نهایی، اهداف عملیاتی یا کاربردی.

مدیر مسجد برای رسیدن به اهداف نهایی می‌تواند اهداف فرعی‌تری که جامعه و فرد را به سوی هدف نهایی سوق می‌دهد، انتخاب کند. برنامه ریزی برای رسیدن به این اهداف از اختیارات مدیر مسجد است. در این قسمت از بحث به برخی از مهم‌ترین محورهایی که می‌تواند از اهداف کاربردی برای مدیریت

۱. توبه، آیه ۱۰۸.

۲. همان، آیه ۲۸.

مسجد باشد، اشاره می‌کنیم. البته مقصود، حصر اهداف کاربردی نیست، بلکه مقصود ارائه نمونه‌هایی از اهداف کاربردی است:

جذب و جلب مردم

یکی از اهداف کاربردی امام مسجد، جذب مردم است. مقصود از مدیریت جذب این است که مدیر مسجد، بتواند افراد یک جامعه را به مسجد جذب کند. در اسلام این مطلب با اهمیت بسیاری مطرح شده است؛ به عنوان مثال، قرآن کریم، احادیث نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، سیره پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام، اقرار زبانی به شهادتین را در صدق اسلام، کافی دانسته‌اند و عقیده قلبی و عمل را شرط ندانسته‌اند. حتی اگر کسی در دل کافر باشد و خدا را قبول نداشته باشد، اگر به زبان شهادتین را اقرار کرد، از تمام مزایای موجود در جامعه اسلامی [و مسجد] برخوردار می‌گردد. کافی بودن اقرار به شهادتین برای این است که بیشتر انسان‌ها بتوانند در حوزه نفوذ دین قرار بگیرند و هر کسی بتواند به آسانی شرایط درک و فهم اسلام را داشته باشد. تا زمانی که کسی امکان دسترسی مستقیم به تبلیغات دینی نداشته باشد، هدایت او هم دشوار است. کفایت اقرار زبانی به شهادتین باعث می‌شود که هر کسی بتواند در فضای جامعه اسلامی وارد شود و امکان ابلاغ دستورات دین به او فراهم شود. البته در این حضور، بر اصل حضور در مسجد بسیار تأکید شده است. یکی از سفارش‌های رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مراعات حال نماز گزاران بود؛ به طوری که نماز نباید باعث مشقت مردم شود و در نتیجه، باعث دوری مردم از مسجد و نماز جماعت گردد. روایت شده است که حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «فَأَيُّكُمْ مَا صَلَّى بِالنَّاسِ فَلْيَتَجَوَّزْ، فَإِنَّ فِيهِمُ الضَّعِيفَ وَ الْكَبِيرَ وَ ذَا الْحَاجَةِ؛ هر کدام از شما با مردم نماز گزاردید، نماز را با سرعت بخوانید؛ زیرا در بین نماز گزاران، افراد ناتوان و پیر و کسانی که کار دارند، هستند»^۱.

آموزش‌های اجتماعی و دینی

۱. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۷۳.

یکی از مهم‌ترین نقش‌های مسجد در طول تاریخ و به خصوص در عصر نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقش آموزشی مسجد بوده است. تا حدودی در عصر نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و تا قرن چهارم، مسجد تنها مکان آموزشی مسلمانان بوده است و از قرن چهارم به بعد، آموزشگاه‌های جدیدی با نام مدرسه، در کنار مساجد شکل می‌گیرد. دکتر سعاد ماهر نویسنده کتاب «مساجد و اولیاء الصالحون مصر» در این باره می‌گوید: «در نیمه قرن چهارم هجری، در شرق جهان اسلام، نام جدیدی بر مساجد و مکان‌های عبادت اطلاق شد و آن لفظِ مدرسه و مدارس است. این نام، بنا به قاعده در غرب جهان اسلام و در قرن پنجم منتشر شد»^۱.

وی در ادامه می‌گوید: «شیعیان، اولین کسانی بودند که در مساجد، بناهای فرهنگی را که زمان‌های گذشته، معروف به دارالعلم بود، ساختند؛ چنانچه آنان برای اولین بار نام مدرسه را بر آن اطلاق کردند. هدف اساسی از ساختن این بناها، تدریس و نشر مذهب شیعه بود. در قرن پنجم هجری، اکراد و مغول‌های سنی مذهب، این مدارس را در غرب جهان اسلام ایجاد کردند و آن را مؤسساتی عمومی قرار دادند. این مدارس برخلاف مدارس شیعه، با اشراف و نظارت دولت اداره می‌شد»^۲.

علامه دهخدا در این باره می‌گوید: «از قرن پنجم هجری، نظام جدیدی در استفاده از مسجد متداول شد و آن، داخل کردن مدارس در مساجد است؛ برای تناسب با محیط تدریس مذاهب و مسکن دادن به طالبان علم...»^۳. هدف از احیای نقش آموزش مساجد، مقابله با نظام آموزشی دولتی نیست، بلکه مقصود از احیای نقش آموزشی مساجد، استفاده از ظرفیت‌های بالقوه مساجد برای گسترش تعلیم و تربیت، به خصوص تعلیم و تربیت دینی است. مسجد می‌تواند در زمینه آموزش، نقش کمکی داشته باشد. تأسیس مکتب القرآن‌ها در مسجد و همچنین، برگزاری کلاس‌های کمک‌آموزشی می‌تواند تا حدودی نقش آموزشی مساجد را احیا کند.

۱. کارکرد مساجد، ص ۴۳۰.

۲. کارکرد مساجد، ص ۴۳۳.

۳. همان، ص ۴۳۰.

تربیت جامعه دینی

نقش تربیتی مسجد، در تربیت دینی جامعه بسیار مهم و حیاتی است. هرچه این نقش مساجد کمرنگ شود، تربیت دینی جامعه آسیب خواهد دید. بنابراین، نقش تربیتی مسجد را باید احیا و تقویت کرد. یکی از اصلی ترین اهداف مدیریت مسجد این است که مسجد را به صورت یک مکان تربیتی و فعال درآورد و از آن طریق جامعه را تربیت کند. مسجد، همچنان که اصلی ترین مکان عبادت و آموزش است، اصلی ترین مکان تربیتی نیز محسوب می شود. از اوایل قرن حاضر و بعد از موج تجددخواهی این نقش مسجد کمرنگ تر شد؛ ولی در نیمه دوم قرن بیستم تلاش هایی برای احیای نقش تربیتی مساجد انجام شد و این روند همچنان ادامه دارد؛ ولی با افت و خیزهایی همراه است.

مارسل بوازار در کتاب «اسلام در جهان امروز» در این باره می گوید: «مسجد، عامل نیرومندی در همبستگی و اتحاد مسلمانان جهان است و اهمیت اجتماعی و فرهنگی آن را از این بابت، نمی توان نادیده گرفت؛ به خصوص در روزگار معاصر که مسلمانان شور و حرارت صدر اسلام را دوباره از خود نشان می دهند، مساجد به صورت مراکز تربیت روحانی و پایگاه جنبش امت مسلمان نسبت به ستمگران و سلطه جویان درآمده است. اندک اندک، مساجد موقعیت سال های نخستین ظهور اسلام را به دست آورده اند. تأسیس کتابخانه ها و تالار اجتماعات در درون مساجد این حقیقت را آشکار می سازد که مساجد در اسلام بدان گونه که بعضی پنداشته اند، فقط برای ادای فریضه نماز نیست و به یقین یکی از مراکز سیاسی و فرهنگی مهم اسلام است»^۱.

در روایات نیز بر نقش تربیتی مسجد بسیار تأکید شده است. به طور مثال، اصبغ ابن نباته از حضرت امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (علیه السلام) روایت می کند که آن حضرت فرمود: «مَنْ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ: أَخَا مُسْتَفَاداً فِي اللَّهِ أَوْ عِلْماً مُسْتَظَرِّفاً أَوْ آيَةً مُحْكَمَةً أَوْ يَسْمَعُ كَلِمَةً تَدُلُّ عَلَى هُدًى أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً

^۱ . بوازار، مارسل، اسلام و جهان امروز، ص ۱۰۱ و ۱۰۲.

أَوْ كَلِمَةً تَرْدُّهُ عَن رَدَىٰ أَوْ يَتْرُكَ ذَنْبًا خَشِيئَةً أَوْ حَيَاءً»^۱.

بر اساس این روایت، آثار و فواید اهل مسجد بودن هشت چیز است:

۱. یافتن برادر دینی که انسان را به خدا نزدیک کند؛
۲. درک دانش و فهم جدید؛ شاید مقصود از «علم مُسْتَطَرَف»، درکی از حقایق دینی باشد که به‌طور معمول در مسجد به دست می‌آید.
۳. نشانه و آیتی استوار؛ شاید مقصود از «آیت محکمه» نشانه‌هایی باشد که موجب عبرت انسان شود.
۴. سخنی که او را به هدایت رهنمون کند؛
۵. رحمتی که در انتظار اوست؛
۶. سخنی که او را از زشتی باز دارد؛
۷. ترک گناه از روی خوف از خدا؛
۸. ترک گناه از روی حیا.

در این روایت گفته شده است که حضور در مسجد یکی از این هشت بهره را خواهد داشت که این حداقل بهره‌مندی اهل مسجد است؛ زیرا بهره‌مند شدن از همه آن فواید برای افراد مسجدی به‌طور کامل میسر است. این موضوعات را می‌توان به عنوان اهداف علمي‌اتی و کاربردی در مدیریت مسجد، مورد توجه قرار داد. مدیر مسجد با برنامه ریزی می‌تواند این نتایج را برای افراد بیشتری محقق کند. هر فرد که این بهره‌ها را از مسجد ببرد، به کمال انسانیت و بندگی خواهد رسید و هر مدیر مسجدی که بتواند مسجد و اهل مسجد را به این سو بکشانند، به توفیق نهایی رسیده است.

بسیاری از نسل اول دانش‌آموختگان مدارس جدید، راه الحاد و بی‌دینی و یا بی‌مبالاتی دینی را در پیش گرفتند. با مدیریت مسجد می‌توان از این عامل در جهت تقویت ایمان و هدایت جوانان بهره گرفت. این مهم را می‌توان با فعال کردن مساجد و ایجاد زمینه‌هایی برای پیوند جوانان با افراد مؤمن، عملی کرد تا هم از افتادن جوانان به دام‌های شیطان‌ها جلوگیری کرد و هم زمینه‌هایی برای

۱. وسائل‌الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۰.

هدایت جوانان و الگوگیری از جوانان مؤمن فراهم کرد. یکی از تجربه‌های مفید و ارزنده انقلاب اسلامی، بسیج است که در حیات انقلاب نقش بسیار ارزنده‌ای داشته است.

۳-۳-۴) کنترل اجتماعی

برای مدیریت دینی جامعه باید ساز و کارهایی ایجاد کرد که به‌طور غیرمستقیم در کنترل رفتار افراد نقش داشته باشد. یکی از مسائلی که می‌تواند در حوزه مدیریت مسجد مورد توجه قرار گیرد، کنترل اجتماعی است.

در تعریف کنترل اجتماعی گفته شده است: «کنترل اجتماعی، عبارت است از فرآیندی که جریان تأثیرگذاری بر رفتار آحاد جامعه را بر عهده دارد تا هم‌نوایی با هنجارهای گروه صورت بگیرد. کنترل اجتماعی به دو صورت انجام می‌پذیرد که یکی رسمی و دیگری غیررسمی است. کنترل رسمی اجتماعی وقتی صورت می‌گیرد که جریان هم‌نوایی با هنجارهای اجتماعی طبق قوانین، مقررات، آئین‌نامه‌ها و نظایر آن از سوی دولت یا نیروی اجرایی اعمال‌کننده قدرت، انجام گیرد. نیروی انتظامی و امنیتی به‌طور دقیق، نمونه بارزی از کنترل اجتماعی رسمی است. کنترل اجتماعی غیررسمی عبارت است از کلیه امر و نهی‌هایی که به فرد می‌شود تا بتواند مطابق با هنجارهای اجتماعی و گروهی باشد. گروه‌هایی، مانند خانواده، مسجد و... می‌توانند با ابزارهایی، مثل ستایش، نکوهش و خشم اخلاقی، بر رفتار فرد تأثیر بگذارد»^۱.

مدیریت مسجد می‌تواند در کنترل جامعه از دو شیوه مستقیم و غیرمستقیم وارد شود. در کنترل مستقیم، از طریق احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر تلاش شود که جامعه تحت کنترل قرار گیرد و ارزش‌ها و هنجارهای دینی در جامعه حفظ و تقویت شود. در کنترل غیرمستقیم، از طریق فعال کردن نهادهای اجتماعی دیگر و جهت دادن به آنها می‌توان جامعه را تحت کنترل قرار داد. نهاد اجتماعی، عبارت است از نظامی از روابط اجتماعی ساخته و پرداخته و پایدار،

۱. کارکرد مساجد، ص ۴۶۰.

با هدفی مشخص که کنش آن از شخصیت افرادی که عهده‌دار آن هستند، می‌گذرد و به افراد دیگری منتقل می‌شود و در طول زمان، استمرار و مداومت پیدا می‌کند. مهم‌ترین نهادهای اجتماعی عبارت‌اند از: خانواده، آموزش و پرورش، اقتصاد، مذهب و حکومت.^۱

تقویت نظام خانواده و نسبت فامیلی، دو عامل مهمی است که می‌تواند در کنترل نامحسوس افراد مؤثر باشد. رابطه مستقیمی بین استحکام روابط خانوادگی با دوری از فساد و بین تعهد و التزام خانواده‌ها به مبانی دینی با تربیت دینی فرزندان وجود دارد. همچنین، استحکام روابط فامیلی و خویشاوندی در جلوگیری از آلوده شدن، کنترل افراد و گسترش تعهد و التزام دینی نقش مهمی دارد. مساجد می‌توانند از روش‌های مختلف در این زمینه فعال‌تر باشند؛ مانند: ایجاد و ترویج پیوند زناشویی، آسان کردن ازدواج، مداخله در بحران‌های خانوادگی و فعال کردن نقش فامیل. چنین اقداماتی از طرف مساجد، علاوه بر اینکه باعث استحکام بنیان مقدس خانواده و فامیل می‌گردد، زمینه‌ای خوبی برای التزام خانواده‌ها به احکام و مبانی دینی و تربیت دینی فرزندان است. به‌طور معمول، افراد مذهبی علاقه و انگیزه بیشتری برای فعال کردن روابط فامیلی دارند؛ چون بر طبق مبانی دینی، صله رحم از مهم‌ترین آداب دینی است و قطع صله رحم از بزرگ‌ترین گناهان به شمار می‌رود.

۴-۳-۴) تعمیق روابط اجتماعی

یکی از مهم‌ترین مسائلی که می‌تواند از اهداف مدیریت مسجد باشد، تعمیق روابط اجتماعی بین افراد جامعه است. اجتماع، زمانی شکل می‌گیرد که بین تعدادی از افراد، پیوند و ارتباط خاصی برقرار شود؛ به صورتی که آنها علاوه بر احساس همبستگی، هویت جمعی نیز برای خود قائل باشند و علاوه بر منافع فردی، مصالح جمعی خود را نیز مدنظر داشته باشند. کسانی که در یک مسجد شرکت می‌کنند، با مدیریت امام مسجد می‌توانند به صورت هویت‌ایمانی و

۱. کارکرد مسجد، تحلیل جامعه‌شناختی مسجد، ص ۴۴۶.

مسجدی تعریف شوند؛ یعنی گروهی که علاوه بر هویت جمعی مسلمانی، از نظر ایمان یا از نظر حضور در مسجد، متمایز باشند. مسجد می‌تواند روابط بین افراد را گسترش دهد و از مجموع این افراد، هویت جدید دینی به وجود بیاورد. ایجاد چنین پیوندی بین افراد می‌تواند از اهداف مدیریت مسجد و مدیریت دینی جامعه باشد. در این شکی نیست که هرچه روابط بین افراد یک جامعه عمیق‌تر و گسترده‌تر باشد، پویایی و فعالیت آن جامعه بیشتر و بهتر خواهد بود. یکی از اهداف مدیریت مسجد تربیت افراد و ارائه الگو به جامعه است. بنابراین، برای مدیریت دینی جامعه، باید از مدیریت دینی مساجد شروع کرد و از طریق مدیریت دینی مساجد، جامعه را مدیریت کرد.

در تاریخ و فرهنگ اسلامی، مسجد، مرکز و کانون ارتباط اجتماعی مسلمانان محسوب می‌شد. پرفسور حمید مولانا درباره نقش ارتباطی مسجد می‌گوید: «در طول تاریخ ایران اسلامی، مساجد یکی از مهم‌ترین مراکز ارتباطات همگانی بوده است. در تاریخ اجتماعی و در فرهنگ ایران، مسجد بزرگ‌ترین، متنفذترین، مردمی‌ترین، و محرک‌ترین رسانه جمعی بوده است. در مردم‌شناسی ارتباطی ایران، مسجد، یک واژه و جایگاه خودی است؛ در حالی که روزنامه و مطبوعات اغلب یک پدیده غیرخودی را بین مردم به وجود آورده است»^۱.

دین اسلام، دینی جهان شمول است. بر اساس آموزه‌های اسلامی، هر مسلمان نسبت به سرنوشت مسلمانان دیگر تکالیفی دارد. نخستین تکلیف هر مسلمان نسبت به مسلمانان دیگر، توجه و اهتمام به امور مسلمانان است. حدیث شریفی از نبی اکرم صلی الله علیه و آله در این زمینه نقل شده است که فرمود: «مَنْ أَصْبَحَ وَ لَمْ يَهْتَمَّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَ مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لِلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ؛ هر کس [شب را] صبح کند و به امور مسلمانان همت نرزد، از مسلمانان نیست و هر کس فریاد کمک‌خواهی کسی را بشنود و به کمکش نشتابد، مسلمان نیست»^۲. این آموزه دین اسلام [اهتمام به امور مسلمانان]،

۱. کارکرد مسجد، ص ۴۱۳.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۳.

برخواسته از یک امر فطری بشری است. هر انسانی که نسبت به سرنوشت و رنج دیگران بی تفاوت باشد، در انسانیت خود باید شک کند. سعدی شیرازی شاید مضمون همین حدیث شریف را به شعر در آورده است که می گوید:

بنی آدم اعضای یکدیگرند
که در آفرینش ز یک گوهرند
تو کز محنت دیگران بی غمی
نشاید که نامت نهند آدمی

فرهنگ سازی

در جامعه امروزی به خصوص جوامع آزاد، افکار عمومی نقش مهمی در سرنوشت یک جامعه دارد و می تواند باعث تغییر حکومت ها و ایده های حاکم بشود و اندیشه های جدیدی را روی کار بیاورد. یکی از اهداف مدیریت مسجد می تواند جهت دهی و تقویت افکار عمومی به سوی مفاهیم و اهداف دینی باشد که می توان از آن به نقش مسجد در تکوین افکار عمومی یاد کرد. افکار عمومی، باور و فهم عمومی نسبت به مسائل اجتماعی است. منتسکیو، از آن به «عقل عمومی» تعبیر کرده است و روسو، آن را «شعور عمومی» می نامد.^۱ یونگ، استاد علوم سیاسی، افکار عمومی را «قضاوت عمومی» خوانده است و در ادبیات آلمانی، «اراده عمومی»^۲ نامیده شده است. هر یک از این تعبیرات نگاهی به مسئله از زاویه های مختلف است. عقل عمومی همان مرحله فهم و باور است. قضاوت در مرحله بعد از فهم و باور است؛ در حالی که اراده عمومی در مرحله بعد از قضاوت قرار گرفته است؛ البته در جایی که زمینه برای اعمال افکار عمومی باشد.

افکار عمومی دو نقش و کارکرد عمده دارد که یکی، کنترل بر رفتار خصوصی افراد است که بیشتر در قالب هنجارهای عمومی بروز می کند و دیگری تبارز در باورهای افراد است که به صورت ابراز انزجار و یا ابراز علاقه مطرح می شود و در رأی گیری ها

۱. کریمی، سعید، رسانه ها و راه های تقویت مشارکت مردم در صحنه های سیاسی و اجتماعی، ص ۱۹.

۲. همان، ص ۱۳.

۳. همان، ص ۱۹.

و انتخابات اثر خود را نشان می‌دهد. بنابراین، افکار عمومی علاوه بر کنترل افراد، در اداره جامعه هم نقش مهمی دارد. البته در جوامع استبدادی، افکار عمومی بیشتر در کنترل رفتار افراد بروز می‌کند؛ در حالی که در جوامع آزاد، افکار عمومی در اداره جامعه نقش بیشتری دارد و بر رفتار افراد کنترل کمتری دارد؛ اما در جامعه اسلامی که توجه به ارزش‌های دینی و انسانی مطرح است و نیز آزادی عمومی به مردم داده شده، افکار عمومی می‌تواند هر دو نقش خود را به‌طور متعادل ایفا کند؛ یعنی افکار عمومی می‌تواند هم در کنترل رفتار خصوصی افراد و هم در اداره جامعه نقش داشته باشد. برای شکل‌گیری افکار عمومی، تقویت و اصلاح افکار عمومی، مساجد می‌توانند نقش داشته باشند. شکل‌گیری افکار عمومی هر چند بیشتر توسط رسانه‌ها صورت می‌گیرد، اما عملکرد افراد نیز نقش مهمی در شکل‌گیری افکار عمومی دارد. مسجد، علاوه بر اینکه در ایجاد و تقویت افکار عمومی نقش دارد، می‌تواند در اصلاح افکار هم سهیم باشد. اگر ده‌ها هزار مسجد در شهرها و روستاها به صورت هم‌زمان و هماهنگ به یک موضوع بپردازند، می‌توانند افکار عمومی را درباره آن موضوع تحت تأثیر قرار بدهند. بنابراین، امامان جماعت و مؤمنان نمازگزار در مساجد، از بُعد تبلیغی و رسانه‌ای و عملکرد خود، می‌توانند باور و فهم عمومی، قضاوت و عقل عمومی را تحت تأثیر قرار داده و اراده عمومی را بر طبق اهداف دینی جهت بدهند.

دفاع فرهنگی

یکی از اهداف مدیریت مسجد، مبارزه با تهاجمات فرهنگی و دفاع از ارزش‌های مکتبی است. تردیدی نیست که در دنیای امروز، فرهنگ دینی مسلمانان مورد تهاجم قرار گرفته است. برای مبارزه با این تهاجم، مدیریت مساجد ضروری و بسیار مؤثر است. مدیریت دفاع فرهنگی در دو مرحله انجام می‌شود:

۱. جلب و جذب افراد جامعه به خصوص جوانان؛
۲. تعمیق ایمان و آگاهی دینی به صورتی که بتواند در مقابل تهاجمات فرهنگی ایستادگی کند.
۳. مسجد، یکی از بهترین مکان‌هایی است که می‌تواند برای تحقق این مهم

مورد استفاده قرار گیرد.

۴-۴) ایجاد انگیزه

یکی از اصول و قواعد مهم در دانش مدیریت، ایجاد انگیزه است. وجود انگیزه در انجام کار بر سرعت و کمیت و نیز بر کیفیت محصول می‌افزاید. هنر یک مدیر این است که بتواند از امکانات موجود بهترین بهره را بگیرد. امکانات به دو بخش مادی و انسانی تقسیم می‌شود. مقصود از امکانات مادی، ابزارهای است که در مسیر رسیدن به هدف لازم است. وظیفه مدیر است که آنها را خوب سامان‌دهی کند. مقصود از امکانات انسانی، نیرویی است که برای انجام وظیفه در اختیار مدیر است. هنر مدیریت در این است که بتواند از هر دو بخش به خوبی استفاده کند. بهترین و مناسب‌ترین راه برای بهره‌وری بهتر و بیشتر از نیروی انسانی، ایجاد انگیزه در آنها است. این کار باعث می‌شود که نیروی انسانی به‌طور خودکار با تمام توان و ظرفیت و استعداد، برای تحقق هدف تلاش کند. مسئله ایجاد انگیزه در دانش مدیریت نقش مهمی دارد، مکتب «نئوکلاسیک» یا «مکتب روابط انسانی» بر ایجاد انگیزه تأکید بسیاری دارد. آنان تأکید دارند که با استفاده از علوم انسانی، مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی می‌توان علت کمی بازدهی را شناسایی کرد و برای بر طرف کردن آنها از طریق انگیزش افراد و افزایش کارایی، بازدهی را افزایش داد.^۱

البته این زبان و بیان برای مدیریت در بنگاه‌های اقتصادی است. در امور فرهنگی، تربیتی، اجتماعی و سیاسی هم می‌توان مشابه این مطلب را مطرح کرد که برای ایجاد تحرک در فرد یا افراد، برای حرکت سریع‌تر به سوی هدف، بهترین راه این است که از طریق ایجاد انگیزش در آنان، زمینه فعالیت خودجوش آنان را فراهم آورد. مدیر مسجد باید برای ایجاد انگیزه در افراد، در اقامه نماز و عبادت خدا بکوشد. نگاهی به سیره انبیا و نیز آیات قرآن نشان می‌دهد که به مسئله ایجاد انگیزه در افراد، بسیار توجه شده است؛ به گونه‌ای که در قرآن کریم، دو

۱. اصول و مبانی مدیریت، ص ۱۲۸.

وظیفه مهم انبیا، تبشیر و انذار، یعنی مژده دادن و هشدار دادن معرفی شده است. در آیات متعددی این مسئله مطرح شده و نشان می‌دهد که از وظایف اصلی انبیا بوده است. قرآن کریم در این مورد آیات متعددی را بیان می‌کند که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

«إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ؛ ما تو را به حق، برای بشارت و هشدار (مردم جهان) فرستادیم و تو مسئول (گمراهی) دوزخیان (پس از ابلاغ رسالت) نیستی».^۱

«وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ؛ و ما تو را جز برای همه مردم نفرستادیم تا (آنها) را به پاداشی الهی بشارت دهی و (از عذاب او) هشدار دهی و اما بیشتر مردم نمی‌دانند».^۲

«إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِن مِّنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ؛ ما تو را بحق برای بشارت و هشدار دادن فرستادیم و هر امتی، در گذشته هشداردهنده‌ای داشته است».^۳

«كِتَابٌ فَصَّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ * بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ؛ [قرآن] کتابی [است] که آیاتش هر مطلبی را در جای خود بازگو کرده و قرآنی فصیح و گویاست برای جمعیتی که آگاهند، بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده است؛ ولی بیشتر آنان روی گردان شدند؛ از این رو، (حقایق را) نمی‌شنوند».^۴

بشارت و انذار یا مژده و هشدار، در همه بخش‌های زندگی انسانی، از مهم‌ترین ابزار ایجاد انگیزه است. این مطلب در فطرت انسانی ریشه دارد؛ چون انسان و عقل انسانی، موجودی منفعت‌محور و مفسده‌گریز است. عالمان اصولی و کلامی یکی از اصلی‌ترین و ریشه‌دارترین حکم اولی عقلی را وجوب دفع مفسده و مطلوبیت جلب منفعت می‌دانند و بر اساس آن، احکام بسیاری را به عنوان

۱. بقره، آیه ۱۱۹.

۲. سبأ، آیه ۲۸.

۳. فاطر، آیه ۲۴.

۴. فصلت، آیه ۳-۴.

مصداق وجوب دفع مفسده، استنباط کرده‌اند. وظیفه اصلی دین، هدایت است. دین، همانند عقل به انسان روشنایی می‌بخشد تا راه درست را بی‌یابد. امام مسجد باید پیشوای این روشنایی باشد و چنین روشنایی می‌تواند از طریق ایجاد انگیزه در درون انسان محقق شود. ایجاد انگیزه برای ارتباط با خداوند، هنری است که مدیر مسجد باید در افراد جامعه ایجاد کند و این، کاری انبیا است که به مسجد و دین و به مدیریت مسجد معنا می‌بخشد.

۵-۴) برنامه و برنامه‌ریزی

یکی از ارکان مهم مدیریت، داشتن برنامه و برنامه‌ریزی است. بدون برنامه، مدیریت معنا ندارد. مقصود از برنامه، تعیین اولویت‌های کاری و اهداف کاربردی است. در تعریف برنامه چنین آمده است: «برنامه‌ریزی، متضمن تعیین هدفها و مقاصد سازمان و تهیه نقشه و برنامه کار است. برنامه‌ها نشان می‌دهد که هدفها چگونه باید تحقق یابند»^۱

در منابع دینی هم بر اهمیت برنامه بسیار تأکید شده است. از رسول الله ﷺ روایت شده است که به ابن مسعود فرمود: «هر وقت کاری را انجام دادی، از روی دانش و اندیشه انجام بده و تو را بر حذر می‌دارم از اینکه کاری بدون تدبیر و دانش انجام دهی که خدای متعال می‌فرماید: همانند زنی که رشته‌اش را بعد از بافتن، دوباره باز می‌کند، نباشید»^۲.

۱-۵-۴) فواید برنامه

داشتن برنامه در موفقیت هر طرح، ایده و هر کاری، از اهمیت زیادی برخوردار است. کاری که با برنامه‌ریزی قبلی انجام می‌شود با کاری که بدون برنامه صورت می‌گیرد، از جهات متعددی موفق‌تر است. برنامه‌ریزی دقیق، چند فایده اساسی دارد که برخی از آنها به شرح زیر است:

۱. مدیریت رفتار سازمانی، ص ۱۴.

۲. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۱۰.

الف) مدیریت و بهره‌گیری بهتر از زمان

زمان، یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت است. در هر مدیریتی، مدیریت زمان، نقش اساسی دارد؛ اگر نقش زمان و مکان را با هم مقایسه کنیم، زمان مثل یک قطعه یخ و برف و مکان مثل یک قطعه سنگ است. در انتخاب مکان فقط در آغاز باید توجه و دقت شود و نیازمندی‌ها در نظر گرفته شود. بعد از انتخاب مکان، ارزش و اهمیت آن در یک حالت ثابت باقی است و دچار تنزل و افت نمی‌شود؛ اما در زمان، علاوه بر اینکه مثل مکان در آغاز باید به تناسب آن با شرایط و نیازمندی‌ها توجه و دقت شود، در استفاده بهینه از زمان هم باید توجه و دقت گردد؛ چون زمان به سرعت و همانند یخ و برف از بین می‌رود. به عبارت دیگر، مکان، همیشه پا برجا است و دغدغه‌ای از ناحیه آن نیست؛ اما زمان، همیشه در حال کم شدن و از بین رفتن است. یکی از اصلی‌ترین ضرورت‌های مدیریت، محدودیت زمان است. در استفاده از زمان، دو محدودیت وجود دارد: انتخاب زمان مناسب اولیه؛

استفاده بهینه از زمان.

فایده برنامه ریزی در این است که نمایی کلی از کارهای که باید انجام شود، مشخص می‌شود. بنابراین، برنامه ریزی باعث می‌شود که زمان لازم برای انجام کار مشخص شود و همچنین، بهترین زمان لازم برای کل برنامه و هر یک از اجزای برنامه معین شود.

ب) بهره‌گیری بهتر از امکانات

توفیق در انجام هر کاری، مستلزم داشتن امکانات کافی برای آن کار است و محدودیت نیز، چیزی است که بشر هیچ وقت از آن رهایی نمی‌یابد. برنامه ریزی باعث می‌شود که از امکانات، استفاده بهینه شود؛ چون با برنامه ریزی، نیازها و امکانات مشخص می‌شود. البته در برنامه ریزی همیشه باید سعی شود که بین نیازها و امکانات نسبت سنجی شود و برنامه باید برآیندی از نیازها و امکانات باشد. بخش اصلی برنامه ریزی، توزیع امکانات بر حسب نیازها است.

ج) اولویت‌بندی کارها

نگاه دقیق به تمامی تلاش‌های آدمی نشان می‌دهد که انسان‌ها اغلب در کارهایشان به توفیق کامل نمی‌رسند و به توفیق نسبی رضایت می‌دهند. بر همین اساس، معیار مورد قبول در توفیق، موفقیت بالای شصت درصد است و نمره قبولی [در دامنه ۰ تا ۲۰]، از ۱۲ شروع می‌شود. برنامه ریزی در تعیین اولویت‌ها می‌تواند به ما کمک بسیاری بکند. گاهی هزینه‌ها، امکانات و وقت زیادی، برای هدفی ناچیز صرف می‌شود؛ در حالی که امکان هدف‌گیری بهتر و کامل‌تر نیز وجود دارد و یا گاهی در تعیین هدف و اولویت‌بندی، بلندپروازی‌هایی وجود دارد که جز هدر دادن سرمایه و فرصت حاصلی ندارد. یک مدیر باید افق کاری خود را خوب تشخیص بدهد و بین امکانات و ظرفیت‌ها و همچنین، هدف یا اولویت‌ها هماهنگی ایجاد کند. مدیر باید بداند که چه هدفی را تعقیب می‌کند و چه هدفی از بین هدف‌ها اولویت بیشتری دارد.

برنامه یا برنامه ریزی به دو شکل کلی تقسیم می‌شود:

برنامه و یا برنامه ریزی استراتژیک یا جامع؛

برنامه و یا برنامه ریزی عملیاتی و کاربردی.

برنامه ریزی جامع، به برنامه‌هایی گفته می‌شود که خطوط کلی برنامه‌های آینده سازمان را در درازمدت مشخص می‌کند و گاهی در این برنامه، سیر کلی حرکت تا رسیدن به کلیه اهداف سازمانی مشخص می‌شود.^۱

در برنامه ریزی عملیاتی، خطوط کلی برنامه جامع در اجزای مناسب، خرد می‌شود و هر جزء به صورت یک هدف در برنامه‌های عملیاتی تعیین می‌گردد.

سپس، برای رسیدن به هریک از اهداف، برنامه عملیاتی ترسیم می‌گردد.^۲

برنامه ریزی عملیاتی را می‌توان پیش‌بینی عملیات برای نیل به هدف‌های معین با توجه به امکانات و محدودیت‌ها و خطوط کلی ترسیم شده در برنامه جامع تعریف کرد.^۳

۱. مدیریت اسلامی، ص ۴۵.

۲. همان، ص ۴۶.

۳. مدیریت اسلامی، ص ۴۶، به نقل از مدیریت عمومی، ص ۲۶.

۲-۵-۴) اجزای برنامه

یک برنامه حداقل از چهار عنصر تشکیل می‌گردد:

۱. هدف گذاری یا تعیین اولویت کاری؛

۲. پیش‌بینی و برآوردها؛

۳. زمان‌بندی؛

۴. تخصیص بودجه.

یک مدیر باید بداند که چه چیزی را می‌خواهد محقق کند. این، همان هدف گذاری یا تعیین اولویت کاری است و برای علمی شدن این کار باید پیش‌بینی کند که آنچه می‌خواهد محقق شود، تا چه حدی قابل دست‌یابی است و با چه امکاناتی محقق می‌گردد و چه موانعی بر سر راه است. بنابراین، پیش‌بینی، برآوردی از امکانات، فرصت‌ها و موانع است. با تعیین هدف و پیش‌بینی و برآورد، نوبت به زمان‌بندی می‌رسد. مدیر باید، زمان لازم برای تحقق هدف را مشخص کند و برای این کار باید فاصله زمانی مشخصی را قرار بدهد تا بتواند در طول زمان از عملکرد خود ارزیابی داشته باشد. طبیعی است که انجام هر کاری نیازمند بودجه است که باید قبل از شروع به کار مشخص و فراهم شود.

در مدیریت مسجد هم باید این چهار عنصر محقق شود و گرنه نمی‌توان از مدیریت مسجد سخن به میان آورد. مدیریت مسجد، وقتی صدق می‌کند که هدف و اولویت مشخصی مد نظر باشد؛ به عنوان مثال، جذب مردم، به عنوان یک هدف مقدماتی در مدیریت مسجد قابل پذیرش است. برای اینکه باید راهکارها و موانع را مورد توجه قرار بدهد. پیش‌بینی امکانات و موانع زمان‌بندی و تخصیص بودجه مراحل بعدی است که باید انجام شود.

۶-۴) سازمان‌دهی

اصلی‌ترین عنصر در مدیریت که می‌توان آن را هسته مدیریت نامید، سازمان‌دهی است. در تعریف سازمان‌دهی چنین آمده است: «سازمان‌دهی، مستلزم آن است

که منابع - یعنی افراد، سرمایه و تجهیزات- به مؤثرترین شیوه برای حصول هدفها فراهم شود. بنابراین، سازمان دهی شامل ترکیب و یگانه سازی منابع است»^۱.

عملیات سازمان دهی، مهم ترین و اصلی ترین و در حقیقت بدنه مدیریت است. برخی از پژوهشگران عملیات سازمان دهی را شامل سه مرحله دانسته اند که عبارت اند از:^۲

۱. شناسایی و دسته بندی کارها؛
۲. تعریف و واگذاری اختیارات و مسئولیتها؛
۳. ایجاد و برقراری روابط.
۴. به بیان جامع تر می توان سازمان دهی را در چند مرحله به شرح زیر تبیین کرد:
۵. فراهم کردن امکانات؛
۶. شناسایی و دسته بندی کارها؛
۷. تقسیم کارها و تعیین وظایف؛
۸. ایجاد هماهنگی بین عناصر تشکیل دهنده سازمان.

توفیق در مدیریت، بستگی به نوع عملیاتی دارد که مدیر انجام می دهد. دقت و سرعت در فراهم کردن امکانات، شناسایی دقیق و دسته بندی منطقی کارها، تقسیم درست کارها و تعیین وظایف بر اساس توانایی و استعدادها و در نهایت، برقراری هماهنگی کامل بین عناصر و اجزای سازمان، شرایطی است که توفیق در مدیریت را میسر می کند؛ اما با این حال، امور دیگری نیز در موفقیت یا ناکامی مدیریت دخیل است از جمله، کنترل و نظارت که مرحله بعد از سامان دهی و عنصر مهمی در مدیریت است.

در مدیریت مسجد هم باید سامان دهی بر اساس این الگو انجام شود؛ یعنی در مرحله نخست، امکانات لازم برای مدیریت مسجد فراهم باشد. این امکانات، شامل امکانات نرم افزاری و سخت افزاری است. امکانات سخت افزاری با توجه

۱. مدیریت اسلامی، ص ۷۸، به نقل از مدیریت رفتار سازمانی، ص ۱۴.

۲. همان، ص ۷۸، به نقل از مدیریت تولید، ص ۱۹.

به اهداف و برنامه‌ها متفاوت است؛ از ابتدایی‌ترین این امکانات، شامل سرویس بهداشتی، روشنایی، منبر، وسایل صوتی و... گرفته تا امکانات پیشرفته‌ای که برای اهداف خاصی لازم است. مدیر مسجد باید به مقتضای برنامه‌ها و اهداف مشخص خود، امکانات لازم را فراهم کند؛ به عنوان مثال، مدیری که می‌خواهد انس با قرآن را در مسجد و جامعه زنده کند، لازم است که علاوه بر تهیه قرآن، از اساتید قرائت و فهم قرآن یا مفسر، نیز دعوت کند. بنابراین، متناسب با برنامه‌ها، مدیر باید امکانات مربوط به آن را تهیه کند. مدیری که می‌خواهد در جامعه، فرهنگ دینی را ترویج کند یا می‌خواهد آموزش مسائل دینی را تعمیق دهد یا کارهای اجتماعی دیگری انجام دهد، متناسب با هر هدف، باید امکانات آن را هم فراهم کند.

مسجد، مکانی است که انسان در آن برای آخرت کار می‌کند. بنابراین، مسجد از این نظر هم بازار است، اما بازاری که در آن تجارت امور معنوی انجام می‌گردد و هم کارگاه است، اما کارگاهی که در آن برای آخرت کار می‌شود. مدیریت مسجد باید شرایط مناسبی را برای این مقصود فراهم کند. همان‌طور که یک بازار به امکاناتی، از جمله راه‌های خروجی و ورودی، حمل و نقل، انبار و... نیازمند است، یک کارگاه نیز به امکاناتی که مستلزم کار کردن در آن است، باید مجهز باشد. بر همین اساس، مسجد هم باید به امکاناتی که اهداف و فلسفه وجودی مسجد مقتضی آن است، مجهز باشد.

مرحله دوم، شناسایی دقیق و دسته‌بندی منطقی کارها است. مدیر مسجد باید بداند که انجام چه کارهایی لازم است و آنها به چه ترتیبی باید انجام گیرد. این امر، بستگی به درک و هوشیاری مدیر دارد که چگونه کارها را دسته‌بندی کند. شناسایی دقیق کارها، بستگی به گستردگی حوزه فعالیت مسجد دارد. اگر مسجد از فعالیت در بخش‌های گسترده برخوردار باشد، لازم و ضروری است که مدیر مسجد مشاورانی در هر بخش داشته باشد تا بتواند درک درستی از کارها و اقداماتی که باید انجام بدهد، به دست آورد.

در مرحله سوم، تقسیم کار یا تعیین وظایف است. دنیای امروز دنیای مشارکت

و تقسیم کارها است و در اصل، مدیریت بر پایه تقسیم کار و تعیین وظایف بنا شده است. مدیر مسجد علاوه بر تقسیم کارها و تعیین وظایف، باید سلیقه و مهارت هر کس را مد نظر قرار دهد و برای هر کار، متولی متناسبی معین کند. این بخش، از اهمیت خاصی برخوردار است و باید با دقت انجام شود؛ چون سپردن کارها به افراد به معنای تقسیم زمان و امکانات است که هر دو غیرقابل برگشت هستند؛ نه زمان را می‌توان دوباره به دست آورد و نه امکانات هدر رفته را می‌توان به راحتی فراهم نمود. پس، باید مسئولیت‌ها به دقت انتخاب شوند تا از بجا مصرف شدن امکانات و استفاده بهینه از زمان، اطمینان حاصل شود. در نهایت، مهم‌ترین وظیفه مدیر در مرحله سامان‌دهی، ایجاد هماهنگی بین همه بخش‌ها است. زمام امور سازمان به دست مدیر است و او تصمیم‌نهایی را در هر مورد باید اتخاذ کند. اصلی‌ترین کار مدیریت، هماهنگی است؛ زیرا در شرایط بحرانی، مدیر است که باید با تصمیم‌های بجا بحران را حل و فصل کند.

۷-۴) کنترل و نظارت

یکی از مهم‌ترین ارکان مدیریت، کنترل و نظارت است. با توجه به مسئولیت مدیر در قبال عملکرد مجموعه و وظیفه او نسبت به ایجاد هماهنگی بین اجزای آن، نظارت بر عملکرد همه اجزا و ارزیابی فعالیت‌های انجام شده و پی‌گیری مشکلات پیش آمده، از وظایف اصلی مدیر است. در تعریف کنترل چنین آمده است: «کنترل، عبارت است از توجه به نتایج کار و پیگیری آنها برای مقایسه فعالیت‌های انجام شده با برنامه‌های تعیین شده و اعمال اصلاحات مقتضی در مواردی که از انتظارات، انحرافی صورت گرفته است»^۱.

با توجه به این تعریف، مدیر باید بر اهداف و برنامه‌ها اشراف کامل داشته باشد؛ همان‌طوری که باید بر فعالیت‌های انجام شده نظارت کامل داشته باشد و تناسب فعالیت‌های انجام شده را با اهداف از پیش تعیین شده بشناسد و در صورت لازم برای رفع مشکلات یا انحرافات عملکردی و تسریع در کارها اقداماتی

۱. مدیریت اسلامی، ص ۳۱۴. به نقل از مدیریت رفتار سازمانی، ص ۱۵.

انجام بدهد.

۱-۷-۴) ارکان کنترل

همان گونه که در تعریف کنترل اشاره شد، کنترل سه رکن اساسی دارد که عبارت‌اند از: نظارت، ارزیابی، پی‌گیری.

نظارت، به معنای این است که مدیر بر تمام فعالیت‌های انجام شده در مجموعه اشراف داشته باشد و بداند که چه فعالیت‌هایی انجام شده و یا باید انجام بگیرد تا بتواند در هر بخش وظیفه خود را به درستی انجام دهد. وی باید از مشکلات به وجود آمده مطلع باشد تا بتواند تصمیم‌های لازم را بگیرد.

ارزیابی، نوعی آزمایش است؛ آزمایش آنچه انجام شده تا اطمینان حاصل شود که نتایج مورد نظر به دست خواهد آمد. هر چه محصول نهایی از حساسیت بیشتری برخوردار باشد، نقش ارزیابی مهم‌تر خواهد بود. البته ارزیابی، خود نوعی از نظارت پیشرفته و دقیق است. با ارزیابی مشخص می‌شود که کارها طبق برنامه انجام شده است یا نه و نتیجه مطلوب به دست خواهد آمد یا نه.

در ارزیابی، اطلاعات لازم درباره مسائلی، مانند پیشرفت کار بر اساس برنامه، کمیّت و کیفیت عملکرد افراد و مشکلات اجرایی به آگاهی مدیر می‌رسد تا پس از ارزیابی شرایط موجود، مورد بررسی قرار گیرد.

در نهایت، مرحله پی‌گیری، اصلاح عملکردها یا گاهی رفع مشکلاتی است که ممکن است در مسیر حرکت یک مجموعه ایجاد شود. در مدیریت مسجد از دو طریق می‌توان کنترل را انجام داد:

الف) کنترل از درون

کنترل از درون با تقویت تقوا و مسئولیت‌شناسی در افراد محقق می‌شود. این بخش، خیلی مهم است و در واقع نوعی واکسینه کردن افراد در مقابل خطرات است. سوءاستفاده و کم‌کاری از آفت‌هایی است که در تمامی موضوعات به مدیریت و روند صحیح اجرای برنامه آسیب می‌رساند. ایجاد تقوا در افراد مانع از سوءاستفاده و تقویت حس مسئولیت‌پذیری در افرادی می‌شود. آنچه

در مدیریت «نئوکلاسیک» به بهره‌گیری از ایجاد انگیزه در افراد مطرح شده است در واقع، ایجاد تقوا و حسّ مسئولیت پذیری است. در مدیریت مسجد هم می‌توان از داده‌های علوم انسانی، مانند روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و همچنین، از شیوه تربیت مذهبی بهره گرفت؛ با این تفاوت که استفاده از شیوه تربیت مذهبی اثر ماندگارتری دارد.

ب) کنترل از بیرون

کنترل از بیرون با حضور مداوم و نظارت مستقیم مدیر مسجد بر همه فعالیت‌های انجام شده، محقق می‌شود. کنترل از بیرون، از وظایف اصلی مدیر است و در واقع مسئولیت پذیری او را نشان می‌دهد. هرچه این کنترل، دقیق و فراگیرتر باشد، انجام دقیق برنامه‌ها بهتر خواهد شد. در مدیریت مسجد، امام جماعت باید بر کارهای انجام شده، نظارت داشته باشد.

« فصل پنجم: ظرافت‌های مدیریت مسجد

۱-۵) تفاوت مدیریت در مسجد با مدیریت در سایر بخش‌ها

یکی از تفاوت‌های عمده و اساسی مدیریت در مسجد با مدیریت در دیگر بخش‌ها این است که در دیگر بخش‌ها، اقتدار و اعتبار مدیر، ناشی از قدرت قانونی اوست؛ زیرا مدیر از طرف مقام مافوق منصوب شده است و اعتبار و اقتدار دارد و تعامل افراد زیردست با مدیر فقط بر همین اساس است؛ اما در امامت مسجد، اعتبار امام پیش از این که ناشی از قدرت قانونی باشد، ناشی از قدرت مرجعیت است. به خصوص، در مذهب شیعه که بر عدالت امام تأکید دارد، اعتبار امامت به اعتبار عدالت و تدین او و نه بر اساس حکم و یا منصب اداری اوست. همان‌طور که اگر در اداره‌ای مدیر از طرف مافوق منصوب نباشد، مشروعیت ندارد، امام مسجد هم اگر عدالت و تدین نداشته باشد، مشروعیت ندارد؛ چون قدرت امام جماعت، ناشی از قدرت مرجعیت اوست که بر اساس مقبولیت مردم استوار است. بنابراین، مدیریت مسجد ظرافت‌هایی دارد که باید به آن توجه شود. دو مسئله اساسی در مدیریت مسجد از اهمیت اساسی برخوردار است که در حوزه‌های دیگر از چنین اهمیتی برخوردار نیست؛ این دو مسئله عبارت است از: عدالت و الگوی رفتاری. در ادامه به هر کدام از این دو مورد اشاره می‌شود:

الف) عدالت

به‌طور معمول، قدرت قانونی در مدیریت هر چیزی غیر از مسجد، شرط اول است؛ ولی در امامت مسجد، عدالت نقش اصلی را دارد. به خصوص از دیدگاه شیعه که بدون عدالت، امامت مسجد باطل است. البته اهل سنت چنین شرطی ندارند. بنابراین، فاسق هم می‌تواند امام جماعت شود. از نظر مبانی مدیریت، هر مدیری که بتواند اهداف مورد نظر را تأمین کند، برای مدیریت شایسته است. به طبع آن، در مدیریت مسجد نیز این مسئله به‌طور کامل باید مدنظر قرار گیرد؛ اما جای سؤال این است که هدف از مدیریت مسجد و نماز به عنوان مهم‌ترین عملکرد مسجد چیست؟ اگر مسجد و نماز در مسجد فقط برای ادای تعظیم و

تکریم خداوند باشد، شاید عدالت و تقوا خیلی دخیل نباشد؛ اما اگر هدف از مسجد و نماز در مسجد، چیزی فراتر از تعظیم و تکریم خداوند و یا چیزی علاوه بر تکریم و تعظیم خداوند باشد، در این صورت باید دید که با امامت یک فرد فاسق و غیرمتمقی، آن هدف محقق می‌شود یا نه؟ قرآن کریم بر این نکته تأکید دارد که مسجد باید به نیت تقوا بنا شود. همچنین، هدف از بنای مسجد را تطهیر می‌داند: «...مَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا؛ آن مسجدی که از روز نخست بر پایه تقوا بنا شده، شایسته‌تر است که در آن (به عبادت) بایستی؛ در آنان، مردانی هستند که دوست دارند که پاکیزه باشند».^۱

ب) الگوی رفتاری

در امور تربیتی، نقش رفتار و الگو بودن بیش از نقش تعلیم مؤثر است. اگر مردم ببینند که امام جماعت قبل از اذان در مسجد حاضر می‌شود و نمازهای نافله روزانه را مرتب می‌خواند، بی‌تردید این مسئله در مردم نیز تأثیر گذاشته و کسانی را به تبعیت از او به خواندن نمازهای نافله روزانه وامی‌دارند. اگر امام جماعتی نماز صبح را مرتب در مسجد اقامه کند، طبیعی است که برخی از نمازگزاران نیز به این کار اقدام کنند و اگر امام جماعت نماز شب را قبل از صبح در مسجد اقامه کند، طبیعی است که در بین نمازگزاران هم کسانی به این امر علاقه نشان بدهند. در حقیقت، امام جماعت تنها امام در نماز نیست، امام در رفتار دینی هم هست.

۲-۵) ساختار مدیریت مساجد

با توجه به گستردگی مساجد در جوامع اسلامی، در مدیریت مساجد، علاوه بر مدیریت واحد هر مسجد، مدیریت کلان مساجد در سطح کشوری یا منطقه‌ای و جهانی هم، باید مورد توجه قرار گیرد و چنین چیزی مستلزم وجود سازمانی

^۱ . توبه، آیه ۱۰۸.

است که مساجد را به عنوان واحدهای تابعه خود، برای رسیدن به اهداف مورد نظر، جهت‌دهی کند. در تعریف سازمان گفته‌اند: «سازمان، مجموعه‌مرکبی از واحدهای جزئی است که هر یک به سود بقیّه، عهده‌دار انجام کارهای معین هستند».^۱ برای مدیریت مساجد، سطوح مختلفی را می‌توان در نظر گرفت که هر کدام ویژگی‌های خود را دارد.

۳-۵) سطوح مدیریت مسجد

سازمان‌دهی مساجد در سه سطح قابل ارزیابی است: سطح کلی و نظری یا هدایت، سطح میانی یا نظارت، سطح اجرایی یا مدیریت.

۱-۳-۵) سطح نظری یا هدایت

در سطح رهبری (سطح مدیران ارشد)، هدایت‌های کلی و راه‌شناسی مطرح است. به عبارت دیگر، در سطح رهبری، قوانین، مقررات و باید و نبایدهای مدیریت مسجد مورد توجه است. هدایت‌های پیامبر ﷺ، امامان معصوم (علیهم‌السلام) و مراجع دینی در این سطح است. دستورات قرآن و پیشوایان دینی، نظریات و فتاوی مراجع دینی و باید و نبایدها یا احکام و آداب مسجد را مشخص می‌کند. این وظیفه در عصر حاضر، متوجه مراجع دینی است و متأسفانه در این سطح کمبودها بسیار است. آنچه در این سطح تاکنون انجام شده، مباحثی درباره احکام و آداب شرعی مسجد است که لابه‌لای کتاب‌های فقهی مطرح شده است و هنوز به صورت کاربردی در نیامده است. آنچه در این سطح مورد نیاز است دو چیز به شرح است:

الف) تدوین فقه‌المسجد، فقها باید در راستای مشخص کردن باید و نبایدهای شرعی، فقه‌المسجد را به صورت جدی مورد توجه قرار دهند و مجموعه احکام مسجد را در دو بخش بایدها و نبایدها تدوین کنند و به صورت مدوّن در اختیار همه قرار دهند.

۱. مدیریت اسلامی، ص ۷۷. به نقل از تئوری‌های مدیریت، ص ۱۵.

ب) نظریه پردازی در چگونگی مدیریت مسجد، این مبحث، بخش دیگری از سازمان‌دهی مساجد در سطح کلان و نظری است که متأسفانه هنوز تلاش شایسته‌ای در این حوزه انجام نشده است و ضروری است که به این بُعد هم توجه شود. این قسمت، هرچند وظیفه مستقیم مراجع نیست، اما اگر توسط مراجع تهیه شود از مقبولیت و مشروعیت بهتری برخوردار خواهد شد. به هر حال، تردیدی نیست که مقبولیت یک نظریه به اعتبار نظریه پرداز هم بستگی دارد و علاوه بر این، نظریه پردازان باید در چهارچوب احکام و آداب شرعی مسجد، برنامه‌هایی را برای مدیریت مسجد تدوین کنند و چنین کاری فقط توسط عالمان و آگاهان به مبانی دینی قابل انجام است.

۲-۳-۵) سطح میانی یا نظارت

در سطح سازمانی یا مدیریت متوسط (مدیریت میانی)، تشکیل سازمان‌های فراگیری که بر مدیریت مساجد نظارت داشته باشد و سیاست‌های کلان را مشخص کند، ضروری است. با توجه به گستردگی مساجد جوامع اسلامی، باید یک سازمان منسجم که همه مساجد را زیر نظر داشته باشد، تشکیل شود. این سازمان در چند محور باید فعال باشد:

الف) جهت دادن به فعالیت‌های مسجد

اولین وظیفه این سازمان، جهت‌دهی هماهنگ مساجد به سوی هدف‌های مشخص است. این سازمان باید با سطح نظری و هدایت مرتبط باشد و برای تحقق آنچه به عنوان فقه‌المسجد و یا نظریه‌هایی درباره چگونگی مدیریت مسجد فراهم شده است، اهداف کاربردی‌تری را مشخص کند و در قالب برنامه، توسط این سازمان به مساجد، ابلاغ شود.

ب) پشتیبانی از مساجد و مدیران

وظیفه دوم این سازمان، پشتیبانی از مساجد و مدیران مساجد است. مدیریت

مساجد، نیازمند امکانات مالی و نیز ارتباط با بخش‌های دیگر جامعه است که از طریق این سازمان باید انجام گیرد. پشتیبانی، نقش مهمی است که بسیاری از سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها به عهده دارند. این سازمان‌ها کانال‌هایی است که از طریق آنها منابع به طرح‌ها تخصیص داده می‌شود.

ج) گسترش فعالیت‌های مسجد

فعالیت‌های مسجد در عصر حاضر، به نماز و مراسم عزاداری و مراسم ختم محدود شده است. باید فعالیت‌های مسجد را در بخش‌های مختلف جامعه گسترش داد؛ به صورتی که مساجد در امور فرهنگی، اجتماعی، آموزشی و تربیتی نقش اساسی را دارا باشند. سازمان باید زمینه فعالیت مساجد را در حوزه‌های مختلف فراهم کند و این امر از طریق برنامه ریزی میسر است. سازمان باید در برنامه‌ریزی خود، گسترش فعالیت‌های مسجد را در همه زمینه‌های مختلف فراهم کند. نیازسنجی، امکان‌سنجی، اولویت‌سنجی، از مهم‌ترین وظایف سازمان است که باید برای گسترش فعالیت‌های مساجد و نیز تعمیق فعالیت‌های مساجد انجام دهد.

د) نظارت بر فعالیت‌های مسجد

سازمان‌های ناظر و برنامه ریز باید بر عملکرد مساجد نظارت داشته باشند تا مبدا مساجد از اهداف اصلی فاصله بگیرند یا به انحراف کشانده شوند.

۳-۳-۵) سطح اجرایی یا مدیریت اجرایی یا مدیریت عملیاتی

این سطح از مدیریت مسجد به اجرای عینی همه برنامه‌های طراحی و ابلاغ شده توسط سطوح قبلی مدیران مساجد مربوط می‌شود. این سطح، بیشتر به اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های داخل مساجد و مراکز فرهنگی مشابه مسجد منتج می‌شود. در واقع، نوک پیکان اجرایی فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی که به تحقق اهداف مدیریت مساجد منتهی می‌شود، به این سطح از مدیریت مساجد مربوط می‌شود. این سطح، پائین‌ترین سطح مدیریت مساجد (از بالا

به پائین) است و بیشترین زحمات و تلاش‌ها در این بخش انجام می‌گردد. به این بخش از مدیریت مساجد، سطح سرپرستی هم می‌گویند؛ چون برخی از افراد یا فعالان فرهنگی و مذهبی و حتی خدماتی به عنوان سرگروه و در قالب سرپرست بر عملکرد اعضای گروه نظارت و سرپرستی دارند. این سرپرستان یا مدیران عملیاتی، ضمن اعمال مدیریت بر زیردستان اجراکننده خود، ارتباط لازم را با مدیران سطح بالاتر برقرار می‌کنند.

با توجه به مطالب قبلی، روشن است که همه وظایف و مسئولیت‌های عمومی و تخصصی مدیریت مساجد را این سطح از مدیران هم انجام می‌دهند. نکته مهم این است که سطح مدیریت عملیاتی به عینی سازی برنامه‌های اعتقادی، مذهبی، اجتماعی، دینی، آموزشی و... در مساجد اقدام می‌کند و همه مجریان نهایی برنامه‌ها و فعالیت‌های مساجد، به همراه سرپرستان آنها در این گروه دسته‌بندی می‌شوند. بنابراین، سرپرستان و نیروهای انسانی این بخش از مدیریت مسجد از نظر تخصصی متنوع‌تر و از نظر تعداد بیشتر از بقیه سطوح مدیریت هستند.

۴-۵) الگوهای سازمان مدیریت مساجد

الگوهای متعددی برای سازمان مدیریت مساجد وجود دارد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: مساجد دولتی؛ مساجد فرقه‌ای؛ مساجد مردمی. در ادامه بحث به توضیح هر کدام پرداخته می‌شود:

الف) مساجد دولتی

مساجد دولتی، چنانچه از نامش پیدا است، توسط سازمان‌ها و ادارات زیر مجموعه دولت، اداره و سازمان‌دهی می‌شود. برنامه‌ها، هزینه‌ها و امور اجرایی این مساجد، مثل عزل و نصب امام جماعت، مؤذن و خادم، همه توسط سازمان دولتی خاصی انجام می‌گردد. این سیستم مدیریت مساجد، دارای محاسنی است که عبارت‌اند از: تأمین هزینه‌های مسجد، تأمین کادر و نیروی لازم برای مسجد

شامل امام جماعت، مؤذن و خادم و امکان مدیریت هماهنگ و همگانی مساجد. از بین این فواید، امکان مدیریت هماهنگ و همگانی مساجد، مهم‌ترین ویژگی این سیستم است که از نظر برنامه‌ها، تشکیلات و افراد مسئول در مساجد، تحت کنترل و آماده برای سازمان‌دهی هستند.

ب) مساجد فرقه‌ای

این مساجد چنان‌که از نامشان پیدا است، مساجدی هستند که توسط گروه‌های منسجم فکری، مذهبی و سیاسی مدیریت می‌شوند و علاوه بر فعالیت‌های دینی، ممکن است اهداف مشخص اجتماعی نیز داشته باشند. در مساجد، فرقه شبه سازمانی وجود دارد. یک فرقه، نوعی سازمان است و بلکه فرقه از نظر کارایی از سازمان کارآتر است؛ چون انگیزه در اعضای آن بیشتر است. مساجد فرقه‌ای به‌طور معمول، کارآمدتر از مساجد دولتی است؛ چون هم از سازمان برخوردار است که برنامه و جهت‌دهی دارد و هم از انگیزه بالا در عمل برخوردار است.

ج) مساجد مردمی

مساجد مردمی، مساجدی هستند که در محلات و بازارها توسط عامه مردم ساخته شده و اداره می‌گردد. این مساجد که بخش عظیمی از مساجد را تشکیل می‌دهند، از نظم و انسجام واحدی برخوردار نیستند؛ زیرا سلیقه و خواسته مردم در یک محله و منطقه، ممکن است با مناطق دیگر متفاوت باشد. با توجه به اینکه مردم در اداره مسجد نقش دارند، نمی‌شود مردم را سازمان مصطلح نامید؛ با این حال، بی‌شبهت به سازمان هم نیست، چون همه افراد در اداره مسجد با هم همکاری می‌کنند و برای رسیدن به اهداف مشخص، هر فرد کاری را انجام می‌دهد. مساجد سازمانی علی‌رغم این که سازمان رسمی ندارد، اما کارایی بسیاری بالایی دارد، چون انگیزه در این گونه مساجد بیش از انگیزه در سازمان است.

۵-۵) الگوهای مدیریت اجرایی مساجد

مدیر مسجد

مدیر مسجد باید امام مسجد باشد؛ اما همیشه این طور نیست. گاهی مسجد، یک متولی غیر از امام جماعت دارد و گاهی هیئت امناء و مردم درباره برنامه‌های مسجد تصمیم می‌گیرند. از نظر شرعی، مسجد متولی نمی‌خواهد؛ ولی امام می‌خواهد. از نظر مدیریتی نیز تفکیک بین امامت مسجد و مدیریت مسجد، منجر به تجزیه اختیارات می‌گردد که خود در مدیریت یک مجموعه می‌تواند مشکل ساز باشد. تعدد مراکز تصمیم‌گیری و تفکیک اختیارات، بیش از اینکه به نفع مدیریت باشد، زمینه‌ای برای بروز کشمکش و اختلافات است. بنابراین، به‌طور طبیعی امام مسجد مدیر است و در این نوشتار چنین فرض شده است که امام جماعت مسجد، مدیر مسجد است.

در مدیریت مسجد، ساختار اداره مسجد و این مطلب که مدیر مسجد چه کسی باشد و از چه اختیاراتی برخوردار باشد، در بازدهی مسجد بسیار مهم است. مدیریت، بدون اختیارات کافی محقق نمی‌شود؛ به همین دلیل، باید اختیارات مدیر به‌طور کامل مشخص و کافی باشد. در موضوع مسجد، این مسئله با توجه به انواع مساجد متفاوت است. در برخی از مساجد، امام جماعت اختیار تمام در تمامی زمینه‌ها دارد و می‌تواند هر طور که بخواهد مسجد را مدیریت کند؛ اما در برخی از مساجد، اختیارات امام مسجد محدود است. الگوهای مطرح در مدیریت داخلی مسجد عبارت‌اند از: مساجد متولی محور، مساجد هیئت‌امناء محور، مساجد مردم محور، مساجد امام محور.

۵-۶) شیوه مطلوب مدیریت مسجد

مدیریت، دانشی است که برای استفاده بهینه از امکانات موجود، به وجود آمده است و مدیر باید از منابع موجود بهترین بهره‌برداری را انجام دهد. مدیریت از دو بخش اصلی تشکیل شده است: بخش نظری یا اصول و قواعد مدیریت؛

بخش اجرایی یا تطبیق و اجرای دقیق برنامه‌ها. بخش اول، محتوای دانش مدیریت را تشکیل می‌دهد و بخش دوم، عملکرد مدیر است. مدیریت در حقیقت تلفیقی از این دو بخش است؛ یعنی تطبیق قواعد و اصول مدیریت در موضوعی خاص. بنابراین، مدیریت مسجد، زمانی محقق خواهد شد که از اصول و قواعد مدیریت در اداره مسجد بهره گرفته شود.

۷-۵) شرایط توفیق مدیریت مسجد

مقصود از شرایط توفیق مدیریت مسجد، شرایطی است که زمینه موفقیت مدیریت را فراهم می‌کند و اگر این شرایط نباشد، مدیریت مسجد با مشکلات مواجه خواهد شد. این شرایط عبارت‌اند از:

الف) کسب مهارت و دانش مدیریت

طبیعی است که مدیریت علمی، زمانی محقق می‌شود که مدیر از اصول و قواعد دانش مدیریت آگاهی داشته باشد. «تیلور» که به عنوان پدر دانش مدیریت علمی شناخته می‌شود، اصول چهارگانه‌ای را برای تحقق مدیریت علمی بیان کرده که نخستین اصل آن «کشف روش علمی درباره موضوع مدیریت است».^۱ نخستین چیزی که برای مدیریت مسجد لازم است، آگاهی از روش علمی مدیریت مسجد است. امامان جماعت مساجد باید به روش‌های علمی مدیریت مسجد آگاهی داشته باشند. چنین دانشی با برگزاری دوره‌های کوتاه‌مدت آموزشی برای مدیران مساجد می‌تواند تأمین شود؛ ولی کار اساسی این است که مدیریت مسجد به عنوان رشته تحصیلی در حوزه تصویب و دایر شود و دانش مدیریت مسجد به صورت یک دانش کاربردی مورد توجه جدی نظام آموزشی قرار گیرد.

ب) فراهم کردن شرایط مطلوب برای تحقق هدف

۱. مدیریت اسلامی، ص ۵۸.

دومین عاملی که برای توفیق مدیریت لازم است، فراهم کردن شرایط تحقق اهداف یک مجموعه و سازمان است؛ زیرا مدیر، رهبری یک سازمان یا مرکز اجتماعی را برای تحقق اهدافی، به عهده دارد. بنابراین، وظیفه اصلی مدیر و هسته اصلی مدیریت، ایجاد هماهنگی بین منابع است. به همین دلیل، در تعریف مدیریت، توجه اصلی بر ایجاد هماهنگی و سازمان‌دهی است. مدیریت مسجد و مدیریت دینی جامعه از طریق مسجد، هدف والایی است که به امکانات گسترده مالی و انسانی نیاز دارد و بدون تأمین امکانات لازم برای مدیریت مساجد، سخن گفتن از مدیریت مساجد، بیهوده است. مدیریت مسجد و مدیریت دینی جامعه از طریق مساجد، زمانی محقق خواهد شد که امکانات لازم برای این کار فراهم شود. پس، برای مدیریت مساجد، تشکیل یک سازمان فراگیر در سطح کشور ضروری است. ده‌ها هزار مسجد و میلیون‌ها نفر نمازگزار این مساجد، استحقاق داشتن یک سازمانی نیرومند را دارد. حتی می‌توان گفت که تشکیل یک وزارتخانه، درباره سامان‌دهی این امور، توقع بیجایی نیست. به هر حال، نقش امکانات در پیشرفت اهداف، چیزی نیست که نیازی به استدلال داشته باشد. طبیعی است که هر چه امکانات بیشتر باشد، نتایج مطلوب‌تری به دست خواهد آمد، مدیریت مسجد هم نیازمند امکاناتی است که باید فراهم شود و این امر می‌تواند در قالب یک سازمان دولتی یا کمک‌های مردمی باشد؛ اما مهم این است که امکانات قابل اعتمادی باشد که بتوان بر اساس آن برنامه ریزی کرد. مدیریت بدون برنامه ریزی مفهومی پیدا نمی‌کند و برنامه ریزی بدون وجود امکانات، نوشته روی کاغذ خواهد بود.

ج) انگیزه و جدیت مدیر

سومین عامل در تحقق مدیریت علمی، انگیزه و جدیت مدیر در پیشبرد اهداف مسجد است. دادن اختیارات کافی به امام جماعت یکی از راه‌هایی است که در او ایجاد انگیزه می‌کند. ایجاد یک رقابت سالم در بین امامان مساجد می‌تواند انگیزه امام جماعت را تقویت کند.

مدیریت علمی مسجد، زمانی محقق خواهد شد که این سه عامل موجود باشد: اول اینکه، به امامان مساجد درباره مدیریت علمی مساجد آموزش‌های کافی داده شود. این کار نیازمند تحقیق علمی درباره روش مدیریت مسجد، شکل‌گیری رشته تحصیلی و علم مدیریت مسجد و تهیه متون آموزشی در این باره است. دوم اینکه، سازمانی که امکانات لازم را در اختیار آنها بگذارد، تشکیل شود و بر همه مساجد اشراف داشته باشد و در نهایت، انگیزه لازم برای مدیریت علمی مساجد در ائمه جماعات مساجد، ایجاد و تقویت شود.

« نتیجه سخن

در جوامع امروزی، مدیریت و تولید امور در تمام جوانب زندگی اجتماعی فراگیر و امری اجتناب‌ناپذیر شده است و دانش مدیریت، از دانش‌های جدیدی است که به سرعت رشد کرده و در طی حدود یک قرن با توجه به کاربردی بودن آن و از طرفی تفاوت شیوه‌ها و الگوهای مدیریتی و با توجه به موضوعات مختلف زندگی اجتماعی، دارای شاخه‌های بسیاری شده است و روز به روز با مطرح شدن موضوعات جدید، گسترده‌تر می‌شود؛ از این رو، هر موضوعی می‌تواند دارای ضوابط و فنون و شیوه‌های خاصی برای مدیریت باشد. در این راستا، مسجد هم از موضوعاتی است که باید درباره آن از مدیریت ویژه و مخصوص سخن گفت. پرداختن به مبحث مدیریت مساجد با توجه به گستردگی مساجد و کاربردی بودن آنها و نیاز مبرم به شیوه‌هایی که باعث کارایی بیشتر مساجد می‌شود، امری لازم و ضروری بنظر می‌رسد.

بدون تردید، مساجد باید دارای مدیریتی قوی و توانمند باشند؛ یعنی ائمه جماعات باید خود، اولین برنامه ریز باشند تا بتوانند مساجد را هم به منظور تقویت بنیه دینی و مذهبی و هم به منظور بهره‌برداری مسائل سیاسی، اجتماعی و ارتقای میزان آگاهی آحاد مردم مهیا سازند.

به‌طور کلی، نحوه مدیریت مسجد به عنوان یک عمل جمعی، نسبتی مستقیم با مبانی و پیش فرض‌های انسان درباره نقش و جایگاه دین و مسجد در جامعه دارد؛ یعنی اینکه هر نقش و جایگاهی که یک فرد و یا یک جریان فکری بر اساس مبانی فکری خود برای مسجد در اجتماع در نظر می‌گیرد، نحوه تعامل آنها را با مسجد و مدیریت مسجد شکل می‌دهد. در حال حاضر، سه دیدگاه درباره مدیریت مسجد وجود دارد که هر کدام از این سه دیدگاه، مبانی به‌طور کامل متفاوتی دارند که در ادامه به هر کدام از آنها اشاره می‌شود:

۱. **دیدگاه سکولاری:** این دیدگاه دنیاگرایانه به مسجد است. در این نظام‌ها، وظیفه دولت این است که از فعال شدن مساجد در امور سیاسی و اجتماعی جلوگیری

کند. بر این اساس، صاحبان این دیدگاه، از فعال شدن مساجد و معابد در اموری که به مذاقشان خوش نیاید، جلوگیری می‌کنند. در این دیدگاه، دین و مسجد حق ندارند در امور اجتماعی دخالت کنند. بنابراین، سکولاریسم، سیاست تحمیلی بر ادیان، مذاهب و معابد است.

۲. دیدگاه دولتی: این دیدگاه در برخی از کشورهایی که چهره اسلامی دارند، معمول است، دیدگاه منفعت‌محور دولتی است. در این دیدگاه، دولت هزینه اداره مساجد را تأمین می‌کند و مساجد، تحت کنترل وزارت اوقاف و امور خیریه و یا عنوان‌های مشابه قرار دارد؛ چنان‌که در برخی از این کشورها، مثل اردن و عربستان، کنترل شدیدی بر مساجد انجام می‌شود.

۳. دیدگاه مکتبی: این دیدگاه بر گرفته از قرآن، سنت نبوی ﷺ و سیره معصومان علیهم‌السلام است و بر نظریه سیاست و دولت دینی مبتنی است. در این دیدگاه، جامعه، دولت و سیاست باید در چهارچوب دین حرکت کند. اساس این دیدگاه بر عدم تفکیک دین از سیاست است.

با توجه به دیدگاه‌های یاد شده، مدیریت مسجد، شکل‌ها و جهت‌های به‌طور کامل متفاوتی به خود می‌گیرد. در اول قرن بیستم، دیدگاه سکولاری و دیدگاه دولتی در بسیاری از کشورها مساجد را به سود خویش مدیریت کرده و تا می‌توانست، مساجد را از حیات اجتماعی مردم دور نگه داشته است؛ اما با موج بیداری اسلامی که با انقلاب اسلامی ایران به اوج خود رسید، مساجد دوباره به حیات اجتماعی بازگشته‌اند.

آنچه امروز ضرورت دارد، تداوم و تعمیق نقش و حضور مساجد در حیات سیاسی و اجتماعی جوامع اسلامی است. بر این اساس، مقصود و هدف اصلی از مدیریت مسجد این است که مسجد به جایگاه واقعی و اصلی خود در جوامع اسلامی برگردد و یا حداقل به آن سو حرکت کند. در حقیقت، هدف نهایی از مدیریت مسجد، مدیریت دینی جامعه است.

از نظر اجتماعی، مسجد قلب جامعه اسلامی است که در آن هم دین و هم اجتماع مسلمانان تبلور می‌یابد. با نگاهی به تاریخ و جایگاه مساجد در جوامع اسلامی

قدیم، درمی یابیم که مسجد نقش بسیار گسترده‌ای در حیات جمعی افراد یک جامعه ایفا می‌کرد و مکانی برای عبادت، اجتماع، مشورت، تحصیل، تعلیم، تربیت، ارتباط، اطلاعی رسانی و... بود؛ یعنی در جوامع اسلامی، مسجد محور همه کارها بود. در حالی که امروز مسجد فقط برای عبادت و نماز است. علت عمده این فاصله، زائیده شرایط حاکم بر جهان اسلام در قرن نوزده و بیست میلادی است که به‌طور مستقیم به سلطه استعمارگران بر جوامع اسلامی مربوط می‌شود. حضور و حاکمیت استعمارگران، تعادل نهادهای حاکم بر جوامع اسلامی را به هم زد و جایگاه مشخصی برای بسیاری از نهادهای قدیم در نظام جدید حاکم بر جوامع اسلامی تعریف نشد؛ چنان که مسجد قبل از قرن بیستم، محل اصلی آموزش و پرورش بود؛ در حالی که در نظام جدید، هیچ جایگاه آموزشی برای مسجد تعریف نشده است. البته برخی از این اموری که از مسجد سلب شده، اقتضای جوامع مدرن است و نمی‌توان در جامعه مدرن این امور را به مسجد برگرداند؛ چون در جامعه مدرن کارها تقسیم شده است و هر کاری به سازمان و مدیریت خاصی نیاز دارد که انجام آن مستلزم اماکن و امکانات خاص خودش است که نمی‌توان در مسجد این مکان و امکانات را فراهم کرد. در عین حال، بسیاری از امور اجتماعی را می‌توان در مسجد انجام داد و از طرفی با توجه به نیازهای جامعه مدرن، می‌توان کارکردهای جدیدی را برای مساجد تعریف کرد. با توجه به اینکه در جامعه مدرن، یکی از معضلات مهم، کمبود جا و مکان برای بسیاری از فعالیت‌ها است و با توجه به گستردگی مساجد و حضور آنها در متن اجتماع، می‌توان بسیاری از اقدامات عمومی را که با شأن مسجد منافاتی ندارد، در مسجد انجام داد. مساجد زمینه‌های مناسبی برای بسیاری از اقدامات مفیدی است که هم به مصلحت کل جامعه و هم به منفعت و مصلحت تک تک افراد است. مساجد از ظرفیت‌های بسیاری برخوردار هستند که هم از نظر فضا و امکانات و هم از نظر نیروی انسانی و از نظر مشتری، استعدادهای بالقوه بسیاری دارد.

مدیریت مسجد، زیرمجموعه مدیریت فرهنگی و تربیتی است. با توجه به اهداف مدیریت فرهنگی و تربیتی، اصول و قواعد مدیریت در عرصه‌های فرهنگی،

تربیتی، اجتماعی و سیاسی از پیچیدگی و گستردگی‌های بسیاری برخوردار است و نمی‌تواند در چهار یا پنج مورد خلاصه شود؛ بلکه باید در محورهای متعددی، اصول و قواعد مشخصی مطرح شود. به نظر می‌رسد که مدیریت در امور فرهنگی و تربیتی، حداقل در هفت محور باید قاعده و ضابطه‌مند باشد؛ این هفت محور عبارت‌اند از:

۱. مشخص کردن وظایف و اختیارات مدیر؛

۲. تعریف موقعیت و جایگاه اجتماعی موضوع مدیریت؛

۳. تعیین هدف؛

۴. برنامه ریزی؛

۵. ایجاد انگیزه؛

۶. سازمان‌دهی و اجرا؛

۷. کنترل و نظارت.

به‌طور کلی، زمینه‌های توفیق مدیریت مسجد عبارت‌اند از:

۱. **کسب مهارت و دانش مدیریت:** مدیریت علمی، زمانی محقق می‌شود که

مدیر از اصول و قواعد دانش مدیریت آگاهی داشته باشد.

۲. **فراهم کردن شرایط:** دوّمین عاملی که برای توفیق مدیریت لازم است،

فراهم کردن شرایط مربوط به تحقق اهداف یک مجموعه و سازمان است؛ زیرا

مدیر، رهبری یک سازمان یا مرکز اجتماعی را برای تحقق اهدافی، به عهده

دارد. بنابراین، وظیفه اصلی مدیر و هسته اصلی مدیریت، ایجاد هماهنگی بین

منابع است. به همین دلیل، در تعریف مدیریت توجه اصلی بر ایجاد هماهنگی

و سازمان‌دهی است.

۳. **انگیزه مدیر:** سوّمین عامل در تحقق مدیریت علمی، انگیزه و جدّیت مدیر

در پیشبرد اهداف مسجد است. به یقین، دادن اختیارات کافی به امام جماعت

که متولّی اصلی فرهنگی مسجد است، یکی از راه‌های ایجاد انگیزه در وی است.

ایجاد یک رقابت سالم در بین امامان مساجد، می‌تواند انگیزه امام جماعت را

تقویت کند.

« منابع و مأخذ

- « قرآن کریم.
- « بلاغی نجفی، محمدجواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم، مکتبه الوجدانی، چاپ دوم، ۱۴۲۰هـ.ق.
- « الصاهود، صالح بن سالم، احکام تحیه المسجد، دار دمام عربستان، ۱۴۸۵هـ.ق.
- « شیخ مفید، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم، کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳هـ.ق.
- « ویلفرد، کنت ول اسمیت، اسلام در جهان، ترجمه حسن علی مهری، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۶هـ.ش.
- « جاسبی، عبدالله، اصول و مبانی مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۱هـ.ش.
- « مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعه لدرر أخبار الائمة الاطهار، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳هـ.ق/ ۱۹۸۳م.
- « رامیار، دکتر محمود، تاریخ قرآن، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، چاپ سوم، ۱۳۶۹هـ.ش.
- « خندان، محسن، تبلیغات اسلامی و دانش ارتباطات اجتماعی، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴هـ.ش.
- « موسوی خمینی، سیدروح الله، تحریر الوسیله، نجف اشرف، مطبعه الاداب، چاپ دوم، ۱۳۹۰هـ.ق.
- « _____، حکومت اسلامی، نجف، ۱۳۹۱هـ.ق.
- « _____، صحیفه نور، مؤسسه نشر آثار امام خمینی رضی الله عنه.
- « شیخ حرّ عاملی، محمدحسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، [بی تا].
- « موسوی خوئی، سیدابوالقاسم، التنقیح فی شرح العروه الوثقی، قم، دار الهادی للمطبوعات و دار الانصاریان، چاپ سوم، ۱۴۱۰هـ.ق.
- « شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵هـ.ش.
- « نجفی، محمدحسن، جوهر الکلام، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷هـ.ش.
- « کریمی، سعید، رسانه‌ها و راه‌های تقویت مشارکت مردم در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، بوستان کتاب، ۱۳۸۲هـ.ش.
- « نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، قم، ناشر مؤلف، ۱۳۸۳هـ.ش.
- « بخاری، محمدبن اسماعیل، صحیح البخاری، بیروت، دارالفکر للطباعه و النشر و التوزیع، ۱۴۰۱هـ.ق/ ۱۹۸۱م.
- « جان مکس ول، ۱۰۱ راز مدیران موفق، مترجم: حوریا موسایی، تهران، تیمشه، ۱۳۸۵هـ.ش.
- « طباطبائی یزدی، سید محمدکاظم، العروه الوثقی، منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، [بی تا].
- « جمعی از نویسندگان مرکز رسیدگی به امور مساجد شعبه قم، فرهنگ مسجد، قم، مؤسسه فرهنگی ثقلین، ۱۳۸۵هـ.ش.
- « فروغ مسجد ۲، مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات دومین همایش جهانی مساجد، قم، مؤسسه فرهنگی ثقلین، ۱۳۸۴هـ.ش.
- « دبیرخانه ستاد عالی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی، هنری مساجد تهران، کارکرد مسجد، نشر رسا، ۱۳۸۴هـ.ش.
- « دستغیب، سیدعبدالحسین، گناهان کبیره، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸هـ.ش.
- « ابن منظور، جمال الدین محمدبن مکرم، لسان العرب، قم، نشر آدب الحوزه، ۱۴۰۵هـ.ق/ ۱۳۶۳م.
- « محمود کریمی، اسماعیل باباپور، مبانی مدیریت اسلامی و الگوهای آن، مشهد، انتشارات کنکاش

دانش، ۱۳۸۴ هـ ش

« طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه انصاری، محمدعلی، دعایی، حبیب‌الله، مرتضوی، سیدسعید، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۱۵ هـ ق / ۱۹۹۵ م.

« گلپایگانی، سید محمد رضا، مجمع المسائل، قم، دارالقرآن الکریم، [بی تا].

« اویسی، غلامرضا، سوادی، محمدعلی، مدیریت اسلامی، قم، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، زمزم هدایت، ۱۳۸۵ هـ ش.

« نبوی، محمدحسن، واثقی، قاسم، مدیریت اسلامی، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، قم، زمزم هدایت، ۱۳۸۳ هـ ش.

« نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل‌البتیة (پب) لاحیاء التراث، چاپ دوم، ۱۴۰۸ هـ ق / ۱۹۸۸ م.

« عسیری، علی بن حسن بن ناصر، مسئولیه امام المسجد، عربستان سعودی، وزاره الشؤون الإسلامیه و الأوقاف و الدعوه و الإرشاد، چاپ اول، ۱۴۱۹ هـ ق.

« فخرالدین رازی، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ هـ ق.

« شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، من لایحضره الفقیه، تصحیح: علی اکبر الغفاری، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، [بی تا].

« طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ هـ ق.

« شریف رضی، نهج البلاغه، شرح شیخ محمد عبده، بیروت، دار المعرفه، [بی تا].

« مطهری، مرتضی، نهضت‌های اسلامی در یکصد سال اخیر، تهران، اخیر انتشارات صدرا، ۱۳۶۸ هـ ش.

« سید جوادین، سیدرضا، تئوری‌های مدیریت، تهران، نگاه دانش، چاپ سوم، ۱۳۸۶ هـ ش.

« مشبکی، اصغر، مدیریت رفتار سازمانی، تهران، انتشارات ترمه، چاپ اول، ۱۳۷۷ هـ ش.

« کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، مصحح: آخوندی، محمدتصحیح و تعلیق: غفاری، علی اکبر، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۶۵ هـ ش.

تدوین الگوی مدیریت اثربخش مسجد

رسول عباسی

چکیده

در تحقیق حاضر، با مطالعه و کنکاشی وسیع، عناصر الگوی مدیریت اثربخش مسجد، شناسایی و مشخص شد. البته این الگو به طور گسترده طراحی و تدوین شد؛ به نحوی که حتی با کمک این الگو می‌توان کل عملکرد اثربخش مسجد را پایش نمود. در این الگو، پنج حوزه کلی ورودی، فرآیند، خروجی، پیامد خروجی و عناصر محیطی و در مجموع یازده بُعد جزئی شناسایی شدند. ابعاد حوزه ورودی عبارت‌اند از: شایستگی‌های امام مسجد، شایستگی‌های فعالان و کارگزاران، شایستگی‌های جماعت (نمازگزاران) و منابع (منابع مالی، مادی و اطلاعات). حوزه فرآیند، بُعد اقدامات و حوزه خروجی‌ها، تنوع و کیفیت برنامه‌ها و خدمات را شامل می‌شود. جذب حداکثری، تحوّل و تعالی تنها بعد حوزه پیامد خروجی است. حوزه عناصر محیطی نیز در برگیرنده ابعادی مانند سازمان‌های محیطی و بافت محلی است. در این تحقیق به منظور تدوین الگوی تحقیق و تشریح حوزه‌های پنج‌گانه و تبیین ابعاد یازده‌گانه، از مطالعه منابع دینی - اسلامی به خصوص آیات و روایات، منابع علم مدیریت، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی دین، مدیریت اسلامی، منابع فقهی مسجد، بررسی تطبیقی در حوزه مطالعات سازمان‌های داوطلبانه و سازمان‌های دینی و همچنین از مصاحبه اکتشافی، مشاهده و نظرسنجی از متخصصان استفاده شده است.

واژگان کلیدی:

نهاد دینی، اثربخشی، مدیریت اثربخش مسجد، امام مسجد، فعالان، مأموم‌ها.

مسجد همان‌طور که از نام آن پیداست، محلی برای سجده و عبادت در برابر پروردگار یکتاست. نگاهی به تاریخ گذشته به خصوص در صدر اسلام به ما نشان می‌دهد اگرچه رسالت اصلی مسجد، برگزاری آیین کرنش و نیایش و ارتباط عبادی انسان با خداوند متعال است، ولی هیچ‌گاه کارکرد مساجد فقط به اقامه نماز جماعت و انجام عبادات جمعی محدود نشده است. توصیه و تأکید دین بر انجام اعمال عبادی به صورت جمعی، نشان از اهمیت مزایای جنبی تشکیل اجتماع در بین مسلمانان دارد. در پرتو تشکیل این جماعات، امکان بهره‌برداری‌های مختلف اجتماعی، آموزشی، فرهنگی و غیره برای عامه مردم به وجود می‌آید. تاریخ، گواهی می‌دهد که در برهه‌هایی، از مسجد به عنوان مرکز تعلیم و تعلم معارف دینی و حتی علوم بشری، پایگاه اطلاع رسانی، مجلس شور و مشورت سیاسی-اجتماعی، ستاد فرمان‌دهی و سامان‌دهی امور نظامی و محل رسیدگی به امور گوناگون مسلمانان استفاده می‌شده است. به عبارت دیگر، می‌توان چنین بیان کرد هر زمان که مدیریت بهتری بر این نهاد دینی اعمال شده، از ظرفیت‌ها و کارکردهای بالقوه آن، بهره‌برداری بیشتری شده است. همان‌طور که در تعریف واژه مدیریت، آن را امکان بهره‌برداری بیشتر از ظرفیت‌ها دانسته‌اند. اگر بخواهیم که مسجد به عنوان یک نهاد داوطلبانه، مردمی، غیرانتفاعی و مذهبی در تحقق کارکردهای مختلف اجتماعی - دینی خود، موفق‌تر و اثربخش‌تر باشد، نیاز به مدیریتی توانمند و اثربخش بیشتر احساس می‌شود.

در اکثر نظرسنجی‌های به عمل آمده در داخل کشور، ضعف مدیریت مسجد عامل اصلی عدم گرایش به مساجد، عنوان شده است. ضعف آگاهی کادر اجرایی مساجد نسبت به شیوه‌های صحیح مدیریت و برنامه ریزی و چگونگی تعامل با جماعت مسجد از گروه‌های سنتی مختلف، سبب کم‌رونقی برخی مساجد و خالی شدن آنها از طیف جوانان فعال کشور شده است و بعضی مساجد به نمازخانه‌ای بدل گشته و یا تعطیل شده‌اند.

وضعیت کم رونق برخی مساجد کشور، ما را بر آن می‌دارد تا از زاویه علم مدیریت، مدیریت اثربخش مسجد را که نهادی دینی، داوطلبانه و مردمی است، مورد واکاوی دقیق قرار داده و به شناسایی عوامل و عناصر اساسی آن به خصوص از نگاه مخاطبان پردازیم؛ همان امری که در بین پژوهشگران عرصه مدیریت، کمتر مورد توجه واقع شده است. اینک سؤال اساسی که مطرح می‌شود این است که مدیریت اثربخش مسجد دارای چه عوامل و عناصری است و ارتباط بین این عناصر از چه الگویی پیروی می‌کند؟

« مبحث اول: کلیات مدیریت اثربخش مسجد

تعریف مدیریت اثربخش

«مدیریت اثربخش» عبارت است از: کسب اهداف سازمانی یا بیش از آن. «مدیر اثربخش» کسی است که بتواند هشتاد تا نود درصد توانایی‌های افراد را به کار بگیرد.^۱ البته یک مفهوم قطعی از «اثربخشی سازمانی» وجود ندارد و اکثر نویسندگان، سنجش اثربخشی سازمانی را مستلزم تعریف شاخص‌های متعدده و ارزیابی وظایف مختلف سازمانی با استفاده از خصیصه‌های متفاوت می‌دانند. برخلاف تصور غالب، در بین افراد آشنا به علم مدیریت، اثربخشی فقط دست‌یابی به هدف نیست، بلکه رویکردهای مختلفی در اثربخشی وجود دارد. رویکردهای سنجش اثربخشی سازمانی صاحب‌نظران چهار رویکرد به سنجش اثربخشی سازمانی را معرفی کرده‌اند که به شرح زیر است.

۱. اولین رویکرد، رویکرد دست‌یابی به هدف است. این رویکرد با شناسایی اهداف در سنجش عملکرد مشخص می‌شود.
۲. دومین چارچوب، رویکرد منابع سیستم یا سیستم باز است. این نگاه به اثربخشی بر توانایی یک سازمان در جذب منابع برای اطمینان از بقا تأکید دارد. جذب منابع ضروری و حفظ یک رابطه هارمونیک با محیط از ضروریات کاربرد مدل سیستمی است.
۳. چارچوب سوم، رویکرد فرآیند داخلی است. کنترل، تمرکز، رسمی‌سازی، ثبات، استمرار، نظم و شاخص‌های قابل پیش‌بینی عملکرد از شاخص‌های این رویکرد است. بر اساس این رویکرد، کارکنان برای اطاعت از مقررات پاداش داده می‌شوند و رهبران جنبه‌های مختلف کار را اندازه‌گیری کرده و مستند می‌کنند و باور دارند که یکسان‌سازی و رسمی‌سازی به ثبات، نظم و استمرار ختم می‌شوند.
۴. تأکید بر منابع انسانی به چهارمین رویکرد ختم می‌شود که به رویکرد

۱. رضاییان، ۱۳۷۹.

اجزا یا گروه‌های استراتژیک یا رضایت ذی‌نفعان مشهور است. در این رویکرد، مشخص کردن دیدگاه ذی‌نفعان اصلی از اثربخشی، مهم‌ترین نکته فرض می‌شود. هر گروه ممکن است تقاضای متفاوتی نسبت به شیوه عمل سازمان داشته باشد. این رویکرد از چارچوب سیاسی ناشی می‌شود و توانایی سازمان را در راضی ساختن مجموعه متنوعی از گروه‌های داخلی و خارجی مورد ارزیابی قرار می‌دهد. ذی‌نفع، به مثابه هر شخص، گروه یا سازمان تعریف می‌شود که می‌تواند از توجه، منابع یا خروجی سازمان بهره‌مند شود (یا مستحق آن است) یا اینکه تحت تأثیر آن خروجی قرار می‌گیرد.

بنابراین، در این تحقیق بر آن شدیم که با پرهیز از بخشی‌نگری، نگاهی جامع، فراگیر و فرآیندگرا به پدیده اثربخشی در نهاد دینی مسجد داشته باشیم. در این نگاه، سعی شد انعطاف‌پذیری، خلاقیت و استمرار در بهبود کیفیت به عنوان ویژگی‌های این مدل در نظر گرفته شود. همان‌گونه که در الگوی تعالی سازمانی اشاره می‌شود، اثربخشی سازمانی هنگامی افزایش می‌یابد که کلیه فعالیت‌های داخلی سازمان که دارای ارتباط متقابل هستند، به‌طور دقیق شناخته شده و به صورتی نظام‌مند و با استفاده از اطلاعات قابل اطمینانی از ذی‌نفعان اداره شود و تصمیم‌گیری‌های مرتبط با عملیات جاری و بر اساس آن صورت گیرد.

با توجه به این نکات در طراحای چارچوب نظری تحقیق سعی شده است از رویکردهای مختلف فوق‌الذکر در اثربخشی سازمانی، یعنی رویکرد هدف‌مدار، منابع سیستم، فرآیند داخلی و رضایت ذی‌نفعان استفاده شود. با نگاه به این رویکردها و تنوع آنها بر آن شدیم تا با استفاده از الگوی سیستمی، چارچوبی را طراحی و ارائه کنیم که بتواند جهت‌گیری رویکردهای مختلف اثربخشی را هم چون چتری در بر بگیرد. در نتیجه، الگوی سیستمی در علم مدیریت به عنوان مبنای اصلی نظری در طراحی الگوی تحقیق و شناسایی اجزا و عناصر آن انتخاب گردید. رویکرد سیستمی در مدیریت، شامل داده‌ها (انسان، سرمایه، مدیریت و فناوری)، فرآیند (برنامه ریزی، سازمان‌دهی، استخدام، رهبری و کنترل)، ستاده (محصولات، خدمات، سود، رضایت و یکپارچگی هدف) و محیط است.

الگوی تعالی سازمانی

تعالی سازمانی، الگوی دیگری است که در طراح‌ی الگوی نظری تحقیق به آن توجه شده است. تعالی سازمانی، به عملکرد برجسته مدیریت یک سازمان که به دست یابی به نتایج درخشان منتهی شده، اطلاق می‌شود. این الگواز دو بخش تشکیل شده است:

۱. توانمندسازها که شامل رهبری، توسعه کارکنان، خط‌مشی و راهبرد، مشارکت‌ها و منابع و فرآیندهاست.
۲. نتایج که شامل نتایج کارکنان، نتایج مشتریان، نتایج جامعه و نتایج کلیدی عملکرد است.
۳. شکل ساده الگوی مدیریت اثربخش مسجد مبتنی بر الگوی سیستمی را می‌توان به صورت زیر نمایش داد:

بازخورد (رشد و یادگیری)

طبق این چارچوب نظری، معتقدیم توانمندسازها، یعنی منابع ورودی اعم از منابع انسانی (امام مسجد، فعالان و مأموم‌ها) و منابع مالی، فیزیکی و اطلاعاتی، اقدامات، مجموعه مدیریتی مسجد به عنوان فرآیند بر خروجی‌ها یا نتایج تأثیر گذارند. از آنجایی که عنصر فرآیند در الگوی سیستمی شامل وظایف عمومی مدیریت و در الگوی تعالی سازمانی، فرآیند زنجیره تولید است بنابراین، در مؤلفه اقدامات این الگو، ترکیب هر دو نقطه نظر مورد توجه قرار گرفت و وظایف عمومی مدیریت از الگوی سیستمی و مدیریت عملیات یا فرآیند از الگوی تعالی سازمانی اقتباس شد.

با توجه به ارزشی بودن فضای معنوی مسجد و لزوم حاکم کردن ارزش‌ها بر روابط بین فردی و فعالیت‌ها به جای فضای بوروکراتیک و روابط سلسله‌مراتبی، مؤلفه‌ای با عنوان تبیین جهت‌گیری‌های ارزشی مسجد در مؤلفه اقدامات پیشنهاد شده است که روح یا فرهنگ ارزشی این سازمان معنوی را شکل می‌دهد. نتایج نیز طی دو گام یعنی: ۱- خروجی‌ها شامل تنوع و کیفیت برنامه‌ها و خدمات؛ ۲- پیامدها (اهداف) شامل جذب حداکثری و تحوّل و تعالی مطرح

شده است. این زنجیره از طریق بازخورد (رشد و یادگیری) به یک حلقه پویا تبدیل می‌شود و در نتیجه، می‌تواند کمیت و کیفیت عناصر ورودی را ارتقا دهد. عناصر محیطی هم از عناصر تأثیرگذار بر اجزای داخلی سیستم هستند. روابط حوزه‌های علمیه، سازمان‌های بالادستی، همکار و واحدهای محلی با مسجد و بافت مذهبی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و فناورانه (تکنولوژیکی) محله به عنوان اجزای محیط نزدیک و تأثیرگذار بر مسجد در نظر گرفته شده‌اند.

البته در مورد خروجی‌ها اگر چه می‌توان تنوع برنامه‌ها و خدمات را جزئی از کیفیت قلمداد کرد، ولی به منظور برجسته سازی و نشان دادن اهمیت ویژه آن، به عنوان یک بُعد مستقل در نظر گرفته شده است. تنوع کارکردها و برنامه‌های مسجد از این جهت حائز اهمیت است که مسجد در سنت نبوی صلی الله علیه و آله هرگز یک تشکیلات تک‌کارکردی و یا به عبارتی، مکانی برای عبادت صرف نبوده، بلکه مرکز سامان‌دهی امور مسلمانان و محل انجام کارکردها و برنامه‌های مختلف بوده است.

الگوی مدیریت اثربخش مسجد

الگوی مدیریت اثربخش مسجد، متناسب با توضیحات ذکر شده و با پیش فرض تأسیس مسجد بر اساس تقوا و اخلاص، مبتنی بر آیه «لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يَحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ»^۱ طراحی و در مباحث آینده ارائه شده است. از این آیه شریف به روشنی می‌توان دریافت که آنچه «مسجد قبا» را در خور مدح و ستایش کرده، تقوا و اخلاص مؤسسان آن بوده است. امام باقر علیه السلام یکی از عوامل مبارک بودن «مسجد غنی» در کوفه را مؤمن بودن بانی آن دانسته است.^۲ همچنین، بنا بر حدیث معروف نبوی صلی الله علیه و آله: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ»،^۳ ارزش هر عملی به قصد و نیت فاعل آن است. بنا کردن یک مسجد زمانی از ارزش والایی در نزد پروردگار متعال

۱. توبه، آیه ۱۰۸.

۲. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۱۹.

۳. تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۸۳، ح ۴.

برخوردار است که با نیت خالص و برای رضای الهی صورت گرفته باشد. صاحب تفسیر نور در این زمینه چنین می‌نویسد: «گاهی مسجد، بانیان خود را به قعر دوزخ می‌افکند»^۱.

^۱. قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج ۵، ص ۱۴۶، ذیل آیه ۱۰۹ سوره توبه.

« مبحث دوم: شایستگی‌های مدیران

مدیر شایسته

در تعریف شایستگی مدیران گفته‌اند: شایستگی مدیران عبارتست از خصوصیات و رفتارهایی که منجر به اثربخشی مدیران در محیط شغلی شود، مانند دانش، مهارت‌ها، ویژگی‌های شخصیتی، نگرش، اعتبار حرفه‌ای و عمومی.^۱

در تعریف دیگری، شایستگی، ویژگی اساسی یک شخص بیان شده که از نظر علی با عملکرد اثربخش یا برتر فرد در یک موقعیت شغلی مرتبط است.

«اسپنسر»^۲ اعتقاد دارد که شایستگی در پنج قالب قرار می‌گیرد: انگیزه‌ها، خصیصه‌ها، خودمفهومی، دانش و مهارت.

«بویاتزیس»^۳ دامنه‌ای از عوامل را در موفقیت مدیران دخیل می‌داند. وی این عوامل را مانند کیفیت‌های فردی، انگیزه‌ها، تجربه و ویژگی‌های رفتاری تحت عنوان شایستگی چنین تعریف می‌کند:

ظرفیت موجود در فرد که منجر به رفتاری برای برآورده کردن مطالبات شغلی موجود در چارچوب پارامترهای محیط سازمانی می‌شود و به نوبه خود نتایج مطلوب را ایجاد می‌کند، شایستگی نام دارد.

«دیوید روباتام» در مقاله‌ای در این خصوص می‌نویسد: «شایستگی، معانی متفاوتی دارد و هنوز هم یکی از مبهم‌ترین عبارات ادبیات سازمان باقی مانده است»

مؤلفه‌های و مهارت‌های شایستگی

در یک جمع‌بندی، مؤلفه‌های شایستگی در شش گروه کلی جای می‌گیرند:^۴

۱. دانش و معلومات حرفه‌ای؛

۲. مهارت‌ها: مهارت توانایی پیاده‌سازی علم در عمل؛

در یک تقسیم بندی متداول مهارت‌های مورد نیاز مدیران به سه نوع تقسیم

۱. غفاریان، ۱۳۷۹.

۲. Spencer & Spencer، ۱۹۹۳.

۳. Boyatzis، ۱۹۸۲.

۴. هرسی و بلانچارد، ۱۳۸۲ و رضاییان، ۱۳۷۹.

شده‌اند و آنها را بدین صورت تعریف کرده‌اند:

مهارت ادراکی: توانایی فهمیدن پیچیدگی‌های کل سازمان و آگاهی از اینکه آیا شخص در خور شرایط سازمان عمل می‌کند یا نه. این آگاهی موجب می‌شود که فرد به جای این که فقط بر مبنای هدف‌ها و نیازهای گروه نزدیک و بلافصل خود عمل کند، اقدامات خود را بر هدف‌های کلّ سازمان استوار سازد. مهارت انسانی: توانایی و قدرت تشخیص در کار کردن با مردم و انجام دادن کار به وسیله آنها که شامل درک و فهم انگیزش و به کار بردن رهبری مؤثر است. مهارت فنی: توانایی حاصل از تجربیات، آموزش و کارآموزی لازم برای به کارگیری دانش، روش‌ها، فنون و تجهیزات لازم برای انجام کارهای خاص.

۳. ویژگی‌های شخصیتی: شخصیت، عبارت است از مجموعه الگوهای منحصر به فرد و تا حدودی ثابت رفتاری، احساسی و فکری که انسان‌ها از خود بروز می‌دهند.

۴. نگرش: هیچ تصمیمی در یک محیط خالی از مفاهیم ارزشی گرفته نمی‌شود. موازین ارزشی تصمیم گیرنده، یکی از عملکردهای اصلی در شکل‌گیری تصمیم است. مجموعه ارزش‌ها یکی از مهم‌ترین عوامل متمایزکننده مدیران از یکدیگر است. برخی از این عوامل عبارت است از: باور به پاسخگویی در برابر خداوند، محترم شمردن مردم، پای‌بندی به اخلاق حرفه‌ای، امید به جهان آخرت، نحوه نگرش به انسان، نگرش توحیدی.

۵. اعتبار حرفه‌ای: اعتبار حرفه‌ای به جایگاه مدیر در شبکه ارتباطات حرفه‌ای برمی‌گردد و عبارت است از: قابلیت برقراری ارتباط با افراد مؤثر و درخواست از آنان با احتمال زیاد پذیرش.

۶. اعتبار عمومی: اعتبار عمومی یک مدیر به جایگاه غیر حرفه‌ای وی در اجتماع برمی‌گردد. واقعیت این است که زندگی کاری و عمومی یک مدیر بر یکدیگر تأثیر متقابل می‌گذارند و اداره این دو به صورت منفصل از هم امکان‌پذیر نیست. خانواده، محیط معاشرتی و حسن شهرت از عوامل مهم اعتباربخشی عمومی است.^۱

۱. غفاریان، ۱۳۷۹.

از طرف دیگر، فضایل ارزشی- اخلاقی، جزء جدانشدنی شایستگی‌های یک مدیر عنوان شده است. شاخص‌های فضیلت، جزئی جدانشدنی از ایده‌های اخلاق‌گرایی است و ارائه‌دهنده چشم‌اندازهایی است که شیوه زندگی ما را شکل می‌دهند؛ ولی شایستگی شامل مهارت‌های آموخته شده و کارآیی فنی است. بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد که دو مفهوم «شایستگی» و «فضیلت» بسیار به هم مرتبط هستند؛ شایستگی‌ها، فضیلت‌های خاصی را در برمی‌گیرند، در حالی که اعمال موفقیت‌آمیز فضیلت‌ها نیز به قابلیت‌هایی نیاز دارند.

وجود دو رویکرد مدیریتی

اول؛ اینکه ما باید فضیلت و شایستگی را از هم‌دیگر متمایز کنیم؛ دوم؛ اینکه دو مفهوم فضیلت و شایستگی را با این توصیف که بسیاری از شایستگی‌های مدیریتی، فضیلت‌های ذاتی دارند، به عنوان همزیست در نظر بگیریم. «لاومن» و همکاران، قابلیت ایمانی و فنی را به عنوان عناصر اساسی مدیریت عمومی موفق با یکدیگر ترکیب می‌کنند. آنها معتقدند که موفقیت مدیران عمومی مبتنی بر مثلث مهارت‌ها شامل قابلیت فنی، رهبری و شایستگی‌های اخلاقی است. شایستگی‌های اخلاقی شامل منطق اخلاقی، مدیریت ارزش‌ها و تصمیم‌گیری محتاطانه است.^۱

«ورتانن»^۲ مجموعه شایستگی‌هایی را برای مدیریت عمومی ارائه می‌کند که یکی از آنها شایستگی اخلاقی است. «مکالی و لاوتون» در انتهای مقاله خود نتیجه می‌گیرند که فضایل، همان‌طور که در حوزه شخصیت انسانی قرار دارند، به‌طور برابر در حوزه اقدامات قرار دارند. فضیلت، یک بخش مکمل از شایستگی‌های مدیریتی است. شایستگی به مثابه تعالی مدیریت، به‌طور اجتناب‌ناپذیر، توجه به فضیلت را در درون خود دارد. فضیلت نیز به همین صورت باید بعضی

.....
۱. Ethical competency .

۲. Moral reasoning .

۳. Bowman et al . ۲۰۰۴ .

۴. Virtanen- . ۲۰۰۰ .

کیفیت‌های شایستگی را داشته باشد تا بتوان آن را عملی ساخت.^۱
«هرسی و بلانچارد عملکرد موفق را تابعی از توانایی و تمایل فرد می‌دانند». از طرف دیگر، «آمادگی» عبارت است از میزان توانایی و تمایل رهبر در به دست آوردن توفیق در انجام یک تکلیف خاص.
«توانایی»، یعنی دانش، تجربه و مهارتی که فرد یا گروه برای یک تکلیف یا فعالیت خاص همراه دارد. تمایل، یعنی میزان وجود اطمینان، تعهد و انگیزش در شخص برای انجام موفقیت آمیز یک تکلیف خاص.^۲
«رابینز» نیز عملکرد را تابع توانایی و انگیزش می‌داند.
«رضاییان»، موفقیت مدیر را به توانایی‌ها، نگرش و انگیزش وابسته می‌دانند. در نتیجه، در الگوی شایستگی‌های امام مسجد برای پوشش عناصر طرح شده، سه مؤلفه «دانش - مهارت‌ها»، «فضایل ایمانی - اخلاقی» و «انگیزش» مطرح شده‌اند.

۱. Macaulay and Lawton, ۲۰۰۶.

۲. هرسی و بلانچارد، ۱۳۷۵.

« مبحث سوم: شاخص‌های مدیر اسلامی و امام جماعت مطلوب

شایستگی‌های امام (مدیر) مسجد

مقام معظم رهبری، امام مسجد را «مدیر طبیعی» مسجد می‌دانند و می‌فرمایند: «مسجد یک رئیس طبیعی دارد؛ یک مدیر طبیعی دارد و او امام مسجد است».^۱ در این نوشتار سعی خواهد شد شایستگی‌های اساسی مورد نیاز امام مسجد به مثابه یک مدیر، شناسایی و احصا شود.

شناخت شایستگی‌های کلیدی مدیران در کانون توجه محققان بوده است. شناخت ابعاد شایستگی‌های مدیریتی، هم برای توسعه و هم برای ارزیابی مدیران یک عامل اساسی به شمار می‌آید.

در این قسمت، ویژگی‌های یک مدیر و رهبر اسلامی شایسته بیان می‌شود و سپس ویژگی‌های مطلوب یک امام جماعت طبق ادبیات نظری موجود ارائه خواهد شد. پس از آن، شاخص‌های تدوین شده برای هر یک از مؤلفه‌های تحقیق در قالب جدولی نشان داده می‌شود:

برخی معتقدند، رهبر اثربخش به ویژه در جوامع اسلامی، کسی است که با ایجاد یا تقویت ویژگی‌های شخصی یا رفتاری، در دل و جان کارکنان و زیردستان خود نفوذ کند. این ویژگی‌ها به اختصار عبارت‌اند از: تقوی، رفق و مدارا، الفت و محبت، دفع بدی با خوبی، سعه صدر.^۲

برخی دیگر ویژگی‌های فردی رهبر در آیات و روایات را بدین صورت بیان می‌کنند: سعه صدر (حلم، متانت در شادی‌ها، مقاومت در برابر مشکلات، تحمل افکار مخالف، پرهیز از مستی ریاست)، هوش، توانمندی‌های علمی و فنی، تحمل افکار مخالف، سعی و کوشش، پشتکار، شجاعت، شهرت، سخنرانی (تفهیم کلام و زیبایی کلام).^۳

طبق نظر «مرکز رسیدگی به امور مساجد»، ویژگی‌های مدیر اسلامی عبارت است از:

۱. بیانات مقام معظم رهبری مورخ ۱۳۷۵/۳/۲۸.

۲. پیروز و همکارانش، (۱۳۸۵).

۳. نبوی، (۱۳۸۵).

- ایمان و تقوا،
- عدالت و امانت‌داری،
- توانایی،
- اخلاق و برخورد نیکو و زیبا،
- سعه صدر و تسلط بر خود،
- خردورزی و دوراندیشی،
- تعادل،
- تواضع،
- جدی و پرتلاش،
- صداقت و وفای به پیمان،
- خواهان دانش جدید و افق‌های نوین فعالیت.

در خصوص ویژگی‌های امام مسجد، این مرکز معتقد است که امام مسجد باید از نظر علمی با قرآن و تفسیر، روایات و سخنان ائمه علیهم‌السلام آشنا باشند و توان پاسخ‌گویی به سؤالات فقهی و شبهات جدید کلامی را داشته باشد و از اخبار کشور و جهان اطلاع داشته باشد.

از نظر گفتاری باید از پرحرفی و کلمات بیهوده، غیبت و بدگویی پرهیز کند. از نظر برخورد نیز باید دارای چهره‌ای باز و گشاده و خوش‌برخورد باشد. شخصیت افراد را حفظ کند و از تحقیر و مسخره و پوزخند پرهیز کند.

امام جماعت دارای چهار وظیفه اساسی است که شامل: اقامه نماز جماعت، تعلیم و تربیت و نشر معارف، رهبری و مدیریت مسجد و برقراری ارتباط است. پیروی از سنت و سیره پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای موفقیت امام جماعت در مسئولیت خود، بسی خطیر و مهم است. برخی از اصول سیره فردی و اجتماعی پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عبارت است از: نظافت، آراستگی ظاهر، معطر بودن، سلام کردن، مصافحه، گشادگی چهره، برقراری ارتباط صمیمانه و احترام و ادب.^۱ تقوا، یکی از ویژگی‌های مهم امام مسجد است. خداوند متعال، اولیاء و سرپرست

۱. مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۸۵.

مسجدالحرام را فقط افراد با تقوا و پرهیزگار می‌داند و می‌فرماید: «إِنَّ أَوْلِيَاءَهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ»^۱.

قرآن در آیه شریف دیگری، شرایط تولیت مسجد را چنین بیان می‌نماید: «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَحْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أَوْلِيكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ»^۲.

این آیه شرایطی را برای تعمیرکنندگان و آبادکنندگان مساجد معرفی می‌کند که عبارت‌اند از: ایمان به خدا، ایمان به قیامت و روز رستاخیز، اقامه نماز، پرداخت زکات، شجاعت و ترس از خدا. صاحب تفسیر نور معتقد است که تولیت مسجد شرایطی دارد: از نظر عملی، برپا داشتن نماز و پرداخت زکات و از جهت روحی، شجاعت و نفوذناپذیری و از جهت اعتقادی ایمان به مبدأ و معاد.^۳ نویسندگان دیگری معتقد است با توجه به منابع اسلامی، امام جماعت باید دارای ویژگی‌های زیر باشد:

عدالت (دوری از گناه)، مروّت (پرهیز از کارهایی که او را خوار و بی‌مقدار و سبک می‌سازد)، دارا بودن مراتب علمی، تقوا، فضیلت‌های اخلاقی، اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط، اهتمام جدی به امور مسجد، تعیین جانشین در زمان غیبت، سعه صدر، حضور منظم برای اقامه نماز، خودداری از طولانی کردن برنامه‌ها.^۴ تمایل یا قصد خودسازی و تهذیب نفس، از جمله شاخص‌های شایستگی تمامی افراد حاضر در مسجد و از همه مهم‌تر امام مسجد است. قرآن کریم در آیه ۱۰۸ سوره توبه، «مسجد قبا» را مسجد شایسته معرفی می‌نماید و دلیل آن را چنین بیان می‌کند: «رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ؛ [در آن مسجد،] رجالی هستند که دوست می‌دارند خود را از گناهان پاک سازند یا از پلیدی‌ها و آلودگی‌ها طاهر نمایند و خداوند کسانی را که در صدد پاک کردن خود باشند، دوست می‌دارد».

۱. انفال، آیه ۳۴.

۲. توبه، آیه ۱۸.

۳. تفسیر نور، ج ۵، ص ۳۳.

۴. نوبهار، رحیم ۱۳۸۶.

مقام معظم رهبری در این رابطه می‌فرمایند:

«خود من پیش‌نمازی کرده‌ام. می‌دانم که مسجد و پیش‌نمازی یعنی چه. مسجد قائم به پیش‌نماز است. خادم تأثیر خیلی کمی دارد؛ یعنی در مقایسه با پیش‌نماز در واقع، تأثیرش ده بر یک هم نیست. البته تأثیراتی دارد؛ اما ملکه زنبور عسل مسجد، پیش‌نماز است. پیش‌نماز که آنجا بود و جاذبه داشت، همه هستند. پیش‌نماز، هرچه و هر کس هم باشد وقتی اعتنایی به مسجد نداشت، تأثیر کمی خواهد داشت؛ مثل آقایان فعلی ما، روحانیون انقلابی و جوان فاضل؛ عیب کارشان این است که به مسجد اعتنایی ندارند. ظهر می‌شود، مشغول کارند یا جلسه دارند، مسجد هم دارند؛ این نمی‌شود»^۱.

پس از جمع‌بندی، شایستگی‌های امام مسجد در جدول صفحه بعد خلاصه شده است:

^۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۹/۱۰/۱۳۷۷.

جدول ۱: شایستگی‌های امام مسجد (به عنوان مدیر مسجد)

مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
فضایل اخلاقی و رفتاری	خلق نیکو و حسن معاشرت
	سعه صدر و مدارا
	صداقت و وفای به عهد
	عدالت فقهی و تقوا: اجتناب از گناهان کبیره و عدم اصرار بر گناهان صغیره
	تواضع
	امانتداری و مسئولیت‌پذیری
	نظم و وقت شناسی: حضور منظم و نظم در انجام امور
	شجاعت و استقلال رأی: از کسی جز خدا نمی‌ترسند
	خودباوری و قاطعیت
	اخلاص
	عدالت در رفتار با مردم و توجه به همه افراد
	وقار و ثبات شخصیت
	ساده زیستی و احتراز از تجملات دنیا
	ولایت‌پذیری و تبعیت از ولی فقیه
	حسن شهرت علمی یا معنوی
آراستگی و جذابیت ظاهری	
مدیریت - انگیزش	انگیزه دگرسازی و هدایت دیگران
	انگیزه خودسازی و تهذیب نفس: یحیون ان یتطهروا؛ دوست دارند که پاکیزه شوند
	اهتمام به حل مشکلات و امور مردم: تلاش برای حل مشکلات مردم و همدردی و دلسوزی برای آنها، تلاش برای ایجاد وفاق اجتماعی در محله
	تلاش و پشتکار در مسجد

شاخص‌ها	مؤلفه‌ها
<p>انسانی: رهبری، مخاطب‌شناسی، اصلاح ذات‌البین، تشویق و حمایت، به کارگیری افراد، شنود مؤثر، ارتباط مؤثر با اهل مسجد، محله، نهادها و سازمان‌ها، فنّ خطابه، آراستگی، ایجاد گروه‌ها، هدایت جلسات، هوش عاطفی و هیجانی</p>	<p>دانش - مهارت‌ها</p>
<p>فنی: دانش دینی (فقه و اصول، کلام، تفسیر و ...)، دارا بودن حداقلی از دانش روز، آگاهی سیاسی، دانش مدیریت، دانش مشاوره و روان‌شناسی، شناخت خرده‌فرهنگ‌ها، قرائت نماز و قرآن به صورت صحیح و با صوت خوش</p>	
<p>ادراکی: دید کلان و تفکر راهبردی، تفکر تحلیلی، درک و تشریح رسالت، اهداف و ارزش‌های مسجد در اسلام، تفکر خلاق، بصیرت و بینش سیاسی</p>	

« مبحث چهارم: شایستگی‌های فعالان و کارگزاران مسجد

فعالان یا کارگزاران مسجد، علاوه بر اینکه پرسنل اجرایی مسجد را تشکیل می‌دهند و به انجام امور عملیاتی می‌پردازند، مانند بازو و معاون امام مسجد عمل می‌کنند (به خصوص اعضای هیئت امنا). بنابراین، از یک طرف ویژگی‌های فردی این افراد مانند توانمندی‌های آنها اهمیت پیدا می‌کند و از طرف دیگر، ویژگی‌های بین فردی (گروهی) و اجتماعی (حوزه ارتباطی) آنها بسیار مهم است. در نتیجه، شایستگی‌های فعالان نیز طبق توضیحاتی که اشاره شد، در سه مؤلفه ویژگی‌های فردی، بین فردی و اجتماعی (حوزه ارتباطی) طبقه‌بندی شده است. عناصر توانمندی شخصی، فضایل ایمانی-اخلاقی و انگیزش این افراد (شامل: صداقت و وفای به عهد، نیت خدمت‌گزاری، امانت‌داری و مسئولیت‌پذیری، سعه صدر و مدارا، تلاش و پشتکار در مسجد، مهارت و دانش، شجاعت، تواضع، التزام عملی به دین و جوان بودن) در مؤلفه «ویژگی‌های فردی» جای گرفته‌اند. از آن جهت هم که این افراد، یک گروه یا تیمی از فعالان اداره امور مسجد را تشکیل می‌دهند، برخی ویژگی‌های تأثیرگذار بر عملکرد گروه یا تیم مانند همبستگی، برادری و انسجام، وجهه یا اعتبار محلی، احترام و اعتماد متقابل، و الفت و محبت بین قلوب آنها به عنوان جمعی از مؤمنان در ویژگی‌های بین فردی آمده است. انسجام گروه، احساس «ما» بودن است که اعضای یک گروه را به یکدیگر پیوند می‌دهد.

«نیت خدمت به خانه خدا» از شاخص‌های مهم این بخش است. ارزش کارها به نیت انجام آنان است. در فضیلت خدمت‌گزاری در مسجد اشاره به این حدیث مناسب است: «مَنْ قَمَّ مَسْجِدًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عِتْقَ رَقَبَةٍ وَ مَنْ أَخْرَجَ مِنْهُ مَا يُقَدِّى عَيْنًا كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ؛ هر کس مسجدی را جارو و خاکروبی کند، خداوند برای او پاداش آزاد کردن یک بنده را بنویسد و اگر از مسجد به مقدار خاشاکی که در چشم می‌رود، گرد و غبار بیرون ببرد، خدای عزّ و جلّ رحمتش را دو برابر به او عطا می‌فرماید»^۱.

^۱ - وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۳۹، ح ۶۴۳۸

جدول ۲: شایستگی‌های فعالان و کارگزاران (هیئت امنا، خادم، بسیج، کانون، داوطلبان، و ...)

شاخص‌ها	مؤلفه‌ها
الفت و محبت	بین فردی - گروهی
وجهه یا اعتبار محلی	
همبستگی، برادری و انسجام	
احترام و اعتماد متقابل	
صداقت و وفای به عهد	
نیت خدمت‌گزاری: ترجیح نیازهای دیگران، نیت خدمت به خانه خدا	فردی
امانت‌داری و مسئولیت‌پذیری	
سعه صدر و مدارا	
تلاش و پشتکار در مسجد	
مهارت و دانش	
شجاعت	
تواضع	
التزام عملی به دین	
جوان بودن	
ارتباط مردمی: ارتباط احسن با مردم محله	
ارتباط سازمانی: ارتباط با اصناف، نهادها، دستگاه‌ها و سازمان‌ها	

شایستگی‌های جماعت (مأمومین یا نمازگزاران)

شایستگی‌های جماعت در ابتدای الگو و در بخش ورودی‌های سیستم، در جایگاه منابع و سرمایه انسانی مسجد مدنظر قرار می‌گیرد. در نتیجه شایستگی‌هایی که برای جماعت در این ناحیه ذکر شده در چند مؤلفه قابل تقسیم‌بندی است:

سرمایه اخلاقی و ایمانی؛

علم و آگاهی به آداب حضور؛

رعایت آداب حضور انسانی اجتماعی.

گام اول: سرمایه اخلاقی- ایمانی به عنوان ظرفیت معنوی آنها و به عنوان اولین مؤلفه شایستگی جماعت در نظر گرفته شده است.

گام دوم: شایستگی هنجاری و ارزشی این افراد در قالب آشنایی به آداب حضور و رعایت آداب حضور در مسجد تجلی می‌کند.

گام نهایی: ظرفیت و پتانسیلی مطرح می‌شود که این مجموعه انسانی برای فعالیت و عملیات در مسجد دارد و از آنجا که این مجموعه انسانی به عنوان یک مجموعه جامعه‌شناختی عمل می‌کنند، سرمایه انسانی- اجتماعی آنها اهمیت پیدا می‌کند. البته اگرچه سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی عناصر جداگانه‌ای هستند؛ ولی جهت ساده سازی الگو، در جدول مربوط ترکیب شده‌اند.

سرمایه ایمانی- اخلاقی

در مؤلفه سرمایه ایمانی- اخلاقی، از آن جهت که نمازگزاران مسجد در حقیقت، جمعی از مؤمنان هستند که برای عبادت پروردگار متعال گرد هم می‌آیند و با یکدیگر کنش و تعامل دارند، وجود خلق نیکو و الفت بین قلوب آنها به مثابه جمعی از مؤمنان اهمیت دارد؛ در آیه ۱۰۸ سوره توبه نیز به مردانی اشاره می‌شود که دوست دارند طاهر و پاکیزه شوند. بنابراین، قصد خودسازی و تهذیب نفس نیز به عنوان یکی از ویژگی‌های برجسته مأمومین مسجد برشمرده می‌شود.

شاخص دیگری که در این مؤلفه، مورد توجه است، قصد کسب ثواب و غفران

الهی است. در احادیث نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده است که در مسجد به هر کس، آن چیزی داده می‌شود که به قصد آن به مسجد آمده است. در حدیثی از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چنین نقل شده است: هر کس به دلیل چیزی به مسجد آید، بهره او از مسجد همان است.^۱

در حدیث دیگری از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده است:

«أَلَا وَ مَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ يَطْلُبُ فِيهِ الْجَمَاعَةَ كَانَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ سَبْعُونَ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَ يُرْفَعُ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ مَاتَ وَ هُوَ عَلَى ذَلِكَ وَ كَلَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يُعَوِّدُونَهُ فِي قَبْرِهِ وَ يُبَشِّرُونَهُ وَ يُؤْنِسُونَهُ فِي وَحْدَتِهِ وَ يَسْتَعْفِرُونَ لَهُ حَتَّى يُبْعَثَ؛ هَمَانَا كَسَى كَهْ بِه قَصْد نَمَاز جَمَاعَتْ بَه سَوَى مَسْجِدْ گام بردارد به ازای هر گامی، هفتاد هزار حسنه به او داده شود و به همان میزان ترفیع یابد، اگر در این حال فوت کند، خدای عزّ و جلّ هفتاد هزار ملک را می‌گمارد تا او را در قبرش عیادت کنند و بشارت دهند و در تنهایی همدمش باشند و برایش استغفار کنند تا زمانی که برانگیخته شود».^۲

در نتیجه، قصد کسب فضیلت و ثواب از حضور در مسجد و انجام عبادات (به ویژه نماز جماعت)، از شاخص‌های یک جماعت شایسته در نظر گرفته شده است. دو مؤلفه دیگر، «علم و آگاهی به آداب حضور» و «رعایت آداب حضور» است. فقه اسلامی به منظور حفظ قداست و حرمت خاصّ مساجد برای مسلمانان، وظایفی را لازم دانسته است و احکام و مقرراتی را وضع کرده است.

این دستورها در متون فقهی با عنوان احکام مسجد در سه محور «مستحبات»، «مکروهات» و «محرمات» از سوی فقهای اسلامی به‌طور مبسوط و مستدلّ مورد بحث و بررسی قرار گرفته است که قسمتی از آنها در باب کیفیت بنا و ساختمان مسجد، بخشی دیگر در باب آداب ورود به مسجد و بعضی درباره کارهایی است که باید در مسجد از آنها اجتناب کرد.^۳

۱. سنن ابی‌داود، ج ۱، ص ۱۱۵، ح ۴۷۲؛ رک: حدیث مسجد، ص ۱۱۹.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۷، ح ۴۹۶۸، باب ذکر جمل من مناهی النبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

۳. رضایی بیرجندی، جایگاه مسجد در فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۲.

علم و آگاهی به آداب حضور در مسجد

هر مکانی که به نام مسجد توسط مسلمانان بنا شود، مراعات حرمت آن واجب و اهانت و هتک آن، مانند خراب کردن یا آلوده ساختن آن، گناه کبیره است؛ زیرا مسجد به آفریدگار نسبت دارد (وَإِنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ) و اهانت به آن، اهانت به خداست.

امام علی (علیه السلام) فرمود: «مَنْ وَقَّرَ الْمَسْجِدَ مِنْ نَحَامِهِ لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ضَاحِكًا قَدْ أُعْطِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ وَإِنَّ الْمَسْجِدَ لَيَلْتَوِي عِنْدَ النَّخَامَةِ كَالْتَوَاءِ أَحَدِكُمْ بِالْخَيْرِزَانِ إِذَا وَقَعَ بِهِ؛ هر کس حرمت مسجد را حفظ کند (و به احترام آن از انداختن اخلاط در آن خودداری کند)، در روز قیامت با سرور و شادمانی در حالی که نامه اعمالش را در دست راستش دارد، خداوند متعال را ملاقات می کند و کسی که در مسجد خلط می اندازد مسجد (از نفرت) به خود می پیچد، همان طور که اگر کسی شما را با چوب خیزران بزند، از شدت درد به خود می پیچد».^۲

بر این اساس باید هر مسلمان هنگامی که آهنگ رفتن به مسجد و قصد احرام و حضور در خانه خدا را می کند به اندازه توانایی اش در شناخت آداب حضور کوشا باشد؛ زیرا هر چه معرفت بیشتر باشد عمل، با ارزش تر و مراعات ادب، سبب تقرب بنده به خدا می شود.

در روایتی از امام صادق (علیه السلام) است: هرگاه به در مسجد رسیدی، بدان تو آهنگ سلطان بزرگ و ملکی عظیم کرده ای که بر بساطش جز پاکیزگان کسی پا نهد و برای مجالست با او، جز به راستگویان و راست کرداران اجازه داده نشود؛ آنگاه که بر بساط او قدم نهی بدان که اگر اندک غفلتی از تو سر بزند در خطری عظیم و پرتگاهی سهمگین قرار گرفته ای؛ پس در پیشگاه او به ناتوانی و تقصیر خود اعتراف کن؛ زیرا که قصد عبادت و انس با او کرده ای... و در حضور او بسان فقیرترین بندگان باش و قلبت را از آنچه تو را از او باز می دارد و به خود مشغول می کند خالی کن.... پس داخل مسجد شو که اذن و امان به تو داده است.^۳

۱. جن، آیه ۱۷.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۷۶، ۱۵.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۸، ح ۲۱۵۵۵.

آداب حضور در مسجد

آداب مستحب در مسجد

حضور در مسجد دارای آداب مستحبی است از جمله: زینت و آراستگی، خوشبو کردن خود، خضوع و خشوع، باوضو بودن، قرائت اذکار، گام نهادن با پای راست، خواندن نماز تحیت، رو به قبله نشستن.

تمیز نگه داشتن مسجد و خاکروبی، از دیگر آدابی است که در روایات برای مسجد ذکر شده است و ثواب و فضیلت زیادی برای آن بیان شده است.^۱ آیه ۳۱ سوره اعراف می‌فرماید: «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»؛ این جمله هم می‌تواند اشاره به زینت‌های جسمانی باشد و هم زینت‌های معنوی؛ یعنی صفات انسانی و ملکات اخلاقی و پاکی نیت و اخلاص. در روایات آراستگی ظاهر، عطر زدن و لباس زیبا پوشیدن از جمله مصادیق زینت شمرده شده‌اند.^۲ مسئله‌های ۹۱۲ تا ۹۱۵ رساله توضیح‌المسائل امام خمینی ره به آداب حضور در مسجد اشاره دارد؛ خوشبو بودن، لباس پاکیزه و قیمتی پوشیدن، زودتر از همه به مسجد آمدن و دیرتر از همه بیرون رفتن، خواندن نماز تحیت، صحبت نکردن در مورد کارهای دنیا از جمله این آداب است.

مکروهات مسجد

حضور در مسجد دارای آداب مکروهی نیز هست: خوردن مواد غذایی که بوی نامطبوع دارند، پرتاب کردن سنگریزه در مسجد، آب دهان انداختن در مسجد. از دیگر کارهای مکروه در مسجد اعلام اشیای گمشده در مسجد است. داد و ستد در مسجد، خوابیدن در مسجد، محل عبور قرار دادن مسجد، اجرای حدود و سلاح کشیدن در مسجد نیز از جمله کارهای مکروه در مسجد است.^۳

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: در آخر الزمان مردمی یافت می‌شوند که در مساجد

۱. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ۱۳۷۲.

۲. تفسیر نور، ج ۵، ص ۵۲.

۳. احکام مسجد، ۱۳۸۶، برای مطالعه بیشتر ر.ک: حدیث مسجد، شاکری و محمدی، مسجد در روایات و اخبار، دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد.

حضور یافته و تشکیل جلسه می‌دهند؛ آنگاه از دنیا و دوستی دنیا سخن می‌گویند. شما با چنین افرادی همنشینی نکنید پس خدا هم کاری به آنها ندارد.^۱ امام صادق (علیه السلام) به یونس بن یعقوب فرمود: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ لَمْ يُوقِّرِ الْمَسْجِدَ؛ ملعون است، ملعون است کسی که به مسجد احترام نگذارد».^۲ با آنکه گناه در همه جا نکوهیده و زشت است، اما در مسجد قبا حتی اهمّیت دوچندان می‌یابد؛ پس مؤمن باید تلاش و کوشش بیشتری کند تا در آن مکان مقدّس به گناه آلوده نشود...^۳ غصب مکان یک نمازگزار، تعطیلی و ویران کردن مساجد، بردن عین نجس در مسجد و نجس کردن مسجد، از امور حرام در مساجد تلقی می‌شوند.^۴

سرمایه انسانی، اجتماعی

آخرین مؤلفه بیان شده در این قسمت، سرمایه انسانی-اجتماعی مأمومین مسجد است. اعتماد به یکدیگر، مشارکت پذیری و روحیه کارهای جمعی، بخشندگی مالی، اعتبار اجتماعی (شامل پایگاه اجتماعی و وجهه محلی یا اجتماعی) و سطح تحصیلات و مهارت یا دانش، شاخص‌های این مؤلفه را تشکیل می‌دهند. «پیر بورديو» جامعه‌شناس فرانسوی چهار نوع سرمایه (فیزیکی، انسانی، فرهنگی و اجتماعی) را توصیف می‌کند.

سرمایه فیزیکی^۵ ناظر بر پدیده‌هایی مانند ثروت، درآمد، مستغلات، اتومبیل و نظایر آن است.

سرمایه انسانی^۶ به چیزهایی نظیر تحصیلات، معلومات، آموزش‌ها و مهارت‌های کاری اطلاق می‌شود که اگرچه سرمایه متعارف نیستند، اما قابلیت تبدیل به آن را دارند.

۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۱۴، ح ۱۴. «يَأْتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ يَأْتُونَ الْمَسَاجِدَ فَيَقْعِدُونَ خَلْقًا ذَكَرَهُمُ الدُّنْيَا وَ حُبَّ الدُّنْيَا لَا تَجَالِسُوهُمْ فَلَيْسَ لَلَّهِ فِيهِمْ حَاجَةٌ»

۲. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۵۱۳.

۳. نوبهار، رحیم، مسجد نمونه، ۱۳۸۶.

۴. احکام مسجد، ۱۳۸۶.

۵. Physical capital.

۶. Human capital.

سرمایه فرهنگی^۱ ناظر بر نوع پرورش فرهنگی فرد است و به چیزهایی نظیر، نگاه آینده‌نگر، انضباط شخصی، پرکاری، اهمیت قائل شدن برای تحصیلات و برنامه ریزی و بالاخره ارج نهادن به کسب دستاوردهای اقتصادی اطلاق می‌شود. سرمایه اجتماعی^۲ اشاره به منابعی دارد که افراد به واسطه حضور و یا تعلقشان به یک گروه اجتماعی به آنها دسترسی می‌یابند. منابع نیز می‌توانند شامل، چیزهایی ملموس مانند پول، مسکن، شغل، حمایت اجتماعی و یا امکانات غیرملموسی مثل اطلاعات مفید، مشاوره فکری و آرامش روحی باشند.

.....
۱. Cultural capital.

۲. Social capital.

جدول ۳: شایستگی‌های جماعت (مأمومین)

مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
سرمایه‌ایمانی - اخلاقی	خلق نیکو
	الفت بین قلوب
	قصد خودسازی: «یحبون ان یتطهروا»
	قصد کسب ثواب و مغفرت
آشنایی با آداب حضور	آشنایی با فضیلت، جایگاه و تقدس مسجد
	آشنایی با احکام مسجد و آداب حضور
	آشنایی با احکام و آداب نماز جماعت
رعایت آداب حضور	زینت (آراستگی، بوی خوش)
	ترک محرمات و مکروهات: مانند پرهیز از خدشه‌دار کردن حرمت مسجد یا ایجاد سر و صدا
	رعایت مستحبات: مانند با وضو بودن، خواندن دعای ورود، رو به قبله نشستن، پرداختن به تفکر و عبادت در غیر زمان نماز
سرمایه انسانی - اجتماعی	اعتماد به یکدیگر
	مشارکت‌پذیری و روحیه کارهای جمعی
	بخشندگی مالی
	اعتبار اجتماعی: پایگاه اجتماعی و وجهه محلی یا اجتماعی (مانند جایگاه شغلی، میزان نفوذ، ارزش و منزلت اجتماعی فرد در محله)
	سطح تحصیلات، مهارت یا دانش خاص

« مبحث پنجم: منابع سازمانی

در الگوی تعالی سازمانی، منابع به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

۱- منابع مالی؛ ۲- ساختمان، تجهیزات و مواد اولیه؛ ۳- فناوری؛ ۴- اطلاعات و دانش.^۱

منابع فیزیکی از منابع مهم یک سازمان است. در ذهن اغلب مردم، برجسته‌ترین مشخصه دارایی یک سازمان، ساختمان‌های آن است.^۲ یکی از شاخص‌هایی که در منابع مادی ذکر شده است، وجود بیت‌المال یا مسکن برای امام مسجد است. بعضی امامان مساجد توانایی پرداخت هزینه مسکن در نزدیکی مسجد را ندارند. در نتیجه، مساجدی که دارای مسکن برای امام و خادم‌اند، از یک امتیاز بالقوه نسبت به دیگر مساجد برخوردار هستند. ابزارها و تجهیزات فناورانه از دیگر شاخص‌های مؤلفه منابع مادی است. ابزارهای چندرسانه‌ای امکان می‌دهند که بر صفحه واحدی مانند صفحه رایانه، انتقال و بازیابی تلویزیون، تلفن، مدارک و اسناد، متن‌های نمودارها، مدارک صوتی، تصویرهای ساکن و متحرک اعم از باصدا و بی‌صدا به گونه‌ای منفرد یا در کنار هم فراهم شود. چند رسانه‌ای، فرآورده یا خدمتی است که در پرتو ترجمه به زبان انفورماتیک، داده‌هایی را که به طور معمول به شکل جداگانه مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفتند؛ مانند متن، صدا، ویدئو، عکس، تصویر و طرح با یکدیگر پیوند می‌دهند.^۳

مدیریت منابع مالی

در بحث «مدیریت منابع مالی»، ما در پی این هستیم که چگونه منابع مالی لازم برای اجرای برنامه‌های سازمان را تامین کنیم. احداث و تعمیر مساجد و رونق‌بخشی به برنامه‌های آن نیاز به صرف هزینه و اعتبارات مالی خاص در هر زمینه دارد. منابعی که خداوند سبحان برای برطرف نمودن نیازهایی از این

۱. گرامی و نورعلیزاده، ۱۳۸۷.

۲. باباشاهی و حشمتی، ۱۳۸۰.

۳. محسنی، ۱۳۸۶.

دست پیش‌بینی نموده است عبارت‌اند از: زکات، خمس، انفاق و وقف.^۱ از منابع مختلفی می‌توان هزینه‌های مسجد را تأمین نمود. کمک‌های (نقدی و غیرنقدی) مردمی، کسب درآمد از اجاره مایملک مسجد، کمک‌های ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی و کمک‌های غیرمستقیم دولتی مانند تخفیف در نرخ هزینه انرژی و منابع مالی دینی مانند خمس و انفال از موارد تأمین مالی هستند. مقام معظم رهبری بر مردمی بودن تأمین منابع مالی در مساجد و پرهیز از تبلیغات دولتی در این زمینه، تأکید ویژه‌ای دارند. ایشان می‌فرمایند:

دیگر اینکه مساجد و حسینیه‌ها باید به پول مردم ساخته بشوند، این فراموش نشود. سنت صحیح رایج بین شیعه که عبارت بوده است از اینکه مردم مسجد بسازند، حسینیه بسازند. این سنت، بسیار سنت بابرکتی است. جوری نباشد که اگر شما یک صندوقی درست کردید یک جا، مردم بگویند خب، حالا که دیگر پول هست؛ الحمدالله دولت دارد می‌دهد ما دیگر چرا پول بدهیم؟ این نباید بشود.

۱. انجم شعاع، ۱۳۸۷.

مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
مدی	ساختمان و فضاهای اصلی: شبستان، حسینیه، وضوخانه، دفتر مسجد و...
	امکانات و تجهیزات: تاسیسات گرمایش و سرمایش، سیستم روشنایی و صوتی، قفسه، کفش داری، امکانات فرهنگی مانند کتابخانه
	تجهیزات فناوری و چند رسانه‌ای: رایانه، پروژکتور، وسایل صوتی - تصویری و...
	فضاهای جنبی: مانند صحن مسجد، سالن برپایی مراسم، پایگاه بسیج، فضاهای ورزشی یا فرهنگی، پارکینگ، درمانگاه، صندوق قرض الحسنه
	وجود مسکن برای امام و خادم مسجد: بیت عالم و خادم
رق	کمک‌های مردمی: کمک‌های مأمومین یا سایر افراد
	درآمدها: اجاره، موقوفه و...
	کمک‌های سازمانی: کمک‌های سازمان‌های دولتی، عمومی، غیردولتی یا خصوصی
	کمک‌های دولتی غیرمستقیم: معافیت در مالیات و عوارض یا تخفیف در نرخ هزینه‌های برق و آب و غیره
اطلاعات	منابع مالی دینی: مانند خمس، زکات و انفال
	اطلاعات پیرامونی مسجد: شامل اطلاعات دینی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... در سطح محلی، ملی و بین‌المللی از منابع مختلف مانند سازمان‌های محیطی و از مجرای مکاتبات، خبرنامه، اینترنت و غیره، اطلاعات از مشکلات مردم و محله
	اطلاعات درون‌سازمانی مسجد: اطلاعات شخصی، خانوادگی، اعتقادی، نگرشی و ... از جماعت یا مأمومین مسجد و اطلاعات نتایج عملکرد مسجد، اطلاعات فضای کالبدی مسجد و امکانات آن

« مبحث ششم: فرآیند اقدامات

حوزه فرآیند در الگوی تدوین شده مدیریت اثربخش مسجد، در این تحقیق که با عنوان اقدامات معرفی شده است شامل سه بخش است که به شرح این سه قسمت یا مؤلفه می پردازیم.

الف) مؤلفه حاکم کردن ارزش‌ها به عنوان فرهنگ حاکم

این اقدام در الگوی تحقیق شامل سه مرحله «شفاف سازی رسالت»، «اهداف و ارزش‌های مسجد»، «ابلاغ و تبیین آنها» به منظور همگانی ساختن ارزش‌ها و همسو ساختن همه اقدامات با این ارزش‌ها خواهد بود. در ادبیات تعالی سازمانی نیز قبل از ورود به بحث تعالی سازمانی، ارزش‌هایی برای آن ذکر شده است. اگر به ویژگی‌های یک سازمان متعالی، نگاهی اجمالی داشته باشیم، سازمانی را متعالی خواهیم دانست که به ارزش‌های پایه‌ای زیر، احترام گذاشته و بتواند در منحنی عمر سازمان، این اصول را رعایت کند: نتیجه‌گرایی، مشتری‌مداری، رهبری و ثبات در مقاصد، مدیریت بر مبنای واقعیت‌ها و فرآیندها، مشارکت و توسعه منابع انسانی، یادگیری، نوآوری و بهبود مستمر، توسعه شراکت‌ها و مسئولیت‌های اجتماعی سازمان.^۱

ب) وظایف عمومی (فرآیندهای مدیریتی و پشتیبانی)

فرآیندهای مدیریتی و پشتیبانی الگوی تحقیق با عنوان وظایف عمومی مدیریت تعریف شده‌اند. بررسی ادبیات مدیریت در حوزه وظایف و نقش‌های عمومی مدیریت نشان می‌دهد ابعاد و اجزای مختلفی برای این وظایف و نقش‌ها در نظر گرفته شده است. در این رابطه اهم دیدگاه‌های صاحب‌نظران مدیریت، در رابطه با وظایف، نقش‌ها و فعالیت‌های مدیریت عبارت است از:
وظایف مدیریت از دیدگاه «فایول»: برنامه ریزی، سازمان‌دهی، رهبری، هماهنگی، کنترل.

۱. جلوداری ممقانی، ۱۳۸۵.

وظایف مدیریت از دیدگاه «لوترگیولیک»: برنامه ریزی، سازمان‌دهی، هدایت، کارمندیابی، هماهنگی، گزارش‌دهی، بودجه‌بندی.

نقش‌های مدیریت از دید «مینتزبرگ»:

۱. نقش‌های ارتباطی: رئیس تشریفات، رهبر، رابط؛
۲. نقش‌های اطلاعاتی: پایش‌گر، توزیع‌گر، سخنگو؛
۳. نقش‌های تصمیم‌گیری: کارآفرین، حلال مشکلات، تخصیص‌گر منابع، مذاکره‌گر.

فعالیت‌های مدیریتی از دید «لوتانز»:

۱. فعالیت‌های ارتباطی: تبادل اطلاعات، مکاتبات؛
۲. مدیریت سنتی: برنامه ریزی، تصمیم‌گیری، کنترل؛
۳. مدیریت منابع انسانی: انگیزش، مدیریت مناقشات، کارگزینی، آموزش و توسعه؛
۴. شبکه‌سازی: تعامل با خارج سازمان، فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی.

نقش‌های مدیریت از دید «یوکی»:

شبکه‌سازی، حمایت، تیم‌سازی، انگیزش، تشویق، برنامه ریزی و سازمان‌دهی، حل مسائل، مشورت، مراقبت از عملیات، اطلاع‌رسانی، شفاف کردن اهداف.^۱ رهبری: رهبری فراگرد تأثیرگذاری بر فعالیت‌های یک فرد یا یک گروه در تلاش به منظور تحقق هدفی در یک وضعیت معین است. در تعریف دیگر، رهبری عبارت است از عمل تأثیرگذاری بر افراد، به طوری که از روی میل و علاقه برای هدف‌های گروهی تلاش کنند.^۲

توسعه منابع انسانی: توسعه منابع انسانی مسجد از جهات مختلف تأثیر قابل توجهی بر موفقیت مسجد دارد. نکات مختلفی را در این زمینه می‌توان یادآور شد:

۱. غفاریان، ۱۳۷۸

۲. هرسی و بلانچارد، ۱۳۸۵

توسعه منابع انسانی شامل برنامه ریزی و تلاش برای جذب نیروهای کارآمد، به کارگیری افراد از گروه‌های سنتی مختلف، به‌ویژه جوانان در حوزه مدیریت مسجد، استفاده از قابلیت‌های افراد و رعایت شایسته سالاری، شناسایی نیازها و خلأهای آموزشی فعالان و کارگزاران مسجد، تشکیل گروه یا تیم‌های مختلف کاری، تلاش ویژه برای ثابت ماندن امام راتب مسجد و پرهیز از جابه‌جایی‌های مکرر امام مسجد و در نهایت، ایجاد انگیزه در منابع انسانی مسجد، به خصوص داوطلبان فعالیت در مسجد است.

برنامه ریزی: برنامه ریزی، راهبردی فرآیندی است در جهت تجهیز منابع سازمان و وحدت بخشیدن به تلاش‌های آن برای نیل به اهداف و رسالت‌های بلندمدت. پرسش‌هایی از قبیل «برنامه‌های امروز سازمان چه هستند و برنامه‌های آتی چه باید باشند؟ امروز کجا هستیم و جهت گیری‌های آینده چه هستند؟ امکانات و منابع سازمان در آینده چه وضعیتی دارند و باید مصروف چه اهدافی شوند؟»، در برنامه ریزی راهبردی مطرح و پاسخ داده می‌شوند. در برنامه ریزی عملیاتی که شباهت بسیار به برنامه ریزی راهبردی دارد، هدف‌های عملیاتی به جای هدف‌های کلی قرار می‌گیرند و نحوه نیل به آنها در قالب یک سری عملیات ریز و قابل اجرا پیش‌بینی می‌شود.^۱

با توجه به تأکیدات فراوان، کسی نمی‌تواند در ضرورت و اهمیت برنامه ریزی از نظر اسلام تردیدی نماید. برنامه ریزی دارای فواید بسیاری است. از جمله آنکه مانع ندامت است. در این باره امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌فرماید: آینده‌نگری قبل از شروع کار، تو را از پشیمانی ایمن می‌سازد.^۲

تصمیم‌گیری مشارکتی

در تعریفی بسیار ساده، تصمیم‌گیری عبارت است از انتخاب یک راه از میان راه‌های مختلف. همان‌طور که از این تعریف مستفاد می‌شود، کار اصلی تصمیم

۱. الوانی، ۱۳۸۶.

۲. بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۳۳۸.

گیرنده دریافت راه‌های ممکن و نتایج ناشی از آنها و انتخاب اصلح از میان آنهاست و اگر وی بتواند این انتخاب را به نحوی درست و مطلوب انجام دهد، تصمیم‌های او مؤثر و سازنده خواهند بود.^۱

نکته اساسی در مسجد، توجه به اهمیت مشورت و استفاده از نظرات دیگران در تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرای آن است. یکی از بسترهای مهم در ایجاد ایده و ساختن تصمیمات، جلسات مدیریت مسجد است.

تقسیم کار

پس از مشخص شدن و دسته‌بندی کارها و فعالیت‌ها، شایسته است تقسیم کار صورت بگیرد و برای هر کدام حدود و اختیارات و مسئولی انتخاب شود.

امام علی (علیه السلام) در نامه‌اش به مالک اشتر چنین می‌فرماید: باید برای هر نوع کاری از کارهایت، یک رئیس انتخاب کنی؛ رئیسی که کارهای مهم وی را مغلوب نسازد و کثرت کارها او را پریشان و خسته نکند.^۲

۱. هماهنگی

هماهنگی فرآیند یکپارچه سازی اهداف و فعالیت بخش‌های وظیفه‌ای به منظور تأمین مؤثر هدف‌های سازمانی است.^۳ سازمان منسجم و هماهنگ، همانند بنیان مرصوص عمل می‌کند. قرآن کریم، مشخصه‌های چنین سازمانی را این‌گونه بیان می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُورٌ؛ خداوند آنانی را که در راه خدا در صفی واحد و هماهنگ چون بنیانی استوار می‌جنگند، دوست دارد».^۴

آنچه از آموزه‌های دینی بر می‌آید این است که نیروهای یک سازمان منسجم باید همواره از تفرقه پرهیز کنند و اگر به عللی تفرقه ایجاد شد باید در جهت رفع آن و

۱. الوانی، ۱۳۸۶.

۲. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۳. استونر و فریمن، ۱۹۹۲.

۴. صف، آیه ۴.

اصلاح وضعیت بکوشند. امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه نیز از تفرقه نهی می‌نماید.^۱

۲. مدیریت ارتباطات

اولین مرحله از فرآیند ارتباطات، مربوط به فرستنده پیام است. یکی از عواملی که اعتبار فرستنده پیام را افزایش می‌دهد مهارت‌های علمی و دانش و تخصص اوست. به‌طور طبیعی، افراد برای کسانی که در حیطه کاری خود دارای تخصص و دانش لازم هستند، احترام و اعتبار ویژه‌ای قائل‌اند. قدرت بیان از دیگر عوامل تأثیرگذار است. به‌طور معمول، کسانی که در ارائه و پرورش موضوع و متقاعد کردن دیگران تبخّر دارند، در ایجاد ارتباط مؤثر و مفید موفق‌ترند. نرم‌خویی و خوش‌اخلاقی دیگر ویژگی لازم برای فرستنده پیام است.

۳. نظارت و کنترل

این مبحث را می‌توان در مؤلفه‌های حاکم کردن ارزش‌ها به عنوان فرهنگ حاکم بر مسجد و تلاش برای همسو کردن اقدامات با ارزش‌های مسجد و مؤلفه مدیریت عملیات مشاهده نمود؛ چرا که پایش مستمر لازمه نهادینه سازی ارزش‌هاست. در مؤلفه مدیریت عملیات یا فرآیند، تمامی برنامه‌های مسجد مورد ارزیابی و بررسی قرار می‌گیرند و نقاط بهبود لازم شناسایی شده و اقدامات لازم برای اصلاح آنها اعمال می‌شود. البته لازم به ذکر است که کنترل آینده‌نگر نیز در طراحی برنامه‌ها و خدمات مسجد باید در نظر گرفته شود.

۴. تخصیص منابع و مدیریت مالی

مدیر، چگونگی به کارگیری منابع کمیاب سازمان را کنترل می‌کند. تخصیص بودجه، نیروی انسانی و امکانات ویژه از مصادیق ایفای نقش تخصیص گر منابع هستند.^۲ از شیوه‌های مختلفی می‌توان منابع مالی برای ساخت و اداره مساجد را فراهم کرد.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷، «إِنَّا كُمْ وَ الْفُرْقَةُ».

۲. غفاریان، ۱۳۷۸.

برخی از این شیوه‌ها بدین شرح است: بانیان خیر، کسبه محلّ و بازار، مردم منطقه، مؤسّسات و کانون‌هایی که به ساخت مساجد کمک می‌کنند، ارگان‌های دولتی و نهادهای انقلابی، کارخانجات، وام، اجاره دادن واحدهای تجاری مسجد، نصب صندوق جمع‌آوری اعانات در مسجد و پخش صندوق صدقات در منازل و مغازه‌ها.^۱

ج) فرآیندهای اصلی

سازمان، به منظور پشتیبانی از استراتژی و خط‌مشی، خشنودسازی مخاطبان و ایجاد ارزش افزوده برای آنها و سایر ذی‌نفعان، چگونه باید فرآیندهایش را طرّاحی و مدیریت کند و آنها را بهبود دهد؟^۲

در بحث فرآیندهای اصلی که شامل عملیات سازمان نیز است، شناخت فرآیندهای کلیدی اهمّیت زیادی پیدا می‌کند. برای تشخیص فرآیندهای کلیدی، راه‌های مختلفی وجود دارد؛ از جمله مباحثه میان کارکنان سازمان، گفتگو با ذی‌نفعان اصلی سازمان و مراجعه به مشاوران بیرون از سازمان. ارزیابی فرآیندها نقش اساسی در اداره سازمان طبق نگاه فرآیندگرا دارد. در ارزیابی فرآیندها باید به سوالاتی از این قبیل پاسخ دهیم: آیا فرآیندها به گونه‌ای نظام‌مند طرّاحی می‌شوند؟ آیا فرآیندها به منظور افزایش رضایت ذی‌نفعان بهبود می‌یابند؟ آیا خدمات بر اساس خواسته‌های ذی‌نفعان طرّاحی و ایجاد می‌شوند؟ آیا روابط با مخاطبان مدیریت و تقویت می‌شوند؟^۳

۱. بهبود مستمر

شاید بهبود مستمر، بهترین مفهوم برای هدایت مدیریت باشد. این مفهوم مستلزم یک دیدگاه سیستمی شامل قسمت‌های زیر است: طرح ریزی فرآیند و ورودی‌های آن، تأمین ورودی‌ها، اجرا کردن فرآیندها، ارزیابی خروجی‌ها، ارزیابی عملکرد فرآیندها، اصلاح فرآیندها و ورودی‌های آنها.

۱. باباشاهی و حشمتی، ۱۳۸۰.

۲. اکلند، ۱۳۸۴.

۳. گرامی و نورعلیزاده، ۱۳۸۷.

الگوبرداری نیز از ابزارهایی است که می‌تواند با صرف هزینه و وقت کم به ایده‌های جدید و کارساز دست یافت.^۱

جدول ۵: اقدامات

شاخص‌ها	مؤلفه‌ها
شفاف‌سازی رسالت، اهداف، ارزش‌ها، تقدس و احکام شرعی مسجد در اسلام	تبیین جهت‌گیری‌های ارزشی مسجد (حاکم کردن ارزش‌ها به عنوان فرهنگ حاکم بر مسجد)
همگانی کردن رسالت، اهداف و ارزش‌های مسجد در اسلام: ابلاغ، تبیین و تفهیم ارزش‌ها به دست‌اندرکاران و جماعت مسجد، ایجاد درک صحیح از اهداف و ارزش‌های مسجد و انتظارات ارزشی عملکرد	
همسو کردن اقدامات با ارزش‌ها و احکام شرعی مسجد	

۱. اکلند، ۱۳۸۴.

رهبری معنوی: ایفای نقش الگو توسط امام مسجد و خودمدیریتی ایشان، تعیین انتظارات عملکردی بالا، القای عظمت و بزرگی، ایجاد انسجام، قدردانی، احترام و ارزش قائل شدن، ارتباط خوب با دست‌اندرکاران و مخاطب، ایجاد اعتماد به نفس، حمایت از افراد، تحوّل گرایی، تشویق همکاری، پرورش دیگران

توسعه منابع انسانی (به خصوص افراد داوطلب): جذب و به‌کارگیری منابع انسانی از سنین مختلف، جوان‌گرایی حتی در عضویت هیئت امنا، شایسته‌سالاری، ایجاد انگیزه، آموزش، ثبات امام مسجد، تیم‌سازی

هماهنگی: درون واحدی و بین واحدی به‌طور مثال بین بسیج و امنا، احترام به نقش‌ها، هماهنگی برون‌سازمانی با سازمان‌ها یا مساجد دیگر

تصمیم‌گیری مشارکتی و مدیریت جلسات: تصمیم‌گیری شفاف و مشارکتی (با حضور نمایندگان واحدها و داوطلبان)، رسمیت جلسات (زمان، صورت‌جلسه و ...)، تداوم، حضور مداوم، پربازده بودن جلسات

برنامه‌ریزی: سطح درگیری مدیریت در تدوین استراتژی (استراتژی تنوع، توسعه، رسوخ)، هدف‌گذاری، برنامه‌ریزی بلندمدت و کوتاه‌مدت و تدوین برنامه‌های عملیاتی با توجه به چشم‌انداز کلان مساجد و منویات ولی فقیه

تخصیص و توسعه منابع و مدیریت مالی: ثبات مالی، اولویت‌محور، شفافیت و رسمیت، حجم منابع، تلاش به منظور جذب کمک‌های مردمی یا ایجاد راه‌های کسب منابع، طهارت منابع مالی

تقسیم کار و شرح نقش‌ها: تقسیم کار، توسعه واحدها یا کمیته‌ها، تشکیل شورای برنامه‌ریزی، تنظیم شرح وظایف فعالیت در مسجد، تشکیل هیئت مذهبی و کانون فرهنگی، دادن امکان تجربه به افراد

نظارت و کنترل: نظارت و پایش فعالیت‌ها، امر به معروف و نهی از منکر، نصیحت

مدیریت و توسعه ارتباطات: کسب و توزیع اطلاعات مورد نیاز، مستندسازی، ایجاد ارتباط مؤثر با اهل مسجد و اهالی محله، مدیریت تعارض، آموزش روابط بین‌فردی، شبکه‌سازی، جلب مساعدت افراد و سازمان‌ها، ایفای نقش سخنگو، ارتباط با رسانه‌ها

مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
مدیریت عملیات یا فرآیند (فرآیندهای اصلی)	الگوبرداری از مساجد موفق: استفاده از تجربیات مساجد موفق
	طراحی محتوای برنامه‌ها و خدمات بر اساس نیاز و انتظارات مخاطب: نظرسنجی و دریافت بازخورد از مخاطبان، توجه به انعطاف‌پذیری، خلاقیت و نوآوری، طراحی خدمات جدید و متنوع و بهبود محتوای برنامه‌های کنونی، استفاده از هنر در طراحی برنامه‌ها
	بهبود فرآیندها یا نحوه ارائه برنامه‌ها و خدمات: زمان‌بندی برنامه‌ها و خدمات، بهبود هنری نحوه اجرای برنامه‌ها مبتنی بر خودارزیابی و بررسی نتایج عملکردی و برداشتی، حصول اطمینان از آموزش دست‌اندرکاران و دریافت گزارش عملکرد
	مدیریت ارتباط با مخاطب، اطلاع‌رسانی و دعوت از مخاطبان: تبلیغات و آگهی به شیوه‌های مختلفی مانند نصب تابلو، بنر و بیلبرد یا به صورت شبکه‌ای از طریق اینترنت و پیامک و روابط عمومی (اعلان عمومی یا انفرادی)، رسیدگی به انتقادات و شکایات، ارتباط فعال با مخاطب، راهنمایی مخاطبان در استفاده مسئولانه از خدمات، تشویق خانواده‌ها به حضور در مسجد
	الگوبرداری از سیره، سنت و کلام معصومان (علیهم‌السلام) در رابطه با مدیریت مسجد

۲. تنوع برنامه‌ها و خدمات:

طبیعی است که حضور چند دقیقه‌ای در مسجد و تنها برای ادای نماز، نمی‌تواند مسجد را در ابعاد گوناگون شکوفا کند. عمل پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در این زمینه الگوی خوبی برای ماست. آن حضرت پس از نماز صبح تا طلوع آفتاب در مسجد می‌نشست و بخشی از این وقت را صرف پاسخ‌گویی به پرسش‌های مسلمانان می‌نمود.^۱

یکی از تفاوت‌های اصلی علمای شیعه و برخی از علمای اهل سنت در نگرش آنها به کارکردهای مسجد است. علمای شیعی معتقدند که مسجد در سنت نبوی (صلی الله علیه و آله) از کارکردهای مختلفی برخوردار بوده است؛ حتی نبی گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) مسجد را به عنوان پایگاه و مقر حکومتی اسلام قرار دادند؛ یعنی یک ارتباط مستقیم بین

۱. نوبهار، ۱۳۸۶

مسجد و حکومت اسلامی برقرار کرد. در آن زمان، مسجد نقشی اساسی و چشم گیر در پیشبرد اهداف حکومت اسلامی داشت.

برنامه‌ها و خدمات مسجد به عنوان خروجی‌های الگو مطرح شده است. در جدول بعد، تنوع برنامه‌های مسجد به عنوان یکی از دو بعد اصلی برنامه‌ها و خدمات ارائه شده است. در تقسیم‌بندی ارائه شده، می‌توان برنامه‌های مسجد را به دو بخش اولیه نیایشی و غیرنیایشی تقسیم کرد.

مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
نیایشی	نمازهای جماعت: سه وعده نماز جماعت، نماز عید فطر و قربان
	ادعیه سالانه: شب‌های قدر، اعتکاف و...
	ادعیه روزانه یا هفتگی: قرآن، دعای کمیل، توسل، ندبه، و...
تبلیغی-آیینی	وعظ و خطابه: بیان اخلاق، عرفان، موعظه، آگاه‌سازی و ترغیب دینی مانند بیان فضیلت عبادات و دعوت به انجام واجبات و مستحبات دینی، مقابله با تحریفات و خرافات دینی
	مراسم آیینی: جشن اعیاد مذهبی، سوگواری در شهادت ائمه (علیهم‌السلام)
تربیتی (پرورشی)	آموزشی: آموزش احکام و اعتقادات، آموزش قرائت قرآن، جلسات تفسیر قرآن و نهج‌البلاغه، جلسات پرسش و پاسخ، آموزش‌های غیردینی مانند کلاس‌های تقویتی، آموزش رفتارهای شهروندی یک مسلمان
	فرهنگی: تهیه مجله یا خبرنامه، مسابقات کتاب‌خوانی، برگزاری نمایشگاه، کنگره شهدا، طرح‌های تشویق کودکان و نوجوانان، سالن قرائت‌خانه و کتابخانه، فروش کتاب، تشویق کم‌سالان، تشویق نخبگان و دانش‌آموزان نمونه در محله، هدیه به افرادی که نامشان همنام اسامی متبرکه است
اجتماعی	محلی: امر به معروف و نهی از منکر، عیادت، بازدید، حضور مسجدیان در مراسم خانواده‌ها، حل مشکلات شخصی-خانوادگی، رفع اختلافات، ارتباط با مردم محله و سازمان‌ها و نهادهای محلی، نظارت بر سازمان‌های محلی
	سیاسی: نظارت بر عملکرد سیاسی مسئولان کشور، آگاه‌سازی سیاسی در راستای حمایت از نظام اسلامی، حضور در نماز جمعه یا راهپیمایی، کمک در برگزاری انتخابات، برگزاری مناسبت‌های ملی - انقلابی، دعوت از مسئولان دولتی، بسیج همگانی مؤمنان
خدماتی	خیریه: کمک‌های بلاعوض، قرض‌الحسنه، کاریابی
	اطعام و پذیرایی: نذورات، افطاری و پذیرایی
	خدمات سلامت (جسمی و روانی): اعزام متقاضیان به فعالیت‌های ورزشی و تفریحی، اردوهای زیارتی - سیاحتی، آموزش یا مشاوره روان‌شناسی به خانواده‌ها

۳. کیفیت برنامه‌ها و خدمات

کیفیت به صورت ساده به معنای تحقق و برآورده ساختن خواسته‌های واقعی مشتری است. دمی‌نگ معتقد است؛ کیفیت باید نیازهای حال و آینده مصرف‌کننده را مورد هدف قرار دهد.^۱ «کیفیت خدمات» بر نظرات و عقاید مشتریان کنونی و مشتریان بالقوه تأثیر می‌گذارد. تحقیقات بازاریابی نشان داده است که به‌طور متوسط هر فرد ناراضی از کیفیت خدمات یک مؤسسه، می‌تواند نظرات منفی خود را به سه نفر دیگر القا کند.^۲ بر اساس یکی از مطالعات انجام گرفته میزان سخنان ناخوشایندی که از کیفیت خدمات یک سازمان شنیده می‌شود، از نظر قدرت تخریب، شش برابر قوی‌تر از واژگانی است که درباره کیفیت مطلوب خدمات سازمان شنیده می‌شود. بنابراین، جبران و ترمیم ذهنیت مشتریان از کیفیت پایین خدمات یک سازمان بسیار دشوار و هزینه‌آور است.^۳

ابزار اندازه‌گیری کیفیت خدمات

یک ابزار مشهور و متداول برای اندازه‌گیری رضایت مشتری از کیفیت خدمات، پرسش‌نامه‌ای به نام «سروکوآل»^۴ است. پنج بُعد این ابزار عبارت است از:

۱. محسوسات (عوامل ظاهری و امکانات): وضعیت تسهیلات فیزیکی، تجهیزات، ظاهر کارکنان و وسایل ارتباطی به لحاظ ظاهری؛

۲. قابلیت اطمینان (اطمینان دادن): قابلیت انجام خدمات تعهد شده به شکل صحیح و قابل اطمینان و در همان زمان مقرر؛

۳. پاسخ‌گویی: تمایل جهت یاری رساندن به مشتریان و عرضه خدمات به آنان به صورت فوری؛

۴. تضمین (قابل اعتماد بودن): برخورداری از دانش و ادب و نزاکت کارکنان، توانایی آنان برای ایجاد اعتماد و اطمینان در حین ارائه خدمت و برقراری ارتباط

۱. اکلند، ۱۳۸۴.

۲. Thorovitz, ۱۹۹۰.

۳. Smith, ۱۹۸۹.

۴. SERVQUAL.

مؤثر با مشتری؛

۵. همدلی: اهمیت دادن و بذل توجه به تک تک مشتریان و حساس بودن به نیازهای مشتری و تلاش برای درک آنها.^۱

مؤلفه‌های کیفیت خدمات در مسجد

بر اساس ادبیات مسجد و با نگاه به مباحث مربوط به کیفیت خدمات در ادبیات مسجد، در بعد کیفیت برنامه‌ها و خدمات پنج مؤلفه دیده شده است. یکی از نویسندگان، ویژگی‌ها و وظایف امام جماعت را این گونه برمی‌شمرد: «عهده‌داری نماز جماعت، داشتن محبوبیت در بین مردم، برتری در علم و عمل، اخلاق و خویشتن‌داری، رعایت زمان، ایجاد نظم در صف‌ها، رعایت حال مردم در نماز، رعایت حد مجاز در ادامه رکوع، توقف بعد از نماز، دعا کردن برای عموم مردم، حضور فعال در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی، مردم‌داری، احسان، خوش رویی، بردباری، بخشش و چشم پوشی، آسان‌گیری، رفق و مدارا، نادیده انگاشتن لغزش‌ها».^۲

رعایت این نکات، تأثیر قابل توجهی در اثربخشی عملکرد و کیفیت برنامه‌های مسجد دارد. در طراحی الگوی کیفیت برنامه‌ها و خدمات مسجد سعی شده است این نکات مدنظر قرار بگیرند:

۱. تعامل و کنش با مخاطب

تعامل و کنش با مخاطب، اولین مؤلفه مربوط به نحوه تعامل و کنش با مخاطبان مسجد است. اولین شاخص آن، پاسخ‌گویی به مخاطبان و مراجعان مسجد است.

۲. معنویت و وجاهت ارزشی

شاخص دیگر، وجه و شهرت معنوی امام مسجد و فعالان است. وجه معنوی

۱. Parasuraman, ۱۹۸۵.

۲. ابوالقاسمی، ۱۳۸۷.

امام و فعالان مسجد از آن جهت اهمّیت دارد که توحید عملی و فضایل و ارزش‌های الهی، اگر در عمل و رفتار آنها متجلی باشد، بهترین وسیله تربیتی محسوب می‌شود. گویاترین زبان در مقام ارشاد، تبلیغ و هدایت، زبان عمل است و نه کلام؛ «دو صد گفته، چون نیم کردار نیست». استاد گرانقدر آیت‌الله جوادی آملی می‌فرمایند: تربیت قبل از آنکه یک تئوری علمی باشد یک روش کاملاً عملی است.^۱

۳. مسئولیت‌پذیری محلی-اجتماعی

شاخص بعدی مسئولیت محلی-اجتماعی است. جدایی سازمان از محیط اجتماعی و مشغول شدن مدیران به اهداف سازمان و بی‌تفاوتی آنان به مسائل اجتماعی موجب گشوده شدن بحثی جدید در مدیریت است که آن را مدیریت مسائل اجتماعی یا مسئولیت اجتماعی برای مدیران نامیده‌اند. سازمان‌ها باید این مسئولیت را حس کنند که مشکلات جامعه، بخشی از مشکلات آنان به شمار می‌آیند و باید نسبت به حلّ و فصل آنها همّت گمارند. عواملی اساسی که در این بخش مورد توجه قرار می‌گیرد، رعایت حقوق همسایگان و پرهیز از تضییع حقوق آنان در قبال هم‌جواری با مسجد است. مواردی که طبق نظر شرع مقدّس اسلام از نظر مسئولیت محلی، کارگزاران مساجد ملزم به رعایت آن هستند، پرهیز از ایجاد مزاحمت صوتی برای همسایگان، پرهیز از آلوده کردن محیط محلی با زباله، پرهیز از ایجاد سدّ معبر و غیره است.

تنها صدایی که مساجد مجازند از بلندگو (آن هم با شدت معقول) در محلات شهر پخش نمایند، صدای اذان در وقت اذان است که شعار اسلام است. در رابطه با شاخص پرهیز از رفتار حزبی در مسجد نیز باید گفت با توجه به تعریف اسلام از مسجد، مسجد نمی‌تواند پایگاه سیاسی یک حزب باشد. مسجد از یک سو به خدا و از سوی دیگر به مردم تعلق دارد. از این رو، نباید در زیر

۱. نوبهار، ۱۳۷۲.

۲. الوانی، ۱۳۸۶.

سیطره یک باند سیاسی قرار بگیرد.^۱

قابلیت اطمینان برگزاری نماز عبارت است از اطمینان به برگزار شدن منظم و بموقع نماز و اطمینان از رعایت اعتدال و کوتاه برگزار شدن نماز جماعت (به طور مثال، نداشتن نگرانی از تأخیر امام یا ایراد سخنرانی بین دو نماز) و رعایت آداب ظاهری آن. از ابوسعید نقل شده است: رسول خدا ﷺ در مسجد اعتکاف نموده بود که شنید مردم با صدای بلند قرآن می خوانند؛ آنگاه پوشش از چهره کنار زد و فرمود: بدانید که در راز و نیازتان با پروردگار هرگز نباید موجب آزار یکدیگر شوید و نیز در تلاوت قرآن (یا به قولی در خواندن نماز) صدایتان را نسبت به یکدیگر بلند نکنید.^۲ همچنین از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که هرگاه مؤذن بگوید: قد قامت الصلوه، جایز نیست نمازگزاران سخن بگویند.^۳

امام صادق (علیه السلام) به نقل از رسول خدا ﷺ درباره صفوف نماز جماعت می فرماید: «سَوُّوا بَيْنَ صُفُوفِكُمْ وَ حَادُوا بَيْنَ مَنَاكِبِكُمْ لَا يَسْتَحْوِذُ عَلَيْكُمْ الشَّيْطَانُ؛ صفوف خود را منظم کنید و کتفها را موازی هم قرار دهید؛ مبدا شیطان بر شما چیره شود».^۴

این سخن، گویای این است که شیطانها با مشاهده تفرقه و آشفتگی در صفوف مسلمانان، از به هم ریختگی آنان امیدوار و خوشحال می شوند و مقدمات سلطه و چیرگی بر آنها را فراهم می آورند.

در ادامه روایت می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَقِيمُوا صُفُوفَكُمْ وَ امْسَحُوا بِمَنَاكِبِكُمْ لِئَلَّا يَكُونَ فِيكُمْ خَلَلٌ وَ لَا تَخَالِفُوا فَيُخَالِفَ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ؛ صف هایتان را منظم کنید و دوشها را به هم متصل نمایید تا میان شما فاصله ای نباشد؛ نامنظم نایستید و گرنه خداوند دل هایتان را با هم ناهماهنگ خواهد نمود».^۵

این حدیث به این نکته روانی اشاره دارد که نظم و انضباط یک جمع، افزون بر

۱. رضایی بیرجندی، ۱۳۸۲.

۲. سنن ابی داود، ج ۱، ص ۲۹، ح ۱۳۳۲؛ «اعتکف رسول الله فی المسجد فسمعهم یجهرون بالقرائه فکشف السر و قال الا ان کلکم مناج ربه فلا یوذین بعضکم بعضا و لا یرفع بعضکم علی بعض فی القرائه أو قال فی الصلاه».

۳. حدیث مسجد، ص ۳۰۶.

۴. تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۸۳.

۵. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۴۷۲.

آن که شیطان‌ها را ناامید و افسرده می‌کند، دل‌های مؤمنان را با یکدیگر مهربان و صمیمی می‌کند و به آنان رنگ وحدت و همدلی می‌بخشد.^۱ تأکید قرآن کریم بر حفظ زینت در مسجد و تأکید معصومان علیهم‌السلام بر حفظ نظم در صفوف نماز جماعت، حاکی از اهمیت حفظ ظاهر اعمال عبادی جمعی است. رعایت آداب نماز جماعت باعث ایجاد نظم و آرامش در محیط مسجد خواهد شد.

۴. عوامل ظاهری و محسوسات

مسجد که پایگاه مسلمانان است باید آراسته، زیبا و باجاذبه باشد.^۲ «سادگی مسجد» از توصیه‌های دین اسلام است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: هرگز قومی بدکردار نشد، مگر اینکه مساجدش را تزیین کرد.^۳ یکی از شاخص‌های طرح شده در این قسمت، محور بودن شبستان و محلّ عبادت در طرّاحی و معماری مسجد است. در طرّاحی کلی ساختمان مسجد، باید بهترین نقطه از زمین مربوطه، به شبستان مسجد اختصاص یابد. مؤلفه بعدی کیفیت مجریان (سخنران، مؤذن، مداح و...) است. در انتخاب افراد برای اجرای برنامه‌ها، یکی از ویژگی‌های اصلی که مورد توجه قرار می‌گرفت، دانستن قرآن و آشنایی با احکام و معارف دینی بود.

۵. دسترسی آسان به برنامه‌ها

قرار گرفتن مسجد در مرکز محله و در نتیجه نزدیکی نسبی بیشتر همه منازل به مسجد از امتیازات یک مسجد است. تداوم در برگزاری ادعیه و فعالیت‌های غیرنیایشی و فرهنگی و مقطعی نبودن آنها از شاخص‌های این مؤلفه است. رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «اگر خانه از مسجد دور باشد، به طوری که در آن صدای اذان و اقامه شنیده نشود، شوم و نامبارک است».^۴

۱. نوبهار، ۱۳۷۶.

۲. تفسیر نور، ج ۵، ص ۵۳.

۳. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۴۵، ح ۷۴۱، «ما ساء عمل قوم قط الا زخرفوا مساجدهم».

۴. بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۱۸۸، ح ۴۰.

شاخص دیگر در مؤلفه در دسترس بودن، خدمات اینترنتی یا شبکه‌ای است. با توجه به پیشرفت‌های فناوریانه اخیر، یکی از حوزه‌هایی که مساجد باید وارد شوند، ورود به فضای مجازی است. یکی از مشکلات جدی در فضای مجازی کشور کمبود شدید و مشهود اطلاعات و محتواهای دیجیتالی است که با زبان فارسی در اختیار کاربران قرار گیرد.

نشریه دیواری مسجد را نیز می‌توان به صورت مجازی منتشر نمود. تشکیل گروه‌های خبری، راه‌اندازی کتابخانه دیجیتالی مسجد، برگزاری کلاس‌های آموزشی، ایجاد سایت مشاوره و پاسخ‌گویی به شبهات و سؤالات شرعی، ارسال محتوا و پیام به تلفن همراه و پست الکترونیکی از جمله اقداماتی است که مساجد می‌توانند در فضای مجازی انجام دهند.^۱

۱. موظف رستمی، ۱۳۸۹.

جدول ۷: کیفیت برنامه‌ها و خدمات

شاخص‌ها	مؤلفه‌ها
بر خورد مؤدبانه، محترمانه و نیکو	تعامل
همدلی: توجه به تنوع مخاطبان و مشکلات، نیازها و علایق آنها و رسیدگی به مشکلات آنها	
ارزش محوری و شرع‌محوری: رعایت ارزش‌های دینی و احکام شرعی مسجد در برخوردها	
پاسخ‌گویی (با علاقه) و رسیدگی به انتقادهای	
وجهه یا شهرت معنوی امام مسجد و دست‌اندرکاران	
مسئولیت محلی: رعایت حقوق همسایگان	
رفتار فعال سیاسی و بی‌طرفانه از نظر حزبی و قومی: رفتار فعال سیاسی مبتنی بر رهنمودهای ولی فقیه در راستای حمایت از نظام اسلامی به شرط عدم معرفی و تبلیغ علنی به نفع یک حزب یا کاندیدای خاص	
تعقل‌گرایی و پرهیز از خرافات و عوام‌زدگی	
وجود آرامش و امنیت روانی: عدم وجود سر و صدا و قیل و قال و نبود جدل و درگیری بین افراد و حفظ آرامش عبادی فضای مسجد	
شاخص‌ها	مؤلفه‌ها
تداوم در برگزاری نمازهای جماعت: بدون تعطیلی و به پیش‌نمازی امام مسجد در نمازهای پنج‌گانه	اطمینان برگزاری نماز (و برخی ادعیه)
بموقع بودن (بدون تاخیر)	
نظم و آداب ظاهری: مانند صحت قرائت امام، نظم در صفوف، قرائت آهسته مأمومین	
اختصار و اعتدال در سرعت	
احساس وجود جذابیت معنوی در نماز امام مسجد و قرائت دلنشین آن	

مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
کیفیت عوامل ظاهری و محسوسات	بهداشت، نظافت و مرتب بودن
	آراستگی ظاهر امام مسجد و دست‌اندرکاران
	خوش‌بو و معطر بودن فضا
	سادگی، جذابیت و زیباشناختی معماری: عدم استفاده از تجملات در عین بهره‌گیری از معماری ایرانی - اسلامی
	وجود امکانات و تجهیزات: تاسیسات گرمایش و سرمایش، سیستم روشنایی و صوتی، قفسه، کفش‌داری
	مساحت کافی ساختمان و فضاهای اصلی و جنبی (داشتن گنجایش لازم برای آقایان و خانم‌ها)
	محور بودن شبستان و محلّ عبادت در طراحی و معماری مسجد
	رعایت احکام شرع در ساختمان و فضای مسجد مانند عدم نصب تصویر در مسجد
	فناوری به‌روز: رایانه، پروژکتور و ...
کیفیت مجریان (سخنران، مداح، مؤذن، مکتب و...)	دانش یا مهارت مرتبط
	شهرت علمی یا اخلاقی
	صدای خوش (مؤذن، مداح و مکتب)
	تعداد یا تنوع مجریان (به کارگیری افراد مختلف)
در دسترس بودن	مکان مسجد: قرار داشتن مسجد در مرکزیت محله یا در یک فاصله نزدیک
	ساعات باز بودن درب مسجد
	تداوم در برگزاری قرائت قرآن و ادعیه
	تداوم در برگزاری فعالیت‌های غیرنیایشی: فرهنگی، آموزشی و ...
	خدمات اینترنتی یا شبکه‌ای: سایت و وبلاگ، ارسال پیام‌های دینی اخلاقی از طریق پیلمک

« د) جذب حداکثری و آثار آن

اصطلاح جذب حداکثری از بیانات مقام معظم رهبری اقتباس شده است. در الگوی تدوین شده، جذب حداکثری در دو عامل رشد حضور و وفاداری دیده شده است.

رشد حضور:

به افزایش حضور مراجعان و داوطلبان فعالیت در مسجد از نظر زمان و فراوانی دفعات حضور، آن هم از گروه‌های سنّی مختلف به ویژه نوجوانان و جوانان به تفکیک جنسیت اشاره دارد.

وفاداری:

به تمایل فرد به خرید مجدد یا مراجعه مجدد به شرکت یا سازمانی برای استفاده از محصولات یا خدمات آن اشاره دارد. وفاداری به دو نوع «نگرشی» و «رفتاری» تقسیم شده است.

الف) وفاداری نگرشی؛ به علاقه فرد به محصولات یا خدمات یک سازمان و میزان معرفی و توصیه آن به دیگر افراد برای خرید مربوط است.
ب) وفاداری رفتاری؛ به حجم (میزان) خرید در هر بار و تعداد دفعات خرید اشاره دارد. کاووسی، معتقد است تأمین کیفیت محصولات و خدمات ابتدا باعث ایجاد رضایت در مصرف کنندگان آنها و در نهایت موجب وفاداری مصرف کنندگان خواهد شد.^۱

جذب حداکثری در مساجد

جذب و حضور حداکثری در مساجد از توصیه‌های دین اسلام است. همان‌طور که در رساله‌های مراجع تقلید در اهمیت نماز جماعت نوشته شده است، هر چه تعداد افراد در نماز جماعت به خصوص تا بیش از ده نفر افزایش یابد، فضیلت آن بالاتر می‌رود.

۱. کاووسی، ۱۳۸۴.

عوامل جذب جوانان به مسجد

عوامل اصلی جذب جوانان در چهار عامل کلی تر بیان شده‌اند:

۱. **امام جماعت:** امام جماعت باید دارای خصوصیات زیر باشد: ثابت بودن، توانایی علمی، نظم، بیان ساده و شیوا، خلاقیت، دوستی با جوانان و نوجوانان، احترام و تواضع، آراستگی ظاهری، توانایی جسمی، دارا بودن دانش لازم، درک موقعیت سنی جوانان.

۲. **مسجد:** فضای مناسب و ظاهر خوب آن، نظافت، وسایل صوتی، گرمای و سرمازا، ایجاد امکانات فرهنگی ورزشی، استفاده از افراد خوش صدا، تصمیم‌گیری متمرکز.

۳. **هیئت امناء:** همکاری جدی، تقسیم کار، تأمین بودجه، توجیه جوانان و نوجوانان، اهتمام به مسئله جوانان، استفاده از تخصص‌های متفاوت.

۴. **سایر عوامل:** ترجمه و توضیح اذکار و دعاها، آشنا کردن جوانان به فلسفه اعمال عبادی، اخلاق و رفتار نمازگزاران، جذب از طریق دوستان، خادم، رفع مشکلات، تشویق و اعطای جایزه (برای حضور در مسجد)، برگزاری نمایش، نمایشگاه، اردو، مسابقات و ورزش از دیگر عوامل جذب جوانان و نوجوانان است.^۱ حضور شخصیت‌های موجه و محبوب جوانان در مسجد، برخورد مناسب، بیان مباحث مورد نیاز جوانان و تشویق نیز از دیگر راهکارهای ارائه شده در جذب جوانان به مسجد است.^۲

۱. رضایی بیرجندی، ۱۳۸۲.

۲. محمدی، ۱۳۸۳، ۳. منظور از داوطلبان افرادی است که به صورت داوطلبانه و رایگان به انجام امور مسجد می‌پردازند.

جدول ۸: جذب حداکثری

مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
رشد حضور	رشد تعداد حضور: حضور گروه‌های سنتی مختلف از مراجعان و داوطلبان ۳ فعالیت در مسجد شامل کودکان، نوجوانان، جوانان، میان‌سالان، پیران به تناسب و به تفکیک جنسیت و حضور اقشار مختلف اجتماعی شامل افرادی از سطح تحصیلات مختلف و طبقات مختلف اجتماعی و سلیق مختلف
	رشد زمان حضور: مداومت بر حضور، مدت زمان حضور در هر بار مراجعه
دست‌اندر کاران و وفاداری (مراجعان)	علاقه به حضور در برنامه‌های نیایشی یک مسجد
	میزان معرفی و توصیه یک مسجد به دیگران
	علاقه به حضور در برنامه‌های غیرنیایشی یک مسجد
	علاقه به انجام فعالیت داوطلبانه در مسجد
	عشق و علاقه به امام مسجد

« مبحث هفتم: تحوّل و تعالی مسجد

در این نوشتار، آثار تحوّل و تعالی مسجد در سه مؤلفه عاطفی - احساسی، شناختی - عقیدتی و رفتاری تعریف شده است:

مؤلفه احساسی - عاطفی

احساسات یا مثبت‌اند یا منفی یا خنثی. احساسات مثبت، بیانگر حالات مساعد و خوشایند است و احساسات منفی بیانگر وضعیّت ناخوشایند. وضعیّت‌هایی که احساسات منفی را ایجاد می‌کنند، بیش از احساسات مثبت بر تفکر و انرژی فرد تأثیر می‌گذارند.^۱ امنیت و آرامش محیط درون مسجد از توصیه‌های دین اسلام است. قرآن می‌فرماید: «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ».^۲

مؤلفه شناختی - عقیدتی

مؤلفه بعدی، مؤلفه شناختی - عقیدتی است با سه شاخص ۱- تحکیم عقاید و باورهای فردی و اجتماعی، ۲- حلّ سؤالات و چالش‌های شناختی، ۳- افزایش آگاهی دینی و اجتماعی بیان شد. باورها چیزی بیش از علم و آگاهی هستند. در باور، تنها علم و آگاهی مطرح نیست، بلکه مرحله‌ای است که در جان آدمی رسوخ می‌کند و اعتقاد قلبی او را شکل می‌دهد. از انضمام دانش با گرایش، ایمان و باور حاصل می‌شود و قوام ایمان نیز به همین گرایش قلبی است.^۳

مؤلفه رفتاری

این مؤلفه دارای دو شاخص «رفتار فردی» و «رفتار اجتماعی» است. عناصری، مانند داشتن ظاهر دینی، پای‌بندی به دستورات دین، کاهش رفتارهای منفی و افزایش رفتارهای مثبت، پرهیز از سیئات و افزایش حسنات شاخص رفتار فردی است و عناصری چون معاشرت و مشارکت در فعالیّت‌های دینی، کنترل اجتماعی

۱. قلی پور، ۱۳۸۶.

۲. بقره، آیه ۱۲۵.

۳. پیروز و همکاران، ۱۳۸۵.

(امربه معروف و نهی از منکر) و ایجاد اجتماع اخلاقی، تقویت بنیان خانواده، اصلاح رفتارهای فرهنگی، همبستگی و انسجام اجتماعی، ارتقای فرهنگ خیررسانی و یاری رسانی و ایثار، پرورش روحیه دفاع از مظلوم و عدالت خواهی، تقویت هویت انقلابی و استقلال فرهنگی، عناصر رفتار اجتماعی را شکل می دهند.

جدول ۹: تحوّل و تعالی

مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
احساسی-عاطفی	احساسات مثبت: صبر، امید به زندگی و رضایت، نشاط، آرامش و احساس امنیت، احساس قدرت، لذت معنوی
	برقراری روابط عاطفی پایدار: احساس تعلق گروهی، نوع دوستی و مهرورزی، روحیه اخوت و وحدت، ایجاد الفت بین اعضای خانواده‌ها و همسایه‌ها
	انس با مسجد: دلبستگی و وابستگی عاطفی به مسجد
	تقویت عشق و ایمان به پروردگار متعال و معصومان (علیهم السلام)
شناختی-عقیدتی	تحکیم عقاید و باورهای فردی و اجتماعی: معنای جدید برای زندگی، خوش بینی به جهان، تسلیم، توکل، ارزش‌های درونی شده، اعتماد به دیگران
	حلّ سؤالات و چالش‌های شناختی
	افزایش آگاهی دینی و اجتماعی
رفتاری	فردی: ظاهر دینی، پای بندی به دستورات دین، کاهش رفتارهای منفی و افزایش رفتارهای مثبت، پرهیز از سیئات و افزایش حسنات
	اجتماعی: معاشرت و مشارکت در فعالیت‌های دینی، کنترل اجتماعی (امربه معروف و نهی از منکر) و ایجاد اجتماع اخلاقی، تقویت بنیان خانواده، اصلاح رفتارهای فرهنگی، همبستگی و انسجام اجتماعی، ارتقای فرهنگ خیررسانی و یاری رسانی و ایثار، پرورش روحیه دفاع از مظلوم و عدالت خواهی، تقویت هویت انقلابی، استقلال فرهنگی

عناصر محیطی تأثیر گذار بر تعالی مسجد

الف) حوزه‌های علمیه، سازمان‌های بالادستی و همکار و واحدهای محلی

عوامل محیطی متغیرهایی هستند که به طور عموم، خارج از حیطه سازمان (خارج از کنترل مدیران سازمان) شکل می‌گیرند و به صورت بالفعل یا بالقوه بر بخشی یا تمامی سازمان تأثیر گذارند. برای سازمان‌ها دو محیط تعریف شده است: محیط عمومی و محیط اختصاصی.

در کتاب احکام، مسجد ذیل آیه ۱۰۹ سوره توبه «أَفَمَنْ أُسِّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أُسِّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَأَنْهَارٌ بِهِ فِي نَارٍ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» چند نکته مهم مطرح شده که به شرح زیر است:

۱- نظارت بر مساجد، امری مطلوب و لازم است.

۲- تقویت مساجد در جهت دست‌یابی به اهداف ارزشی امری ضروری است و منع از عملکرد و فعالیت‌های افراد فرصت‌طلب تحت عنوان مدیریت، لازم است. این مطلب از نوع پرسشی که در آیه به کار رفته است، استفاده می‌شود.

۳- از مقایسه دو مسجد استفاده می‌شود که آنچه مساجد را از یکدیگر متمایز می‌کند، ذاتیت آنها نیست، بلکه به مدیریت، انگیزه‌ها و اهداف مدیران مساجد برمی‌گردد؛ پس مسئولان و اولیای امور در صورت احراز نیت شوم سازندگان، می‌توانند از همان مراحل اولیه، مانع ساخت چنین مسجدی شوند.

همچنین، در کتاب احکام، مسجد در ذیل آیه ۱۱۴ سوره بقره «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» نیز آمده است از عبارت «أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ» چنین آمده است:

از این آیه گونه استفاده می‌شود که مدیریت مساجد و فعالیت‌های درون مساجد باید به گونه‌ای باشد که هر فرد خائن به سهولت نتواند به این اجتماع ارزشمند رخنه کند و تحقق این امر هم جز در پرتو یک نظارت مستمر و مدیریت منسجم امکان‌پذیر نیست و این مدیریت منسجم با مشارکت همه مؤمنان به

ویژه اداره‌کنندگان مسجد؛ یعنی امام جماعت و متولیان و دیگر دست‌اندرکاران میسر خواهد شد و از همین نکته می‌توان به‌طور تلویحی، لزوم نظارت حکومت اسلامی بر فعالیت مساجد را استفاده کرد.

موضوعی که باید در اینجا بدان پرداخت، «عزل و نصب ائمه جماعت» در جامعه اسلامی است. در اصل، عهده‌داری منصب امام جماعت به خودی خود منوط به اذن حاکم اسلامی نیست.

مراجعه به متون فقهی تشیع و تسنن نشان می‌دهد که هیچ فقیهی شرط عهده‌داری امامت مسجد را منصوب شدن از سوی حاکم نمی‌داند. بلکه شهید ثانی رحمته‌الله در رساله‌ای که پیرامون نماز جمعه نگاشته، تصریح کرده است که: «به اجماع مسلمانان، امامت نماز جماعت مشروط به اذن امام نیست».^۱

ولی این بدان معنا نیست که حاکم اسلامی حق مداخله در عزل و نصب ائمه جماعات مساجد را نداشته باشد. مقتضای ولایت عام حاکم اسلامی آن است که بتواند در این زمینه دخالت کند. البته اعمال ولایت در این زمینه الزامی نیست؛ چون امامت جماعت برخلاف امامت جمعه، منصب نیست. هرگاه مردم خود، امامی را برگزینند و به وی اقتدا کنند، کافی است و نیازی به نصب از سوی حاکم اسلامی نیست. مشروعیت دخالت حاکم اسلامی در زمینه نصب ائمه جماعات مساجد افزون بر آنکه مقتضای ادله ولایت عامه است توسط برخی فقها تصریح شده است. ابوالصلاح حلبی (۳۴۷ - ۴۴ ق) در کتاب کافی می‌نویسد:

شایسته‌ترین فرد برای امامت نماز جماعت، امام امت یا کسی است که از طرف وی نصب شده باشد. قاضی ابن‌براج در کتاب *مُهَذَّب* آورده است: «هرگاه کسی که امام او را [برای امامت جماعت] نصب کرده، حاضر باشد، کسی نمی‌تواند بر او پیشی بگیرد». نتیجه آنکه گرچه عهده‌داری امامت جماعت به خودی خود مشروع است و نیازی به نصب امام جماعت از سوی حاکم اسلامی نیست، ولی حاکم اسلامی چنانچه مصلحت بداند، می‌تواند در عزل و نصب امامان جماعت

^۱ . عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، رساله فی صلاه الجمعه، ص ۶۶.

مداخله کند.^۱

مسجد دولتی یا دولت مسجدی؟

در رابطه با «دولتی شدن مساجد» نیز، در تحقیقی که توسط حجت‌الاسلام قدوسی و در سازمان تبلیغات اسلامی انجام شده است، ۹۷ درصد از خبرگان مشارکت‌کننده در تحقیق، با دولتی شدن کامل امور مساجد به شدت مخالف هستند. ۵۴/۵ درصد نیز با این رویکرد موافق‌اند که دولت فقط بسترهای لازم برای حضور بیشتر مردم را فراهم سازد.

در بُعد حوزه‌های علمیه، سازمان‌های بالادستی و همکار و واحدهای محلی به عنوان یکی از عناصر محیطی سه مؤلفه در نظر گرفته شد: روابط حمایتی، نظارتی، و توزیع اطلاعات. شاخص‌های روابط حمایتی عبارت‌اند از: مشاوره و آموزش، هدایت و جهت‌دهی راهبردی و عملیاتی، کمک و همکاری، میانجی‌گری و رفع مناقشات داخلی مسجد و ارزیابی و تشویق. روابط نظارتی شامل سه مؤلفه نظارت، مداخله مؤثر و ثبت رسمی است. مؤلفه سوم، یعنی توزیع اطلاعات، شامل شبکه‌سازی مجازی و تهیه پورتال مساجد و تبادل اطلاعات کاری بین سازمان‌ها و مساجد است.

^۱. نوبهار، مجله میراث جاویدان.

جدول ۱۰: روابط حوزه‌های علمیه، سازمان‌های بالادستی، سازمان‌های همکار و واحدهای محلی با مسجد (حوزه‌های علمیه، مرکز رسیدگی به امور مساجد، سازمان اوقاف، سازمان تبلیغات اسلامی،

مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
روابط حمایتی (اختیاری و در صورت تمایل و موافقت مساجد)	<p>مشاوره و آموزش: ارائه حمایت‌های آموزشی به مساجد، مشاوره و تسهیم تجربیات، راهنمایی جهت اداره هر چه بهتر مسجد، آموزش طلاب جهت تربیت ائمه جماعات</p>
	<p>هدایت و جهت‌دهی راهبردی و عملیاتی: شناسایی جهت‌گیری‌های مورد نیاز جامعه در برنامه‌های مساجد، تعریف چشم‌انداز، راهبردها و خط‌مشی‌های کلان مساجد، تعریف شرح وظایف امام مسجد و دست‌اندرکاران</p>
	<p>کمک و همکاری: کمک و رفع نیازهای همدیگر و همکاری در ارائه برنامه‌ها و خدمات مختلف، ارائه کمک‌های مالی و مادی و تامین ائمه جماعات برای مساجد در صورت درخواست آنها، حمایت از مساجد</p>
	<p>میانجی‌گری و رفع مناقشات داخلی مسجد: ایفای نقش سازمان‌های بالادستی به مثابه مرجع حل اختلاف بین امام، دست‌اندرکاران و جماعت مسجد در صورت مراجعه آنها</p>
	<p>ارزیابی و تشویق: ارزیابی و سنجش فعالیت‌ها و نتایج اقدامات مسجد و تعیین نقاط قوت و ضعف آنها، تشویق مساجد موفق، معرفی مساجد موفق در صداوسیما</p>
روابط نظارتی	<p>نظارت: نظارت بر فعالیت‌های مساجد به دلایل مختلف از جمله پیش‌گیری از انجام فعالیت‌های خلاف شرع و قانون، یا ایجاد انحرافات دینی و اجتماعی و یا ورود افراد فاقد صلاحیت علمی-اخلاقی به حوزه اداره مسجد، پیشگیری از تبدیل مسجد به عنوان پایگاه تبلیغات سیاسی یک حزب سیاسی، نظارت بر موقوفه‌ها</p>
	<p>مداخله مؤثر: تذکر شفاهی یا کتبی، عزل یا نصب امام مسجد و امنا در صورت انجام اقدامات بند قبلی و یا ضعف شدید آنها در اداره مسجد که باعث نارضایتی مأمومین شده است</p>
توزیع اطلاعات (اختیاری)	<p>شبکه‌سازی مجازی: ایجاد شبکه مجازی بین مساجد جهت انتقال اطلاعات و تجربیات بین آنها</p>
	<p>تبادل اطلاعات کاری بین سازمان‌ها و مساجد</p>

ب) بافت محلی

بافت محلی از دیگر عناصر محیطی است که بر مسجد تأثیرگذار و از مسجد تأثیرپذیر است. محله از خانه‌های مجاور هم در یک فضای جغرافیایی تشکیل می‌شود. خانواده‌ها نسبت به محله خود، همان احساس خانه مسکونی را دارند و با ورود به محله، خود را در یک محیط آشنا و خودی مثل خانه روبه رو می‌بینند. محله از تجمع، پیوستگی کم یا زیاد، معاشرت نزدیک، روابط مستحکم همسایگی و اتحاد و مشارکت غیررسمی میان گروهی از مردم به وجود می‌آید.^۱ پنج مؤلفه برای بافت محلی در این تحقیق در نظر گرفته شده است؛ یعنی بافت اجتماعی، مذهبی، فرهنگی، سیاسی و فناورانه.

جدول ۱۱: بافت محلی

مؤلفه‌ها	توضیحات
مذهبی	سطح دین‌داری و پای‌بندی به دستورات دینی یا ظواهر دینی، میزان مشارکت در مراسم، آیین‌ها و فعالیت‌های دینی
فرهنگی	باورها، ارزش‌ها، هنجارها (عادات و آداب و رسوم قومی، قوانین)
اجتماعی	پایگاه اجتماعی (سطح درآمد، تحصیلات و...)، سرمایه انسانی و اجتماعی بالا، میزان مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی محله، فقدان یا پایین بودن سطح فقر، بیکاری، وجود انحرافات اجتماعی، اعتیاد و ...
سیاسی	گرایش‌ها، سلايق و تفکرات سیاسی مربوط به امور داخلی و بین‌المللی غالب در محله
فناوری (تکنولوژیک)	میزان نفوذ اینترنت و وسایل ارتباطی پیشرفته مانند تلفن همراه جهت بررسی میزان نیاز به طراحی سایت مساجد و یا اطلاع‌رسانی از طریق پیامک

۱. مظاهری، فروغ مسجد، ۱۳۸۵.

« نتیجه سخن

مسجد همان‌طور که از نام آن پیداست، محلی برای سجده و عبادت در برابر پروردگار یکتاست. نگاهی به تاریخ گذشته به خصوص در صدر اسلام به ما نشان می‌دهد اگرچه رسالت اصلی مسجد، برگزاری آیین کرنش و نیایش و ارتباط عبادی انسان با خداوند متعال است، ولی هیچ‌گاه کارکرد مساجد فقط به اقامه نماز جماعت و انجام عبادات جمعی محدود نشده است. توصیه و تأکید دین بر انجام اعمال عبادی به صورت جمعی، نشان از اهمیت مزایای جنبی تشکیل اجتماع در بین مسلمانان دارد. در پرتو تشکیل این جماعات، امکان بهره‌برداری‌های مختلف اجتماعی، آموزشی، فرهنگی و غیره برای عامه مردم به وجود می‌آید. تاریخ گواهی می‌دهد که در برهه‌هایی از مسجد، به عنوان مرکز تعلیم و تعلم معارف دینی و حتی علوم بشری، پایگاه اطلاع رسانی، مجلس شور و مشورت سیاسی - اجتماعی، ستاد فرماندهی و سامان‌دهی امور نظامی و محل رسیدگی به امور گوناگون مسلمانان بوده است. به عبارت دیگر، می‌توان چنین بیان کرد که هر زمان که مدیریت بهتری بر این نهاد دینی اعمال شده، از ظرفیت‌ها و کارکردهای بالقوه آن، بهره‌برداری بیشتری شده است. همان‌طور که در تعریف واژه مدیریت، آن را امکان بهره‌برداری بیشتر از ظرفیت‌ها دانسته‌اند، هرچه بخواهیم مسجد به عنوان یک نهاد داوطلبانه، مردمی، غیرانتفاعی و مذهبی در تحقق کارکردهای مختلف اجتماعی - دینی خود، موفق‌تر و اثربخش‌تر باشد، نیاز به مدیریتی توانمند و اثربخش بیشتر احساس می‌شود.

« منابع و مأخذ

- « شیخ الطوسی، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ هـ.ش.
- « نوری، میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل‌البیت (عج)، ۱۴۰۸ هـ.ق.
- « عاملی (شهیدثانی)، زین‌الدین بن علی، رساله فی صلاه الجمعه، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۱ هـ.ق.
- « مجلسی، محمّدباقر، بحارالانوار، انتشارات دارالتراث، ۱۴۰۳۰ هـ.ق.
- « ابوالقاسمی، محمّدجواد، امام و مأموم در جلوه‌گاه حضور، تهران، نشر یاس کبود، چاپ دوم، ۱۳۷۸ هـ.ش.
- « آذربایجانی، مسعود، روان‌شناسی دین، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷ هـ.ش.
- « آزاد ارمکی و تقیو غیاثوند، احمد، جامعه‌شناسی تغییرات فرهنگی در ایران، تهران، ۱۳۸۳ هـ.ش.
- « باباشاهی، علی و محمّدرضا، حشمتی، راهنمای ساخت مسجد، تهران، مؤسسه عمران مساجد، ۱۳۸۰ هـ.ش.
- « پیروز، علی‌آقا و همکاران، مدیریت در اسلام، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵ هـ.ش.
- « حسن‌زاده، علیرضا، مدیریت منابع اطلاعات، تهران، نشر مدیر فلاح، ۱۳۸۴ هـ.ش.
- « رابینز، استیفن پی، مبنای رفتار سازمانی، ترجمه: دکتر علی پارسائیان و سید محمّد اعرابی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۶ هـ.ش.
- « رضایی بیرجندی، علی، جایگاه مسجد در فرهنگ اسلامی، تهران، مؤسسه فرهنگی ثقلین، ۱۳۸۲ هـ.ش.
- « رضاییان، علی، اصول مدیریت، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۲ هـ.ش.
- « ستوده، هدایت‌الله، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، تهران، نشر ندای آریانا، ۱۳۸۴ هـ.ش.
- « سلطان‌زاده، حسین، روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، تهران، نشر آگاه، ۱۳۶۲ هـ.ش.
- « سلیمی، علی و محمّد داوری، جامعه‌شناسی کجروی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶ هـ.ش.
- « شاکری، سیدرضا و حیدر محمّدی، حدیث مسجد، تهران، ستاد عالی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد، ۱۳۸۱ هـ.ش.
- « شجاعی زند، علیرضا، مدلی برای سنجش دین‌داری در ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۶، ش ۱، ۱۳۸۴ هـ.ش.
- « صبوری، منوچهر، جامعه‌شناسی سازمان‌ها، تهران، نشر شب تاب، ۱۳۷۹ هـ.ش.
- « عابدی، جعفری حسن و همکاران، طراح‌ی مدل مطلوب کارکرد و مدیریت مساجد در قالب یک سازمان داوطلبانه مذهبی، فروغ مسجد ۴، تهران، مؤسسه فرهنگی ثقلین، ۱۳۸۵ هـ.ش.
- « غفاریان، وفا، شایستگی‌های مدیریتی، تهران، سازمان مدیریت صنعتی، ۱۳۷۹ هـ.ش.
- « قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، دفتر نشر مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۵ هـ.ش.
- « قلی‌پور، آری، مدیریت رفتار سازمانی (رفتار فردی)، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۶ هـ.ش.
- « کریتنر، رابرت و آنجلو، کینیکی، مدیریت رفتار سازمانی، ترجمه: علی اکبر فرهنگی و حسین صفرزاده، تهران، پیام پویا، ۱۳۸۶ هـ.ش.
- « کیوی، ریمون و کامپنهود، لوک وان، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، نشر توتیا، ۱۳۸۸ هـ.ش.
- « محسنی، منوچهر، بررسی در جامعه‌شناسی فرهنگی ایران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۸۶ هـ.ش.
- « محمدی، محسن، مسجد، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۳ هـ.ش.
- « مرکز رسیدگی به امور مساجد، فروغ مسجد (مجموعه مقالات برگزیده سومین همایش

بین‌المللی هفته جهانی گرامی‌داشت مساجد)، تهران، مؤسسه فرهنگی ثقلین، شماره‌های ۲، ۳، ۴ و ۵، ۱۳۸۵ هـ.ش.

- « مرکز رسیدگی به امور مساجد، مدیریت مسجد، قم، انتشارات ثقلین، ۱۳۸۶ هـ.ش.
- « موسوی الخمینی، سید روح‌الله، صحیفه نور، مؤسسه چاپ و نشر آثار حضرت امام خمینی ره.
- « _____ تحریر الوسیله، قم، نشر اسماعیلیان.
- « موظف رستمی، محمدعلی، آیین مسجد، تهران، نشر گویه، جلد اول، دوم و سوم، ۱۳۸۱ هـ.ش.
- « _____ روش‌های جذب نوجوانان و جوانان به مسجد و نماز جماعت، کرج، نشر پرهیب، ۱۳۸۷ هـ.ش.
- « _____ نقش فضای مجازی و سایبر در برنامه‌ریزی فعالیت‌های فرهنگی تبلیغی مساجد، مدارس و مراکز فرهنگی، کرج، انتشارات پرهیب، ۱۳۸۹ هـ.ش.
- « نبوی، محمد، مدیریت اسلامی، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۵ هـ.ش.
- « نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، قم، نشر مؤلف، ۱۳۷۲ هـ.ش.
- « _____ مسجد نمونه، تهران، انتشارات ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۶ هـ.ش.
- « _____ نقش نظام اسلامی در مدیریت مساجد و میزان اختیارات واقف در اداره امور مسجد، مجله میراث جاویدان، سال ۶، شماره ۳ و ۴، ۱۳۸۶ هـ.ش.
- « هرسی پال و کنث بلانچارد، مدیریت رفتار سازمانی: کاربرد منابع انسانی، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۵ هـ.ش.
- «

منابع لاتین

- » Herman Robert & David Renz 2004. Doing things right: Effectiveness in local NPOs; A panel study, Public Administration Review, 64(6).
- » Hudson Mike 1995. Managing without profit: The art of managing third sector organizations, London, Penguin Group.
- » Kushner Roland and Peter Poole 1996. Exploring structure-effectiveness relationships in nonprofit arts organizations, Nonprofit Management & Leadership (2).
- » Mosque Excellence System Assessment Questionnaire 2008. Portal for Mosques in Singapore.

مسجد، محلی برای برنامه‌ریزی شهری در چشم‌انداز ۱۴۰۴

محمد کرمی و رهام جباری

چکیده

بعد از انقلاب اسلامی، دولت‌مردان برای اداره بهتر جامعه و به دست آوردن دیدگاهی کلان و درازمدت برای کشور، سندی با نام چشم‌انداز ۲۰ساله کشور از ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۴ تهیه کردند. بر اساس این سند، کشور ایران در پایان این دوران در موقعیت‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... رتبه نخست منطقه خواهد بود و موقعیت ویژه‌ای در سطح بین‌الملل خواهد داشت. در این میان، ابزارها و روش‌های دست‌یابی به هدف‌های چشم‌انداز، از مهم‌ترین ضروریات‌ها به شمار می‌رود. برای دست‌یابی به هدف‌های سند، یکی از راه‌ها، طرح‌های توسعه است؛ از جمله طرح‌های توسعه شهری در مقیاس خرد، طرحی به نام «طرح‌های استراتژی توسعه شهری (CDS)» است که برای رسیدن به جامعه‌ای آرمانی، نقشه‌ای برای دیگر نهادها و بخش‌ها پیشنهاد می‌دهد. در ادامه مقاله به اهمیت مسجدها در این طرح‌ها می‌پردازیم و ایجاد کیفیت محیط شهری مطلوب و راه‌های دست‌یابی به آن را، با توجه به نقش مسجدها در راستای طرح‌های CDS در جامعه ایرانی و شهری، توضیح می‌دهیم.

واژگان کلیدی:

مسجد، سند چشم‌انداز، طرح‌های توسعه شهری، توسعه محله‌ای، مشارکت مردمی، CDS.

مسجد، عبادتگاه خاصّ مسلمانان است که قرآن، کتاب الهی، از زاویه‌های مختلفی به آن اشاره کرده است. مسجد، همواره از سوی شارع مقدّس اسلام و جمع‌های مسلمانان مورد عنایت و توجّه بوده است. بنابراین، به صراحت می‌توان گفت که مسجد، به عنوان کالبد و فضای عبادتگاه خاصّ مسلمانان اهمّیت ویژه‌ای دارد.

در طول تاریخ ایران، همواره حاکمان و مردم به مسجد توجّه کرده‌اند. در دوران حاضر، نه تنها از اهمّیت آن با توجّه به تنوع کاربری‌های شهری کاسته نشده است، بلکه با تجدیدنظر در روند کاربری آن در حکومت فعلی، تنها مکان عمومی مسلمانان (غیردولتی و غیرخصوصی)، با خصوصیت‌های خاصّ خود است. در ایران، به دلیل رشد جمعیت، گسترش شهرها و مهاجرت گسترده به خصوص از ۱۳۴۵ به بعد، رشد شهرهای کشور به حالت انفجاری و لجام گسیخته بوده است. بعد از پیدا کردن مشکل‌های موجود و راه‌حل آنها، مسئولان شهری برای اداره و کنترل بهتر شهر، طرح‌های توسعه شهری را راه‌حل مشکل‌ها دانستند. سند چشم‌انداز ۲۰ساله کشور، برای رسیدن به رتبه ممتاز در منطقه و جهان، هدف‌های متنوعی را در بندهای مختلفی ارائه کرده است.

شهر و شهرسازی ایران، همواره به مسجد توجّه ویژه‌ای شده است و انسان‌های زیادی، شهرهای ایران را به دلیل وجود مسجدهای معروفشان می‌شناسند. طرح‌های توسعه شهری یا همان استراتژی توسعه شهری (CDS)، جدیدترین روش برنامه ریزی شهری در جهان است که برنامه ریزی در سطح خرد را مدّ نظر دارد. این طرح، برنامه ریزی از بالا به پایین را ردّ می‌کند. این نوع برنامه ریزی شهری، به جماعت کوچک و اجتماع‌های محله‌ای توجّه ویژه‌ای دارد. در این برنامه ریزی، به صورت خلاصه، نظریه‌ها و عقیده مردم اجتماع‌های محلی، اساس طرح‌های شهری است. «برنامه ریزی با مردم و برای مردم» است. در جامعه‌های شهری ایرانی، به دلیل محدودیت «مکان‌های تجمع مردم»، مسجد تنها و مهم‌ترین مکان عینی تجمع مردم است. مسجد، می‌تواند محلّ تجمع

مردم و اظهار نظر شهروندان در زمینه مسئله‌ها و مشکلات خود و جامعه باشد. در حال حاضر، مسجد، بهترین مکان برای اتحاد مردم شهرها است.

سند چشم‌انداز ۲۰ساله جمهوری اسلامی ایران

برنامه ریزی، فرآیندی است که از گذشته، تاریخی پرشکوه و طولانی داشته است. در گذشته بسیار دور، انسان‌ها نخستین حرکت‌های خود را با برنامه ریزی نیمه‌آگاهانه آغاز کردند و اکنون که جهان درگیر مشکلات جامعه بشری است، اهمیت نقش برنامه و برنامه ریزی دوچندان شده است.

بعد از انقلاب اسلامی و با توجه به آسیب‌های برجای‌مانده از گذشته، برای سرعت‌بخشیدن به خدمات‌رسانی به مردم، برنامه‌ها و طرح‌های فراوانی انجام شد. در سال ۱۳۸۴، مقام معظم رهبری، سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران را ابلاغ کردند. بندهای مختلف این سند با نظریه‌های کارشناسی و تخصصی و با دقتی خاص تهیه شد که به طور خلاصه از این قرار است:

۱. تأکید مسئولان بر تقویت نظام مردم‌سالاری دینی؛
۲. تقویت روحیه مشارکت‌جویی مردم و تشکل‌های خودجوش آنها در مقاطع مختلف تحوّل‌های سیاسی-اجتماعی؛
۳. توسعه همه‌جانبه کشور با انسان‌محوری و تأکید بر جنبش فناوری؛
۴. تعامل با جهانیان و ارائه الگوی کاملی از کشور توسعه یافته اسلامی به جهانیان.

با توجه به بندهای سند و هدف‌های جامع آن و لزوم توجه مسئولان به آن و آرزوی جامعه ایرانی برای دست‌یابی به سند، این نکته بسیار مهم است که همگان باید چشم‌انداز ۲۰ساله را با دیدی آرمان‌نگر و جامع تأیید کنند. اکنون سؤالی که در اذهان مطرح می‌شود، این است که راه‌های رسیدن به همه هدف‌های برنامه چیست؛ مکانیزم‌ها و عمل‌هایی که باعث رسیدن به هدف می‌شود، چیست؟

مسجد و شهر

در طول زمان شکل گیری شهرها، عملکرد عنصرها و کاربری‌های اصلی بر بافت شهری تأثیرگذار بوده است و در بسیاری از موارد، به خصوص در بافت کهن شهری، بر نظام و کالبد شهر (جهت حرکت نظام‌ها، عملکرد و نقش فضاهای جانبی، بزرگی و کوچکی فضاها و سایر ویژگی‌ها)، تأثیر گذاشته است. در بافت سنتی شهرهای ما، مسجدها و مراکز مذهبی (مانند تکیه) نقشی اساسی در شکل‌دهی فضاها و سلسله‌مراتب شهر داشته‌اند. روند شکل‌گیری و تأثیر مسجد بر بافت و ساخت شهری و به‌طور متقابل تأثیر معماری و شهرسازی بر ساخت مسجد، در بافت همه شهرها قابل‌توجه است. چنین امری حتی در زندگی مادّی و معنوی ساکنان محلّ تأثیر مستقیم داشته است. مسجدها به‌طور عمده در قسمت‌های کلیدی و پرازدحام ساخته شده‌اند و با توجه به قرارگیری آنها در سلسله‌مراتب شهری مهم هستند. در مجموع، مسجدها بر معماری و شهرسازی تأثیر گذاشته‌اند و از آن تأثیر پذیرفته‌اند. در سلسله‌مراتب تقسیم‌های کالبدی شهر، مسجد جامع، نقش محوری دارد و مجموعه شهر را تحت پوشش قرار می‌دهد. مسجد جامع ضمن هویت‌بخشیدن به شهر، تعریف شهر را کامل می‌کند. پس از مسجد جامع در سطح شهر، مسجد دیگری نیز وجود دارد که عملکردش در سطح محلّه است و مکانی ساده‌تر و کوچک‌تر است. ساختار شبکه‌های دسترسی در بافت‌های قدیم شهری، خودبه‌خود و بدون طرح از پیش تعیین‌شده، به شکل تار عنکبوت توسعه یافته است. بازارهای شهر، محور اصلی و مرکز محلّه‌ها نقطه‌های کلیدی شهر هستند که راه‌های ارتباطی را تحت تأثیر قرار داده‌اند؛ به نحوی که همه دسترسی‌های شهر، به بازار و راه‌های دسترسی محلّه به‌میدانچه منتهی می‌گردد. در این ارتباط، مسجدهای مهم شهر (از جمله مسجد جامع و مسجدهای محلّه‌ای دیگر) به‌طور عمده کنار محورهای اصلی، مراکز، محلّه‌ها یا مفصل‌های شهری قرار گرفته‌اند.^۱

^۱. حقیقت، غلامرضا، نقش متقابل مساجد و شهر از دیدگاه شهرسازی، مجموعه مقالات همایش معماری مساجد.

۱. ارتباط مسجد با سایر عملکردهای شهری

امروز، اوضاع به طور کامل دگرگون شده است و مسجدها به طور معمول به صورت منفک از سایر عملکردهای شهری در کنار معبری قرار گرفته‌اند و در مقایسه با سایر فعالیت‌ها، مرکزیت و تسلطی را القاء نمی‌کنند. پس از ظهور انقلاب اسلامی، مسجدها تا حدودی نقش اصلی خویش را در رابطه با سایر فعالیت‌های اجتماعی بازیافتند. گرچه طی مدت کوتاهی، قسمتی از فضای مسجدها، به محل صدور حواله انواع کالاها تبدیل شده بود؛ اما انجام بسیاری فعالیت‌های اجتماعی در آنها (از قبیل بسیج مستضعفان، کتابخانه، کلاس‌های درس، صندوق قرض الحسنه و...)، سبب شد تا مسجدها به سمت ایفای نقش خویش گام بردارند.

به دلیل اینکه بیشتر مسجدها، به‌ویژه مسجدهای احداث شده در دهه‌های گذشته، برای انجام فعالیت‌های اجتماعی طراحی نشده‌اند، به ندرت می‌توانند به صورت جامع، پاسخگوی نیازهای اجتماعی باشند. مسجدها فضای کمی دارند و ارتباط بین فضاها و فعالیت‌های مختلف آنها مناسب نیست؛ در نتیجه، باید در طراحی جدید به این نکته‌ها توجه کرد. نکته دیگر اینکه، مجموعه مسجد و اطراف آن باید به صورتی طراحی شود که نقش اصلی و محوری، به مسجد واگذار شود و سایر فعالیت‌ها با رعایت سلسله‌مراتب و هماهنگی، حول آن استقرار یابند.^۱

۲. مفهوم و تعریف برنامه‌ریزی شهری

برنامه‌ریزی شهری، عبارت است از کوشش اندیشمندان و نظام‌مند برای به‌کارگیری منابع و امکانات جامعه شهری، به بهترین وجه و باصرفه‌ترین صورت ممکن تا بتواند محیطی دلپذیر فراهم کند. برنامه‌ریزی شهری، فرآیندی پویانده و گویاست؛ به دلیل آنکه روابط انسانی، ویژگی‌های پویایی آن را تضمین می‌کند. در این نوع برنامه‌ریزی، با توجه به اقتصاد و عملکرد عوامل شهر، نحوه

^۱ . نقی‌زاده، محمد، مسجد کالبد مسلط بر مجتمع اسلامی، مجموعه مقالات همایش معماری مسجد.

استفاده از اراضی شهر، محله‌بندی، مسکن، ترافیک، فضای سبز و غیره، بررسی می‌شود. هدف از این نوع برنامه ریزی، تأمین رفاه شهروندان، از طریق محیطی بهتر، مساعدتر، سالم‌تر و دلپذیرتر است. افلاطون نیز مکان شهری را چنین بیان کرده است: «شهر، جایی است که انسان‌ها برای نیل به عاقبتی شرافتمندانه به طور مشترک در آن زندگی می‌کنند». به طور کلی، برنامه ریزی شهری، مجموعه‌ای است از پیش‌بینی‌ها جهت رسیدن به نتیجه مطلوب. این نتیجه نهایی بر اساس هدفی اولیه تعیین می‌شود و در نهایت طرح توصیف‌کننده فرآیندها و روش‌های مورد نیاز، برنامه ریزی می‌شود.

۳. معضله‌ها و مشکلات برنامه‌ریزی شهری و طرح‌های توسعه شهری در ایران

الف) مشکلات نظری در طرح‌های توسعه شهری ایران: اقتباسی است از الگوی خطی بر پایه فرآیند سه‌گانه «شناخت، تحلیل و طرح» که بر خردگرایی و مبانی منطقی نظریه کارکردگرایی استوار است. این الگوی نظری، محدودیت‌هایی دارد که نمی‌تواند شناختی همه‌جانبه و دقیق از کلیات حیات شهری و تحولات آن به‌دست دهد.

ب) مسئله‌ها و مشکلات مربوط به حوزه فراشهری (منطقه‌ای-ملّی): نظام برنامه ریزی شهری با نظام حکومتی و حوزه فرادست خود، ارتباطی مستقیم دارد و نمی‌تواند مستقل از این نظام عمل کند. برخی چیزها در نظام شهری تأثیر می‌گذارد؛ مثل: رشد جمعیت، مهاجرت‌های گسترده از روستا به شهر و کلان‌شهرها، بحران‌های مالی و وجود ساختارهای چندگانه اقتصادی؛ بدون آنکه این نظام بتواند به تنهایی آنها را بررسی و تحلیل کند یا به تنهایی بتواند برای آنها تعیین تکلیف کند.

ج) مسئله‌ها و مشکلات نظام تهیّه و تدوین طرح: تجربه برنامه ریزی در جهان، به طور خاص در کشورهای سوسیالیستی، نشان داده است که یک پیش‌بینی درازمدت برای اجزای متنوع حیات اجتماعی کشور وجود ندارد.

۱. شیعه، ۱۳۶۹، ص ۸۷.

۴. مسئله‌ها و مشکلات نظام اجرایی و مدیریتی طرح

طرح‌های توسعه شهری، با توجه به ماهیت آنها، فعالیت با اهداف و وظایفی خاص هستند. تدوین و اجرای طرح، به دو شکل انجام می‌شود؛ از یک سو، تهیه آن به عهده کارشناسان خارج از نظام اجرایی است و از سوی دیگر، اجرای طرح به عهده تشکیلات اداری و اجرایی است که اغلب با هدف‌های برنامه ریزی شده در طرح، همخوانی ندارد. همچنین، ضعف نهادهای اجرایی محلی و محدودیت اختیار و مسئولیت آنها در روند تهیه، تصویب و اجرای طرح، باعث رشد برنامه ریزی متمرکز و دستوری شده است. چنین روندی مانع همکاری نهادها و نیروهای محلی مؤثر در توسعه شهری می‌شود.

راهبرد توسعه شهری یا CDS (Strategy development city)

از زمان شکل‌گیری برنامه ریزی شهری به مفهوم امروزی آن، بیش از یک قرن می‌گذرد و در این مدت اصول روش‌های آن تغییرهای زیادی داشته است. این برنامه‌ها، متناسب با افزایش تجربه برنامه ریزان و دست‌اندرکاران توسعه شهری و همگام با رشد و تغییرات جامعه‌های شهری، تغییر کرده‌اند. نگاهی به سابقه طرح‌های شهری و برنامه ریزی‌های گذشته نشان می‌دهد که طرح‌های جامع و تفصیلی و نیز طرح‌های ساختاری و راهبردی، هر یک تا مدت زیادی، شهرها را در گستره خویش قرار داده‌اند؛ ولی به مرور زمان از نقش و اهمیت آنها کاسته شده است و جای خود را به رویکردی نوین داده‌اند. یکی از این رویکردهای جدید در برنامه ریزی‌های شهری، برنامه ریزی استراتژی توسعه شهری (CDS) است؛ رویکردی که بر مشارکت جمعی تأکید زیادی می‌کند.

برنامه ریزی استراتژیک توسعه شهری، هم‌اکنون در خط رشد قرار گرفته است و انتظار می‌رود در سال‌های آینده، بیشتر شهرهای جهان را دربر بگیرد و به استراتژی فراگیر جهانی تبدیل شود. راهبرد توسعه شهری، برنامه‌ای با ماهیت راهبردی است که هم‌زمان بر تهیه و اجرای سند تأکید می‌کند و تدوین آن بر پایه چشم‌اندازسازی مشارکتی است. مقصود، نوعی سند است که بانک جهانی،

مرکز سکونت گاه‌های انسانی سازمان ملل متحد و سازمان وابسته به آنها (یعنی ائتلاف شهرها) پیشنهاد می‌کنند و ترویج می‌دهند. این سند، وسیله‌ای است که در آن تکنیک‌های مشارکتی به کار گرفته شده است و هدف اصلی آن تأمین توسعه پایدار شهری با ایجاد ظرفیت اجتماعی برای چشم‌اندازسازی مشارکتی و اقدام همگانی است. مبحث فقر شهری و اتخاذ سیاست‌های حمایت از قشرهای فقیر و ارتقای وضعیت آنان، در این سند جایگاه ویژه‌ای دارد. این سند، برای آن تهیه شده است تا رشد شهرها متضمن عدالت اجتماعی نیز باشد که این امر از طریق همکاری و مشارکت افراد جامعه برای ارتقای کیفیت زندگی شهری میسر می‌شود. این سند، بر اساس چشم‌اندازی مشترک، برای ارتقای کیفیت مدیریت و اداره شهری، افزایش میزان سرمایه‌گذاری به منظور بالابردن نرخ اشتغال و کاهش منظم و پایدار فقر شهری تدوین می‌شود.^۱

راهبرد توسعه شهری این خصوصیت‌ها را دارد:

بیشتر فعالیت گراست تا کاربرگرا و با صراحتی بیشتر از برنامه‌های سنتی با تصمیم‌گیری و اجرای برنامه سر و کار دارد.

در این رهیافت، فرآیند برنامه‌ریزی و جرح و تعدیل سیاست‌گذاری‌ها، به دور از رهیافت‌های سنتی است که یک وضعیت نهایی را برای آینده دور در نظر می‌گرفتند.

در این رهیافت، چه در تهیه و چه در مراحل پیشبرد و اجرای طرح، بر مشارکت تأکید شده است.

برنامه‌ریزی، مبتنی بر رهیافت راهبردی، نرمش‌پذیری و توان تطابق با وضعیت ویژه.^۲

در این رهیافت برنامه‌ریزی با مردم، نه فقط برنامه‌ریزی برای مردم است. این نوع برنامه‌ریزی‌ها در واکنش به جدایی برنامه‌ریزی از مردم مطرح شده‌اند.^۳

۱. cities alliance (n/d) cds discussion paper.

۲. دانش پور، فصلنامه مدیریت شهری، ش ۴، تابستان ۱۳۸۲، ص ۱۹.

۳. توسلی محمود، استراتژی توسعه شهری زابل.

توسعه محله‌ای چیست؟

توسعه محله‌ای، اولین و بهترین کوشش در همیاری همسایگان است که طی آن، اشخاص و گروه‌ها در فضای محله‌های کوچک به شناخت و حل مشکلات می‌پردازند. توسعه محله‌ای، تلاشی برای بسیج کردن منابع و دارایی‌های اجتماعی-اقتصادی است تا بتواند کاستی‌ها و مشکلات همسایگان (فرد یا گروهی از ساکنان) را حل کند و سطح رفاه محله را ارتقا دهد. در این چهارچوب، تلاش اصلی ساکنان محله، پیدا کردن راه‌حل برای موضوع‌های مهم محله است که عبارت‌اند از: رفع بیکاری، جلوگیری از گسترش جرم و بزهکاری، اصلاح بافت‌های فرسوده و ناپایدار، پر کردن اوقات فراغت فرزندان و سایر مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در سطح محله. آموزش و ارتقاء توان فنی افراد، از عوامل مهم در توسعه محلی هستند.

شوراها، کانون برنامه ریزی توسعه پایدار محلی هستند. برنامه ریزی برای مسئولان محلی، آنها را تجهیز می‌کند و چهارچوبی فراهم می‌کند تا توسعه پایدار محلی، شهری، منطقه‌ای و سرانجام ملی تحقق یابد. چنین رویکردی به تعامل اجتماعی افراد نیاز دارد. توسعه پایدار شهری از طریق تصمیم‌گیری مشارکتی در سطح محلی امکان‌پذیر می‌گردد؛ زیرا سطح محلی، با نیازهای ملموس و روزمره زندگی افراد سر و کار دارد. در چنین وضعیتی، ساکنان شهر، شورا را متعلق به خود می‌دانند و بر این تصور خواهند بود که بافت و کالبد شهر، مدیران شهر و نظایر آن، طبق خواسته‌های آنها انتخاب شده است.^۲

جایگاه مسجد در توسعه محله‌ای (CDS) و نقش آن در دست‌یابی به چشم‌انداز

۲۰ساله

اکنون، به‌اختصار جایگاه مسجد را در رسیدن به طرح‌های توسعه شهری بررسی می‌کنیم که با توجه به سند چشم‌انداز، در چند زمینه بررسی می‌شود.

۱. NJPPI، ۲۰۰۷: ۲۲.

۲. حاجی‌پور، خلیل، ص ۲۸، ۱۳۸۵.

زمینه‌های تحقق هدف‌های چشم‌انداز از طریق اجرای برنامه‌های CDS با نقش محوری مسجد در ادامه بیان می‌شود:

۱. مشارکت: مسجد، به طور معمول جایگاه طرح مشکلات و نارسایی‌های اجتماعی است و حضور در چنین مکانی، روح تعهد و دردمندی را در افراد می‌دمد. پرورش این رفتار پسندیده در اشخاص، نوعی مبارزه با روحیه بی‌تعهدی و بی‌تفاوتی است؛ یعنی روحیه‌ای که هر گاه در افراد جامعه، به‌ویژه نسل جوان، پیدا شود آسیب‌های اساسی بر امنیت آن جامعه وارد می‌شود. مشارکت، فرآیندی است که طی آن افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها در انجام طرح‌ها و برنامه‌ها با هم به صورت فعال همکاری می‌کنند. تازه‌ترین زمینه مشارکت، مشارکت شهروندان در اداره شهرهاست. این مشارکت، یکی از الزامات زندگی شهری است و هنگامی تحقق می‌یابد که شهرنشینان، از حالت فردی درآیند و به «شهروند» تبدیل شوند. به طور مکرر، در بندهای مختلف چشم‌انداز به مسئولیت‌پذیری افراد و مشارکت آنان در صحنه‌های مختلف جامعه تأکید شده است که نشانگر اهمیت موضع در سند در این خصوص است. همه برنامه‌های کشور و پروژه‌های مملکتی، بدون مردم و مشارکت آنان شکست‌خورده محسوب می‌شود.

مسجد، همواره پایگاهی برای حضور افراد و شهروندان و مکان هم‌فکری به هنگام بروز مشکلات، جمع‌آوری نظریه‌ها و کمک به حل مشکلات بوده است. نمونه عینی آن، هنگام جنگ تحمیلی و مشارکت مردم در این زمانه است. در جمع‌بندی، باید خاطر نشان کرد که مسجد، به خصوص مسجد محله، بستر مناسبی برای ایجاد مشارکت در شهروندان است.

۲. نقش مسجد در امنیت اجتماعی: در مسجد دو گونه رفتار متجلی می‌شود که در تعلیم و تربیت و جهت‌دهی رفتارهای فردی و جمعی انسان‌ها بسیار مؤثر است. جلوه ظاهری مسجد، شامل رفتارها و روابط پسندیده دینی است؛ در حالی که در جلوه پنهانی مساجد، رفتارهای شخصیتی، غیر جمعی و کنترلی رخ می‌دهد. مسجد با برخورداری از کارکرد امنیتی دین، نقش به‌سزایی در مهار

۱. حجتی، ۱۹۹۰.

- و از میان بردن آسیب‌های اجتماعی، به‌ویژه در سطح محله‌ای، ایفا می‌کند و بدین ترتیب، موجب برقراری امنیت در محله‌ها و شهرها می‌شود.^۱
۳. تقویت و توسعه نهادهای منتخب برای اداره شهر و محله از طریق در اختیار گرفتن منابع، درک و ایفای نقش و اداره مناسب محله‌ها.
۴. کمک به برنامه ریزی انسان‌محور، با توجه به نیازهای گروه‌های سنتی، مذهبی و قومی و با موقعیت‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی، در جهت ایجاد توسعه محله‌ای و شهری.
۵. توجه به نقش مسجدها در آموزش (آموزش شهروندی) به عبارت دیگر، توجه به نقش مسجد در آموزش اجتماعی فرهنگ شهری و شهرنشینی برای زندگی بهتر .
۶. تقویت سرمایه‌های اجتماعی و انسانی دارای توانایی و مهارت زیاد در تصمیم‌گیری برای تعیین سرنوشت خود در شهر.
۷. جلوگیری از کم‌رنگ شدن ارزش‌های فرهنگی محله‌ها در مقابل تهاجم فرهنگی بیگانه و ارائه فرهنگ بومی و اصیل مردمی در پایان چشم‌انداز.
۸. انتخاب، انتصاب، حمایت و گزینش افراد اصلح بومی و مردمی برای تصدی مسئولیت‌های محله‌ای و کمک به رشد محله‌ها.
۹. توجه به نقش مسجدها در کمک به برنامه ریزی محله‌ای و شهری؛ مسجدها با اولویت‌بندی مشکل‌های موجود در محله‌ها، برنامه ریزان را از اولویت‌های اصلی مطلع می‌کنند.
۱۰. نقش مسجد در دگرگون‌نکردن بافت‌های قدیمی و اصیل محله‌ها و رسم‌های آنها و ارائه معماری بومی و غیربیگانه و شهرسازی اسلامی به منطقه و جهان.
۱۱. زمینه‌سازی مشارکت بین نهادهای محله‌ای (هسته‌های مردمی) و مقامات محله‌ای با آسان‌کردن کار با مسجدها.
۱۲. کمک مسجد برای شناسایی بافت‌های مسئله‌دار و سعی در جلوگیری و اصلاح اجتماعی و کالبدی.

۱. سجادی، ۳۱.

۱۳. کاستن از بار مسئولیت دولت برای برنامه ریزی شهری.
۱۴. تعیین کمیته‌ای در داخل مسجد، برای بازبینی و نظارت بر طرح‌های اجرایی در سطح محله.
۱۵. کمک مسجدها در افزایش مشارکت مردم با دولت و مشارکت دولت با مردم؛ نمونه چنین کاری در کشور اسلامی مالزی انجام می‌شود و با کمی دقت و تغییر، می‌تواند سرلوحه فعالیت‌های اجتماعی مسجدها باشد.
۱۶. کمک به شناسایی افراد آسیب پذیر جامعه و بازیابی هویت و پتانسیل آنها، همراه با صیانت از شخصیت افراد.
۱۷. ارائه خدمات چندجانبه مسجدهای محله و کار با نهادهای محله‌ای برای توسعه فراگیر جامعه؛ هیأت امنای مسجد، مسئولیت طرح ریزی توسعه مسجد، جمع‌آوری اعانه، اجرای طرح‌های توسعه، نگهداری و مدیریت امور مساجد را برعهده دارند. این امور را می‌توان در خصوص عنصرهای دیگر محله نیز انجام داد؛ از قبیل پارک محله‌ای. این الگو در سایر موضوع‌های مربوط به محله مصداق دارد؛ مانند انجام انتخابات مختلف، پروژه‌های عمرانی و

« پیشنهادهای

- با توجه به وضعیت موجود، در این زمینه پیشنهادهایی ارائه می‌شود:
- اجرایی کردن طرح‌های مردمی و مشارکت‌جویانه طرح‌های توسعه شهری با CDS در نظام شهرسازی کشور.
 - قرار گرفتن مسجدها در کانون مکانی طرح‌های CDS در ایران و استفاده از این کانون برای ایجاد مشارکت و برنامه ریزی در زمینه شهرسازی کشور.
 - استفاده از رهبران، پیشوایان، امام‌های مسجدها و متولیان خوشنام در محله دارای روحیه‌ای مطلع، پویا و بدون تعصب برای تحقق هدف‌های چشم‌انداز از طریق برنامه ریزی محلات و CDS.
 - سعی در ایجاد بانک اطلاعاتی در مورد خصوصیت‌های محله و منطقه شهری و کمک به دولت در زمینه‌های شناخت برای سرمایه گذاری و تسهیل در مکان یابی بهینه منابع در راستای افزایش بازدهی آن و تهیه نقشه اطلاعاتی مسجدها در شهرها.
 - ظرفیت سازی مسجدها در طول برنامه چشم‌انداز در زمینه توسعه محلی.
 - جهت‌دهی برنامه‌های مسجدها برای افزایش سرمایه اجتماعی محله‌ها و توانمندسازی افراد جامعه شهری.
 - تشکیل ستادهای حفاظت اجتماعی در مسجدها، شهرها و محله‌های شهری.
 - توسعه مکان‌ها و فضاهای قدسی با مشارکت مردم.
 - توجه دولت به محله‌ها، برنامه ریزی در سطح پایین و تغییر نگرش از دیدگاه آمرانه به دیدگاه سازنده مشارکتی.
 - ایجاد قوانین و تفویض اختیارهای لازم به متولیان مردمی در سطح محله‌ها.
 - ایجاد مسجد در مرکز محله‌ها با تنوع کاربری‌های اطراف خود و متناسب با حریم مسجد برای قرار گرفتن در بطن امور مردم.

- مکان یابی درست مسجدها برای دریافت بیشترین بازدهی.
- استقرار نظام مدیریت انتخابی (شوراهای اسلامی شهر و محله)، غیرمتمرکز و محلی در برنامه ریزی، اجرا و نظارت بر طرح‌های توسعه شهری در شهرسازی کشور.

« نتیجه‌گیری

شهرهای کشور و نظام شهرنشینی کنونی مشکل‌های زیادی دارد؛ زیرا طرح‌های توسعه، جوابگوی آن نیست. شهر و نظام شهرنشینی برای دست‌یابی به کشوری آباد و توسعه یافته ضروری است. در این بین، طرح‌های استراتژی توسعه شهری یا CDS از کامل‌ترین طرح‌هاست؛ زیرا واقع‌گرایانه‌تر است. در راستای سند چشم‌انداز، داشتن محیط شهر و نظام شهرنشینی سالم و توسعه یافته از اولویّت‌های پایه‌ای است. برای رسیدن به این هدف، اجرای طرح‌های CDS و مکان اجرای آن بسیار مهم است.

طرح‌های CDS برای رسیدن به نتیجه مطلوب، به مکانی عمومی نیاز دارد که در این بین، «مسجد» بهترین مکان است؛ زیرا در متحد کردن مردم، ماهیّتی قدسی و معنوی و نیز سابقه‌ای دراز دارد. بنابراین، با انجام و ایجاد این طرح‌ها در طول برنامه ۲۰ساله کشور و با رسیدن به محلات سالم و آباد و توسعه یافته که زمینه ساز شهرهای کامل و پایدار است، می‌توانیم به جامعه اسلامی کامل، توسعه یافته و پیشرفته برسیم و یکی از زمینه‌های تحقق سند چشم‌انداز ۲۰ساله کشور را با کمک مسجدها محقق کنیم.

« منابع و مأخذ

- « اسماعیل زاده، حسن، مجموعه مقالات برگزیده حقوق شهروندی، همایش حقوق شهروندی قوه قضائیه و معاونت اجتماعی شهرداری تهران، حقوق شهروندی و مشارکت در اداره امور شهر، ۱۳۸۵ هـ.ش.
- « باقری، اشرف‌السادات، مجموعه مقالات همایش توسعه محله‌های تهران، شهر و عدالت اجتماعی، ۱۳۸۲ هـ.ش.
- « پهلوانی، عباس، مجموعه مقالات شهرسازی، توسعه محله‌ای در ایران، تهران، ۱۳۸۶ هـ.ش.
- « عارفی، محمد، مجموعه مقالات شهرسازی، نقش مسجد در امنیت اجتماع محله‌ای، تهران، ۱۳۸۳ هـ.ش.
- « کرمی، محمد، مجموعه مقالات شهرسازی، توسعه محله‌ای در ایران و ضرورت توجه به آن، تهران، ۱۳۸۶ هـ.ش.
- « مهدی‌زاده، جواد، مجموعه مقالات همایش توسعه محله‌ای در ایران، تهران، ضرورت بازنگری در طرح‌های توسعه شهری، ۱۳۸۲ هـ.ش.
- « حقیقت نائینی، غلامرضا، مجموعه مقالات همایش معماری مسجد: گذشته، حال، آینده (بیست و دو مقاله)، نقش متقابل مساجد و شهر از دیدگاه شهرسازی، تهران، تهیه و تنظیم: دبیرخانه همایش، چاپ اول (دو جلد)، ۱۳۷۸ هـ.ش.
- « نقی‌زاده، محمد، مجموعه مقالات همایش معماری مسجد: گذشته، حال، آینده (بیست و دو مقاله)، مسجد کالبد مسلط بر مجتمع اسلامی، تهران، تهیه و تنظیم: دبیرخانه همایش، چاپ اول (دو جلد)، ۱۳۷۸ هـ.ش.
- « میرفندرسکی، محمدمامین، مجموعه مقالات همایش معماری مسجد: گذشته، حال، آینده (بیست و دو مقاله)، مسجد به مثابه اندامی از شهر، تهران، تهیه و تنظیم: دبیرخانه همایش، چاپ اول (دو جلد)، ۱۳۷۸ هـ.ش.
- « صالح، حمید، مجموعه مقالات همایش معماری مسجد: گذشته، حال، آینده (بیست و دو مقاله)، شهر و مسجد، تهران، تهیه و تنظیم: دبیرخانه همایش، چاپ اول (دو جلد)، ۱۳۷۸ هـ.ش.
- « حجتی، محمدباقر، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۷ هـ.ش.
- « شیعه، دکتر اسماعیل، مبانی برنامه‌ریزی شهری، تهران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، چاپ اول، ۱۳۶۹ هـ.ش.
- « دانشور، دو فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۴، تابستان ۱۳۸۲.
- « حاجی‌پور، خلیل، فصلنامه هنرهای زیبا (فصلنامه هنرهای تجسمی، شهرسازی...)، شماره ۲۶، برنامه‌ریزی محله، میناو رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار، تابستان ۱۳۸۵ هـ.ش.
- « سجادی، سید مهدی، معاونت فرهنگی، آموزشی و پژوهشی سازمان برنامه و بودجه معاونت فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی، شماره ۶، مسجد و تعلیم و تربیت. قابل دسترسی در: <http://library.tebyan.net>.

استفاده از سایت‌های:

- » www.parandehsfyd
- » www.civlica.com
- » www.sbu.ac.ir

مسجد مجازی، بایسته چشم‌انداز بیست ساله ایران اسلامی

یحیی جهانگیری سهروردی

چکیده

این نوشتار، با توجه به نفوذ و گسترش روزافزون اینترنت، در راستای سند چشم‌انداز بیست ساله ایران اسلامی، در صدد تبیین اهمیت راه‌اندازی «مسجد مجازی» با کمک و مدیریت مرکز رسیدگی به امور مساجد است. برای اثبات این اهمیت، ابتدا به پیشینه جایگاه معابد و کلیسای مجازی، فزونی جایگاه دین در اینترنت، تبلیغ اسلام در دنیای مجازی اینترنتی پرداخته می‌شود و سپس مباحثی، مانند شبیخون نرم و فرهنگی دشمن و لزوم مقابله با آن، نظریه صدور انقلاب، جهانی شدن و مهدویت مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر اساس نتایج این نوشتار، تحوّل و نوآوری به عنوان یک ضرورت ایران اسلامی، در زمینه مسجد باید تحقق یابد.

واژگان کلیدی:

مسجد مجازی، مسجد آنلاین، مسجد اینترنتی، سند چشم‌انداز، نوآوری.

مدتی است که رهبر معظم انقلاب، بر ضرورت نوآوری، به دلیل اجتناب‌ناپذیر بودن تحولات در جوامع بشری^۱ تأکید دارند. بر این اساس، ایشان «مدیریت تحولات در کشور»^۲ را امری ضروری دانسته‌اند و فرمودند: «با توقف در گذشته و نفی نوآوری نمی‌توان به جایی رسید... بنابراین، تنها راه صحیح، باز گذاشتن راه نوآوری، آزادفکری و آزاداندیشی و مدیریت این راه تحول‌آفرین است».^۳ رهبر معظم انقلاب، با نام‌گذاری سال ۱۳۸۷ به سال «نوآوری و شکوفایی»، بر ضرورت این مسئله در این برهه از ایران معاصر صّحّه گذاشتند.

مسجد، به عنوان رکن استوار انقلاب خمینی کبیر رضی الله عنه، باید در دایره نوآوری، جایگاه خود را مشخص و از این قافله عقب نماند. رهبر معظم فرموده است: «تحول، راز ماندگاری و تعالی بشر است».^۴ همچنین ایشان فرمودند: «کناره‌گیری از تحول، موجب از بین رفتن و یا منزوی شدن خواهد شد».^۵ بنابراین، مساجد نیز باید در مسیر نوآوری و تحول پیشتاز باشند.

این مقاله با استناد به چند واقعیت دینی و اجتماعی، برای بهبود وضعیت موجود مساجد و خروج از رخوت، جذب انبوه جوانان، بهره‌گیری از رقبای فرهنگی مسجد در راستای مسجد، اشاره می‌کند. به عبارت دیگر، این نوشتار ضمن بحث در مورد قرار دادن ابزارهای نوین فناوری در طول مسجد نه در عرض آن (رفیق مسجد نه رقیب)، پاسخ‌دهی به نیاز معنوی انسان مدرن، ضرورت هم‌گرائی و مدیریت تحولات جهانی و پرهیز از قرار گرفتن در انزوا، رساندن پیام انقلاب (صدور انقلاب) به جهان و دست‌یابی به جایگاه مورد نظر در سند چشم‌انداز، راهکار کاربردی را پیشنهاد می‌نماید.

مقاله با بررسی فرصت‌ها و تهدیدها در عرصه جهانی، به‌ویژه خاورمیانه (به

۱. سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دّومین روز از سفر به استان سمنان در جمع دانشگاهیان، قابل دسترس در: www.leader.ir/langs

۲. همان.

۳. همان.

۴. سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دّومین روز از سفر به استان سمنان در جمع دانشگاهیان، قابل دسترس در: www.leader.ir/langs

۵. همان.

دلیل محوریت سند چشم‌انداز بر خاورمیانه، ضرورت اقدام به راه‌اندازی «مسجد مجازی» را گوشزد می‌نماید.

یکی از ویژگی‌های اماکن مجازی این است که بشر در آن، بر مکان و زمان فائق می‌آید و هر کسی می‌تواند از هر جایی از کره خاکی، در هر زمان به معبد مقصودش دست یابد. این در حالی است که مکان‌های مذهبی واقعی، فاقد چنین ویژگی هستند و استفاده از آن، نیازمند برنامه زمانی و مکانی خاص است. بنابراین، مسجد مجازی می‌تواند پاسخگوی نیازهای افراد در هر زمانی و مکانی، آن هم به انتخاب مخاطب نه خطیب، باشد.

مراد از مسجد مجازی در این مقاله، عبارت است از وجود همه ساز و کارهای (ارکان) یک مسجد واقعی (فیزیکی) در فضای مجازی، اعم از اینترنت و

« پیشینه جایگاه معابد و کلیسای مجازی »

در اوایل سال ۲۰۰۱، کلیسای ملی استرالیا در راستای جذب بیشتر مردم برای حضور در مراکز و محافل مذهبی، از ابزار نوظهوری به نام اینترنت بهره برد و افرادی که روزهای یکشنبه نمی‌توانستند به هر علتی در مراسم دعای کلیسا شرکت کنند، ساعاتی از اینترنت به‌طور رایگان استفاده می‌کردند.

چیزی نگذشت که کلیساهای پروتستان آمریکا نیز، به راه‌اندازی سایت‌هایی اقدام کردند که در آن به شکل همزمان افراد می‌توانستند با استفاده از اینترنت در دعاهای روز یکشنبه کلیسا شرکت کنند؛ بدون آنکه نیاز به طی کردن مسافت و حضور فیزیکی در کلیسا داشته باشند.^۱

اسقف کن کلسی، به عنوان یکی از نخستین کشیشان اینترنتی، در مصاحبه‌ای با آسوشیتدپرس در اوایل سال ۲۰۰۳ گفت: کلیسای اینترنتی، جامعه‌ای جدید و به عبارتی خلق سرزمینی جدید است. ما در کلیسای اینترنتی تمام کارهای جامعه دینی را انجام می‌دهیم، به‌طور مثال، عبادت‌های روزانه، خواندن کتاب مقدس، حضور کشیش برای گفت‌وگو و تسکین و حتی ثبت اعترافات گناهکاران در این جامعه الکترونیکی تحقق یافته است. چند ماه بعد ربکا سامرز، مسئول مرکز شورای کاتولیکی کانزاس سیتی نیز از راه‌اندازی جامعه اینترنتی ادیان خبر داد و گفت که آنها بودجه قابل توجهی برای این جامعه مجازی که به گسترش تعالیم مسیح و حفظ مسیحیان در جهان کمک خواهد کرد، اختصاص داده‌اند. اکنون در جهان مسیحیت تعدادی کلیساهای مجازی وجود دارد که به شکلی گسترده و با مراجعان بسیار، نه تنها تمامی ویژگی‌های یک کلیسای واقعی را دارند، بلکه فعالیت و ارائه خدمات آنها از تنوع بیشتری برخوردار است.

دسترسی شبانه روزی به کشیش‌هایی که ساعت‌ها با مراجعان چت می‌کنند، موسیقی‌های مذهبی که در تمام ساعات قابل شنیدن است، استفاده از کتابخانه‌ها و مقالات و تحقیقات آکادمیک و علمی و همچنین شرکت در دعاهای دسته جمعی و خواندن کتاب مقدس از جمله متداول‌ترین امور کلیساهای اینترنتی است.

۱. ایلاتو، مزرگان، کلیساهای مجازی در جهان واقعی، ص ۴۱.

این مسئله به فرقه‌های دیگری از مسیحیت و همچنین ادیان دیگر، به‌ویژه بودیسم سرایت کرد و آنها نیز به راه‌اندازی چنین مراکزی اقدام کردند. جالب آنکه از این قافله، ادیان جدید نیز عقب‌نمانده‌اند.^۲

نگارنده لازم می‌داند که در این قسمت از بحث، به فاصله زیاد بین فعالیت‌های جدی دیگر ادیان و کندی تلاش مسلمانان در این زمینه در قالب یک آمار مقایسه‌ای اشاره نماید:

بر این اساس، برای یافتن تعداد معبد، کلیسا و مسجد مجازی از دو موتور مشهور جستجوگر اینترنتی^۳ بهره‌گرفته شد و واژگانی که در اینترنت به موضوع تحقیق در دو زبان فارسی و انگلیسی^۴ مربوط می‌شود، به کمک جستجوگرها بررسی گردید و نتیجه در قالب جدول زیر گزارش و مرتب شد. قبل از توجه به جدول آمار، لازم به تذکر چند نکته است:

این فاصله زیاد بین فعالیت ما مسلمانان در دنیای مجازی و دیگر ادیان، به‌ویژه مسیحیت، تنها در گستره زبانی فارسی و انگلیسی است. حال اگر زبان‌های دیگر مورد جستجو قرار گیرد، فاصله خیلی بیشتر خواهد بود. بی‌شک، باید به شگفتی فعالیت‌های آنان غبطه و بر رخوت خود در این عرصه حسرت خورد!

حسرت دیگر آنکه حتی اگر در کمیت مساوی می‌بودیم - که نیستیم - در کیفیت نیز قابل رقابت با آنها نیستیم. منظور اینکه حتی بهترین نمونه مسجد مجازی، با کم‌رتبه‌ترین کلیسای مجازی از لحاظ تولید، کیفیت عرضه، تنوع، مخاطب محوری، جذابیت‌ها و... قابل مقایسه نیست. مساجد مجازی، حتی در روزآمد شدن محتوا با کلیسای مجازی، فرسنگ‌ها فاصله دارد و این وظیفه متولیان مساجد را صدچندان می‌کند.^۵

۱. رک: ادیان جدید، دین هیونز گیت، از نگارنده، مجله هفت اقلیم، شماره ۱، ص ۹.

۲. مثل دو سایت www.virtualtemple.org و www.virtualtemple.net مربوط به معبد مجازی برای فرقه دینی نوپدید در غرب به نام «ISKCON».

۳. نظر به اینکه نتایج دیگر موتورهای جستجو هم به طور تقریبی نزدیک به یاهو و گوگل بود، از آوردن آنها خودداری شد. البته در قالب مقاله‌های مستقل به این بحث خاص خواهیم پرداخت.

۴. نگارنده براساس مداخل، در دو زبان عربی و فرانسه نیز جستجو نمود؛ اما آنچه می‌توانست برای بحث مکفی باشد، در بالا آورده شد. به زودی مجموع جستجوها در چهار زبان عربی، انگلیسی، فارسی و فرانسه در قالب مقاله‌ای مستقل ارائه خواهد شد.

۵. برای نمونه ده مورد از آدرس سایت مساجد مجازی را ملاحظه به شرح زیر ملاحظه کنید: www.virtualmosque.

نکته مهم دیگر اینکه، حتی بیشتر این مساجد مجازی نیز از تولیدات کشورهای عربی و سنی مذهب هستند و جایگاه مکتب غنی اهل بیت (علیهم السلام) در عرصه این عرصه به راستی مغفول مانده است.^۱

نظر به اینکه این مساجد مجازی گاهی توسط خود اشخاص حقیقی به صورت خودجوش و... راه‌اندازی شده است، به نظر می‌رسد که برای تولی^۲ این مساجد مجازی، مثل مساجد فیزیکی، باید مرکز رسیدگی به امور مساجد اقدام لازم را به عمل آورد و در موارد لازم، اصلاحات را گوشزد و در مواردی نیز از تشویق استفاده کند؛ زیرا به زعم نگارنده، این مرکز نه تنها متولی واقعیّت بیرونی مسجد است، بلکه متولی خودِ واژه «مسجد» نیز هست؛ حال این واژه در عالم عیان باشد یا در جهان مجازی باشد.

هرچند این نکته بر این نمودار زیاد مرتبط نیست؛ ولی باید قابل توجه متولیان مسجد، این مکان مقدّس باشد که نگارنده با جستجو در دائره‌المعارف‌ها و... مربوط به زبان انگلیسی، به این نتیجه رسید که معادل انگلیسی «مسجد» در رسم الخطّ لاتین «masjid» است، نه «masjed». دامنه جستجوی هر یک از این دو واژه در موتورهای جستجوگر، شاهدهی بر ادعا است. همچنان که در جدول می‌بینید، حتی برخی مواقع واژه masjed میزان نتیجه جستجویی صفر بوده است. در حالی که واژه masjid بیشتر از بیست هزار مورد را نشان می‌دهد. متأسفانه مترجمان، حتی برخی متولیان مسجد بدون توجه به این مطلب، آدرس سایت خود را با واژه masjed ساخته‌اند نه masjid!^۳

co.uk.www.masjedonline.ir.www.onlinemasjed.blogfa.com.www.masjedinterneti.persianblog.ir.www.virtualmosque.co.uk.www.the-mosque.net.www.mosque.com.www.internetmosque.net.www.virtualmosque.co.uk.www.masjedonline.ir
www.online-church.tv.www.onlinechurch.com.www.kelisaon-کنید:www.kelisaon-
line.com.www.christforiran.com.www.onlinekelisa.com.www.internetchurchofchrist.org.www.virtualchurch.org.www.virtualchurch.com.www.virtualchurchplantingexperience.com.www.virtualchurch.us.www.actionchurch.org.www.thevirtualchurch.com
www.internetmosque.net و www.mosque.com. مثل:

^۱ . مثل: www.mosque.com و www.internetmosque.net.

^۲ . تولی [تولی] به معنی «حکومت کردن» و «ولایت راندن» و «به خود گرفتن کاری» است.

^۳ . مثل وبسایت مؤسسه مسجد به آدرس: www.masjed.com و وبسایت سازمان عمران مساجد به آدرس: www.omeranemasjed.com و یا تنها تارنمای وبلاگ مسجد به آدرس: www.masjedblog.ir و پایگاه خبری مساجد به آدرس: www.masjednews.com و یا وبلاگ خبری مساجد به آدرس: www.masjednews.blogfa.com.

واژه مورد جستجو	نتیجه جستجو در گوگل	نتیجه جستجو در یاهو
مسجد اینترنتی	۸۱ مورد	۶۶ مورد
کلیسای اینترنتی	۴/۹۸۰ مورد	۱۱۰ مورد
معبد اینترنتی	۱ مورد	۱ مورد
مسجد مجازی	۲۶ مورد	۱۳ مورد
کلیسای مجازی	۷۰ مورد	۱۷ مورد
معبد مجازی	۵	۶ مورد
مسجد آنلاین	۲ مورد	۰ مورد
کلیسای آنلاین	۱۷۰ مرد	۳۰ مورد
معبد آنلاین	۰ مورد	۰ مورد
online mosque	۳۱۱ مورد	۷۱۸ مورد
online church	۱۸۴/۰۰۰ مورد	۷۷۳/۰۰۰ مورد
online temple	۱۳/۸۰۰ مورد	۵۸/۶۰۰ مورد
virtual mosque	۱/۴۶۰ مورد	۳/۶۸۰ مورد
virtual church	۲۶/۵۰۰ مورد	۲۶۳/۰۰۰ مورد
virtual temple	۱۲/۳۰۰ مورد	۶۸/۰۰۰ مورد
Internet mosque	۳۰۳ مورد	۶۶۱ مورد
Internet church	۳۵/۰۰۰ مورد	۲۷۰/۰۰۰ مورد
Internet temple	۱/۳۶۰ مورد	۱/۵۶۰ مورد
Internet Mashed	۰ مورد	۰ مورد
Internet Masjid	۲۱/۸۰۰ مورد	۶۱ مورد
Online Masjed	۱ مورد	۲ مورد
Online Masjid	۵۵۹ مورد	۸۳ مورد
Virtual Masjed	۱ مورد	۱ مورد
Virtual Masjid	۱۳۶ مورد	۴۰ مورد

نکته مهم اینکه واژگان، در طول زمان معانی متعددی به خود می‌گیرند؛ به حدّی که گاهی در معنای دوّم، حقیقی می‌شوند، نه مجازی. بی‌شک، با توجه به سرعت ساخت مساجد مجازی، در آینده استعمال واژه «مسجد» در این گونه از مساجد نیز حتّی بدون قرینه، شایع خواهد بود. به نظر نگارنده بهتر است که مرکز رسیدگی به امور مساجد کشور، با اعلان رسمی تولّی تمام معانی واژه مقدّس مسجد، اعمّ از عالم عیان و دنیای مجازی، به بررسی و انجام موارد زیر اقدام فرماید:

۱. نظر به اینکه مسجد، یک واژه مقدّس اسلامی است، ممکن است دشمنان با اهداف شوم خود، به اسم این واژه و با دامنه‌های متفاوت، سایت راه‌اندازی نمایند^۱ و به تبلیغ عقاید خود پردازند؛ یعنی کاربری که از اسلام و مسجد چیزی ندیده و نشنیده، به اسم مسجد بودن آن اکتفا نماید و از آن استفاده کند؛ در حالی که محتوای آن به‌طور کامل ضدّ اسلام است. بنابراین، در یک اقدام سریع، باید همه مشتقات مسجد با انواع دامین‌ها، ضبط شده و در انحصار مرکز قرار گیرد؛ زیرا به نصّ قرآن، مساجد از آن خدایند.^۲ در آن باید نام خدا یاد شود؛ نه اینکه با اسم مقدّس مسجد، فضای مجازی ساخته شود و با آن دین مسیحیّت و... ترویج گردد.

۲. همچنان که مساجد فیزیکی را مردم ساخته‌اند، ولی مرکز حمایت و هدایت می‌کند، به نظر می‌رسد افراد خودجوشی که اقدام به تأسیس مسجد مجازی نموده‌اند، شناسائی و مورد حمایت و تشویق قرار گیرند.

۳. همان‌طوری که مساجد فیزیکی بدون نظارت در ساخت و ساز و مدیریت، از مطلوبیّت کافی برخوردار نخواهد بود، مساجد مجازی نیز به نظارت و سامان‌دهی نیاز دارند و لازم است که بر محتوای تولیدات آنها نظارت گردد و این امر، در سایه آموزش محقّق می‌گردد.

۴. به نظر می‌رسد مرکز رسیدگی به امور مساجد باید با ایجاد یک تارنمای

^۱ البته به زعم نگارنده، این اتفاق به وقوع پیوسته و توسط دشمنان اسلام و مسجد، برخی سوآستفاده‌ها انجام گرفته است.

^۲ «وَ أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا». جن، آیه ۱۸.

وبلاگ‌نویسی مسجد، مثل «مسجد بلاگ» و... در این زمینه به تولید انبوه اقدام کند و خود این امر صد البته موجب روی آوردن ائمه جماعات مساجد و... به پژوهش و فعالیت در فضای مجازی می‌شود. در این راستا، آموزش فناوری‌های نوین، مانند نحوه استفاده از اینترنت و وبلاگ‌نویسی و... را برای ائمه جماعات می‌توان به طرق مختلف (به کمک جزوه و...) در دستور کار قرار داد.

۵. مرکز پایگاه خبری مسجد نیوز به تولی و نشر اخبار مساجد به زبان‌های مختلف بپردازد. با توجه به حضور هزاران ائمه جماعت در مساجد کشور، آنها می‌توانند خبرنگاران خوبی برای این پایگاه باشند؛ و این، ظرفیتی هست که نظیر آن را هیچ پایگاه خبری در جهان ندارد، پس چرا ما باید از این پتانسیل غافل باشیم؟! به علاوه، با این پایگاه خبری مسجد، دست‌اندرکاران و ائمه جماعات و... از آخرین اخبار مسجد باخبر می‌شوند.

« جایگاه اینترنت در دنیا

در این قسمت از بحث، برای تبیین اهمیت مسجد مجازی، در مورد جایگاه اینترنت در میان انسان معاصر، آماری ارائه می‌شود تا ناگزیر بودن از این مسئله به دقت مشخص گردد. عصری که در آن زندگی می‌کنیم، دانشمندان متعددی از آن با عنوان‌های مختلفی یاد می‌کنند؛ نظیر: «دهکده جهانی»^۱، «جامعه مدنی جهانی»^۲، «مدرنیته دوم»^۳، «جامعه شبکه‌ای»^۴، «جهان رهاشده»^۵، «جامعه ارتباطی»^۶ و «مدرنیته سیال»^۷.

از کل ۶/۶۷۶/۱۲۰/۲۸۸ نفر جمعیت جهان، ۱/۴۰۷/۷۲۴/۹۲۰ نفر کاربر اینترنت هستند. طبق آخرین اطلاعات مربوط به تاریخ ۳۱ مارس ۲۰۰۸ میلادی که سایت ^۸internet world stats به عنوان معتبرترین مرکز سنجش و نشر آمار ضریب نفوذ اینترنت ارائه داده است، شواهد حاکی از نفوذ بالای اینترنت در میان بشر امروزی و جمعیت خاورمیانه است. این فرآیند رو به رشد و بسیار سریع بزودی، آینده انسان را به‌طور کامل دیجیتالی می‌کند. در ضمن، از جمعیت ۱۹۷/۰۹۰/۴۴۳ نفری خاورمیانه نیز ۴۱/۹۳۹/۲۰۰ نفر را کاربران اینترنت تشکیل می‌دهد.^۹

برای درک بهتر سرعت نفوذ اینترنت در جهان به خصوص خاورمیانه، بهتر است به آمار ۲ سال پیش نظری بیفکنیم. با مقایسه این آمار با آمار سال ۲۰۰۵، آینده ضریب نفوذ اینترنت در خاورمیانه مشخص خواهد شد. در سال ۲۰۰۵ مجموع جمعیت خاورمیانه به مرز ۱۸۷ میلیون و ۲۵۸ هزار نفر رسید که ۲/۹ درصد کل جمعیت جهان را شامل می‌شد. از این جمعیت، کل تعداد کاربران اینترنت در منطقه خاورمیانه به مرز ۱۶ میلیون و ۶۴ هزار نفر رسید.^{۱۰}

۱. مک لوهان.

۲. دیوید هلد.

۳. اولریش بک.

۴. مانوئل کاستلز.

۵. آنتونی گیدنز.

۶. جیانی واتیمو.

۷. زیگمون بومن.

۸. www.internetworldstats.com.

۹. www.internetworldstats.com.

۱۰. www.itca.ir/index.php.

« فزونی جایگاه دین در اینترنت

رویتر در ۲۸ دسامبر سال ۲۰۰۱ با چاپ گزارش مفصلی اعلام کرد که از هر ۴ مراجعه کننده آمریکایی، یک نفر برای مقاصد دینی به اینترنت رجوع می کند. همچنین، در این گزارش ذکر شد که ۶۹ درصد از این افراد درصدد یافتن منابع مطالعاتی دینی و تحقیق درباره ادیان مختلف هستند. در این میان، ۲۱ درصد در جستجوی متون مقدّس دینی و شرکت در اعمال و نیایش های آن هستند و بقیه افراد نیز برای امور متفرّقه به این سایتها مراجعه می کنند.^۱

در یک تحقیق در ایران نیز استفاده علمی و دینی از اینترنت بیش از تفریحی و سرگرمی بوده است. بر اساس این تحقیق به ترتیب، ۵۴/۳ درصد از سایت های خبری، علمی و آموزشی و ۴۵/۷ درصد نیز از سایت های تفریحی- سرگرمی استفاده می کردند.^۲

آیا این فرآیند رو به رشد استفاده از اینترنت در جهان که حاصل «یک تحوّل» در عرصه اطلاع رسانی است، نیازمند مدیریت نیست؟

رهبر معظم انقلاب فرمودند: «کناره گیری از تحوّل موجب از بین رفتن و یا منزوی شدن خواهد شد، بنابراین، تحوّل را باید پذیرفت و آن را در جهت صحیح مدیریت کرد».^۳ آیا این همه تشنه که در اینترنت سراغ معنویّت ناب می گردند، نباید با زلال معرفت اهل بیت (علیهم السلام) سیراب گردند؟ آیا این همه ظرفیّت و این همه فناوری در ایجاد تکلیف بر گردن ما کافی نیست؟! آیا امروز که زبان بشر این فناوری است، ما نباید در انجام رسالت خود از این فناوری بهره بجویم؟! قرآن در این مورد می فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ؛ و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم تا [حقایق را] برای آنان بیان کند. پس، خدا هر که را بخواهد، بیراه می گذارد و هر که را بخواهد هدایت می کند و او ارجمند حکیم

۱. نگاهی به تاریخچه حضور دین در اینترنت، ص ۳۳.

۲. بررسی رابطه استفاده از اینترنت و هویت دینی کاربران، دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها، معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۲۳، برگرفته از سایت: www.rasaneh.org/persian

۳. سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از اساتید، فضلا، پژوهشگران و مبلغان حوزه های علمیه قم، مشهد و اصفهان: www.leader.ir/langs

است.»^۱

^۱. ابراهیم، آیه ۴.

« تبلیغ اسلام در دنیای مجازی اینترنتی

اقلیت مسلمان در کشورهای غربی، در حالی که با ستادهای گسترش اسلام هراسی در دنیای حقیقی روبه رو شده‌اند، به دنیای مجازی رو کرده‌اند تا آموزه‌های حقیقی اسلام را با هدف رفع باورهای نادرست، در دنیای رایانه‌ای ارائه کنند.

محمد یوسف، روانپزشک ساکن سوئد، در فضای اینترنت، مسجدی مجازی تشکیل داده تا از طریق آن آموزه‌ها و آداب و رفتار اسلامی را ترویج کند. غیرمسلمانان در این مسجد با چگونگی نماز خواندن، قرائت قرآن و وضو آشنا می‌شوند. وی گفت: صدها نفر از علاقمندان از ملیت‌های مختلف برای شناختن اسلام به این فضا رجوع می‌کنند. یوسف ۳۹ ساله اظهار داشت که تاکنون سه مسیحی بازدید کننده از این ستاد مجازی به اسلام مشرف شده‌اند.

این فضای مجازی با معماری اسلامی تزئین شده است، مسجد آن از مناره برخوردار بوده و در داخل آن نسخه‌های قرآن کریم و ترجمه آن به زبان انگلیسی قرار گرفته است.

حدود یک هزار و ۵۰۰ نفر روزانه از این مسجد مجازی دیدن می‌کنند که در آن میان، عده‌ای غیرمسلمان هستند. اقلیت مسلمان در سوئد این فضای مجازی را در پایگاه اینترنتی «زندگی دوم» (Second Life) ایجاد کرده‌اند. این پایگاه، یک دنیای به‌طور کامل، مجازی است که توسط ساکنان آن ساخته می‌شود. از زمان افتتاح این شبکه در سال ۲۰۰۳ تاکنون بیش از ۹ میلیون نفر در آن عضو شده‌اند.^۱

شبیخون نرم و فرهنگی دشمن و لزوم مقابله به مثل با آن کافی است پلنی از فیلم‌های ساخته شده غربی و هالیوودی بر ضد اسلام را مشاهده کنید. استفاده از نمادهای اسلامی مثل اذان، مسجد، مناره به عنوان کمین گاه تروریست‌ها! و محل تربیت گروه‌های فشار، در راستای پروژه نامیمون تخریب چهره اسلام است. آیا همین امر، ما را بر آن نمی‌دارد که از این واژه‌ها و نمادهای مقدس

۱- www.mehrnews.ir

دفاع کنیم؟!۱

فیلم‌های مثل «روز استقلال»،^۱ «محاصره»،^۲ «شمشیر اسلام»^۳ و... در صدد ارائه چهره‌ای خشن از اسلام‌اند. در این فیلم‌ها بیشتر اوقات همزمان با صدای اذان و نمایش مناره و گنبد مساجد اسلامی، البته با رنگ سرخ (که در روان‌شناسی رنگ‌ها به نماد خشونت است و ناخودآگاه مخاطب را در فضای ترور می‌اندازد)، عملیات ترور و... را نشان می‌دهد.

آیا وقت آن نرسیده است که ما نیز با ساخت بازی رایانه‌ای جوانان و حتی کودکان خود را روانه مسجد مجازی کنیم. اگر غرب یک بازی رایانه‌ای می‌سازد که با شلیک هر گلوله، صدای «یا مهدی» سر می‌دهد، بر نهاد متولی مسجد، وظیفه نیست که یک بازی تدارک ببیند که فرزند ایران و اسلام، ناخودآگاه در فضای مسجد قرار گیرد. مگر نه آن است که در دنیای معاصر، به اعتراف همه روان‌شناسان، تبلیغ مستقیم معنا ندارد و باید ناخودآگاه، مخاطب را برای پذیرش پیام، تحریک کرد.

حال آنکه دشمن با استفاده از فناوری رسانه سعی دارد چهره اسلام را به خصوص بعد از حادثه یازدهم سپتامبر وارونه جلوه دهد، اما از آنجا که مساجد از دیر باز، سخن گوی رسمی اسلام مبین بودند، برای احیای نقش رسانه‌ای مساجد در معرفی چهره واقعی اسلام می‌توان کوشید.^۴

رهبر فرزانه در بیانان خود، «کنترل تحولات جهانی به دست صهیونیسم و سرمایه‌داری جهانی را خطری جدی»^۵ می‌شمارند. بنابراین آیا نباید برای رها سازی مدیریت تحولات جهانی از دست این غاصبان خاک، فرهنگ و هویت اسلامی، اقدام نمود؟

در دنیای امروز که همه رسانه‌ها تحت کنترل صهیونیسم و باندهای قدرت

۱- Independence day-

۲- The siege-

۳- The sword of Islam-

۴- کارکرد رسانه‌ای مساجد، ص ۲.

۵- سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دومین روز از سفر به استان سمنان در جمع دانشگاهیان: www.leader.ir/langs

سیاسی و اقتصادی است، ضرورت حفظ کارکرد رسانه‌های مساجد به عنوان مکان‌های مردمی و آزاد، جدیت چند برابر می‌یابد؛ زیرا تنها این رسانه است که می‌تواند صدای مستضعفان را فریاد بزند. حفظ کارکرد رسانه‌های مسجد، اکتفا به روش‌های گذشته نیست، بلکه با مسجدی کردن رسانه‌های مدرن نیز می‌توان به این اهداف نائل آمد. در آن صورت، اهمیت تقویت این رسانه عمومی، اهمیتی بیش از گذشته پیدا می‌کند؛ چرا که امروز رسانه‌های قدرتمند، به رقابت با مسجد آمده‌اند.

اگر مساجد دیروز به این وظیفه اطلاع‌رسانی و تبلیغ مشغول بودند، رقاباتی نبود که جوانان را جذب خود و از مسجد گریزان سازد؛ ولی اکنون، باید مسجد را در توانمند سازی رسانه‌ای، از آنها پرنفوذتر کنیم. این نماد بزرگ اسلام، تربیون اسلام برای دعوت به خداست و مخاطب آن نه فقط مسلمانان، بلکه همه انسان‌ها هستند.^۱ قرآن در این مورد می‌فرماید: «جَعَلَ اللَّهُ الْكُفْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ»؛^۲ در تفسیر نمونه، زیر این آیه آمده است: به خصوص کلمه «لِلنَّاسِ» نشان می‌دهد که این مرکز امن و امان، پناهگاهی عمومی برای همه جهانیان و انسان‌ها و توده‌های مردم است.^۳

صاحب‌نظران علم ارتباطات، مثل پروفیسور مولانا، بر وابستگی رسانه‌ها بر مساجد، تأکید دارند. به باور ایشان، رسانه‌ای که به کانون قداست، خودی و خوش سابقه در عرصه اطلاع‌رسانی، مربوط شود، به‌طور کامل مورد اقبال جامعه خواهد بود.^۴ پس، اگر با کمک مسجد فیزیکی دستمان به آن طرف مرزها و جوامع دیگر نمی‌رسد، می‌توان با کمترین هزینه و با ابزار فتاوری، نیاز معنوی انسان‌ها را برطرف ساخت. امروز در غرب، بشر از دست ماشین‌ساز بدون اخلاق به ستوه آمده است؛ زیرا مدرنیته، در خوش‌بینانه‌ترین حالت، «آسایش» را برای بشر به ارمغان آورد، ولی همین ابزارها، «آرامش» را از او گرفته است؛ گرایش فزاینده به دین، معنویت

۱. «یا بَنی آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ»، اعراف، آیه ۳۱.

۲. مائده، آیه ۹۷.

۳. تفسیر نمونه، ص ۴۴۸.

۴. پروفیسور مولانا طنین تعهد، مسجد و مطبوعات.

و حتی ادیان جدید و جریان فکری پست مدرنیسم را باید در این راستا مطالعه نمود. در چنین شرایطی، پروژه مسجد مجازی، تنها راه ارضای نیازهای معنوی آن سوی مرزها به وسیله اقیانوس عرفان و اخلاق اهل بیت علیهم السلام است.

« مخالفان معابد مجازی

در آئین مسیحیت، عده‌ای که گرایش سنتی داشتند با این پدیده به مخالفت پرداختند. این مسئله در موارد بسیاری مورد انتقاد اسقف‌ها و کشیشانی قرار گرفت که به اعتقاد آنان اینترنت، مردم را از کلیسا دور کرده است و باعث کاهش حضور مؤمنان در روزهای یکشنبه می‌شود. به همین دلیل، طی اطلاعیه‌های مکرر اعلام کردند که هیچ جایگزینی برای حضور در کلیسا وجود ندارد و مسیحیان موظف هستند روزهای یکشنبه به کلیسا بیایند. سنت گرایان همچنان معتقدند که اینترنت عامل جدایی مؤمنان مسیحی از کلیسا و قطع رابطه آنان با سازمان کشیشان است.^۱

کن کلسی، از بنیان‌گذاران کلیسای مجازی در پاسخ این انتقاد به خبرنگار آسوشیتدپرس گفت: این مهم نیست که مسیحیان به کلیسا بروند یا از طریق اینترنت، خود را در کلیسا حس کنند، بلکه این مهم است که رابطه آنها با جهان مسیحیت و دنیای کلیسا قطع نشود. ما باید تصمیم بگیریم، یا این رابطه را برای همیشه قطع کنیم و هر روز شاهد کاهش مؤمنان باشیم یا اینکه بپذیریم این رابطه وجود داشته باشد، حتی اگر به شکل مجازی باشد.^۲

صد البتّه که مسجد مجازی یک سگّو برای پر کشیدن به مسجد محله و یک عروج از مسجد مجازی به مسجد واقعی است. شاید بی‌جهت نباشد که معراج معنوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مسجد به مسجد بود^۳ و این فرآیند یک انسان سرگشته از مدرنیته و تبلیغات صهیونیسم را به دامن اسلام آورده و در مأمّن مسجد جای می‌هد. «وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ أَمْنًا»؛^۴ آیت‌الله طالقانی، این کشش و بازگشت انسان به مسجد را فطری می‌شمارد: «جعل بیت به صورت مثابه، بر طبق کشش نفسانی انسان به محلّ امن و عدل است. این جو‌یایی، مانند

۱. کلیساهای مجازی در جهان واقعی، ص ۴۱.

۲. همان.

۳. به عبارت دیگر، این معراج از مسجد الاحرام تا مسجد الاقصی بود. قرآن در این مورد می‌فرماید: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» اسراء، آیه ۱.

۴. بقره، آیه ۱۲۵.

امام جویی است و توجه به چنین خانه‌ای که فطرت حق جویی و عدل را بیدار سازد، از کشش‌ها و خواسته‌های درونی آدمی و به سود وی است». حضرت علی (علیه السلام) در یک کلام نورانی در نهج البلاغه می‌فرماید: «دنیا بعد از سرکشی، دوباره به ما روی می‌کند».^۲

ساخت مساجد مجازی، دست کشیدن از مسجد سنتی نیست؛ بلکه در راستای تعالی ذکر خداست. مگر نه آن است که می‌توان جوان آشفته در بازار دنیای دیجیتال را با همین ابزار جذب کرد و پس از زلال کردن فطرت گمشده‌اش، دست او را گرفت و در گوشه‌ای از مسجد سنتی گذاشت تا این بار به‌طور واقعی نه مجازی، به شنیدن حقیقت و کرنش در برابر خدایش بپردازد.

آیا آن جوان غربی را که اسم مسجد به گوش وی نخورده است و یا از مسجد یک مفهومی بد - به دلیل تبلیغات سوء استکبار - در ذهن دارد و با استفاده از تحولات جهانی در پای اینترنت نشسته، نباید از حقیقت مسجد آشنا نمود؟ بنابراین، باید نخبگان بر مدیریت تحوّل، نظارت کنند و شایسته است در همایشی، نحوه استفاده ابزاری از مسجد مجازی برای فراخواندن به مسجد حقیقی بررسی گردد. رهبر انقلاب بارها این امر را وظیفه نخبگان حوزوی و دانشگاهی دانسته‌اند و فرمودند: «مدیریت تحولات کشور باید در دست نخبگان دانشگاهی و حوزوی باشد و در این روند، علاوه بر معیارهای جهانی پیشرفته، معیارهای نور و ملاک‌های ویژه نظام اسلامی مورد توجه اکید قرار گیرد»^۳ و «مدیریت تحولات و هدایت فعالیت‌هایی که به ترمیم، تکمیل و پیشرفت می‌انجامد باید در دست نخبگان حوزه و دانشگاه باشد».^۴

۱. پرتوی از قرآن، ص ۲۹۷.

۲. قال علی (علیه السلام) «لَتَنْتَفِئَنَ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شَمَاسِهَا عَطْفَ الضَّرُوسِ عَلَيَّ وَلَدَيْهَا وَ تَلَا عَقِيبَ ذَلِكَ وَ تَرِيدُ أَنْ تُرِيدَ أَنْ تُرِيدَ عَلَيَّ الدِّينَ اسْتَضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلُهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلُهُمُ الْوَارِثِينَ» نهج البلاغه، نسخه فیض الإسلام، ص ۱۱۸۰، حکمت ۲۰۰.

۳. سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دومین روز از سفر به استان سمنان در جمع دانشگاهیان: www.leader.ir/langs

۴. همان.

« مسجد مجازی؛ بایسته چشم‌انداز بیست ساله ایران اسلامی

شایسته است که در اینجا به بندهایی از سند چشم‌انداز اشاره کنیم که می‌توان با استنباط از آنها جایگاه مسجد را در افق ۱۴۰۴ بررسی نمود و ناگزیر بودن از روی آوری به مسجد مجازی را گوشزد نمود. بی‌شک، هر گونه انحراف از این میثاق ملی، ایران را در رسیدن به آن هدف میمون، باز خواهد داشت و مسجد، باید جایگاه و شأن خود را با تکیه بر این بندها مشخص نماید. در این قسمت از بحث، عباراتی از سند چشم‌انداز که به مسجد مرتبط می‌شود را به تحلیل می‌نشینیم.

در بخش‌های پیش، بیان شد که نفوذ اینترنت در خاورمیانه در حال رشد بسیار سریع بوده و هم‌اکنون نزدیک به یک چهارم جمعیت آن از این پدیده برخوردارند که با سرعت روزافزون آن، در افق ۱۴۰۴ جمعیت بسیار زیادی از آن بهره‌مند خواهند شد. با توجه به پدیده نامیمون رسانه‌های تبلیغی غرب و نیز صهیونیسم و وهابیت در منطقه که هر دو دست به دست هم داده تا «هم‌گرایی اسلامی و منطقه‌ای»^۱ را برهم زنند، باید تنها درمان این درد، یعنی «تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی^۲» را با استفاده از این فناوری به گوش این مردم رساند. تنها راه اشاعه این پیام مقدس، می‌تواند مسجد باشد. از این رو، دشمن همواره با مسجد مخالف است. مستر همفر، جاسوس بریتانیا، در خاطراتش می‌نویسد: «از بنای مساجد... به هر صورت باید جلوگیری شود».^۳ به عبارت «به هر صورت» توجه نمائید. این موضوع، همچنان سیاست راهبردی استکبار است.

«جامعه ایرانی در افق این چشم‌انداز [بیست ساله]... باید از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری»^۴ برخوردار باشد. آیا این نیروها را نباید مسجد تربیت کند؟ مگر نه آن است که مسجد، محلّ پرورش و آموزش بوده است؟ آیا تا امام جماعتی، خود بر این ویژگی آراسته نگردد، می‌تواند الگو ساز باشد تا جوان، «از

۱. فرازی از بندهای سند چشم‌انداز بیست ساله، بر گرفته از سایت ایران هزار و چهارصد و چهار به آدرس:

همان.

۲. همفر، خاطرات همفر جاسوس انگلیسی در ممالک اسلامی، ترجمه محسن مؤیدی، ص ۸۳.

۳. بند دوم سند چشم‌انداز بیست ساله، بر گرفته از سایت ایران هزار و چهارصد و چهار به آدرس:

دانش پیشرفته برخوردار»^۱ و «در تولید علم و فناوری، توانا»^۲ گردد؟ کاهش استقبال جوانان از مسجد و فزونی استقبال آنان از اینترنت چیز قابل انکار نیست. به نظر نگارنده، از مصادیق «مدیریت تحوّل» در کلام رهبری، «رفیق» نمودن این «رفیق» رسانه‌ای مسجد است. باید مواظب بود که در کشور اسلامی، رسانه‌های مدرن، رقیب مسجد و در عرض مسجد نباشند، بلکه یار مسجد و در طول آن قرار بگیرند؛ زیرا رفتار آنها اگر از کارکرد رسانه‌ای مسجد بکاهد، مصداق «منع مساجد» خواهد بود.^۳ برخی مفسّرین در شرح منع مساجد، چنین آورده‌اند: «این آیه هرچند هم، شأن نزول خاصی داشته باشد، در مقام بیان یک حکم کلی آمده است و در مورد تمام افراد و یا گروه‌هایی است که مردم را از رفتن به مساجد و انجام عبادات، به هر دلیل منع کنند و باعث ویرانی مساجد شوند. ما در تاریخ نمونه‌هایی از آن را دیده‌ایم که گاهی به دلیل اغراض سیاسی، مساجد را بسته‌اند و یا گروه خاصی را از ورود به آن منع کرده‌اند».^۴ یادمان باشد که «خرابی مسجد، تنها با بیل و کلنگ نیست، بلکه هر برنامه‌ای که از رونق مسجد بکاهد، تلاش در خرابی آن است».^۵

نکته جالب آنکه سند تربیت این نیروها را «متّکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه‌ی اجتماعی»^۶ نموده است. چه سرمایه اجتماعی فراتر از مسجد و چه منابع انسانی بهتر از نیروی‌های مؤمن مسجدی می‌توان یافت؟ علم مطلوب در سند چشم‌انداز، علم دینی و دین علمی است نه علم سکولار و لازمه دست یافتن به علم دینی، تربیت نیروی‌های علمی آینده در قالب مسجد است. آیا تربیت نیروی ایرانی با ویژگی‌های «فَعّال، مسئولیت پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایت‌مند، برخوردار از... متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن»^۷، بخشی از وظیفه مسجد به جوانان را گوشزد نمی‌کند؟ از

۱. همان.

۲. همان.

۳. کارکرد رسانه‌ای مساجد، ص ۵.

۴. تفسیر کوثر، ج ۱، ص ۳۳۲.

۵. همان، ص ۱۸۶.

۶. همان.

۷. بند پنجم سند چشم‌انداز بیست ساله، برگرفته از سایت ایران هزار و چهارصد و چهار به آدرس:

کارکردهای مسجد می‌توان به نقش آن در پرورش افراد اشاره کرد که حکومت دینی به آنها نیاز دارد؛ زیرا مسجد بار هدایت فکری و تربیتی نیروهای جامعه را بر دوش دارد. در سایه رفت‌وآمد به مسجد، خلق و خوی‌ها و آداب و منش‌های افراد تا حد زیادی، هویدا می‌گردد. این تربیت و شناسائی در روابط افراد با یکدیگر سازنده است؛ زیرا حاکمیت اسلامی می‌تواند از این رهگذر، نیروهای متعهد و کارآمد خود را بشناسد.^۲

مسجد برای این دو امر مهم برای حکومت اسلامی نقش آفرینی می‌کند. همچنان که در دوران انقلاب و دفاع مقدس فرماندهان و نیروهای مردمی همه از تربیت یافتگان مسجد بودند. امروز نیز برای گزینش و تربیت افراد برای مدیریت سیاسی کشور باید از مسجد مدد گرفت.

مگر نه آن است که در زمان نهضت مقدس انقلاب و نیز دوران هشت سال دفاع مقدس، همین مسجد بود که نیروی‌هایی درست با همین شاخص‌ها را تربیت کرد؟ اینک نیز با پدیده تحوّل، باید در خود تحوّل ایجاد کند و باز به پرورش چنین انسان‌هایی که ایران ۱۴۰۴ نیاز دارد، اقدام نماید. رهبر فرزانه نیز بر «لزوم استقبال از تحولات و پرهیز از ایستایی و رکود»^۳ را خاطر نشان کردند.

۱. کارکرد سیاسی مساجد، ص ۴۷.

۲. ضرابی، عبدالرضا، نقش و عملکرد مسجد در تربیت، کارکرد مساجد، ص ۲۷۵؛ فصلنامه معرفت، س ۹، ش ۳۳، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۹.

۳. سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دومین روز از سفر به استان سمنان در جمع دانشگاهیان: www.leader.ir/langs.

« نظریه صدور انقلاب

تفکر فراملی و دید جهانی حضرت امام خمینی ره، انقلاب اسلامی را نه در چارچوب مقابله با طاغوت ایران، بلکه به مثابه جریان مبارزه با تمام «مستکبران» و «ستمگران» عالم معنا می‌کرد و از همان ابتدا همه «مسلمانان» و بلکه «مستضعفان» جهان را مخاطب خویش می‌خواند. به همین دلیل با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، تفکر صدور انقلاب مطرح شد و موج حمایت از تمام نهضت‌ها و جنبش‌های رهایی‌بخش به پا خاست.^۱

صدور انقلاب در قاموس اندیشه امام خمینی ره، یک کار فرهنگی است و کاری نظامی نیست. «صدور انقلاب به معنی لشکر کشی نیست، بلکه می‌خواهیم حرفمان را به دنیا برسانیم».^۲

بی‌شک، انقلاب اسلامی نه یک پروژه تمام شده، بلکه یک پروسه ادامه‌دار است. برای صدور فرهنگ انقلاب باید از مسجد و البته در کنار آن از مسجد مجازی کمک گرفت. یادمان باشد که محور «ثبوت انقلاب» مساجد بودند؛ پس محور «صدور انقلاب» نیز باید مسجد باشد.

^۱ . صدور انقلاب، بازشناسی جریان افول، نشریه دانشجویی خیزش، ش ۲۴ و ۵ و ۲، <http://balagh.net/persian>

^۲ . صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۴۱۴.

« جهانی شدن و مهدویت

به هم پیوستگی عمیق و گسترده مسائل بشری، اکنون با عنوان «جهانی شدن»^۱ نام برده می‌شود. در اغلب تعاریف عرضه شده، جهانی شدن، فرآیندی تدریجی و پایدار توصیف می‌شود که از گذشته‌های دور یا نزدیک آغاز شده و هنوز هم ادامه دارد و هر چه بر عمر آن افزوده می‌شود، شتاب و گستره آن هم بسیار افزایش می‌یابد. بیشتر تعاریف بر سر تشدید بسیار چشم گیر آن در دهه‌های اخیر، اتفاق نظر دارند و حتی عقیده دارند که نسل‌های، آینده این فرآیند را به صورتی گسترده‌تر و پرشتاب‌تر تجربه خواهند کرد.^۲

اگرچه برای فروپاشی امپراتوری‌های عثمانی، اتریش، مجارستان، بریتانیا، فرانسه، آلمان، بلژیک، اسپانیا و پرتغال، دو جنگ جهانی لازم شد، ولی امپراتوری شوروی، همین که در معرض رسانه‌های جهانی، ویدیو و شبکه‌های رایانه‌ای قرار گرفت، فقط طی چند سال مضمحل شد.^۳

این مسائل نشان می‌دهد که پیشرفت و همه گیر شدن رسانه‌های ارتباطی ضمن افزایش سرعت تغییرات، جوامع را به یکدیگر نزدیک و متصل ساخته است. این به هم پیوستگی به خصوص با آنچه که امروز تحت عنوان دگرگونی و بازسازی زمان و مکان نامیده می‌شود، مرتبط بوده و توسط آن تشدید می‌گردد. ژان بودریا، از صاحب‌نظران انتقادنگر فرانسوی، از این دگرگونی با عنوان «امحای امر واقع به واسطه تبدیل آن به تخیل مجازی سه بُعدی و امحای زمان به واسطه هم زمانی همه دوره‌ها، همه فرهنگ‌ها با حرکتی سیار و واحد، از طریق کنار هم نهادن آنها در سناریویی واحد» یاد می‌کند.^۴

حقیقت آن است که جهانی شدن می‌تواند یک پدیده پیش‌بینی شده در متون دینی ما باشد که در دوران ظهور محقق می‌شود. بی‌شک، برای تحقق آن دولت کریمه، مقدمه سازی نیاز است؛ چنانکه در روایات آمده است این مقدمه سازی

۱- Globalization

۲. عصر اطلاعات، ظهور جامعه شبکه‌ای، ص ۱۷ و ۱۸.

۳. گفتمان قومی و بی‌نظمی نوین جهانی، یک دیدگاه جمع‌گرایانه، ص ۱۸.

۴. درباره جهان مجازی امروز، جام‌جم آنلاین، ۱۳۸۲/۵/۱۲، ص ۱، برگرفته از سایت: www.jamejamonline.com

بر عهده ما ایرانیان است.^۱ برای هماهنگ سازی جهان برای ظهور آن دولت کریمه مسجد، نهادی نیک است. انتظار، یک وظیفه و افضل اعمال است. انتظار، یک رویکرد انفعالی نیست، بلکه یک راهبرد رو به جلو و پویاست. بنابراین، فرج، نیازمند تمهیداتی است. علیه السلام مسجد مجازی، مخاطبان این دهکده جهانی را به تمهید دولت حضرت مهدی علیه السلام فرامی خواند.

^۱ . «یخرج ناس من المشرق یوطنون للمهدی سلطانه»، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر علیه السلام، ص ۳۷۵.

^۲ . مساجد و مهدویت، با رویکرد مساجد عصر ظهور، ص ۲.

« مبانی مسجد مجازی »

مسجد مجازی، مبتنی بر حلّ مسائل زیر در حوزه‌های مختلف علوم اسلامی و انسانی هست. امید آن می‌رود با بررسی عالمانه ابعاد آن، گامی بلند در ترویج آموزه‌های غنی اهل بیت (علیهم‌السلام) برداریم. نگارنده به دلیل خوف از اطاله مقاله، موارد زیر را فهرست‌وار ارائه می‌کند که تفصیل آن مستلزم تدوین نوشتار دیگری است.

الف) امکان استعمال واژه «مسجد» در مسجد مجازی، حال به صورت حقیقت یا منقول یا مجاز؛ جایگاه این مسئله در علم لغت و بحث الفاظ علم اصول فقه است.

ب) آیا تقدیسی که در متون دینی، بر مساجد بار شده است، مراد فقط مسجد فیزیکی است یا بر لسان روایات، اطلاق دارد؟ علم‌الحديث و اصول فقه باید تحلیل این مسئله را متکفل گردد.

ج) آسیب‌شناسی کلیساهای مجازی، تحلیل ادله مخالفان و موافقان، بررسی فرصت‌ها و تهدیدهای کلیساهای مجازی، می‌تواند بستر روشنی را به ما بگشاید. نگاه جامعه‌شناسانه، روان‌شناسانه و رایانه‌ای، لازمه پژوهش این مسئله است.

د) محتوا و شاکله اسلام در عین اشتراک با دیگر ادیان، حائز ویژگی و امتیازات خاصّ است و این در قیاس مسجد با کلیسا و معابد ادیان دیگر، خود را به خوبی نمایان می‌کند. به نظر می‌رسد که یکی از مبادی مسجد مجازی، این است که باید این مسئله را تبیین نمود که آیا مسجد مجازی با محتوا و شاکله اسلام نیز هم‌خوان است؟ با مقایسه کلیسای مجازی با محتوا و شاکله مسیحیت و معابد مجازی با محتوا و شاکله دیگر ادیان این مسئله تا حدودی روشن می‌شود. جایگاه این مسئله بر عهده پژوهش علم‌الادیان البتّه با رویکرد تطبیقی است (نگارنده در طرح پژوهشی سال ۱۳۸۷ از طرف دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد قم، مسئله «معابد و مساجد» را به تحلیل می‌نشیند که فصلی از آن، پتانسیل هر یک از ادیان بر تحوّل در حوزه‌های مختلف کارکردی، معماری و... معابدشان است).

« انواع مسجد مجازی

یکم: کاربر وارد مسجد مجازی می‌شود و با توجه به نوع مخاطب و متناسب با زمان و...، سخنرانی و حدیث و... در آن قرار داده می‌شود. وقت اذان به افق‌های مختلف اذان پخش می‌شود و کاربر ناخودآگاه به مسجد فراخوانده می‌شود و این یعنی، آستانه بودن مسجد مجازی به مسجد واقعی.

دوم: مساجد برنامه‌ها و سخنرانی‌ها خود را در اینترنت به نمایش بگذارند. سوم: بازی‌های رایانه‌ای.

پایان نوشتار را باز برای این که تأکیدی بر محتوای مقاله باشد، با کلام رهبر انقلاب پایان می‌بریم. «آینده‌نگری، مدیریت تحوّل، برنامه ریزی علمی... ترسیم چشم‌انداز آینده... از ضرورت‌های اساسی ادامه حرکت رو به رشد و افزایش نفوذ و تأثیرگذاری حوزه‌های علمیه با توجه به رشد سریع و پرشتاب تحولات و فناوری‌های نوین است»^۱.

در پایان، شما علاقه‌مندان به مسجد را به دیدن نمونه‌ای از مسجد و کلیسای مجازی کامل دعوت می‌کنم.

نمونه مسجد مجازی:

www.thebcom.org/mosquetour/index.htm

نمونه کلیسای مجازی:

www.thevirtualchurch.com

^۱ . سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از اساتید، فضلا، پژوهشگران و مبلغان حوزه‌های علمیه قم، مشهد و اصفهان: www.leader.ir/langs.

« نتیجه سخن

از مطالب یاد شده نتیجه می‌گیریم که ضرورت اقدام به مسجد مجازی از چند جهت امری در خور توجه است:

اکنون در بعد بین‌المللی، که جهان نیازمند عرفان و معنویت غنی اهل بیت (علیهم‌السلام) است، استفاده از ابزار در دسترس و نیز جذاب فتاوی اطلاعات، البته در قالب مسجد، بسیار مفید است. افزون بر آن، برای دست‌یابی به چشم‌انداز بیست ساله باید از این مقوله غافل نماند.

تحول و نوآوری به عنوان یک ضرورت ایران اسلامی، در زمینه مسجد نیز باید تحقق یابد. چنانکه مقام معظم رهبری نیز آینده‌نگری و مدیریت تحول را لازمه جامعه روحانیت دانسته‌اند. «با توجه به مسئولیت سنگین حوزه‌های علمیه و روحانیت در خصوص دین‌داری مردم، اهمیت آینده‌نگری بسیار مضاعف است». ^۱ مرکز رسیدگی به امور مساجد با برنامه ریزی کلان در زمینه مسجد مجازی می‌تواند نقش‌آفرینی کند. دنیای فردای ما مجازی‌تر از دنیای امروز ماست؛ به گفته آرمستو: ^۲ «تغییرات در جهان به گونه‌ای در حال رشد انفجاری است که نسل ۲۱۰۰ و یا ۲۲۰۰، وقتی به زندگی ما در اوایل قرن بیستم نگاه می‌کنند، می‌گویند: چه مردم غیرمدرن و کهنه‌گرایی بوده‌اند». ^۳

بنابراین، شایسته در همایشی که به «سال نوآوری و شکوفایی» نام گذاری شده است، مرکز رسیدگی به امور مساجد ضمن اعلان ولایت و حمایت خود بر مساجد در جهان مجازی، بر آن چاره‌اندیشی کند.

هرچند احتمال دارد که دیدگاه سنتی گرایان با این مقوله آشتی نداشته باشد، ولی با همین مسجد مجازی می‌توان بیماران و... را که توان حضور در مسجد فیزیکی ندارند، در مسجد مجازی بهره‌مند ساخت. به هر حال در این برهه از زمان، با توجه به وسعت تهاجم فرهنگی دشمن، جذب نسبی افراد از طریق مسجد مجازی، به خصوص نسل جوان، بهتر از هرگز نیامدن آنان به مسجد است.

۱. همان.

۲. Arnmesto.

۳. نظام رسانه‌ای مطلوب، تنوع ساخت، تنوع محتوا، ص ۹.

بر اساس بیان مقام معظم رهبری، کناره گیری از تحوّل موجب از بین رفتن و یا منزوی شدن خواهد شد، بنابراین، تحوّل را باید پذیرفت و آن را در جهت صحیح مدیریت کرد. آیا این همه تشنه که در اینترنت، سراغ معنویت ناب می گردند، نباید با زلال معرفت اهل بیت (علیهم السلام) سیراب گردند؟ آیا این همه ظرفیت و این همه مخاطب در ایجاد تکلیف بر ما کافی نیست؟! اگر زبان بشر امروزی، این فناوری است، آیا ما نباید در انجام رسالت خود از این فناوری بهره بگیریم؟!

« منابع و مأخذ

- « قرآن کریم
- « موسوی الخمینی، سید روح‌الله، صحیفه نور، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- « اتابکی، هادی، نگاهی به تاریخچه حضور دین در اینترنت، ماهنامه تازه، ش ۴، ۱۳۸۶ هـ.ش.
- « ایلانلو، مزگان، کلیساهای مجازی در جهان واقعی، مجله دین‌پژوهان، دوره سوم، بهمن و اسفند، ش ۴ و ۵، ۱۳۸۲ هـ.ش.
- « تهرانیان، مجید، گفتمان قومی - نظمی نوین جهانی، یک دیدگاه جمع‌گرایانه، کتاب‌سروش، تهران، انتشارات سروش.
- « جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، قم، انتشارات هجرت، چاپ اول، ۱۳۸۱ هـ.ش.
- « جهانگیری سهروردی، یحیی، ادیان جدید، دین هیونز گیت، مجله هفت اقلیم، شماره ۱.
- « سیده نصرت، امین (بانوی اصفهانی)، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱ هـ.ش.
- « صافی گلپایگانی، لطف‌الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر علیه السلام، قم، انتشارات داوری، ۱۳۷۸ هـ.ش.
- « ضرابی، عبدالرضا، فصلنامه معرفت، ش ۳۳، فروردین و اردیبهشت، ص ۹، ۱۳۷۹ هـ.ش.
- « طالقانی، سید محمود، پرتوی از قرآن، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۲ هـ.ش.
- « عباسی قادی، مجتبی، بررسی رابطه استفاده از اینترنت و هویت دینی کاربران، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، برگرفته از: www.rasaneh.org/persian
- « فیضی تبریزی، کریم، طنین تعهد (زندگی‌نامه و آثار پروفسور مولانا)، نشر شکوفه یاس، چاپ اول، پائیز ۱۳۸۰ هـ.ش.
- « قرائتی، محسن، تفسیر نور، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۷۴ هـ.ش.
- « کاستلز، مانوئل، عصر اطلاعات، ظهور جامعه شبکه‌ای، ترجمه: احمد علی‌قلیان و افشین خاکباز، انتشارات طرح نو.
- « جهانگیری سهروردی، یحیی، مساجد و مهدویت، با رویکرد مساجد عصر ظهور، ارسالی به دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد کشور، قم، قابل دسترس در: www.suhrawardi.blogfa.com
- « مستر همفر، خاطرات همفر، ترجمه دکتر محسن مؤیدی، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ دهم.
- « مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴ هـ.ش.
- « نظام رسانه‌ای مطلوب، تنوع ساخت، تنوع محتوا، فصلنامه رسانه، زمستان ۱۳۷۹ هـ.ش.
- « نهج البلاغه نسخه فیض الإسلام.
- «

سایت‌های استفاده شده:

- » www.internetworldstats.com
- » www.irane1404.com
- » www.itca.ir
- » www.jamejamonline.com
- » www.leader.ir
- » www.mehrnews.ir
- » www.rasaneh.org
- » www.rasaneh.org
- » www.suhrawardi.blogfa.com

ویژگی‌های مدیریت فرهنگی در مساجد

سید علی هاشمی

چکیده

مسجد، پایگاه و کانون فعالیت‌های متعددی است؛ از جمله فعالیت‌های آموزشی، سیاسی، علمی، نظامی، ورزشی، اقتصادی، فرهنگی. فعالیت‌های فرهنگی در هر نهادی، متفاوت با نهادهای دیگر است؛ برای مثال فعالیت فرهنگی در مسجد، متناسب با این مرکز، پیشینه دینی دارد و در مسیر تربیت و هدایت افراد گام برمی‌دارد. کانون فرهنگی مسجد، زمانی موفق است که مدیری خوب داشته باشد؛ مدیر باید بتواند فعالیت‌های مسجد را مدیریت کند. در قرآن واژه مسجد، در مجموع ۲۸ بار ذکر شده که در ۲۲ مورد به صورت مفرد و در ۶ مورد دیگر، به صورت جمع آمده است. در این آیات، به اهمیت و جایگاه رفیع مسجد در اسلام، پاره‌ای از احکام مسجد، مسجدالحرام و احکام خاص آن، مسجدالاقصی و مسجد اصحاب کهف، اشاراتی شده است. از مجموع آیات قرآن درمی‌یابیم که مدیریت مسجد، ویژگی‌هایی منحصربه‌فرد دارد. نوشتار حاضر، مدیریت فرهنگی مسجد را به عنوان یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های مسجد بررسی می‌کند.

واژگان کلیدی:

مسجد، مدیریت فرهنگی، مدیریت فرهنگی مسجد، ویژگی‌های مدیر فرهنگی.

گرچه در اصل مسجد، برای عبادت ساخته شده است و سجده گاه مسلمانان برای خضوع و فروتنی، به صورت‌های فردی یا جمعی، در برابر ذات اقدس الهی به حساب می‌آید؛ ولی اسلام، مسجد را فقط جایگاهی برای عبادت و اقامه نماز جماعت نمی‌داند؛ بلکه از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مسجد، پایگاهی دینی بوده است و در برخی زمان‌ها نیز پایگاهی حکومتی محسوب می‌شد. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله مسجد را کانونی برای تعلیم و تربیت و هدایت امور اسلام می‌دانستند. در آن دوران، مسجد مرکز حکومت، مرجع فکری و محل بحث و تبادل اندیشه نیز بوده است. مسجد، قرن‌ها آموزشگاه مهم مسلمانان و جایگاهی برای فراگیری علوم و آموزش‌های گوناگونی بوده است که جامعه اسلامی به آن نیاز داشت. پس از رحلت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نیز مسجد از نظر علمی و فرهنگی موقعیت ویژه‌ای یافت و دانشجویان و پژوهشگران، در سطح‌های مختلف، از آن استفاده می‌کردند. حضرت امام خمینی ره فرمودند: «مساجد سنگر است، سنگرها را حفظ کنید»^۱. به‌طور حتم، منظور از این سنگر، سنگر عقیدتی و فرهنگی است. مسجد باید خوراک فکری متناسب با همه طبقه‌های جامعه را تأمین کند. مسجد، مهم‌ترین جایگاه مدیریت فرهنگی، دینی و تربیتی نظام جمهوری اسلامی ایران است. مخاطب‌شناسی، روش‌شناسی تربیتی، رعایت ظرفیت‌های زمانی و حوصله مخاطبان و مدیریت فرهنگی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی است که باید به آنها توجه شود.

۱. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۵۶

« ضرورت و نقش مدیریت فرهنگی مسجد »

مدیریت در مسجد ابعاد مختلفی دارد که یکی از آنها، بُعد فرهنگی، یعنی «مدیریت فرهنگی» است. بدون تردید، هر مجموعه فرهنگی که بخواهد موفق باشد، به مدیریتی قوی و توانمند و متناسب با آن مجموعه نیاز دارد؛ زیرا در عصر کنونی، بدون علم مدیریت نمی‌توان در هیچ کار اجتماعی، چه فرهنگی و چه غیر آن، موفق بود.

با مدیریتی قوی و توانمند و کارآمد می‌توان به بیشترین بهره‌وری از امکانات موجود رسید و با ایجاد تعامل و هماهنگی بین همه اجزاء و اعضای مجموعه، شاهد مدیریتی موفق بود. به‌طور قطع، می‌توان گفت یکی از بهترین عوامل موفقیت و یا عدم موفقیت مسجدها، به خصوص در کارکردهای فرهنگی آنها، در همین نکته نهفته است.

بر این اساس، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مسجد تأثیرگذار، داشتن مدیریت مطلوب برای اداره آن و فعالیت‌های مرتبط با مسجد است. مدیریت فرهنگی، علمی و دینی افراد در مسجد نه تنها کمتر از مدیریت واحدی اداری یا تجاری نیست، بلکه به مراتب پیچیده‌تر است؛ زیرا مدیر فرهنگی با هدف‌ها، موضوع‌ها و نتیجه‌هایی دشوار مواجه است که شناخت، برنامه ریزی، سازمان‌دهی، کنترل و ارزیابی آن به تلاش و مطالعه فراوان نیاز دارد.

«مدیریت فرهنگی مسجد»، نقش بنیادین در عملی شدن برنامه‌های مسجد دارد. بنابراین، مدیریت مسجد باید با برنامه ریزی منطقی و بهره بردن از تجربه‌های کارشناسان و صاحب‌نظران و مشاوران در زمینه‌های مختلف دینی، اخلاقی، اعتقادی اجتماعی، اقتصادی، روان‌شناسی و... برنامه‌های فرهنگی مسجد را تدوین و اجرا کند تا در کوتاه‌ترین زمان ممکن، زمینه جذب و ارشاد و هدایت افراد فراهم شود.

« تعریف مدیریت فرهنگی مسجد »

«مدیریت» در لغت به معنای توانایی اداره کردن سازمان و در اصطلاح به معنای هماهنگ کردن منابع انسانی و مادی برای نیل به هدف است.^۱ فرهنگ در لغت به معنای آداب و اخلاق است.^۲

«کار فرهنگی» یا «فعالیت فرهنگی» به معنای مجموعه‌ای از برنامه‌های تربیتی است که از شاخص‌های هدفمند، ابرارمند و روشمند و مستمر برخوردار باشد و کادر مربیگری متعهدی مسئول اجرای آن است.

در این تعریف، پنج مؤلفه مهم وجود دارد: تربیتی بودن، هدفمند بودن، ابرارمند بودن، روشمند بودن، استمرار و تداوم داشتن.

با توجه به تعریف «کار فرهنگی»، «مدیریت» و «فعالیت فرهنگی» می‌توان «مدیریت فرهنگی مسجد» را تعریف نمود؛ مدیریت فرهنگی مسجد، عبارت است از توانایی اداره همه فعالیت‌های مسجد، به گونه‌ای که مدیر بتواند بین منابع انسانی (نیروها و کادر فرهنگی مسجد) و منابع مادی، تعامل و هماهنگی ایجاد کند تا به هدف مورد نظر برسد که همان رشد و تعالی انسان‌ها به سوی کمال و معنویت و معرفت حق است.

بنابراین، مسجد یک مدیریتی را می‌طلبد که با در نظر گرفتن وضعیت مکانی و زمانی، اصولی و اساسی عمل کند و با به کار بردن امکانات، در نظر گرفتن نیازها و روحیه گروه‌های سنی مختلف و با شناخت دقیق و هدفمند، برنامه‌های فرهنگی، تبلیغی، علمی و تربیتی را تدوین و بر اجرای آنها نظارت کند. مدیر مسجد باید در فرآیند مدیریت فرهنگی مسجد به موارد متعددی توجه نماید که در ادامه هر کدام مطرح شده و تشریح می‌گردد:

۱- برنامه‌ریزی

از دیدگاه اسلام، برنامه‌ریزی فایده‌های زیادی دارد که به چند نمونه از آن اشاره

۱. اقتداری، علی‌محمد، سازمان مدیریت، ص ۶۱.

۲. فرهنگ معین، ج ۲، ص ۲۵۲۸.

می‌کنیم:

- ۱-۱- موجب ثبات و دوام سیاست‌هاست، امام علی (علیه السلام) فرمودند: «أَمَارَاتُ الدَّوْلِ إِنْشَاءُ الْحَيْلِ؛ بقای دولت‌ها به برنامه ریزی و چاره‌اندیشی در امور مبتنی است»^۱.
 - ۱-۲- بهترین ابزار برای نیل به هدف است، امام علی (علیه السلام) فرمودند: «التَّلَطُّفُ فِي الْحَيْلَةِ أَجْدَى مِنَ الْوَسِيلَةِ؛ دقت و ظرافت در برنامه ریزی از مهم‌ترین و جدی‌ترین وسیله‌ها و امکانات است»^۲.
 - ۱-۳- باعث کاهش اشتباه‌ها می‌شود، امام علی (علیه السلام) فرمودند: «التَّدْبِيرُ قَبْلَ الْعَمَلِ يُؤْمِنُكَ مِنَ التَّدَمُّ؛ تدبیر و برنامه ریزی قبل از کار، تو را از پشیمان شدن ایمن می‌دارد»^۳.
 - ۱-۴- کمال کارها در سایه برنامه ریزی است، امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «الْكَمَالُ كُلُّ الْكَمَالِ التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ وَالصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ وَتَقْدِيرُ الْمَعِيشَةِ؛ بالاترین کمال در سه چیز است: شناخت عمیق دین، پایداری در برابر ناملایمات و نظم و برنامه در زندگی»^۴.
 - ۱-۵- نشانه اندیشه‌ورزی است. امام علی (علیه السلام) فرمودند: «أَعْقَلُ النَّاسِ أَنْظَرُهُمْ فِي الْعَوَاقِبِ؛ داناترین مردم کسی است که آینده را بهتر ببیند»^۵.
- مدیر در برنامه ریزی این مرحله‌ها را طی می‌کند و به هدف‌های مطلوب دست می‌یابد: هدف‌گذاری، تجزیه و تحلیل و ارزیابی محیط، شناسایی و ارزیابی و انتخاب بهترین راهکار، اجرای برنامه و کنترل و ارزیابی نتیجه‌ها.

۲. سازمان‌دهی

در سازمان‌دهی به این موارد تأکید می‌شود:

۱. آمدی، غررالحکم، ج ۵، ص ۱۱۱.
۲. آمدی، غررالحکم، ج ۱، ص ۱۰۷.
۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۳۸.
۴. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۷۲.
۵. آمدی، تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ص ۵۲.

۱-۲- مشخّص کردن وظیفه‌ها و مأموریت‌های محوّل شده؛

۲-۲- ایجاد محیطی هماهنگ؛

۳-۲- تقسیم زنجیره‌ای و سلسله‌مراتبی امور؛

۴-۲- دست‌یابی به اصل وحدت مدیریت.

۳. هدایت و رهبری

مدیر موفق، مدیری است که توان هدایت مجموعه خود و مهارت‌های لازم برای مدیریت را داشته باشد. این مهارت‌ها به سه قسم تقسیم می‌شوند:

۱- مهارت فنی که از دانش، تجربه و تخصّص فرد در کار ناشی می‌شود.

۲- مهارت ادراکی که به توانایی و قدرت مدیر در تشخیص درست مسائل اصلی در سطح کلان مربوط می‌شود.

۳- مهارت انسانی که به معنای توانایی و قدرت در کار کردن با مردم است و انجام کار به کمک آنان و برای آنان.

مدیریت فرهنگی مسجد باید توجه داشته باشد تا از سبک‌هایی استفاده کند که دل‌ها را به خود جذب می‌کند؛ یعنی از میان سبک‌های مدیریتی چهارگانه: اقتدارگرا، دیپلماتیک، مشارکتی و بوروکراتیک، سبک مشارکتی را برگزیند. در این سبک، مدیر دیگران را در چگونگی انجام کار، تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها دخالت می‌دهد و از افکار دیگران برای بازدهی بیشتر کار و بهتر شدن سطح بهره‌وری استفاده می‌کند و به دستور دادن یک‌جانبه از موضع قدرت و اقتدار متکی نیست.

۴. نظارت و کنترل

کنترل عبارت است از: فرآیند ارزیابی اقدامات انجام‌شده و مقایسه آنها با برنامه‌ها و هدف‌های تعیین‌شده، برای تشخیص احتمالی انحراف‌ها و اصلاح آنها. در مدیریت مسجد، نظارت باید بسیار عالی باشد؛ زیرا در غیر این صورت، ممکن است در برنامه‌های فرهنگی و دینی مسجد انحرافی به‌وجود آید که جبران‌نش

بسیار دشوار باشد.

۵. شناخت مانع‌ها و آسیب‌ها در تصمیم‌گیری

برای شناخت مانع‌ها و آسیب‌ها، باید به شناسایی و چاره‌جویی برای رفع مانع‌هایی بپردازیم که کارها را سست می‌کند یا به تأخیر می‌اندازد یا عامل‌هایی که مزاحم فعالیت فرهنگی هستند.

۶. مشاوره

مشورت، فایده‌های زیادی دارد که مهم‌ترین آنها به شرح زیر است:

۱-۶- ایجاد احساس شخصیت و مسئولیت در اعضا،

احساس شخصیت و مسئولیت‌پذیری در افراد، پشتوانه عظیمی است که انگیزه آنها را در انجام دادن امور مضاعف می‌کند و نیز پشتوانه ارزشمندی برای تحقق هدف‌ها و موفقیت در برنامه‌ها است. در این باره امام علی (علیه السلام) می‌فرمایند: «لَا مُظَاهَرَةَ أَوْثَقُ مِنَ الْمَشَاوَرَةِ؛ هیچ پشتوانه‌ای مثل مشورت نیست».^۱

۲-۶- شناخت موضع‌های غلط و اشتباه‌ها،

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «مَنْ اسْتَقْبَلَ وَجْهَ الْإِرَاءِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطَا؛ کسی که از نظر دیگران استقبال کند، موارد خطایش را خواهد شناخت».^۲

۳-۶- ایجاد انس و الفت بین اعضا،

قرآن کریم، در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران، مشورت و نرم‌خویی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را عامل الفت مردم با آن حضرت می‌داند و می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ؛ پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرم‌خو [و پرمهر] شدی، و اگر تندخو و سخت‌دل بودی، به یقین از اطراف تو پراکنده می‌شدند. پس، از آنان در گذر و برایشان

۱. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۲۴، باب ۲۱ از ابواب احکام العشره، ح ۲.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۱۶۴.

آمزش بخواه، و در کار [ها] با آنان مشورت کن و چون تصمیم گرفتی، بر خدا توکل کن؛ زیرا خداوند توکل کنندگان را دوست می‌دارد»^۱.

۷. تفویض اختیار

البته، در تفویض اختیار، باید به شایستگی، مهارت و تسلط افراد توجه شود.

۸. ایجاد شوق و انگیزه میان مسجیدیان

همه فعالیت‌هایی که انسان انجام می‌دهد یا برای جذب خوشی‌هاست یا برای فرار از ناخوشی‌هاست. مدیر موفق کسی است که این دو ملاک را همراه با انگیزه‌های جذاب و شورانگیز میان افراد تحقق بخشد.

۹. تأسیس صندوق قرض‌الحسنه و تعاون

نمازگزاران و افراد خیر می‌توانند با افتتاح حساب در صندوق قرض‌الحسنه مسجد برای رشد مسجد بکوشند. هدف از تأسیس این صندوق کمک به نیازمندان آبرومند و جوانان مسجدی برای تشکیل زندگی اولیه است. تعریف واقعی از صندوق قرض‌الحسنه، بر اساس سنت نبوی ﷺ و ائمه معصوم علیهم‌السلام و طبق آموزه‌های اسلام بیان شده است.

۱۰. خلاقیت و نوآوری

خلاقیت، برای بقای هر سازمانی لازم است؛ در غیر این صورت، به تدریج مجبور می‌شوند سازمان را تعطیل کنند یا تغییر سیستم بدهند. یکی از مشکلاتی که باعث شده است تا مسجدها رونق خود را از دست بدهند، نبود خلاقیت و نوآوری و اجرای برنامه‌های تکراری است. ائمه جماعت باید خود مدیریت مسجدها را در دست بگیرند و اولین برنامه ریز این واحد مهم فرهنگی باشند تا بتوانند مسجدها را، هم به منظور تقویت بنیه دینی و مذهبی و هم به منظور

^۱. آل‌عمران، آیه ۱۵۹.

بهره‌مندی از مسائل سیاسی، اجتماعی، علمی، تربیتی و ارتقای میزان آگاهی
قشرهای مختلف مردم مهیا کنند.

۱۱. توجّه به جایگاه، موقعیت و وظایف خود

مدیر باید بداند در جایگاه انبیا و اولیای الهی نشسته است و برای تکامل انسان‌ها
گام بر می‌دارد. همچنین، او باید وظیفه خود را در مقام امانت‌دار الهی بداند و
برای عزّت و کمال خود و دیگران بکوشد.

۱۲. در امور دینی و تربیتی باید از افراد و معلّمانی استفاده شود که این ویژگی‌ها را دارند:

۱۲-۱. مسلّح به سلاح علم باشند. ابوذر می‌گوید: «امام شفیع تو نزد خداوند
است؛ بنابراین، شفیع خود را انسانی نادان یا فاسق قرار نده»^۱.

۱۲-۲. قدرت تبیین و تشریح مفاهیم و موضوع‌ها را متناسب با زمان و آرمان‌های
جوان امروز داشته باشد. او باید به فنّ سخنوری آشنا باشد؛ برای مثال، به هنگام
بیان هنجارها و فضایل، از میان مخاطبان یا افرادی که محبوب آنها هستند،
مصدق معرفی کند و در بیان ناهنجارها به افراد یا فردی اشاره نکند که مورد
علاقه مخاطبان است؛ بلکه موضوع را کلی و عمومی بیان کند؛ یعنی انگشت روی
اوصاف بدون موصوف بگذارد.

۱۲-۳. از قبل به آنچه می‌گوید، عمل کرده باشد؛ در غیر این صورت، کلام وی
اثربخش نخواهد بود و به جای جذب، دفع می‌کند. قرآن کریم این‌گونه افراد
را بی‌خرد می‌داند: «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ
أَفَلَا تَعْقِلُونَ؛ آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید؛ با
اینکه شما کتاب [خدا] را می‌خوانید، آیا [هیچ] نمی‌اندیشید؟»^۲

۱۲-۴. ضمن پرهیز از اصطلاح‌های غامض و خسته‌کننده، در گفتار و کلام تنوع

۱. وسایل‌الشیعه، ابواب‌الجماعه، باب ۱۱، ج ۲.

۲. بقره، آیه ۴۴.

داشته باشد و حد اعتدال را پیش گیرد.

بنابراین، باید توجه داشت که همه نوجوانان و جوانان در محیط و خانواده مذهبی تربیت نشده‌اند و حتی اگر هم چنین باشد، روحیه‌ها و علاقه‌های مذهبی متفاوتی دارند. مربی باتجربه کسی است که با هر فرد، مطابق تفاوت‌های فردی وی برخورد کند.

۵-۱۲. آموزش نباید موجب تضعیف یا نادیده گرفتن ابعاد دیگر انسان شود؛ به عنوان مثال، غرایز انسانی نباید نادیده گرفته شود، بلکه باید مطابق موازین شرعی و الهی باشند. باید غریزه را تعدیل و فطرت بشری به مسیر صحیح خود هدایت کرد. بنابراین، هر کسی نمی‌تواند در این دریای عمیق و بی‌کران غواصی کند و آموزش دینی و تربیتی را به عهده بگیرد.

کسی مرد تمام است کز تمامی

کند با خواجگی کار غلامی

بقای یابد او بعد از فنا باز

رود زانجام ره دیگر به آغاز^۱

۶-۱۲. معلّم و مربی باید اهل دل باشد و با دل سخن بگوید؛ زیرا سخن ناشی از دل، اخلاص دارد و بی‌شک بر دل می‌نشیند.

علامه فرزانه حسن زاده آملی می‌گوید:

یک دل و دلدار داری در صراط

راه‌های دیگر است و دیوها اندر کمین

سیر آفاق چه باشد ار نداری انفس

با حضور دل چه می‌خواهی ز تعفیر^۲ جبین

گر دل گرفتی نور حضورش

باید که می‌شد خورشید خاور

اگر دل، نور حضور را به خود بگیرد، مانند خورشید فروزان خاور نورانی می‌شود.

^۱. شبستری، شیخ محمود، گلشن راز، ص ۲۱

^۲. خاک‌آلود کردن، خاک مالیدن.

دلا نزد کسی بنشین که او از دل خیر دارد

به زیر آن درختی رو که او گل‌های تر دارد^۱

در حقیقت، این بیت هم به معلّم اشاره می‌کند که باید اهل دل باشد و هم به دانش‌آموزان می‌گوید که درس را باید از اهل دل شنید. خلاصه اینکه، معلّمان و مربّیان دینی و تربیتی، در گفتار و کردارشان، باید نشان دهند که در پی اجرای اراده الهی هستند.

۱۲-۷. معلّم و مربّی باید با زبان نرم با دیگران برخورد کند. خداوند در قرآن در خصوص نحوه برخورد حضرت موسی و برادرش هارون با فرعون به آنها چنین دستور می‌دهد: «اذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ * فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ؛ به سوی فرعون بروید که او به سرکشی برخاسته و با او سخنی نرم گویند، شاید که پند پذیرد یا بترسد»^۲.

بنابراین، می‌توان گفت که سخن نرم جاذبه دارد و دل‌ها را به خود جلب می‌کند و معلّم را در تحقق هدفش یاری می‌کند.

۱۲-۸. دعاگوی مردم باشد و عموم مؤمنان، به خصوص نمازگزاران بیمار را دعا کند؛ به گونه‌ای که بیماران دعا کردن او را بشنوند و احساس شمع کنند.

۱۲-۹. رعایت اختصار، یعنی هنگام سخنرانی، کوتاه سخن بگوید؛ اما سخنانش پرمعنا و جذاب باشد؛ به گونه‌ای که شنوندگان را تشنه سخن دین کند.

۱۲-۱۰. از ابعاد گوناگون، مخاطبان را از بشناسد.

۱۲-۱۱. لذت‌های معنوی و راه‌های سوق به معنویات را به درستی تبیین کند.

راه‌های سوق به معنویات عبارت است از: بیان حقایق و باطن عالم وجود، تبیین فطرت پاک خداجوی، اشاره به لذت‌های معنوی و نتیجه‌های آن، ذکر

داستان‌هایی از بندگان صالح و توضیح جاذبه‌های نماز و آثار بی‌بدیل آن.

۱۲-۱۲. در مسائل سیاسی و در صحنه‌های انتخاباتی، موضع‌گیری خاص نداشته باشد.

۱. دیوان شمس تبریزی.

۲. طه، آیات ۴۳-۴۴.

۱۲-۱۳. در صحنه‌های اجتماعی، مشارکتی و اقتصادی، به خصوص در کمک رسانی به نیازمندان مسجدی، حضور فعال داشته باشد.

۱۲-۱۴. زندگی بی‌آلایش و در حد متعارف داشته باشد.

۱۲-۱۵. مردم‌داری، یعنی در محدوده شرع، خود را در غم و شادی مردم شریک بداند. با توجه به اهمیت مقوله مردم‌داری، برخی از مصادیق آن در معارف اسلامی به شرح زیر بیان شده است. به منظور اختصار، به جای توضیح بیشتر، در هر مورد به ذکر یک روایت بر اساس بیانات معصومان علیهم‌السلام بسنده شده است:

احسان

احسان، زمینه ساز محبت و جذب دل‌هاست. در آموزه‌های اسلام در مورد احسان، سفارش زیادی شده است که در ادامه به ذکر دو روایت بسنده می‌شود: «الْإِنْسَانُ عَبْدٌ الْإِحْسَانِ؛ انسان بنده احسان است»^۱ و «بِالْإِحْسَانِ تُمَلِّكُ الْقُلُوبَ؛ با احسان، قلب‌ها تسخیر می‌شود»^۲.

خوش‌رویی و خوش‌خویی

به حسن خلق توان کرد صید اهل نظر
به آب و دانه بگیرد مرغ دانا را^۳
امام علی علیه‌السلام فرمودند: «الْبَشَاشَةُ حِبَالَةُ الْمَوَدَّةِ؛ گشاده رویی، دام دوستی است»^۴.

حلم و بردباری

امام علی علیه‌السلام فرمودند: «أَوَّلُ عِوَاضِ الْحَلِيمِ مِنْ حِلْمِهِ أَنْ النَّاسَ أَنْصَارُهُ عَلَى الْجَاهِلِ؛ نخستین دستاورد بردبار از بردباری خود، پشتیبانی مردمان از او در برابر نادان است»^۵.

۱. آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، حدیث ۲۶۳.

۲. همان.

۳. دیوان حافظ، غزل ۴.

۴. همان، حدیث ۱۰۷۵.

۵. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۱۲.

امام علی (علیه السلام) فرمودند: «الْحِلْمُ رَأْسُ الرَّئَاسَةِ؛ سرآمد ویژگی‌های ریاست، بردباری است.»^۱

آسان‌گیری

امام علی (علیه السلام) فرمودند: «الْعُسْرُ يُفْسِدُ الْأَخْلَاقَ؛ سخت‌گیری، اخلاق را تباه می‌کند.»^۲

رفق و مدارا

امام علی (علیه السلام) فرمودند: «الرَّفْقُ يُيَسِّرُ الصَّعَابَ وَ يُسَهِّلُ شَدِيدَ الْأَسْبَابِ؛ رفق، دشواری‌ها را آسان می‌کند و سبب‌های سخت را سهل می‌کند.»^۳

مهرورزی

امام علی (علیه السلام) فرمودند: «قُلُوبُ الرِّجَالِ وَحَشِيَّتُهُ فَمَنْ تَأَلَّفَهَا أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ؛ دل‌های مردم گریزان است، به کسی روی آورند که خوشرویی کند.»^۴
همچنین، آن حضرت فرمودند: «التَّوَدُّدُ نِصْفُ الْعَقْلِ؛ دوستی کردن، نیمی از خردمندی است.»^۵

امانت‌داری

باید توجه داشت که وقت مردم امانت است و باید در حفظ این امانت کوشا بود.

گذشت و نادیده‌گرفتن لغزش‌ها

یعنی خود را به بی‌خبری زدن. اگر این ویژگی اخلاقی بجا و بموقع به کار گرفته شود، طرف مقابل را در حوزه جاذبه محبت و بزرگواری انسان قرار می‌دهد.

۱. آمدی، غررالحکم، باب حلم.

۲. همان، ج ۷، ص ۳۱۱، چاپ دانشگاه تهران.

۳. همان، ج ۱، ص ۸۹.

۴. نهج‌البلاغه، حکمت ۵۰.

۵. نهج‌البلاغه، حکمت ۱۴۲.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: «صَلَّاحُ حَالِ التَّعَايُشِ وَ التَّعَاشِرِ مِلُّهُ مِ كَيْالِ ثُلْثَاهُ فِطْنَةٌ وَ ثُلْثُهُ تَعَاْفَلٌ؛ صلاح زندگی با مردم همچون پیمانۀ پری است که دوسوم آن فهم و آگاهی و یک سوم آن چشم پوشی است»^۱.

۱۳. بسیج همه امکانات و منابع‌ها

مدیر موفق باید نیروی انسانی، شیوه‌های نو و ابزارهایی را به کارگیرد که با کمک آنها می‌تواند به مسجد و مرکز فرهنگی رونق بخشد و توجه مردم، به خصوص نسل جوان، را جلب کند.

۱۴. ایجاد واحدهای آموزشی

مانند ایجاد گروه‌ها و کمیته‌های علمی، پژوهشی، تخصصی. در این باره بسیج و پایگاه مقاومت نقش ممتازی دارند.

۱۵. ایجاد خلاقیت

مدیر و معلمی موفق است که قدرت تحویل اندیشه و طرحی جدید، جذاب داشته باشد. در غیر این صورت، نیروی جوان از برنامه‌های تکراری گریزان و در نتیجه به مراکزی جذب می‌شود که برای او، از راه‌های مختلف و شبکه‌های ماهواره‌ای و رایانه‌ای، جاذبه کاذب ایجاد می‌کند.

۱۶. انگیزه

انگیزه، یکی از مؤثرترین عامل‌های جذب است که از دیدگاه عالمان دینی صورت‌های مختلفی دارد؛ مانند: انگیزه پنداری، مادی و معنوی. معلّم و مربّی، با لحاظ کردن مناسبات و ملاحظات افراد، از صورت‌های ذکرشده بهره می‌برد. او به دنبال انگیزه‌ای است که تأثیری بسیار قوی و مداوم داشته باشد و روح انسان را به هنگام کمبود، ناکامی و ناامیدی از تزلزل و بحران حفظ کند. کوتاه سخن

^۱. تحف العقول، ص ۳۵۹.

آنکه مدیر موقت برای دانش‌آموزان خود انگیزه‌ی معنوی ایجاد می‌کند.

۱۷. شرکت‌دادن جوانان و نوجوانان در مسئولیت‌ها، با هدف جذب دیگر جوانان

در مسجدها، هر نوجوان و جوانی می‌تواند با توجه به علایق و توانایی‌های خود، کاری بکند و رابطه مناسبی با افراد هم سن خود برقرار کند و آنها را به مسجد و مراکز دینی و تربیتی جذب کند.

۱۸. اجرای مسابقه‌ها

مسابقه‌های علمی، ورزشی، هنری و رزمی (با همکاری پایگاه مقاومت بسیج مسجد) برای جوانان و نوجوانان جذاب است و اجرای آنها در تحقق هدف‌های مسجد نقش مؤثری دارد.

۱۹. معرفی الگو، پرداختن به قصه زندگی آنها و در صورت امکان، دیدار با آنها.

۲۰. اقامه نماز جماعت اول وقت در عین رعایت اختصار

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ بِالنَّاسِ فَلْيَخَفْ فَإِنَّ مِنْهُمْ الضَّعِيفَ وَالكَبِيرَ وَذالْحَاجَةَ وَإِذَا صَلَّى لِنَفْسِهِ فَلْيَطْوِلْ مَا شَاءَ؛ هرگاه فردی از شما امام جماعت شد، باید نماز را کوتاه کند و به حداقل اکتفا نماید؛ زیرا در میان اقتداکنندگان، انسان‌های ضعیف، سالخورده، مریض، نوجوان و افراد دارای مشکلات (مغازه‌دار، مسافر و...) هستند و هر زمان برای خودت به تنهایی نماز می‌خوانی، به هر میزان مایل هستی طول بده»^۱.

۲۱. ایجاد مکان‌های جذاب برای جوانان و نوجوانان

منظور این است که بسترسازی و فضاسازی مطلوب به عمل آید تا زمینه حضور جوانان و نوجوانان، چه زن و چه مرد، در مسجد ایجاد شود؛ برای مثال اگر

۱. محمدی‌ری‌شهری، میزان‌الحکمه، دارالحدیث، ص ۱۳، حدیث ۹۳۱۵، به نقل از صحیح مسلم، ج ۲، ص ۴۳.

کانون‌های فعالی در کنار مسجد ایجاد شود، امکان جذب نوجوانان و جوانان به مسجد وجود خواهد داشت. کانون‌هایی که به کارهای فرهنگی، هنری، تفریحی و ورزشی بپردازد و امکانات لازم را فراهم کند؛ مانند کتاب‌های مناسب با ذوق و سن افراد، کتابخانه مناسب، سایت‌های اینترنتی علمی و تربیتی و متصدیان خوش‌برخورد و

۲۲. راه‌های اصلاح و شناخت مؤثرترین آنها

علاّمه طباطبایی، در «تفسیر کبیر المیزان»، سه راه برای اصلاح و تربیت بیان می‌کند:

۱. از راه توجّه دادن به منافع و آثار دنیوی؛ برای مثال، هر کسی راست بگوید در جامعه اعتبار و ارزش پیدا می‌کند.
۲. از راه توجّه دادن به منافع و آثار اخروی و توجّه‌دادن به زیان آخرت.
۳. نکته‌ای که بیان می‌کنیم مختصّ قرآن است و در هیچ کتاب آسمانی دیگری نیامده است و آن این است که انسان را از نظر روحی و علمی به گونه‌ای تربیت کنند و علوم و معارف را چنان در وجود او پیورانند که دیگر موضوعی برای زشتی‌ها باقی نمی‌ماند؛ برای مثال، کسی که ریا می‌کند و برای غیرخدا کاری انجام می‌دهد، دو علت بیشتر ندارد: یا می‌خواهد در نظر غیرخدا عزّتی پیدا کند یا از قدرت او می‌ترسد. چنین کسی وقتی متوجّه می‌شود که قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»^۱ و «أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»^۲ آرام می‌شود. اگر شخصی به راستی به این دو حقیقت ایمان راسخ داشته باشد و بداند که عزّت و قدرت فقط مال خداست، موضوعی برای ریا و ظاهرسازی در او باقی نمی‌ماند؛ در نتیجه، نه به کسی امید پیدا می‌کند و نه از کسی می‌ترسد.

^۱ . یونس، آیه ۶۵؛ نساء، آیه ۱۳۹.

^۲ . بقره، آیه ۱۶۵.

۲۳. مخاطب‌شناسی

مخاطبان این مقاله، نمازگزاران و همه گروه‌های جامعه هستند که به نوعی در برنامه‌های مساجد شرکت می‌کنند. آنها با توجه به ملاک‌های مختلف (حالت‌ها، روحیه‌ها، ویژگی‌های فردی و اجتماعی) در دسته‌های مختلفی جای می‌گیرند:

الف) تقسیم مخاطبان با توجه به وضعیت‌های مختلف فکری و عقیدتی

متکلم در برابر مخاطب، همانند پزشک در برابر بیمار است. همان گونه که پزشک ابتدا باید بیماری را تشخیص دهد و سپس درمان را انجام دهد، متکلم نیز نخست باید وضع فکری مخاطب را بشناسد و بعد متناسب با آن سخن بگوید. بنابراین، باید به قدر نیاز او سخن بگوید؛ نه طولانی و خسته‌کننده باشد و نه کوتاه و نامعلوم. از لحاظ فکری، مخاطب به سه دسته تقسیم می‌شود:

دسته اول: مخاطب خالی‌الذهن

مخاطب خالی‌الذهن کسی است که بر لوح ذهنش هیچ شکی نقش نبسته است. دل این افراد، آمادگی زیادی برای پذیرش حقایق و معارف الهی دارد. اگر این دسته از مخاطبان، گمراه شوند، به سبب کوتاهی، غفلت یا فشار بیرونی بوده است.

دسته دوم: مخاطبان مردود و شکاک

به طور معمول، روش کاربردی برای این دسته، روش قیاسی، فلسفی و کلامی است؛ اما باید گفت هر روشی که شخص مردود را از تردید بیرون بیاورد، مطلوب است و کاربرد دارد. متکلم باید کلامش را با روش‌های مناسب ادا کند تا مخاطب را از شک و تردید بیرون بیاورد.

دسته سوم: مخاطبان منکر

افراد منکر از دو حال خارج نیستند: یا در اثر جهل و غفلت به انکار موضوعی می‌پردازند که داروی آنها علم و معرفت است و هنگامی که به واقعیت برسند، دست از انکار و لجاجت می‌کشند یا انکارشان از روی غرض و مرض است و بر

انکار واقعیت اصرار می‌کنند که در این صورت، باید بین معاند و غیرمعاند فرق گذاشت تا هم ظلم نشود و هم دیگران سوءاستفاده نکنند. باید معاند را که در حقیقت، با واسطه یا بی‌واسطه، فاعل مختار تهاجم‌های فرهنگی است، در مقام عنصری خطرناک از مجموعه نیروهای مسجد رانده شود و به قانون سپرد شود. معلّم‌ها و مربّیان که با این گونه افراد سر و کار دارند، باید توجّه داشته باشند که در مأموریت خود -تحقق امر تعلیم و تربیت- کاری نکنند که مخاطبان بگریزند.

ب) تقسیم مخاطبان با توجّه به حالت‌های روحی

۱. برخی از مخاطبان ذوق شعر دارند؛ بنابراین، تشکیل کانون شعر برای پیشبرد هدف‌ها مطلوب است.
۲. بعضی از مخاطبان هنر آوازخوانی دارند و از صدای خود، به خصوص در حضور دیگران، لذّت می‌برند. متولیان امور مسجدها باید کاری کنند که این لذّت‌ها به لذّت‌های معنوی و الهی تبدیل شود و ذوق آوازخوانی به سوی تکامل سوق پیدا کند. در این راه، باید روش‌هایی را به کار برد که در تحقق هدف‌های مسجد تأثیر بیشتری دارد. به نظر می‌رسد که تشکیل کانون یا مجمع قاریان قرآن و مدّاحان اهل بیت، از جمله همین روش‌هاست. باید توجّه داشت که در زمان اجرای برنامه قرائت قرآن یا مدّاحی، همه امکانات صوتی مسجد به کار گرفته شود؛ زیرا این کار باعث می‌شود که ذوق آوازخوانی جوانان و نوجوانان ارضا شود یا به تعادل برسد و جذب کنسرت‌ها و موسیقی‌های مبتذل نشوند.
۳. تعدادی از مخاطبان ذوق هنرهای نمایشی دارند. برای انتقال فرهنگ دینی به این گروه، باید از زبان نمایش و تئاتر استفاده کرد؛ بنابراین، توصیه می‌شود کانون تئاتر و نمایش‌های دینی و مذهبی تشکیل شود.
۴. گروهی از مخاطبان هستند که ذوق فلسفی، کلامی و به خصوص کلام جدید دارند و مایلند حقایق کلامی را با زبان روز بفهمند.
۵. برخی از مخاطبان هستند که حقایق دینی را فقط با زبان قصّه درک می‌کنند.

در وهله اول، اینها کودکان مسجدی هستند (بین ۳ تا ۱۳ سال) و در وهله ی دوم، بی سوادان سالمند که باید در بیان قصه و موضوع آن دقت شود.

۶. گروهی از مخاطبان هستند که با اردوهای زیارتی و آموزشی، دین دار می شوند؛ بنابراین، توصیه می شود با کمک جوانان مسجدی، کانون اردو تشکیل شود.

ج) تقسیم مخاطبان باتوجه به وضعیّت سنّی، خواسته ها و آرمان ها

از نظر سنّی می توان مخاطبان را به چند گروه تقسیم نمود که عبارت اند از: کودکان (۲ تا ۱۲ سال)، نوجوانان (۱۲ تا ۱۸ سال)، جوانان (۱۸ تا ۳۵ سال) و میان سالان و بالاتر.

هر یک از این گروه ها ویژگی ها، خواسته ها و آرمان هایی دارند که بیان همه آنها در این مقاله نمی گنجد. از آنجا که جوانان و نوجوانان مخاطبان اصلی برنامه ها و فعالیت های علمی و تربیتی مسجدها هستند، در ادامه به ویژگی های این دوران و نکات تربیتی مربوط به این گروه سنّی می پردازیم:

ویژگی های تربیتی نوجوانان

دوران بحران

اولین مرحله نوجوانی، گذر از دوران بحران است. در این مرحله، هر چه در زندگی گذشته نوجوان رخ داده است، در وضع فعلی او اثر می گذارد. اتفاق ها و تربیت این مرحله نیز در وضع زندگی آینده اش تأثیری پایدار خواهد داشت. زمانی که نوجوان به سرعت، تغییر جسمانی پیدا می کند، اجتماع از او می خواهد مستقل و مسئولیت پذیر شود و به خوبی درس بخواند، تکلیف های اسلامی را انجام دهد و... با توجه به موردهای ذکر شده، اهمیت مسجد در جایگاه محیط تربیت کننده نمایان می شود.

استقلال طلبی

در این مرحله، نوجوان می‌خواهد از ویژگی‌های دوران کودکی فاصله بگیرد و به استقلال برسد. باید توجه داشت که برخی از رفتارهای نوجوان که در نظر والدین یا مربیان ناپسند می‌آید، اقتضای سن آنهاست. اختلاف سنی نوجوان با والدین و مربیان نیز ناسازگاری را افزایش می‌دهد.

نوگرایی

در این مرحله، نوجوان مایل است خود را مستقل معرفی کند و ویژگی‌های دوره کودکی را کنار بگذارد. برای این منظور، نوجوان از والدین و اطرافیانی انتقاد می‌کند که در کودکی مورد پذیرش و احترام وی بوده‌اند. در برخی موردها، نوجوان عیب‌های والدین و بزرگ‌ترها را چندبرابر جلوه می‌دهد و محبت‌ها و رسیدگی‌های آنها را مداخله در کارهای خود می‌داند که همه این موارد نشان‌دهنده خصیصه نوگرایی نوجوان است.

رشد عقلانی

در مرحله رشد عقلانی، نوجوان این قابلیت را پیدا می‌کند که درباره گذشته و آینده مسائل ممکن و مجرد بهتر بیندیشد. به این ترتیب، دیگر افکار نوجوان فقط به واقعیت‌های ملموس و آنچه می‌بیند، محدود نیست. او می‌تواند، منطقی و منظم، موضوع‌ها و مسائل انتزاعی را بررسی کند. موضوع‌هایی که نوجوانان به آن فکر می‌کنند و عقاید خود را بر اساس آن شکل می‌دهند، طیف وسیعی از مسائل اخلاقی، مذهبی، سیاسی، علمی و غیره است. بنابراین، اگر روح نوجوان با مطلب‌های انحرافی و اشتباه‌ها و شبهه‌های عقیدتی تغذیه گردد، هویت او به همان صورت شکل می‌گیرد و جبران آن بسیار دشوار است. پس، بر مربیان و معلمان امور دینی و تربیتی لازم است که به این ویژگی توجه خاص داشته باشند.

خودمیان‌بینی

در نوجوان، خودمیان‌بینی به وجود می‌آید که مرحله‌ای گذرا در رشد شناختی وی است. یکی از آثار این پدیده، رفتارهای جلف است که با هدف جلب توجه و گاهی خودنمایی در برابر جنس مخالف است. بسیاری از نوجوانان می‌خواهند با وضع ظاهری، رفتاری و کلامی جلف و نسنجیده خود را مطرح کنند و توانایی خود را با هویتی منفی نشان دهند. موضوع دیگر، احساس جلب توجه است؛ نوجوانان احساس می‌کنند ظاهر و رفتارشان مورد توجه و بررسی دیگران قرار می‌گیرد. بنابراین، باید توجه داشت که به نوع پوشش، حرف زدن و رفتار نوجوان در مرحله نخست تعلیم و تربیت انتقاد نشود. همان‌طور که از روایت‌های اسلامی به دست می‌آید، تعلیم و تربیت امری تدریجی است و به مرور زمان می‌توان ناهنجارها را از افراد دور کرد.

ویژگی‌های تربیتی جوان امروز

۱. بسیاری از جوانان امروزی از تعلیم مستقیم امور تربیتی و اخلاقی متنفرند؛ به‌ویژه اگر مستقیم به خودشان اشاره شود. در این گونه موردها، باید از زبان و روش قرآن استفاده کرد. قرآن کریم در نکوهش و مدح اشاره تصریحی کم دارد و به طور عمومی، دارندگان صفت زشت را نکوهش و دارندگان صفت نیک را مدح می‌کند؛ مانند «وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ»^۱، «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ»^۲ و «وَيْلٌ لِّیَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ»^۳.

۲. جوان عصر حاضر از رمز و راز، در پرده سخن گفتن و صحبت با ایما و کنایه بیشتر لذت می‌برد. به این دلیل، در تماشای فیلم‌ها و خواندن کتاب‌ها بیشتر دقت می‌کند تا به زاویه‌های پنهان آن پی ببرد. قرآن، کتابی است که رمز و رازهای فراوانی دارد. وقتی قرآن به جوان امروزی معرفی شود که از رازها و رمزها لذت می‌برد، طبیعی است که زبان قرآنی را می‌پذیرد.

۱. همزه، آیه ۱.

۲. مطففین، آیه ۱.

۳. مرسلات، آیه ۲۴.

۳. جوان امروزی، واقع گراست؛ پس باید برای او از واقعیت‌ها گفت و هیچ کتابی مانند قرآن و عترت واقعی نیست.

۴. جوان قرن ۲۱، اهل شبهه است؛ بنابراین، باید به رمز و راز شبهه آگاه باشیم تا بتوانی از پس پاسخ برآییم که در این صورت، واقعیت برای او ماندگار خواهد شد.

۵. جوان امروز، عدالت‌خواه است و در پی کسب آزادی تلاش می‌کند.

۶. جوان عصر حاضر، امور تعبّدی محض را قبول نمی‌کند و به دنبال چراها می‌گردد. زبان قرآن پاسخ‌گوی این ویژگی جوان امروزی است؛ زیرا قرآن هیچ‌گاه انسان‌ها را به تعبّد محض دعوت نکرده است و تأکید دارد: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛ مردم را با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت بخوان و با بهترین شیوه با آنان مجادله کن...»؛ زیرا پروردگار تو به کسانی که از راه او منحرف شده‌اند، آگاه‌تر است و هدایت یافتگان را بهتر می‌شناسد.

۷. جوان امروز، به برکت پیشرفت فناوری، قدرت تخیل زیادی پیدا کرده است.

۸. جوان امروز، می‌خواهد از قراین و شواهد خیلی دور، واقعیت را بیابد؛ مانند کارآگاهان. زبان قرآن برای این ویژگی جوان نیز پاسخ‌گوست. قرآن کریم نشانه‌های خیلی دوری از اشیا بیان کرده است؛ برای مثال، در بیش از ۱۴۰۰ سال قبل، به پدیده لقاح درختان، وجود اتم، مرکز بودن خورشید و... اشاره کرده است. بنابراین، اگر قرآن و عترت به درستی معرفی شود و پاسخ‌های جوان امروزی از میان آنها داده شود، او دین را با همه وجود می‌پذیرد.

۲۴. روش‌شناسی

مدیر فرهنگی و تربیتی مسجد، باید روش‌های موجود را بشناسد و مؤثرترین آنها را متناسب با مقتضیات حال مخاطب به کار گیرد. در اینجا، ما به سه روش عقلانی، عرفانی و هنری اشاره می‌کنیم:

۱. نحل، آیه ۱۲۵.

۱. روش استدلالی و عقلانی

در روش استدلالی که برای تنظیم و تبیین گزاره‌های دینی و پاسخ به شبهه‌ها استفاده می‌شود، سه نکته وجود دارد:

نکته اول: اگر پذیرفتیم که هدف از به‌کارگیری شیوه استدلالی و فلسفی، آموزش دین، انتظام و مرتب‌سازی گزاره‌های دینی، تبیین آنها و پاسخ‌گویی به شبهه است، نباید با اعمال این روش به دنبال تولید ایمان، افزایش تقوی و آدم‌سازی باشیم؛ بنابراین، نباید از چنین کسی توقع داشت که نماز شب بخواند. با این روش، سه هدف دنبال می‌شود:

نخست اینکه، فرد مردد، منکر یا نامؤمن، مؤمن می‌شود، دوم اینکه، فرد مؤمن ایمانش تقویت می‌شود و در نهایت ایمان شخص مؤمن کاهش نمی‌یابد و سست نمی‌شود.

نکته دوم: این روش، مخاطبان خاص دارد و عامه مردم را شامل نمی‌شود. اگر به تاریخ کلام و فلسفه نگاه کنیم، می‌بینیم این‌گونه مسائل، مباحث، اندیشه‌ها و روش‌ها مخاطبان محدود داشته است و فقط عده‌ای از اهل ذوق یا نخبگان را شامل شده است. بنابراین، متولیان این امر باید از تعمیم مباحث‌های عقلی و فلسفی به سطح عمومی پرهیز کنند.

نکته سوم: در پاسخ عقلی و فلسفی به شبهه‌ها، باید به این نکته توجه داشت که شبهه‌ها در هر دوره‌ای متفاوت هستند؛ بنابراین، بخشی از تلاش متولی این امر باید صرف شناسایی شبهه‌ها و سؤال‌ها شود و سپس با استفاده از منبع‌های اصیل دینی و استدلال‌های استوار عقلی به آنها پاسخ دهد.

۲. روش عرفانی

عارفان به گونه‌ای کامل و مستقل و متمایز، دین و معارف را آموزش می‌دهند. این آموزش، اشکال مختلفی دارد: گاهی غیررسمی، گاهی عملی، در برخی موارد نظری و گاهی هم به صورت ادیبانه و بسیار مؤثر و بانفوذ بوده است؛ به این دلیل که عرفان با دل و جان آدمی ارتباطی مهربانانه دارد و آنچه با درون و قلب انسان

شکل گیرد، تأثیرش بیشتر است.

در روش عرفانی باید، به دو نکته توجه کرد: نخست اینکه، امروز مذاهب و اندیشه‌های غیردینی بسیار متنوعی مثل عرفان بودا، عرفان چینی، شینتو^۱ و عرفان سرخ پوستی^۲ رواج یافته است؛ بنابراین، از یک سو نیاز به عرضه عرفان ناب اسلامی فزونی یافته است و از سوی دیگر، ورود به این مسیر، قدم گذاشتن بر لبه درّه‌ای عمیق است و باید احتیاط کرد. نکته دوم اینکه، در عرفان اسلامی، در کنار حرف‌های بلند و نورانی، سخنان آلوده کم نیست؛ بنابراین، باید در تشکیل سخنرانی‌ها و جلسه‌های عرفانی دقت کرد تا عرفان ناب را با پالایش درونی به دست آورد.

۳. روش هنری

روش هنری، قالب‌های مختلفی دارد و می‌توان برای آن نمونه‌های زیادی بیان کرد؛ از جمله: زبان قصه و رمان. در قرآن به این شیوه بسیار توجه شده است. بیش از ۷۰ قصه در قرآن آمده است که ۱۵۰۰ آیه می‌شود و ۲۷ قصه درباره انبیای الهی است.

در اهمیت زبان قصه و رمان در روش هنری، می‌توان به این نمونه‌ها اشاره کرد: شاهد اول: قرآن کریم به ما می‌گوید که می‌توان مسائل اعتقادی را محسوس کرد و در قالب مقوله‌های هنری به مخاطبان عرضه کرد. این در واقع، همان کاری است که امروز بیگانگان انجام می‌دهند. آثار افرادی، مانند سارتر، بکت، کوندرا، اوانامونو، کوئیلو و ده‌ها نویسنده دیگر بهترین شاهد این مدعاست. کارتون‌هایی نظیر «دوقلوهای افسانه‌ای»، «پینوکیو» و «ای کیوسان» حاصل یک فرهنگ و تمدن هستند. دوقلوها، این اندیشه را به مخاطب القا می‌کند که اتحاد

۱. شینتو (Shinto) یعنی، طریقه خدایان که آیین باستانی ژاپن است. این آیین، الهه خورشید به نام اماتراسو (Amaterasu) را نگهبان سرزمین اجدادی می‌داند و خاندان سلطنتی را از نسل این خدا و تجسم وی می‌شمارد.

۲. عرفان سرخ‌پوستی، دارای یک دسته اعمال مخصوصی است. این مسلک هیچ سند و مدرک معتبری ندارد، بلکه بیشتر از طریق خاطرات و گزارش‌هایی است که بعضی افراد از طریق سرخ‌پوستان نقل می‌کنند، که در بعضی موارد خود آنان، وجود خارجی نداشته یا حداقل خیلی‌ها آن را انکار نموده‌اند. این عرفان از خرافات شکل گرفته است تا واقعیت.

دو ناهم‌جنس و تمرکز آنان، قدرت می‌آورد که خلاصه تفکر بودائی‌ها است، کارتون پینوکیو دوره‌ای از سیر و سلوک و عرفان مسیحیت را نشان می‌دهد و کارتون ای کیوسان تداعی‌کننده عرفان یوگاست.

شاهد دوم: بخش مهمی از روایت‌های ائمه معصومین (علیهم‌السلام) به محسوس کردن مسائل اعتقادی در قالب مقوله‌های هنری اشاره کرده است (به تفسیر آیات ۱۳ تا ۱۶ سوره «فصلت» مراجعه کنید).

شاهد سوم: قصه گویی، نقالی، پرده‌خوانی، تعزیه گویی و... نمونه‌هایی از فرهنگ اسلامی ایرانی است که خاستگاهی جز دین و قرآن ندارد.

شاهد چهارم: کارهای ادبی ایران اسلامی، مانند شاهنامه، افسانه‌های مثنوی، حکایت‌های گلستان و بوستان، داستان‌های کلیله و دمنه و نمونه‌هایی دیگر بیان‌کننده اهمیت توجه به مقوله‌های هنری و ادبی است.

شاهد پنجم: اهتمام به قصه تا حدی بوده است که حتی سرآمد نوابغ و فیلسوفان، ابن سینا، عاقبت به این روش روی می‌آورد و قصه «سلامان و آبسال» و نیز «رساله الطیر» را می‌نگارد.

شاهد ششم: بسیاری از متفکران، اندیشمندان و کارشناسان دریافته بودند که بهترین، آسان‌ترین و سودمندترین شیوه تعلیم و تربیت، تمثیل است. خلاصه اینکه، به دلیل قالب‌ها و زبان‌های متعدد هنر، امکان ندارد عده‌ای آن را نطلبند. هنر با مزاج و ذوق هر کسی متناسب است؛ بنابراین، یکی از عالی‌ترین ابزار و روش تعلیم و تربیت، روش هنری است.

۲۵. تبلیغات

تبلیغات مطلوب به مدیریت خلاق و هنرمندانه نیاز دارد. بر کسی پوشیده نیست که تبلیغات چه نقش مهمی دارد و یکی از مهم‌ترین عناصر در تأثیرگذاری تعلیم و تربیت است. فضا سازی معنوی در درون و بیرون مسجد، اعلام برنامه‌ها و فعالیت‌های مسجد از طریق بروشور، هفته‌نامه یا ماه‌نامه و اطلاع رسانی و آموزش استعداد‌های نوجوانان و جوانان از نمونه‌های تبلیغات در مسجد است.

« نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب یادشده درمی‌یابیم که در نگاه شارع اسلام، مسجد کانون تعلیم و تربیت و فعالیت‌های دینی و فرهنگی است. حال، این سؤال مطرح می‌شود که چگونه می‌توان چراغ این کانون را برای همیشه روشن نگه داشت تا افراد بیشتری از پرتو نورافشانی‌های آن بهره ببرند؟ این سؤال موضوع این مقاله بود. تحقق چنین آرمان مقدّسی در مسجد که خانه خداست، به عامل‌های زیادی نیاز دارد که به آنها اشاره کردیم. یکی از مهم‌ترین عنصرهای تحقق چنین آرمانی، عنصر مدیریت فرهنگی مسجد است. این مدیریت در صورتی توفیق می‌یابد که دارای ویژگی‌های مذکور در این مقاله باشد و در غیر این صورت، نه تنها قادر نیست که مسجد را در مسیر هدف‌های عالی و الهی قرار دهد، بلکه موجب انحراف مسجد و مسجدیان نیز می‌گردد.

« منابع و مأخذ

- « قرآن کریم
- « آیت‌الله مکارم شیرازی، ناصر، فرماندهی در اسلام، انتشارات هدف.
- « آمدی، عبدالواحدبن محمد تمیمی، غررالحکم و دررالکلم، شرح جمال‌الدین محمد خوانساری، با مقدمه و تصحیح و تعلیق میرجلال‌الدین حسینی ارموی «محدث»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۶ ه.ش.
- « قشیری نیشابوری، مسلم‌بن حجاج، صحیح مسلم (به شرح النووی)، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- « ابوالقاسمی، محمدجواد، امام و مأموم در جلوه‌گاه حضور، نشر یاس کبود، ۱۳۷۸ ه.ش.
- « احمدی، مسعود، مدیریت اسلامی، نشر ویرایش، ۱۳۸۳ ه.ش.
- « موسوی الخمینی، سید روح‌الله، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، چاپ دوم، بی‌تا.
- « شیخ حرّ عاملی، محمدحسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، مؤسسه آل‌البتین (ع) لاحیاء التراث [بی‌تا].
- « حسن‌زاده آملی، حسن، دلنامه و خداینامه، گردآورنده مجتبی آوریده.
- « دلشاد تهرانی، مصطفی، ارباب امانت (اخلاق اداری در نهج‌البلاغه)، انتشارات دریا، ۱۳۷۹ ه.ش.
- « رضائیان، علی، اصول مدیریت، سازمان سمت، چاپ دهم.
- « شبستری، سعدالدین شیخ محمود، گلشن راز، به کوشش و مقدمه و حواشی و تعلیقات دکتر جواد نوربخش، تهران، انتشارات یلدا قلم، چاپ دوم، ۱۳۸۲ ه.ش.
- « شیخ صدوق، محمدبن علی بن بابویه قمی، من لایحضره الفقیه، تصحیح علی‌اکبر الغفاری، قم، انتشارات جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، [بی‌تا].
- « فلسفی، محمدتقی، سخن و سخنوری، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ ه.ش.
- « فیض کاشانی، ملامحسن، المحجّه البیضاء، قم، انتشارات اسلامی.
- « نوری، میرزاحسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل‌البتین (ع) لاحیاء التراث، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ه.ق / ۱۹۸۸ م.
- « محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمه، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۷ ه.ش.
- « مشکینی، علی، قصارالجمل، دو جلدی، بی‌تا.
- « ناشر، عبدالحسین، درالادب در فنّ معانی، بیان، بدیع، انتشارات هجرت.
- « نبوی، محمدحسن، مدیریت اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۸ ه.ش.
- « شریف‌الرضی، محمدبن حسین، نهج‌البلاغه، صبحی صالح، قم، انتشارات هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ ه.ق.
- « نشریه علمی فرهنگی تبلیغی مسجد دانشگاه، پیش شماره ۱۳۸۰ ه.ش، صاحب امتیاز نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
- « نشریه معارف، فروردین، ۱۳۸۱ ه.ش، معاونت امور اساتید دروس معارف اسلامی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
- « نماز در آیین نشریات دانشجویی، ویژه یازدهمین اجلاس سراسری اقامه نماز، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، ۱۳۸۰ ه.ش.
- « شبستری، شیخ محمود، گلشن راز، تألیف ۷۱۷ هجری قمری، نسخه الکترونیک pdf، نشر الکترونیک توسط امیر حسین خنجی، قابل دسترس در: www.iranatarikh.com
- « خبرگزاری مهر به آدرس: com.mehrnews.www

نقش مسجد در مدیریت توسعه محله‌ای

سعید اسدی

چکیده

نوشتار حاضر، پژوهشی توصیفی (Descriptive) است که در آن، علاوه بر مطالعه اسناد، مدارک و منابع کتابخانه‌ای، از مصاحبه با اساتید حوزه و دانشگاه نیز برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. این نوشتار، در صدد تبیین نقش مسجد در مدیریت توسعه محله‌ای است و مسئله اصلی پژوهش، تحلیل نقش مسجد به عنوان گسترده‌ترین شبکه فراگیر اجتماعی و نقش‌آفرینی آن در مدیریت ارتباطات اجتماعی و تأثیر آن در توسعه شهری، به‌ویژه توسعه محله‌ای با ظرفیت و پتانسیل بالا است. نگارنده، به سامان دادن مدل‌های ذهنی و ساختار ذهنیت مدیران شهری از طریق برقراری ارتباط با نهادها و تشکلهای مردمی، نظیر مسجد و کانون‌های فرهنگی مستقر در آن و گسترش کمی و کیفی تفکر نظام‌گرا پرداخته و نحوه فراهم آوردن رفتار توسعه یافته در تمامی دست‌اندرکاران اداره شهر و محلات تهران را مورد بحث قرار داده است.

« واژگان کلیدی:

توسعه شهری، مدیریت خرد، مدیریت محله‌ای، تشکلهای مردمی، تفکر نظام‌گرا.

« اشاره

جایگاه مسجد در ورود به مدنیّت صحیح و توسعه آن و حلّ مشکلات موجود شهری و محله‌ای، منتج از شهرنشینی و نوگرایی، در جهت برخورداری از جوامع سالم، به‌ویژه در سطح محله‌ای است. مسئولیت نهاد مسجد در اجرای عدالت اجتماعی، به واسطه مدیریت در توزیع متناسب بیت‌المال و از میان بردن فقر و تبعیض میان افراد سطوح مختلف جامعه بسیار مهم بوده است. در عصر کنونی نیز نقش مسجد در انعکاس نقطه‌نظرات و پیشنهادات مردم شهرها و محلات به مسئولان و تأثیرگذاری بر روند تصمیم‌گیری و مدیریت خرد کشور، متناسب با نظرات و خواسته‌های مردم مورد توجه همگان قرار گرفته است. جایگاه مسجد به عنوان نقطه عطف مدیریت در توسعه مودت، انس و اخوت امت اسلامی و تأثیر آن در غنای مدیریت و استانداردسازی زندگی انسان در جنبه‌های فردی و اجتماعی، چنان بااهمیت است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. در مقایسه با سایر شاخص‌های مدیریتی که به‌طور عمده از زاویه و چشم‌انداز خاص، مدیریت فرهنگی، آموزشی و... را مدتظر قرار می‌دهند، امروز نقش مدیریتی مساجد که با تمامی قلمروهای پیچیده انسانی اعم از آموزشی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... سر و کار دارند، از اهمیت بسزایی برخوردار گردیده است. به عبارت دیگر، امروز بر اهمیت نقش بارز مدیریتی مساجد به عنوان مجالس شورای اسلامی و مراکز دخالت و مشارکت مسلمانان در شیوه اداره حکومت، به همان صورت که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آن تأکید می‌فرمود، بیش از پیش افزوده شده است. از این رو، در این نوشتار مختصر، ضمن توجه به نقش مسجد در افزایش فشردگی کالبدی در توسعه شهری، به جای نظام مدیریت شهرمحور به مدیریت محله‌محور می‌پردازیم و آن را تشریح می‌نماییم.

« نقش مدیریت در زندگی اجتماعی

صاحب‌نظران علم سازمان و مدیریت بر این اعتقادند که جوامع امروز بشری، همراه با گسترش روابط اجتماعی، توسعه صنایع و دگرگونی ارتباطات، اختراع وسایل جدید زندگی و تجمل‌گرایی و رفاه‌زدگی بشر به همراه شاخص‌های دیگر که برای تأمین نیازمندی‌های روزافزون اجتماع، پا به عرصه وجود نهاده‌اند، مسائل مدیریتی و تئوری‌های جدیدی را مطرح نموده است که حل و فصل آنها نیاز به دید علمی و نگرش جامع مدیریتی دارد.

با توجه به کمبود منابع مادی و انسانی و توسعه روزافزون سازمانی در جهت تولید و توزیع کالا و خدمات، به اقتضای پیشرفت‌های مربوط به فناوری و تکامل و تحوّل ارزش‌های فرهنگی و مذهبی، ضرورت رفتار عقلایی و خردگرایی سازمانی، مشهود می‌گردد.

ماکس وبر، خردگرایی را متضمّن طرح‌ریزی و ایجاد یک نظام اداری از طریق تقسیم کار و هماهنگ کردن فعالیت‌ها بر اساس بررسی منظم روابط یک فرد با افراد دیگر، به منظور به دست آوردن بهره‌وری بیشتر می‌داند.^۱

با مشاهده سیر تکاملی جوامع بشری پی می‌بریم که ادامه زندگی انسان بدون وجود سازمان و تشکیلات اجتماعی امکان‌پذیر نیست؛ زیرا در آن روزی که انسان پا به عرصه وجود نهاد و زندگی خویش را آغاز کرد، به‌طور فطری نخستین واحد سازمانی را به نام (خانواده) تشکیل داد.^۲

از دیگر نهادها و سازمان‌های اجتماعی که عمری بس طولانی داشته و شاید از نظر قدمت چندان فاصله‌ای با سازمان خانواده نداشته باشد، سازمان حکومت یا سازمان مدیریت است؛ چرا که بشر در آغاز احساس کرد که نیاز به تشکیلاتی دارد که در قالب آن وظایف و مسئولیت‌ها را مشخص نماید. امروز که زندگی و آگاهی‌های علمی بشر توسعه یافته و نیازهای گوناگون انسانی، سازمان‌های متنوعی را می‌طلبد، به اهمیت سازمان افزوده شده است تا جایی که دنیای

۱. اقتداری، علی محمد، سازمان و مدیریت، ص ۲.

۲. بروس کوئن، درآمدی بر جامعه‌شناسی، ص ۱۲۷.

پیشرفته کنونی، انواع و اقسام سازمان‌ها را برای اداره امور زندگی خود، به وجود آورده است. سازمان‌های تربیتی و پرورشی، سازمان‌های اخلاقی و انسانی و... که هر یک از آنها با طبایع مخصوص به خود انجام وظیفه می‌نمایند، نمونه‌هایی از این قبیل هستند. با توجه به اهمیت، تعاریف و شاخص‌های سازمان از نظر صاحب‌نظران علم مدیریت و با نگاهی به فرهنگ اسلامی که فرهنگ نظم است باید به سازمان‌دهی و سازمان با دیدی عمیق نگریسته می‌شود.

تقسیم کار، حدود وظایف، جلوگیری از تداخل امور، دامنه اختیار و آزادی در محدوده مسئولیت، همه از جمله مسائلی هستند که جهت نیل به سعادت و سیادت و توسعه در نظام اسلامی از ضروریات زندگی اجتماعی به شمار می‌روند. امروز آمار و سنجش‌های آماری، نقش مهمی در برنامه‌ریزی‌ها و مدیریت عرصه‌های مختلف بازی می‌کنند. چگونگی و ساختار برنامه‌ها را، آمار مشخص می‌کند. از این‌رو، به دلیل گره خوردن این دو مقوله و ارتباط مستقیمی که با هم دارند، آنها را در کنار هم در نظر گرفته‌اند. در مباحث جامعه‌شناسی گفته می‌شود که هرچه آمار دقیق‌تر و مشخص‌تر باشد، از عملکرد دقیق‌تر و مشخص‌تری در برنامه‌ها، به‌ویژه برنامه‌های مدیریتی برخوردار خواهیم بود. بررسی نسبت جمعیت منطقه یا محله و خدمات رفاهی و اجتماعی آن، داشتن درک درست از سرانه مصرفی مردم هر محله و تدوین آمار بازاریان و ساکنان هر محل و یا آمار مساجد و کانون‌های فرهنگی محله‌ای و نسبت آن با جمعیت و سکنه هر محله، به‌طور دقیق همان نقشی را در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری و به‌ویژه مدیریت محله‌ای ایفا می‌نماید که عقربه‌های ساعت در مشخص کردن زمان دارند.

به‌طور کلی می‌توان گفت که مبنای برنامه‌ریزی و مدیریت در امور محله‌ای و منطقه‌ای باید در قالب برنامه‌ریزی بر مبنای آمار صورت گیرد. با درک هرچه بیشتر تبعات آمار محلی، مثل دانستن آمار درستی از میزان مصرف افراد در هر محله، بی‌شک امر برنامه‌ریزی و مدیریت برای جهت‌دهی به مصرف و عرضه خدمات نیز روشن‌تر می‌گردد. به عنوان مثال با در دست داشتن آمار

نمازگزاران هر مسجد در محله‌های مختلف، با توجه به نسبت جمعیت ساکن در هر محله، می‌توان درک درستی از شرایط مذهبی و فرهنگی آن محل و میزان موفقیت مساجد در مدیریت محله‌ای به دست آورد.

« مدیریت در سطح کلان شهری

در جهان امروز، شهرها ابعاد پیچیده‌ای یافته‌اند و گویی که حاصل هزاران سال تلاش و تکاپوی انسان در ابعاد فرهنگی، هنری، دینی، اجتماعی، اقتصادی و... هستند. شهرها، همچون یک نظام، با موجودیت خود به عنوان تنظیم‌کنندگان روابط عینی اجتماعی شهروندان و اثرگذار بر زمینه‌های باورها، اندیشه و رفتار آنان، عهده‌دار نقش متفاوتی نسبت به گذشته هستند.

در دهه‌های اخیر حساسیت این موضوع بسیار فراتر از گذشته به چشم می‌خورد؛ چرا که شهرها تجسم عینی ایده‌آل‌ها، آرزوها، نگرش‌ها و مناسبات اجرایی یک جامعه شده و چه بسا مؤثرتر از نظام‌های آموزشی و اطلاعاتی کل کشور، به صورتی عمیق و نامحسوس، تار و پود وجودی شهروندان را می‌سازند.

در واقع، اتکای مردم به نظام مدیریت شهری ابعاد فزاینده‌ای یافته است. به‌گونه‌ای که ابتدیی‌ترین نیازهای آنان بدون پشتیبانی مدیریت شهری برآورده نمی‌گردد. به همین دلیل است که در دنیای امروز، شهرداران در ردیف مدیران اصلی اداره‌کننده حکومت ما محسوب می‌گردند. مدیریت کلان شهر تهران در کشور ما ابعاد بسیار پیچیده و مسائل بسیار گسترده‌ای را یافته است. این شهر مرکز و کانون فعالیت‌های گوناگون در جامعه ایران گردیده است.

تهران، به عنوان مرکز حکومت، به اقتضای سامان‌دهی سیاسی و مدیریتی جامعه به‌طور وسیعی، ساختار یافته است؛ به گونه‌ای که بخش عظیمی از دستگاه‌های اندیشه‌ساز، پردازش‌گر اطلاعات، تصمیم‌ساز و کلیه نهادهای تصمیم‌گیر در این شهر استقرار یافته‌اند.

تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در گرو فضای متعادل و آرامی است که اجازه شکوفایی فهم و تعقل را بدهد. امروز بیش از پیش به نظر می‌رسد که تهران از آرامش برخوردار نبوده و مرکز اصلی اداره‌کننده کشور از توازن و بالنده‌سازی کارشناسان و مدیران جامعه دور می‌شود.

کلان شهر تهران، در درون خود بسیاری از چیزها را جای داده است که در یک کلام، نظام تکاملی ناهنجاری به نظر می‌آیند. حل مسائل این شهر فقط به

اتکای داده‌ها، اطلاعات و دانش کلاسیک امکان‌پذیر نبوده و ضرورت سامان‌دهی فهم و تعقل صاحب‌نظران و نخبگان فکری جامعه و شهروندان این شهر را طلب می‌کند. کلان شهر تهران را به عنوان یک (شهر پایدار) باید نگریست. شهر پایدار در نظام جمهوری اسلامی ابعاد متعادل و ظریف‌تری می‌یابد و نظام مدیریت شهری عهده‌دار فراهم آوردن شرایطی می‌گردد که در چارچوب آن، شهروندان از آرامش روحی برای توسعه نیایش و آسایش ذهنی برای گسترش اندیشه و سلامت جسمی برای تلاش و فعالیت اجتماعی برای نیل به توسعه شهری - محله‌ای برخوردار گردند. بدین ترتیب، نقطه آغازگر مدیریت شهری در تهران، به اجرای طرح جامع ۲۵ ساله و ارائه خدمات شهری محدود نگردیده، بلکه نیازمند فلسفه مدیریتی است که در جهت اعتلای اهداف برشمرده، در تعامل گسترده با شهروندان به نتیجه برسد؛ چرا که بر این اعتقاد راسخ هستیم که بیشتر شهرها، تولید و مصرف را متمرکز ساخته و الگوهای ناسازگار با طبیعت را اشاعه داده‌اند؛ اما همین شهرها در محیط تمدن‌ساز خود، بزرگ‌ترین نوآوری و فرصت‌های تحوّل را با جمع‌آوری و تضارب افکار، منابع و دانش بشری فراهم آورده‌اند. سامان یافتن مدیریت کلان شهر تهران در گرو اقدامات گسترده، پیوسته و همه‌جانبه‌ای است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. افزایش فشردگی کالبدی در توسعه شهری، به دلیل معطوف داشتن توجه بر توسعه محله‌ای؛

۲. حفاظت و احیای مراکز باستانی و مساجد مستقر در محلات مختلف شهری؛

۳. اصلاح نظام اداری شهری و تغییر نظام شهرمحور به نظام محله‌محور؛

۴. سامان دادن مدل‌های ذهنی یا ساختار ذهنیت مدیران از طریق برقراری ارتباط با نهادهای مدنی و تشکّل‌های مردمی، نظیر مساجد در راستای نهادینه سازی تحوّل و بالندگی در اداره شهر تهران؛

۵. گسترش کمی و کیفی تفکر نظام‌گرا و منظومه‌ای و فراهم آمدن رفتار توسعه یافته در تمامی دست‌اندرکاران اداره شهر تهران؛

۶. ایجاد تهران پایدار به واسطه بهره‌گیری از وجود مساجد، فرهنگ سراها،

خانه‌های فرهنگ، مدارس، دانشگاه‌ها و... به عنوان کانون‌های توسعه تفاهم اجتماعی و برقراری امکان تبادل نظر میان این کانون‌ها و دستگاه‌های دست‌اندرکار برای یادگیری جمعی.

« دین و جایگاه آن در ورود به مدنیت »

کمتر عاملی به اندازه دین و ایمان در ایجاد تحولات تاریخی و دوران ساز از جمله تشکیل سلسله‌ها و خاندان‌های حکومت‌گر دخالت داشته است. در دربارهای قدیم به ندرت می‌توان مواردی یافت که دین‌داران در نظام درباری، نقش و نفوذ نداشته باشند.

در بسیاری از ادوار تاریخی، بسیاری از شاهان و فرمانروایان برای وجهه دادن به حکومت به حق یا ناحق خود، برای آن الهام یا منشأ الهی قائل شده‌اند. کلیسا، از بدو تأسیس تا عصر جدید اغلب، دولتی یا در برابر دولت یا مسلط بر دولت بوده است؛ اگرچه پیوند دین و مدیریت (حکومت)، کارنامه‌ای درخشان نداشته است. به همین دلیل است که بیشتر مدیران (حکمرانان) از نقش و نفوذ دین سوءاستفاده می‌کرده‌اند و گرنه از آنجا که دین، بیشتر هم‌عنان با اخلاق است، پیوندش با مدیریت (حکومت) می‌تواند به نفع حکومت شوندگان و جامعه بشری باشد. به‌طور کلی می‌توان گفت که دین و ایمان از جمله مهم‌ترین نهادهای اجتماعی-فرهنگی بشر بوده‌اند. شاید عصر ما، عصر بازنگری و بازگشت به دین باشد. دو قائمه بزرگ مادی‌گری و مادی‌نگری، یعنی پوزیتیویسم (در زمینه اندیشه و علم) و مارکسیسم یا کمونیسم (در زمینه عمل و اقتصاد و جامعه گردانی) شکست خورده و برای بشریت رنج دیده امروز، مجال تأمل در معنویات و بازگشت به سنت‌های معنوی که جامع‌ترین مصداق آن دین است، فراهم آمده است. از سده‌های نخستین ظهور اسلام در عامه مجامع اسلامی، مساجد به عنوان شاخص‌ترین و بارزترین نهادهای اسلامی تجلی داشته و آنچه در منظر ابتدایی، مایه‌های فرهنگ اسلام را بروز داده است، همانا وجود مناره‌های بلند و زیبای مساجد در پیشانی شهرها و محلات مسلمان بوده است. در حقیقت، آموزش عملی بنیان‌گذار مکتب اسلام بر رهروان راهش نیز بر این مدار پایه گذاری شده است. در طراح‌ی و برنامه‌ریزی اساسی حکومت اسلامی، مسجد نخستین پروژه‌ای است که معمار نهضت اسلامی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آستانه ورود به یثرب، در محله قبا آن را به مورد اجرا می‌گذارد. آن حضرت با ورود به یثرب،

نام مدینه را بر آن برگزیده و مسجد دیگری در مرکز شهر بنا می‌نهد. بدین ترتیب، رسول اکرم صلی الله علیه و آله این درس را به همگان می‌دهند که برای ورود به مدنیت صحیح و توسعه آن و برای برخورداری از جامعه سالم، باید از قالب مسجد گذر کرد و رنگ و بوی مسجدی که همانا «صِبْغَةَ اللَّهِ» است، بر خود گرفت و آنگاه در مدینه حکومت اسلامی و در مساجد آن ستاد حکومتی (مدیریتی) تشکیل داد و دین و آیین سیاست (مدیریت) را آموخت و دانست که اسلام، دین بهزیستی فرد و اجتماع و عامل اصلی مدیریت توسعه شهری و محله‌ای است. در مسجد، شکاف طبقاتی حذف و نظام برابری و برادری برآن حاکم است. آنچه که در مسجد مورد نظر است، تعمیم روح حاکم بر مساجد در سایر بخش‌های جامعه است. کارکردهای نمونه یک امت بدون تمایز ظاهری، حتی در روش نشستن مسلمانان در مساجد به وضوح مشهود است.

۱. رک: بقره، آیه ۱۳۸.

« مدیریت و اسلام

ابعاد گوناگون زندگی انسانی، دو موضوع را به ما ثابت می‌کند که نیاز به مدیریت از لوازم ضروری زندگی و وسیله‌ای برای سعادت اوست و این ضرورت، آنگاه آشکار می‌شود که انسان در ابعاد مختلف فکری و جسمی، اجتماعی و روانی شناخته شود.

دین مبین اسلام، ضرورت مدیریت را تا آن حدی می‌داند که می‌گوید قبل از اینکه به کاری اقدام کنید برای خود مدیریت را برگزیند تا در پناه نظم و هماهنگی سریع‌تر به هدف برسید.^۱

مطالعه تاریخ گذشتگان، ما را به نقش و تأثیر مدیریت در ارتقاء و یا انحطاط ملت‌ها واقف می‌گرداند. چه بسیارند ملت‌هایی که از نظر امکانات مادی و زمینه‌های مساعد فکری و مایه‌های غنی فرهنگی هیچ کمبودی نداشتند، اما به علت نداشتن مدیریت مدبرانه و رهبری آگاهانه در راستای برنامه‌ریزی صحیح و سازمان‌دهی اصولی و استفاده از نیروهای موجود در جهت نیل به هدف، در سراسیمی سقوط و شکست قرار گرفته‌اند. در مقابل، ملت‌هایی بوده‌اند که با سازمان‌دهی و بسیج نیروها، و مدیریت منسجم از کمترین امکانات، بزرگ‌ترین افتخارات را کسب نموده‌اند. زندگی انسان از آن جهت که یک زندگی اجتماعی است، از واحدهای مختلفی تشکیل شده که ما هر یک از آنها را ارگان‌های نظام اجتماعی می‌نامیم. با پیشرفت زندگی اجتماعی، به تدریج سازمان‌های جدیدی نیز شکل گرفته است. به دیگر سخن، در هر جامعه‌ای برای انجام وظایف خاصی و رسیدن به اهداف معین، یک سازمان به وجود می‌آید. این سازمان برای انجام مسئولیت خویش، دارای نظام و کارکرد مخصوص به خود است. در جامعه اسلامی هر مسجد، یک سازمان منسجم معنوی است و دارای اهداف، کارکرد و نظامی مخصوص به خود است و باید به شکل صحیح مدیریت شود تا بتواند نقش اصلی خود را به خوبی ایفا نماید.

تشکیلات و سازمان مسجد یک تشکیلات اداری، انتفاعی و یا تجاری نیست؛ بلکه

^۱ . تقوی دامغانی، سیدرضا، مدیریت اسلامی، ص ۵۳.

سازمانی الهی مردمی است که با مدیریت معنوی و نفوذ کلمه امام جماعت و با حضور توده مردم سازمان دهی می‌شود.^۱

جام ام گائوس می‌گوید: «سازمان، عبارت است از تنظیم افراد برای تسهیل در به ثمر رساندن مقاصد همگانی از راه تجنیس کارکرد و وظایف».^۲

در تعریف مدیریت اسلامی آمده است: «فعالیتی که زمینه رشد انسان به سوی الله را فراهم نماید و مطابق کتاب و سنت و سیره و روش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام و علوم و فنون و تجارب بشری برای رسیدن به اهداف یک نظام یا سازمان در ابعاد مختلف همانند یک محور و مدار و قطب عمل کند، مدیریت اسلامی است».^۳

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با ارائه تعریف جدید از دین و دین‌داری، جامعه نوینی را بر اساس شریعت اسلام پایه‌گذاری کردند و محور این حرکت را مساجد قرار دادند و همراهی دین و سیاست، دنیا و آخرت، مردم‌مداری و خدایاوری را در نهاد جمعی، اجرایی و مدیریتی به نام مسجد سازمان بخشیدند و مساجد را به عنوان نقطه عطف مدیریت در توسعه مودت، انس و اخوت در میان امت مسلمان مطرح ساختند.

۱. محمدی آشنایی، علی، سازمان و مدیریت مساجد، مرکز رسیدگی به امور مساجد، ص ۱۹.

۲. پرهیزکار، کمال، تئوری‌های مدیریت، ص ۱۸.

۳. مدیریت اسلامی، مرکز آموزش مدیریت، ص ۱۲.

« مسجد به عنوان نقطه عطف مدیریت

در حکومت اسلامی، میان مقامات مسئول و توده‌های مردمی جدایی نیست و مسلمانان می‌توانند بر مسیر و جهت‌گیری‌های حکومت بر روند امور جامعه نظارت کنند. در این دیدگاه، مردم می‌توانند موضع خود در خصوص مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... را به‌طور آشکار اعلام نمایند و با ارایه برنامه‌ها، طرح‌ها و پیشنهادات سازنده، حکومت را یاری دهند. بر این اساس، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از بنیان‌گذاری نظام نوین اسلامی در مدینه، به منظور دخالت و مشارکت مسلمانان در شیوه حکومت (مدیریت) و آگاه ساختن آنان با اهداف سیاسی اسلام، مسجد را که مرکزی عمومی و محلّ تجمّع مسلمانان برای ادای فرایض دینی بود، به عنوان پایگاه حکومت (مدیریت) و نهاد سیاسی-حکومتی (مدیریتی) اسلام برگزید و از آن پس، تجسم عینی همبستگی دین با حکومت (مدیریت) در اسلام به بهترین وجه در مسجد متجلی گردید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مسجد، اصول سیاسی-حکومتی (مدیریتی) اسلام را با مردمان در میان گذارده و در حلّ و فصل مشکلات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی جامعه اسلامی با ایشان مشورت می‌کرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همچنین، مقدمات فکری-اجتماعی و مدیریت بیشتر غزوات را در مسجد فراهم می‌نمود. آن حضرت با ایراد خطبه‌های پُرشور، مسلمانان را برای نبرد با دشمنای اسلام بسیج و از همان جا مدیریت می‌نمود. مساجد در دوران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از نظر عملکردهای سیاسی و اجتماعی بسیار فعال بودند و در این زمینه، نقش بارزی ایفا می‌نمودند. در وهله اول از مساجد به عنوان مراکز اصلی حکومت یاد می‌گردید. باید دانست که دفتر کار خلفای مسلمانان نیز در مساجد بود و در آنجا به رتق و فتق امور کشوری پرداخته می‌شد. هرگاه افرادی برای انجام پاره‌ای مذاکرات به مدینه می‌آمدند، در مسجد با خلیفه ملاقات می‌نمودند. در «تاریخ المدینه المنوره» آمده است که گروه‌هایی از فارس به مدینه آمدند و جویای محلّ جلوس خلیفه دوّم شدند. آنان وی را در منزلش نیافته، برخی گفتند: خلیفه در مسجد است. پس، به آنجا رفته و او را در مسجد در حالی که هیچ کسی با او نبود، یافتند. ایشان گفتند:

همانا سلطنت واقعی، چنین سلطنتی است نه سلطنت کسری.^۱ علاوه بر این، مساجد به عنوان مجالس شورای اسلامی به عموم معرفی شده بود. خلفا، انجمن‌های مشورتی را در مساجد تشکیل داده و در آنجا با مردم یا خبرگان محلی به مشورت و مذاکره در امور اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... می‌پرداختند. هنگامی که حضرت علی (علیه السلام) می‌خواست برای نبرد با سپاه معاویه به شام برود، با مهاجران و انصار در مسجد پیامبر در مدینه به مشورت پرداخت. ابن ابی‌الحدید می‌نویسد: چون فرستاده امام علی (علیه السلام) از نزد معاویه بازگشت، امام در مسجد برای مردم خطبه سر داده و گفت: معاویه با سپاه شام برای نبرد و لشکرکشی به سوی عراق، خود را مهیا ساخته است. رأی شما در این باره چیست؟ به این ترتیب مساجد در آن روزگار به عنوان مجالس شورای اسلامی نقش بارزی را در مدیریت ایفا می‌نمودند.

واگذاری امور به مردم و فراهم آوردن مشارکت و حضور مردم در صحنه‌های گوناگون اجتماعی از جمله تأمین نیازهای فراوان اجتماعی از ویژگی‌های جامعه مدنی شناخته می‌شود. یکی از مفاهیم جامعه مدنی این است که تا حد امکان، فعالیت‌های اجتماعی به خود مردم واگذار شود و از تصدی دولت کاسته شود تا در حد امکان، مردم داوطلبانه در انجام فعالیت‌های اجتماعی حضور داشته و در حد ضرورت دخالت کنند.^۲ بنابراین، مهم‌ترین وظیفه مساجد این است که در اعتلای فرهنگ انسان کوشیده و او را تا مقام خلافت الهی پیش برده و از هر فرد جامعه موجودی مهذب بسازد.

در این صورت، علاوه بر این که جنبه مشارکت مردم در امور تقویت می‌گردد، ساختار مدیریتی مساجد منسجم‌تر شده و توسعه فرهنگ دینی و اعتلای نهادها و فعالیت‌های دینی در سطح جامعه، به‌ویژه در سطح محله‌ای فراهم می‌آید. میزان اهمیت عنصر مدیریت در هر نهادی با توجه به نقش‌ها و کارکردهای آن نهاد، روشن و آشکار می‌گردد. نگاهی گذرا به نقش‌های گوناگون و مهمی

^۱ . بلاذری، فتوح البلدان، ص ۲۲۶.

^۲ . مصباح یزدی، محمدتقی، خلاصه مقالات همایش دین و توسعه، ش ۵.

که مساجد باید در عرصه‌های اجتماعی، عبادی، تربیتی، فرهنگی، آموزشی و... ایفا کنند، اهمیت نقش مدیریتی مساجد را روشن می‌سازد. از یک سو، خداوند متعال کافران و مشرکان را از دخالت در اداره امور مدیریتی مساجد بازداشته و فرموده است: «مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ بِالْكَفْرِ»^۱ و از سوی دیگر، مؤمنانی را که شرایط خاصی دارند، برای اداره امور مدیریتی مساجد شایسته دانسته است و می‌فرماید: «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ»^۲.

مسجد، پایگاه مدیریت کشور پیامبر بود. بعدها، حضرت امام علی (علیه السلام) نیز از مسجد به عنوان پایگاه رسیدگی به امور مملکتی استفاده کرد.

نقش مدیریتی مساجد عبارت است از: اداره روابط اجتماعی از طریق هماهنگ سازی منابع (انسانی، مالی و مادی)، در جهت تحقق اهداف الهی و معنوی و توسعه بشر. این وظیفه خطیر، مستلزم آن است که مساجد با محور قرار دادن بُعد عبادی مسجد، هر فعالیتتی که تحقق ارزش‌های الهی و دینی را تسهیل می‌سازد، به انجام رسانند. این فعالیت‌ها و کارکردها، دارای ابعاد مختلف آموزشی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... هستند که تمامی آنها در جهت توسعه حیات بشر و تقرب به خداوند متعال صورت می‌پذیرد. نکته شایان ذکر آن است که با چنین برداشتی، نقش مدیریتی مساجد، تبدیل به حوزه‌ای پیچیده و ظریف می‌گردد؛ زیرا در این مؤسسه، هم اداره‌کننده، هم اداره‌شونده و هم محصول، انسان‌ها هستند. به عبارت روشن‌تر، نقش مدیریتی مساجد با قلمروهای پیچیده فعالیت‌های انسانی سروکار دارد که اداره آن بسیار پیچیده و مستلزم دانش و بینش عمیق در ابعاد مختلف است. به این دلیل می‌توان گفت که علاوه بر نقش عبادی مسجد که البته محوری‌ترین کارکرد مسجد به شمار می‌آید، نقش مدیریتی مساجد باید به قلمروهای مختلف مدیریت که در چارچوب عملکردها و فعالیت‌های مسجد قرار می‌گیرد، آگاهی و اشراف داشته

۱. توبه، آیه ۱۷.

۲. همان، آیه ۱۸.

باشد. با عنایت به این ویژگی می‌توان گفت که مدیریت مساجد، دارای ماهیت منحصر به فرد و پیچیده‌ای است که اعمال کارآمد و اثربخشی آن مستلزم خبرگی و مهارت‌های متعدد^۱ است.

مساجد، خود را موظف می‌دانند که در مواقع نیاز، روح جدید و تازه را در همه ارکان حاکمیت دمیده و آنها را فعال‌تر سازند. یکی از کارهای مهم مساجد، انتقال نقطه‌نظرات و خواسته‌های مردم محلات و شهرها به گوش مسئولان کشور است که این امر یکی از امور مهم در اندیشه سیاسی اسلام است تا تصمیم‌گیری و مدیریت کلان کشور متناسب با نظارت و خواسته‌های مردم در سطح خرد باشد. مساجد، پشتیبان دولت و نظام اسلامی هستند. مساجد برای ادای وظیفه ظریف، دقیق و پیچیده خود در حوزه مدیریت، به آگاهی‌های بسیاری نیازمندند. بنابراین، باید به‌طور کامل در جریان امور مملکت قرار گرفته و این امر جز با هماهنگی تنگاتنگ دولت و مسجد میسر نیست. در این صورت است که مساجد می‌توانند با توجه به تناسبات زمانی و نیاز اجتماعی به نقش‌آفرینی مؤثر خود در حوزه مدیریت ادامه دهند.

مساجد باید به منظور ایفای نقش خود از ساختارهای مختلف جامعه استفاده کنند. به کارگیری فناوری پیشرفته اطلاعاتی در دنیای جدید مجازی با محتوای متناسب با مساجد محلی، از امور مهم است که مساجد می‌توانند با استفاده از آن ارائه خدمات خود را گسترش دهد. نقش مهم دیگر مساجد، تربیت دینی انسان‌های مؤمن است که بتوانند در عرصه‌های مختلف با استفاده از تجربیات علمی بشری جامعه را اداره کنند. بازیابی نقش گم‌گشته مدیریتی مساجد همچون صدر اسلام در سیره نبوی صلی الله علیه و آله، ایجاد دولت در دولت نیست، بلکه ورود دولت به مسجد محلی است. مسجد، تنها یک مکان نیست، بلکه سازمانی بس مهم برای اجتماع مسلمانان و برقراری اتحاد، یکپارچگی و هدایت آنان به سوی نیکی است. از این‌رو، هنگامی که مسجد ضرار برای ایجاد تفرقه در صفوف مؤمنان احداث شد، خداوند به رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود تا آن را ویران کند. مسجد،

^۱. ابوالقاسمی، محمدجواد، تبیین جایگاه مسجد در نظام اسلامی، ص ۱۱.

میراث بزرگی برای تبادل افکار و مشاوره در امور مسلمانان است. در هر شهری که توسط سپاهیان اسلام فتح می‌گردید مسلمانان، مسجدی بنا می‌نمودند. هدف از انجام این کار این بود که مرکز فرهنگ، اشاعه تمدن و تکوین و مدیریت افکار عمومی صحیح اسلامی هم به شمار آید. هرگاه مسلمانان به مکانی جدید مهاجرت می‌نمودند، مسجدی احداث می‌کردند تا مرکز جدیدی برای گردهمایی مؤمنان باشد.

خطبه جمعه، نقش اساسی و فعالی در توجیه افکار عمومی اسلامی دارد. این در صورتی است که خطیب جمعه، نمازگزاران را نصیحت، ارشاد و توجیه کند. بدین ترتیب، افکار عمومی اسلامی در زیر سقف مساجد و بر اساس شورا شکل گرفته و جنبش‌های آزادی‌بخش اسلامی از مساجد محلی شهرهای سوریه، الجزایر، ایران، مصر و... آغاز شد.

مساجد، تشکیلاتی مدیریتی مبتنی بر نظام اسلامی هستند. رسول خدا ﷺ امت خود را فرمان می‌دهد: «هرگاه سه نفر بودید، یکی را از میان خود امیر کنید». نظام اسلامی بر تمامی اوضاع خانواده، معاملات، بازارها و مظاهر زندگی اسلامی از کوچک تا بزرگ، حاکم بوده و مدیریت می‌نماید. اهل مسجد، یک تشکیلات شرعی مخصوص برای اداره مسجد به شمار می‌روند.

اداره مساجد جامع بر عهده هیئت‌های امناست که از میان نمازگزاران مساجد انتخاب می‌شوند و در میان مردم به حسن رفتار و صداقت معروف هستند. مردم محلات، در کارهایشان به این افراد مراجعه نموده و بدون مشورت با آنان هیچ اقدامی را انجام نمی‌دهند.

« نقش مسجد در مدیریت اقتصادی »

یکی از چالش‌هایی که همواره کشورهای در حال توسعه و عقب‌مانده، در اجرای برنامه‌های توسعه خود با آن مواجه هستند، مسئله فقر و محرومیت اقشار قابل توجهی از افراد جامعه است.

از یک سو، رهایی از مشکل توسعه‌نیافتگی، نیازمند سرمایه‌گذاری کلان و نرخ رشد بالای اقتصادی است و از دیگر سو، فقر موجود در جامعه، امکان چنین اقدامی را نمی‌دهد. ضمن آنکه دست‌یابی به نرخ رشد بالای اقتصادی به گونه‌ای می‌تواند شکاف طبقاتی در جامعه را دامن‌بزند و موجبات فشار بیشتر بر روی قشر آسیب‌پذیر را فراهم آورد. اگر از منظر جامعه‌شناسی، نظری به جوامع گوناگون بیان‌دازیم، چه در کشورهای به اصطلاح سرمایه‌داری و چه در کشورهای کمونیستی و یا نظام‌های مختلف، نوعی تبعیض بین افراد جامعه مشهود است و همین تبعیض باعث ایجاد فقر و توسعه‌نیافتگی در جامعه می‌گردد. از این منظر، بحث (عدالت اجتماعی) و نوع رویکردی که برنامه‌های توسعه می‌توانند به این موضوع داشته باشند، همواره یکی از مباحث اصلی در تدوین و اجرای هر برنامه توسعه، به‌ویژه توسعه شهری بوده است. در صدر اسلام مسجد، مکانی برای حفظ خزانه مملکت اسلامی بود که این خود نشانگر ارتباط محکم میان دین اسلام و عدالت اجتماعی بود. در آن زمان از مساجد به عنوان مراکز امنی برای نگهداری ثروت ملی استفاده می‌شد. در حال حاضر نیز با معطوف داشتن توجه به مساجد، به‌ویژه مساجد محلّه‌ای می‌توان با توزیع متناسب بیت‌المال و اجرای صحیح عدالت اجتماعی، از فقر و توسعه‌نیافتگی جلوگیری نموده و گام در مسیر توسعه پایدار، به‌ویژه توسعه شهری و محلّه‌ای برداشت. مساجد، بهترین پایگاه‌های آگاهی‌بخشی و عدالت‌خواهی هستند.

ما ترس از آن داریم که اگر خارج از مساجد، سخنی از عدالت به میان آوریم، مفهوم عدالت منحرف و تحریف گردد و این در حالی است که می‌توان عدالت اجتماعی را در مسجد که به عنوان پایگاه عدالت معرفی شده، مطرح نمود. در این صورت عدالت نیز ظرف خوبی پیدا می‌کند و انحرافات به کمترین حد خود می‌رسند.

« مسجد و مدیریت توسعه

از آنجایی که مساجد از بدو تأسیس، فعالیت اطلاع‌رسانی را در سنت خود با نماد ارزشمند اذان داشته‌اند، می‌توان از این مراکز با عنوان مراکز مدیریت اطلاع‌رسانی در سطوح شهری و محله‌ای یاد نمود. مساجد به دلیل برخورداری از مبنای دقیق برای اطلاع‌رسانی، تأثیر بیشتری در امر اطلاع‌رسانی، به‌ویژه در سطح محله‌ای خواهند داشت. مسجد به عنوان یک واحد اجتماعی، از کارکردهای متعددی برخوردار بوده و میعادگاه مؤمنان است و از این طریق به زندگی اجتماعی وصل شده و می‌تواند در ارتباطات اجتماعی نقش‌آفرینی کرده و منبع و مرجع مهمی برای انتشار اخبار، به‌ویژه در سطح محله‌ای باشد. با توجه به وجود ۵۷ هزار و ۶۳۵ مسجد در سراسر کشور (با تراژ ۳۶ میلیون متر مربع)، به جرأت می‌توان گسترده‌ترین شبکه فراگیر اجتماعی در کشور را مساجد دانست.

بنابراین، نقش مدیریتی این شبکه گسترده در توسعه شهری، به‌ویژه محله‌ای حائز اهمیت است؛ هرچند که محله‌ها، واحدهای کوچکی را در خود جای دادند، اما با پیوند به یکدیگر، مجموعه بزرگی را می‌سازند که از ظرفیت و پتانسیل بالایی برخوردار است. مزایای ایفای نقش مساجد در مدیریت توسعه محله‌ای و مهم‌ترین فواید دخالت مساجد در حوزه مدیریت توسعه محلات شهری مانند کلان شهر تهران را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

۱. کاهش بار مالی نظام اسلامی؛

هنگامی که گروهی از افراد بومی محله به عنوان افراد خدمت‌گزار در مساجد به فعالیت و انجام وظیفه در راستای اقدامات مدیریتی برای نیل به توسعه محلی به عنوان عبادت مبادرت می‌نمایند، چرا باید وظیفه مدیریت توسعه محلات شهری بر دوش مأموران رسمی نظام قرار بگیرد و گروهی را از کار خیر باز دارد و بار مالی قابل توجهی را بر نظام اسلامی تحمیل نماید؟

۲. تشکیل نهادها و استخدام کارکنان رسمی در راستای مدیریت توسعه محله‌ای؛

۳. انتخاب مدیران شایسته در لوای هیئت امنای مساجد از میان مردم محلات؛

۴. به‌طور معمول، مردم یک منطقه با توجه به شناخت بهتری که از اوضاع و احوال منطقه و افراد شایسته ساکن در منطقه خود دارند، بهتر می‌توانند با مشارکت مساجد به انتخاب مدیران محله‌ای در قالب هیئت امنای مساجد مبادرت نمایند.

۵. از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون هرگاه کار به مردم و نهادهای مردمی، نظیر مساجد واگذار شده است، آنان وظیفه خود را به خوبی انجام داده‌اند و این در حالی است که هر زمان مردم یا نهادهای مردمی حضور نداشته‌اند یا حضورشان کم رنگ بوده است، کاری انجام نگرفته و یا به کندی صورت پذیرفته است.

۶. برقراری هماهنگی میان مدیران و ساکنان محله؛

در جامعه ایران نیز همچون هر جامعه دیگر، جریان‌های گوناگون فکری وجود دارند و مردم هر منطقه و محلّ برای انجام فریضه نماز و دیگر مراسم مذهبی، در مسجد نزدیک به محلّ کار و زندگی خود حضور می‌یابند. از این‌رو، وجود مدیران محله‌ای در بافت مساجد، خود به خود باعث هماهنگی میان مدیران و ساکنان محلات در راستای بررسی و مطرح ساختن مشکلات یا مسائل پیش‌روی محلات می‌گردد؛ حال آنکه انتخاب مدیران محله‌ای از سوی مرکز یا نهادی رسمی، چه بسا به نوعی به بی‌تناسبی میان مشکلات و مسائل موجود در سر راه توسعه محله و اقدامات مدیران انتخابی بینجامد. در نتیجه در عوض توسعه محله‌ای، رکود و بی‌رونقی در محلات را به دنبال داشته باشد.

« نقش مدیریتی مساجد در توسعه محله‌ای

برخی از مشکلات بارز زندگی اجتماعی در کلان شهری چون تهران در بیشتر شهرهای بزرگ جهان در فرآیند شهرنشینی و نوگرایی حضور دارند. نوشته‌های جامعه‌شناسان معتبری مانند امیل دورکیم، کثورت زیمل و لویی‌ورت در اشاره به مشکلات جامعه شهری ابتدای قرن بیستم آغازگر این مباحث بوده‌اند.

به عنوان مثال، زیمل معتقد بود که ساکنان شهرهای بزرگ به‌طور مداوم در معرض «تحریک عصبی» قرار دارند که به‌ناچار فرد را به بی‌تفاوتی و جدایی از افراد دیگر سوق می‌دهد.

لویی‌ورت نیز بر این باور بود که تضعیف پیوندهای سنتی در شهر در اثر تخصص‌های گوناگون، از وابستگی متقابل افراد و ارتباطات نزدیک آنان می‌کاهد. در تحلیل نهایی، آنها زندگی شهری را با، تنهایی، انزوا و احساس عدم امنیت معادل می‌گرفتند.

در نقطه مقابل، پایه و اساس دین اسلام بر اصل اجتماعی بودن قرار گرفته است تا انسان را از زندگی فردی و خزیدن در کنج غربت برهاند و او را به سوی زندگی جمعی و اجتماعی سوق دهد. از این‌رو، اسلام همواره مؤمنان را به شرکت در اجتماعات برای عبادت خداوند ترغیب می‌کند؛ زیرا تنها از طریق اجتماع، مسلمانان می‌توانند به صورت ید واحدی در مقابل مصائب و مشکلات ایستادگی کنند: «ید الله مع الجماعه». به همین دلیل است که مساجد به عنوان جایگاه‌های سنتی و نهادهایی در راستای رفع مشکلات مادی و معنوی رخ می‌نمایند.

« نتیجه سخن

در این برهه از زمان، نقش مدیریتی مساجد که با تمامی قلمروهای پیچیده انسانی اعم از آموزشی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... سر و کار دارند، از اهمیت بسزایی برخوردار گردیده و بر اهمیت نقش بارز مدیریتی مساجد به عنوان مجالس شورای اسلامی و مراکز دخالت و مشارکت مسلمانان در شیوه اداره حکومت (همان گونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آن تأکید داشت)، بیش از پیش افزوده است. از این رو، توجه به نقش مسجد در افزایش فشردگی کالبدی در توسعه شهری از نظام مدیریت شهرمحور به مدیریت محله محور و ایجاد تهران پایدار به واسطه بهره گیری از وجود مساجد و اماکن مذهبی در مراکز محله، بسیار ضروری است.

نکته شایان توجه اینکه با مرکزیت یافتن مساجد به عنوان نهادهای مدیریتی در سطح محله‌ای، نهاد خانواده نیز قوت می‌گیرد. شواهد بسیاری در دست است که نهاد خانواده در ایران، در اثر عواملی مجزا از جمله ادامه به روز شدن و شهرنشینی و افزایش ولع ارتقای اجتماعی، در تلاش برای ورود به دانشگاه و مدارس خصوصی و گسترش در کنار عدم درخواست و توانایی دولت برای تقویت نهاد خانواده و... فرآیند تضعیف این نهاد مهم اجتماعی را فراهم آورده است. علاوه بر این، با مرکزیت مساجد، محلات نیز قوت می‌گیرند. از نظر تاریخی، یک محله، دارای کارکردهای متعدد اجتماعی است که به‌ویژه در مراکز تجمع گروهی همچون مساجد، هیئت‌ها، قهوه‌خانه‌ها و... تبلور می‌یابد. این کارکردها، فعالیت‌ها، هنجارها و ارزش‌های مربوط به آن، اثری تنظیم‌کننده بر رفتارهای جمعی دارند و فرد که عضوی از محله محسوب شده، نوعی همبستگی جمعی میان او و دیگران شکل می‌گیرد. در چنین حالتی فرد در ارتباط‌های مدنی و ضابطه‌مند قرار گرفته، خود را به گفت‌وگو و همبستگی‌های سنتی پایبند می‌نماید و از هویت جمعی جدیدی برخوردار می‌گردد. در این مرحله است که با گسترش چنین وضعیتی، ارتباطات مدنی و ضابطه‌مند گسترش یافته و محله به عنوان بخش خردی از ساختار کلان شهری چون تهران مطرح شده و رابطه

ملموس توسعه و پیشرفت آن در رابطه با مساجد و ارتباطات افراد محلّه، مشهود و هویدا می‌گردد.

« منابع و مأخذ

- « قرآن کریم
- « اقتداری، علی محمد، سازمان و مدیریت، تهران، انتشارات مولوی، ۱۳۶۸ هـ.ش.
- « ابوالقاسمی، محمدجواد، تبیین جایگاه مسجد در نظام اسلامی، تهران، انتشارات عرش پژوه، چاپ اول، ۱۳۷۸ هـ.ش.
- « کوئن، بروس، درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، انتشارات نوبهار، ۱۳۷۴ هـ.ش.
- « ابن شعبه حرّانی، ابومحمد حسن بن علی بن الحسین بن شعبه، تحف العقول، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۴۰۰ هـ.ق.
- « تقوی دامغانی، سیدرضا، نگرشی بر مدیریت اسلامی، تهران، انتشارات نخیل، ۱۳۸۶ هـ.ش.
- « محمدی آشنانی، علی، سازمان و مدیریت مساجد، تهران، معاونت فرهنگی مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۷۷ هـ.ش.
- « پرهیزکار، کمال، تئوری‌های مدیریت، تهران، انتشارات اشراقی، چاپ سوم، ۱۳۵۷ هـ.ش.
- « مدیریت اسلامی، مرکز آموزش مدیریت.
- « بلاذری، أحمد بن یحیی (م ۲۷۹)، فتوح البلدان، ترجمه: محمد توکل، تهران، نشر نقره، چاپ اول، ۱۳۳۷ هـ.ش.
- « مصباح یزدی، محمدتقی، خلاصه مقالات همایش دین و توسعه، شماره ۵.

علل کارآمدی و موفقیت مدیریت مساجد در کشور سنگاپور (از دیدگاه خرد و کلان)

محمدعلی موظف رستمی

چکیده

مسجد، سازمانی دینی و معنوی است که جایگاه خاص و مرتبه والایی در میان مسلمانان دارد و نباید از نقش بسیار ارزنده و تأثیرگذار آن در انسجام بخشی به گروه‌ها و طبقات گوناگون جامعه اسلامی از هر صنف، فرقه، مذهب و نگرش و عقیده غافل شد. این نقش، در ایجاد وفاق و همدلی بین عامه مردم با هدف هدایت آنان به سوی کمال انسانی و گام عملی، در جهت قرب به حق، بیش از همه اهمیت دارد. در این راستا، بهره‌گیری از همه توان، ظرفیت و امکانات در تأسیس سازمانی منسجم، همراه با تشکیلات مدیریتی توانمند و کارآمد برای دست‌یابی به این اهداف متعالی مدیریت مساجد، بسیار حائز اهمیت است. در زمان حاضر، با عنایت به وسعت و گستردگی کشورهای اسلامی و پراکندگی مسلمانان در جهان، مساجد از منزلت والایی برخوردارند و شایسته است که با نگرش تشکیلاتی در این خصوص به اداره مساجد اقدام شود. در این مقاله با هدف شناخت بیشتر نحوه «تشکیلات مدیریتی مساجد در کشور سنگاپور» و الگوگیری از آن، سعی شده است تا ضمن فراهم کردن زمینه بهره‌مندی از

مدیریت‌های موفّق مساجد، از تجربه‌ها و راهکارها و شیوه‌های موفّق مدیریتی آنان استفاده شده و با بومی سازی این روش‌های نوین مدیریتی، گامی عملی و کاربردی در مدیریت مساجد کشورمان برداریم. اگرچه یکی از مشکلات اصلی و مهم که امروز با آن مواجه هستیم، نداشتن ارتباط و تعامل اصولی و مستمر بین مدیران مساجد کشورهای اسلامی، از طریق هم‌اندیشی و هم‌فکری برای هم‌افزایی و ارتقاء سطح کمی و کیفی در حوزه مدیریت مساجد است. اگر فضای ارتباط دوسویه و تعامل منطقی لازم صورت بگیرد، در سایه این ارتباط، شاهد نتایج با ارزشی از جمله انتقال تجربیات موفّق به یکدیگر، تبادل آراء و دیدگاه‌های کارشناسی خواهیم بود و در نهایت، برداشتن گام‌های عملی مهم در مسیر توسعه و تسریع در فرآیند رشد و تعالی جوامع اسلامی، از طریق مدیریت کارآمد و موفّق در حوزه‌های کلان و خرد مساجد نتایج مهم این تعامل و ارتباط دوسویه خواهد بود.

واژگان کلیدی:

مسجد، مدیریت مسجد، سنگاپور، الگو، سازمان.

مسجد، نخستین نهاد اجتماعی شکل یافته در زمان صدر اسلام است. آنچه مسلم است، اتفاق نظر درباره نقش ممتاز و میزان چشم گیر مداخله مردم در بحث مدیریت مساجد است و جملگی به مدیریت مردمی در ساخت و تجهیز و اداره مساجد معتقدند. آنچه در این میان، جای بحث و بررسی دارد، چگونگی اعمال مدیریت کلان و خرد به ابتکار مردم و نیز میزان نقش و پشتیبانی دولت اسلامی در تعامل و همکاری با آنان است.

در هر جامعه‌ای، برای ایفای وظایف خاص و رسیدن به اهداف معین، سازمان‌هایی شکل می‌گیرند. این سازمان‌ها برای تحقق مسئولیت خویش، سیستم و کارکرد مخصوص به خود دارند. در جامعه اسلامی، هر مسجد یک سازمان منسجم معنوی محسوب می‌شود و اهداف، کارکردها و شیوه‌های مخصوص به خود دارد و باید به شکلی صحیح، در حوزه‌های کلان و خرد مدیریت شود تا بتواند نقش اصلی خود را به خوبی ایفا نماید.

با چنین برداشتی، مدیریت مسجد تبدیل به حوزه‌ای پیچیده و ظریف می‌گردد؛ زیرا در این پایگاه، هم اداره‌کننده، هم اداره‌شونده و هم محصول، افراد هستند. به عبارت روشن‌تر، مدیریت مسجد با قلمروهای پیچیده فعالیت‌های انسانی سر و کار دارد که اداره امور آن بسیار پیچیده و مستلزم دانش و بینش عمیق در ابعاد گوناگون است.

سایر شاخه‌های مدیریت، به‌طور عمده از زوایه و چشم‌انداز خاصی مدیریت را مدتظر قرار می‌دهند؛ نظیر مدیریت امور آموزشی، مدیریت فرهنگی، مدیریت نظامی و سایر موارد. مدیریت مسجد با همه این قلمروها سر و کار دارد. به این علت می‌توان گفت که علاوه بر نقش عبادی مسجد، که البته محوری‌ترین کارکرد مسجد به حساب می‌آید، توجه به قلمروهای گوناگون که در چارچوب عملکردها و فعالیت‌های آن قرار می‌گیرد نیز، ضرورت دارد.

در این مقاله تلاش شده است که الگوی موفق و کاربردی مدیریت مساجد در کشور سنگاپور مطرح شود. به این علت، ابتدا نحوه مدیریت و تشکیلات مساجد

در چند کشور مختلف اسلامی و غیراسلامی مورد بررسی اجمالی قرار گرفته و بعد از بررسی اولیه، مدیریت موفق مساجد در سنگاپور، از جنبه‌های مختلف به عنوان پایه کار (پایلوت) مورد کنکاش دقیق‌تر و عمیق‌تر قرار گرفته است. در این راستا، ضمن بررسی و تدقیق، این نتیجه حاصل شد که مساجد کشور سنگاپور از مدیریت منسجم و تشکیلات قوی در دو بُعد کلان و خرد برخوردار است و به همین علت، مدیریت این مساجد، به‌طور دقیق تحلیل و بررسی شده است و علل موفقیت و شیوه‌ها و کارکردهای آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

« بیان مسئله

پس از تحقق انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، فرصت بسیار مناسبی برای توسعه و تعمیق فرهنگ دینی، که از لوازم ضروری و اولیه ایجاد بستر تعامل بین دولت و مردم است، در ایران فراهم شد. با توجه به اقبال عمومی به دین و فراهم شدن این امکان فوق العاده برای توسعه فرهنگ دینی، اکنون با گذشت سه دهه از انقلاب، آنچنان که انتظار می‌رفت، نتوانستیم بین نهادهای مردمی و دولت در امر ترویج و بسط ارزش‌های دینی و مبانی عقیدتی، تعامل واقعی برقرار سازیم. پی‌بردن به علل این موضوع مهم، در کلیه ابعاد، روش‌ها، ساختارها و محتوای برنامه‌های اجرایی، چه در بخش دولتی در قالب حاکمیت جامعه و چه در حوزه فعالیت نهادهای مردمی، به بازنگری نیاز دارد. بنابراین، لازم است از پژوهش‌های عمیق و متقن بهره برد تا بتوان از فرصت‌های باقی مانده نهایت بهره‌برداری را نمود.

بررسی راهکارهای عملی و امکان‌سنجی تحقق و بهبود مؤلفه‌های توسعه در کلیه ابعاد، به‌ویژه در بعد دینی و عقیدتی مردم بر حسب نقش و وظایف تعریف شده، همراه با حدود و ثغور معین و بدون تداخل، اعم از دولت در قبال مردم و مردم در قبال دولت، می‌تواند گامی نوین در تحقق نگاه برنامه‌ای و اصولی به برقراری و گسترش تعامل بین دولت و مردم باشد.

شاید بتوان اذعان نمود که مهم‌ترین چالش‌هایی که در زمان حاضر پیش‌روی ماست و بسیاری از مسائل حاشیه‌ای که با آن مواجه هستیم، ناشی از همین چالش‌هاست، عدم تدوین و کتابت مدیریت مساجد در ابعاد کلان، میانه و خرد و تنظیم روابط بین دولت و مردم در مدیریت مساجد و نیز آماده نکردن ساز و کارهای هدفمند، برای گسترش این روابط است. در عین برخورداری از دولتی دینی و نیز جامعه‌ای دین‌مدار، هنوز نتوانسته‌ایم آن چنان که شایسته نظام ماست، ارتباط نزدیک و تنگاتنگ بین این دو فراهم نمائیم. مسجد به عنوان بستر توسعه فرهنگ دینی، می‌تواند از نمادهای اصلی برقراری تعامل و همکاری بین دولت اسلامی و مردم باشد. تبیین واقعی جایگاه و نقش مساجد می‌تواند ما را در رسیدن به این مهم یاری نماید. بدیهی‌ترین کاری که می‌تواند در این

زمینه انجام پذیرد، تعریف و مشخص شدن حدود و ثغور مدیریت تشکیلات مساجد است.

بنابراین، با توجه به توفیق مسلمانان سنگاپور در مدیریت مساجد، در این تحقیق در پی پاسخ به این سؤال هستیم که علل کارآمدی و موفقیت مدیریت تشکیلات مساجد در کشور سنگاپور چیست؟

« تعریف مفاهیم

در این مقاله از واژه های کلیدی و مفاهیم زیر استفاده شده است. به همین دلیل، قبل از ورود به بحث اصلی، به اختصار این واژگان را تشریح می نماییم:

۱. سنگاپور: نام کشوری در جنوب شرقی آسیاست که به شکل جزیره ای در جنوب کشور مالزی و شمال کشور اندونزی قرار گرفته است.

۲. الگو: به معنای نمونه و مدل است که اغلب با تأثیرپذیری از آن، مشابه آن را پدید می آورند. در این زمینه، «ویلیام هارمون» مؤلف کتاب «یک راهنمای ناتمام به سوی آینده» می نویسد: «الگو همان روش ابتدائی درک، تفکر، ارزش یابی و عمل در کنار تصویری از حقیقت است. الگو به عنوان درکی بی چون و چرا و تلویحی به فرهنگ نفوذ کرده و از طریق تجربه مستقیم به جای آموزش، به نسل های بعدی منتقل می شود».^۱

۳. سازمان مسجد: مسجدها، سازمانی منسجم و معنوی است. «مسجد، دارای هدف غایی تقرب انسان به خداوند و اعتلای نام الله است؛ از این رو، دارای کارکردهای مختلف است. تشکیلات و سازمان مسجد یک تشکیلات اداری، انتفاعی یا تجاری نیست، بلکه سازمانی الهی است که با مدیریت معنوی و نفوذ کلام امام جماعت و با حضور توده مردم سازمان دهی می شود».^۲

۴. مدیریت مسجد: «مدیریت مسجد عبارت است از اداره یک سازمان معنوی از طریق هماهنگ سازی منابع انسانی، مادی، فیزیکی و مالی، برای تحقق اهداف الهی و معنوی».^۳ این امر مستلزم آن است که مدیریت مسجد با محور قرار دادن بُعد عبادی مسجد، هر فعالیتی را که تحقق ارزش های الهی و دینی را تسهیل می کند، محقق سازد.

۵. مسجد: مسجد، به معنای سجده گاه و مکان سجده است. واژه مسجد در لغت، اسم مکان از فعل (سَجَدَ، یَسْجُدُ) است و به معنای «جایگاه سجده و محلّ عبادت

۱. دوهفته نامه الکترونیک شرقیان، ش ۱۷، ص ۲۴.

۲. محمدی آشنایی، علی، سازمان و مدیریت مسجد، ص ۱۹.

۳. موظف رستمی، محمدعلی، آیین مسجد، ص ۲۰.

است که در فارسی (مزگت) هم گفته شده است»^۱.
مسجد، در اصطلاح عرفی عبارت است از مکانی که خاصّ عبادت برای مسلمانان بوده است؛ ولی در قرآن کریم، مسجد به معابد اهل کتاب نیز اطلاق شده است؛ آنجا که می‌فرماید: «قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَسْجِدًا»^۲.

اهداف

- ۱- معرفی الگوی صحیح و موفق مدیریت در تشکیلات مساجد سنگاپور در ابعاد کلان و خرد؛
- ۲- بهره‌گیری از تجربیات ارزشمند، شیوه‌ها و روش‌های کاربردی در مدیریت تشکیلات مساجد این کشور به منظور فراهم آوردن زمینه‌ها و بسترهای ارتقای سطح دانش و آگاهی‌های مدیریت کارآمد برای مسئولان و متولیان مساجد کشور؛
- ۳- ایجاد فضای همکاری و تعامل و تبادل آرا و افکار بین کشورهای اسلامی در تحقق مدیریت بهتر و کارآمدتر مساجد برای غنی‌سازی، تقویت و افزایش کمی و کیفی متون و منابع موجود و نیز در دسترس قراردادن این منابع برای اجرای طرح‌های مطالعاتی و تحقیقاتی و پژوهشی برای محققان و پژوهشگران کشور.

پیشینه نظری

قبل از اینکه به موضوع اصلی مقاله بپردازیم، لازم است به انواع مساجد و چگونگی مدیریت آنها را در دیگر کشورها بپردازیم. به‌طور کلی، سه نوع مدیریت در مساجد کشورهای مختلف اعمال می‌شود که عبارت‌اند از:
۱. مدیریت مساجد در کشورهایی که اکثر قریب به اتفاق جمعیت آنها مسلمان هستند و دین رسمی آنان نیز اسلام است، به‌همّت دولت و هیئت حاکم صورت می‌گیرد؛ مانند: ایران، عربستان، مصر و... .

۱. عمید، حسن، فرهنگ عمید، ص ۲۲۴۲.

۲. کهف، آیه ۲۱.

۲. مدیریت مساجد در کشورهایی که حکومت آنها لائیک است، ولی اکثر مردم آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند، توسط مسلمانان مدیریت می‌شود و دولت هم در بعضی امور مساجد مداخله می‌کند؛ مانند: ترکیه و... .

۳. مدیریت مساجد در کشورهایی که حکومت آنها لائیک است و مسلمانان در اقلیت هستند، مدیریت مساجد به دست خود این اقلیت مسلمان انجام می‌گیرد و دولت نقشی در اداره مساجد ندارد؛ اگرچه در چارچوب سیاست‌های ابلاغی دولت در خصوص چگونگی فعالیت پیروان ادیان رفتار می‌کنند؛ مانند: آلمان، هلند، انگلیس، سنگاپور و... .

کلیات جغرافیایی سنگاپور

«شبه جزیره سنگاپور، جزیره‌ای کم‌ارتفاع است و مانند قطره‌ای در نیمه غربی مالزی و در جنوب شرقی آسیا واقع شده و در جنوب مالزی (مالایای غربی) و شمال اندونزی (سوماترای اندونزی)، در کنار تنگه سنگاپور قرار گرفته است. این کشور علاوه بر شهر سنگاپور که نخستین و بزرگ‌ترین شهر این کشور است، ۵۷ جزیره کوچک‌تر نیز دارد».^۱ طول این جزیره ۴۲ کیلومتر و عرض آن ۲۳ کیلومتر و به طور تقریبی به اندازه تهران است. «کشور سنگاپور حدود ۶۹۵ تا ۷۰۰ کیلومتر مربع مساحت دارد و سنگاپوری‌ها هر ساله با پیشروی به سمت دریا از طریق پرکردن مناطق کم‌عمق ساحلی که خطوط ساحلی آن بیش از ۱۹۰ کیلومتر است، به وسعت آن می‌افزایند. به همین دلیل، مساحت این کشور کمی متغیر اعلام شده است. به‌طور تقریبی کمتر از یک سوم سنگاپور را جنگل و فضای سبز طبیعی فراگرفته است و اقلیم این کشور استوایی است».^۲ جمعیت این کشور حدود چهار میلیون و ۶۰۸ هزار نفر با میانگین سنی ۳۸ سال است. زبان رسمی آنان چینی (۷۷٪)، مالیایی (۱۴٪)، تامیل (۵٪) و انگلیسی است. همه این زبان‌ها رسمی هستند. مردم سنگاپور تنوع دینی دارند. پیروان ادیان

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی پارسی بلاگ.

۲. همان.

در نهایت صلح و آرامش در کنار هم زندگی می‌کنند. از این میان، ۵۴ درصد از مردم پیرو دین بودا و دائو (تائو) و ۱۵ درصد مسلمانان اهل سنت از نژاد عرب، اندونزیایی، مالزیایی، چینی، پاکستانی و هندی هستند. مسلمانان، دوّمین گروه جمعیتی این کشور را تشکیل می‌دهند. غالب مسلمانان، مالایی‌هایی هستند که از نژاد چینی و هندی‌اند. حدود ۱۳ درصد چینی‌ها، اورآسیایی‌ها و هندی‌های مقیم این کشور مسیحی‌اند (اعمّ از کاتولیک، پروتستان و دیگر مذاهب مسیحی) و ۴ درصد هندو هستند. تعداد اندکی از این جمعیت نیز پیرو آئین سیک، هندو و بقیه مردم از دین خاصی پیروی نمی‌کنند»^۱.

حکومت سنگاپور

نام رسمی کشور سنگاپور، جمهوری سنگاپور (Republic of Singapore) و نوع حکومت آن جمهوری است. این کشور در سال ۱۹۶۵م به استقلال رسید و شهر سنگاپور (Singapore) که یک شهر بندری است، پایتخت آن است. «در سنگاپور رئیس حکومت، رئیس جمهور است که با رأی مردم برای دوره‌ای شش ساله انتخاب می‌شود. نخست‌وزیر، رئیس دولت است که به طور معمول، رئیس حزب اکثریت است. مجلس این کشور ۸۴ کرسی دارد که نمایندگان آن با رأی مردم برای دوره‌ای پنج ساله انتخاب می‌شوند. احزاب عمده سیاسی عبارت‌اند از: حزب اقدام خلق، حزب دموکرات سنگاپور، حزب کارگران»^۲.

تنوع قومی یکی از مشخصه‌های بارز سنگاپور است. «چینی‌ها، مالایی‌ها و هندی‌ها اصلی‌ترین این اقوام هستند. دولت سنگاپور هم سعی دارد این کشور را کشوری چند فرهنگی معرفی کند. به نظر می‌رسد میان این اقوام اتحاد برقرار است»^۳.

۱. پایگاه مطالعاتی تخصصی اپنا.

۲. پایگاه مطالعاتی تخصصی اپنا.

۳. پایگاه علمی و فرهنگی عابدی.

وضعیت مسلمانان در سنگاپور

مردم سنگاپور از زمان حضرت محمد ﷺ از طریق تجار عرب مسلمان، با اسلام آشنا شدند و خبر دعوت به اسلام به سرعت به مردم سنگاپور رسید؛ به طوری که شهرهای ساحلی آن در قرن اول هجری سکونت گاه اقلیت مسلمان این کشور بود؛ اما با گذشت زمان آنان در جزایر گوناگون ساکن شدند. مؤسسه‌های دعوت به اسلام و آموزش‌های اسلامی در سنگاپور، از قرن هفتم هجری تأسیس شد. مسلمانان سنگاپور سعی در حفظ هویت اسلامی خود داشته و دارند و به آموزه‌های دین اسلام تمسک می‌جستند و نظریات و عقایدی را که مخالف اسلام و مسلمانان بود، قبول نمی‌کردند.

مجلس علمای اسلامی سنگاپور (Majlis Ugama Islam Singapura) که در سال ۱۹۶۸م تأسیس شد، بر امور مسلمانان و اماکن مذهبی نظارت دارد. این مجلس در «مساجد» و مراکز اسلامی به تبلیغات دینی گسترده‌ای می‌پردازد. مهم‌ترین هدف این مجلس، معرفی جامعه مسلمان به عموم و قوام بخشیدن به امور مسلمانان در سنگاپور است. «آنان در حفظ هویت اسلامی خود تلاش بسیاری دارند و به اشاعه صحیح اسلام اقدام می‌کنند و به همین سبب از فعال‌ترین گروه‌های مسلمان در شرق آسیا به شمار می‌روند».^۱ حکومت سنگاپور نیز نه تنها از رشد اسلام و اسلام‌گرایی جلوگیری نمی‌کند، بلکه به توسعه اسلام و بهبود شرایط مسلمانان این کشور نیز کمک می‌کند.

وضعیت مساجد در سنگاپور

سنگاپور با وجود وسعت محدود خود و نیز جمعیت ۱۵ درصدی مسلمان، دارای ۶۹ مسجد فعال است. با توجه به جمعیت ۷۰۰ هزار نفری مسلمانان در سنگاپور، به طور تقریبی برای هر ده هزار نفر، یک مسجد وجود دارد (البته باید توجه داشت که سنگاپور فاقد شهرها یا روستاهای مهم به غیر از پایتخت است). به همین علت وسعت و مقیاس مکانی مساجد در کفایت یا عدم کفایت جمعیت

^۱ . سایت دانشگاه ادیان و مذاهب.

فعلی سنگاپور بسیار تأثیرگذار است. قدیمی‌ترین مسجد سنگاپور «مولوکا» یا «ملقا» نام دارد که در سال ۱۸۲۰ تا ۱۸۳۰م احداث شده است. با گذشت ۱۹۰ سال از ساخت نخستین مسجد، شمار فعلی مساجد به ۶۹ مسجد رسیده است و رشد کمی و کیفی ساخت مساجد در این کشور بعد از استقلال سنگاپور، یعنی از سال ۱۹۶۵ افزایش فراوانی داشته است. بزرگ‌ترین مسجد سنگاپور مسجد «السلطان» و مسجد «مهاجران» است. مسجد «فاطمه زهرا (ع.ا.س.)» در سال ۱۸۴۳م ساخته شده است.

نقش حکومت سنگاپور در ساخت مساجد بسیار حساس است. دولت نه تنها به سازمان‌های دولتی اجازه می‌دهد که کمک‌های داوطلبانه کارکنان را جمع‌آوری نمایند، بلکه مجموعه‌ای از زمین‌ها را با قیمت اختیاری و توافقی برای ساخت مساجد جدید در اختیار مسلمانان قرار می‌دهد.

مدیریت تشکیلات مساجد سنگاپور

در سنگاپور با توجه به محدودیت جغرافیای سرزمینی و بُعد مکانی، مساجد به شیوه‌ای خاص اداره می‌شود. در ادامه به چگونگی اداره و مدیریت آنها اشاره خواهد شد.

مساجد سنگاپور به همت مجلس علمای اسلامی سنگاپور (Majlis Ugama Islam Singapura) که سه سال پس از استقلال این کشور به عنوان یک مرجع قانونی تأسیس شده، اداره می‌شود. در چشم‌انداز مأموریت ترسیم شده برای این مجلس موارد زیر ذکر شده است:

رسالت مجلس: مهم‌ترین رسالت مجلس علما، گسترش و تعمیق درک مسلمانان سنگاپور در عمل به اسلام و افزایش سلامت روحی و توفیق معنوی مردم است. اولویت استراتژیک: تنظیم برنامه‌های اسلامی، متناسب با نحوه زندگی مذهبی و پیشرفت معنوی مسلمانان سنگاپور تعیین گردیده است.

مجلس علمای اسلامی سنگاپور به عنوان شورای مذهبی این کشور شناخته می‌شود. هنگامی که دولت، نظارت این مجلس بر اجرای قوانین اسلام را

پذیرفت، به توصیه رئیس جمهور سنگاپور کلیه امور مربوط به مسلمانان به این مجلس واگذار شد.

وظیفه مجلس علمای اسلامی سنگاپور این است که منافع جامعه مسلمانان سنگاپور را مورد توجه قرار دهد. مجلس علمای اسلامی سنگاپور مسئولیت ترویج امور مذهبی، اجتماعی، آموزشی، فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی مطابق با اصول و سنت‌های اسلامی را که در قرآن کریم و سنت آمده است، به عهده دارد.

گروه‌های مدیریت یا اعضای شورای مجلس علمای سنگاپور به شرح زیر است: گروه شورای مجلس علما: شامل همه افراد تصمیم ساز و پاسخ گو است که مسئول تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی هستند. اعضای این شورا متشکل از رئیس مجلس علمای اسلامی، مفتی سنگاپور، وزیر مسئول در امور مسلمانان و اشخاص دیگر است که نماینده سازمان‌های مسلمانان سنگاپور هستند. کلیه اعضا به تشخیص رئیس جمهور سنگاپور منصوب می‌شوند. نمودار تشکیلاتی شورا به شرح زیر است.

● شورا؛

● مدیر؛

ده واحد (یونیت) که هر کدام به شرح زیر هستند:

۱. خوشه مسجد: توسعه مسجد، رهبران مسجد، برنامه‌های مسجد؛
۲. خوشه توسعه اجتماعی: زکات و وقف، پرداخت خرجی، توانمندسازی؛
۳. خوشه توسعه و نوآوری: آموزش و پرورش و نوآوری، نوآوری و تعهد، تعامل با جوانان؛
۴. خوشه ظرفیت سازی: Asatizah، آکادمی؛
۵. خوشه توسعه اسلامی: مدرسه، دفتر مفتی؛
۶. خوشه مدیریت دارایی: خدمات حج، گواهی (تأیید) حلال؛
۷. خوشه توسعه سیاست گذاری: مطالعات سیاست گذاری؛
۸. خوشه تعامل اجتماعی (تعامل محله): ارتباطات صنفی، مرکز هماهنگی (انتظامات)، شبکه مردم؛

۹. خوشه توسعه صنفی: منابع انسانی، تعالی سازمانی؛

۱۰. خوشه شرکت خدمات: امور مالی، سیستم‌های اطلاعاتی؛

این مجلس، مرکز اصلی رهنمون مسلمانان سنگاپور و ناظر بر تمام امور مربوط به مسلمانان است و سیاست گذاری‌های کلان و خرد مساجد این کشور را بر عهده دارد و در کنار ایفای این نقش مهم، هدایت‌کننده و مجری برنامه‌ها و فعالیت‌های کلان حوزه مسجد است و در حوزه مدیریت خرد مساجد نیز بیشتر از طریق نظارت مستمر و نظام‌مند بر خوشه‌های مساجد اعمال مدیریت می‌کند.

این مجلس، خوشه‌ها (واحد‌های) گوناگونی دارد که در همه جنبه‌های دینی و زندگی اجتماعی فرهنگی سیاسی و غیره مربوط به مسلمانان فعالیت می‌نماید. نکته شایان توجه و بسیار مهم این که همه این خوشه‌ها تقویت‌کننده مساجد هستند و نقطه عملیات و خاکریز عملیاتی آنها در مساجد قرار دارد و بر امور مسلمانان و اماکن مذهبی نظارت دارد. بستر کلیه فعالیت‌های دینی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی مسلمانان در مساجد قرار دارد و در این مکان مقدس، کلیه جنبه‌هایی که برای حیات و زندگی هر مسلمان لازم است، شکل می‌گیرد. حلقه نهایی سیکل مدیریت تشکیلات مساجد، حلقه اجراست که مساجد بستر اجرای کلیه فعالیت‌های این چرخه هستند. در واقع، دوره‌های فعالیت مساجد در سنگاپور را به شکل زیر می‌توان تبیین کرد. این نمودار گواه بر تبیین بهتر چگونگی تشکیلات فعالیت‌های دینی با محوریت مساجد است. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که سیستم مدیریت مساجد در سنگاپور از وحدت در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری شروع می‌شود و به کثرت در حوزه خوشه‌ها و واحدهای مسئول اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌ها می‌رسد و در نهایت باز در حوزه بستر و مرکز اجرای برنامه‌ها که همان مساجد است به وحدت ختم می‌گردد. شکل زیر نمودار تشکیلاتی مدیریت مساجد سنگاپور را نشان می‌دهد:

هیئت مدیره مساجد که به تشخیص MUIS (مجلس علمای اسلامی سنگاپور)

تعیین می‌گردند، مساجد را اداره می‌کنند. این هیئت مدیره هر دو سال یک‌بار انتخاب می‌شوند که در اجرای برنامه‌های روزانه مسجد، جذب سرمایه، استخدام کارمندان تمام وقت و پرداخت هزینه برای اداره مساجد خودگردان هستند. مساجد در تأمین مالی هزینه‌های عملیاتی و اجرایی خود دچار مشکل نمی‌شوند. بدیهی است از هدایا و کمک‌های وسیع مردمی هم بهره می‌بینند و MUIS از نظر مالی، حداقل پشتیبانی را به آنها ارائه می‌کند و عمده پشتیبانی از مساجد توسط MUIS به شکل آموزش است.

مساجد در سنگاپور دو گونه‌اند: مساجد قدیمی، مساجد جدید. مساجد جدید، یک چهارم کل مساجد سنگاپور را تشکیل می‌دهند. در هر منطقه مسکونی جدید، حداقل یک مسجد جدید برای عبادت مسلمانان احداث شده است. مساجد جدید نه تنها فعالیت‌های خود را متمایز می‌کنند، بلکه معماری این مساجد نیز آنها را به یک نشانه در میان دیگر ساختمان‌ها و آپارتمان‌های مناطق مسکونی تبدیل می‌کند.

امروز در سنگاپور غیر از آنکه مردم برای دعا و عبادت خداوند در مساجد گردهم می‌آیند، فعالیت‌های متنوعی، مانند آموزش و پرورش و سایر فعالیت‌های اسلامی در مسجد صورت می‌گیرد.

مساجد جدید در سنگاپور برخلاف مساجد گذشته، به طیف وسیعی از فعالیت‌ها با هدف برآورده کردن نیاز مسلمانان در همه مقاطع سنی و زمینه‌های گوناگون و منافع مسلمانان می‌پردازند. مساجد در سنگاپور به عنوان مراکز جامعه اسلامی تلقی می‌شود. این مساجد در طول روز به مسلمانان در همه سنین خدمات می‌دهند. کلاس‌های مذهبی بزرگسالان به طور معمول بعد از نماز فجر برگزار می‌شود. پس از آن، کودکان و کلاس مدارس آموزشی برای کودکان برگزار می‌شود. کلاس‌های بزرگسالان دوباره در شب برگزار می‌شود. در تعطیلات آخر هفته، کلاس‌های آموزشی برای کودکان و بزرگسالان نیز برگزار می‌شود.

بر این اساس، برای کلیه مساجد جدید، مدارس، سالن‌های تابعه، کلاس‌های درس، تالار کنفرانس، واحدهای اداری و بخشی نیز برای بانوان برای افزایش

نقش آنان در جامعه طراحی می‌شود. همچنین، فضایی برای عبادت و دعا برای بانوان که نقشی مهم در مدیریت مساجد دارند، در طول فعالیت‌های سالانه در نظر گرفته شده است.

« عوامل مؤثر در مدیریت موفق مساجد در سنگاپور^۱ »

۱- بهره‌مندی هوشمندانه از فضای توسعه محیطی

کشور سنگاپور در طول سالیان اخیر از توسعه همه‌جانبه و فراگیری برخوردار شده و این فرآیند توسعه در کلیه ابعاد و در تمام زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به ظهور و بروز رسیده است. همچنین، مسلمانان این کشور، ضمن استفاده از این فضای فراهم شده و تعریف دوباره و تحلیل دقیق آن، با بهره‌مند شدن علمی و نظام‌مند از تجربیات و الگوهای موفق توسعه، هوشمندانه آن را از دیگر محیط‌های جامعه به محیط مساجد انتقال داده‌اند.

مؤید ادعای فوق، نوع ادبیات بسیار علمی و غنی آنان و توانایی در به کارگیری دانش مدیریت در مطالب و محتوای عرضه شده است. کلمات و واژه‌های علمی، مستدل و برخوردار از غنای فکری و اندیشه متعالی، مبتنی داشتن، پیشینه نظری و گذراندن دوره‌های آموزش تخصصی در حوزه مسجد، قبل از تدوین راهبردها و سیاست‌گذاری در تنظیم تشکیلات و ترسیم نمودار تشکیلاتی و تعیین شرح وظایف برای مدیران مساجد و منابع انسانی فعال، از جمله این امور است.

۲- نظام سازمانی متعالی در حوزه مدیریت مساجد

سیستم (نظام) تعالی سازمانی، برنامه‌هایی است که با هدف بهبود کیفیت و ارتقای سطح بهره‌وری به دست سازمان‌ها نوشته می‌شود. مهم‌ترین حلقه در این نظام، ارزشیابی مستمر و هدفمند فعالیت‌ها و برنامه‌های اجرایی است. سیستم تعالی سازمانی، الگویی است که از بنیاد کیفیت اروپا گرفته شده است و ابعاد مختلفی از جمله بحث رهبری، برنامه ریزی و تعیین راهبردها و خط‌مشی، مدیریت منابع انسانی، مشارکت‌ها (ارتباط هدفمند با عوامل تأثیرگذار برون سازمانی، برای دریافت کمک و منفعت از آنها) و منابع، فرآیند در حوزه توانمندسازها و نتایج کارکنان، مشتری، جامعه و نتایج کلیدی عملکرد دارد.

مسلمانان سنگاپور، نخستین کسانی بودند که در میان دیگر مسلمانان و کشورهای

۱. سایت رسمی مجلس علمای اسلامی سنگاپور.

اسلامی، نظام سرآمدی و تعالی سازمانی را به صورت هدفمند در حوزه مسجد بنیان گذاری و بهره‌برداری نمودند.

یکی از مهم‌ترین برنامه‌های انجام شده به همت مدیران مساجد سنگاپور در این زمینه، بومی سازی و بازتعریف این نظام و متناسب سازی و کاربردی کردن مواردی است که نیاز به تغییر و اصلاح با هدف بهبود کیفی و کمی در اداره سرآمدی مساجد داشته‌اند. برای کلمات و واژه‌های آن معادل سازی کرده و عناوین مناسب را با حوزه کارکردی مساجد انتخاب نموده‌اند و شماری از عواملی را که نیاز به تغییر نداشته و قابلیت استفاده را داشته‌اند، به همان صورت به کار گرفته‌اند.

در این شیوه، پرسش‌نامه‌ای با یکصد سؤال برای ارزشیابی مساجد طرح شده و با مراجعه به مساجد بر اساس شاخص‌های تعیین شده هر مسجد را امتیازدهی و سطح‌بندی می‌کنند و مساجدی را که در سطح تعیین شده برای برگزیده شدن و دریافت جوایز قرار بگیرند، ضمن انتخاب به عنوان مساجد نمونه و اهدای جوایز، به مراکز تعیین‌کننده کیفیت سنگاپور معرفی می‌شوند.

یکی از مزایای استقرار این نظام در مساجد سنگاپور، شناخت دقیق نقاط ضعف و کاستی‌ها و نیز آسیب‌شناسی مدیریت مساجد و فعالیت‌های اجرایی آنهاست. مهم‌ترین محورهایی که در پرسش‌نامه تعالی سازمانی در حوزه مسجد مورد توجه جدی قرار گرفته است موارد مشروح زیر است:

رهبری (رهبری مسجد، مسجد و فرهنگ فعالیت در آن، تصویر مسجد)، سؤال‌های شماره ۱ تا ۱۴؛

برنامه ریزی (راهبرد توسعه و پیشرفت)، سؤال‌های شماره ۱۵ تا ۲۴؛

اطلاعات (مدیریت اطلاعات، مقایسه و تعیین معیار)، سؤال‌های شماره ۲۵ تا ۳۴؛
اجتماع مسجد (برنامه ریزی کارکنان، مشارکت اجتماع مسجد، آموزش کارکنان مسجد، تربیت و توسعه، سلامت اجتماع مسجد، عملکرد و شناخت اجتماع مسجد)، سؤال‌های شماره ۳۵ تا ۵۵؛

فرآیندها (فرآیند توسعه‌های جدید و فعالیت‌های بهتر مساجد، مدیریت فرآیند

و بهبود، عرضه‌کننده‌های خدمات و فرآیندهای مشارکت)، سؤال‌های شماره ۵۶ تا ۷۴؛

جماعت (الزامات جماعت، ارتباط دوستانه جماعت، میزان رضایت جماعت)، سؤال‌های شماره ۷۵ تا ۸۶؛

نتایج (نتایج جماعت، نتایج مالی، نتایج بازار و مطلوبیت نهادی، نتایج اجتماع مسجد، نتایج عملیاتی)، سؤال‌های شماره ۸۷ تا ۱۰۰.

یکی از مهم‌ترین مراحل عملیات و اجرای توسعه سرآمدی (تعالی) سازمانی در مساجد سنگاپور، ارزیابی مستمر مساجد این کشور است. شیوه اجرای این ارزیابی به صورت حضوری و از طریق تکمیل فرم‌های سطح‌بندی شده همراه با موضوعات مشخص و تعریف شده است.

۳- مدیریت مستقل مساجد سنگاپور

همان‌گونه که در مطالب قبلی بیان شد، کشور سنگاپور حکومت لائیک دارد و مبانی اعتقاد دینی در سیاست‌گذاری‌های داخلی و خارجی آن دخیل نیست و در امور مذهبی و دینی مردم نیز مداخله‌ای ندارد و همین امر موجب شده است تا پیروان ادیان در آن، آزادی کامل داشته باشند و در سیاست‌گذاری‌های کلان و خرد و نیز تعیین راهبردها نوعی استقلال داشته باشند. این امر در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها برای جامعه مسلمان سنگاپور زمینه‌های رشد و توسعه همه‌جانبه آنان را فراهم ساخته است.

شیوه مدیریت و تشکیلات مساجدشان به‌طور کامل غیردولتی است و آنان در تأمین منابع مالی و نیز پرورش نیروهای انسانی و برنامه‌ریزی فعالیت‌های دینی، فرهنگی و اجتماعی انتظار دریافت کمک‌های مالی از دولت ندارند. به همین لحاظ نیز هدایت و پشتیبانی در حوزه مدیریت مساجد، فقط از یک مرکز صورت می‌گیرد و از تعدد و تشتت در مدیریت به شدت پرهیز شده است. با توجه به اینکه مدیریت در مساجد سنگاپور نیاز به دستگاه‌ها و نهادهای بالادستی و حکومتی ندارد، جامعه مسلمانان این کشور همگی خویش را در امر

مدیریت مساجد و تأمین منابع مالی و پشتیبانی گسترده از آن، در همه سطوح و لایه‌ها سهیم می‌دانند و مشارکتی فعالانه در اداره مساجد دارند. از طرف دیگر، در اقلیت بودن جمعیت مسلمانان در این کشور موجب شده است تا نوعی احساس همبستگی و انسجام در بین آنان پدید آید.

۴- وحدت رویه علما و مردم در اداره مساجد

یکی از ویژگی‌های جامعه مسلمان در سنگاپور، حاکمیت یکپارچه مجلس علمای اسلامی سنگاپور (MUIS) بر کلیه امور مربوط به مسلمانان است. امری که حتی دولت لائیک این کشور نیز آن را پذیرفته است. حاکمیت علما بر مساجد نیز به صورت تعیین هیئت امنای مساجد است.

بر این اساس، کلیه فعالیت‌های مساجد با محوریت علمای مجلس اسلامی و با نظارت و هدایت کامل آنان اعم از: سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و تعریف و تبیین فعالیت‌ها و نیز نقشه‌راهبردی اداره مساجد ترسیم می‌گردد. پذیرش همه این علما توسط مردم نیز قابل توجه است. یکی از مهم‌ترین دلایل این امر و ارتباط دوطرفه و بهینه بین مردم و علماء، مردمی بودن علما و عدم وابستگی آنان به حکومت است.

در واقع، می‌توان گفت که مردم، نهادهای مدیریتی در مساجد را به‌طور کامل می‌پذیرند و این نهادها را متعلق به خود می‌دانند.

۵- مسلمانان تأمین‌کننده منابع مالی اداره مساجد

در سنگاپور برای ساخت و اداره مساجد به‌طور عمده از کمک‌های مالی مسلمانان این کشور استفاده می‌شود. دریافت کمک‌های مالی به صورت منسجم و پیوسته و به‌طور غیرمستقیم صورت می‌گیرد. در این کشور کمک‌های داوطلبانه مردمی در ساخت مساجد، از طریق کسر ماهانه حداقل پنجاه سنت از سال ۱۹۷۵م شروع شده و از سال ۱۹۷۷م به یک دلار افزایش یافته و هم‌اکنون این میزان به دو تا پنج دلار رسیده است. این کمک‌ها بیشتر به صورت خودکار از حساب

حقوق ماهیانه کارکنان و به صورت داوطلبانه در کمک به ساخت و اداره مساجد از طریق کسور سازمانی دریافت و به حساب صندوقی ویژه که به این منظور در نظر گرفته شده است، واریز می گردد؛ زیرا این پول به طور مستمر برای مساجد واریز می گردد و در نتیجه، اصولی تر و با برنامه ریزی منطقی تر برای اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های دینی و فرهنگی و غیره هدایت و هزینه می گردد.

۶- ساختار منظم و شبکه‌ای مساجد سنگاپور

ساختار تعریف شده برای اداره مساجد در سنگاپور به صورت شبکه‌ای طراحی شده است. این مساجد به صورت منطقه‌ای تقسیم شده و در قالب خوشه‌ای تعریف شده‌اند. مهم‌ترین اهداف تبیین شده برای خوشه‌بندی مساجد این گونه بیان شده است:

- الف) تسهیل در تسهیم و تبادل منابع و انتقال تجربیات و شیوه‌های برتر؛
 - ب) تعیین و اجرایی کردن طرح و برنامه‌های مشترک؛
 - ج) همکاری استراتژیک میان مساجد و سایر سازمان‌ها و نهادهای ملی؛
- در هر شبکه، مساجدی موفق، احداث شده که این تجربیات و علل موفقیت آنها از طریق شبکه به دیگر خوشه‌های زیر مجموعه انتقال داده می‌شود.

خوشه‌بندی یا شاخه‌بندی مساجد (Clustering Mosque) سنگاپور:

هر یک از مساجد این کشور در یکی از خوشه‌های شش گانه زیر قرار می‌گیرد:

۱. خوشه مرکزی (شمال) با تعداد ۱۵ مسجد؛

۲. خوشه مرکزی (جنوب) با تعداد ۱۴ مسجد؛

۳. خوشه جنوب غربی با ۱۳ مسجد؛

۴. خوشه شمال غربی با ۷ مسجد؛

۵. خوشه شمال شرقی با ۷ مسجد؛

۶. خوشه جنوب شرقی با ۱۳ مسجد؛

شکل صفحه بعد نمودار خلاصه شده‌ای از توزیع و شاخه‌بندی مساجد را در

کشور سنگاپور نشان می‌دهد:

۷- اسقرار واحدهای متعامل و مکمل مساجد

در سنگاپور، نهادهای فعال در حوزه دین، تقویت‌کننده یکدیگرند و بر اساس نوع تقسیم‌کار و تعریف منطقی شرح مسئولیت‌ها و تفکیک وظایف، به شدت از موازی‌کاری و تداخل در دیگر خوشه‌ها پرهیز شده است. همین عامل موجب شده تا خوشه‌ها بر اساس چارچوب و راهبردهای تعیین شده حرکت نمایند و کاری انجام ندهند که موجب اتلاف نیرو در منابع انسانی و هزینه گردد.

۸- آموزش و اعزام مستمر مدیران و کارگزاران مساجد

همان‌گونه که در مطالب قبلی اشاره شد، در نظام مدیریت مساجد سنگاپور سیستم (نظام) سرآمدی و یا تعالی سازمانی اجرا شده است. این امر مستلزم آن است که با هدف به روزرسانی اطلاعات و آگاهی مدیران و ارتقاء سطح کمی و کیفی معلومات و دانش مدیریت برای منابع انسانی فعال در مساجد، به‌ویژه برای مدیران مساجد، آنان به مراکز آموزشی متخصص در حوزه تعالی سازمانی، اعزام شوند. امامان جماعت و اعضا برای کسب معلومات و تعلیمات به مراکز تعالی راهنمایی می‌شوند تا از این طریق به عصر طلایی اسلام، یعنی جایگاه ویژه مسجد در صدر اسلام بازگشت داشته باشند. اعضای هیئت مدیره مسجد، در سازمان‌دهی این دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی در رهبری و مدیریت آن حضور دارند. این دوره‌ها را که MUIS (مجلس علمای اسلامی سنگاپور) برگزار می‌کند، بخشی از هدف توسعه مساجد است که در مراکز تعالی انجام می‌شود.

۹- جمع‌بندی کارکردهای متنوع در مساجد

یکی از حسنات و مزایای مدیریت مساجد در سنگاپور احیاء و به روزرسانی کلیه کارکردها و نقش‌ها و خرده نقش‌ها در مساجد است و کلیه فعالیت‌های مربوط به مسلمانان در مساجد، قابل احصاء و اجراست. به همین دلیل، اکثر قریب

به اتفاق کارکردهای دینی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی قابل اجرا برای جامعه مسلمانان و امور خدمات رفاهی در مسجد انجام می‌گیرد. برخی از این امور عبارت‌اند از: مشاوره ازدواج، وعده‌های غذایی رایگان، نمایشگاه، گفتگو در مورد سوء استفاده مواد مخدر و عقد نکاح یا ازدواج رسمی و غیره.

۱۰- جلوگیری از ورود مساجد به احزاب سیاسی

تناسب نداشتن نوع حکومت (لاییک) و نوع نگرش مذهبی مسلمانان سنگاپور موجب شده است تا آنان به علت این ناهماهنگی و ناهمخوانی در عمل در مسائل سیاسی حکومت وارد نشوند و به هواداری یا عضویت در احزاب و گروه‌های سیاسی نپردازند. آنان عمده فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی خود را در مساجد تعریف و سازمان‌دهی کنند. به همین علت کارکرد سیاسی مسجد بیشتر در این کشور نمود دارد و به عنوان بستر فعالیت سیاسی در کنار دیگر فعالیت‌ها و کارکردهای مسجد معنا و مفهوم پیدا می‌کند. این امر در نهایت، ضمن انسجام بخشی به مسلمانان و جلوگیری از سیاست زدگی و سیاسی‌بازی و برخوردهای سیاسی و حزبی در مساجد، از تولید تشّت و تفرقه بین آنان جلوگیری می‌کند.

۱۱- رقابت سالم پیروان ادیان در تدوین برنامه‌ها و فعالیت‌ها

این نکته، یک اصل مهم است که همواره در فضای رقابت سالم، زمینه‌های رشد و توسعه همه‌جانبه فراهم می‌شود. کشور سنگاپور داری تنوع دینی است و برخلاف بسیاری از کشورهای دیگر که دین رسمی آنها فقط یک دین است، در این کشور برخلاف جمعیت کم، سه دین را حکومت به عنوان ادیان رسمی اعلام کرده است. حاکمیت این ادیان گوناگون، موجب شده است تا ناخواسته نوعی فضای رقابتی برای پیروان آنها فراهم شود. گویی اینکه فضای سالم در این میان حاکم است. صحت این قول، حاکمیت صلح و آرامش در میان اقوام و نژادهای گوناگون و احترام متقابل آنها به یکدیگر است.

۱۲- سند چشم‌انداز و نقشه راه کارکردهای مساجد

یکی از علل مهم موفقیت مدیریت مساجد در سنگاپور، تعریف و تبیین چشم‌انداز برای مساجد است. در این چشم‌انداز، اهداف بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت به درستی تعریف شده و روال اجرایی همه فعالیت‌هایی که در مساجد انجام می‌گیرد، مطابق با این اهداف ترسیم شده است. این امر، تأثیری بسیار مثبت و عمیق در مدیریت موفق مساجد دارد؛ زیرا مدیران مساجد در چارچوب‌های تعیین شده، در نقشه راه، مسیر برنامه ریزی و اجرای فعالیت‌های مساجد را ترسیم می‌کنند و چون مبنای حرکت بر اساس نگاه علمی و منطقی و در قالب چشم‌انداز است در نتیجه، انحرافی از این برنامه‌ها، سیاست‌ها و راهبردها دیده نمی‌شود.

۱۳- فراگیری کارکردهای مساجد با نظرگاه اقتضای زمان و مکان

این نکته را باید مدنظر قرار دهیم که مسجد نهاد تک‌کارکردی صرف نیست و نقش‌های بسیار متعدد و متنوع است. این مهم در سنگاپور مورد عنایت جدی قرار گرفته است. همان گونه که در مطالب قبلی اشاره شد، در سنگاپور مساجد جدید با رویکرد عملیاتی نمودن ایده چند کارکردی و تکثیر و تنوع فعالیت‌ها و برنامه‌های گوناگون با توجه به شرایط و اقتضات زمانی و موقعیت جغرافیایی و مکانی شکل گرفته و بنا شده‌اند.

البته به این نکته اساسی درباره کارکردها و نقش اجرایی مساجد باید عنایت داشت که برخلاف فراهم سازی زمینه‌های تنوع پذیری کارکردها، همچنان کارکرد عبادی و مناسکی از اولویت اصلی و اول بر خوردار است. اقامه نماز جماعت در مساجد از جایگاهی ویژه و مهم در میان کارکردهای عبادی برخوردار است و هیچ گاه این امر تحت تأثیر و حاشیه دیگر برنامه‌ها و فعالیت‌ها قرار نمی‌گیرد؛ به خصوص در برپایی نمازهای روزانه به جماعت، حساسیت فراوان دارند و همواره اجرای آن را مورد تأکید قرار می‌دهند و اعلام می‌نمایند که در همه برنامه‌ها، امور عبادی باید محور به‌شمار آید.

۱۴- جوان‌محوری در برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌ها

یکی از ویژگی‌ها و اصول مهم تعیین شده تشکیلات و مدیریت مساجد در این کشور، تدارک و برنامه‌ریزی فعالیت‌ها با محوریت جوان و قائل شدن جایگاه ویژه برای ایشان است. این امر در ارتباط با مناسک عبادی و نیز در کلیه فعالیت‌های دیگر، از قبیل آموزش، اوقات فراغت، ورزش، مشاوره و غیره به‌طور کامل مشهود است.

نکته مهم این است که مدیران، همه سعی و اهتمام خویش را صرف تدارک و برنامه‌ریزی فعالیت‌هایی می‌کنند که به آسانی برای یک جوان، قابل استفاده و بهره‌مندی و دست‌یابی باشد و طوری رفتار نمی‌کنند که جوانان با مشکل مواجه شوند.

۱۵- برنامه‌ریزی برای توسعه و تعالی خانواده

با توجه به اینکه خانواده به عنوان اولین نهاد اجتماعی، تأثیری فراوان در سلامت جوامع، به‌ویژه جامعه اسلامی دارد و زمینه‌سازی این مهم به همت خانواده‌های سالم شکل می‌گیرد؛ به همین علت توجهی ویژه به این امر معطوف شده است. در این راستا، محوری ویژه در برنامه‌ریزی فعالیت‌های مساجد با عنوان توسعه خانواده در نظر گرفته شده است. از جمله فعالیت‌هایی که مختص خانواده‌ها انجام می‌شود، آموزش دادن به آنان است. هدف از آموزش خانواده‌ها، ارتقاء سطح معلومات و آگاهی آنان است.

۱۶- توانمندسازی فعالیت‌ها و عملکردی فعالان مساجد

از دیگر دلایل موفقیت مدیریت مساجد در این کشور، نگاه ویژه به امر توانمندسازی به خصوص در حوزه منابع انسانی است. در کنار برنامه‌ریزی فعالیت‌های گوناگون در این راستا (از جمله آموزش مستمر)، تفویض اختیار به زیرمجموعه‌ها نیز صورت می‌گیرد؛ به نحوی که موجب تقویت و افزایش اعتماد به نفس منابع انسانی فعال در مساجد می‌شود. به‌علاوه، واگذاری اختیار،

نوعی احساس استقلال در تصمیم‌گیری و اجرا را به آنان می‌بخشد که با این کار، زمینه افزایش انگیزه در نوآوری و به کارگیری روش‌های خلاقانه در افراد پدید می‌آورد و فرد مجبور می‌شود فعالیت‌های خود را با سطح نیاز مخاطبان هماهنگ سازد. البته گفتنی است که بحث توانمندسازی در سنگاپور در تحقق توسعه کلان، در دیگر بخش‌ها و سازمان‌های دولتی و بخش خصوصی نیز صورت می‌گیرد و فضای دانش‌محور در این کشور حاکم است و مسلمانان نیز به عنوان بخشی از جمعیت تشکیل‌دهنده این کشور متأثر از این موضوع هستند.

۱۷- روزآمدسازی فعالیت‌ها و برنامه‌های مساجد

از مزیت‌های ویژه مسلمانان سنگاپور، بهره‌گیری و استفاده از فناوری‌های نوین در حوزه ارتباطات و اطلاعات (IT) است. این امر سبب شده است که فضای ارتباط و تعامل بین مسلمانان و مراکز دینی، به خصوص مساجد با سرعت و دقت و به صورت آسان انجام گیرد و اطلاعات آن در شبکه‌ای وسیع به مسلمانان منتقل شود.

پرداخت و دریافت روزآمد امور مربوط به زکات، ثبت‌نام حج، غذای حلال، کمک‌های مالی به مساجد و محاسبه زکات و پرداخت فطریه با استفاده از کارت‌های اعتباری و به روش‌های زیر انجام می‌گیرد:

Enest - Flexi pay - اینترنت بانکی User ID

۱۸- بانک جامع اطلاعاتی از وضع مسلمانان سنگاپور

همان‌گونه که ذکر شد، از مزیت‌های مدیریت موفق مساجد در سنگاپور، بهره‌گیری از سیستم سرآمدی سازمانی است. برای این منظور ضروری است که مدیران مساجد برای برنامه‌ریزی دقیق، اطلاعات کامل و جامعی از وضعیت مسلمانان داشته باشند تا بتوانند سیستم تعالی و برنامه‌ریزی هدفمند را برای توانمندسازی آنان فراهم کنند. مسئولیت اجرای این کار بر عهده «اداره برنامه‌ریزی مساجد» است. این اداره زیر نظر مجلس علمای اسلامی سنگاپور فعالیت می‌نماید.

تهیه این اطلاعات از مخاطبان و اطلاع از علاقمندی آنان برای عضویت در کمیته‌ها، انجمن‌ها، احزاب، مجامع و مؤسسات، به همت افرادی انجام می‌گیرد که تحت پوشش (mujs) فعالیت می‌نمایند.

بعد از تکمیل فرم، هر فرد متقاضی، خویش را موظف می‌داند که به مقررات و ضوابطی که مجلس علما تعیین می‌کند، پایبند بماند و تمام تصمیمات این مجلس را بپذیرد و در هر نوع آموزشی که مجلس علما برای او در نظر می‌گیرد، شرکت نماید.

نکته جالب در این فرم، قرار دادن جای ویژه برای امضا و تأیید تکمیل این فرم توسط معرّف و رابط مسجد و در نهایت دفتر برنامه ریزی مسجد است. در این زمینه اطلاعات مسلمانانی که حداقل ۲۱ سال دارند، به‌طور کامل در قالب یک فرم دریافت می‌گردد. مشخصات زیر در این فرم درج شده است:

مشخصات فردی، نژاد و ملیت، جنسیت، وضعیت تأهل، وضعیت شغل، نشانی محلّ کار، آدرس محلّ کار و زندگی، کدپستی، تحصیلات، شماره تماس، نام معرّف، و غیره.

۱۹- خدمات رفاهی و آموزشی کارکنان مساجد

فعالیت‌هایی در قالب فرصت شغلی و ارائه بورسیه به کارکنان داده می‌شود. در ترسیم اهدافی که برای این منظور در نظر گرفته شده، چنین آمده است: ما در پی توسعه جامعه مسلمانان با اعتبار غنی اسلامی که لازمه پیشرفت در جهان معاصر است، هستیم... مجلس علمای اسلامی خود را متعهد به افزایش رفاه کارکنانش از طریق روش‌های عالی منابع انسانی می‌داند.

۲۰- اطلاع‌رسانی فعالیت‌ها و برنامه‌های دینی مساجد به مسلمانان

یکی از ویژگی‌های بسیار نیکو و شاید منحصر به فرد، حوزه اطلاع‌رسانی مساجد سنگاپور است. اطلاع‌رسانی دقیق و کامل همراه با بیان جزئیات فعالیت‌هایی که برای مناسبت‌های عمومی و خاصّ در طول سال در نظر گرفته شده و نیز برنامه‌های روزانه و دائمی در مساجد انجام می‌شود، بیانگر برجستگی و موفقیت

مدیریت مساجد در این راستا است. برای اطلاع بیشتر به چند نمونه اشاره می‌شود: اعلام دقیق و زمان‌بندی شده خطبه‌های نماز جمعه در مساجدی که برگزار می‌گردد؛ نام و نام خانوادگی خطیب، نوع زبانی که خطبه قرائت می‌شود (انگلیسی، مالایی، تامیلی و عربی) و برای تعدادی از مساجد نیز خطبه به دو زبان خوانده می‌شود. حتی در مساجدی که قبل از خطبه، بیش از یک زبان صحبت می‌شود (مثل انگلیسی و مالایی)، نام این مساجد از قبل اعلام و اطلاع‌رسانی می‌شود. اعلام دقیق اوقات شرعی در کلیه مناطق سنگاپور برای هر ماه مشخص می‌گردد (با توجه به اینکه حکومت این کشور در این خصوص هیچ اقدامی نمی‌نماید). در ماه مبارک رمضان، زمان امساک و افطار نیز اعلام می‌گردد.

اعلام دقیق مجالس تلاوت و حفظ و تجوید قرآن کریم و نام جزء‌هایی که در تاریخ و روزهای مشخص قرائت خواهد شد. این اطلاع‌رسانی در قالب فرم‌ها و جداول مخصوص انجام می‌گیرد.

اطلاع‌رسانی دقیق تمام ابعاد و اشکال و چگونگی پرداخت زکات از طریق تهیّه و توزیع فرم‌های مخصوص و معرفی مراکزی که در زمینه چگونگی و میزان پرداخت زکات مشاوره می‌دهند. همچنین، فرهنگ‌سازی و ترویج سنت نیکوی زکات با بهره‌گیری از آیات و روایات همراه با بیان آثار و برکات آن و نیز تأکید بر این جمله که پرداخت زکات، راهی برای تقویت جامعه اسلامی به‌شمار می‌آید.

اطلاع‌رسانی دقیق از غذاهای حلال و مراکز عرضه‌کننده آن به خوبی انجام می‌شود. با توجه به اینکه غالب مردم کشور سنگاپور غیرمسلمان هستند، همین امر سبب شده است تا مسلمانان در تهیّه غذاهای حلال حساسیت داشته باشند. اطلاع‌رسانی دقیق در این خصوص، به آنها کمک شایان توجهی نموده است. اعلام مساجد اقامه‌کننده نماز عید فطر همراه با ذکر زمان دقیق نماز، آدرس مساجد و نوع زبان قرائت خطبه در کل سنگاپور، با هدف اطلاع دقیق مسلمانان از برنامه‌های این عید بزرگ صورت می‌گیرد.

تهیّه تقویم اسلامی سالانه برای مسلمانان از دیگر موارد است. با توجه به اینکه تقویم رسمی کشور سنگاپور میلادی است، برای اطلاع‌رسانی دقیق روزهای

مناسبت‌های دینی برای انجام عبادات و مناسک عبادی، تقویم سالانه اسلامی تهیه شده و منتشر می‌شود.

۲۱- سنخیت و تناسب فعالیت‌ها و برنامه‌ها با گروه هدف

تدارک و اجرای برنامه‌های مساجد، بر اساس وضعیت عمومی مخاطبان صورت می‌گیرد. تناسب سنی، مقاطع سنی (کودک، نوجوان، جوان، بزرگسال)، جنسیت و نوع نیاز مخاطبان (دینی، اجتماعی، آموزشی، فرهنگی) و نیز زبان مخاطب (انگلیسی، مالایی، عربی) و در قالب‌های مختلف (کلاس آموزشی، نمایشگاه، باشگاه جوانان) و... در این برنامه ریزی‌ها در نظر گرفته می‌شوند. از جمله مهم‌ترین مسائلی که ویژه مخاطبان مسجد در نظر گرفته می‌شود و از آنها درخواست می‌شود، مراعات حداقلی و شرایط عمومی (آداب، رفتارها و...) برای حضور در مسجد است. البته، آنان را تحت شرایط سخت گیرانه قرار نمی‌دهند تا موجب گریز آنان از مسجد گردد.

۲۲- تربیت و کادرسازی از میان جوانان

از برنامه‌های مهم اجرایی تشکیلات مساجد در سنگاپور، توجه ویژه به تربیت نیروهای متخصص و توانمند از میان جوانان مسلمان است. در این زمینه، «مدارس اسلامی سنگاپور» راه‌اندازی شده‌اند. این مدارس، همگام با دنیای مدرن در حوزه‌های علمی و آموزشی حرکت می‌کنند و نمادی از تعلیم و تربیت اسلامی به شمار می‌روند. امروز بسیاری از جوانان فارغ‌التحصیل این مدارس، به افراد مهم و برجسته در سطح کشور تبدیل شده‌اند؛ چنان‌که عده‌ای از آنها در سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی، در مسئولیت‌هایی مهم به کار مشغول شده‌اند. علت موفقیت آنان را باید در ارتقای سطح دانش و آگاهی این افراد دانست که در کنار آموزش‌های علمی، آموزش‌های اسلامی را نیز فرا گرفته‌اند. با توجه به این موفقیت‌هاست که مشابه این مدارس در کشورهای دیگر، از جمله مالزی و فیلیپین نیز راه‌اندازی شده است.

« پیشنهادها

بهره‌گیری اصولی از نظام (سیستم) تعالی سازمانی (سرآمدی)، از طریق بومی‌سازی با هدف روزآمدسازی و کارآیی‌بخشی به مساجد کشور؛ این امر در توانمندسازی و ارتقاء سطح کمی و کیفی فعالیت‌های سازمان مساجد در حوزه‌های مختلف سخت‌افزاری، نرم‌افزاری و منابع انسانی تأثیری فراوان و شگرف خواهد داشت.

اتخاذ ساز و کار مناسب به منظور تبیین صحیح و ضرورت طرح بحث واگذاری مدیریت کلان و خرد مساجد کشور به مردم و استقلال‌بخشی به آن، حول محور و «استوانه ولایت» از طریق عالمان دینی.

با توجه به تعداد بی‌شمار مساجد در سطح کشور ما (بیش از ۷۰ هزار مسجد)، ضروری است نگاهی نظام‌مند و شبکه‌ای در مدیریت آن اعمال و اجرا گردد؛ زیرا بهترین شیوه برای اداره این تعداد مساجد - با توجه به گسترش و پراکندگی آنها در سطح کشور - است. این روش می‌تواند ثمربخش و پر فایده باشد.

احیاء و روزآمدسازی کارکردها و فعالیت‌های دینی با محوریت مساجد، به گونه‌ای که هر فعالیت جدید که در حوزه دینی صورت می‌گیرد، بستر اجرای آن برای مساجد تعریف شود. متأسفانه در زمان حاضر به جای افزایش کمی کارکردها در مساجد، به جداسازی فعالیت‌های دینی و فرهنگی از مساجد پرداخته شده و با راه‌اندازی فرهنگسراها، مجتمع‌های فرهنگی، کانون‌های قرآن، مهدهای کودک، حسینیه‌ها، هیئت‌ها و خیمه‌های خارج از مسجد و...، کارکردهای مساجد به شدت کاهش پیدا کرده و با ادامه این روند، در آینده نزدیک شاهد محدود و معدود شدن مساجد تنها در کارکرد عبادی و مناسکی آنها خواهیم بود.

با توجه به اینکه یکی از بسترهای مهم در فرهنگ سازی و نهادینه سازی فرهنگ مسجد، عامل اطلاع رسانی و آگاه سازی لایه‌ها و سطوح مختلف اجتماع است، لازم است در خصوص این جایگاه مهم توجه و عنایتی ویژه شود و برنامه ریزی اصولی برای بهره‌مندی حداکثری از فضای رسانه‌ای و اطلاع رسانی، به خصوص در فضای مجازی و سایبری صورت پذیرد.

هماهنگ سازی و متناسب سازی برنامه‌ها و فعالیت‌های اجرایی در مساجد با سطح توقعات و انتظارات سطوح و لایه‌های مختلف جامعه، به‌ویژه طبقه جوان و قائل شدن جایگاه ویژه برای مخاطبان و توجه به ذوق و سلیقه آنها، موجب ایجاد و تقویت حسّ همدلی و هماهنگی با مدیران مساجد و روی‌آوری آنها به مساجد خواهد شد؛ زیرا مسجد، به عنوان پایگاهی است که می‌تواند در کمال صداقت، نیازها و توقعات آنها را برآورده سازد.

از جمله اشکالات جدی که در وضعیت فعلی مدیریت مساجد ما، چه در بُعد کلان و چه در بُعد خرد دیده می‌شود، بی‌توجهی به بحث بسیار مهم خانواده‌هاست. ضروری است که در مدیریت مساجد و در تمامی ابعاد آن (کلان و خرد) برای خانواده‌ها به خصوص والدین و بالاخص مادران، جایگاهی ویژه در نظر گرفته شود؛ زیرا هرگاه بتوانیم نهاد خانواده را با مساجد انس دهیم و آشنا و جذب نماییم، در نتیجه، زمینه ایجاد جامعه‌ای سالم و دین‌محور فراهم خواهد شد. این نکته مهمی است که ضرورت دارد در برنامه ریزی برای مساجد توسط مدیران و متولیان امر مسجد، مورد توجه ویژه و عنایت جدی قرار گیرد.

« نتیجه‌گیری

۱. اگرچه دین اسلام برای همه کشورها، دین ثابتی است و اختلافی در احکام و اعمال عبادی و مناسک اجرایی در مساجد، به خصوص در اصول و مبنا وجود ندارد، ولی کارکردهای سازمانی مساجد در کشورهای گوناگون، متنوع است. بنابراین، لازم است از این تنوع و تکثر کارکردها، متناسب با شرایط خاص فرهنگی کشورها بهره‌گیری و استفاده شود.

۲. نظام (سیستم) تعالی (سرآمدی) سازمانی که با هدف توانمندسازی جامعه اسلامی سنگاپور و نیز مدیریت موفق مساجد به کار گرفته شده است، با توجه به بومی سازی آن به همت سنگاپوری‌ها، قابلیت اجرایی در مساجد را دارد و می‌تواند به عنوان الگویی برای کشورهای اسلامی، به‌ویژه کشور ما به اجرا گذاشته شود.

۳. روزآمد نمودن و متناسب سازی برنامه‌ها و فعالیت‌های اجرایی در مساجد، می‌تواند زمینه کارآمدی و ایفای نقش بیش از پیش در فعالیت‌های مختلف در محیط‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی جامعه داشته باشد.

۴. استفاده از فناوری (تکنولوژی) نوین اطلاعاتی و ارتباطی، به‌ویژه فضای مجازی و سایبری، می‌تواند نقش زیادی در چابک سازی و سرعت، دقت و دست یافتنی شدن ارتباط و تعامل بین مساجد و مردم ایفا نماید.

۵. از جمله رموز موفقیت در مساجد سنگاپور، واگذاری و واسپاری امور به مردم و مشارکت فعالانه آنان در اداره مساجد است. عدم دخالت دولت مرکزی در امور مربوط به مساجد، زمینه ساز رشد همه‌جانبه و بهره‌مندی حداکثری از مشارکت مردم شده است.

۶. ارتباط بسیار تنگاتنگ و صمیمانه بین مدیران مساجد و مردم، از عوامل موفقیت مساجد است و همین امر سبب شده است که مردم نوعی احساس یگانگی و مسئولیت در اداره مساجد داشته باشند.

۷. توجه ویژه به امر آموزش و محور قرار دادن آن با هدف ارتقاء سطح دانش و آگاهی منابع انسانی مساجد، از دیگر عوامل موفقیت اداره مساجد است.

۸. اطلاع رسانی همه‌جانبه و فراگیر به روش‌ها و شیوه‌های مختلف، توانسته است زمینه مشارکت بیش از پیش مسلمانان را در اداره مساجد فراهم سازد.

۹. متنوع سازی فعالیت‌ها و برنامه‌های اجرایی در مساجد و توجه به سلايق و ذوق مخاطبان و نیز مدنظر قرار دادن شرایط عمومی و اختصاصی مخاطبان، به ویژه قائل شدن جایگاه ویژه برای جوانان، از عوامل موفقیت تشکيلات مساجد در سنگاپور است.

۱۰. برنامه ریزی هدفمند و اتخاذ ساز و کار مناسب برای هماهنگی و هم‌خوانی سطح انتظارات مردم از مساجد و پاسخ‌گویی منطقی و جدی به این توقعات، موجب برآورده شدن بیشتر انتظارات و خواسته‌های مردم در زمینه‌های مختلف از سوی مدیران مساجد شده است.

۱۱. تهیه و تدوین اصولی و واقع‌گرایانه راهبردها و سیاست‌گذاری‌ها، ترسیم چشم‌انداز و افق فعالیت‌ها همراه با تعیین چارچوب و حدود و ثغور برای حرکت، و متمرکز بودن مرکز هدایت و رهنمون سازی این برنامه‌های ابلاغی، ضمن حذف تعدد مراکز تصمیم‌گیری و تشتت در اجرا، موجب حرکت منطقی، عقلانی و صحیح در این راستا شده که این مهم از مزایای برجسته موفقیت مدیریت مساجد در سنگاپور است.

۱۲. هم‌راستایی و تقویت مساجد به همت کلیه سازمان‌ها، تشکلهای و مؤسسات اسلامی موجب شده است که کلیه فعالیت‌ها و برنامه‌ها در جهت تقویت مساجد صورت گیرد و موجب شود تا از اجرای برنامه‌هایی که موجب تضعیف مساجد و یا جدا شدن و یا حذف یک یا چند کارکرد از مسجد گردد، جلوگیری شود. همین امر موجب رشد و افزایش کمی تعداد کارکردها و نقش‌های فعال مساجد شده و در نهایت، زمینه ساز محور قرار گرفتن مساجد در میان جامعه اسلامی سنگاپور شده است.

« منابع و مأخذ

- « قرآن کریم
- « دوهفته نامه الکترونیک شرقیان، تهران، سال اول شماره ۱۷، ۱۳۸۴ هـ.ش.
- « محمّدی آشنایی، علی، سازمان و مدیریت مسجد، مرکز رسیدگی به امور مساجد، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷ هـ.ش.
- « موظف رستمی، محمّدعلی، آیین مسجد، انتشارات گویه، ۱۳۸۴ هـ.ش.
- « عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۹ هـ.ش.
- « سایت‌ها
- « پایگاه اطلاع‌رسانی: com.parsiblog.mra.www
- « سایت مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان: net.tebyan.www
- « پایگاه اطلاع‌رسانی: com.parsiblog.mra.www
- « پایگاه مطالعاتی تخصصی اینپا: com.blogfa.diplomatist
- « پایگاه علمی و فرهنگی عابدی: ir.abedinet.www
- « سایت دانشگاه ادیان و مذاهب: php.about/ir.ac.urd.www
- « سایت رسمی مجلس علمای اسلامی سنگاپور: sg.gov.muis.www

